درسهای روزانه

تألیف:
شیخ ابوبکر جزائری

ترجمه:
سعید فاضلی رحمه الله



سنی بوک ـ کتابخانه مجازی اهل سنت
www.SunniBook.net

فهرست مطالب

مقدمهٔ مؤلف 19

یادداشت مترجم 22

درسهای ماه محرم 25

درس 1: اعوذ بالله 25

درس 2: حدیث بسم الله 27

درس 3: آیهٔ الحمد لله رب العالمین 29

درس 4: اطاعت از پیامبر ρ 31

درس 5: آیهٔ ایاک نعبد و ایاک نستعین 33

درس 6: حدیث وصیت پیامبر ρ به معاذ 35

درس 7: آیهٔ صراط الذین انعمت علیهم 37

درس 8: حدیث لعنت خدا بر یهود و نصاری 39

درس 9: آیهٔ وضو 41

درس 10: حدیث تعلیم کیفیت وضو 43

درس 11: آیهٔ غسل 45

درس 12: حدیث چگونگی غسل پیامبر ρ 47

درس 13: آیهٔ تیمم 49

درس 14: حدیث تعلیم کیفیت تیمم 51

درس 15: آیهٔ نماز از فحشاء و منکر بازمی‌دارد 53

درس 16: حدیث اکمال وضو گناهان را محو می‌کند 56

درس 17: آیهٔ عفو و گذشت و دیگر مکارم اخلاق 59

درس 18: حدیث خداوند به نه چیز امر کرده است 61

درس 19: آیهٔ اهل ایمان و استقامت 63

درس 20: دستور پیامبر به استقامت 65

درس 21: آیهٔ متقین در سایه‌ها و چشمه‌سارها اند..... 67
درس 22: حدیث صدقه از بهترین مال..... 70
درس 23: آیهٔ انفاق از مال‌های پاکیزه..... 72
درس 24: حدیث ارکان دین اسلام..... 75
درس 25: آیهٔ منافقان اهل فساد و قطع صله رحم..... 77
درس 26: حدیث وصل رحم..... 79
درس 27: آیهٔ دستور خدا به احسان والدین..... 81
درس 28: حدیث بهترین اعمال نزد خداوند..... 83
درس 29: آیهٔ محبت به اطاعت از پیامبر است..... 85
درس 30: حدیث خدا ولی نعمت ماست..... 87
درسهای ماه صفرالخیر 89
درس 1: آیهٔ چنگ‌زدن به حبل الله..... 89
درس 2: حدیث هفتادوسه فرقه..... 91
درس 3: آیهٔ نذر مادر مریم..... 93
درس 4: حدیث حفظ مریم و عیسی از شر شیطان..... 96
درس 5: آیهٔ ذکر و تسبیح خدا در صبح و شام..... 98
درس 6: حدیث مثال کسی که خدا را یاد کند..... 100
درس 7: آیهٔ سختی جان‌کندن ظالمان..... 102
درس 8: حدیث سوال نکیر و منکر در قبر..... 105
درس 9: آیهٔ طلب وسیله و معنی آن..... 108
درس 10: حدیث داستان سه نفری که به غار رفتند..... 110
درس 11: آیهٔ فرضیت روزه..... 112
درس 12: حدیث جزای روزه‌دار را خدا می‌دهد..... 115

درس 13: آیهٔ محافظت بر نمازها و اوقات آن 117
درس 14: حدیث بنای اسلام بر پنج چیز است 119
درس 15: آیهٔ بهترین گفتار 121
درس 16: حدیث فضیلت اذان و صف اول 123
درس 17: آیهٔ آغاز و انجام آفرینش 125
درس 18: حدیث اول و آخر خداوند است 127
درس 19: آیهٔ آفرینش انسان از گل 129
درس 20: حدیث آفرینش آدم و دمیدن روح 132
درس 21: آیهٔ آفرینش انسان‌ها از یک نفس 134
درس 22: حدیث سفارش پیامبر به گذشت از زنان 136
درس 23: آیهٔ سرای آخرت از آن پرهیزگاران است 138
درس 24: حدیث اکل و شرب با دست راست 140
درس 25: آیهٔ تقوی و همنشینی با راستگویان 142
درس 26: حدیث التزام صدق و راستی 145
درس 27: آیهٔ نیکان در بهشت و بدان در دوزخ 148
درس 28: حدیث دیدار اهل بهشت با یکدیگر 151
درس 29: آیهٔ عبادت بااخلاص 153
درس 30: حدیث حسن نیت و ثواب مجاهدان 155
درسهای ماه ربیع الاول 157
درس 1: آیهٔ ذکر مثال‌ها برای پندگرفتن 157
درس 2: حدیث طلب علم آخرت جهت دنیا 159
درس 3: آیهٔ دیدن جهنم با یقین و نمایان 161
درس 4: حدیث روز قیامت از چهار چیز سوال می‌شود 163
درس 5: آیهٔ فرضیت حج 165

درس 6: حدیث معرفی بهترین اعمال 167
درس 7: آیهٔ حاجی محصر که از حج بازمی‌ماند 169
درس 8: حدیث عمره کفاره گناهان است 171
درس 9: آیهٔ شکار در حال احرام 173
درس 10: حدیث کشتن پنج حیوان در حرم مجاز است 176
درس 11: آیهٔ سؤال زیاد سبب دشواری می‌شود 178
درس 12: حدیث خداوند سه چیز را حرام کرده 180
درس 13: آیهٔ اولیاء خداترس و اندوه ندارند 182
14: حدیث دشمنی با دوست خدا 184
درس 15: آیهٔ استعانت به صبر و نماز 186
درس 16: حدیث کار مؤمن همه خیر است 189
درس 17: آیهٔ توبه نصوح کنید 191
درس 18: حدیث توبه و استغفار در روز صدبار 194
درس 19: آیهٔ یاری‌کردن به تقوی و نیکی 196
درس 20: حدیث یاری‌رساندن به مجاهد 198
درس 21: آیهٔ کفاره گناهان 200
درس 22: حدیث هفت گناه کبیره 202
درس 23: آیهٔ هرکس برای فردایش بنگرد 204
درس 24: حدیث ترس از خدا، معاشرت با مردم 206
درس 25: آیهٔ پرهیزگاران در بهشتند 208
درس 26: حدیث در جنت چیزهایی مهیاست 210
درس 27: آیهٔ اجازه و سلام بر اهل خانه 213
درس 28: حدیث امر پیامبرρ به هفت چیز 216

درس 29: آیهٔ دعا و اجابت..... 218
درس 30: حدیث قبولی دعای مسلمان..... 220
درسهای ماه ربیع الثانی 222
درس 1: آیهٔ والفجر ولیال عشر..... 222
درس 2: حدیث فضیلت عمل در ده روز ذی الحجه..... 225
درس 3: آیهٔ انا اعطیناک الکوثر..... 227
درس 4: حدیث کوثر حوضی است در جنت..... 229
درس 5: آیهٔ نامه نیکوکاران در علیین..... 231
درس 6: حدیث پایین‌ترین و عالی‌ترین درجه در بهشت..... 233
درس 7: آیهٔ عذاب کم‌فروشان..... 235
درس 8: حدیث پنج مجازات در مقابل پنج گناه..... 238
درس 9: آیهٔ یا أیتها النفس المطمئنه..... 240
درس 10: حدیث تعلیم دعا..... 242
درس 11: آیهٔ سوال زنان از پشت پرده..... 244
درس 12: حدیث رفت و آمد اقوام شوهر..... 246
درس 13: آیهٔ مؤمنان برادر یکدیگرند..... 248
درس 14: حدیث منع از بغض، حسد و دشمنی..... 250
درس 15: آیهٔ چشم‌پوشی از نامحرمان..... 252
درس 16: حدیث منع نشستن بر سر راه‌ها..... 254
درس 17: آیهٔ استغفار در وقت گناهان..... 256
درس 18: حدیث بخشش گناهان..... 258
درس 19: آیهٔ عدم نماز بر جنازه منافقان..... 261
درس 20: حدیث فضیلت تشییع جنازه مسلمان..... 263
درس 21: آیهٔ اقسام سه‌گانه وحی..... 265

درس 22: حدیث وحی مثل سلسله الجرس 267
درس 23: آیهٔ اقرأ باسم ربک 269
درس 24: حدیث نزول وحی در غار حرا 272
درس 25: آیهٔ صفات مؤمنان مخلص 275
درس 26: حدیث حلاوت ایمان 278
درس 27: آیهٔ در قیامت به اندازهٔ ذره‌ای ستم نمی‌شود 280
درس 28: حدیث ذره‌ای از ایمان سبب نجات 283
درس 29: آیهٔ توبه و بازگشت کافران به اسلام 286
درس 30: حدیث جهاد تا وقتی که اسلام را بپذیرند 288
درسهای ماه جمادی الاول 290
درس 1: آیهٔ ایمان ظاهری منافقان 290
درس 2: حدیث هدیه‌دادن پیامبر ρ به بعضی افراد 293
درس 3: آیهٔ زنان پیامبر ρ زنان عادی نیستند 296
درس 4: حدیث احسان به زیردستان 299
درس 5: آیهٔ منافقان باهم شباهت دارند 301
درس 6: حدیث چهار خصلت علامت نفاق است 304
درس 7: آیهٔ حلول ماه رمضان سبب روزه است 306
درس 8: حدیث دین آسان است 308
درس 9: آیهٔ حلال را نباید حرام کرد 310
درس 10: حدیث حلال و حرام واضح است 313
درس 11: آیهٔ اهل کتاب می‌خواهند شما را گمراه کنند 315
درس 12: حدیث هم‌چشمی نیست مگر در دو چیز 318
درس 13: آیهٔ کافران انتظار قیامت را می‌کشند 320

درس 14: حدیث علامات قیامت 323
درس 15: آیهٔ مادران شیرده 325
درس 16: حدیث چگونه آن زن را نگه می‌داری 328
درس 17: آیهٔ مسابقه برای ورود به بهشت 330
درس 18: حدیث گفته پیامبر برای معاذ 333
درس 19: آیهٔ آمدن دختر شعیب نزد موسی υ 335
درس 20: حدیث جای‌گرفتن در حلقه درس 338
درس 21: آیهٔ ایجاد تفرقه در دین 340
درس 22: حدیث قصد گناه 342
درس 23: آیهٔ کشتن مسلمان به عمد 345
درس 24: حدیث ریاکاری 347
درس 25: آیهٔ اطاعت خدا، رسول و اولیاء امور 349
درس 26: حدیث اطاعت از امیر 352
درس 27: آیهٔ داستان تولد حضرت عیسی 354
درس 28: حدیث آرزوی مرگ را نکنید 356
درس 29: آیهٔ حدود و مرزهای الهی 358
درس 30: حدیث دخول بهشت مشروط به 361
درسهای ماه جمادی الثانی 363
درس 1: آیهٔ ازدواج زنان بی‌شوهر و مردان بی‌همسر 363
درس 2: حدیث جوانان ازدواج کنند یا 365
درس 3: آیهٔ مطلقه را از مراجعه به شوهرش بازندارید 367
درس 4: حدیث مراجعه خواهر معقل 370
درس 5: آیهٔ حقوق زنان بر مردان 373
درس 6: حدیث احترام شوهر بر زن لازم است 375

درس 7: آیۀ ازدواج موسی υ با دختران شعیب υ 377
درس 8: حدیث اجازه ولی در نکاح زن 380
درس 9: آیۀ پرداخت مهر زنان 382
درس 10: حدیث تعلیم قرآن به عنوان مهریه 384
درس 11: آیۀ طلاق و عده آن 386
درس 12: حدیث طلاق در حال حیض بدعت است 389
درس 13: آیۀ عده زن حامله وضع حمل است 391
درس 14: حدیث داستان عده زن زبیر بن عوام τ 394
درس 15: آیۀ عده وفات 396
درس 16: حدیث ابقاء زن معتده در خانه شوهر 398
درس 17: آیۀ طلاق قبل از آمیزش جنسی 400
درس 18: حدیث اقدام پیامبر به طلاق یکی از همسران 402
درس 19: آیۀ تکلیف به اندازه توان است 404
درس 20: حدیث خطاء و نسیان مؤاخذه ندارد 407
درس 21: آیه سوگند لغو 409
درس 22: حدیث سوگند به نام بت‌ها 411
درس 23: آیۀ کفاره سوگند 413
درس 24: حدیث سوگند به غیر خدا Ψ 415
درس 25: آیۀ گفتن انشاء الله در کارها 417
درس 26: حدیث با ان‌شاء الله گفتن شخص حانث نمی‌شود 419
درس 27: آیۀ توانمندان خویشاوندان را فراموش نکنند 421
درس 28: حدیث در جایی که سوگند نقض می‌شود 423
درس 29: آیۀ وفاء به نذر 425

درس 30: حدیث نذر به گناه..... 427
درسهای ماه رجب..... 429
درس 1: اطعام مسکینان، یتیمان و اسیران..... 429
درس 2: حدیث اولین ملاقات عبدالله بن سلام τ با پیامبر ρ..... 432
درس 3: آیهٔ خوردن از گوشت که به نام خدا ذبح شود..... 434
درس 4: حدیث در ابتدای غذا بسم الله بگویید..... 437
درس 5: آیهٔ اصحاب یمین..... 439
درس 6: حدیث انجام هر کار خیر به دست راست..... 442
درس 7: آیهٔ دسته‌جمعی و تنهاخوردن مشکلی ندارد..... 444
درس 8: حدیث خوردن غذا به طور دسته‌جمعی..... 446
درس 9: آیهٔ لباس خود را نزد هر مسجدی بگیرید..... 448
درس 10: حدیث ظرفی بدتر از شکم نیست..... 451
درس 11: آیهٔ شراب و قمار پلید است..... 453
درس 12: حدیث شراب کلید همه بدی‌هاست..... 456
درس 13: آیهٔ از ثمرات خرما و انگور استفاده می‌کنید..... 458
درس 14: حدیث از گندم و غیره شراب گرفته می‌شود..... 460
درس 15: آیهٔ لباس بهشتیان..... 462
درس 16: حدیث نوشیدن در ظرف طلا و نقره حرام است..... 464
درس 17: آیهٔ ای مؤمنان از روزی‌های پاکیزه بخورید..... 466
درس 18: حدیث خداوند پاک است و به جز..... 469
درس 19: آیهٔ زنبور عسل..... 472
درس 20: حدیث خداوند برای هر دردی دوایی قرار داده..... 475
درس 21: آیهٔ هنگام دخول به خانه‌ها سلام کنید..... 478
درس 22: حدیث مسلمانان هنگام ملاقات مصافحه کنند..... 480

درس 23: آیهٔ حقوق ده‌گانه 482
درس 24: حدیث احترام به همسایه و اکرام مهمان 484
درس 25: آیهٔ مؤمنین و... دوستان یکدیگرند 486
درس 26: حدیث هنگام عصر الحمد لله بگوید 488
درس 27: آیهٔ به گناه و دشمنی باهم راز مگویید 490
درس 28: حدیث چون سه نفر هستید، دو نفر باهم 492
درس 29: آیات قرآنی پند است 494
درس 30: حدیث کسی که قرآن را به سختی می‌خواند 496
درسهای ماه شعبان 498
درس 1: آیهٔ انفاق از مال‌های پاکیزه 498
درس 2: حدیث انفاق به خود و خانواده صدقه است 501
درس 3: آیهٔ رفتن به سوی تجارت و سود و ترک خطبه 503
درس 4: حدیث خیار بیع درست است 505
درس 5: آیهٔ عهدشکنی و خیانت 507
درس 6: حدیث خداوند با سه کس سخن نمی‌گوید 509
درس 7: آیهٔ مشروعیت بیع و حرام‌بودن ربا 511
درس 8: حدیث سود هفتاد گناه دارد 514
درس 9: آیهٔ کیست که به خدا قرض نیکو دهد 516
درس 10: حدیث کسی که گره از مشکل برادرش باز کند 518
درس 11: آیهٔ آنچه پیامبر برای شما آورده بگیرید 520
درس 12: حدیث آنچه برای شما آوردم بگیرید 522
درس 13: آیهٔ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر 524
درس 14: حدیث همیشه گروهی از امتم پیروز هستند 526

درس 15: آیهٔ خداوند فواحش و گناه را حرام کرده..... 528
درس 16: حدیث نسبت‌دادن حدیث دروغ به پیامبر..... 530
درس 17: آیهٔ تقوی و گفتار استوار..... 532
درس 18: حدیث اطاعت از سنت پیامبر و سنت خلفا..... 534
درس 19: آیهٔ کسانی که کتاب خدا را کتمان می‌کنند..... 536
درس 20: حدیث تعلیم علم آخرت به جهت دنیا..... 538
درس 21: آیهٔ مراحل خلقت انسان در شکم مادر..... 540
درس 22: حدیث طول قد آدم υ..... 542
درس 23: آیهٔ ظالمان و فدیه در روز قیامت..... 544
درس 24: حدیث آسانترین عذاب و فدیه در روز قیامت..... 547
درس 25: آیهٔ درود فرشتگان بر پیامبر..... 549
درس 26: حدیث آموزش درود و صلوه بر پیامبرρ..... 551
درس 27: آیهٔ داستان داوود و سلیمان..... 553
درس 28: حدیث داستان دو زن و داوری سلیمان..... 555
درس 29: آیهٔ خوردن مال‌های یکدیگر به ناحق..... 557
درس 30: حدیث انتحار و خودکشی..... 559
درسهای ماه رمضان المبارک 561
درس 1: آیهٔ مهاجرین و انصار سابقه‌دار..... 561
درس 2: حدیث مؤمن انصار را دوست می‌دارد..... 563
درس 3: آیهٔ علم قیامت نزد خداست..... 565
درس 4: حدیث با کسانی می‌باشی که..... 567
درس 5: آیهٔ در کار دین اجبار نیست..... 569
درس 6: حدیث تعبیر خواب عبدالله بن سلام..... 571
درس 7: آیهٔ مؤمن آل فرعون..... 573

درس 8: حدیث مسلمان‌شدن ابوذر و شکنجه‌شدنش..... 576
درس 9: آیهٔ خواب ابراهیم υ و قربانی فرزندش..... 579
درس 10: حدیث خواب پیامبر ρ در بارهٔ عایشه ل..... 582
درس 11: آیهٔ سوره قدر..... 584
درس 12: حدیث شبی بهتر از هزار ماه..... 586
درس 13: آیهٔ رمضان ماه نزول قرآن..... 588
درس 14: حدیث روزه رمضان و محو گناهان گذشته..... 591
درس 15: آیهٔ صفات زنان و مردان مؤمن..... 593
درس 16: حدیث افطاردادن روزه‌دار..... 595
درس 17: آیهٔ اعتکاف در مسجد..... 597
درس 18: حدیث مسجد خانه هر پرهیزگار..... 599
درس 19: آیهٔ فرشتگان بدون اذن خدا شفاعت نمی‌کنند..... 601
درس 20: حدیث شفاعت روزه و قیام اللیل..... 603
درس 21: آیهٔ نیکوکاران به نذر خود پایبند می‌باشند..... 605
درس 22: حدیث نذری در گناه نیست..... 607
درس 23: آیه با ندای آذان جمعه به یاد خدا بشتابید..... 609
درس 24: حدیث فضیلت روز جمعه..... 611
درس 25: آیهٔ آن که پاکی جست، رستگار شد..... 613
درس 26: حدیث حضور دختران و زنان در نماز عید..... 615
درس 27: آیهٔ پیدایش جانشینان ناشایست..... 617
درس 28: حدیث ادای نمازهای پنجگانه به طور کامل..... 619
درس 29: آیهٔ نماز را به پا دار که حسناتش سیئات..... 621
درس 30: حدیث نماز گناهان را محو می‌کند..... 624

درسهای ماه شوال 626
درس 1: آیهٔ اطاعت از خدا و رسول و امیران 626
درس 2: حدیث بیرون‌شدن از فرمان امیر 629
درس 3: آیهٔ نرمی دل‌ها به جهت یاد خدا 631
درس 4: حدیث پیروی گام به گام از امت‌های گذشته 633
درس 5: آیهٔ خداوند رازها را می‌داند 635
درس 6: حدیث یادکردن خدا در نفس 638
درس 7: آیهٔ به ذره‌ای خیر پاداش داده می‌شود 640
درس 8: حدیث مومن به شفاعت پیامبر ρ به بهشت می‌رود 642
درس 9: آیهٔ خواب ملک و تعبیر حضرت یوسف υ 644
درس 10: حدیث خواب بد را نباید به کسی تعریف کرد 647
درس 11: آیهٔ از فتنه بترسید که عذابش فرا گیر است 650
درس 12: حدیث عده‌ای از حوض پیامبر بازداشته می‌شوند 652
درس 13: آیهٔ بگو که متاع دنیا اندک است 654
درس 14: حدیث چقدر گنج‌ها و فتنه‌ها نازل شده است 656
درس 15: آیهٔ عذاب قتل عمد مسلمان 658
درس 16: حدیث کس که بر روی مسلمان سلاح بکشد 660
درس 17: آیهٔ خلیفه‌شدن داود بر روی زمین 663
درس 18: حدیث سپردن زمام امور به زن 666
درس 19: آیهٔ خداوند آسانی را به شما می‌خواهد نه سختی 669
درس 20: حدیث آسان بگیرید و سخت نگیرید 671
درس 21: شکم ماهی و حضرت یونس υ 673
درس 22: حدیث کسی نگوید که من از یونس بن متی بهترم 676

درس 23: آیهٔ حیله‌گران روز شنبه که مسخ شدند 678
درس 24: حدیث گناهان یهود را تکرار نکنید 681
درس 25: آیهٔ آزمایش سلیمان و 683
درس 26: حدیث دستگیری دیوی از جنیان 686
درس 27: آیهٔ لقمان و نصیحت‌کردن فرزندش 688
درس 28: حدیث شرک ظلم بزرگی است 691
درس 29: آیهٔ توصیه عیسی υ به پرستش خدا Ψ 693
درس 30: حدیث مردن بر ایمان و عقیده توحید 696
درسهای ماه ذی القعده 698
درس 1: آیهٔ در چهارپایان برای شما منفعتی قرار داریم 698
درس 2: حدیث حیوان‌های حرام‌گوشت 701
درس 3: آیهٔ امر به عدل و احسان 703
درس 4: حدیث قرائت آیه عدل و احسان توسط پیامبر 705
درس 5: آیهٔ انجام عمل شایسته توسط زن و مرد 707
درس 6: پاداش به کوچکترین حسنه 709
درس 7: آیهٔ یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا 711
درس 8: حدیث معاذ بن جبل به عنوان حاکم یمن 713
درس 9: آیهٔ دوستی غیر از خودتان نگیرید 715
درس 10: حدیث هر پیامبر جانشین و همراز دارد 717
درس 11: آیهٔ ساختن و آبادی مساجد 719
درس 12: حدیث شیطان گرگ انسان است 721
درس 13: آیهٔ خوردن اموال توسط روحانیون یهود 723
درس 14: حدیث زکات برای پاکی اموال است 726

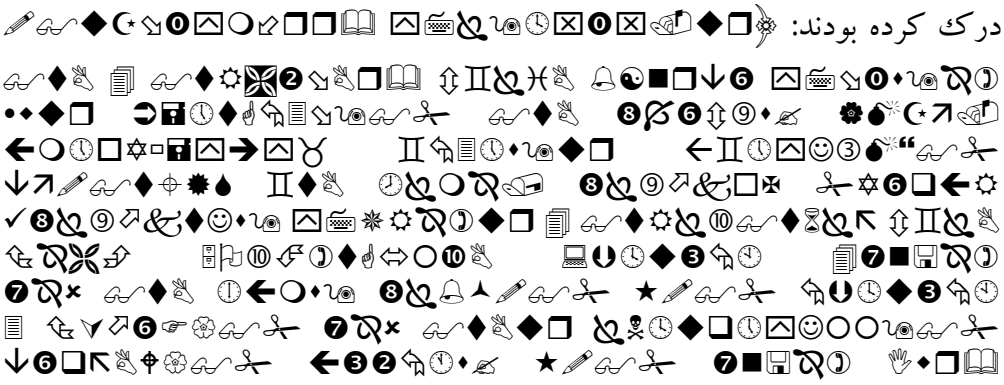
درس 15: آیهٔ کافران به انتظار عذاب خدا و... 729
درس 16: حدیث علامات قیامت... 731
درس 17: آیهٔ وفای مؤمنان به پیمان‌ها... 733
درس 18: حدیث نامه پیامبر برای عمرو بن حزم... 736
درس 19: آیهٔ لزوم احترام روز شنبه بر یهود... 739
درس 20: حدیث اختصاص روز جمعه به امت محمد ρ... 741
درس 21: آیهٔ آمرزش همه گناهان... 743
درس 22: حدیث اگر خطاهای شما به پری آسمان... 746
درس 23: آیهٔ ارج نگذاشتن خداوند به گونهٔ لازم... 748
درس 24: حدیث خداوند آسمان و زمین... 750
درس 25: آیهٔ استغفار برای مشرکان سزاوار نیست... 753
درس 26: حدیث وفات ابوطالب... 756
درس 27: آیهٔ عدم نزدیکی به زنان در حال حیض... 758
درس 28: حدیث مقاربت جنسی با زن حائض... 760
درس 29: آیهٔ طلاق رجعی دوبار است... 762
درس 30: حدیث زنی که بدون عذر از شوهرش جدا می‌شود... 764
درسهای ماه ذی الحجه ... 766
درس 1: آیهٔ خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خریده... 766
درس 2: حدیث خیار در بیع... 769
درس 3: آیهٔ رهن و گرو... 772
درس 4: حدیث استفاده از مرهون... 775
درس 5: آیهٔ اصلاح بین زوجین... 777
درس 6: حدیث صلح بین مسلمانان... 780
درس 7: آیهٔ اجاره و گرفتن اجرت... 782

درس 8: حدیث خدا دشمن سه کس است 784
درس 9: آیهٔ شهادت دو نفر عدل بر وصیتی 786
درس 10: حدیث وصیت مسلمان باید نوشته باشد 788
درس 11: آیهٔ تقسیم میراث 790
درس 12: حدیث پرداخت حق صاحبان سهم میراث 793
درس 13: آیهٔ داستان داود و دو خصم 795
درس 14: حدیث قاضیان سه نوع اند 797
درس 15: آیهٔ شهادت دو مرد، یا یک مرد و دو زن 799
درس 16: حدیث شهادت چهار نفر بر خوبی انسان 801
درس 17: آیهٔ کسب مال از طریق تجارت 803
درس 18: حدیث کسی که اراده پرداخت حق مردم را دارد 806
درس 19: آیهٔ مال‌ها را به دست سفیهان ندهید 808
درس 20: حدیث چند چیز بر شما حرام است 810
درس 21: آیهٔ خواندن خدایان باطل 812
درس 22: حدیث استراق سمع شیاطین 815
درس 23: آیهٔ اشاره به اوقات نماز 818
درس 24: حدیث دعای اذان 821
درس 25: آیهٔ مادر مریم دخترش را نذر کرد 823
درس 26: حدیث شیطان هر نوزادی را مساس می‌کند 825
درس 27: آیهٔ ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی 827
درس 28: حدیث به زودی حضرت عیسی فرود می‌آید 829
درس 29: آیهٔ حضرت محمد خاتم پیامبران 831
درس 30: حدیث تکمیل سلسله انبیاء 833

خاتمه 835

مقدمهٔ مؤلف

سپاس و ستایش خدایی را که قرآن را روح و نور زندگی گردانید که حیات و هدایتی بدون آن متصور نیست. و درود بر مژده‌دهنده، هشداردهنده و چراغ فروزان بشریت، خاتم پیامبران، سرور اولاد آدم حضرت محمد صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم.

دشمنان اسلام به این فکر شدند که مسلمانان را از کتاب پروردگار و سنت پیامبرشان دور بدارند، تا مسلمانان در نادانی و گمراهی قرار گرفته و در نتیجه بتوانند به آسانی و سهولت بر آنان غلبه کنند و کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری زیر نفوذ سیاسی و نظامی و فرهنگی خود قرار دهند و سرمایه‌های مسلمانان را بربایند و مع الأسف تا حد زیادی به این طرح شوم خود موفق شدند، چه ایشان این را خوب درک کرده بودند که قرآن به منزلهٔ روح برای حیات و نوری برای راهنمایی مسلمین است گویا مفهوم این آیات مبارکهٔ قرآنی را درک کرده بودند: ﴿  ﴾ (الشوری: 52 و 53). ترجمه: «و بدین‌سان قرآن را از کلام خویش به تو وحی کردیم. تو نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست. ولی آن را نوری قرار دادیم که با آن هر کسی از بندگانمان را که بخواهیم، هدایت می‌کنیم. و بی‌گمان تو (مردم را) به سوی راه راست، راهنمایی می‌کنی. ... راه پروردگاری که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست. آگاه باشید که همه‌ی امور به‌سوی الله بازمی‌گردد».

. لذا حیله‌هایی به کار گرفتند تا مسلمانان را از قرآن و سنت دور کنند و فقط قرآن زندگی ساز، بر مردگان تلاوت شده و احادیث پیامبر ρ برای طلب برکت خوانده شود نه برای شناخت دقیق احکام، عقاید، عبادات، آداب و اخلاق و با وارونه‌کردن فرهنگ اسلامی

توسط روحانی نماهایی که به کشورهای اسلامی گسیل داشتند، مسلمانان را به خرافات پرستی تحجر فکری و محدوداندیشی وادار نمودند. و چنین استدلال می‌کردند که در قرآن و سنت ناسخ و منسوخ، خاص و عام، مجمل و مبین موجود است که غیر خواص آن را درک نمی‌کنند، لذا برای این که در خطا نیفتیم لازم است که بر آنچه مجتهدین بزرگ و علمای علم کلام توضیح داده اند اکتفا کنیم چنانکه در تفسیر قرآنکریم گفتند: صواب آن خطأ و خطا در آن کفر است و از گفتن قال الله یا احل الله یا امر الله و نهی الله، مؤمنین را بازداشتند و قرآن در شرایطی قرار گرفت که برای تفکر و تفسیر آن دو نفر یا چند نفر جمع نمی‌شدند مگر که آنان از فقیهان بزرگ می‌بودند در حالی که ایشان چقدر اندک بودند و مسلمانان به حالتی درآمدند که قرآن را برای این، به فرزندان خود می‌آموختند، تا در قبرستان‌ها بر مردگان و یا در خانه‌ها برای مرده‌داران بخوانند و احادیث نبوی بخاری را برای تیمن و تبرک می‌خواندند، از اینجا بود که مسلمانان نسبت به قرآن و سنت جاهل و گمراه ماندند. و دشمنان اسلام به سهولت توانستند بر کشورها و دولت‌های اسلامی غلبه کرده و از اندونیزیا در شرق تا مغرب اقصی زیر سیطرهٔ این دشمنان اسلام درآمد.

و از شگفتی آنچه پیش آمد این بود که حاکمین کشورهای اسلامی خود را راست گفتارتر، پاک‌نفس‌تر، با اخلاق‌تر، عادلتر، وفادارتر و امین‌تر از مسلمانان محکوم قلمداد کرده بودند و اگر چنین نبود نمی‌توانستند ریاست و اداره این کشورها را به دست بگیرند، و تعجبی ندارد که ایشان پیش از آن که مسلمانان را زیر سلطه درآورند، آنان را از قرآن که روح و نور است و سنت که شرح قرآن و سبب هدایت به صراط مستقیم است، دور نگه داشته و آنان را در نادانی و بی‌خبری قرار دادند و سرانجام آزادی و رهایی مسلمین از سلطهٔ کفار میسر نگشت، مگر بعد از آن که بعضی از مسلمانان به قرآن و سنت چنگ زدند و به تعلیم و تعلم آن شروع نمودند و بشریت را به قرآن و سنت دعوت کردند، رحمت خدا بر روان پرچم‌داران این حرکت و نهضت مثل سیدجمال الدین و شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا و شیخ محمد و شیخ طیب العقبی مرد توحید و اصلاح آن که چشم زندگی سرمهٔ

همچون او تا به امروز نکشیده است، رحمت و غفران خدا بر او و برادران همفکرشان و مصلحین بزرگ باد و مردم به فضل خداوند و دعوت داعیان صالح که در کشورهای اسلامی پراکنده شده اند، مجدداً به قرآن و سنت روی آوردند، و بنده لازم دیدم که این دعوتگران مصلح را گرچه با هدیهٔ اندک باشد یاری نمایم، لذا این کتاب را که دارای سیصد و شصت و چند آیه و حدیث صحیح است به تعداد روزهای سال به رشته تحریر درآوردم، و شایسته است که امام مسجد و یا بزرگ خانواده بعد از ادای نماز مغرب بنشیند و یک آن را با آرامش و ترتیل برای شنوندگان بخواند و تکرار نماید تا که شنونده‌ها آن را حفظ نمایند سپس شرح آن را بخواند و آنچه را ندانند توضیح دهد تا کاملاً درک نمایند که اگر موضوع آن، عقیدتی باشد آن را اعتماد نمایند و اگر حکمی باشد به آن عمل کنند و اگر عبادتی باشد آن را انجام دهند و اگر پند و موعظه‌ای باشد از آن پند گیرند، و اگر اخلاقی باشد به آن متخلق شوند و به همین منوال اهالی مساجد و خانواده‌ها یک روز آیتی از کتاب خدا و روز دیگر حدیثی از سنت رسول خدا ρ را فرا گیرند، تا به خواست خداوند با کسب این دانش‌ها و آداب و معارف و عمل به آن‌ها، سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت را حاصل نمایند و قطعا به سعادت و کمال خواهند رسید که وعدهٔ الهی حق است. **وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْن.**

مؤلف

ابوبکر الجزائری مدرس مسجد نبوی شریف، مدینه منوره

اول رجب سال 1412 هـ ق

یادداشت مترجم

(آل عمران: 104) «باید از میان شما گروهی باشند که به سوی نیکی فرا بخوانند و امر به معرف و نهی از منکر کنند؛ چنین کسانی رستگارند».

با توجه به آیه مبارکه فوق همواره در میان مسلمانان باید داعیان الی الله و مصلحین دانا باشند که مردم را به نیکی‌ها دعوت کرده و از بدی‌ها بازدارند که فلاح و رستگاری تنها از راه دعوت و اصلاح ممکن است.

و با نظر به پیوندهای اجتماعی و این که هیچ بدی در اجتماع انسانی در نقطه خاصی محدود نمی‌شود بلکه هرچه باشد همانند آتشی امکان سرایتش به نقاط دیگر زیاد است و هر زمان امکان این را دارد که به صورت یک زیان اجتماعی درآید، لذا عقل و منطق به افراد مصلح و دلسوز حکم می‌کند که در پاک‌نگهداشتن خانواده و محیط زیست خود از هرگونه تلاش و کوشش خودداری نکنند.

از مصلح بزرگ انسانیت و منجی عالم بشریت پیامبر خدا ρ چنین نقل شده که فرمود: یک فرد گنهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تبری برداشته و به سوراخ‌کردن موضعی که در آن نشسته است بپردازد و هرگاه به او اعتراض شود در جواب بگوید: من در سهم خود تصرف می‌کنم اگر دیگران او را از این عمل خطرناک بازندارند طولی نمی‌کشد که آب به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق شوند. پیامبرρ با این مثال جالب، منطقی بودن وظیفه دعوت و اصلاح را مجسم ساخته اند.

لذا در طول تاریخ دعوتگران مخلص و مصلحین دلسوز برای پایان‌دادن به نابسامانی‌های اجتماع به اصلاح و مبارزه با هرگونه فساد و زشت‌کاری اقدام کرده و امت را به کارهای

نیک و پسندیده دعوت و تشویق کردند در این راستا مصلح بزرگ استاد ابوبکر جزائری مدرس مسجد نبوی شریف در مدینه منوره مجموعه‌ای از آیات و روایات را به حساب ایام سال سیصد و شصت درس برای سیصد و شصت روز جمع‌آوری کرده است و این نخستین مجموعه در تاریخ اسلام است که بدین شکل و سان ترتیب یافته و همینطور که از اسمش پیداست «کتاب المسجد وبیت المسلم» کتابی است که در مسجد و خانه تدریس می‌شود و باید ائمه مساجد و مربیان خانواده‌ها شبی آیتی از آیات قرآنی و شبی حدیثی از احادیث گهربار نبوی را برای شنوندگان بخوانند و تکرار نمایند تا بدینوسیله اهل مساجد و خانه‌ها را به مکتب رهایی‌بخش وحی آشنا ساخته به تربیت و اصلاح آنان بپردازند.

با توجه به اهمیت و خصوصیات این کتاب اولاً این که مؤلف آیات و احادیث ویژه را که جهت اصلاح فرد و جامعه مؤثر می‌باشد انتخاب کرده و برای فهم و درک هرچه بهتر خوانندگان عزیز به طور اختصار شرح داده است ثانیاً در آخر هر آیه و حدیث جهت بهره‌گیری مربیان و دعوتگران راهنمائی‌هایی ترتیب داده و نکات مهم آن را تذکر داده است.

ثالثاً این که آیات و احادیث را به درس‌های تقسیم کرده و هر درس را برای شبی برگزیده تا برای فراگیری و تعلیم در طول سال سهل‌تر باشد بنده هم با کسب اجازه کتبی از مؤلف محترم اقدام به ترجمه آن نمودم البته ترجمه بنده از اشتباهات املایی و انشایی خالی نبوده بویژه این که این ترجمه اولین کار ما بوده است و به طور کلی به ناتوانی خود در فن ترجمه و ادبیات فارسی اعتراف می‌کنم به هرصورت امیدوارم گامی در راه اصلاح خود و دیگران برداشته باشم و جای دارد که در این مقام از برادرانی که در ترجمه و طبع این کتاب کمال محبت و همیاری را مبذول داشتند خصوصاً جناب مولوی سید عبدالباقی عاصمی که در ترجمه بخش اعظم این کتاب همکاری داشتند و همچنین جناب مولوی عبدالله شفیقی و جناب مولوی رحمانی صمیمانه سپاسگذاری نمایم خداوند بنده و ایشان را در زمره بندگان صالح خود قرار دهد.

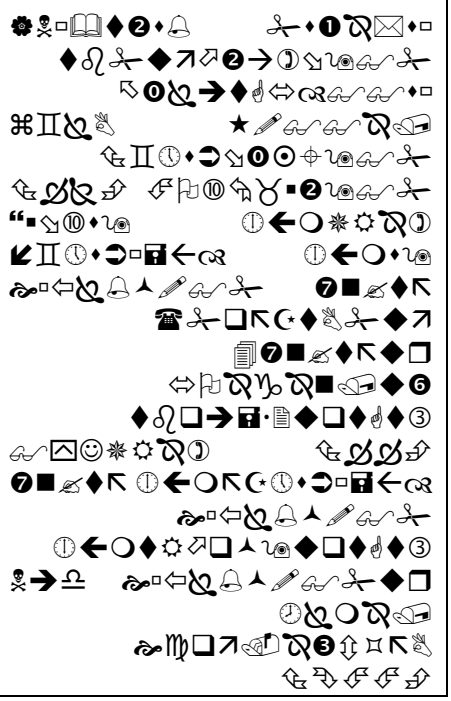
جمادی الثانی 1419

خراسان تایباد جامعه الأحناف دارالقرآن الکریم

محمد سعید فاضلی

درسهای ماه محرم

درس 1: اعوذ بالله

قول الله تعالی:	گفتهٔ خدای تعالی:
	(98) هنگامی که می‌خوانی قرآن را پناه بر بخدا از شیطان رانده شده. (99) همانا نیست او را فرمانروایی بر آنان که ایمان آورند و بر پروردگار خویش توکل کنند. (100) جز این نیست که فرمانروایی او بر آنانست که دوست‌دارندش و آنان که به دو شرک می‌ورزند.

[نحل: 98 - 100]

شرح: ای مؤمن هرگاه می‌خواهی قرآن را بخوانی بگو: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم: پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده، سپس هرچه می‌خواهی از سوره‌ها و ایات را بخوان، زیرا این پناه‌جستن به خدا تو را از وسوسهٔ شیطان نگه می‌دارد و قرائتت را مختل نمی‌سازد، چرا که شیطان تسلط و نفوذ بر مؤمن ندارد، شیطان بر کسانی غلبه پیدا می‌کند که با او دوستی برقرار کردند و از او پیروی کردند و به وسوسه او به انواع گناهان آلوده شدند، شیطان در کسانی نفوذ می‌کند که برای خدا شریک قرار دادند و به جای خدا، معبودان دیگری مانند: آتش، خورشید، ماه و بعضی ستارگان را پرستیدند، یا به جای خدا، فرشتگان و بعضی پیامبران و صالحان را عبادت کردند، و از آنان مستقیماً کمک خواستند. به نام آن‌ها ذبح و سوگند یاد کردند یا شخص آنان را مورد حب و بغض قرار دادند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

ای مربی آگاه برای آموزش و پرورش برادران مومنت به رهنمایی‌های زیر توجه کن:

1- آیات فوق را با آرامش و ترتیل بخوان و به حاضران دستور ده که آیات را آهسته تکرار کنند تا اکثریت آن‌ها را حفظ کنند.

2- سپس با کمال آرامش آیات سه‌گانه را تشریح کن و به زبان محلی و عامیانه شرح آیات را بیان کن.

3- به حکم آیهٔ کریمه ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾ در وقت تلاوت قرآن گفتن اعوذ بالله لازم است، مگر این که اول سوره باشد بعد از اعوذ بالله، بسم الله الرحمن الرحیم هم بگوید: اما اگر وسط یا آخر سوره باشد سنت این است که اعوذ بالله بگوید نه بسم الله.

4- حاضران را توصیه کن تا از شرک که شرکت‌دادن غیر در عبادت خداست بپرهیزند.

5- به حاضران سفارش کن که بر خدا توکل کنند، از وی اطاعت کرده و به جز او از کسی نهراسند.

درس2: حدیث بسم الله

قَولُ الرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ: «يَا غُلاَمُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ»	بخاری و مسلم از پیامبر ρ روایت می‌کند که برای عمر بن ابی سلمه فرمودند: ای پسر! نام خدا را یاد کن و با دست راست از پیش خود بخور.

(متفق علیه)

شرح: عمر بن ابی سلمه پیش زاده و پروردهٔ رسول خدا ρ بود، چون مادرش ام سلمه همسر پیامبر ρ گردید، و پدرش ابوسلمه در احد شهید شده بود پیامبر ρ همسرش ام سلمه و فرزندش عمر را در خانهٔ نبوت جای دادند، لذا ام سلمه مادر مؤمنان و فرزندش عمر بن ابی سلمه پروردهٔ رسول خدا شدند. و چون غذا حاضر شد و پسر می‌خواست دست به غذا بزند، پیامبرρ به عنوان آموزگار و مربی، وی را ادب می‌دهد، می‌گوید: پسرم بسم الله بگو: که این سنت خوردن و نوشیدن است، و با دست راست بخور چرا که دست چپ برای ازالهٔ نجاست در استنجاء و غیره به کار گرفته می‌شود. شیطان و کفار با دست چپ می‌خورند نباید مسلمان به آن‌ها تشبیه شود. چنانچه مسلم از پیامبر ρ روایت کرده می‌فرمایند: «هرگاه می‌خواهید بخورید یا بنوشید با دست راست بخورید و بنوشید که شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد» اما گفتهٔ پیامبر: «کُل مما یلیک» (بخور از پیش خود) این دستور برای این است تا کسانی که مشترکاً غذا می‌خورند یکدیگر را اذیت نکنند، و هریک از پیش خود بخورد تا حق هیچکس ضایع نشود و به خاطر حفظ محبت و دوستی بین مسلمانان کاری نکنند که سبب دشمنی و کینه شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- لفظ حدیث را به حاضرین در جلسه تلقین کن، تا خوب حفظ کنند و از اکثر آن‌ها بپرس تا آمادگی کامل پیدا کنند.

2- از حاضرین بپرس که عمر بن ابی سلمه چه نسبتی به پیامبر ρ داشته است.

3- از ایشان بپرس که چرا همسران پیامبر ρ را امهات المؤمنین (مادران مؤمنان) می‌گویند نه اُمهات المؤمنات (مادران زنان مؤمنه)؟

4- از حاضرین سؤال کن که آداب غذاخوردن چیست؟ آیا بسم الله گفتن، خوردن به دست راست وادب خوردن از پیش خود را دانسته اند؟

5- به آنان یادآوری کن: که تشبیه به شیطان و کفار حرام است.

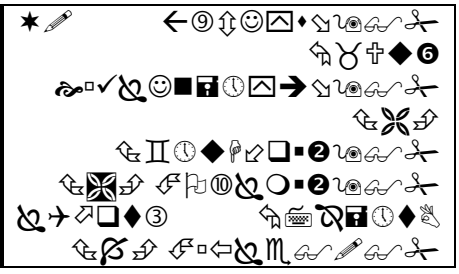
6- آداب دیگر غذاخوردن را به آنان بیان کن، از آن جمله لقمه کوچک برداشتن و خوب جویدن و از وسط ظرف نخوردن، و این که اگر چیزی از غذا بر زمین بریزد و قابل خوردن است آن را تمیز کرده و بخورد، شاید برکت طعام در همان غذای ریخته باشد.

7- به آنان تذکر ده کسی که با دست غذا می‌خورد، پیش از شستن یا پاک‌کردن انگشتان خود را بلیسد.

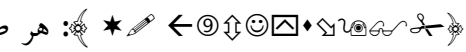
8- به آنان بگو: که بعد از صرف غذا حمد و ثنای خدا را بگویند.

9- به آنان بیان کن که برای صاحب طعام دعا کنند و بگویند: «**اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِي مَا رَزَقْتَهُمْ وَاغْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمْهُمْ**» خدایا در رزق ایشان برکت عطا بفرما و آنان را مورد عفو و رحمت خود قرار بده.

درس 3: آیهٔ الحمد لله رب العالمین

	ستایش برای خداوند است که پروردگار جهانیان است. بخشاینده و مهربان است مالک روز قیامت است.

شرح: آغاز می‌کنم قرائت خود را به نام خدای بخشاینده و مهربان، به اسم وی یاری و تبرک می‌جویم با آگاهی به این که او این اجازه را به من داده است.

﴿  ﴾: هر صفت نیکویی سزاوار خداست و لفظ الله نام معبود برحقی است که به جز او کسی شایسته عبادت نیست، دارای نام‌های نیک و صفات بلند است.

﴿  ﴾ : خداوند آفریدگار جهانیان، رازق و صاحب آن‌ها، معبود آن‌ها که به جز او شایسته عبادت نیست، و مراد از عالمین همه موجودات به جز خدا است.

﴿  ﴾: خداوندی که دارای رحمت وسیعی است که رحمتش همه چیز را فرا گرفته و به رحمت او مخلوقات به یکدیگر تراحم و شفقت دارند.

﴿  ﴾: به دوستان و اهل طاعت خود در بهشت دارالسلام مهربان است.

﴿﴾: مالک روز قیامت و ملک و پادشاه آن روز است و یوم الدین روز جزا پس از حساب است، و در آن روز نه پادشاه و قدرتمندی وجود دارد که حکم کند و نه مالکی هست که تصرف کند و ما باید به آن روز و آنچه خدا دستور داده ایمان آوریم، و او را به طریقی که برای ما مشخص کرده عبادت کنیم، و در عبادت او شریکی قرار ندهیم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به آرامش بخوان و شنوندگان هم آهسته تکرار کنند تا حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله برای آنان بخوان و لغات مشکل را بیان کن تا خوب بفهمند.

3- به آنان تعلیم ده که حمد اصل شکر است و هرکس که خدا بر او نعمت داده، باید خدا را ستایش کرده و بگوید الحمد لله.

4- به آنان بگو: کسی که از خوردن و نوشیدن فارغ شود الحمدلله بگوید، و کسی که از حال او پرسیده شود الحمدالله بگوید.

5- به آنان بگو: که خدا رحمان و رحیم است، بندگان با رحم خود را دوست دارد.

6- به آنان بفهمان: که یادآوری یوم الدین (روز قیامت) و عدم فراموشی آن، انسان را به انجام طاعات و ترک محرمات یاری می‌بخشد.

7- به آنان بگو: خداوند سزاوار ستایش و عبادت است، چرا که او پروردگار جهانیان، بخشنده و مهربان و مالک روز جزاست.

درس 4: اطاعت از پیامبر ρ

قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: «كُلُّكُمْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلاَّ مَنْ أَبَى. قَالُوا: وَمَنْ يَأْبَى يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى».	پیامبر ρ می‌فرماید: تمام شما به جنت می‌روید، مگر کسی که ابا می‌ورزد. گفتند: ای پیامبر خدا چه کسی ابا می‌ورزد؟ فرمود: کسی که مرا پیروی کرده به جنت می‌رود و کسی که مرا نافرمانی کرده ابا ورزیده است.

شرح: گفته پیامبرρ «كُلُّكُم»: هریک از شما، مردان و زنان، بزرگان و فرومایگان، باسوادان و بی‌سوادان، ثروتمندان و تهی‌دستان، یدخل الجنه: پس از مرگ روحش به جنت می‌رود و روز قیامت با روح و بدن خود هردو به جنت داخل می‌شود. و جنت سرای نیکان و پرهیزگاران و دارالسلام سرای سلامتی است. جنت را دارالابرار می‌گویند برای این که اقامتگاه نیکان و اهل ایمان و طاعت است. و دارالمتقین می‌گویند به جهت این که به جز متقیان در آن وارد نمی‌شوند، و دارالسلام هم گفته می‌شود، برای آن که به اهل جنت آزاری نمی‌رسد، چرا که در آنجا نه مرض است و نه پیری و نه مرگ.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث فوق را با آرامش بخوان و شنوندگان آهسته با تو تکرار کنند تا اکثرشان حفظ کنند.

2- شرح حدیث پیش روی خود را برایشان بخوان و لغت‌های مشکل را به زبان محلی شنوندگان ترجمه کن تا خوب بفهمند.

3- به آنان تعلیم ده که اطاعت پیامبرρ سبب دخول جنت است، زیرا فرمان‌بری از پیامبرρ عبادتی است که نفس انسان را تزکیه و پاک می‌کند، و چون نفس تزکیه شد آنگاه شایسته دخول جنت می‌شود چون خدا Ψ می‌فرماید:﴿ ⇳⑨♦ ▫❒ 🕮 ♦♊ ⊠⊠■❒ ♊♦ ⊠ ⊠ﷺ ﴾ (الشمس: 9) «همانا رستگار شد آن که نفس خود را تزکیه کرد». و معنی رستگاری نجات از دوزخ و دخول جنت و آن است رستگاری بزرگ زیرا خداوند Ψ گفته: ﴿ ☎♊⊠☺♦▫ ⊠⊠❽⇳❍ ﷺ ♊♦ ⊠⊠ ﴾ (آل عمران: 185). «آن که از دوزخ دور داشته شد و به جنت برده شد همانا رستگار شد».

4- به آنان بهفمان: که نافرمانی پیامبرρ سبب محرومیت از جنت و ورود دوزخ می‌شود، زیرا که نافرمانی پیامبرρ نفس را پلید و آلوده می‌سازد، و هرگاه نفس آلوده شد شایسته ورود به جنت نیست، و نافرمانی پیامبرρ به معنی ترک دستورات و انجام منهیات وی می‌باشد، و چون دستورات پیامبر وسیلهٔ تزکیه نفس است و به ترک آن‌ها نفس انسان راه تزکیهٔ خود را از دست می‌دهد و به انجام منهیات نفس انسان آلوده می‌گردد و نفس آلوده سزاوار دخول جنت نیست.

5- به آنان تعلیم ده. زمانی بنده می‌تواند از پیامبرρ اطاعت کند که به دستورات و منهیات وی علم داشته باشد.

6- به آنان بگو: تحصیل علمی که با آن پیامبرρ اطاعت می‌شود از قبیل عقاید، اقوال و افعال بر هر مسلمانی لازم است.

درس 5: آیهٔ ایاک نعبد و ایاک نستعین

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾	(5) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.
﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾	(6) ما را هدایت فرما به راه راست

شرح: گفته خداوند: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: بعد این که خداوند به ما آموخت که چگونه او را ستایش و ثنا گوییم. اکنون به ما می‌آموزد که چگونه او را بندگی کنیم. ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ : به جز تو ای پروردگار کسی را نمی‌پرستیم، و به جز از تو ای معبود برحق کمک نمی‌خواهیم. و گفته خدا: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾: چون به ما آموخت که چگونه حمد و ثنا، تعبد و بندگی خود را وسیله تقرب به سوی او قرار دهیم، اکنون به ما می‌آموزد که چگونه او را دعا کنیم: «﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: هدایت کن ما را به راه راست. از خدا بخواهیم تا به هدایت ما ادامه دهد و راه اسلامی ما را حفظ کند، تا به آن تکامل کرده و در دنیا و آخرت رستگار شویم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آن دو آیه را با آرامش بخوان و شنوندگان با صدای آهسته آن را تکرار کنند تا حفظ کنند، سپس دو آیت فوق را با آیات قبلی چند بار بخوان تا همه را خوب حفظ کنند.

2- آیات را برای آنان شرح ده و آنچه را که مورد نیاز است به لغت عامیانه برای آنان بیان کن تا اطمینان پیدا کنی که همه حفظ کردند.

3- به آنان تعلیم ده که حقیت عبادت، طاعت خدا توأم با محبت و تعظیم و با نهایت تواضع و فروتنی است.

4- به آنان بفهمان: که شرک عبادت را فاسد می‌کند، همچنان که طهارت در صورت پیش آمد ناقض وضو فاسد می‌شود.

5- به آنان بگو: با جملهٔ ﴿لا إله إلا الله﴾ با خدا پیمان می‌بندیم که به جز او پرستش نکنیم و در تمام امور به جز او از کسی کمک نخواهیم.

6- به آنان تعلیم ده: که استعانت یاری خواستن بر عمل و طاعت است و شکی نیست که جز او کسی نیست که قدرت یاری داشته باشد، لذا می‌گوییم: «الله أعنا علی کذا وکذا»: خدایا ما را بر این کار و آن کار یاری فرما. و در حدیث آمده:«اللهم أعنی علی ذکرک وشکرک وحسن عبادتک» خدایا ما را بر ذکرت شکرت و انجام عبادت کامل یاری فرما. و این یاری‌خواستن از خدا، غیر از تعاون و یاری دادن بعضی مؤمنان بعضی دیگر را در امور خیر و طاعت است که آن دستور خداست که می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: 2] «یکدیگر را بر نیکی و تقوا یاری دهید».

درس 6: حدیث وصیت پیامبرρ به معاذ

قول النبی صلی الله علیه وسلم لمعاذ بن جبل رضی الله عنه: «**يَا مُعَاذُ وَاللَّهِ إِنِّى لأُحِبُّكَ أُوصِيكَ يَا مُعَاذُ لاَ تَدَعَنَّ فِى دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّى عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ**»	ابوداود به سند صحیح خود از پیامبر روایت می‌کند که برای معاذ بن جبلτ فرمودند: ای معاذ قسم به خدا که من تو را دوست دارم. ای معاذ! بعد از هر نمازی این دعا را ترک مکن: ای خدا مرا بر ذکر و شکر و عبادت کاملت یاری بفرما.

(رواه ابوداود به اسناد صحیح)

شرح: گفته رسول الله ρ: ای معاذ! او را به اسمش یاد کردند، تا او را به آنچه سفارش می‌شود متوجه سازند معاذ همان جوان انصاری بود که رسول خدا او را به صفت قاضی به یمن فرستادند، زیرا دانش و فقاهتش را در امور دین می‌دانستند، پیامبر خدا به او فرمودند: به چه چیز حکم می‌کنی ای معاذ؟ معاذ گفت: به کتاب خدا. رسول الله گفتند: که اگر در کتاب خدا نیافتی؟ معاذ گفت: مطابق سنت رسول الله حکم می‌کنم. فرمودند: اگر در سنت رسول الله نیافتی؟ گفت: با رأی خود اجتهاد می‌کنم. رسول الله برایش فرمودند: حمد و سپاس خدای را که فرستادهٔ رسولش را به آنچه خدا و رسول دوست دارند توفیق داد. این گفته پیامبرρ: «**والله انی لاحبک**»: قسم به خدا که من تو را دوست دارم، قسمی است تا عظمت موضوع سفارش را برایش بفهمانند. و گفته پیامبرρ: «**لا تدعن**»: ترک مکن بعد هر نمازی از نمازهای پنجگانه. و گفته‌اش:« **اعنی علی ذکرک وشکرک وحسن عبادتک**»: از خدای تعالی بخواه که تو را بر تداوم ذکر زبانی و قلبی یاری نماید و همچنین بر مداومت شکر و حمد خدا در مقابل نعمت‌هایی که ارزانی فرموده و بر حسن عبادت یاری فرماید، زیرا اگر بنده عبادات را به خوبی انجام دهد ثواب مطلوبه را به دست می‌آورد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را با آرامش بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنونده‌ها حفظ کنند.

2- شرح حدیث را آرام بخوان و فهم آنچه برایشان مشکل است به لغت عامیانه بیان کن.

3- برایشان بیان کن که سوگندخوردن برای موضوع مهم جائز است.

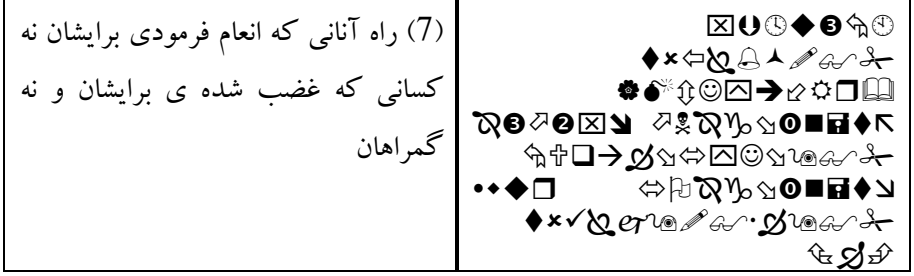
4- برایشان بگو: که برای استفاده از تعلیم و تعلم، تبادلۀ محبت بین معلم و متعلم ضروری است.

5- برایشان فضیلت ذکر و شکر را به اساس این فرمودۀ خدا بیان کن:﴿ ⇗☠⬈📫⇗❷⬈📫⬊❶❐📖 ☑❼➴❄❐⬉❷⬈📫⬊❶〰〰⬧▫ ⬀♌❐⬉❷➔▦⬁▤⬧✍ ⬩⬧◆❐ ❼➶🖫 ☎✂❐⬉❷➔⌛⇳⮝〰✂◆❐ ⬀⌘➴⬃⬂ ﴾ (البقرة: 152). «یاد کنید مرا تا شما را یادکنم و سپاسگزار من باشید ومرا ناسپاسی نکنید».

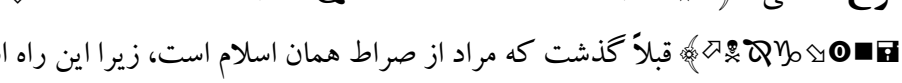
6- برایشان بیان کنم: که حسن عبادت همانا اخلاص در عبادت خدای تعالی و ادای آن مطابق شریعت است طوری که زیاد و کم، مقدم و مؤخر نشده و در غیر زمان و مکان تعیین شده انجام نگیرد.

7- برایشان بفهمان: که ذکر آنست که از طرف شارع بیان شده که قلب و زبان همآهنگ باشند.

درس 7: آیهٔ صراط الذین انعمت علیهم

قوله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(7) راه آنانی که انعام فرمودی برایشان نه کسانی که غضب شده ی برایشان و نه گمراهان

[الفاتحه: 7]

شرح: معنی  قبلاً گذشت که مراد از صراط همان اسلام است، زیرا این راه اسلام راهیست که سالکش از آتش نجات یافته و داخل بهشت می‌شود و آن را به کسانی که خداوند بر ایشان نعمت داده نسبت می‌دهد که آنان پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین اند، زیرا ایشان راه را شناخته و به سیر در آن پرداختند و مردم را به طی‌نمودن آن راه دعوت نمودند. و گفته خداوند  نه راه کسانی که بر ایشان غضب کردی «یهود»، و نه راه کسانی که از راه حق و اسلام منحرف گردیده اند «نصاری» که از اسلام منحرف شده و به خاطر عقیدهٔ تثلیث و عبادت‌هایی که از جانب خداوند تشریع نشده بود، در شرک افتادند.

راهنمایی‌های برای مربی:

1- آن را به آرامش بخوان و شنوندگان نیز آهسته با تو بخوانند تا مطمئن شوی که اکثریت‌شان آیه را حفظ نموده اند، سپس تمامی سوره را چند مرتبه بخوان و بعضی از شنوندگان را در حفظ آن آزمایش کن.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه را که ندانشته اند به زبان عامیانه برایشان بیان کن. تا اطمینان حاصل کنی که معنای آیه را فهمیده اند.

3- در ارتباط با این فرمودۀ خدای تعالی در سورۀ نساء  (النساء: 69). آگاه‌شان گردان: «کسی که اطاعت خدا و رسول را بنماید با نعمت داده‌شدگان یکجا خواهد بود».

4- آگاهشان ساز که نعمت‌های خدا قابل شمارش نیست و بزرگترین آن‌ها چهار چیز است: ایمان به خدا و شناخت او و شناخت آنچه که مورد پسند خدا و آنچه که مورد پسند او نیست و توفیق برانجام کارهای پسندیده و ترک اعمال ناپسند.

5- آگاهشان ساز که سبب غضب خدا بر مغضوب علیهم با وصف علم و آگاهی داشتند همانا عدم عمل کردشان به آنچه که خداوند دوست می‌داشته و یا اموری را که نمی‌پسندد بوده است و سبب گمراهی ضالین جهل و نادانی شان به اموری بوده که مورد رضای خدا و یا مورد کراهیت او است.

6- آگاه شان ساز که طلب علمی که عبارت از معرفت خدا و شناخت آنچه مورد پسند خدا و یا ناپسند او از اعتقادات، اعمال، گفتار و اوصاف باشد واجب است و هرکه کوتاهی کند به زیان دنیا و آخرت روبرو می‌شود.

7- تعلیم شان ده که سبب اصلی شکایت مردم از شر و فساد و ظلم، همانا نادانی‌شان است به آنچه که باید بدانند.

درس 8: حدیث لعنت خدا بر یهود و نصاری

قال الرسول صلی الله علیه وسلم: «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، يُحَذِّرُ مَا صَنَعُوا».	گفته پیامبر ρ: لعنت خدا بر یهود و نصاری باد که گورستان پیامبران خود را مسجد و عبادتگاه قرار دادند که امت خود از این کار برحذر می‌دارد. (البته مراد حدیث, قراردادن قبر داخل مسجد و نمازخواندن به طرف آن است).

(فی الصحیحین)

شرح: لعنة الله (پیامبر) یهود و نصاری را مورد نفرین و لعنت قرار می‌دهد و می‌گوید: خداوند یهود و نصاری را به واسطه قراردادن گورستان پیامبران را به عنوان عبادتگاه از حمت خود طرد کرده است و بدینوسیله مسلمانان را برحذر می‌دارد که کارشان را تکرار نکنند.

در روایات ابوداود و ترمذی از پیامبر ρ روایت شده: (لعن الله زوّارات القبور والمتخذین علیها المساجد والسرج) خدا لعنت کرده است زن‌هایی را که به زیارت گورستان می‌روند و کسانی را که گورستان را مساجد و عبادتگاه قرار می‌دهند و در گورها چراغ روشن می‌کنند.

در صحیحین از عایشه ل روایت شده که ام حبیبه و ام سلمه ب در حبشه عبادتگاهی را دیده بودند که در آن عکس‌هایی قرار داشت و برای پیامبر ρ تعریف کردند، پیامبر ρ فرمودند: ایشان وقتی که فرد صالحی از آنان می‌میرد بر قبر آن عبادتگاهی درست می‌کردند و عکس‌هایشان را در آنجا قرار می‌دادند و ایشان بدترین خلق خدا در روز قیامتند.

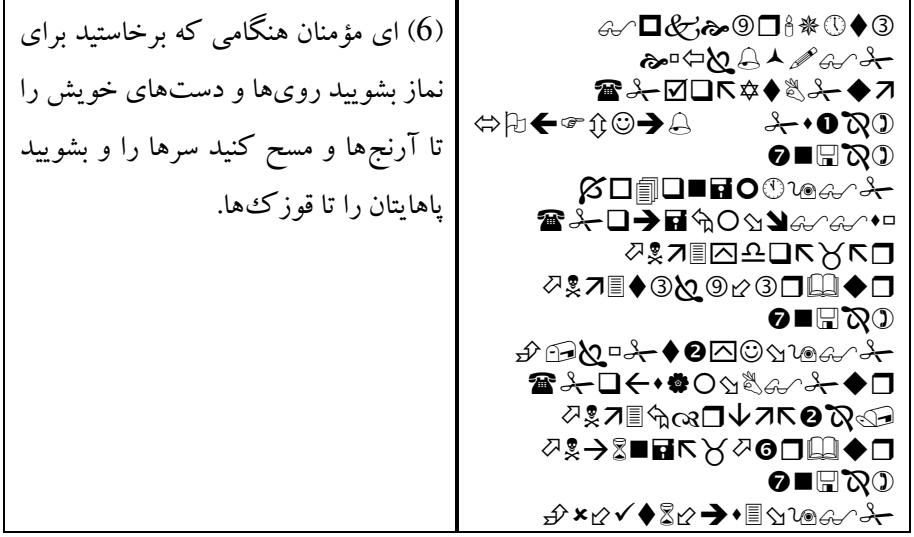
راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را با آرامش بخوان و با شنوندگان تکرار کن تا بدانی که بیشترشان حفظ کردند.

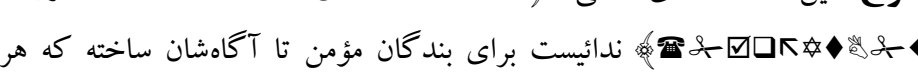
2- به ایشان تذکر ده که گذاشتن عکس در مساجد یا گورستان مکروه تحریمی است.

5- به ایشان بفهمان: که علت منع‌ساختن مسجد بر قبرها همانا جلوگیری است از افتادن در شرک که بزرگترین گناهان است.

درس 9: آیهٔ وضو

قوله تعالی:	گفته خداوند بزرگ:
	(6) ای مؤمنان هنگامی که برخاستید برای نماز بشویید روی‌ها و دست‌های خویش را تا آرنج‌ها و مسح کنید سرها را و بشویید پاهایتان را تا قوزک‌ها.

[المائدة: 6]

شرح: این گفته خدای تعالی:  ندائیست برای بندگان مؤمن تا آگاه‌شان ساخته که هرگاه مناجات و نماز را اراده کنند واجب است که وضو بگیرند و رسول الله ρ کیفیت شستن روی را توضیح می‌دهند به این که اولاً دست‌های خود را سه بار بشوید و سپس برای شستن دهان سه بار آب را به دهان کرده مضمضه نماید، و بعد برای شستن بینی آب را سه بار استنشاق و استنثار نماید، چون دهان و بینی از جمله روی حساب می‌شوند لذا وضو گیرنده، اولاً آن‌ها را شسته و بعد روی خود را سه بار بشوید و اندازه تعیین شده روی: از موی‌های سر تا انتهای چانه، و از برآمدگی گوش راست تا گوش چپ می‌باشد. سپس دست راست را و بعد دست چپ را با آرنج‌ها سه بار بشوید، و برای مسح سر با دست‌ها از جلو سر شروع نموده و به

طرف عقب مسح کند و سپس به محل اولی برگرداند، بعد پای راست و چپ را تا قوزک بشوید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل تکرار کن و حاضران آهسته با تو تکرار کنند تا اکثریت آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه را که فهمش برای حاضران مشکل باشد معنی و بیان کن.

3- برایشان تذکر ده که وضو از حدث اصغر واجب است و آن عبارت از خروج بول و غایط، مذی و یا باد از سبیلین است و همچنین خواب سنگین، و مساس‌نمودن زن به منظور احساس لذت گرچه احساس لذت نکند. (البته در مذهب احناف مساس زن شکننده وضو نیست).

4- برایشان بیان کن که مسح بر موزه برای مقیم یک شبانه روز و برای مسافر سه شبانه روز جائز است، و شرط مسح اینست که موزه را با وضو بپوشد و موزه‌ها طوری باشد که محل شستن پاها در وضو را بپوشاند.

5- تعلیم‌شان ده کسی که وضو را کامل نموده و بعداً کلمه شهادت و دعای زیر را بخواند، دروازه‌های هشتگانه جنت به رویش گشوده می‌شود تا از هرکدام که بخواهد وارد جنت شود. دعا این است:«**أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ الْمُتَطَهِّرِينَ**».

درس 10: حدیث تعلیم کیفیت وضو

رَأَى عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ : أَنَّهُ دَعَا بِإِنَاءٍ، فَأَفْرَغَ عَلَى كَفَّيْهِ ثَلاَثَ مِرَات فَغَسَلَهُمَا، ثُمَّ أَدْخَلَ يَمِينَهُ فِي الإِنَاءِ فَمَضْمَضَ، وَاسْتَنْثر، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلاَثًا، وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ثَلاَثَ مِرَات، ثُمَّ مَسَحَ رَأْسِهِ، ثُمَّ غَسَلَ رِجْلَيْهِ ثَلاَثَ مِرَات إِلَى الْكَعْبَيْنِ، ثُمَّ قَالَ: رَأَيت رَسُولُ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِى هَذَا، ثُمَّ قَالَ من توضأ نحو وضوئي هذا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ، لاَ يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ، غُفِرَ اللَّه لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.	روایت است از حضرت عثمان بن عفان τ: که ظرف آبی را طلبید و سه مرتبه بر دست‌های خود ریخت و آن‌ها را شست، بعد دست راست خود را داخل ظرف نموده مضمضه کرد و آب را در بینی کرد و آن را افشاند، سپس سه مرتبهی روی خود و دست‌های خود را تا آرنج‌ها شست. بعد سرش را مسح نموده و پاهای خود را تا قوزک سه بار شست. سپس گفت: رسول خدا ρ را دیدم که مانند این وضو، وضو می‌گرفت. و گفت: کسی که مانند این وضوی من وضو بگیرد و دو رکعت نماز را بخواند که در آن‌ها با نفس خود سخنی نگوید، خداند Ψ گناهان گذشته‌اش را می‌بخشد.

(متفق علیه)

شرح: به این حدیث حکم رفع به رسول الله ρ داده شده نظر به گفتهٔ حضرت عثمان τ: که من دیدم رسول الله ρ را که وضو می‌گرفت مثل وضوی من... تا آخر حدیث... این گفته‌اش: «فمضمض و استنثر»: آب در دهان و بینی نموده و مضمضه و استنثار کرد، و از استنشاق تذکری نداد، چون که استنثار بعد از استنشاق صورت می‌گیرد و با استنثار هردو به جا می‌شود. و گفته‌اش: «ثم مسح برأسه»: سرش را مسح نمود و از گوش‌ها تذکری نداد، زیرا گوش‌ها تابع سر هستند و با سر مسح می‌شوند. و گفته‌اش: «لا یحدث فیهما نفسه»: یعنی

امور دنیوی را در قلب خود راه ندهد، اما اگر امور آخرت باشد باکی نیست. و گفته اش: «غفر له ما تقدم من ذنبه»: گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود، این وقتی است که نیت توبه از گناهان کبیره را کرده باشد، زیرا گناهان صغیره با وضو و نماز بخشیده می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند مرتبه به آرامی بخوان.

2- شرح را بخوان و آنچه را که حدیث دربر دارد از فرایض وضو مثل شستن روی و شستن دست‌ها و مسح سر و شستن پاها و رعایت ترتیب در شستن اعضاء که اولاً روی بعد دست‌ها بعد مسح سر و سپس پاها و همچنین موالاة و پی‌درپی شستن اعضا در یک وقت بدون فاصلهٔ طولانی، سنت‌های وضو مثل شستن کف‌ها، مضمضه، استنشاق و استنثار و مسح داخل و ظاهر گوش‌ها را برایشان بیان کن.

3- برایشان بگو: که نیت در وضو شرط است، زیرا ثواب اعمال به نیت‌ها ارتباط دارد، و باید وضو گیرنده نیت رفع حدیث و طاعت خدا را بنماید.

درس 11: آیهٔ غسل

قوله تعالی:	گفته خداوند:
﴿ ﴾	و اگر جنب شدید پس خوب پاک کنید خودرا.

[مائده: 6]

شرح: گفتهٔ خدای تعالی: ﴿ ﴾ یعنی اگر به یکی از شما جنابتی باشد و آن عبارت از نزدیکی و مجامعت مرد است با همسرش گرچه انزال نشود و یا احتلام است به خروج منی، و یا به نظرکردن و یا مساس‌نمودن، خروج منی صورت بگیرد هم جنابت محسوب می‌شود.

و در جنابت، زن و مرد مساوی هستند. و قوله تعالی:﴿ ﴾: یعنی غسل کنید، زیرا کسی که غسل نماید خوب پاک و تطهیر می‌شود. ترتیب غسل اینست که شخص برای رفع جنابت نیت کرده و دست‌ها را سه مرتبه شسته و عورت‌هایش را می‌شوید، سپس مثل وضوی نماز وضو می‌کند، بعداً موی‌های سرش را با آب خلال نموده و سه مرتبه می‌شوید، بعد داخل و خارج گوش‌ها را می‌شوید، سپس جانب راست بدنش را از سر تا قدم می‌شوید و سپس جانب چپ را همچنین.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن تا تمامی مردان و زنان شنونده آن را حفظ کنند.

2- مراد از گفته خدای تعالی: ﴿ ﴾ را برای شنوندگان بیان کن.

3- آگاه‌شان گردان که زن و مرد در جنابت به احتلام و جماع مساوی هستند، همانطوری که مرد اگر در جامهٔ خواب خود منی را دید جنب است، همان طور زنی که احتلام شده و آب ببند برایش غسل واجب است.

4- آگاهشان کن که غسل‌کننده باید به قسمت‌هایی از بدن که به سهولت آب نمی‌رسد مثل ناف، زیر بغل و زیر زانو آب را برساند، زیرا تا وقتی که به تمام سطح جسم آب نرسد غسل تکمیل نمی‌شود.

5- آگاهشان کن کسی ذکر خود را در هنگام غسل کردن با دست مس کند، لازم است که بعد از غسل مجدداً وضو نماید، زیرا مس ذکر بدون حایل، شکنندهٔ وضو است نظر به حدیثی که وارد شده: «من مس ذکره فلا یصلی حتی یتوضأ» کسی که ذکرش را مس کند، نماز نخواند تا وضو نماید.

تبصره:

(در مذهب احناف مس ذکر اشکالی ندارد و اعاده وضو لازم نیست).

درس 12: حدیث چگونگی غسل پیامبرρ

عَنْ مَيْمُونَةَ ل قَالَتْ: وَضَعْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ρ مَاءً يَغْتَسِلُ بِهِ، فَأَفْرَغَ عَلَى يَدَيْهِ، فَغَسَلَهُمَا مَرَّتَيْنِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلاَثًا، ثُمَّ أَفْرَغَ بِيَمِينِهِ عَلَى شِمَالِهِ، فَغَسَلَ مَذَاكِيرَهُ، ثُمَّ دَلَكَ يَدَهُ بِالأَرْضِ، ثُمَّ مَضْمَضَ وَاسْتَنْشَقَ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ ثُمَّ غَسَلَ رَأْسَهُ ثَلاَثًا، ثُمَّ أَفْرَغَ عَلَى جَسَدِهِ، ثُمَّ تَنَحَّى مِنْ مَقَامِهِ فَغَسَلَ قَدَمَيْهِ.	روایت است از میمونه ل که گفت: گذاشتم برای پیامبر ρ آبی که غسل کند، پس ریخت بر دست‌های خود دو یا سه مرتبه آن‌ها را شست، سپس با دست راست بر دست چپ خود آب ریخت و عورة خود را شست و دست خود را به زمین مالید سپس مضمضه و استنشاق نموده و بعد روی و دست‌های خود را شست، بعداً سه مرتبه سر خود را شست سپس بر تمام بدن خود آب ریخت، پس از جای خود دور شد و پاهای خود را شست.

(رواه الشیخان)

شرح: مراد از میمونه: ام المؤمنین میمونه بنت حارث الهلالی است گفته‌اش: «مذاکیره»: یعنی عورتش را از پیش و پس. و گفته‌اش: «ثم دلك یده بالارض»: دست خود را به زمین مالید تا این که بوی نجاست از دستش به واسطه تماس با موضع نجاست برود. و امروزه استفاده از صابون به جای مالیدن دست به زمین جائز است. و گفته‌اش: «ثم غسل وجهه ویدیه»: «پس روی و دست‌هایش را شست» و از مسح سر و گوش‌ها تذکری نداد، ولی حضرت عایشه ل روایت کرده که پیامبرρ وضو گرفت مثل وضویش برای نماز، و سر و گوش‌ها را نیز مسح نموده و در حدیث عایشه ل که قبل از شستن سر، بیخ موی‌های سرش را با آب خلال نمود و این برای جلوگیری از زکام مفید است. و گفته‌اش «ثم تنحی عن مقامه

فغسل قدمیه» «به خاطر آب و گِل که در محل غسل جمع شده از آن جا دور شد و پاها را شسته و در کفش کرد».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آهستگی تکرار کن و شنونده‌ها آهسته با تو تکرار کنند تا آن را حفظ کنند.

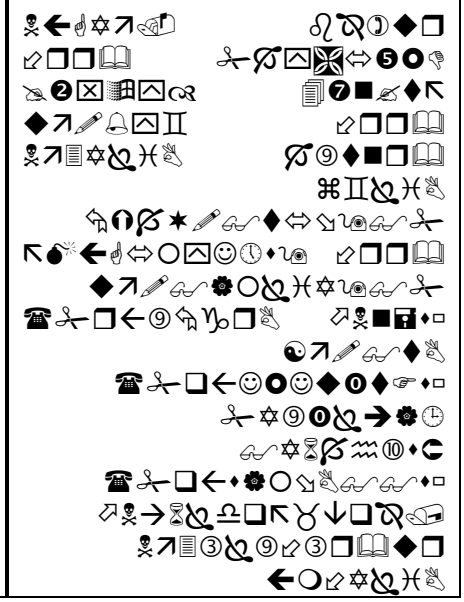
2- شرح را جمله جمله بخوان و معنایش را برای شنونده‌ها تذکر ده.

3- تعلیم‌شان ده که کیفیت مطلوبهٔ غسل همین است، از غسل جنابت و حیض و نفاس گرفته تا غسل جمعه، احرام و وقوف به عرفات و دخول مکه.

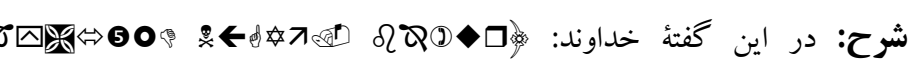
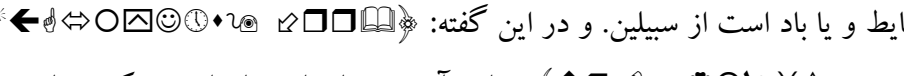
4- آگاه‌شان کن که مالیدن دست به زمین یا شستن با صابون نمونهٔ از برنامه‌های بهداشتی شریعت است و همچنین برای جلوگیری از زکام تخلیل موی سر با آب پیش از شستن، از مظاهر و محاسن شریعت شمرده می‌شود.

5- تعلیم‌شان ده که ریختن آب بر بدن باید همزمان با مالیدن اعضا باشد، و بر شخص غسل کننده لازم است که به اندازهٔ پُشت ناخن از بدن را بدون تماس آب نگذارد، طوری که حضرت علی τ روایت نموده: «اذ تحت کل شعرة جنابة» «چون زیر هر موی جنابت است».

درس 13: آیهٔ تیمم

قوله تعالی:	فرموده خدای تعالی:
	و اگر بیمار یا در سفری بودید یا قضای حاجت کردید یا با زنان آمیزش نمودید و آبی نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید سپس بمالید بر روی‌ها و دست‌های خود از آن.

[مائده: 6]

شرح: در این گفتهٔ خداوند: ﴿  بیان علل جواز تیمم است، و آن عبارت از حالتی است که شخص به سبب مریضی از استعمال آب عاجز باشد، مثل مسافری که در سفر از به دست‌آوردن آب به علت‌هایی عاجز می‌ماند مثل موجود نشدن آب، یا دشواری حمل آب در سفر و یا ضرورت حفظ آب برای آشامیدن و طبخ غذا. و در این گفته خداوند Ψ: ﴿  بیان شکننده‌های وضو است که عبارت از خروج بول و غایط و یا باد است از سبیلین. و در این گفته: ﴿  «یا درآمیختید با زنان» بیان اینست که جماع موجب

غسل است و اگر شخصی جنب,آبی جهت غسل‌کردن را نیافت، می‌تواند که تیمم کند، و این تیمم تا زمانی که به آب دسترسی پیدا می‌کند عوض غسل جائز است، و بعد از یافتن آب نمازهای را که در طی اوقات تیمم ادا کرده عود نمی‌شود. این گفته: ﴿☎✂❑←☺●☺◆●◆☞⬩▫﴾ ﴿✂✡⑨●🔍➔❁🕒 ☎✂❑←☺●☺◆●◆☞⬩▫﴾ «یعنی قصد کنید به خاک پاک» و اگر خاک پاک موجود نمی‌شد، هرچه که بر سطح زمین از شن و ریگ و سبخه «شوره‌زار» و سنگ باشد تیمم به آن جائز است و در آیۀ ﴿☎✂❑←⬩❁○↘✍﴾ ﴿⬀☠➔⌛🔍♎❑↖↓❑🚫✍﴾

﴿❐◆🕮❐③🔍⑨⬀③❐▤↗☠✍✡🔍✡⬀❍←﴾ بیان کیفیت تیمم است که شخص بسم الله گفته و کف دست‌ها را بر خاک می‌گذارد و با آن‌ها روی و کف‌ها را یک بار مسح می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به آرامش بخوان و قرائتش کن و شنونده‌ها آهسته با تو تکرار کنند تا اکثریت‌شان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معنی آیات را برایشان تفسیر کن تا درک نمایند و اگر درست نهفمیدند به عبارات عامیانه برایشان بیان کن.

3- برایشان توضیح ده که این قسمت آیت بیان‌کننده موجبات وضو و غسل و بیان جواز تیمم و کیفیت آن است.

4- برایشان بیان که از ابن عمرب روایت شده که وی در تیمم دوبار دست‌ها را بر زمین می‌زد، یک بار برای مسح روی و یک بار برای دست‌ها و آن‌ها را تا آرنجها مسح می‌نمود و کسی که مانند او تیمم نماید ایرادی بر او نیست.

5- آنچه که دوباره مسح روی و کف‌ها در آیه تذکر رفته، حدیث عمار بن یاسرب در صحیح نیز بر آن تأکید دارد.

درس 14: حدیث تعلیم کیفیت تیمم

عن عمار بن ياسر رضي الله عنهما قال: إِنِّي أَجْنَبْتُ فَلَمْ أُصِبْ الْمَاءَ... فَتَمَعَّكْتُ بِالصَّعِيدِ فَصَلَّيْتُ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيكَ هَكَذَا» فَضَرَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَفَّيْهِ الْأَرْضَ وَنَفَخَ فِيهِمَا ثُمَّ مَسَحَ بِهِمَا وَجْهَهُ وَكَفَّيْهِ.	روایت است از عمار یاسر ل گفت: که جنب شدم آب نیافتم پس در خاک غلطیدم و نماز خواندم، بعداً این موضوع را برای پیامبر ρ بیان کردم پیامبر ρ فرمودند: همانا برای تو این کفایت می‌کند «و برای تعلیم» پیامبر ρ دست‌ها را به زمین زدند و دمیدند در آن دست‌ها بعداً مسح کردند روی خود را و دست‌ها را تا آرنج‌ها.

«**متفق علیه**» وفی روایة دارالقطنی: إلی الرصغین

شرح: گفته‌اش: «أجنبت»: جنب شدم و آن در مسافرت و به شکل احتلام در خواب بوده است. گفته‌اش: «تمعکت»: یعنی به روی خاک غلطیدم یا غلط خوردم و گفته‌اش: «فذکرت ذلک»: برای پیامبرρ این را گفتم: یعنی بعد بازگشت از سفر. و گفته‌اش: «انما یکفیک»: یعنی برای تو جائز است. و گفته‌اش: «و نفخ فیهما»: دمید در کف دست‌ها به خاطر دورکردن غبار تا رویش را آلوده نسازد. و گفته‌اش: «إلی الرصغین»: یعنی تا بند دست‌ها.

راهنمائی‌هایی برای مربی

1- حدیث را چند مرتبه به آرامش بخوان و شنونده‌ها آهسته با تو تکرار کنند تا ببینی اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله به آرامش بخوان و آنچه برایشان مشکل است به لغت عامیانه بیان کن تا این که ببینی آن را دُرست درک کرده اند.

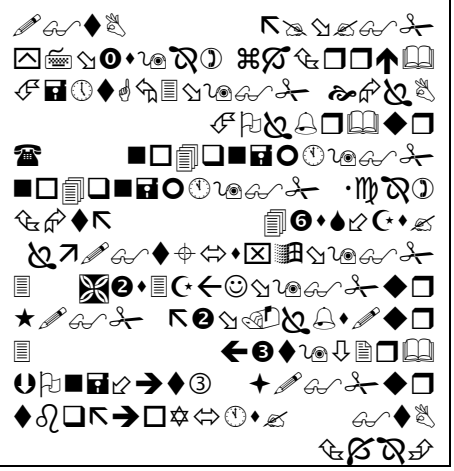
3- تعلیم‌شان ده که صحیح‌ترین شکل تیمم این است که بیان شد، و از ابن عمرب روایت شده که تیمم‌کننده دو بار دست‌ها را بر زمین می‌زند، اول برای مسح روی و بار دوم برای مسح دست‌ها تا آرنج‌ها، و این صورت دومی که در حدیث عمار بن یاسرب وارد شده آسان‌تر و صحیح‌تر است و عمل به هردو صورت جائز است. (در مذهب احناف به فعل ابن عمر ب عمل می‌شود).

4- در حدیث اشاره واضح برای رعایت نظافت شده، چون فرموده: که تیمم‌کننده غبار را از دست‌ها پیش از مسح رویش بدمد.

5- در حدیث، مفصل دست ذکر شده و مفصل بندیست که بین کف و بازو قرار دارد، عرب‌ها می‌گویند:

استخوانی که متصل انگشت ابهام است کوع نامیده می‌شود و آنچه پیوست انگشت خنصر است کرسوع و آنچه در وسط قرار دارد رسغ گفته می‌شود، در اصطلاح عرب به عنوان مثل برای شخص جاهل می‌گویند: فلانی کوع را از بوع نمی‌شناسد، کوع در دست و بوع در پا استخوانی است که پیوست انگشت ابهام است.

درس 15: آیهٔ نماز از فحشاء و منکر بازمی‌دارد

قوله تعالی:	فرموده خداوند:
	(45) بخوان آنچه وحی شد به سویت از کتاب و به پای دار نماز را که همانا نماز بازدارد از ناشایست و ناپسند، و هرآینه یاد خدا بزرگتر است و خدا می‌داند آنچه می‌سازید.

[العنکبوت: 45]

شرح: گفتهٔ خدای تعالی:  این امر ارشادیست برای رسول الله ρ و امتش که پیروان او هستند، زیرا تلاوت کتاب خدا و خواندن آن سبب تقویت ایمان و ازدیاد معرفت و کمک بر طاعت گردیده، و صبر و استقامت در برابر آزارها و مشکلات را زیاد می‌کند. و گفتهٔ خداوند: «وأقم الصلوة» امر به اقامهٔ نماز است که با شرایطش در جماعت اداء شود و شرایط آن عبارت است از: طهارت بدن، جامه و مکان و رفع حدث به وضو یا به غسل در صورتی که شخص جنب باشد، و استقبال قبله و دخول وقت. و ارکان نماز که عبارت از: نیت و خشوع و قیام در صورتی که مریض نباشد. و فرض‌های آن که عبارت از: تکبیر افتتاح و خواندن سورهٔ فاتحه، رکوع و بلندشدن از آن و سجده و بلندشدن از آن، و حفظ اعتدال و آرامش در تمامی این ارکان، و سلام برای خروج از نماز، و واجبات آن عبارت است از: خواندن سوره یا چند آیت بعد از فاتحه در دو رکعت اولی، و گفتن

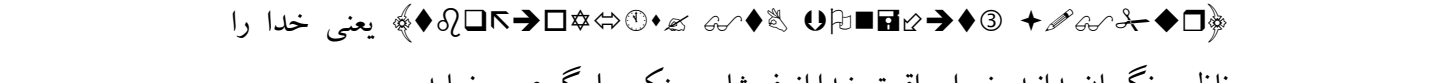
«سمع الله لمن حمده ربنا ولك الحمد» وقت بلندشدن از رکوع، و نشستن و خواندن تشهد و خواندن درود بر پیامبر ρ در تشهد اخیر، و درود به این ترتیب خوانده می‌شود: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ**» و گفتهٔ خدای تعالی:



علت امر به اقامهٔ نماز را بیان می‌کند که« نماز از فحشاء بازمی‌دارد»، یعنی از زنا، بخل و هر گفتار و کردار بدی که قُبح آن زیاد باشد. و منکر عبارت از هرنوع اعتقاد و گفتار و کرداری که شریعت آن را نهی نموده و حرام قرار داده و وعدهٔ عذاب به فعل آن داده باشد. و گفته خداوند Ψ



یعنی یاد خدا در نهی از فحشاء و منکر اکبر است و همچنین از یادکردن بنده برای خدای تعالی. و گفته‌اش:



یعنی خدا را ناظر و نگهبان بدانید، زیرا مراقبت خدا از فحشاء و منکر جلوگیری می‌نماید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به آرامش بخوان و شنونده‌ها آهسته تکرار کنند تا اکثرشان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و تعلیم‌شان ده کسی که شرطی از شرایط نماز را ترک نماید نمازش باطل است و همچنین کسی که رکنی را قصداً ترک نماید نمازش درست نیست و اگر سهواً ترک کند آن را به جا نموده و سجده سهو را بجا آورد. و کسی که واجبی را سهواً ترک نماید قبل از سلام سجده را بجا کند، و کسی که سهو در نمازش زیاد نماید بعد از سلام سجده سهو را بجا نموده سپس سلام دهد. (در مذهب احناف سجده سهو به ترک واجب لازم می‌شود که بعد از سلام انجام می شود)

3- تعلیم‌شان ده هرگاه نماز به ترتیبی که بیان شد اقامه نشود، برای صاحب خود نوری را که در فروغ آن حرکت نماید در بر نخواهد داشت، لذا مرتکب فحشاء و منکر می‌گردد، و

در همین رابطه ابن ابی حاکم حدیثی را از رسول الله ρ روایت کرده که گفت: کسی که نمازش او را از فحشاء و منکر منع نکند پس نماز نخوانده است.

4- آگاه‌شان: کن که در آیت مانع مراقبت آمده مراقبت یعنی در نظرداشتن خدا که منع می‌کند از کارهای ناپسند و بر مسلمانان لازم است که چهار چیزی که در آیت آمده تلاوت قرآن، اقامت نماز، ذکر خدا، مراقبت خدا و او را حاضر و ناظردانستن رعایت کند که در نظر داشتن این امور راه سالمی است به سوی جنت و برخلاف آن هلاکت است العیاذ بالله العلی الکبیر.

تذکر: در فقه احناف ارکان نماز شش‌تا است.

درس 16: حدیث اکمال وضو گناهان را محو می‌کند

قول رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَلاَ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَكْفُر بِهِ الذنوب. قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الصَّلاَةِ فَذَلِكُمُ الرِّبَاطُ».	فرموده رسول خدا ρ: آیا راهنمایی کنم شما را به چیزی که محو می‌کند خدا به آن خطاها را و می‌بخشد به آن گناهان را؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمود: اکمال وضو در حالت‌های سخت و گام‌برداشتن بسیاری به سوی مساجد، و انتظار نماز بعد از نماز، و این برای شما جهاد و مرزبانی از اسلام است.

(رواه مالک و مسلم)

شرح: گفته رسول الله ρ: «ألا أدلکم ما یمحو...» که به صورت استفهام و پرسش وارد شده، توجه و آگاه‌نمودن به امر مهمی است که بعد از خواست و تقاضای‌شان بیان می‌کند که عبارت است از اکمال وضو و زیادی قدم‌ها به سوی مساجد و انتظار نماز بعد نماز. و این که این خبر در قالب جملهٔ استفهامی ایراد شده به خاطر تشویق به سوی مطلوب بوده است. «و الخطایا»: جمع خطیئه: و آن گناهی است که قصداً انجام شده باشد. والذنوب جمع ذنب: و آن گناهایست که بنده به آن مؤاخذه می‌شود اگر به شرایط زیر باشد: این که آگاهانه انجام داده باشد، نه به فراموشی، قصداً باشد نه به طور خطا، و به ارادهٔ خود آن را مرتکب شده نه به صورت اجبار. و گفته‌اش: «إسباغ الوضوء»: یعنی رساندن آب وضو را به مواضع آن که هر عضو را به صورت کامل دربر گیرد. و قوله: «علی المکاره»: و آن انجام وضو است در حالت‌های که نفس تنفر و کراهیت دارد مثل مریضی یا رنج و خستگی یا سردی شدید و یا ترس و خوف و گفته رسول الله ρ : «کثرة الخطا الی المساجد» «گام‌برداشتن زیاد به سوی مساجد» و این را کسی به دست می‌آورد که محل سکونت یا کارش از مسجد دور بوده و او

برای ادای نماز به سوی مسجد می‌آید. و گفته‌اش: «انتظار الصلاة بعد الصلاة» منظورش کسی است که نماز شام را ادا نموده و همچنان در مسجد می‌ماند و انتظار نماز عشاء را می‌کشد و یا ظهر را ادا نموده و انتظار نماز عصر را می‌کشد، به همین ترتیب یک نماز را ادا می‌کند و برای نماز بعدی انتظار می‌کشد و از مسجد خارج نمی‌شود. گفته‌اش:« فذلکم الرباط» «یعنی آنچه بیان شد رباطیست که اجر و مزد آن بزرگترین اجرها است»، زیرا رباط و نگهبانی شبی در راه خدا بهتر از یک ماه صیامِ روز و قیامِ شب است. والرباط: فرودآمدن به مرزهای اسلامی برای حفاظت آن از شر کفار.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و قرائتش تکرار کن و شنونده‌ها نیز با تو تکرار کنند تا اکثریت‌شان حدیث را حفظ نمایند.

2- شرح حدیث را جمله جمله بخوان، و تا جملهٔ اولی را نفهمیدند به جملهٔ دومی نپردازند.

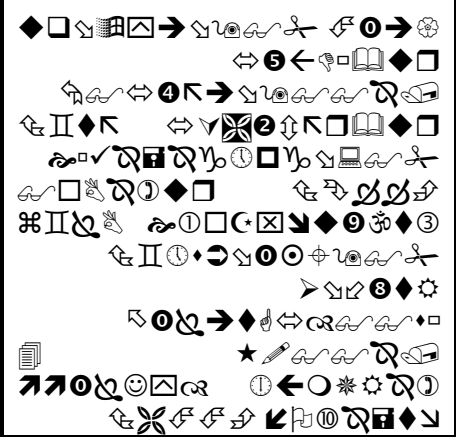
3- آگاهشان کن که چقدر پیامبر ρ در تعلیم و هدایت اصحاب‌شان رغبت داشتند، چون روش تشویق را با بیان: «الا أدلکم» تا آخر حدیث به کار گرفتند.

4- تعلیم‌شان ده منزل دور از مسجدی که صاحبش قدم‌های زیادی به سوی مسجد برمی‌دارد اجر بزرگ دارد. یعنی اجر و مزد این صاحب منزل به خاطر قدم‌های زیادی که به سوی مسجد برمی‌دارد بسیار زیاد است.

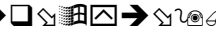
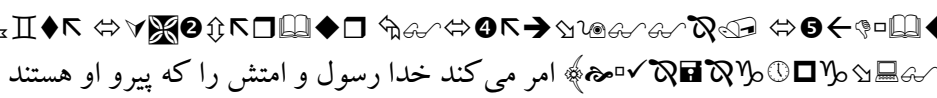
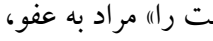
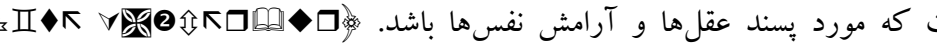
5- تعلیم‌شان ده که رباط امر خداوند است چون خداوند Ψ فرموده: ❁
☎✂❑⇖✡♦👌✂◆⬈ ❧▫⇦ ♉🔔⅄✏👓✂ 👓⌂♑❿③❑🕯✵🕓♦③
☎✂❑⇖❷♉📪👓❀🕓◆❑ ☎✂❑⇦❸⇙♋⇕🕓👓✂
⅄✏👓✂ ☎✂❑→✆❑✍👓✂◆❑ ☎✂❑⬈➲♉📪✂◆❻◆❑
❁ ⇪⌘⇙⇙⇗ ❧♍❑←⬩♉💾⬂⊞➔✍ ⇗☠⬈▤✦💾⌂➔⬩♋ (آل عمران: 200) «ای مؤمنان صبر کنید وبردبار باشید و استقامت ورزید و از خدا بترسید تا رستگار شوید». و هرکه از استقامت در مرزها و سنگرهای اسلامی عاجز باشد اینجا برایش رباط

دیگریست که عبارت از اکمال وضو در حالت‌های دشوار و کثرت قدم‌ها به سوی مساجد و انتظار نماز بعد نماز است.

درس 17: آیهٔ عفو و گذشت و دیگر مکارم اخلاق

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(199) عفو و گذشت (در پیش) بگیر و به کار نیک و پسندیده فرمان بده و از جاهلان روی بگردان. (200) و اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان به تو رسید، به الله پناه ببر؛ به راستی او، شنوای داناست .

[الأعراف: 199 – 200]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾  امر می‌کند خدا رسول و امتش را که پیرو او هستند به مکارم اخلاق، زیرا این آیه جامع‌ترین آیات در مکارم اخلاقی است، طوری که حضرت جعفر صادق گفته است: که در قرآن ازین آیه جامع‌تر در مکارم اخلاق آیهٔ نیست. و گفته خدای تعالی: ﴿  ﴾ «بگیر گذشت را» مراد به عفو، از اخلاق و اعمال مردم آنست که با ایشان آسان گیری کند و سختگیری ننماید و از کمال خلق این است که از برادر خود چیزی نخواهد که از توان آن بیرون است مانند علم و شناخت ادب و اخلاق و یا کاری که از امور داد و ستد باشد. «والعرف»: عبارت از هر خصلت نیکی است که مورد پسند عقل‌ها و آرامش نفس‌ها باشد. ﴿  ﴾ «یعنی بعد از دعوت و ارشادشان، از گفتار زشت و رفتار بدیکه در مقابل تو انجام می‌دهند بگذری»، زیرا رسول الله ρ از کسی که به ایشان ظلم

می‌نمود گذشت می‌کردند، و به کسی که از ایشان دریغ کرده بود بخشش می‌نمودند و می‌پیوستند به کسی که از ایشان قطع رابطه می‌کرد، و با این روش‌شان کاملترین مردم در مکارم اخلاق و عالی‌ترین آن‌ها در آداب بودند. و گفته خداوند Ψ:  «یعنی اگر به اثر تحریک شیطان غضبناک شدی و سخن گفتی که منافی حسن اخلاق باشد به سوی خدا بازگرد و از او طلب یاری کن»، زیرا خداوند Ψ تو را در مقابل ارادهٔ شیطان حفظ و حمایت می‌نماید، زیرا خداوند Ψ به گفتار بندگان خود شنوا و به حاجات‌شان دانا است، و کسی که چنین حالتی داشته باشد، خداوند برهانیدن او از بدی و حمایتش از ضررها قدرت دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را چند مرتبه به ترتیل بخوان و شنونده‌ها با تو بخوانند تا این که بدانی که همه‌شان آن را حفظ نموده اند.

2- شرح را به آرامش بخوان و به نزد هر معنی که تمام می‌شود توقف کن و به عبارت عامیانه به آن‌ها بفهمان.

3- آن‌ها را بر عمل به مضمون اخلاقی آن دو آیه تشویق کن زیرا اعتبار بعد از علم به عمل است.

4- آن‌ها را آگاه کن: که نادانی به خدا و چیزهای که مورد پسند یا ناپسند خدا و نادانی آنچه نزد خدایتعالی از نعمت‌های که برای دوستان یا عذابی برای دشمنان آماده کرده است، سبب هر شر و بدی و فساد اخلاقی است.

5- به آن‌ها بفهمان که پناه‌جستن به خدا عبادت است و به جز خدا پناهگاه دیگری از جن و انس وجود ندارد.

درس 18: حدیث خداوند به نه چیز امر کرده است

روي أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: أَمَرَنِي رَبِّي بِتِسْع: الاخلاص في السِّرِّ والعلانية، والعدل في الغضب والرضى، والقصد في الفقر والغنى، وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي وأصل من قطعني، واعطى من حرمني، وأن يكون نطقي ذكراً، وَصَمْتي فِكْرا، ونظري عبرة.	روایت شده که رسول الله ρ فرمود: پروردگارم به نُه چیز مرا امر نموده: اخلاص در نهان و آشکار، رعایت عدالت در حال رضایت و خشم، میانه‌روی در حال توانگری و فقر، و این که بگذرم از کسی که بر من ستم نموده و بپیوندم به کسی که از من قطع رابطه کرده، و بدهم کسی را که از من دریغ کرده است. و این که سخنم ذکر و خاموشی‌ام فکر و نظرم پندگرفتن باشد.

(ذکره ابن الاثیر فی جامع الأصول والقرطبی فی تفسیره واللفظ له)

شرح: گفته‌اش: « بتسع»: یعنی به نُه مسئله. اول: اخلاص: یعنی خالص‌گردانیدن عبادت است برای خدای تعالی طوری که احدی را در ان شریک نسازد و عمل نهان و آشکارش یکسان باشد. دوم: العدل: عدل که ضد ظلم است، یعنی در گفتار و حکم خود ظلم نکند چه در حالت خشنودی باشد یا در حالت خشم. سوم: میانه‌روی: و آن اسراف‌نکردن است چه در حالت ثروتمندی باشد یا فقیری. چهارم: «العفو»: درگذشتن از کسی که به او ظلم کرده باشد به این که او را مورد مؤاخذه قرار ندهد. پنجم:« وصل من یقطعه»: پیوستن به کسی که قطع علاقه نموده یعنی به عنوان مجازات و انتقامش قطع رابطه نکرده، بلکه با او ارتباط و پیوند را برقرار می‌کند. ششم: «اعطائه من حرمه»: بخشش‌نمودن به کسی که او را محروم کرده باشد، یعنی به عمل متقابل به مثل نپرداخته بلکه در وقت احتیاجی‌اش به او بذل و بخشش می‌نماید. و این شش چیز از مکارم اخلاق است. و هفتم این که وقتی سخن می‌زند

سخنش یاد خدای تعالی باشد و هشتم وقتی خاموش و ساکت است سکوتش تفکر باشد در آنچه که رضای خدای تعالی است و نهم این که نظرش پندگرفتن باشد به آنچه که به ازدیاد ایمان و اعمال صالح و خیر می‌انجامد بنگرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و هر جمله‌اش را تکرار کن و شنونده‌ها آهسته تکرار کنند تا ببینی که اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

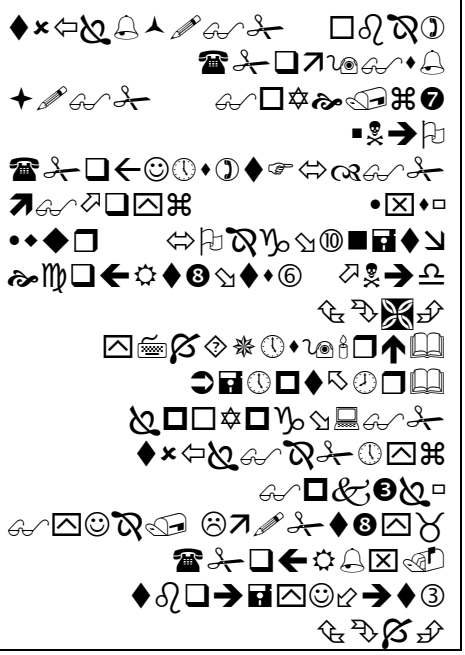
2- تعلیم‌شان ده که مسایل شش‌گانهٔ این حدیث که در مکارم اخلاق است برای هر فرد و زن مسلمان لازم است که خویش را به این زیور آراسته گردانیده و به خاطر آن با نفس خود جهاد نماید تا این که آن را کسب نموده و این خصلت‌های شش‌گانه خُلق و خویش بگردد.

3- آگاه‌شان گردان که برای عبادت خدای تعالی اخلاص واجب است و همنیطور واجب است رعایت عدالت در سخن و حکم و میانه‌روی کردن در انفاق و خرج در حالت توانگری و فقر.

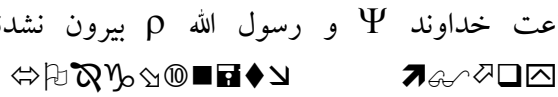
4- برایشان یادآوری کن که عفونمودن از کسی که ظلم کرده، و بخشش‌دادن به کسی که دریغ ورزیده، و پیوستن به کسی که قطع رابطه نموده از محاسن اخلاق است.

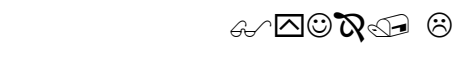
5- تعلیم‌شان ده که لازم است به این اخلاق نُه‌گانه خود را آراسته نمایند طوری که این خصلت‌ها در اوشان دیده شده و در بین مردم به آن شناخته شوند.

درس 19: آیهٔ اهل ایمان و استقامت

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(13) آنان که گفتند پروردگار ما خدا است پس استقامت ورزیدند نیست ترسی برایشان و نه اندوهگین می‌شوند. (14) آنان اند یاران جنت جاودان در آن پاداشی برابر آنچه بودند می کردند.

[احقاف: 13 – 14]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  یعنی: کسانی که با بیان لا اله الا الله و محمد رسول الله بر یگانگی ذات الله Ψ و رسالت حضرت محمد رسول الله ρ شهادت دادند «ثم استقاموا» «سپس استقامت و پایداری ورزیدند»، و در برابر امر خدا و رسول مرتکب کفر و شرک و فساد نگردیدند، و در آنچه که توان و قدرت‌شان بود از اطاعت خداوند Ψ و رسول الله ρ بیرون نشدند. و گفته خداوند Ψ  در این آیه خدای تعالی از مؤمنان و کسانی که بر طاعات استقامت ورزیدند، ترس را دور می‌نماید ترسی که غیر مؤمنان دارند. و حزن لازمهٔ اهل

شرک و عصیان است در دنیا و در قبر و در آخرت. و فرمودهٔ خداوند Ψ:
﴿  ﴾
«آن گروه که به اثر اعمال صالح و ایمان، نیکو و پاک گردیده اند، اهل جنت اند که به صورت ابدی از آن دور و جدا نمی‌شوند». ﴿  ﴾ پاداش می‌دهد اوشان را به خاطر ایمان و استقامت‌شان بر راه حق که همانا اسلام است، پاداشی که سبب نجات از دوزخ و جاویدماندن در بهشتی که سرای ابرار و نیکان است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را به آرامش و ترتیل بخوان و شنوندگان آهسته با تو تکرار کنند تا ببینی که اکثرشان آن را حفظ نموده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه که فهمش برایشان مشکل است به زبان عامیانه بیان کن.

3- تعلیم‌شان ده که استقامت بر طاعت خدا و رسول ρ محتاج به مراقبت و حفظ خدایتعالی و مبارزه‌کردن با نفس و یادآوری وعده و وعید خداوند است در همه اوقات.

4- برایشان فضیلت آشکار نمودن توحید را از گفته‌شان ربنا الله بیان کن و همچنین فضیلت استقامت را که در وصف آن گفته شده که استقامت از هزار کرامت بهتر است.

5- آگاه‌شان گردان که آنچه میان برادران مسلمان مروج گردیده که کلمهٔ التزام را به جای کلمهٔ استقامت به کار می‌گیرند، باطل و نادرست است زیرا کلمهٔ التزام در تمام امور حق و باطل به کار می‌رود، ولی کلمهٔ استقامت خاص در طاعت خدا و رسول به کار گرفته می‌شود.

درس 20: دستور پیامبر به استقامت

ما روى مسلم وغيره من عبد الله الثقفي قال: قلت يا رسول الله قل لي في الإسلام قولاً لا اسأل عنه احداً بعدك؟ قال: «قل آمنت بالله ثم استقم».	مسلم و غیر آن از عبدالله ثقفی حدیثی را روایت می‌کند که عبدالله گفت: به رسول خدا گفتم برایم سخنی در اسلام بگوئید که بعد از شما از کس دیگری نپرسم رسول الله ρ فرمود: (بگو ایمان آوردم به خدا و سپس استقامت نما).

شرح: گفته شخص سؤال‌کننده: یا رسول الله: ندائیست برای رسول ρ به عنوان رسالت و اقرار به رسالت آن حضرت و تعظیم و تشریف به مقام رسالتش و پذیرفتن نهی خداوندی که مؤمنین را از یادکردن رسول به اسم علمی‌اش (محمد) نهی فرموده، آنجا که در سورهٔ نور می‌فرماید: ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُم بَعْضًا﴾ (النور: 63). «نگردانید یادکردن رسول را در بین خود مانند یادکردن بعضی شما بعض دیگر را» خدای تعالی که در کتاب مجیدش چندین بار آن را ندا کرده است به لفظ یا محمد یاد نکرده، بلکه با ندای یا ایها الرسول و یا ایها النبی او را خوانده است. و گفته‌اش فی الاسلام: یعنی در قوانین اسلام از عقاید و عبادات و احکام و آداب و اخلاق که خداوند برای بندگان مؤمن خود تشریع نموده است و گفته‌اش: «لا اسئل عنه احداً بعدك» یعنی سخن و بیان کافی و واضحی باشد که به آن از آتش دوزخ نجات یافته، و داخل بهشت و سرای ابرار گردم. و فرمودهٔ رسول الله ρ: «قل آمنت بالله ثم استقم» یعنی آنچه را طلب نموده بود، رسول الله ρ به صورت خلاصه برایش بیان نمود و آن این که: ایمان آورد و ایمانش را آشکار نماید و بر آن استقامت کند، زیرا ایمان پیمانیست بدل، و قولیست به زبان، و انجام‌دادن است به اعضا. و پیامبرρ در گفتهٔ خود به عبدالله ثقفی

فرمودهٔ خدا را از سوره‌های فصلت و احقاف در نظر دارد آنجا که فرموده: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا...» «آنهائی که گفتند پروردگار ما الله است سپس استقامت ورزیدند...».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- قرائت حدیث را تکرار کن و شنوندگان آهسته با تو تکرار کنند تا این که بیشترشان حدیث را حفظ نمایند.

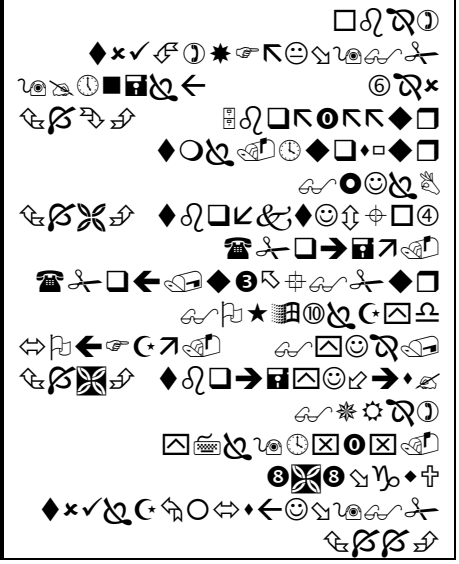
2- آگاه‌شان گردان که طلب علم واجب است، زیرا این سؤال‌کننده سؤالش علمی بوده است.

3- آگاه‌شان گردان که رعایت ادب با رسول خدا ρ واجب است، نباید کسی بگوید که محمد گفته است و یا محمد را ندیدم و یا محمد ρ امر نموده و یا نهی فرموده، بلکه بگوید: رسول الله و نبی الله.

4- برایشان از فضیلت ایمان و استقامت بر آن خبر ده که ایمان عبارت از اعتقاد و گفتار و کردار بوده و راه نجات و رستگاری بنده محسوب می‌شود.

5- حرص اصحاب رضوان الله تعالی علیهم را در طلب علم و عملی که به آن سعادت دنیا و آخرت را به دست آورده بتوانند، بیان کن.

درس 21: آیهٔ متقین در سایه‌ها و چشمه‌سارها اند

قول الله جل جلا له: 	فرمودهٔ خدای تعالی: (41) همانا پرهیزگاران اند در سایه‌ها و چشمه‌سارها (42) و میوه‌های از آنچه هوس کنند (43) بخورید و بنوشید گوارا بدانچه بودید می‌کردید (44) همانا ما بدینگونه پاداش دهیم نیکوکاران را.

[مرسلات: 41 – 44]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾ مراد از متقین و پرهیزگاران، مردان و زنان مؤمنة هستند که از پروردگارشان ترسیدند و از خشم الهی که سبب عذابش می‌شود پرهیز کردند و تقوای خدا را به انجام آنچه مورد پسند خدا و ترک آنچه را که نمی‌پسندد رعایت کردند، لذا برای حفظ اصول تقوا طلب علم به کسب آن و یا به سؤال از اهل علم یک امر واجب و ضروری است و در غیر آن تقوای بنده کامل نگردیده، و آن که تقوا نداشته و از خدا نترسید بخسران و هلاکت روبرو خواهد شد. گفته‌اش: ﴿  ﴾ در این آیه از اهل تقوا خبر می‌دهد که بعد از مرگ ارواح‌شان بدار السلام بلند برده می‌شود تا بقیهٔ عمر دنیا را به آسایش در آنجا بگذرانند و بعد از انتهای این زندگی، خداوند اجسام‌شان را عود نموده و ارواح‌شان را به سوی آن‌ها

می‌فرستد و این اجسام پاک زنده می‌شود و به سوی موقف حشر می‌شوند و نامهٔ اعمال‌شان به دست راست‌شان داده می‌شود و اعمال‌شان وزن می‌شود و از صراط به سوی جنت گذشته و با سلام و امن وارد بهشت می‌شوند و در سایه‌های درختان بهشتی که از چشمه‌های آب، عسل، شیر و شراب آن نوشیده و از میوه‌های آن که بسیار زیاد و متنوع است آنچه میل دارند می‌خورند، و خوردن‌شان تماماً برای حصول لذت است نه برای بقای حیات چنانکه اهل دنیا به خوردن جهت ادامهٔ زندگانی و حیات نیازمنداند، و فقط تلذذاً می‌خورند و فرشتگان برایشان می‌گویند: ﴿✍☜➔❑✁☎ ❒◆✁✍✍#⬁❸◆✍←❑✁☎ ♎◻☪⓾▦★⚐✍ ✍⚠☺◻✍ ✍☪↗☾☞←⚐⇔ ✍⬧➔⬀☺◻◘➔❑♌◆﴿ یعنی: بخورید و بنوشید گوارای‌تان باد به خاطر اعمال صالحهٔ که با انجام آن وارث این نعمت‌های همیشگی گشته اید. و فرموده خدای تعالی: ﴿☽⚠☼❋✍ ✍⊠⓿⊠⏲⓾✍⌨◻ ✞◆♑⬂❽⌧❽ ✁✍⓾✍⬂☺←⬧⇔○⬁☪✍✓×◆﴾ هرگاه آن‌ها با ایمان و انجام اعمال صالح تقوای خدا را پیشه کرده از محسنین گردیدند که فسادی در اعمال‌شان راه نیافته و نفس‌های شان تزکیه شده و شایستهٔ جنت گردیدند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیه را بخوان و چند بار با ترتیل تکرار نما تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و معنای آن را به لغت عامیانه بیان کن تا بفهمند.

3-آگاه‌شان گردان که تقوا سبب توراث دارالسلام است نظر باین فرموده خداوند Ψ: ﴿✍✍◘▫⌨◻ ✁✍💻⬂♑❑☾□❑➔ ✁✍⓾✍▲☹☞⚬ ☼←❑❻⚬♈← ✌✍♊⇕ ↖✍⌛◆✍⓾✍☼◆✍ ✌◆♊ ✍⊠♌◆ ✍☽☞⓿❁✍﴾ (مریم: 63). «این آن بهشتیست که ارث دهیم بندگان خود را آن که بوده است پرهیزگار». زیرا تقوا که طاعت خدا و رسول و انجام امور و اجتناب منهیات است. نفوس را تزکیه و پاک نموده آنگاه شایسته جوار کریم در دارالنعیم بهشت می‌گردند.

4- آگاه‌شان گردان که احسان جزء اسلام است و بدون احسان هیچ عمل صالحی مورد قبول واقع نمی‌شود و حقیت احسان عبارت از در نظرداشتن خداوند است در حین عبادت تا که صاحب آن، این مراقبت را حفظ نموده و در نتیجه دارای طهارت روحی گردیده و شایستگی دخول جنت را پیدا کند.

درس 22: حدیث صدقه از بهترین مال

قول النبي صلى الله عليه وسلم عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الأَشْجَعِيِّ إذ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– وَقَدْ عَلَّقَ رَجُلٌ قِنَاءً أَوْ قِنْوًا وَبِيَدِهِ عَصًا فَجَعَلَ يَطْعَنُ يُدَقْدِقُ فِي الْقِنْوِ وَيَقُولُ: لَوْ شَاءَ رَبُّ هَذِهِ الصَّدَقَةِ تَصَدَّقَ بِأَطْيَبَ مِنْهَا إِنَّ رَبَّ هَذِهِ الصَّدَقَةِ يَأْكُلُ الْحَشَفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.	فرمودهٔ رسول الله ρ: در روایت عوف بن مالک: که بیرون شدند رسول خدا در حالی که مردی چند خوشه یا یک خوشه از خرما را آویزان کرده بود و به دست رسول الله ρ عصای بود که شروع کردند با عصا به خوشه‌ها می‌زدند و می‌کوبیدند و می‌فرمودند: اگر صاحب این صدقه می‌خواست بهتر ازین را صدقه می‌داد، همانا صاحب این صدقه روز قیامت می خورد خرمای پست را.

(حسن صحیح، ابی داود)

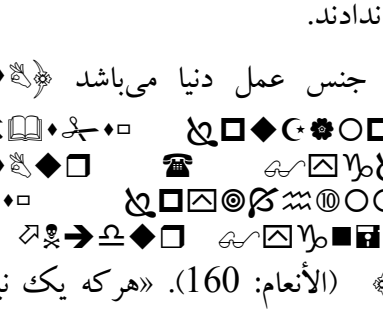
شرح: گفتهٔ عوف بن مالک τ: رسول الله ρ از منزل به سوی مسجد بیرون شدند در حالی که یکی از مسلمانان بر ریسمانی بین دو ستون از ستون‌های مسجد نبوی خوشه‌های خرما را جهت صدقه آویخته بود. و گفته‌اش: بیده عصا: یعنی در دست رسول الله ρ عصای بود فجعل یطعن: که با آن به خوشه‌ها زده فرمودند: اگر صاحب این صدقه می‌خواست خرمای بهتری را صدقه می‌داد زیرا مالک خرماهای بهتر و عالی‌تری بود، مگر بخل او را ازین خیر مانع شد. و گفته‌اش:« ان رب هذه الصدقة یأکل الحشف یوم القیامة»: و حشف نوعی از خرمای پست و بی‌ارزش است، و این از قبیل پاداش در مقابل عمل است که اگر خرماهای پاکیزه و سره‌تری را صدقه می‌نمود پاداش خوبی داده می‌شد، چون از خرمای پست صدقه داد پاداش او هم پست و بی‌ارزش قرار گرفت.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2-شرح را بخوان و آنچه محتاج تفسیر باشد بیان کن.

3-برایشان بلندی ادب محمدی ρ را تذکر بده آنجا که از صدقه بی‌ارزش عیب گرفته صاحب صدقه را مورد ملامت و سرزنش قرار ندادند.

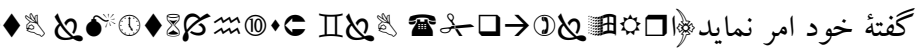
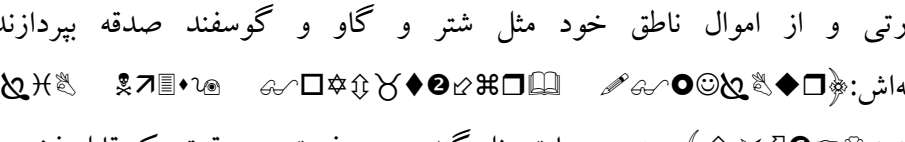
4-برایشان تذکر بده که پاداش آخرت از جنس عمل دنیا می‌باشد  (الأنعام: 160). «هرکه یک نیکی انجام دهد برای او ده چند آن پاداش داده می‌شود و هرکه بدی انجام دهد برایش مثل آن سزا داده می‌شود».

5-برایشان از بخل تذکر بده زیرا بخل صاحب صدقه را وادار به صدقه‌ی بی‌ارزش نمود، تا در رهایی از بخل بکوشند که علاج آن همانا افزودن در صدقات است.

6-آن‌ها را به فضیلت صحابه آگاه کن که خوشه‌های خرما ره مسجد آورده و می‌آویختند تا محتاجان استفاده نمایند بدون این که بر کسی به صدقه خود منت گذارند.

درس 23: آیهٔ انفاق از مال‌های پاکیزه

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(267) ای گروه مؤمنان انفاق کنید از پاکیزه‌های آنچه فراهم کردید و از آنچه بیرون آوردیم از زمین و قصد پلید نکنید که از آن انفاق کنید و نیستید ستانندهٔ آن جز با فروخواباندن چشم در آن و بدانید که خداست بی‌نیاز ستوده.

شرح: خدای تعالی بندگان مؤمن را که به ربوبیت و الوهیت به حقش ایمان دارند و دین اسلام را به عنوان دین و محمد ρ را به عنوان پیامبرش پذیرفته اند، ندا می‌کند چون آن‌ها با ایمان‌شان توان تکالیف اعتقادی و عملی و ترک منهیات را دارند. ندا می‌کند تا اوشان را به این گفتهٔ خود امر نماید﴿  ﴾: که از مال‌های صامت خویش مثل طلا و نقره و دیگر عرض‌های تجارتی و از اموال ناطق خود مثل شتر و گاو و گوسفند صدقه بپردازند. و گفته‌اش:﴿  ﴾ یعنی حبوبات مثل گندم، جو، ذرت و هر قوتی که قابل ذخیره‌شدن

است و میوه‌ها مثل خرما، زیتون و کشمش. و خدای تعالی آن‌ها را از انفاق اشیاء کم‌ارزش و بی‌اهمیت نهی نموده و توصیه به مال‌های سره و خوب و پاکیزه نموده فرموده است: ﴿ ••◆❐ ☎✂❑←☺●☺◆❶•✍ ✌🖎❍⟳←❍⬀❍🖎 ☒❁⑩🖎📠☒②↘↴◉✍✂ ✍➔✡▦🖎❶→❑◆♌﴾ یعنی تصمیم به انفاق مال‌های پست و بی‌ارزش‌تان نگیرید چنان مال‌های که اگر برای شما داده شود خود شما آن را نمی‌پذیرید مگر این که چشم‌پوشی کرده و به پستی و بی‌ارزشی آن ننگرید و در بخش بعدی آیت به آن‌ها تذکر می‌دهد که خدای تعالی غنی و حمید بی‌نیاز ستوده شده‌ایست که محتاج نفقه و ستایش و سپاسگذاری آن‌ها نیست: همان انفاق و شکرشان به خودشان برمی‌گردد زیرا آن‌ها فقیر و نیازمند خدایند و ذات سبحان خداوند محتاج نیست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان و شنوندگان با خویشتن تلاوت نمایند تا ببینی که بیشترشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را به آرامش جمله جمله بخوان و معنای آن را به لغت عامیانه و متداوله بیان کن تا خوب درک نمایند.

3- آگاه‌شان گردان که سنت، نصاب مال‌ها را بیان کرده زیرا مال تا هنگامی که به نصاب نرسد زکات در آن واجب نمی‌شود. نصاب طلا بیست مثقال که حدود هفتاد گرام می‌شود (و باساس رای بعضی علما، بیست مثقال معادل هشتاد و پنج گرام می‌شود) و نصاب نقره دویست درهم است که حدود چهارصد و پنجاه گرام می‌شود و نصاب شتر پنج رأس و نصاب گوسفند چهل گوسفند و نصاب گاو سی رأس و نصاب حبوبات و میوه‌ها پنج وسق یعنی پنج بار شتر که حدود پنج قنطار می‌شود.

4- آگاه‌شان گردان که آیه صراحتاً در وجوب زکات است بر مردان و زنان مؤمنه، و زکات رکن سوم از ارکان اسلام است هرکه آن را نابود کند مسلمان شمرده نمی‌شود.

5- آگاه‌شان گردان که خداوند پاکیزه است و جز پاکیزه‌ها را نمی‌پذیرد لذا برای مسلمان جواز ندارد که اشیاء پست مال خود را صدقه داده و مال‌های پاکیزه و خوب را ترک نماید.

درس 24: حدیث ارکان دین اسلام

قوله صلى الله عليه وسلم في الصحيح: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلاَةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ» وقوله: «لَيْسَ فِيمَا دُونَ خَمْسِ أَوَاقٍ صَدَقَةٌ» وقوله: «وَلَيْسَ فِيمَا دُونَ خَمْسِ ذَوْدٍ من الابل صَدَقَةٌ» وقوله: «وَفِي الرِّكَازِ الْخُمُسُ» وقوله: «فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْعُيُونُ أَوْ كَانَ عَشرِيًّا الْعُشْرُ ، وَفِيْمَا سُقِيَ بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ».	فرموۀ رسول الله ρ در صحیح البخاری: مأمور شده‌ام که بجنگم با مردم تا گواهی دهند به واحدانیت خداوند Ψ و رسالت حضرت محمد ρ و به پا دارند نماز را و بدهند زکات را» و گفته‌اش: «در کمتر از پنج اوقیه زکات نیست» و گفته‌اش: در کمتر از پنج ذود از شتر زکات نیست. و در معادن خمس است و گفته‌اش: در آنچه به باران و شبنم آبیاری می‌شود عشر است. و در آنچه به کشیدن باشد نصف عشر است.

شرح: فرمودۀ رسول خدا ρ: امرتُ: یعنی پروردگارم امر نموده مرا که دعوت نمایم مردم را به گواهی این که خداوند یکی است و محمد رسول خداست و اگر سرباز زدند و ابا آوردند با اوشان بجنگم تا به این حقیت که خدا یک است و غیر او الهی نیست یگانه است و شریکی ندارد به این اقرار نمایند و او را پرستش نمایند و به این اقرار که محمد رسول خداست او را دوست داشته و اطاعت نمایند. گفته‌اش: «یقیموا الصلاة» یعنی نمازهای پنجگانه را با شرایط و ارکان در مساجد به جماعت اداء نمایند. و گفته‌اش« یؤتو الزکاۀ» که آنچه در مال‌های شان زکات واجب شده باشد بپردازند. گفته‌اش «خمس اواق» که جمع اوقیه است و در آیه گذشته در مورد نصاب طلا و نقره بیان شد. و گفته‌اش:« لیس فی ما دون خمس ذود من الابل صدقه» ذود با فتح ذال که از سه تا به ده شتر اطلاق می‌شود. و گفته‌اش: «وفی الرکاز الخمس» رکاز به معنی گنج و خزینه که در زیرزمین دفن شده و

کشف می‌شود و در آن خمس است که باید خمس در مصارف زکات برای فقرا و مساکین و مأمورین جمع زکات و برای مؤلفه القلوب و در آزادسازی بردگان و قرض‌داران و در راه خدا و مسافران صرف شود. و گفته‌اش:«او کان عشریاً» عشری عبارت از زمینیست که آن را باران و شبنم آبیاری نماید و به آب‌چشمه‌ها و جوی‌ها و چاه‌ها آبیاری نشود، و گفته‌اش: «فیما سقی با النضح نصف العشر» یعنی زمینی که به طریقهٔ آبکشی آبیاری شود یعنی مالک زمین آن را با شتر یا دلو و یا دیگر وسایل آلات امروزی آب دهد در چنین زمینی نصف عشر است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به آرامش بخوان و تکرار کن و شنوندگان نیز آهسته تکرار کنند تا ببینی که تماماً آن را حفظ کرده اند.

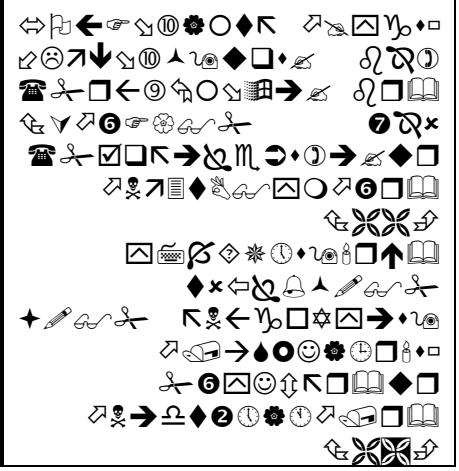
2-شرح را جمله جمله بخوان و معنی آن را برایشان بیان کن تا بفهمند.

3-آگاه‌شان گردان آن که گواهی دهد که خداوند یگانه است و غیر او خدای نیست، واجب است که عبادت خدا را به جا نموده و چیزی را با او شریک نسازد و آنکه گواهی دهد که محمد ρ رسول خداست، واجب است که او را دوست داشته و در تمام آنچه آورده پیروی و متابعت نماید و دیگران را به سوی آن بخواند.

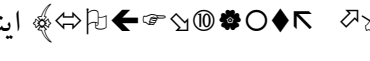
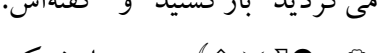
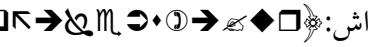
4-برایشان تذکر ده که زکات قرین نماز است و هرگاه که واجب شود جائز نیست که آن را نپردازد.

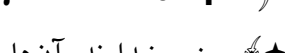
5-سؤال‌های را از موضوع درس از شنونده‌ها بنما تا بر حفظ‌شان تأکید کرده باشی.

درس 25: آیهٔ منافقان اهل فساد و قطع صله رحم

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(22) آیا امید دارید که هرگاه به سرپرستی گمارده شدید این که تبه‌کاری کنید در زمین و ببرید رشته خویشاوندی خویش را (23) آنانند که لعنت‌شان کرد خدا، پس کر ساخت‌شان و کور ساخت دیدگان‌شان را.

[القتال: 22 – 23]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾ اینجا مخاطب آیه, منافقان هستند که در رأس‌شان عبدالله بن ابی قرار دارد، آنگاه که در مسیرشان به سوی جنگ احد می‌رفتند می‌گفتند: چرا آنجا خود را به کشتن دهیم؟ و سپس به خانه‌های خود برگشتند، خداوند Ψ آن‌ها را به عنوان سرزنش مورد خطاب قرار داده و این حالت و موقف ذلیل و پست‌شان را نکوهش می‌نماید. و فرموده‌اش: ﴿  ﴾ یعنی از ایمان ظاهری که بدان تظاهر می‌کردید بازگشتید و گفته‌اش:﴿  ﴾ یعنی با شرک و معصیت فسادکاری در روی زمین نمائید. و گفته‌اش:﴿  ﴾ یعنی صله ارحام را با قربا و خویشاوندان مسلمان‌تان پیوند نمی‌کنید. چه هرگاه کافر شدند صله ارحام را رعایت نمی‌کنند چنانچه عادت کفار است، و حق چنین است که اگر ایشان حکم را به دست بگیرند و سرپرست امور شوند همانا با ظلم و

دشمنی و قطع صله ارحام در زمین فساد می‌کنند همانطوری که حالت حاکم کافر به اثر نادانی و ظلمت نفسانی‌اش چنین است. و گفته‌اش: ﴿  ﴾ یعنی خداوند آن‌ها را از رحمت خود دور کرده و گوش‌های‌شان را از شنیدن کلام حق و امور پسندیده‌کر ساخته و چشمان‌شان را کور نموده که آیات الهی و آنچه را که مایهٔ عبرت و پند است نمی‌توانند مشاهده کنند، گویا حالت‌شان شبیه کوران و کران است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان تا شنونده‌ها حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه که محتاج توضیح باشد بیان کن.

3- آن‌ها را از نفاق که همانا اظهار ایمان و پوشیدن کفر است بترسان.

4- آگاه‌شان گردان که انجام‌دادن گناهان از جمله فساد در روی زمین است.

5- آن‌ها را از قطع رحم بترسان چه قطع رحم از گناهان کبیره است و این حدیث رسول الله ρ را برایشان تذکر بده: «**ما من ذنب أحرى أن يعجل الله تعالى عقوبته في الدنيا مع ما يدخر لصاحبه في الآخرة من البغي وقطع الرحم**» رواه غير واحد و صححه الترمذی.

فرمود رسول الله ρ: هیچ گناهی سزاوارتر نیست که خداوند عقوبت و کیفرش را در دنیا زود بدهد با آنچه که برای صاحبش در آخرت ذخیره می‌سازد از ظلم و قطع صله رحم.

درس 26: حدیث وصل رحم

قول رسول الله صلى الله عليه وسلم: «قَالَ اللَّهُ أَنَا الرَّحْمَنُ وَهَذِهِ الرَّحِمُ شَقَقْتُ لَهَا اسْمًا مِنَ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ، وَمَنْ قَطَعَهَا قطعته». **رواه احمد وأبو داود والترمذي. وَقَالَ لِمَنْ سأل عما يدخل الجنة من الأعمال ويباعد عن النار: تعبد الله ولا تشرك به شيئاً وتقيم الصلاة وتؤتي الزكاة وتصل رحمك.**	فرموده رسول الله ρ: پروردگار Ψ می‌فرماید: «من رحمانم و این رحم است و برای این رحم اسمی از اسم خویش اشتقاق نموده‌ام پس هرکه آن را پیوند کند وصلش می‌نمایم و هرکه آن را قطع کند قطعش می‌نمایم» پیامبر ρ برای کسی که سؤال کرد از اعمالی که سبب دخول جنت می‌شود و از آتش دوزخ دور می‌نماید فرمودند: پرستش نمائی خدای را و شریک نسازی به او چیزی را و برپا داری نماز را و بدهی زکات را و وصل وپیوند کنی رحمت را.

(متفق علیه)

شرح: فرمودهٔ ρ: «أنا الرحمن» این اخباریست از ذات او تعالی به این که اسم او رحمن است و در قرآنکریم می‌فرماید: «هو الرحمن الرحیم» الآیه و این روایت را بخاری در این فرموده رسول الله ρ توضیح می‌نماید: «**إن الله تعالى خلق الخلق حتى إذا فرغ منهم قامت الرحم فقالت: هذا مقام العائذ بک من القطيعة قال: أما ترضين أن أصل من وصلک وأقطع من قطعک؟ قلت: بلى! قال فذلک لک**». «خدایتعالی خلق را آفرید و آنگاه فارغ شد از آن‌ها، رحم برخاست و گفت: این مقامیست که پناه می‌برم به تو از قطع آن: فرمود بلی! آیا راضی می‌شوی این که وصل کنم آن را که وصل کند تو را و قطع نمایم آن را که قطع کند تو را؟ رحم گفت: آری! فرمود: پس این برای توست». خوشا به حال آن که صلهٔ رحم را انجام داده و آن را قطع نمی‌کند. و ارتباط صلهٔ رحم به این موارد صورت می‌گیرد: 1- خودداری

از اذیت‌شان. 2- قدرشناسی و احترام‌شان. 3- رساندن خیر و نیکی برای‌شان. و قطع صلهٔ رحم به امور زیر می‌شود:

1- آزارشان به زبان یا به دست. 2- اهانت و بی‌احترامی به اوشان. 3- دریغ‌کردن خیر و نیکی از اوشان.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و شنونده‌ها با تو بخوانند تا بیشترشان آن را حفظ کنند.

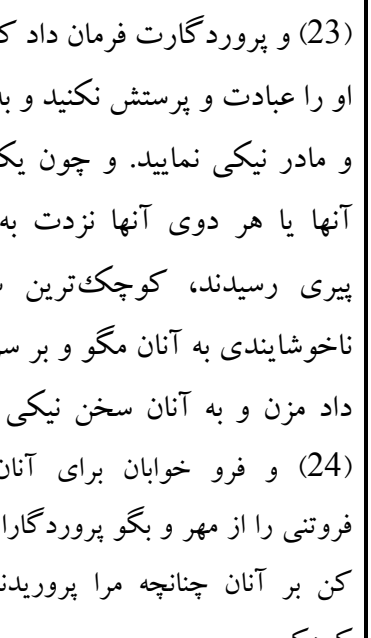
2-شرح را جمله جمله بخوان و معنی مراد را بیان کن.

3-برای‌شان یادآور شو که خداوند Ψ دارای 99 نام است که از جملهٔ اسماء یکی رحمن است و برای‌شان لازم است که تا حد امکان اسماء الله را حفظ نمایند تا با آن‌ها خدایتعالی را بخوانند نظر به فرموده خداوند Ψ: ﴿  ﴾ (الأعراف: 180) «و بهترین نام‌ها از آنِ پروردگار است. پس او را با این نام‌ها بخوانید».

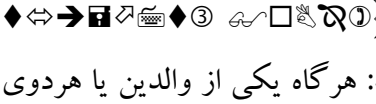
4-برای‌شان معنای عائذ را بیان کن که عایذ به معنی مستجیر و پناه جوینده است که طلب حمایت می‌کند از هر ترس‌آور و ناپسندی «مرهوب و مکروه».

5-آگاه‌شان گردان که خدایتعالی تمام مخلوقات از حیوانات و جمادات و غیره را گویا گردانیده و هرگاه خداوند از هریک‌شان طلب نطق کند، سخن زنند چنانچه در سورهٔ فصلت این فرموده خداوند Ψ آمده است ﴿  ﴾ (فصلت: 21) «و دوزخیان گویند: برای پوست‌های‌شان که چرا علیه ما شهادت دادید؟ گویند: خدای که همه چیز را گویا گردانیده ما را به سخن آورده است».

درس 27: آیهٔ دستور خدا به احسان والدین

قول الله Ψ:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(23) و پروردگارت فرمان داد که جز او را عبادت و پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی نمایید. و چون یکی از آنها یا هر دوی آنها نزدت به سن پیری رسیدند، کوچک‌ترین سخن ناخوشایندی به آنان مگو و بر سرشان داد مزن و به آنان سخن نیکی بگو. (24) و فرو خوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر و بگو پروردگارا رحم کن بر آنان چنانچه مرا پروریدند در کودکی.

(الإسراء: 23 و 24).

شرح: فرمودهٔ خدایتعالی: قضی: یعنی پروردگار تو دستور فرموده بندگانش را که تنها او را پرستیده و غیر وی را با او پرستش نکنند چنانچه توصیه نموده بندگانش را که به والدین خویش احسان کامل داشته باشند همانطور آن‌ها را از بی‌ادبی به والدین بازمی‌دارد گرچه یک کلمه رنج‌آور مثل اف باشد. و گفته‌اش: ﴿  ﴾ الآیه: هرگاه یکی از والدین یا هردوی شان به سن کهن‌سالی برسند و تو زنده و در کنارشان حاضر باشی لازم است که خدمت‌شان را بنمایی طوری که آن‌ها تو را در دورهٔ طفلی خدمت کرده اند باید ادرارشان را بشویی و ناپاکی‌ها را تمیز نموده و نیازمندی‌های‌شان را برای‌شان تقدیم نمایی و اظهار ناراحتی و ناگواری از خدمت‌شان نکنی چنانکه آن‌ها این کار را انجام می‌دادند و تو طفلی بودی و

نجاستت را پاک می‌کردند و اظهار ناراحتی نمی‌کردند. و گفته‌اش: ﴿❐◆•• ♦❁ ❷◘ ➔☺ ﴾ یعنی آن‌ها را با صدای بلند و تهدید کننده اذیت مکن. و گفته‌اش: ﴿❐◆ ➔ ☺ ♦❐ ❷ ✝☺ ﴾ یعنی با اوشان به گفتار پسندیده و نرم سخن گو: که از آن احساس بزرگی و قدرشناسی نمایند. و گفته‌اش: ﴿❐◆ ☺ ♦ ﴾ یعنی بازوی خود را در مقابل شان فرو خوابان و آن‌ها را مورد مهر و عاطفه قرار ده که از صحبتت احساس آرامش کنند، و در طول زندگی خویش برایشان دعای مغفرت نما.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را بخوان و قرائتش را ادامه بده تا شنونده آن را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معنی‌شان را بیان کرده تکرار کن تا از فهم شنونده‌ها اطمینان حاصل نمایی.

3- آن‌ها را از بزرگی گناه شرک و این که شرک از بزرگترین انواع ظلم است آگاه گردان و برای شان مثال‌های از شرک در عبادت مانند دعا، ذبح و نذر لغیر الله را بیان کن.

4- آگاه‌شان گردان که نیکی به والدین به سه امر زیر کامل می‌شود: اول: اطاعت‌شان در کارهای پسندیده. دوم: نیکی و احسان به آن‌ها سوم جلوگیری از رسیدن اذیت برایشان.

درس 28: حدیث بهترین اعمال نزد خداوند

روى الشيخان، البخاري ومسلم عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ –رضي الله عنه– أنه قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– : أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: الصَّلاَةُ عَلَى وَقْتِهَا. قُلت: ثُمَّ أي؟ قَالَ: بِرُّ الْوَالِدَيْنِ، قُلْت: ثُمَّ أيّ؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَرويا أيضاً عن أبي بكرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ألا أُنَبِّئُكُمْ بأَكْبَرِ الكَبَائِرِ ثلاثاً قُلْنَا: بَلَى، يَا رَسُول الله، قَالَ: الإِشْرَاكُ بالله، وَعُقُوقُ الوَالِدَيْنِ، وكان مُتَّكِئاً فَجَلَسَ، فَقَالَ: ألاَ وَقَوْلُ الزُّورِ وَشَهَادَةُ الزُّورِ فَمَا زَالَ يُكَرِّرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ».	امام بخاری و مسلم از عبدالله بن مسعود τ روایت کردند که عبدالله می‌گوید: از پیامبر ρ پرسیدم کدامین عمل نزد خداوند پسندیده‌تر است؟ فرمودند: ادای نماز در وقت آن. پرسیدم: پس از آن کدام عمل پسندیده‌تر است؟ فرمودند: خدمت پدر و مادر، باز گفتم: پس از آن چه عملی بهتر است؟ فرمودند: جهاد در راه خدا. و همچنین بخاری و مسلم از ابی بکره روایت کردند: که پیامبر سه بار فرمودند: آیا شما را به بزرگترین گناهان بزرگ خبر دهیم؟ ما گفتیم: آری؟ خبر دهید. فرمودند: شرک به خداوند و نافرمانی پدر و مادر از بزرگترین گناهان است و حضرت پیامبر ρ تکیه داده بودند نشستند و فرمودند: هان! بپرهیزید از سخن دروغ و شهادت دروغ، و این جمله را چندین بار تکرار کردند تا این که ما گفتیم: ای کاش سکوت کنند.

شرح: سؤال ابن مسعود τ از پسندیده‌ترین اعمال نزد خداوند، این را می‌رساند که مؤمن در جستجوی تقرب به خداوند است تا به بهترین اعمال به سوی او نزدیکی حاصل کند، و پیامبر ρ پاسخ می‌دهد که بهترین اعمال نزد خداوند چند چیز است: اول ادای نماز در اول

وقت آن، دوم اطاعت والدین، البته در معروف و امور پسندیده و دورداشتن آزار و رسانیدن خیر به پدر و مادر. سوم جهاد است، جهاد به زبان، جهاد به مال، جهاد به نیزه، به شرط این که در راه خدا و در راه نصرت دین خدا و بندگان مؤمن خدا و در راه گسترش دعوت اسلامی در جهان باشد. و گفته پیامبر ρ در حدیث ابی بکره «**وَعُقُوقُ الوَالِدَيْنِ**» این را ثابت می‌کند که نافرمانی والدین از بزرگترین گناهان کبیره است، همچنانکه خدمت والدین از بهترین اعمال شایسته است، پس نافرمانی والدین که نقطه مقابل آن است از بزرگترین گناهان است. پس تقوای خدا را در خدمت والدین و عدم نافرمانی آن‌ها رعایت کنیم، تا از عذاب خدا نجات پیدا کرده و به نعمت‌های او در اقامتگاه راستین نزد مالک مقتدر رستگار شویم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

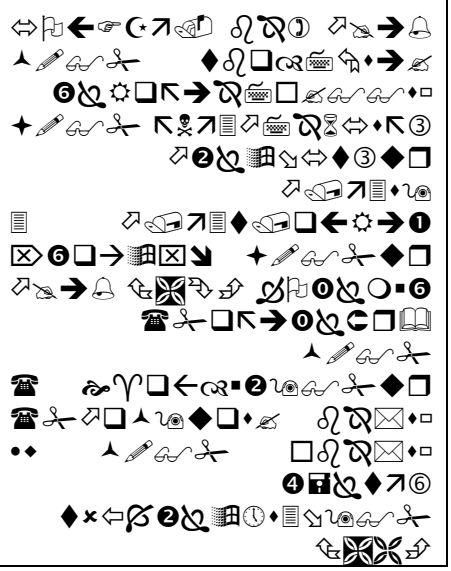
1- آن دو حدیث را بخوان و تکرار کن و شنوندگان هم تکرار کنند تا بدانی که اکثریت آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معانی آن را به اندازهٔ فهم آن‌ها تفسیر کن.

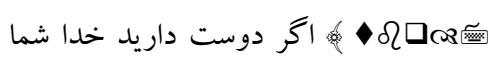
3- به آنان یادآوری کن که خدمت مادر بر خدمت پدر مقدم است، چنانچه بخاری روایت کرده که کسی از پیامبر ρ پرسید سزاوارترین مردم برای خدمت کیست؟ پیامبر ρ فرمود: مادرت، گفت: پس از آن کیست؟ باز پیامبر ρ گفت: مادرت، باز گفت پس از آن کیست؟ پیامبر ρ فرمود: مادرت، و برای چهارمین بار که پرسید؟ فرمود: پدرت.

4- به آن‌ها تذکر ده که والدین پس از مرگ خود هم بر فرزندان خود حقوقی دارند: از آن جمله نماز جنازه بر آن‌ها خواندن، برای آن‌ها آمرزش خواستن و پیمان آن‌ها را پس از مرگ اجرا کردن، و با قوم و خویشان آنان صله رحم به جاآوردن، و دوستان آنان را مورد اکرام قراردادن است.

درس 29: آیهٔ محبت به اطاعت از پیامبر است

قول الله تعالی:	گفته‌ی خداوند:
	(31) بگو: اگر دوست دارید خدا را مرا پیروی کنید، تا دوست دارد شما را خدا و بیامرزد گناهان شما و خدا آمرزنده و مهربان است. (32) بگو: فرمان برید خدا و رسول را، پس اگر پشت کردند همانا خدا دوست ندارد کافران را.

[آل عمران: 31 – 32]

شرح: این آیه در شأن نمایندگان نصارای نجران نازل شد چون آن‌ها گفتند: که اگر ما عیسی را عبادت می‌کنیم به جهت محبت خدا است، خداوند به پیامبر دستور داد به آن‌ها بگو:﴿  اگر دوست دارید خدا شما را دوست داشته باشد، پس چرا بنده و پیامبر او، حضرت عیسی و مادرش را خدا قرار داده و پرستش کردید پس از دین و راه توحید من پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامرزد، سپس به حضرت محمد ρ دستور می‌دهد که به آن‌ها چیزی معرفی کند که محبت خدا و رسولش را فراهم سازد که همانا اطاعت خدا و رسول است.﴿  ﴾ بگو: اطاعت کنید خدا و رسولش را ﴿  ﴾ اگر پشت کردند به خدا و رسول و ترک کردند اطاعت ایشان را پس ایشان کافر اند و خدا کافران و ناسپاسان را دوست ندارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آن دو آیت را چند بار و با آرامش بخوان تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح آیات و معنی هرجمله را برای آن‌ها بیان کن.

3- به آن‌ها اعلام کن که سبب پرستش نصارا عیسی و مادرش مریم را، محبت حضرت عیسی و مادر وی بوده است، لذا در دین اسلام منع شده ازین که در محبت صالحان و دوستان خدا غلو شود، تا این که با خدا، دیگری را نپرستند و در شرک نیفتند.

4- به آن‌ها بگو: که محبت خدا، عبادت و جزء دین ما است و کسی که خدا را دوست ندارد کافر است.

5- به آن‌ها بفهمان: که علامت محبت خدا اطاعت از امر و نهی خدا است.

و این شعر شاعر را برای آن‌ها بخوان:

1- **تعصي الإله وأنت تظهر حبه**: تو ادعای محبت خدا داری واز وی نافرمانی می‌کنی

2- **هذا لعمري في القياس بديع**: این کار از نظر مقایسه عقلی ناآشنا است.

3- **لو كان حبك صادقا لأطعته**: اگر راست می‌گویی که خدا را دوست داری باید از وی اطاعت کنی

4- **إن المحب لمن يحب مطيع**: که همانا دوست دارنده از محبوب خود اطاعت می‌کند

5- به آن‌ها تذکر ده که دوست‌داشتن خدا مهم نیست، مهم اینست که خدا ما را دوست داشته باشد، زیرا اگر بندهٔ خدا را دوست دارد و از وی اطاعت نکند، خدا او را دوست ندارد، چرا که او از محبت خدا استفاده‌ی نبرده و زیان کرده است.

درس 30: حدیث خدا ولی نعمت ماست

قول النبي صلى الله عليه وسلم: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذوكُمْ بِهِ مِنْ النِعَمِ، وَأَحِبُّونِي بِحُبِّ اللَّهِ تَعَالَى».	ترمذی از پیامبر ρ روایت کرده که فرمود: خدا را به واسطهٔ نعمت‌های که به شما خورانیده دوست بدارید، و من را به جهت دوستی خدا دوست بدارید.

(رواه الترمذی)

شرح: کلمات غذاه یغذوه و غذاه تغذیه به معنی این که بوی داد آنچه سبب بقاء جسم اوست، و خداوند انواع غذاها را برای ما آفرید و نعمت‌های بی‌حساب به ما داده است، پس برما واجب است که او را در مقابل انعام و احسان او دوست داشته باشیم، و چون خداوند Ψ پیامبر ρ را دوست دارد پس ما باید او را به جهت محبت خدا دوست داشته باشیم، لذا پیامبر ρ می‌فرماید: خدا را جهت نعمت‌های او دوست داشته باشید، چرا که ولی نعمت فطرتاً دوست‌داشتنی است. و می‌گوید: من را به محبت خدا دوست داشته باشید زیرا کسی که خدا را دوست دارد تمام آنچه را که مورد محبت خدا است دوست دارد و شکی نیست که خدا رسول خود حضرت محمد ρ را دوست دارد، لذا او را برگزیده و بر همه انبیاء برتری بخشیده است، و در شب معراج به نزد خود خوانده و با او مناجات کرده و آنچه خواسته به او وحی کرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و شنوندگان هم با تو تکرار کنند تا بدانی که اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله به جمله بخوان و معنی مراد از حدیث را بیان کن.

3-آن‌ها را آگاه کن که محبت خدا و پیامبر و هرچه خدا و رسولش دوست دارند بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

4-به آن‌ها تذکر بده کسی که خدا و رسولش را دوست دارد باید در سختی و آسانی از ایشان پیروی کند.

5-به آن‌ها خبر ده که یاد نعمت‌های الهی، بنده را به محبت خدا و رسولش وادار می‌سازد.

6-به آن‌ها بگو: که فراموش کردن نعمت‌ها و غفلت از آن، از محبت خداوند می‌کاهد.

7-به آن‌ها بفهمان که خداوند وقتی بنده را دوست دارد که از پیامبر، دین و شریعت وی پیروی کند.

درسهای ماه صفرالخیر

درس 1: آیهٔ چنگ‌زدن به حبل الله

قوله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(102) ای مؤمنان بترسید خدا را حق ترسیدنش و نمی می‌رید جز آن که مسلمان باشید. (103) و چنگ زنید برشتهٔ خدا همگی و پراکنده نشوید.

[آل عمران: 102 - 103]

شرح: خداوند بندگان مؤمن این امت مرحومه این بهترین امت‌ها را مورد خطاب قرار داده و با لقب ایمان یاد کرده، زیرا مؤمن است که روحاً و جسماً حیات دارد، مؤمن است که می‌تواند تکالیف شرعیه را انجام دهد، مؤمن است که بذل و بخشش دارد، مؤمن است که می‌تواند نفس خود را زیر پا کرده و از خواهشات و لذات نفسانی خود جلوگیری کند.

لذا مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را به تقوای الهی که ضامن سعادت دنیا و آخرت است امر می‌کند، چون تقوی ترس از عذاب خداست که انسان را بر طاعت خدا و رسول وادار می‌سازد، تقوی است که انسان را به گرفتن اسباب نجات و اطاعت خدا و ترک منهیات خدا و رسول او دعوت می‌کند و شکی نیست هرچیزی که مضر و زیان‌آور است و انسان را به بدبختی و پستی می‌کشاند، خدا آن را نهی کرده است.

خدا به مؤمنان دستور داده که بر غیر دین اسلام نمی می‌رند، چرا که مرگ بر غیر دین اسلام خسارت ابدی دارد. خدا مؤمنان را امر کرده تا به ریسمان محکم خدا که همانا دین ثابت و راه مستقیم اسلام است چنگ بزنند. خدا مؤمنان را از تفرقه و اختلاف در امور دین و

دنیا نهی کرده، زیرا که اختلاف از نیروی معنوی و جسمی‌شان می‌کاهد آنگاه تباه می‌شوند همچنان که پیشینیان‌شان هلاک شدند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیه را به ترتیل بخوان تا بدانی که اکثر شنوندگان حفظ کردند.

2-جملات شرح را مفصلاً بر آن‌ها بخوان تا مراد خداوند از آن واضح شود.

3-به آن‌ها تذکر ده که تقوی خدا است که انسان را به جنت می‌کشاند، خداوند می‌فرماید: ﴿  ﴾ (مریم: 63). «این است آن بهشتی که ارث دهیم بندگان خود را آن که بوده است پرهیزگار».

4-آن‌ها را آگاه کن که تقوی, ترس از عذاب خدا است و انسان را به اطاعت خدا و رسولش وادار می‌سازد.

5-به آن‌ها تذکر ده که هرگاه بنده بر طاعت خدا و رسول مواظبت کند به اذن خدا ختم آن بر اسلام می‌شود.

6-به آن‌ها بیاموز آنچه از تفرقه و اختلاف جلوگیری می‌کند همانا عمل به کتاب خدا و سنت رسول اوست، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿  ﴾ (نساء/59). «یعنی اگر در چیزی باهم اختلاف کردید بازگردانید آن را به خدا و رسولش اگر هستید ایمان‌آورنده به خدا و روز آخرت». و گفته‌ی پیامبر ρ: «**ترکت فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدي کتاب الله وسنتي**» «یعنی در میان شما بعد از خود چیزی گذاشتم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد کتاب خدا و سنت من».

درس 2: حدیث هفتادوسه فرقه

قول رسول الله صلى الله عليه وسلم: «افترقت اليهود إلى إحدى وسبعين فرقة وافترقت النصارى إلى اثنتين وسبعين فرقة، وستفترق هذه الأمة إلى ثلاث وسبعين فرقة، كلها في النار إلا واحدةً في الجنة، وقيل: من هم يا رسول الله؟ فقال هم الذين يكونون على ما أنا عليه اليوم وأصحابي».	فرمود پیامبر ρ: پراکنده شدند یهود به هفتاد و یک گروه، و پراکنده شدند نصارا به هفتادودو فرقه، و جدا خواهند شد این امت به هفتادوسه گروه، همۀشان در آتش دوزخ هستند مگر یکی که در جنت است. گفته شد: یا رسول الله آن‌ها کیانند؟ فرمود: ایشان آن کسانی اند که بر آنچه من و اصحابم می‌باشیم قرار دارند.

(رواه الترمذی وصححه ورواه غیره)

شرح: فرمودۀ رسول الله ρ: «**افترقت...**» الخ این نشانه‌ایست از علایم نبوت آنگاه که چگونگی تفرقه یهود و نصارا و مسلمانان را به شکلی که تذکر داده شناخت و حال آن که پیامبر گرامی امی بود که خواندن و نوشتن نمی‌دانست و در دوران تفرقه و جدایی‌شان حضور نداشت. گفته‌اش: «**كلها في النار**» زیرا آن‌ها خداوند Ψ را به عبادت درستی که نفس را تزکیه کند پرستش نکردند، بلکه او را به عبادات آمیخته با بدعت و تحریف، کم و زیاد پرستیدند و از چنین عباداتی، حسناتی که نفس با آن روشنی، طهارت و پاکی بگیرد حاصل نمی‌شود. و خداوند تحقیقاً حکم کرده است که نفس تزکیه شده و پاک قابل رستگاری است، پس فرمود: «**قد أفلح من زكاها**» به تحقیق رستگار شد آن که او را پاک نمود. و همانا فلاح و رستگاری بعد از نجات از دوزخ، داخل‌شدن به جنت است. و در این فرموده پیامبر ρ: «**هم الذين...**» بیان سبب دخول جنت است که عبارت از متابعت رسول الله ρ و اصحاب او در عقیده، عبادت، قضاوت و آداب و اخلاق است. و معنی این متابعت آنست که شخص متابع نفس خویش را با متابعت تزکیه نموده و اهلیت دخول جنت را پیدا می‌کند، و آن‌هائی

که مخالف آنچه رسول الله و اصحابش به آن عمل نموده اند در عقیده و عبادت و آداب و اخلاق قرار بگیرد، نفسش تزکیه نشده بلکه ناپاک می‌گردد و در عباداتش بخسران روبرو می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و قرائتش را به آرامش تکرار نما و شنوندگان نیز آهسته تکرار نمایند تا ببینی که اکثرشان حدیث را حفظ نموده اند.

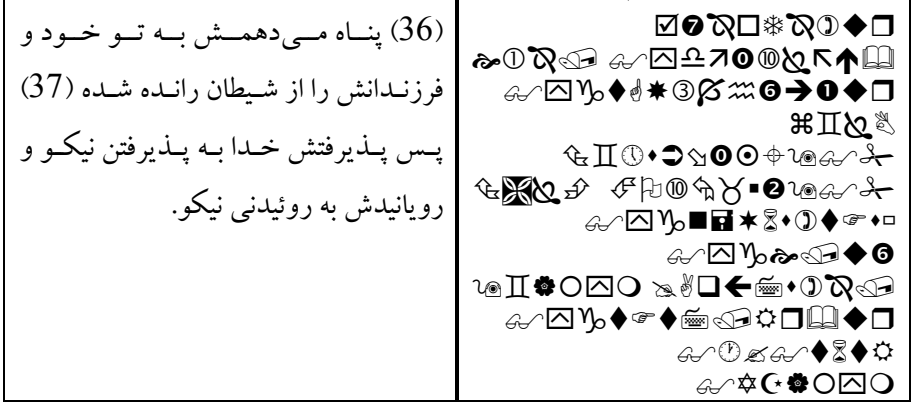
2- شرح را بخوان و معنی مراد هر جمله را برایشان بیان کن و تکرار نما تا بدانی که اکثریت آن را فهمیده اند.

3- برای‌شان از حرام‌بودن اختلاف تذکر ده که اختلاف، شوم و بلاء است و برایشان لازم است که هرگاه در خبری اختلاف پیدا کردند آن را به اهل علم برگردانند و اهل علم آن را به کتاب و سنت تطبیق دهند.

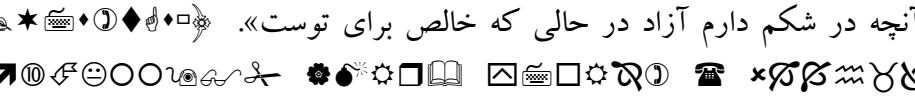
4- تعلیم‌شان ده که اصحاب رسول الله رضوان الله تعالی علیهم الگوی مسلمین اند و در هیچ حالی درست نیست که یکی‌شان مورد طعن قرار گیرد.

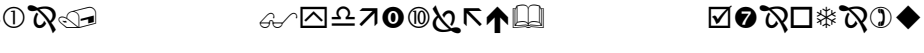
5- آن‌ها را به حکم خداوند Ψ در بارۀ بندگانش آگاه کن آنجا که می‌فرماید: ﴿ ⇦℘⇨ ௐ⊠♑⍥⅄✍⊡⊠ജ ♊♦✌ ⊡⊠■▣⇘▭❒🕮 ⇳⑨⬧☋
❒◆☋⬧⑨⇳ ✿⬧☋⊛⌘ ✌♦♊ ⑩⊠ർ○☜♑⊠ௐ ⇨⇦⇨⇦ ﴾ (الشمس: 9 و 10) برای‌شان آنچه که نفس را تزکیه می‌نماید بیان کن و آن عبارت از ایمان و عمل صالح است و آنچه نفس را ناپاک و پلید می‌گرداند شرک و گناه است.

درس 3: آیهٔ نذر مادر مریم

قول الله جل جلا له وعظم سلطانه:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(36) پناه می‌دهمش به تو خود و فرزندانش را از شیطان رانده شده (37) پس پذیرفتش خدا به پذیرفتن نیکو و رویانیدش به روئیدنی نیکو.

[آل عمران: 36 - 37]

شرح: آیا گویندهٔ ﴿  ﴾ را می‌دانید که کیست؟ او حنه همسر عمران یکی از نیکان بنی اسرائیل بود که از ازدواجش مدت زیادی گذشته بود و در این مدت از فرزند محروم بود و حنت الی الولد: یعنی تمایل و گرایش به فرزند پیدا کرد گنجشکی را دید که جوجه‌هایش را با منقار خود غذا می‌دهد عاطفه و میل فرزند در او بیدار شد لذا از پروردگارش طلب فرزندی نمود تا او را در عبادت خدا قرار بدهد و هیچگاه از او چیزی طلب نکند، خداوند Ψ دعایش را مستجاب نموده و حامله گردید و گفت:﴿  ﴾ (آل عمران: 35). «نذر کردم برای تو آنچه در شکم دارم آزاد در حالی که خالص برای توست». ﴿  ﴾ (آل عمران: 35). «پس بپذیر از من همانا توئی شنوا و دانا». و اکنون دختری ولادت نمود و اسمش را مریم گذاشت یعنی خادمهٔ خدا و گفت:

﴿ 

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: 36). «پناه می‌دهمش به تو خود و فرزندانش را که حفظ‌شان کنی از شیطان رجیم تا با ارتکاب گناه و معصیت آن‌ها را فاسد و گمراه نگرداند». و خداوند Ψ دعایش را پذیرفت و دخترش مریم و فرزند او عیسی υ را همچنان حفظ نمود که آلوده به گناه نگردیده و معصیت نورزیدند. و خداوند Ψ مریم نذر شده را به قبول نیکو پذیرفت و ﴿وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا..﴾ گویا مریم برخلاف سایر اطفال نشو و نمای عجیبی داشت، به کرامت و لطفی که خدایتعالی به این زن صالحه حنه نموده بود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به خوبی بخوان و تکرار کن تا که شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش، بخوان و در هر جمله توقف نموده و معنایش را برای شنوندگان بیان کن تا آن را بفهمند.

3- تعلیم‌شان ده به مشروعیت نذر برای خدا و لزوم پایداری به آن و این که نذر برای غیر خدا حرام بوده و از شرک در عبادت محسوب می‌شود.

4- برای‌شان یادآور شو که زن مسلمان برای حفظ فرزندش فلزی را به سرش یا استخوانی را به گردنش نمی‌آویزد، بلکه مانند حنه او را در پناه خدا قرار می‌دهد آنجا که گفت: «اعیذها بک یا ربی»: خدایا او را به تو می‌سپارم و در پناه تو درمی‌آورم.

5- به ایشان تعلیم ده که توسل به اسماء و صفات خداوند مشروعست آنچنانکه حنه به اسماء و صفات خدا توسل جسته و گفته است: ﴿إِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ «همانا تویی شنوا ودانا».

6- یادآور شو برایشان از پذیرفتن خداوند Ψ دعای حنه را نظر به راستی‌اش در ایمان و پاکی روحش از شرک و گناه، زیرا خدای پاک دعای بندگان صالح و صادق و پرهیزگار خود را می‌پذیرد، و دعای مشرکین و گنهکاران را قبول نمی‌کند.

درس 4: حدیث حفظ مریم و عیسی از شر شیطان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُولَدُ إِلاَّ نَخَسَهُ الشَّيْطَانُ فَيَسْتَهِلُّ صَارِخًا مِنْ نَخْسَةِ الشَّيْطَانِ إِلاَّ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ. ثُمَّ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ اقْرَءُوا إِنْ شِئْتُمْ: ﴿☑❼ⵔ□❄ⵔ◑◆❐﴾ 🕮↖↑⓪⓾↗⓪⓾ⵔ 🖎① 🖎⵿ ❐◆❶➔❻ⵣ⁂✸③♦ⵖ⵿ 🖎⵿ ✂🙰⊙⓿↘➲•🕓ⵊ⌘ 🖎ⵊ ✂🙰⓾⓿▪❷ⵖ🙰 ﴿آل عمران: 36﴾.	فرمودۀ رسول خدا ρ هیچ نوزادی نیست که تولد می‌شود مگر که شیطان او را لمس می‌نماید پس به واسطه این لمس فریاد می‌کشد. مگر مریم و پسرش، سپس ابوهریره گفت: برای تائید این مطلب اگر می‌خواهید بخوانید: وانی اعیذها بک وذریتها من الشیطان الرجیم.

(رواه مسلم)

شرح: فرمودۀ رسول الله ρ: **مَا مِنْ مَوْلُودٍ** این لفظ دلالت بر عموم دارد هیچ مولودی از آن بیرون نیست، مگر آنچه استثناء شده باشد و معنی نخسه خلاند در پهلو یا شکمش به چوب یا مانند آن. و الشیطان: عبارت از ابلیس یا یکی از فرزندان و تبارش. **إلا ابن مریم وأمه:** یعنی عیسی υ و مادرش خداوند دعای حنه را اجابت فرمود آنگاه که گفت: ﴿☑❼ⵔ□❄ⵔ◑◆❐﴾ 🕮↖↑⓪⓾↗⓪⓾ⵔ 🖎① 🖎⵿ ❐◆❶➔❻ⵣ⁂✸③♦ⵖ⵿ 🖎⵿ ✂🙰⊙⓿↘➲•🕓ⵊ⌘ 🖎ⵊ ✂🙰⓾⓿▪❷ⵖ🙰﴾ «در پناهت درمی‌آورم او را و فرزندش را از شیطان رجیم» طوری که ابوهریره τ گفت: اگر می‌خواهید این آیه: ﴿☑❼ⵔ□❄ⵔ◑◆❐ 🕮↖↑⓪⓾↗⓪⓾ⵔ 🖎① 🖎⵿ ❐◆❶➔❻ⵣ⁂✸③♦ⵖ⵿ 🖎⵿ ⌘ 🖎ⵊ ✂🙰⊙⓿↘➲•🕓ⵊ ✂🙰⓾⓿▪❷ⵖ🙰﴾ را بخوانید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به آرامش بخوان و چند بار تکرار کن و شنوندگان نیز با تو تکرار کنند تا که ببینی آن را حفظ کرده اند یا نزدیک به حفظ رسیده اند.

2-آگاه‌شان گردان که فریاد نوزاد در حین ولادت از زخمهٔ شیطان لعین است و هیچ نوزادی از آن سالم نمی‌ماند و شاید شیطان با این عمل می‌خواهد او را معلوم و نشانه‌دار سازد طوری که گوسفندار برای شناسایی گوسفندانش آن‌ها را علامه‌گذاری می‌کند.

3-برای‌شان یادآور شو که سلامتی عیسی از لمس شیطان این بود که در دوران زندگی خویش مرتکب گناه نشد، چون در روز قیامت هنگامی که مردم از حضرت آدم υ و انبیاء طالب شفاعت می‌شوند، هریک از پیامبران آدم و نوح و ابراهیم و موسی علیهم السلام از گناهی یاد می‌کنند، مگر حضرت عیسی υ که هرگز از گناهی یاد نمی‌کند.

4-برای زنان مسلمان یادآور شو: که فرزندان خود را در پناه خدا حفظ کنند نه با فلزها و استخوان‌ها و تارهای شیطانی و نامشروع و غیره اشیاء مروجه بین زنان جاهل.

5-برای‌شان تذکر بده که بهترین وسیله‌ای که پناه گیرنده به آن پناه می‌جوید, سورهٔ فلق و سورهٔ ناس است، لذا خواندن سورهٔ اخلاص و معوذتین عقب هر نماز و هنگام خواب، سنت است به این ترتیب که شخص سه مرتبه بر کف‌های دست خویش سوره‌های مبارکه متذکره را می‌خواند و می‌دمد و سپس سر و روی و بدن خود را با آن‌ها مسح می‌کند.

درس 5: آیهٔ ذکر و تسبیح خدا در صبح و شام

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ Ψ:
﴿	(41) ای مؤمنان یاد کنید خدا را یاد کردنی فراوان. (42) و تسبیحش گوئید بامدادان و شامگاهان.

[احزاب:41 - 42]

شرح: این ندای خدای بزرگ است که از جانب پروردگار مهربان متوجه مؤمنان صادق گردیده تا آنچه باعث ازدیاد ایمان و نورشان می‌گردد به آن‌ها بیاموزاند و آنچه سبب حفاظت‌شان است از دشمنان برای‌شان بیان کند که همانا یاد و ذکر خداوند Ψ است.

فرمودهٔ خداوند تعالی: ﴿ ﴾ زیرا یاد خدا قلب و زبان تولیدکننده نور است پس لازم است که به آن مواظبت نموده تا که این نور کم و خاموش نگردد که بنده گمراه می‌گردد. لذا برای یاد خدای حدی و عددی تعیین نشده مانند سایر عبادات که حد و عددی معینی دارد. و فرمودهٔ خدایتعالی: ﴿ ﴾ یعنی او را از شریک و نظیر و هر نقصی مقدس و منزه بدانید و این تنها به پرستش خداوند یکتا Ψ میسر است، و نماز تنها عبادتیست که بنده از اول تا آخر آن خدای را به یگانگی یاد می‌کند، و ازین جهت هرکه نماز صبح و عصر را ادا نماید در حقیقت امر خدایتعالی را که فرموده ﴿ ﴾ را پذیرفته و انجام داده است، زیرا مراد از بکرة صبح است و از اصیل شام، و روایت شده

هرآنکس که صبح و شام صد مرتبه سبحان الله وبحمده بگوید: گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هرآیت را به خوبی قرائت نموده و تکرار کن تا ببینی که بیشتر شنوندگان آن را حفظ نموده اند .

2- برای‌شان یادآوری کن: که ندای خدا برای مؤمنان شرف و بزرگیست زیرا ایمان به منزلهٔ روح برای اجسام مرده است، بناءً مسلمان زنده است و کافر مرده حساب می‌شود.

3- برای‌شان از وردهائی که از رسول الله ρ روایت شده یادآوری کن مثل: «**لا إله إلا الله وحده لا شريک له الملک وله الحمد وهو على كل شيء قدير**» صد بار. و «**سبحان الله والحمد لله والله أكبر**» سی و سه مرتبه و ختمش به «**لا إله إلا الله وحده لا شريک له، له الملک وله الحمد وهو على كل شيء قدير ومثل رب اغفر لي وتب علي أنک أنت التواب الرحيم**»، زیرا رسول الله ρ این وردها را بسیار می‌گفتند و عبدالله بن عمر ب می‌گوید: که ما اوراد رسول الله ρ را شمردیم و متوجه شدیم که در یک مجلس صدبار آن‌ها را می‌گوید.

4- تعلیم‌شان ده: که شخص مؤمن دست از یاد خدا برنمی‌دارد، مگر این که وارد بیت الخلاء شود یا بخوابد، زیرا مؤمن سخنش ذکر است و خاموشی‌اش تفکر است، چنانکه از رسول الله روایت شده که خدای تعالی او را به این کار امر فرموده است.

درس 6: حدیث مثال کسی که خدا را یاد کند

قول الرسول الله صلی الله علیه وسلم: «مَثَلُ الَّذِی یَذْکُرُ رَبَّهُ وَالَّذِی لاَ یَذْکُرُ مَثَلُ الْحَیِّ وَالْمَیِّتِ». **(رواه البخاري)** **وروي مسلم «مَثَلُ الْبَیْتِ الَّذِی یُذْکَرُ اللَّهُ فِیهِ وَالْبَیْتِ الَّذِی لاَ یُذْکَرُ اللَّهُ فِیهِ مَثَلُ الْحَیِّ وَالْمَیِّتِ».**	به روایت بخاری: فرمودهٔ رسول الله ρ: مثال آن که یاد می‌کند پروردگارش را و آن که یاد نمی‌کند همچون مثال زنده و مرده است و مسلم از رسول خدا روایت نموده: مثال خانه‌ای که خداوند در آن یاد می‌شود و خانه‌ای که یاد خدا در آن صورت نمی‌گیرد همچون مَثَل زنده و مرده است.

شرح: مثل: یعنی صفت و حالت آن کسی که پروردگارش را یاد می‌کند «**وَالَّذِي لاَ یَذْکُرُ**» و آن که خدایش را یاد نمی‌کند به صفت و حالت شخص زنده و مرده شباهت دارد، زیرا شخص ذاکر زنده است و تارک ذکر خدا مرده. چون ذکر با قلب و زبان صورت می‌گیرد پس آن که پروردگارش را یاد کرد ذکرش دلالت بر زنده‌بودنش می‌کند، زیرا ادراک و فهم و حفظ با قلب انجام می‌شود و سخن‌زدن و بیان کلمات با زبان صورت می‌گیرد، و آن که ذکر پروردگارش را نمی‌نماید عدم ذکرش بر مرده‌بودن قلب و توقف زبان او دلالت دارد که با چنین حالتی او مرده است، و سر این راز آشکار است زیرا خداوند برای انسان کائنات را پدید آورد تا حیاتش را در آن پی‌ریزی کند و انسان را آفرید: تا عبادت و پرستش پروردگارش را بنماید گرچه عبادت خداوند تعالی به انجام امر خدا و ترک نواهی او صورت می‌گیرد ولی حقیقت طاعت بر محور ذکر و شکر می‌چرخد.

و فرموده رسول الله ρ: «**مَثَلُ الْبَیْتِ الَّذِی یُذْکَرُ اللَّهُ فِیهِ... الخ**» صفت خانه‌ای که در آن خدا یاد می‌شود تا آخر حدیث دلالت بر موضوع حدیث قبلی دارد، زیرا خانه‌ای که خالی از ذکر خدا باشد گویا صاحب آن خانه مرده است و اگر زنده بودی حتماً با عبادتش خدا را یاد

می‌کرد، همچنان که خانه‌ای که در آن ذکر خدا صورت می‌گیرد صاحب آن خانه زنده است و دلیل زنده‌بودنش یاد خداست که در ذکر و شکری که ضمن عبادتش ابراز می‌دارد انجام می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو حدیث را بخوان و قرائت را تکرار کن تا که شنونده‌ها آن‌ها حفظ نموده و یا نزدیک به حفظ شوند.

2- شرح را به آرامش بخوان و در معنی هر جمله توقف نما تا ببینی که شنونده‌ها آن را دانسته اند.

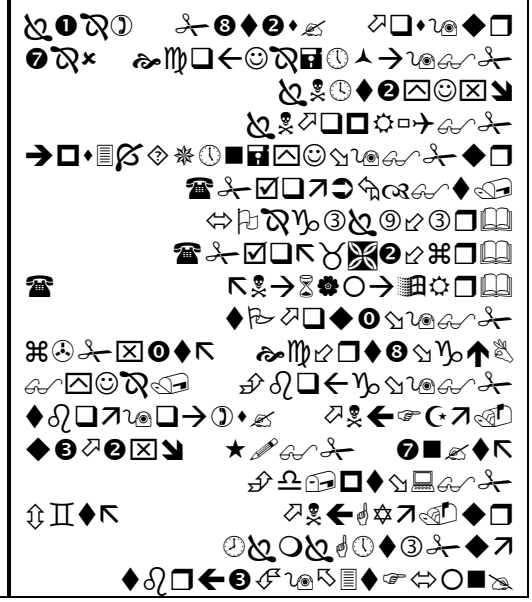
3- برای‌شان یادآور شو که در ذکر اجر و مزد بزرگی نهفته است.

4- برای شان خاطرنشان کن که یاد خدا با قلب و زبان برای ذکر بزرگترین حصاری می‌باشد که شیطان به آن رسیده نمی‌تواند و بر اغوا و فریبش قدرت نمی‌یابد که او را به معصیت و ارتکاب گناهان کبیره بکشاند.

5- آن‌ها را بر ملازمت اورادها ثابتی که از رسول الله ρ روایت شده مثل ذکر بعد از نمازهای پنجگانه و هنگام خواب و دخول بیت الخلاء و ذکر بعد از وضو و هنگام غذا خوردن و امثال آن‌ها تشویق کن.

6- برای‌شان یادآور شو که با قرائت قرآنکریم ذکر و شکر به صورت وسیع‌تر همراه با پاداش و ثواب بیشتر حاصل می‌شود.

درس 7: آیهٔ سختی جان‌کندن ظالمان

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(93) اگر ببینی هنگامی را که ستمگران در گرداب‌های مرگ اند و فرشتگان گشاینده اند دست‌های خویش را که بیرون کنید جان‌های خود را امروز جزا داده می‌شوید به عذاب خوارکننده به سبب آنچه بناحق در بارهٔ خدا گفتید و شما از آیات او سرکشی می‌کردید.

[الأنعام: 93]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿...﴾ تا آخر آیت: مراد از ظالمین اینجا مشرکین هستند، زیرا ظلم به معنی قراردادن شیء در غیر محلش می‌باشد و آنگاه که مشرکان غیر خدای واحد را پرستش کردند گویا عبادت را در غیر موضعش قرار دادند، در حالی که غیر خدا مستحق عبادت و پرستش نمی‌باشد، زیرا غیر خدا عابد را برای خود نیافریده است و روزی نداده و حیاتش را تا آخر حفظ نکرده است و عابد را بر عبادتش پاداش نمی‌دهد، زیرا چیزی را مالک نیست چون او مخلوق و پرورش‌یافته است. و این مطلب را که مراد از ظالمین همانا مشرکین هستند گفتهٔ خداوند در آخر آیات تأئید می‌کند:

﴿  ﴾ [الأنعام: 94].

برای مشرکین گفته می‌شود: «چیست که نمی‌بینیم با شما شفیعان شما را آنانی را که می‌پنداشتیدشان که در میان شما شریک خدا اند». مشرک کسی است که مکذب آیات خداوند بوده و آنچه را که حق نیست از روی استکبار به خداوند می‌بندند. العیاذ بالله و مراد از غمرات الموت: سکرات موت و دردهای که محتضر را می‌پوشاند و مراد از فرشتگان ملک الموت و همکارانش می‌باشد و گشادن دست‌شان برای زدن محتضر و برای عاجزساختن وی است و به مبارزه‌طلبیدن او که خود را برهاند و نجات دهد. و توصیف عذاب به هُون «خوارکننده» اشاره است به سرکشی مشرکین از قبول حق که عبارت از ایمان به خدا و آیات خداوندی و خالص‌ساختن عبادت برای خداوند یکتا و جواب: «لو» شرطیه در اینجا مقدر است: یعنی اگر آن لحظه‌های شدید مرگ را ببینی هرآینه خواهی دید امر شدیدی که گنجایش سنجش و اندازه را ندارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و قرائتش را تکرار کن و شنوندگان با تو تکرار نمایند تا که ببینی اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را با آرامش بخوان و در معنی‌ها توقف کن تا که ببینی آن را فهمیده اند.

3- آگاه‌شان گردان که موت سکراتی دارد که هیچکس از آن نجات ندارد و بر افراد غیر صالح بسیار عظیم و شدید است.

4- آن‌ها را از شرک و گفتار ناحق و دروغ‌بستن به خدا و سرکشی از قبول حق بترسان.

5- آگاه‌شان گردان که شخص محتضر، ملک الموت و فرشتگان همراهش را می‌بیند، اگر محتضر از اهل ایمان و استقامت باشد او را اطمینان داده و آرامش می‌بخشند که خوف و غمی نداشته باشد و نظر به آیهٔ سورهٔ فصلت او را به جنت بشارت می‌دهند:

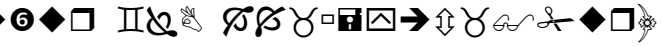


[فصلت: 30]. «همانا آنان که گفتند: پروردگار ما خداست و سپس پایداری ورزیدند، فرود آید برایشان فرشتگان که مترسید و اندوهگین نباشید و مژده باد شما را بهشتی که بودید مژده داده می‌شدید».

درس 8: حدیث سوال نکیر و منکر در قبر

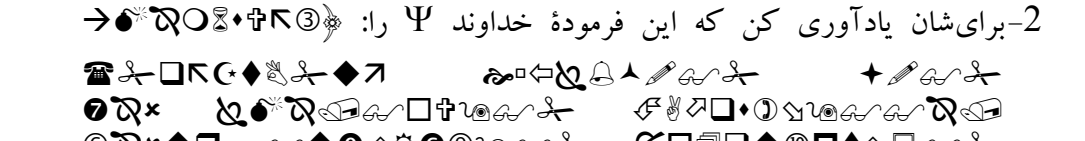
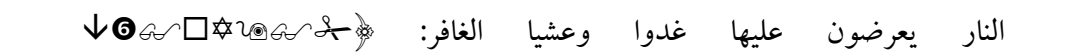
قوله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ، وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ، وَإِنَّهُ لَيَسْمَعُ قَرْعَ نِعَالِهِمْ، أَتَاهُ مَلَكَانِ فَيُقْعِدَانِهِ فَيَقُولاَنِ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ «مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وسلم» فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ: أَشْهَدُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، فَيُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ، قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ وَأَمَّا الْمُنَافِقُ وَالْكَافِرُ فَيُقَالاَن لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: لاَ أَدْرِي، كُنْتُ أَقُولُ كَمَا يَقُولُ النَّاسُ. فَيُقَالُ لَهُ: لاَ دَرَيْتَ وَلاَ تَلَيْتَ، وَيُضْرَبُ بِمَطَارِقَ مِنْ حَدِيدٍ ضَرْبَةً، فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا مَنْ يَلِيهِ، غَيْرَ الثَّقَلَيْنِ.	فرمودۀ رسول الله ρ: به تحقیق که بنده وقتی در قبر نهاده شود و یاران و همراهانش برگشتند و او هنوز صدای کفش‌های‌شان را می‌شنود که دو ملک نزدش می‌آیند و او را نشانده و برایش می‌گویند: در بارۀ این مرد «محمد ρ» چه می‌گوئی؟ پس شخصی مؤمن می‌گوید: گواهی می‌دهم: که او بندۀ خدا و رسول خداست برایش گفته می‌شود: به اقامتگاه خود در آتش دوزخ نظر کن که خداوند آن را به قرارگاهی در بهشت عوض نموده است. مگر شخص منافق و کافر برای‌شان گفته می‌شود: که در بارۀ این مرد چه می‌گویی؟ می‌گوید نمی‌دانم، آنچه مردم می‌گفتند من هم می‌گفتم. برایش گفته می‌شود: تو نه تفکر نمودی و نه پیروی کردی و با چکش‌های بزرگ آهنی به او ضربه زده می‌شود که فریاد می‌کشد به آوازی که هرکه نزدیکش باشد می‌شنود غیر جن و انس.

(رواه أبوداود وأحمد والحاكم)

شرح: گفته رسول الله ρ: «**وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ**» یعنی مشایعت‌کنندگان که تا مقبره با او همراه بودند بازگردند. ملکان: یعنی نکیر و منکر، و گفته‌اش: «**فِي هَذَا الرَّجُلِ**»: در بارهٔ این مرد: اشاره به پیامبر ρ است که از او سؤال می‌شود، چنانچه در روایت است: پروردگار تو کیست و دین تو چیست؟ و پیامبر تو کیست؟ و گفته‌اش: «**انْظُرْ إِلَى مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ**» تا آخر حدیث: این جمله دلالت بر این دارد که خدایتعالی برای هر انسانی منزلی در دوزخ و منزلی در بهشت آماده کرده است، سپس مردم این منازل را میراث می‌برند، شخص مؤمن منزل کافر را در بهشت به ارث می‌برد، و کافر منزل مؤمن را در آتش میراث می‌برد و بر این موضوع فرمودهٔ خدای تعالی بر زبان ابراهیم υ گواه است: ﴿  ﴾ (الشعراء: 85) «خدایا، مرا از وارثان جنت النعیم بگردان» و المنافق: کسی است که برای حفظش مال و نفس خود از مسلمانان کفرش را پوشیده و اظهار ایمان می‌نماید. و معنی «**لاَ تَلَيْتَ**»: یعنی پیروی نکردی از باب تلایتلو و مراد به ثقلین: انس و جن می‌باشد و این گفته لادریت و لا تلیت: دعاییست بر کافر و منافق که می‌گوید نمی‌دانم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به آرامش بخوان و قرائتش تکرار کن و شنوندگان با تو بخوانند تا که ببینی که آن را حفظ کرده اند.

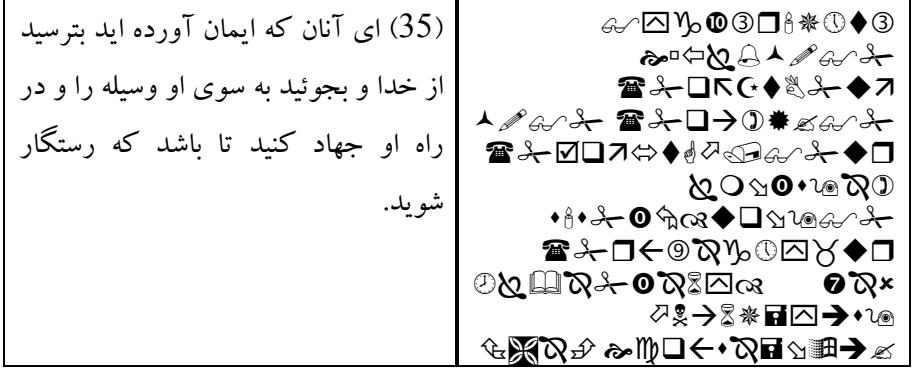
2-برای‌شان یادآوری کن که این فرمودهٔ خداوند Ψ را: ﴿  ﴾ (ابراهیم: 27). «استوار نگهمیدارد خدا آن‌هایی را که ایمان آوردند به سخن ثابت در زندگی دنیا وآخرت». و این فرموده خدای تعالی: النار یعرضون علیها غدوا وعشیا الغافر: ﴿  ﴾

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ (الغافر: 46). «آتش بردوزخیان پیش کرده می‌شود بامدادان و شامگاهان». شاهدیست بر پرسش قبر و نعمت‌ها یا عذاب آن.

3- تعلیم‌شان ده کسی که سؤال قبر و نعمت و عذاب آن را باور نداشته باشد گویا آیات خدا و رسولش را تکذیب نموده و این کفر است.

4- تعلیم‌شان ده که در قعدهٔ اخیر نماز پناه‌جستن از عذاب قبر لازم است و آن: «**اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ**» (خدایا پناه می‌جویم به تو از عذاب قبر و عذاب دوزخ و از فتنه‌های زندگی و مرگ و از فتنهٔ مسیح دجال).

درس 9: آیهٔ طلب وسیله و معنی آن

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(35) ای آنان که ایمان آورده اید بترسید از خدا و بجوئید به سوی او وسیله را و در راه او جهاد کنید تا باشد که رستگار شوید.

[المائدة: 35]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾ این ندای خدای تعالی است برای بندگان مؤمنش، آن‌هائی که خدا را پروردگار و اسلام را دین و محمد ρ را رسول و نبی پذیرفتند آن‌ها را ندا می‌کند تا به کاری که نجات‌شان می‌دهد و خوشبخت‌شان می‌سازد امر نماید و آن عبارت از تقوای خدا است که اوامر خدا را بجا نموده و از نواهی‌اش اجتناب نمایند، و طلب وسیله است به سوی خدا تا آن‌ها را به خدا نزدیک کند و این وسیله به ادای نوافل علاوه بر فرایض است که عبارت از نمازهای نافله و روزه‌های نفلی، حج و جهاد در راه خدا برای این که تنها او را پرستش کنند و این جهاد به دعوت مشرکان و کافران است به سوی ایمان به خداوند واحد و چون ایمان آورند در حمایت مسلمانان قرار بگیرند و از تعرض کافرانی که خواسته باشند آن‌ها را بکشند یا در دین‌شان ایجاد فتنه نمایند جلوگیری کنند سپس با این فرموده خدای تعالی آن‌ها را امیدوار می‌سازد: ﴿  ﴾ یعنی اگر شما تقوا پیشه کردید و به خدا وسیله جستید و در راه او جهاد کردید شما از جمله

رستگاران گردیده و آن عبارت از کامیابی به جنت است بعد نجات از آتش دوزخ در آخرت و در دنیا نصرت و عزت و بزرگی و امنیت و پاکی و فراوانی نعمت است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت را با ترتیل بخوان و شنونده‌ها نیز آهسته با تو بخوانند تا ببینی که اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

2-شرح را به آهستگی بخوان و هر جمله را مطابق حال شنونده‌ها شرح کن.

3-برای‌شان یادآوری کن که ایمان صحیح و سالم و قوی خودش به منزلهٔ روح است که صاحب چنین ایمانی مؤمن زنده‌ایست که قدرت انجام اعمال صالحه را دارد، برعکس افراد بی‌ایمان و ضعیف الایمان زیرا او بر انجام وظایف و قیام بر آن قدرت ندارد.

4-برای‌شان یادآور شو که وسیله، جز ایمان و عمل صالح نیست و برای‌شان از وسیله اصحاب غار که در درس بعدی آمده است یادآوری کن.

درس 10: حدیث داستان سه نفری که به غار رفتند

ما جاء في رواية الشيخين وملخصه: إن ثلاثة نفر أصابهم مطر فآووا إلى غار في جبل فانطبقت عليهم صخرة، فتوسل أحدهم ببر والديه، والثاني بترك ما حرم الله عليه، والثالث برد حق إلى مستحقه بعد أن قال بعضهم لبعض انظروا أعمالاً صالحة عملتموها لله فادعوا الله بها لعله يفرجها عنكم، فدعوا وتوسلوا ففرج عنهم الصخرة وخرجوا من الغار سالمين.	خلاصهٔ آنچه در روایت بخاری و مسلم آمده است که: سه نفر ایشان را بارانی رسید و به غاری که در کوه بود پناه بردند صخرهٔ بزرگی فرود آمد و در غارشان را بست، یکی از ایشان به نیکوکاری که به پدر و مادر نموده بود متوسل شد و دومی به ترک آنچه که خدا بر وی حرام قرار داده بود، و سومی به بازگرداندن حقی به مستحقش، بعد از این که برای یکدیگرشان گفتند: به اعمال صالحه که برای خدا انجام داده اید بنگرید و به وسیلهٔ آن از خدا بخواهید تا شاید گشایشی بر شما پدید آورد، سپس دعا نمودند و وسیله جستند تا از صخره گشایشی پیدا شده و سالم از غار خارج شدند.

(رواه البخاری ومسلم)

شرح: نظر به این فرمودهٔ رسول الله ρ «**كان فيمن كان قبلكم ثلاثة نفر**»: این سه نفر از امتان پیشینه بودند و معنی «**أووا إلى غار**»: یعنی باران آن‌ها را ناچار نمود که داخل غار کوه شوند تا از باران محفوظ بمانند و معنی«**بر الوالدين**»: یعنی اطاعت‌شان در کارهای معروف و پسندیده و بدنکردن به اوشان و رساندن خیر و نیکویی به آن‌ها، و معنی «**برد حق إلى مستحقه**» واین طوری بود که او کارگری را اجیر کرده بود. کارگر برایش کار کرده بود و مزد خودش را نگرفته بود صاحب کار آن مال را برای کارگر به معامله گذاشت که به

سرمایه بزرگی مبدل شد، و وقتی صاحب حق آمد از جهت خوف و طاعت خدا تمام مال را به صورت کامل به او داد، و همچنین این حدیث دلالت دارد که همانطوری که توسل به انجام صالحات می‌شود به ترک محرمات از جهت خوف خدا و اطاعت نیز می‌باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

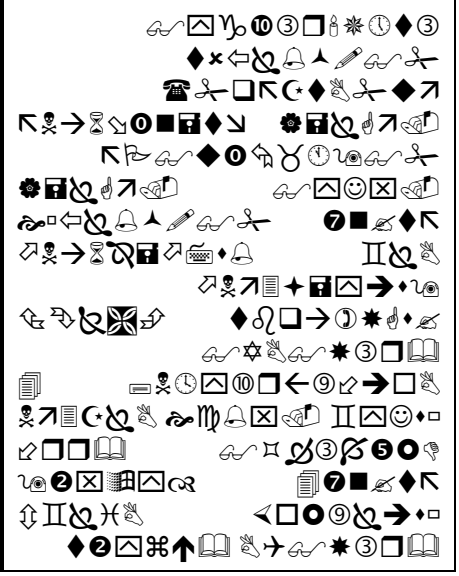
1- خلاصهٔ شرح را برای‌شان بخوان و تکرار کن تا ببینی که بیشترشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و در هر معنی توقف نموده و به اندازهٔ فهم‌شان تفسیر کن و شتاب مکن.

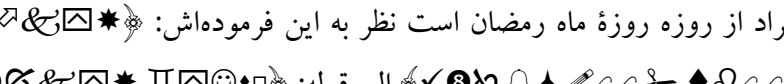
3- برای‌شان تذکر ده: آن که به ترک زنا وسیله جست طوری بود که او یکسال کامل از دختر عمویش طلب وصال می‌نمود و دختر حاضر نمی‌شد تا این که احتیاج و فقر, او را مضطر نمود و به آن مرد تسلیم شد «ونفسش را به آن مرد سپرد» و آنگاه که مرد بر حرام تمکن یافت دختر برایش گفت: آیا از خدا نمی‌ترسی که مُهری را بدون حقش می‌شکنی؟ مرد از نزدش بلند شده و او را ترک نمود و مالی را که به دختر داده بود طلب نکرد.

4- برای‌شان یادآور شو: که توسل به خدا برای برآوردن حاجات و نجات از مهلکه‌ها یا رفع درجات، به ایمان و عمل صالح و ترک شرک و گناهان صورت می‌گیرد.

درس 11: آیهٔ فرضیت روزه

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی Ψ:
	(183) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده، چنانچه بر کسانی که پیش از شما بودند، فرض شده بود؛ باشد که پرهیزکار شوید. (184) روزه داشتنِ روزهای مشخصی، (بر شما فرض است). پس هرکس از شما بیمار و یا در سفر بود، به تعداد روزهای فوت شده در سایر ایام روزه بگیرد.

[البقرة: 183ـ 184]

شرح: این آیه بر مشروعیت و وجوب روزه بر این امت دلالت می‌کند، همانطوری که بر امت‌های سابق واجب بود، پس کسی که به سن تکلیف برسد روزه بر او واجب است و طبق بیان خداوند مراد از روزه روزهٔ ماه رمضان است نظر به این فرموده‌اش: ﴿  ﴾ الی قوله: ﴿  ﴾ (البقرة: 185).

«ماه رمضان آن‌ماهیست که نازل شده قرآن در آن... تا این قسمت آیه... «پس هرکه دریابد از شما این ماه را باید روزه بگیرد آن را» و مؤمنان را به این نداء اختصاص داد. زیرا آن‌ها با ایمان‌شان قدرت انجام این تکلیف الهی را دارند به خلاف کافران. و فرموده‌اش: ﴿  ﴾: در این بیان آسان‌بودن روزه را اعلام می‌کند که این روزه بر

امتان پیشین هم فرض بوده است، زیرا اگر روزه امری دشوار و غیر قابل تحمل و طاقت بودی، خداوند آن‌ها را مکلف به روزه‌گرفتن نمی‌کرد. و فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿ ﴾: در این آیه تصریح شده است که روزه قدرت و توانمندی شخص مؤمن را بر طاعات و عبادات بالا برده اوامر الهی را انجام داده و نواهی وی را ترک می‌نماید، پس روزه, بنده را اهل تقوا می‌سازد و علاوه بر پاداش عظیم الهی برای روزه‌دار هم فواید بزرگی را در بر دارد. و فرموده خدای تعالی: ﴿ ﴾: در این بیان نیز آسان‌ساختن روزه است بر نفس مؤمن که برایش یادآوری می‌نماید که این روزه‌ای که بر او فرض گردیده، نه چند ماه و چند سال است، بلکه ایام شمرده شده‌ایست که گاهی سی روز و گاهی بیست و نه روز است. و همچنین برای رفع زحمت و مشقت بیمار و مسافر اجازه داده شده تا زمانی که از بیماری‌اش شفا می‌یابد و از سفرش برمی‌گردد، اجازه دارد که روزه را افطار نموده و سپس در روزهای دیگر روزهٔ قضایی‌اش را بگیرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و قرائتش را تکرار کن و شنونده‌ها آهسته با تو تکرار نمایند تا که ببینی بیشترشان آن را حفظ کرده اند.

2- آگاه‌شان گردان که حقیقت روزه خودداری از خوردن و نوشیدن و جماع است از صبح صادق تا غروب آفتاب و نیت‌کردن در صحت روزه شرط است و نیت عبارت از عزم قلبی است بر روزه به جهت اطاعت پروردگار و تقرب به سوی او.

3- زنی که به حال حیض و نفاس باشد مانند مریضی که خوف هلاکت خود را داشته باشد بر او افطار روزه جواز دارد و زنان در حال حیض و نفاس روزه برایشان حرام است و آنگاه که پاک شدند تعداد روزهای را که خورده اند قضا بیاورند.

4- آگاه‌شان گردان بیماری که امید بهبودی‌اش نرود و شیخ کبیر «پیر از کار افتاده» روزه را افطار نموده و در عوض هرروز یک کیلو برنج بدهد همانطور زن شیرده و بارداری

که خطر زیان خودش یا فرزندانش می‌رود روزه را افطار کرده و به جای هر روزی یک کیلو برنج فدیه بدهد و بعد قضاء آورند. «در مذهب احناف عوض یک کیلو برنج دو کیلو گندم هم می‌تواند بپردازد».

درس 12: حدیث جزای روزه‌دار را خدا می‌دهد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلاَّ الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلاَ يَرْفُثْ وَلاَ يَصْخَبْ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ. وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ. وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا، إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ، وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ.	گفتهٔ رسول الله است که خداوند Ψ فرموده: تمام اعمال انسان برای خودش می‌باشد مگر روزه که برای من است و من پاداش می‌دهم او را روزه سپریست هرگاه روز روزه‌گرفتن شما باشد باید سخنان تحریک‌آمیز جنسی نزند و داد و فریاد نکشد، اگر کسی او را دشنام دهد یا با او مقاتله نماید، پس باید بگوید که من روزه دارم، قسم به آن که نفس من در دست اوست که بوی دهان روزدار خوشبوتر است نزد خداوند از بوی مشک، برای روزه‌دار دو خرسندیست که او را شاد می‌کنند: وقتی که روزه بگشاید شاد و خرسند است، و دیگر آنگاه که پروردگارش را ملاقات نماید خرسند است به روزهٔ خود.

(رواه الشیخان)

شرح: این فرموده رسول الله ρ «**كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلاَّ الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ**» دلالت بر این دارد که در روزه ریا وارد نمی‌شود و تماماً برای خدا می‌باشد و از اینجاست که خدای تعالی خبر می‌دهد اوست که پاداش می‌دهد روزه را، و این بر ثواب بزرگ روزه دلالت می‌کند. گفته‌اش: «**وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ**»: منظورش نگهداری از ارتکاب گناهان است و در روایت دیگر آمده است روزه مثل سپر جنگی یکی از شما است یعنی مانند آنچه که یک رزمنده سرش را با کلاه خود و یا بدنش را با زره محافظت می‌کند. و لذا فرموده است «**ما لم یخرقها**»: یعنی تا زمانی که آن سپر را به ارتکاب گناهان مثل غیبت سخن‌چینی پاره نکرده

باشد. و گفته‌اش در این حدیث: «**فَلاَ يَرْفُثْ وَلاَ يَصْخَبْ**» منظورش اینست که ثواب و مزد روزه‌اش را با سخن تحریک‌آمیز شهوانی و سر و صدا و سخن‌ها و خنده‌های بیهوده و فتنه‌آمیز باطل نسازد. گفته‌اش: «**لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ**»: منظورش بوی دهان روزه‌دار است که به خاطر امساک از خوردن آب و غذا در ساعت‌های متوالی متغیر شده است. و گفته‌اش: «**إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ**»: در حین روزه‌گشادن و افطار فطرتاً خوشحال است. «**وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ**» یعنی هرگاه بمیرد و وارد جنت شود و پاداش روزه‌اش را که سبب سعادتش گردیده مشاهده نماید به روزه‌اش شادمان می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و قرائتش را تکرار نما تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معانی آن را برای شنونده‌ها بیان کن تا بفهمند.

3- آگاه‌شان گردان که منافع عبادت موقوف بر اخلاص می‌باشد و احسان آنست: که خالص برای خدا باشد و مطابق فرمودهٔ رسول الله ρ ادا شود.

4- برای‌شان یادآور شو: که روزه‌دارای سنت‌هایست که عبارت از: تأخیر در سحری و تعجیل در افطار و این که با خرمای تازه یا خشک افطار نماید.

5- تعلیم‌شان ده: که روزهٔ ایام بیض «سیزدهم الی پانزدهم هر ماه» مثل روزهٔ کُل سال است و روزهٔ شش روز از شوال مثل روزهٔ عمر است و صوم روز عرفه کفارهٔ گناهان دوساله است و صوم عاشورا کفارهٔ گناهان یکسال است و این‌ها همه در سنت ثابت شده طوری که در صحاح وارد شده است.

درس 13: آیهٔ محافظت بر نمازها و اوقات آن

قول الله جل جلا له وعظم سلطانه:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
❼■✍♦↖ ☎✂❑❶→🔏▦🕓🖂❍ 🔏☠🕓◆❑■🖬❍🕓❧✍✂ 🗷☐🗐❑■🖬❍🕓❧✍✂◆❒ 🗐❻⬧➲⇔🗟↓❑↘❧✍✂ ★🖉 ☎✂❑↖✍❑➔🕭◆❒ 🗞🗷🏁🔏🖈 ♦×✓🔏☞🔏✡🕓⬧🕭	(238) مواظبت کنید بر نمازها و نماز میانه و به پا ایستید برای خدا فروتنان.

[بقره: 238]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿❍🖂🕓▦🔏→❶❑✂ ↖♦■❼ ✂❧✍🕓☠🔏◆❑■🖬❍🕓❧✍✂﴾: مراد از محافظت بر نماز، ادای نماز است در اوقات معینه‌اش که وقت نماز صبح از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب و وقت نماز ظهر از زوال آفتاب تا زیادشدن سایهٔ هرچیز به مثلش و وقت عصر از زیادشدن سایهٔ هر چیز به مانندش تا غروب آفتاب و وقت نماز شام از غروب آفتاب تا گم‌شدن شفق سرخ‌رنگ، و وقت نماز عشا از رفتن شفق سرخ تا طلوع صبح صادق است.

و از جمله محافظت بر نماز ادای آنست با تمام شرایط مثل دخول وقت، طهارت، پوشیدن عورت و استقبال قبله با رعایت تمام ارکان و سنت‌های آن و ادانمودن آن به جماعت در مساجد خدا. و مراد ﴿❒◆✂❧✍🕓❧↘❑↓🗟⇔➲⬧❻🗐﴾: نماز عصر و صبح است و معنی وسطی الفضلی نماز با فضیلت است و همانا فرمودهٔ رسول الله ρ: «**من صلی البر دین دخل الجنة**»: «کسی که بخواند دو نماز وقت سرد را داخل جنت می‌شود». منظورش از بر دین نماز صبح و عصر است و فرمودهٔ خدای تعالی:﴿❒◆🕭➔❑↖✍❑☎✂ ★🖉 ⬧🕓✡🔏☞🔏✓×♦﴾: مراد ترک سخن است در نماز چه در ابتدای اسلام در نماز صحبت می‌کردند تا که این آیه نازل شد دیگر سخن نزدند. و از معناهای قنوت خشوع است و خشوع با سکوت و عدم صحبت توام است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به تکرار بخوان تا شنونده‌ها آن را خوب حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و در هر معنی توقف نموده و آن را بیان کن.

3- تعلیم‌شان ده که محافظت بر نماز واجب است و تارک آن گناه کار است.

1-4- تعلیم‌شان ده: آن که نماز را از وقتش بیرون می‌کند بر نماز محافظت ننموده و در تحت وعید ﴿ [illegible] ﴾ (الماعون: 4 - 5) «پس وای بر نمازگزارانی که. در نماز خود سهل انگاری می‌کنند». شامل است.

4- برای‌شان یادآور شو: که نماز نور است پس کسی که آن را ترک نماید نور ایمانش خاموش شده و العیاذ بالله کافر می‌گردد.

5- برای‌شان یادآور شو: که سنگین‌ترین نماز بر منافقین نماز عشا و صبح است.

6- تعلیم‌شان ده: هرآن که نماز خفتن را به جماعت ادا نماید مثل اینست که نیمی از شب را قیام کرده است و هرکه نماز صبح را به جماعت ادا نماید مثل اینست که تمام شب را قیام کرده است.

درس 14: حدیث بنای اسلام بر پنج چیز است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: «**بُنِيَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُول اللَّه، وَإِقَامِ الصَّلاَةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ**».	فرمودۀ رسول خدا ρ: بنا شده است اسلام بر پنج چیز، گواهی‌دادن به این که خداوند واحد است و محمد رسول خداست، برپاداشتن نماز و دادن زکات و حج بیت الله و روزه ماه رمضان.

(رواه الشیخان)

شرح: فرموده رسول خدا: «**بُنِيَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْسٍ**»: معنایش اینست که خداوند Ψ دین اسلام را بر پنج اساس که عبارت از شهادتین و اقامۀ نماز و دادن زکات و روزه رمضان و حج بیت الله الحرام است بنیان‌گذاری کرده است که در صحت نماز و زکات و روزه و حج کلمۀ شهادتین شرط است، زیرا تا هنگامی که شخص ادای کلمۀ شهادتین را ننماید مکلف به انجام چهار رکن دیگر نمی‌شود. و معنی: «**شَهَادَةِ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ**» اینست که شخص از علم و اعتقاد صحیحش خبر می‌دهد که غیر خدا مستحق بنده‌گی کردن نیست و بندگی عبارت از طاعتیست که با محبت و تعظیم و نهایت خوف و ترس از خدا توأم باشد. و معنی شهادت «**وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُول اللَّه**» اینست: که شخص از علم و اعتقاد درستش خبر می‌دهد که حضرت محمدρ رسول خداست که برای هدایت عموم مردم فرستاده شده است تا آن‌ها را از تاریکی‌های کفر درآورده و به نور ایمان هدایت فرماید. و معنی«**إِقَامِ الصَّلاَةِ**» ادای نمازهای پنجگانه صبح، ظهر، عصر، شام و خفتن است با رعایت تمام شروط و ارکان و واجبات و سنت‌های آن‌ها. و معنی «**إِيتَاءِ الزَّكَاةِ**»: بیرون‌کردن مال است و دادن آن به مستحقان آن که در آیت سوره توبه ذکر شده است: ﴿☺☼✵☺⌧〰 ... ﴾ و در این حدیث, صوم در اخیر یاد شده زیرا که قواعد صوم سهل‌تر و سبک‌تر است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به آهستگی بخوان و شنونده‌ها آهسته پیروی کنند تا اکثریت‌شان آن را حفظ نمایند.

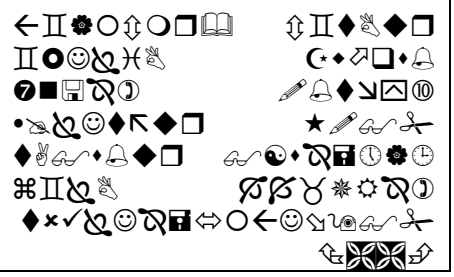
2-شرح را جمله، جمله بخوان و معانی آن را برای‌شان تفسیر و بیان کن تا بدانند.

3-تعلیم‌شان ده: که صحت و قبول قواعد چهارگانه موقوف بر ادای شهادتین است زیرا کسی که به خداوند Ψ ایمان نداشته باشد و به وحدانیتش اقرار نکند و به رسالت حضرت محمدρ اقرار ننماید عبادتش مورد قبول واقع نمی‌شود.

4-برای‌شان یادآور شو: کسی که گواهی دهد: که خدا یکی است و محمد ρ رسول خداست سپس نماز نخواند او شرعاً مستحق قتل است و کسی که از دادن زکات سرباز زند باید جبراً از او گرفته شود و کسی که روزه و یا حج را در حالی که قدرت داشته باشد ترک نماید شرعاً باید کشته شود.

5-تعلیم‌شان ده: که زمان ادای حج وسیع است و به صورت فوری نیست ولی بر مسلمان لازم است که فرصت را از دست ندهد و هر وقتی که بر ادای حج قدرت یافت بر آن مبادرت کند.

درس 15: آیهٔ بهترین گفتار

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(33) و کیست نیکوتر در سخن از آن که به سوی خدا و کردار نیک کند و گوید: منم از اسلام‌آورندگان.

[فصلت: 33]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  تا آخر آیه... این دومین بشارتیست برای اهل ایمان و استقامت طوری که اولاً بشارت داده شدند که در هنگام مرگ‌شان فرشتگان فرود می‌آیند تا ایشان را اطمینان دهند که بعد فوت‌شان خوف و ترس و اندوهی برای‌شان نیست و بشارت دهند ایشان را به جنتی که در کتاب خدا و بر زبان پیامبر ρ بشارت داده شده است. و در این آیه بشارت داده می‌شوند که گفتارشان در دعوت به سوی ایمان و عبادت و توحید خدا سخنیست که خوب‌تر از آن وجود ندارد و این سخن‌شان خوبترین و افضل‌ترین سخن‌هاست، زیرا آن‌ها اعمال صالحه را انجام داده و از تمام گناهان دوری گزیدند و با ظاهر و باطن‌شان به اسلام افتخار کرده دل‌ها و سیمای‌شان برای خدا بوده و خود را در جمع مسلمین قرار دادند. و مشمول این رحمت الهی و انعام خداوندی اولاً پیامبر گرامی ρ و سپس اصحاب کرام‌شان و بعد علمای این امت که با عمل کردن به علم خود دعوت‌گر به سوی پروردگارشان بوده و بالاخره مؤذن‌های باتقوا می‌باشند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیه را به ترتیل بخوان و شنونده‌ها با رعایت تجوید نزد تو آهسته بخوانند تا حفظ نمایند.

2-شرح را به آرامش جمله، جمله بخوان و معنی هر جمله را بیان کن تا بفهمند.

3-برای‌شان از فضیلت دعوت به سوی خداوند و شرافت دعوتگران تذکر ده.

4-برای‌شان فضیلت اذان و ثواب بزرگ مؤذن‌ها را نظر به این گفته رسول الله ρ بیان که می‌فرمایند: «**الْمُؤَذِّنِينَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ**». «مؤذن‌ها گردن‌بلندترین مردم هستند در روز قیامت» به روایت مسلم. و فرمود حضرت عمر τ: «**لولا اعباء الخلافة لكنت مؤذنا**» «اگر سنگینی امور خلافت نبود من مؤذن می‌بودم» و فرمودهٔ رسول خدا ρ برای ابوسعید خدری τ: «**إِنِّي أَرَاكَ تُحِبُّ الْغَنَمَ وَالْبَادِيَةَ، فَإِذَا كُنْتَ فِي غَنَمِكَ أَوْ بَادِيَتِكَ فَأَذَّنْتَ للصَّلاَةِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالنِّدَاءِ، فَإِنَّهُ لاَ يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ وَلاَ إِنْسٌ وَلاَ شَيْءٌ إِلاَّ شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**». (رواه البخاری). «من تو را می‌بینم که گوسفند و دشت و بیابان را دوست می‌داری، پس هرگاه در میان گوسفندان خود و یا در صحرا و دشت بودی برای نمازت اذان بده و آوازت را بلند نما، زیرا صدای مؤذن را جن و انس و دیگر چیزی نمی‌شوند مگر که در روز قیامت برایش گواهی می‌دهند».

5-برای‌شان اذان را بیاموز: تا خوب یاد بگیرند، زیرا اکثر مسلمانان خوب اذان نمی‌دهند.

درس 16: حدیث فضیلت اذان و صف اول

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلاَّ أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهْجِيرِ لاَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا.	فرموده رسول خدا ρ: اگر می‌دانستند مردم آنچه از اجر و مزدی که در اذان و صف اول است، سپس نمی‌یافتند راهی جز این که قرعه بیندازند بر آن، و اگر می‌دانستند آنچه در گرمای نماز ظهر است همانا مسابقه می‌نمودند به سویش و اگر می‌دانستند اجری که در نماز خفتن و صبح است هرآینه حاضر می‌شدند به آن دو نماز گرچه به خزیدن باشد.

(رواه البخاری ومسلم)

شرح: فرمودهٔ رسول الله ρ: «**لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ**» اگر بدانند مردم اجر بزرگ و ثواب نیک را و مراد «**من النِّدَاءِ**»: ندای اذان است برای نماز و مراد «**من الصَّفِّ الأَوَّلِ**»: صف نماز که نزدیک امام باشد و گفته‌اش: «**ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا**»: یعنی نیابند راهی برای رسیدن به مقصود خود که همانا اذان و صف اول است«**إِلاَّ أَنْ يَسْتَهِمُوا**»: مگر این که قرعه بیندازند «**لاقترعوا**» همانا قرعه می‌اندازند. و مراد از «**تَهجیر**»: زودرفتن به سوی نماز است خصوصاً نماز جمعه و ظهر زیرا تهجیر از هاجره گرفته شده که شدت گرمای روز است و معنی«**اَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ**»: یعنی هریک شان میل دارد که سبقت و پیش گیرد و اول وقت برود تا بر غیر خود سبقت گیرد. و مراد از «**الْعَتَمَةِ**»: نماز عشاء است و «**الْحَبْوًا**»: یعنی رفتن با دو دست و پا چنانچه طفل کوچک می‌خزد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و شنونده‌ها آهسته با تو بخوانند تا ببینی که اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را بخوان و معنی هرجمله را بیان کن تا معانی را که در حدیث شریف آمده است بفهمند.

3- ایشان را به اذان و ثواب و اجر آن که در درس قبلی تذکر رفته تشویق کن.

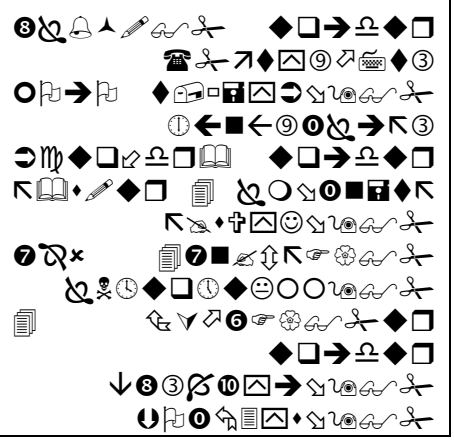
4- برای‌شان یادآور شو: طوری که صف اول در نماز فضیلت دارد همچنان در جهاد و در هرکار خیر و معروفی فضیلت دارد.

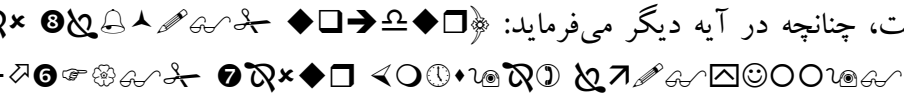
5- آگاه‌شان گردان که نظر به این حدیث قرعه مشروعیت دارد طوری که در این فرمودهٔ خداوند در قرآنکریم یاد شده ﴿♦♌🕭♦▤♦▫ ⌘☠🖂♎🖋❁○♦▫﴾ ⌘♊🕭✍ ﴿✂🖋⍟☺←⑨⇳❍🖂🖋✓✖♦ المساهمه یعنی قرعه‌انداختن.

6- برای‌شان از فضیلت نماز خفتن و صبح در جماعت یادآور شو نظر به فرموده رسول الله ρ: «**مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ**». کسی که نماز عشاء را به جماعت بگذراند مثل آنست که نیمی از شب را قیام کرده است و کسی که نماز صبح را به جماعت ادا کند مثل آنست که تمام شب را قیام کرده است.

7- تعلیم‌شان ده که شنونده مانند کلمات مؤذن بگوید به جز حی علی الفلاح وحی علی الصلوة که در آن‌ها لا حول ولا قوة إلا بالله بگوید و سپس درود ابراهیمی بفرستد بر پیامبر ρ و بعداً بگوید: «**اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلاَةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ**» آنگاه شفاعت پیامبر ρ برایش واجب می‌شود. چون در این زمینه حدیث وارد شده است.

درس 17: آیهٔ آغاز و انجام آفرینش

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(27) اوست آن که آغاز کند آفرینش را پس بازگرداندش، و آن آسان است بر او و برایش مثل برتر است در آسمان‌ها و زمین و او است عزتمند با حکمت.

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾ خدای تعالی از قدرت و علم و حکمت خود که موجب یکتاپرستی می‌شود خبر می‌دهد می‌گوید: او ذاتیست که آغاز کرده به خلق و پیدایش انسان یعنی آدم و فرزندانش را زنده نموده بعداً می‌میراندشان سپس زنده می‌کند اوشان را و چون مشرکین معاد را انکار کردند خداوند اعلام کرد که خدائی که بر اول پیدایش قدرت دارد بدون شک بر بازگرداندنش که آسان‌تر است تواناست. و این مثل به آنچه متعارف مردم است بیان شده ورنه خداوندی که بامر کن همه چیز را به وجود می‌آورد درشان او گفته نمی‌شود که اعاده‌نمودن از اول پیدایش برای او آسان‌تر است و لذا کلمهٔ اهون به معنی تفضیلی که آسان‌تر است ترجمه نمی‌شود بلکه به معنی آسان است ترجمه می‌شود. و گفته خداوند ﴿  ﴾: یعنی صفت کامل و تام که خدایی آسمان و زمین است برای اوست، چنانچه در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿  ﴾

﴿ [الزخرف: 84] «او خدای آسمان و زمین است وخداوند غالب وقدرتمند است» فرموده‌اش: ﴿ ﴾ یعنی: خداوند غالب و قدرتمندیست که چیز جلوی اراده‌اش را نمی‌گیرد، ﴿ ﴾ یعنی در تدبیر و ادارهٔ شئون زندگی مخلوق با حکمت است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان و شنونده‌ها آهسته با تو بخوانند تا ببینی که اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه درک آن برای‌شان مشکل باشد بیان کن.

3- آگاه‌شان گردان اول چیزی که خداوند خلق نمود قلم بود سپس آسمان‌ها و زمین و بعداً آدم.

4- تعلیم‌شان ده که به جز خدا چیزی نبوده که خداوند پیش از همه مخلوقات وجود داشته و سپس عرش و آب را آفریده و بعد قلم و سپس آسمان و زمین و بالاخره آدم و ذریتش را آفریده است.

5- به آن‌ها تذکر ده که این آیه، زنده‌شدن پس از مرگ و جزای روز قیامت را تثبیت می‌کند، زیرا که مشرکین بازگشت مخلوقات را پس از فنای‌شان بعید شمردند.

6- برای‌شان یادآور شو که سِرّ زندگی و هدف از پیدایش، عبادت خداوند است نظر به این فرموده خداوند تعالی: ﴿ ﴾ [الذاریات: 56]. «همانا نیافریدم جن و انسان را مگر برای این که مرا پرستش نمایند». و چون کفار هدف زندگی را فراموش کرده اند در دوزخ جاوید می‌مانند.

درس 18: حدیث اول و آخر خداوند است

قوله صلی الله علیه وسلم: كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ غَيْرُهُ، وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ، وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ كُلَّ شَيْءٍ.	فرمودهٔ رسول الله ρ: خداوند بود و غیر خدا Ψ چیزی وجود نداشت و عرش خدا بر آب بود و نوشت در لوح محفوظ همه چیز را

(رواه البخاری)

شرح: رسول الله ρ در این فرمودهٔ خود: «**كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ غَيْرُهُ**» خبر داده است از آنچه پروردگار برای‌شان تعلیم داده بود به این که خداوند پیش از همه موجودات و اشیاء بوده است، زیرا او بوده و قبل از او و نه با او چیزی نبوده است، رسول اللهρ در نماز شب می‌گفت: «تو اولی و پیش از تو هیچ چیزی نبوده و تو آخر هستی و بعد از تو چیزی نیست». «**وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ**»: این گفته دلالت دارد که آب قبل از عرش خلق شده و عرش بعد از آن آفریده شده است. و فرموده‌اش: «**وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ**»: یعنی نوشت در محل ذکر که عبارت از لوح محفوظ است که پهنایش مسافت صد سال راه است، و پیدایش لوح بعد خلق قلم بوده است. و برای قلم فرمود بنویس! قلم گفت: چه بنویسم؟ فرمود: بنویس آنچه تا برپاشدن قیامت باید باشد یعنی تا روز قیامت که اهل جنت در جنت و اهل دوزخ در دوزخ قرار می‌گیرند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و قرائتش را تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معنای آن را برای شنونده‌ها توضیح نما.

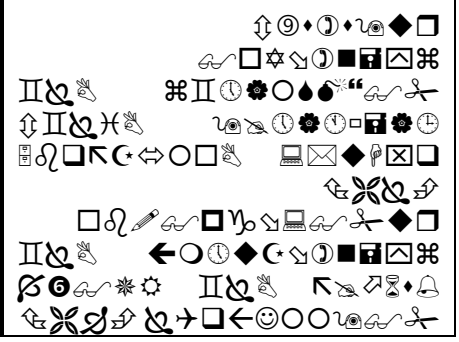
3- آگاه‌شان گردان که هیچ چیزی در وجود خود بر خداوند سبقت نداشته است، زیرا او اول است و در ازل بوده و هیچ چیزی با او نبوده.

4- تعلیم‌شان ده که پیدایش مخلوقات به ترتیب زیر بوده است: نخست آب بعداً عرش سپس قلم و بعد آسمان‌ها و زمین‌ها سپس فرشتگان بعد جن و سپس آدم و ذریه‌اش.

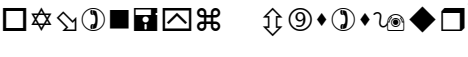
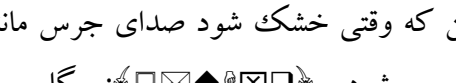
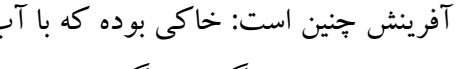
5- آگاه‌شان گردان آنچه را که قلم از مخلوقات قبل از پیدایش آن‌ها نوشته است عبارت از تقدیر است بناء حضرت آدم به موسی υ گفت: آیا مرا در چیزی مورد ملامت قرار می‌دهی که خداوند آن را پنجاه هزار سال قبل از پیدایش آسمان‌ها در بارهٔ من نوشته بود.

6- به ایشان تذکر ده: که ایمان به تقدیر این را می‌رساند که آنچه به بنده از خیر و شر می‌رسد رد شدنی نیست و آنچه از خیر و شر رد شده باشد رسیدنی نیست.

درس 19: آیهٔ آفرینش انسان از گل

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(26) همانا آفریدیم انسان را از گل خشک از گِلی سیاه بدبوی (27) و جن را بیافریدیم پیش ازین از آتش سوزان.

[حجر: 26 - 27]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: مراد از انسان حضرت آدم υ است، ﴿  ﴾: گلی مخلوط به شن که وقتی خشک شود صدای جرس مانندی پیدا می‌کند که برایش صلصال گفته می‌شود ﴿  ﴾: گِلی سیاه ﴿  ﴾ بدبوی و ترتیب این آفرینش چنین است: خاکی بوده که با آب تر شده و به گل تبدیل شده سپس به حال خود رها شده تا بوی گرفته و گل سیاه متعفن و بدبوی گردیده بعداً خشک شده و به صورت صلصال درآمده است و فرموده خداوند Ψ: ﴿  ﴾: یعنی جان را قبل از آدم آفریدیم و گفته ﴿  ﴾: از آتشی بی‌دود که در مسام «سوراخ‌های» بدن نفوذ نماید. و در حدیثی به روایت مسلم ماده تمام آفریده شدگان بیان شده آنجا که رسول الله ρ می‌فرمایند: ملائک از نور آفریده شده اند و جان از شعله‌های آبی آتش خلق شده و آدم از آنچه که بیان شد خلق گردیده است. و مراد

از جان همانا ابوالجن. پدر جن است، و ابلیس پدر شیاطین است و شیاطین نمی‌میرند مگر با او. و آدم ابوالانس: پدر انسان‌هاست. و جن‌ها هم مانند انسان‌ها کافر و مسلمان دارند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به ترتیل بخوان و شنونده‌ها آهسته با تو تکرار نمایند تا ببینی که بیشترشان آن را حفظ نموده اند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معانی آن را یکی بعد دیگری بیان کن تا شنونده‌ها مراد هردو آیت را بدانند.

3- آدم و انسان و بشر اسم‌های است که خداوند Ψ در قرآنکریم به آدم اطلاق کرده است آنجا که فرموده: ﴿ ﴾ ﴿ ﴾ (البقرة: 33) «خداوند فرمود: ای آدم! نام‌ها (وخواص و اسرار) موجودات را به فرشتگان بگو». ﴿ ﴾ (الحجر: 26). «و زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من از گل خشکیده‌ی برآمده از لجن بدبو و بدرنگ، بشری می‌آفرینم» و فرموده: ﴿ ﴾ (ص: 71) «زمانی (را یاد کن) که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من، انسانی از گِل می آفرینم».

4- برای شنونده‌ها از شرف پدرشان حضرت آدم یادآور شو که خداوند به دستش او را آفریده و از روح خود در او دمیده و فرشتگان را امر نمود که برای او سجده نمایند، و از شرافت آدم احترام فرزندانش و اکرام صالحان و نیکان از میان‌شان است.

5- آگاه‌شان گردان که ابلیس و ذریه او در آتش سوخته و عذاب می‌شوند همچنان که جن و انس به آتش سوخته و عذاب می‌شوند. گفته نشود که ابلیس از آتش خلق شده

چگونه آتش او را می‌سوزاند؟ چون ماده اولی تغییر می‌کند چنانکه در انسان و جن تغییر کرده است و به شکلی درآمده که به آنچه از ضرر و زیان به او می‌رسد تأثیر پذیر می‌باشد.

درس 20: حدیث آفرینش آدم و دمیدن روح

عن أبي هريرة رضي الله عنه مرفوعاً: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ، فَجَعَلَهُ طِينًا، ثُمَّ تَرَكَهُ حَتَّى إِذَا كَانَ حَمَأً مَسْنُونًا، خَلْقَهُ وَصَوَّرَهُ، ثُمَّ تَرَكَهُ حَتَّى إِذَا كَانَ صَلْصَالا كَالْفَخَّارِ، وَكَانَ إِبْلِيسُ يَمُرُّ بِهِ، فَيَقُولُ: لَقَدْ خُلِقْتَ لأَمْرٍ عَظِيمٍ، ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ من رُوحَهُ، وَكَانَ أَوَّلَ ما جَرَى فِيهِ الرُّوحُ بَصَرُهُ وَخَيَاشِيمُهُ، فَعَطَسَ فَقَالَ: الْحَمْدُ للّه، فَقَالَ اللّه: يَرْحَمُكَ رَبُّكَ.	روایت است از ابوهریرهτ که به پیامبرρ رفع شده است: که خداوند آفرید آدم را از خاک و آن را به گِل مبدل نمود سپس گذاشت او را تا سیاه و بدبوی شد آنگاه آدم را خلق و تصویر نمود و باز گذاشت تا به صورت گلی خشک مانند سفال درآمد، هرگاه ابلیس از کنارش می‌گذشت می‌گفت: حتماً برای کاری بزرگ آفریده شدی، سپس از روحش در او دمید و اولین قسمت‌های که روح در آن جریان یافت چشم و بینی‌اش بود، پس عطسه زد و گفت: الحمد لله، خداوند فرمود: یرحمک ربک: خدایت بر تو رحم کند.

(رواه الترمذی والنسائی والبزار وصححه ابن حبان)

شرح: این فرمودهٔ رسول الله ρ: «**إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ**» را آیه مبارکه سوره فاطر تأئید می‌نماید آنجا که خداوند Ψ می‌فرماید: ﴿ ﴾ (فاطر: 11). «خداوند شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید». یعنی آدم را از خاک آفرید و ذریه‌اش را از نطفه. و فرمودهٔ رسول ρ«**فَجَعَلَهُ طِينًا**». پس آن را به گل تبدیل کرد به این که خاک را با آب تر کرد تا به صورت گل درآمد «**ثُمَّ تَرَكَهُ...**» و مدت زمانی آن را گذاشت تا که «**حَمَأً مَسْنُونًا**» یعنی رنگ و بویش تغییر نمود. «**ثُمَّ خَلْقَهُ وَصَوَّرَهُ**»: سپس جسد او را به صورت

انسان‌های امروزی مجسم نمود و باز برای مدت زمانی او را همچنان گذاشت تا که به صورت«**صَلْصَالا كَالْفَخَّارِ**»: گِل خشک سفال مانند درآمد، آنگاه از روحش در او دمید. و گفته‌اش:« **خَيَاشِيمُهُ** (جمع خیشوم)»: انتهای بینی ورگ‌های داخلی آن، «**فَعَطَسَ**»: سپس عطسه زد و با الهام خداوند تعالی الحمد لله گفت.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به صورت واضح جمله، جمله بخوان و شنونده‌ها آهسته بخوانند تا ببینی که اکثریت‌شان حدیث را حفظ نموده اند.

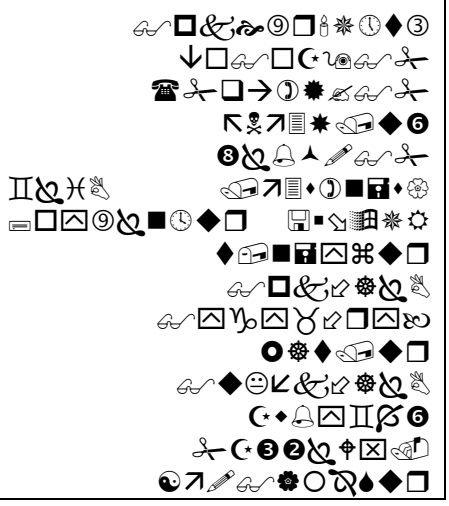
2- شرح را به آهستگی جمله، جمله بخوان و آنچه برای‌شان دشوار باشد بیان کن.

3- آگاه‌شان گردان امر بزرگی که ابلیس در وقت گذرکردن بر جسد آدم قبل از نفخ روح می‌گفت: همانا مکلف‌شدن آدم است به عبادت پروردگارش که پاداش بر آن جنت و خشنودی خداوند است.

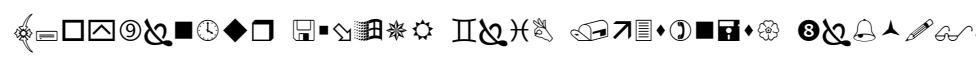
4- برای‌شان یادآور شو: سنت است کسی که عطسه می‌زند «**الْحَمْدُ للّه**» بگوید و آن که می‌شنود «**يَرْحَمُكَ اللّه**» بگوید و به جوابش گفته شود: «**يغفر الله لي ولک وهو الغفور الرحيم**» و یا جملهٔ «**يهديک الله ويصلح بالک**»: بگوید طوری که در سنت ثابت شده است.

5- تعلیم‌شان ده: لفظ حمد که معنایش ستایش به کار نیک است رأس شکر می‌باشد و در دست‌یابی بهر نعمتی باید حمد گفته شود: خصوصاً بعد از خوردن و نوشیدن و تجدید نعمت.

درس 21: آیهٔ آفرینش انسان‌ها از یک نفس

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(1) ای مردم بترسید پروردگار خود را، آن که آفرید شما را از نفس واحدی و آفرید از او جفتش را و گسترانید از آنان مردان بسیار و زنان بسیار.

[نساء: 1]

شرح: این ندای الهی ندای جهانشمولیت برای تمام بشریت از کافر و مسلمان چه آنان که در روز نزول این آیه موجود بوده اند و چه آنان که موجود نبوده اند تا روز قیامت، زیرا تمام بشریت بندگان خدایند و او تعالی بر بنده خود از خودش مهربان‌تر بوده و همانا او را به تقوای خدا امر می‌نماید. و تقوای خدا با ایمان و طاعت او و یگانه‌پرستی، و ایمان به رسول خاتم حضرت محمد ρ و اطاعت اوامر و نواهی‌اش صورت می‌گیرد و فرموده‌اش: ﴿  ﴾ یعنی از آدم υ و گفته‌اش: ﴿  ﴾: یعنی حواء را از ضلع آدم آفرید و او را به تزویج آدم درآورد و حواء همسر آدم قرار گرفت. و گفته‌اش: ﴿  ﴾ زیرا مردم تماماً مرد و زن از ذریه آدم و حواء اند و معنی بث ایجاد نمود و پراکنده ساخت.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و شنوندگان آهسته با تو بخوانند تا ببینی که آن را حفظ نموده اند.

2- آگاه‌شان گردان: که در آیت یادآوریست از نعمت آفرینش که در خور شکرگزاری خداوند است که ضمن عبادتش انجام می‌شود.

3- آگاه شان گردان که در آیت اشاره به ابتداء آفرینش شده که هزاران سال بر آن گذشته است، و این یادآوری برای‌شان تذکر است بر شکرگزاری و محبت خداوند Ψ نسبت به فضل واسع و نعمت‌های بزرگی که بر بنده ارزانی فرموده است.

4- تعلیم‌شان ده که تقوای خدا بعد از ایمان باو در طاعت و توحیدش نهفته است که راه نجات بنده و سبب فوز و کامیابی دنیا و آخرتش می‌گردد.

5- تعلیم‌شان ده: که لفظ زوج بر مذکر و مؤنث اطلاق می‌شود و برای زن زوجه گفته می‌شود و لفظ زوج فصیح‌تر است زیرا هریک از زن و مرد جفت یکدیگرند.

6- در این آیه بیان اخوت انسانی است که بیشتر مردم از آن غافل اند و حق این برادری را اداء نکرده اند و سببش همانا نادانی و جهل است.

درس 22: حدیث سفارش پیامبر به گذشت از زنان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ، وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضِّلَعِ أَعْلاَهُ، فَإِذَا ذَهَبْتَ تُقِيمُهُ كَسَرْتَهُ، وَإِنْ تَرَكْتَهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ، فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ.	فرمودۀ رسول ρ: سفارش کنید یکدیگر خود را به گذشت در بارۀ زن‌ها زیرا زن از پهلوی آدم آفریده شده است و کج‌ترین چیز در ضلع قسمت بالایی اوست و اگر بخواهی که آن را راست کنی می‌شکنی و اگر رهایش کنی بر کجی خود می‌ماند، پس در بارۀ زنان سفارش بخیر کنید.

(رواه البخاری)

شرح: فرمودۀ رسول الله ρ: «**اسْتَوْصُوا**»: یعنی بعضی شما بعض دیگر را به نیک‌رفتاری با زنان سفارش نمائید«**بالنساء خیراً**»: یعنی با آن‌ها مطابق روش و سلوک‌شان رفتار نکنید، زیرا بسیاری برخوردهای بدشان از ضعف خَلق و خُلق‌شان منشاء می‌گیرد که جزء فطرت طبیعی آن‌هاست. و فرمودۀ رسول خدا ρ: «**فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ**»: یعنی خداوند Ψ حواء را از دندۀ آدم به کلمۀ تکوین آفرید یعنی گفت: باش یا موجود شو! سپس حواء به وجود آمد. و در این گفتار: «**فَإِنَّ الْمَرْأَةَ**... »اشاره به علل ضعف فطری زن است که ملازم آن می‌باشد. و گفته رسول الله ρ: «**وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضِّلَعِ أَعْلاَهُ**»: اشاره است به ضعفی که در خلق و خوی زن است که عبارت از بدزبانی و زبان‌درازی اوست. پس مردی که خواست باشد آن را راست نماید می‌شکندش یعنی با طلاق روبرو شده و از الفت و محبت با او محروم می‌شود، و آن که با کجی‌های فطری زن می‌سازد و بدی‌هایش را تحمل می‌کند زندگی‌اش با زن ادامه یافته و از سعادت برخوردار می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان تا ببینی که اکثر شنونده‌ها آن را حفظ کرده اند.

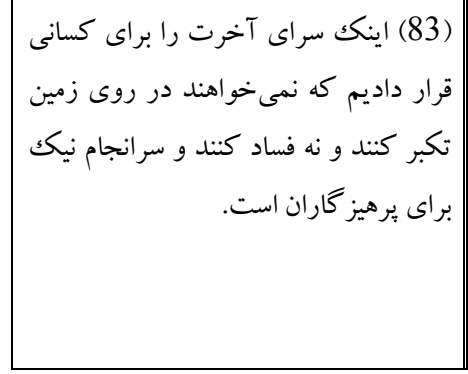
2- شرح حدیث را جمله جمله به آرامش بخوان و معنی مراد هر جمله را بیان کن.

3- آگاه‌شان گردان که عمل به توصیه رسول خدا ρ را در بارهٔ زنان واجب است که وصیت و سفارشی به خیر است. طوری که در حجة الوداع فرمود: «**واستوصوا بالنساء خیراً**» «توصیه نمائید یکدیگر را در بارهٔ زنان به خوبی» و از جمله نیکی این که با آن‌ها به خوبی رفتار نماید و از بدرفتاری بپرهیزد و از زبان‌درازی‌هایش درگذرد زیرا آن‌ها از ضعف خلقتش می‌باشد.

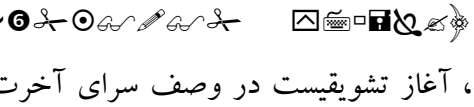
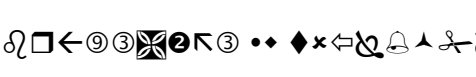
4- آن‌ها را پند ده: که طلاق بدون رفع ضرر یکی از طرفین مشروعیت ندارد، زیرا در طلاق ضرر است و آزار مسلمانان روا نیست گرچه اندک باشد.

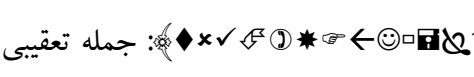
5- تعلیم‌شان ده: که لازم است شوهر اذیت‌های اندک همسرش را تحمل نماید، زیرا زن ازین عیب به خاطر ضعف خلقت و ضعف خلق و خوی‌اش سالم نمی‌باشد.

درس 23: آیهٔ سرای آخرت از آن پرهیزگاران است

قول الله جل جلاه:	فرمودهٔ خداوند جل جلاه:
	(83) اینک سرای آخرت را برای کسانی قرار دادیم که نمی‌خواهند در روی زمین تکبر کنند و نه فساد کنند و سرانجام نیک برای پرهیزگاران است.

[القصص: 83]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  : این جمله ابتدائیه، آغاز تشویقیست در وصف سرای آخرت، زیرا دنیای فانی بر سرای آخرت سبقت گرفته است و خداوند با این گفته‌اش از آن خبر می‌دهد: 

یعنی سرای آخرت مأوا و منزل کسانی می‌باشد که نمی‌خواهند در این زندگی دنیا بر مردم مسلط شده و بر آن‌ها خودخوهی و تکبر ورزند و نه با ارتکاب گناه مانند شرک، قتل، زنا، دزدی و شرابخواری بر زمین فساد نمایند. و فرموده خدای تعالی:  : جمله تعقیبی و پیرو جملهٔ پیشترش می‌باشد که حامل مژده و بشارت است به نیکی و حسن عاقبت هم در این دنیا و هم در آخرت. و اهل آخرت پرهیزگارانی اند: که از عذاب خدا ترسیده و اوامر و نواهی‌اش را اطاعت کردند، زیرا انجام اوامر الهی نفس را تزکیه نموده و او را برای نعمت‌های سرای آخرت آماده می‌سازد و هرگاه نفس تزکیه و پاک گردد صاحبش را از

مهالک و پرتگاه‌های دنیا و پستی‌ها دور می‌نماید، زیرا دوری‌کردن از نواهی طهارت نفس را حفظ نموده و از بدی‌های زندگی دنیا نگهداریش می‌نماید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با قرائت خوب بخوان و شنونده‌ها با تو تکرار نمایند تا بیشترشان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را بخوان و معنی هر جمله را بیان کن و تکرار نما تا شنونده‌ها بفهمند.

3- آگاه‌شان گردان که این آیه آرزوهای بیهودهٔ آنانی را که می‌گفتند: با ایمان هیچ چیز ضرر نمی‌رساند و مؤمنان همگی نجات‌یافتگان اند از بین برد چنانکه فضیل بن عیاض گفته است که برای اهل آخرت شروطی وضع شده که از جمله: ایشان در روی زمین برتری جویی و فساد را اراده ندارند.

4- پندشان ده: که علی بن الحسین τ در حالی که سواره بود بر مساکینی گذشت که نان خشک می‌خوردند برایشان سلام نمود سپس او را به غذای خود دعوت نمودند این آیه را خواند: ﴿ ﴾ و از اسپش فرود آمد و با اوشان غذا خورد.

5- برای‌شان یادآور شو که عاقبت نیک و پسندیده در دنیا و آخرت خاص برای پرهیزگارانی است که از شرک و گناه پرهیز نموده و به آن نزدیک نمی‌شوند.

درس 24: حدیث اکل و شرب با دست راست

قول سلمة بن الاكوع رضي الله عنه: وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضِّلَعِ أَعْلاَهُ، فَقَالَ: كُلْ بِيَمِينِكَ، قَالَ: لاَ أَسْتَطِيعُ، قَالَ؟ لاَ اسْتَطَعْتَ مَا مَنَعَهُ إِلاَّ الْكِبْرُ. قَالَ: فَمَا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ.	گفتهٔ سلمه بن الاکوع τ که مردی نزد رسول الله ρ با دست چپش خورد رسول الله ρ فرمود: با دست راست خویش بخور، گفت: نمی‌توانم، رسول الله ρ گفت: خدا کند که نتوانی و او را کبر ازین کار بازداشت. سلمه می‌گوید: سپس نتوانست دستش را به دهن بلند کند.

(رواه مسلم)

شرح: در این گفته سلمه τ: «**إن رجلاً أكل عند رسول الله بشماله**»، نام شخص بخاطر پرهیز از غیبت تذکر داده نشده، زیرا غیبت یادآوریست که سبب ناراحتی برادرت می‌گردد، و گفته‌اش:«**بشماله**» یعنی با دست چپش و گفته‌اش: «**كُلْ بِيَمِينِكَ**»: یعنی رسول الله ρ برای شخصی که با دست چپ می‌خورد جهت ارشاد و تعلیمش فرمودند: با دست راست خویش بخور که برایت خیر است زیرا خوردن با دست چپ مشابهت به شیطان است، چه شیطان با دست چپش می‌خورد. و گفته‌اش: «**لا استطيع**» این گفته آن مردی است که رسول خدا ρ برایش امر نمودند که با دست راستش بخورد در حالی که قدرت خوردن با دست راستش را داشت مگر تکبر و خودخواهی او را از پذیرفتن امر رسول الله ρ منع نمود، لذا رسول خدا ρ برعلیه او نفرین نموده و فرمودند: **لا استطعت**: یعنی خداوند تو را قدرت ندهد، زیرا او متکبر بود و انسان متکبر گویا با صفت کبریایی خدا منازعه می‌کند و هرکه با خدا مبارزه کند خداوند او را نابود می‌سازد. و گفته سلمه τ: «**فَمَا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ**» یعنی از همان ساعت دستش شل شد که تا وقت مردن به آن دست، قدرت خوردن پیدا نکرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معنایش را یکی بعد دیگر بیان کن تا شنونده‌ها مراد حدیث را بفهمند و برای عمل آماده شوند.

3- تعلیم‌شان ده: که خوردن و نوشیدن با دست راست می‌باشد و هرکه با دست چپش بخورد و بنوشد خود را به شیطان مشابه نموده است و آن که خود را به گروهی مشابه سازد از جمله آن‌هاست.

4- آن‌ها را از کبر بیم ده زیرا متکبر به جنت داخل نمی‌شود نظر به حدیثی که در مسلم آمده است: «خداوند کسی را که در دلش ذرهٔ از کبر بوده به جنت داخل نمی‌کند».

5- تذکرشان ده: که از غیبت مسلمان پرهیز شود، و غیبت یادکردن مسلمان است در غیابش به آنچه که نمی‌پسندد.

6- ایشان را از تکبر و عناد در برابر امر رسول الله بیم ده که به هلاکت می‌کشاند.

درس 25: آیهٔ تقوی و همنشینی با راستگویان

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾	(119) ای گروه مؤمنان از خدا بترسید و با راستگویان باشید.

[التوبه: 119]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ﴾: این ندای پروردگار است برای بندگان مؤمنش که با کلمه ایمان آن‌ها را یاد کرده است چون با نیروی ایمان است که بر امتثال اوامر الهی و ترک منهیاتش قدرت پیدا کرده و به اوامر او رغبت و از منهیاتش پرهیز می‌توانند، زیرا مسلمان با ایمانش زنده است که می‌شنود و می‌بیند و تعقل نموده و درک می‌نماید و قدرت بر انجام تکالیف را پیدا می‌کند، به خلاف غیر مؤمن که کافر است زیرا او شباهت به مرده را دارد گرچه ظاهراً مرده نیست چه کسی که او را ندا کنند و نشنود و مکلف شود و قدرت انجام‌دادن تکلیف را پیدا نکند پس چنین شخصی به مرگ نزدیک‌تر است از زندگی. و فرموده خدای تعالی: ﴿وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ این یکی از مواردیست که به خاطرش طرف ندا قرار گرفته اند و دومی فرموده‌اش: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ﴾: امر به تقوا است، ایشان را به تقوا امر می‌کند و تقوا پرهیز و ترس است از عذاب خدا با انجام اطاعتش در آنچه از اعتقاد و گفتار و کردار دستور داده است و همچنین نهی‌شدن و دورشدن است از عقیده و سخن و عمل ناپسند و فاسد . ایشان را دستور داد: که در نیت‌ها و گفتار و اعمال‌شان صادق باشند تا که آن‌ها را آماده سازد که در دنیا و آخرت با صادقان یکجا باشند آنجا که خدای تعالی می‌فرماید:

﴿ (الزمر: 33 - 34) « و کسی که آیین راستین را آورد و آنکه تصدیقش نمود، چنین کسانی پرهیزکارند. ایشان هر چه بخواهند، نزد پروردگارشان دارند؛ این، پاداش نیکوکاران است».

﴿ آن که با صدق آمده که او رسول خداست ρ ﴾ ﴿ و آن که او را تصدیق داده ابوبکر صدیق τ است ﴾

﴿ : «ایشان پرهیزگاران اند که آنچه می‌خواهند در نزد پروردگار خود می‌یابند و این پاداش نیکوکاران است».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و شنونده‌ها با تو بخوانند و قرائت را ادامه بده تا حفظ شود.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معنایش را بیان کن و برای فهم آن, اوشان را تشویق کن.

3- ایشان را از صداقت و راستی آن سه نفر: کعب بن مالک، هلال بن امیه و مراره بن الربیع ψ که از غزوۀ تبوک عقب ماندند آگاه کن آنگاهی که رسول خدا ρ و مسلمانان از تبوک بازگشتند غیر مسلمانان و آن‌هائی که تخلف ورزیده بوده آمدند و عذرخواهی به راست و دروغ کردند، مگر این سه نفر نخواستند که به دروغ عذر بیاورند، خداوند Ψ رسول الله ρ و مؤمنان را به قطع رابطه با ایشان امر نمود و مورد مقاطعه قرار گرفتند، ولی صبر نمودند تا که خداوند در بارۀ توبه‌شان آیت نازل نمود و توبه‌شان را پذیرفت، و آن‌ها در صداقت و راستی ضرب المثل گشتند و خداوند متعال

در این آیه از مؤمنین خواسته تا که با این صادقین باشند، خداوند ما را به ایشان بدارد. آمین.

4- ایشان را به راستی و صداقت تشویق نما، چه صداقت به نیکی رهنماست و نیکی به جنت می‌کشاند.

5- تعلیم‌شان ده: که راستی باید در ظاهر و باطن یکسان باشد طوری که ابن عربی وقتی تفسیر الصادقین را قرائت نمود که آن‌ها کسانی اند که ظاهر و باطن‌شان برابر است گفت: این سخن آن حقیقت ایست که نقطهٔ آخر آروزهاست.

درس 26: حدیث التزام صدق و راستی

قوله صلی الله علیه وسلم: عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِى إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِى إِلَى الْجَنَّةِ وَلاَ يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِى إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِى إِلَى النَّارِ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا.	فرمودۀ رسول الله ρ: لازم بگیرید بر خود راستی را زیرا صدق رهنما است به نیکی و نیکی می‌کشاند به جنت و همیشه هست که شخص راست می‌گوید و صدق را مورد نظر قرار می‌دهد تا که نزد خداوند صدیق نوشته می‌شود و دوری کنید از دروغ زیرا دروغ رهنما است به گناه و گناه می‌کشاند به سوی آتش و همواره شخص دروغ می‌گوید و قصد دروغ می‌نماید تا که نزد خداوند کذاب نوشته می‌شود.

(رواه مسلم)

شرح: فرمودۀ ρ: «**عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ**»: یعنی لازم بگیرید صدق را که جدا نشود از شما و شما از او فاصله نگیرید، در نیت‌ها و گفتار و کردار خود در آشکار و نهان صادق باشید تا که در این دنیا از جمله صادقینی بگردید که دارای پاکی و صفا اند، و هم با صادقین در آخرت یکجا شوید: ﴿♦✌❑←♉▪❷♑♐♏◆❒ ⅄✐♐♏ ⇗➚♋⮌⇖③ ♊♦♗◆❒ ♦×⇦♋♔⅄✐♐♏ ⌧➚♦♗ ⌧⌨⍉◊✵◔⬧♑♁❑⬆♁⬧▫ ⌘♊♋♓♗ ♅⍉⅋⬀❸■◘♦⇖ ✦✐♐♏ ⌘♅⌧➔⬀☼❑🕮 ♦×✓⮈☽③♋♎⑨⮉♉◔♑♐♏◆❒ ⌘♊◷⍉♒⑩⍂▭❑✡♑♐♏ 🗐 ♦×✓⮉⬧⍂◘◔○◔♑♐♏◆❒ ♋➚✐♏⌧⑨❑⅋❼☆♑♐♏◆❒ ⮚♋⌀⮳ ♐☪☽⑩♋▫◆❻ ⌧⌨⍉◊✵◔⬧♑♁❑⬆🕮 ⌘♊⍝○⌧❍◆❒﴾ (النساء: 69). «آنان که از الله و پیامبر اطاعت می‌کنند، هم‌نشین پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان خواهند بود که الله به آنان نعمت عنایت نموده و چه رفیقان نیکی هستند». و

علت دستور به صدق و ملازمت بر آن را برای‌شان اینطور بیان کرده است که: «**إِنَّ الصِّدْقَ**» یعنی راستی کامل در ظاهر و باطن، شخصی را که ملازم چنین راستی باشد به نیکی رهنماست و نیکی به جنت می‌کشاند، زیرا آن که صدق و راستی را بر خود لازم بگیرد از اهل جنت است و صدق چنین است. و آن‌ها را به این گفته‌اش به صدق تشویق می‌نماید. «**وَلاَ يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ**»: «یعنی شخص همواره راستی را قصد می‌کند و در جستجو و طلب صدق است تا که نزد خداوند از صدیقان نوشته می‌شود». و همانا به صحبت موکب‌های چهارگانه جنت کامیاب می‌گردد و از کمال عنایت رسول خدا ρ به امتش برای این که در هردو سرا به سعادت و کمال برسند، بعد از آن که به صدق و راستی آن‌ها را تشویق نمود اکنون ایشان را از ضد آن یعنی دروغ بیم می‌دهد: «**وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ**»: یعنی «ترسید و از دروغ اجتناب کنید» و علل اجتناب از آن را چنین بیان می‌کند که «**فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِى إِلَى الْفُجُورِ**»: دروغ به گناه می‌کشاند و فجور، معصیت خدا و رسول است به خارج‌شدن از امر و نهی‌شان «**وَالْفُجُورَ يَهْدِى إِلَى النَّارِ**» و گناه به آتش می‌کشاند، و در بیم‌دادن اضافه می‌کند که هرگاه شخص دروغ بگوید و بر کذب ادامه دهد و از آن توبه نکند سرانجامش اینست که نزد خداوند از کاذبان نوشته می‌شود و آنگاه با کاذبین که بر خدا دروغ می‌بندند همراه می‌شود و آن‌ها اهل دوزخ اند و بد بازگشتی است آن.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- کوشش نما تا شنونده‌ها حدیث را حفظ نمایند.

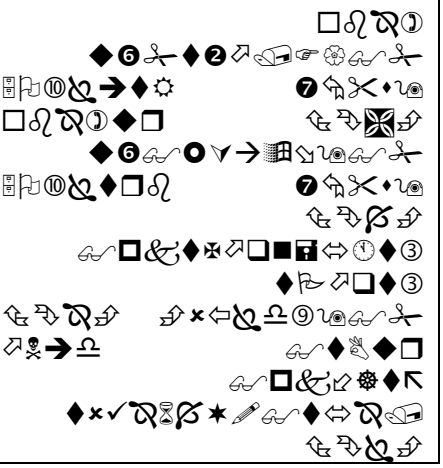
2- شرح را به آرامش بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را شرح کن تا ببینی که مراد حدیث را فهمیده اند.

3- آن‌ها را به راستی تشویق نما و از دروغ بیم ده تا که از آن دور شده و توبه نمایند.

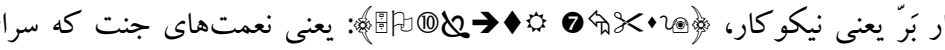
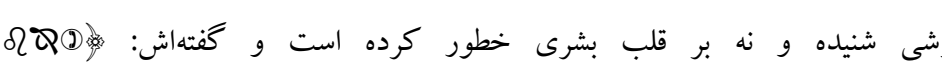
4- تعلیم‌شان ده: که هرگاه شخص به راستی عادت کند همواره آن را لازم می‌گیرد و آن که به دروغ عادت کند همیشه از او جدا نمی‌شود و این سنت خداست در میان مردم.

لذا بر بنده لازم است که هرگاه از او گناهی سر می‌زند توبه نماید ورنه گناه متوالی و پیوسته گردیده و توبه‌کردن بر او دشوار می‌گردد، نظر به گفته رسول الله ρ «**وَأَتْبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا**»: در پی گناه حسنه و نیکی‌ای را انجام ده که اثر گناه را محو کند. و فرموده خدای تعالی: ﴿  ﴾ (الإنفطار: 6). «ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته؟».  ﴾ (النساء: 17). «به تحقیق توبه‌کردن نزد خدا مرکسانی راست که به نادانی بدی‌های را انجام دادند و سپس به زودی توبه نمودند».

درس 27: آیهٔ نیکان در بهشت و بدان در دوزخ

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(13) همانا نیکان در نعمت‌ها اند (14) و همانا بدان در دوزخ اند. (15) درآیند آن را روز قیامت. (16) و نیستند ایشان از آن ناپدیدان.

[الانفطار: 13 – 16]

شرح: بعد از فنای این زندگی دنیا و برپاشدن قیامت و سوال خداوند از انسان که چه چیز موجب فریبش به پروردگار گردیده که خدای را عبادت نکرده و او را به وحدانیت نپرستیده است آنجا که می‌فرماید:  «ای انسان چه چیز تو را به پروردگار کریمت فریب داد» سپس خداوند تعالی از کرام الکاتبین خبر می‌دهد و این که اعمال انسان شمرده شده و تدوین شده آن که خیر انجام داده به خیر پاداش داده می‌شود و آن که غیر انجام داده بغیر. و موکداً خبر می‌دهد از آنچه که با آن بین بندگانش داوری می‌کند و ایشان دو دسته اند نیکوکار و بدکار، پس فرمود:  ابرار اهل ایمان و طاعت و صداقت اند، مفرد ابرار بَرّ یعنی نیکوکار،  : یعنی نعمت‌های جنت که سرای نیکوکاران است و آن‌ها نعمت‌های همیشگی است که در این دنیا نه چشمی آن را دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده است و گفته‌اش: 

﴿ که جمع فاجر است و فاجر کسی است که از اطاعت خدا و رسول سرکشی نموده و از امر خدا و رسول بیرون شده است، طوری که نه ایمان آورده و نه خدا را به یکتایی پرستیده و نه رکوع و سجده نموده و نه کار نیکی انجام داده و نه از باطل و ظلم و شری اجتناب نموده است. ﴿: در دوزخ که عذاب آن همیشگی و سرمدی و ابدی است و به طور کامل به سزای اعمال خود می‌رسند ﴿: که عبارت از روز جزا و روز قیامت است که آتش آن روز آن‌ها را در بر می‌گیرد و ایشان پیوسته با آن هستند که نه روز و نه ساعتی از آن دور شده می‌توانند و نه عذاب از آن‌ها فروکش می‌نماید آنجا که می‌فرماید: ﴿ (الزخرف: 75). «یعنی کم نمی‌شود از ایشان عذاب و آن‌ها در جهنم ماندگاراند».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و شنونده‌ها با تو بخوانند تا آیه را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معنای جمله‌ها و آنچه فهم آن از آیت مراد است برای‌شان بیان کن.

3- با تذکر نعمت‌های جاوید الهی که به اهل طاعت و عده‌شده آن‌ها را در اطاعت خدا و رسول ρ تشویق کن.

4- آن‌ها را از نافرمانی خدا و رسول الله ρ بیم ده و برای‌شان بازگشت نافرمانان را درین فرموده خدا از سورهٔ جن یادآور شو: ﴿ (الجن: 23). «هرکه نافرمانی کند خدا و رسول را به تحقیق برای او آتش جهنم است که جاوید و ابدی در آن می‌مانند».

5-آگاه‌شان گردان که برای اطاعت‌کننده لازم است که موارد اطاعت را بداند و لذا بر بنده واجب است این که انواع عبادت‌ها و چگونی ادای آن را بداند و همینطور انواع منهیات و وسایل دوری و پرهیز از آن را.

درس 28: حدیث دیدار اهل بهشت با یکدیگر

قوله صلی الله علیه وسلم: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ، كَمَا تَرَاءَوْنَ الْكَوْكَبَ الدُّرِّيَّ الْغَابِرَ فِي الأُفُقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوِ الْمَغْرِبِ، لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تِلْكَ مَنَازِلُ الأَنْبِيَاءِ لاَ يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ، قَالَ: بَلَى، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، رِجَالٌ آمَنُوا بِاللَّهِ وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ.	فرمودۀ رسول خدا ρ: همانا اهل بهشت می‌بینند اهل غرفه‌ها را چنانکه می‌بینند ستارۀ درخشندۀ گذرنده در افق مشرق یا مغرب را نسبت برتری که بین‌شان است، گفتند: یا رسول الله این‌ها منزل‌های پیامبران است که غیرشان کسی به آن نمی‌رسد. فرمود: آری، قسم به آن که نفس من در ید قدرت اوست، این منازل مردانی است که ایمان آوردند به خدا و پیامبران را تصدیق دادند.

(رواه الشیخان)

شرح: فرموده رسول الله ρ: «**إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ...**» الخ رسول خدا از برتری درجات و عالی‌بودن منزل‌های اهل جنت خبر می‌دهد: که این برتری به خاطر تفاوت‌شان در نیروی ایمان و کثرت اعمال صالحه و قوت پرهیزشان از آنچه خدا و رسول حرام قرار داده از گناهان و بدی‌هاست. پس خبر می‌دهد: «**إِنَّهُم يَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ**»: ایشان می‌بینند اهل غرفه‌ها را در بلندی آن و دوری‌شان از آنانی که در درجات پایان‌تر قرار دارند «**كَمَا تَرَاءَوْنَ**» چنانکه امروزه می‌بینند مردم «**الْكَوْكَبَ الدُّرِّيَّ**» یعنی ستارۀ روشن و تابنده را فی الافق در آسمان، و هرگاه با این خبر اصحابش را آگاه نمود «**قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تِلْكَ مَنَازِلُ الأَنْبِيَاءِ لاَ يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ**» گفتند: ای پیامبر خدا این منازل انبیاء است که غیر انبیاء به آن نمی‌رسند؟ پیامبر به ایشان جواب داد: آری، طوری که شما تصور نموده و گفتید: چنین نیست و برای‌شان سوگند یاد کرد و گفت: «**وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، رِجَالٌ آمَنُوا**»: یعنی این‌ها منازل مردانی

است که ایمان به خدا آورده و «**صَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ**» و پیامبران را تصدیق دادند و خاصهٔ انبیاء نیست طوری که شما گفتید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها با تو تکرار نمایند تا ببینی که اکثریت‌شان آن را حفظ کرده اند.

2- برای‌شان یادآور شو که سبب برتری منازل اهل جنت تفاوت‌شان در انجام اعمال صالحه و ترک منهیات است.

3- آن‌ها را در مسابقه به خیر و رغبت در عمل‌های صالح تشویق کن تا که به اعلاترین منازل در سرای آخرت دست یابند.

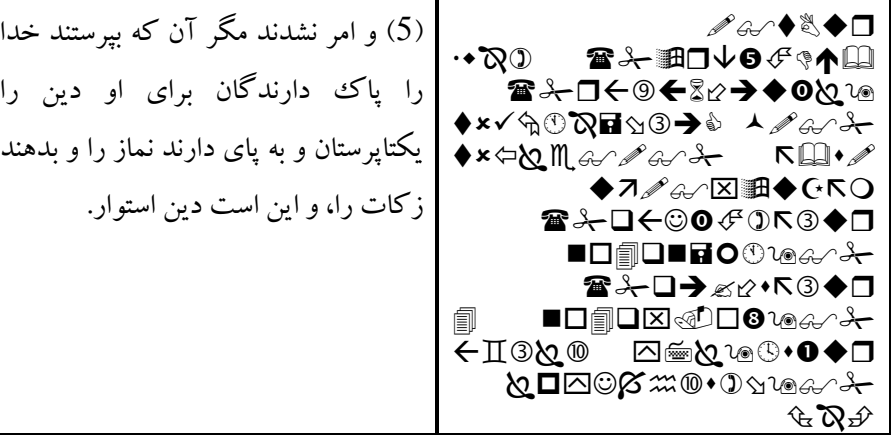
4- تعلیم‌شان ده که برای تأکید سخن و صحت آن، سوگند خوردن به خدا مشروعیت دارد.

5- آگاه‌شان گردان که در بارهٔ این قسم: والذی نفسی بیده: حضرت عایشه ل می‌گوید: این سوگند رسول الله ρ است زیرا با آن بسیار سوگند می‌خوردند.

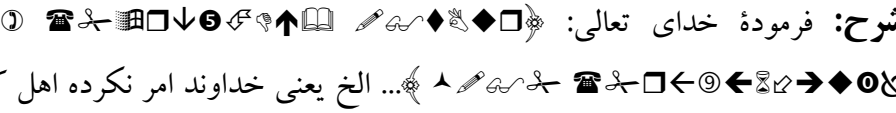
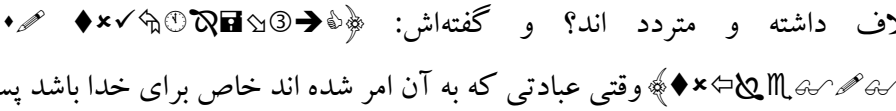
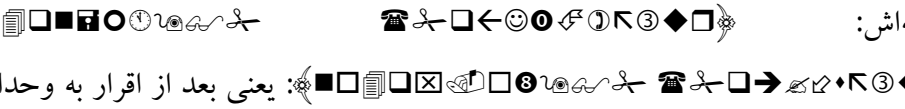
6- برای ایشان از فضیلت ایمان به خدا و رسول در این فرموده خدای تعالی تذکر ده:

﴿ [illegible] ﴾ (الحدید: 21) «بشتابید به سوی بخشایشی از پروردگارتان وبهشتی که پهنایش مثل پهنای آسمان و زمین است که آماده شده برای آنانی که ایمان آوردند به خدا و رسولش».

درس 29: آیهٔ عبادت بااخلاص

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خداوند سبحان Ψ:
	(5) و امر نشدند مگر آن که بپرستند خدا را پاک دارندگان برای او دین را یکتاپرستان و به پای دارند نماز را و بدهند زکات را، و این است دین استوار.

[بینه: 5]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  الخ یعنی خداوند امر نکرده اهل کتاب و نه دیگر اهل شرک و کفر را جز به عبادت پروردگاری که خدای‌شان است و عبادت خداوند ذلت و اهانتی را برای بندگان در بر ندارد زیرا خدای تعالی آفریدگار و روزی‌دهنده و مدبر زندگی‌شان است لذا فطرتاً و عقلاً عبادتش واجب است پس چرا در پرستش خدا اختلاف داشته و متردد اند؟ و گفته‌اش:  وقتی عبادتی که به آن امر شده اند خاص برای خدا باشد پس در عبادتش غیر او را شریک نمی‌آورند، زیرا شرک عبادت را فاسد نموده و نفس‌های‌شان را نمی‌تواند تزکیه کند و گفته‌اش:  یعنی دور شده و رجوع‌کننده از ملت‌های کفر و شرک به سوی ملت اسلام که همانا ملت ابراهیم υ است. و گفته‌اش:  یعنی بعد از اقرار به وحدانیت

خدا و شهادت به آن، کسی که ارادهٔ داخل‌شدن به دین اسلام را داشته باشد الزامیست که اولا به یگانگی خداوند Ψ و رسالت حضرت محمد ρ گواهی دهد، سپس نماز را اقامه نموده و زکات را بپردازد سپس دیگر عبادت‌ها را انجام دهد ﴿□◆❶♦🕓🖮🖴🖂 ⑩🖎Ⅱ③🖎← 🖎□🖂☺🗲♒⑩♦◑🔄🖮🖊✂ 🖎□🖂☺🗲♒⑩♦ 🖊🔄🖎﴾ و این است دین استوار و مستقیمی که به رضای خداوند و جنت‌های جاوید می‌رساند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن و شنونده‌ها نیز تکرار کنند تا اکثریت‌شان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و با توقف در معانی، آن‌ها را بیان کن تا بفهمند.

3- تعلیم‌شان ده که اخلاص در عبادت خدا محتاج به نیت است که عبارت از عزم و تصمیم قلب است بر عمل، و لذا این آیه دلالت می‌کند بر وجوب نیت برای تمامی عبادت‌های که بنده به آن پروردگارش را می‌پرستد.

4- آگاه‌شان گردان: که به جز اسلام که دین ملت قیمه است سایر ادیان یهودیت، نصرانیت، مجوسیت و بودائیت تماماً باطل بوده و اهل این ادیان کافر محسوب می‌شوند.

5- برای‌شان یادآور شو: که اسلام بر پنج اساس بنا یافته که عبارت از شهادتین و اقامه نماز و ادای زکات و روزه رمضان و حج بیت الحرام است و هرگاه یکی ازین پنج اساس ساقط شود تمام آن‌ها ساقط می‌شود و از صاحب آن قبول نمی‌شود.

درس 30: حدیث حسن نیت و ثواب مجاهدان

قول رسول الله صلى الله عليه وسلم: إِنَّ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَاماً مَا قَطَعْتُمْ وَادِياً وَلاَ وطئنا موطئاً يغيظ الكفار، ولا أنفقنا نفقةً ولا أصابتنا مخمصة إلا شركونا في ذلك وهم بالمدينة، فقيل له: كيف ذلك يا رسول الله؟ فقال: حبسهم العذر فشركوا بحسن النية.	فرمود رسول خدا ρ: همانا در مدینه مردمی اند که ما نپیمودیم هیچ وادی و نه طی نمودیم محلی که خشمگین می‌ساخت کافران را، و انفاق نکردیم هیچ نفقه‌ای را و نرسیدیم به مخمصه و گرسنگی شدیدی مگر که در آن با ما شرکت داشته در حالی که ایشان به مدینه بودند. پس برایش گفته شد: این چگونه است یا رسول الله؟ فرمود: عذر آن‌ها را بازداشت، پس با حسن نیت خود با ما شریک شدند.

(رواه ابوداود والبخاری مختصراً)

شرح: فرموده رسول الله ρ: «**إن بالمدينة أقواماً**»: یعنی در مدینه مردانی ناتوان بودند از بیرون‌شدن به جهاد و این در غزوۀ تبوک بود، زیرا قدرت خروج برای جهاد را نداشتند و در این فرموده رسول الله ρ: «**ما قطعنا وادياً الى قوله مخصمة**»: بیان مشقت و زحمت‌های بود که در راه خدا تحمل می‌کردند و گفته‌اش: «**الا شركونا فی ذلک**»: یعنی در پاداش این رنج و مشقت و گرسنگی با ما شرکت داشتند «**و هم بالمدينة**»: یعنی از مدینه خارج نشدند به علت عجزشان به سبب مریضی و یا نداشتن نفقه و نداشتن وسیله سواری. آنگاه که رسول الله ρ جواب دادند «**حبسهم العذر فشركونا بحسن النيه**»: عذر آن‌ها را بازداشت و با حسن نیت خود با ما شرکت پیدا کردند، و به خاطر ناتوانی از شرکت در جبهه با رسول خدا، تأسف و اندوه

ایشان را فرا گرفت چون خداوند Ψ حسن نیت‌های‌شان را می‌دانست برای‌شان مانند مزد مجاهدین را عطا فرمود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند بار بخوان و شنونده‌ها آهسته با تو بخوانند تا بیشترشان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معنی هرجمله را جداگانه بیان کن تا مراد هر جمله را بدانند.

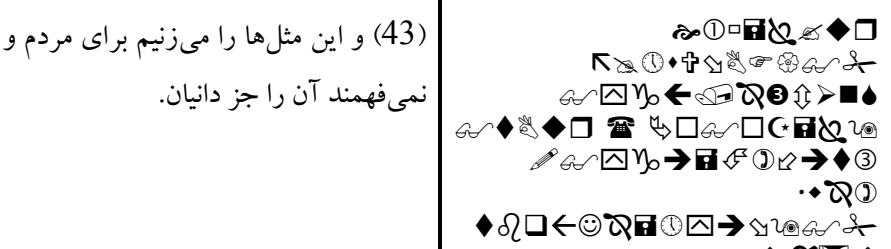
3- آن‌ها را به فضیلت نیت صالحه آگاه کن که شخص با نیت صالحه باجر و مزدی دست یافته می‌تواند که به عمل خود نمی‌تواند و تمام اعمال بندگی محتاج به حسن نیت است.

4- حدیث بخاری را برای‌شان بیان کن: «**إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى**» مدار اعمال نیت‌هاست و برای هرکس پاداش آنچه که نیت کرده است می‌باشد.

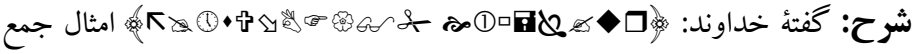
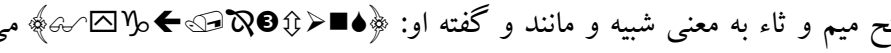
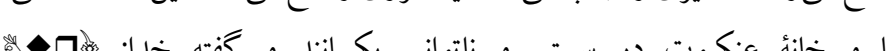
5- آگاه‌شان گردان کسی که عمل صالحی داشته و از انجام آن ناتوان شده باشد، اجر و مزد آن، مانند زمانی که عمل می‌کرده و قدرت داشته تماماً داده می‌شود، پس آن که نماز و روزهٔ نافله انجام می‌داده و سپس مریض و یا مسافر گشته باشد برایش اجر زمان سلامتی و اقامتش نوشته می‌شود.

درسهای ماه ربیع الاول

درس 1: آیهٔ ذکر مثال‌ها برای پندگرفتن

قول الله تعالی: 	گفتهٔ خداوند بزرگ: (43) و این مثل‌ها را می‌زنیم برای مردم و نمی‌فهمند آن را جز دانیان.

[عنکبوت: 43]

شرح: گفتهٔ خداوند:  امثال جمع مثل به فتح میم و ثاء به معنی شبیه و مانند و گفته او:  می‌زنیم «بیان می‌کنیم» برای مردم تا از هلاکت نجات یافته و به فائدهٔ خود برسند و تلک اشاره به مثلی است که خدا برای مردم بیان فرموده و آن مثل، تشبیه حال مشرکین که غیر خدا را می‌پرستند به حال عنکبوت است که از لعاب دهان خود خانه درست می‌کند، به خیال این که این خانه او را از مهلکه نجات می‌دهد در حالی که این تار عنکبوت نجاتبخش نیست مشرکین نیز اینچنین اند آن خدایانی را که برای خود انتخاب کردند، به گمان این که به آن‌ها نفع می‌رسانند خیری را جلب می‌کنند یا ضرری را دفع می‌کنند این گمان غلطی است، این‌ها و خانهٔ عنکبوت در سستی و ناتوانی یکسانند و گفته خدا:  یعنی این مثل‌های بیان‌شده برای پندگرفتن مردم تا این که به آنچه مورد پسند و رغبت ایشان است دست یابند و از چیزی که مورد تنفر و وحشت است نجات پیدا کنند اهمیت و قدر این مثل‌ها را جز عالمان نمی‌دانند یعنی کسانی که به خدا و قوانین خدا و اسرار کلام او و راهنمایی‌های آیات او علم دارند در این آیه از مقام علم و علماء تقدیر شده و نکوهش جهل و جاهلان است و بسنده است در فضیلت علم این گفته خداوند: 

﴿ ﴾ (الزمر: 9). «آیا آن‌هائی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند برابرند». و یا این گفته خداوند: ﴿ ﴾ (یوسف: 68). «او همانا او دانشمندی است بدانچه بیاموختیمش و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند» و گفته‌اش: ﴿ ﴾ (طه: 114). «و بگو: پروردگارا بر علم من بیفزا».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان تا مسمعین حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و معنی هریک از جملات را به طور واضح به شنوندگان بفهمان.

3- به آن‌ها تذکر ده که مشرکین در پرستش غیر خدا زیانکار اند و حال ایشان به حال عنکبوت می‌ماند که شب و روز تار می‌زنند تا خود را حفظ کند در حالی که از ساختمان خود به جز خسران چیزی نمی‌بیند.

4- به آن‌ها تعلیم ده که ضرب مثل‌ها برای هدایت و تعلیم و آگاهی مردم امر خوبی است.

5- به آن‌ها تذکر ده که علم شرعی فضیلت دارد بلکه از واجبترین واجب‌هاست و عالم علوم شرعی دارای قدر و منزلت رفیعی است و فاقد آن اگر حیوان نیست نظیر حیوان است.

درس 2: حدیث طلب علم آخرت جهت دنیا

قوله صلی الله علیه وسلم: مَنْ طَلَبَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ وَجْهُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لاَ يَتَعَلَّمُهُ إِلاَّ لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: کسی که علمی را طلب می‌کند که به آن رضای خدا جسته می‌شود و هدفش از طلب این علم رسیدن به هدف دنیائی است بوی جنت در روز قیامت به مشامش نمی‌رسد.

(رواه ابوداود)

شرح: مراد از علم که به آن رضای خدا طلب می‌شود علم کتاب و سنت است، چون به این علم است که خدا شناخته می‌شود و به این علم است که آنچه مورد پسند خدا یا مورد تنفر او است دانسته می‌شود و به این علم است که نعمت‌های او که در روز قیامت برای دوستان خود و عذاب‌هایی که برای دشمنان او آماده کرده است درک می‌شود و همچنین علم مربوط به عبادت است عبادتی که هدف خلقت جن و انس است و آگاهی به کیفیت ادای عبادت و علوم مربوط به ادبیات لغت عربی که به شناخت عبادتمان کمک می‌کند و علم احکام شرعیه و کیفیت تطبیق آن احکام از جمله علومی است که سبب جلب رضایت خدا است پس کسی که این علوم را برای رسیدن به اغراض دنیوی طلب کند بوی جنت در روز قیامت بر وی حرام است، لذا بر طالب علوم دینی واجب است که به آموختن این علوم، خاص رضای خدا را طلب کند اما کسی که در آموزش علوم دنیوی مانند هندسه، پزشکی، کیمیاء و دیگر علوم صنعت و حرفه نیت خالص برای خدا دارد و هدفش عبادت خدا و خدمت به خلق خدا است ثواب آموختن این علوم را درمی‌یابد و اگر در تعلیم این علوم هیچ نیت ندارد نه اجری دارد و نه گناه.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن و شنونده‌گان هم تکرار کنند تا اکثریت آن‌ها حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله با آرامش بخوان و معنی هرجمله را بیان کن تا بفهمند.

3-شنونده‌گان را تذکر ده که طلبه علوم شرعی باید در طلب خود اخلاص نیت لوجه الله داشته باشد و کسی که در آموختن علوم شرعی هم خدا و هم دنیا را در نظر داشته باشد خدا از او نمی‌پذیرد.

4-آن‌ها را از فضیلت علم شرعی آگاه کن چون پیامبر ρ می‌فرماید: فضیلت علم بر عابد مثل برتری من بر پائین‌ترین شماست و گفته پیامبر ρ که خداوند و فرشتگان و اهل آسمان‌ها و زمین حتی مورچه در سوراخش و ماهی‌های دریا بر آموزگاران که به مردم خیر می‌آموزند درود می‌فرستند و از این دانسته می‌شود که هدف از آموختن علم عمل کردن به آن است و هدف از تعلیم و تعلم علوم دینی آنست که بدان عمل شود لذا اجرت گرفتن بر تعلیم و تعلم علوم دینی حرامست و کسی که آن را برای دنیا فرا می‌گیرد مستحق عذاب است.

5-به آن‌ها بفهمان که طلب علم شرعی به اندازهٔ ضرورت بر هر مرد و زن مسلمان واجب است چون کسی که نداند که عبادت خدا چیست و چطور انجام می‌شود نمی‌تواند خدا را عبادت کند و کسی که خدا را نپرستد در دنیا و آخرت زیان کرده است.

درس 3: آیهٔ دیدن جهنم با یقین و نمایان

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند Ψ:
﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾	(6) هرآئینه می‌بینید دوزخ را (7) سپس می‌بینید آن را یقین نمایان (8) سپس پرسش می‌شوید در آن روز از نعمت‌ها.

شرح: گفتهٔ خدا: ﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾ لا, لترون لام قسمیه است خداوند به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کند یا جواب قسم محذوف است که تقدیرش چنین است سوگند به عزت و جلال من که هرآئینه می‌بینید دوزخ را و مراد از جحیم دوزخ است! و این دیدن در میدان محشر است چون مخلوقات در آن روز ایستاده منتظر حکم خدا اند و آتش برای ایشان نمایان می‌شود که آن را به چشم سر می‌بینند که خداوند می‌فرماید: ﴿وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ﴾ (الشعراء: 91). «و ظاهر شد جهنم برای گمراهان».

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ﴾ (الفجر: 23) «آورده شود در آن روز دوزخ». و گفتهٔ خداوند: ﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ﴾ «یعنی می‌بینید دوزخ را به چشم سر خود». و دیدن شما یقین می‌شود زیرا تأکید عین الیقین از علم یقین بیشتر است و گفتهٔ خداوند ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ یعنی در آن روز از نعمت‌های دنیا مانند عقل گوش چشم زبان، انواع خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و اقسام پوشیدنی‌ها سواری‌ها منزل‌ها این‌ها همه

نعمت‌های است که خداوند بر بنده‌گان خود انعام فرموده که از شکر این نعمت‌ها پرسیده می‌شوند که نعمت‌ها را در جای که خدا مشخص فرموده صرف کردند؟ پس کسی که سپاسگزار باشد با سپاسگزاران رستگار شده و کسی که ناسپاس است با زیانکاران زیان می‌بیند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن تا حفظ شود.

2- شرح را با آرامش بخوان و معناهای جمله‌ها را کم کم برای شنوندگان بیان کن تا بفهمند.

3- به آن‌ها تعلیم ده که انواع نعمت‌ها زیاد است از آنجمله تندرستی و فراغت خاطر است، زیرا پیامبر ρ می‌فرمایند: «دو نعمت است که بسیاری از مردم آرزوی آن را می‌برند یکی تندرستی و دیگری فراغت». و از نعمت‌ها امنیت و عافیت است و حتی آب سردی که می‌نوشیم زیرا روزی حضرت پیامبرρ با ابوبکر و عمرب خرمای تازه خوردند و بر روی آن آب سردی نوشیدند و فرمودند: این از نعمت‌ها ایست که از آن سئوال خواهید شد.

4- به آن‌ها بفهمان: که شکر نعمت‌ها به حمد و ثناء خدا به زبان و قلب است و این که هر نعمتی را به جای آن صرف کنیم، مثلاً سپاسگزاری نعمت مال آن است که آن را در آن جای که خدا دوست دارد خرج کنیم و سپاسگزاری نعمت گوش آنست که به وسیلۀ آن خیری شنیده شود و از شر پرهیز شود و همچنین به وسیلۀ نعمت زبان حق را بگوید و از سخن باطل بپرهیزد و به وسیلۀ نعمت چشم چیزی را ببیند که خدا اجازۀ دیدنش را داده است و از آنچه خدا حرام کرده چشم بپوشد.

درس 4: حدیث روز قیامت از چهار چیز سوال می‌شود

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: لاَ تَزُولُ قَدمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلاَهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ علِمهِ مَاذَا عَمِلَ بِهِ.	پیامبر ρ فرمودند: هرگز برداشته نمی‌شود قدم‌های بنده در روز قیامت مگر این که از چهارچیز سؤال می‌شود از عمرش پرسیده می‌شود که در چه راهی به تحلیل برده است و از جوانیش که در چه چیز نابود کرده و از مالش پرسیده می‌شود که از کدام راه به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است و از علمش سؤال می‌شود که چطور به آن عمل کرده است.

(رواه البزار و الطبرانی بإسناد صحیح)

شرح: گفتهٔ پیامبر ρ: «**لاَ تَزُولُ قَدمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**» یعنی بنده از محشر به جنت یا دوزخ منتقل نمی‌شود و گفتهٔ او: «**حَتَّى يُسْأَلَ**» تا این که خداوند او را از چهار چیز مذکور در حدیث مورد بازخواست قرار می‌دهد و گفتهٔ او: «**عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلاَهُ**» از قبیل ذکر خاص بعد از عام است چرا که عمر، جوانی، کهولت و دوران پیری را شامل می‌شود ولی چون دوران جوانی وقت کوشش و کار خیر و شر است لذا جوانی را تنها ذکر کرده چون کسی که در جوانی استقامت ورزد استقامتش ادامه پیدا کرده و کسی که در جوانی انحراف پیدا کند انحرافش همیشه خواهد بود و گفتهٔ پیامبر ρ «**وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ**» یعنی از مالش سؤال می‌شود که از کجا به دست آورده از راه مشروع پیدا کرده یا از راه ممنوع «**وَفِيمَا أَنْفَقَهُ**» در چه راهی مصرف کرده آیا در راه حلال یا در راه حرام پس اگر مال را از راه‌های مشروع کسب کرده و در راهی که خدا اجازه فرموده و مباح کرده صرف کند نجات پیدا می‌کند والا هلاک می‌شود و گفتهٔ پیامبر ρ «**وَعَنْ علِمهِ مَاذَا عَمِلَ بِهِ**» یعنی خداوند او را از علمش

سؤال می‌کند آیا به علمش عمل کرده و به غیرش تعلیم داده یا به آن عمل نکرده و به دیگران نیاموخته است پس اگر به آن عمل کرده و به دیگران آموخته باشد رستگار شده والا بدبخت و زیانکار خواهد بود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا این که اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را با آرامش بخوان و معناهای جمله‌ها را تک تک بیان کن تا این که مراد هر جمله را بفهمند.

3- آن‌ها را به مرگ و روز رستاخیز و جزاء تذکر ده و آنان را تشویق کن که آمادگی برای آخرت پیدا کرده و به ا عمال صالحه که ذخیره اخروی است توجه کنند.

4- به آن‌ها نصیحت کن: که به این چهار چیز توجه کنند و از آن‌ها غفلت نکنند تا از عذاب خدا نجات پیدا کرده و به رضا و لقاء خدا در بهشت رستگار شوند.

5- برای آن‌ها بیان کن: که طلب علم واجب و تعلیم آن واجب‌تر و این قضیه را جدی بگیرند و کسی که علم را آموخته به دیگران بیاموزد.

درس 5: آیهٔ فرضیت حج

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند Ψ:
❐◆✐✶⊗ ⇖♦✍■❼ ✃⍵♏⍵☾□⍵□➭ ❍⊗&❺ ✃⍵♏⍵⍌⌨♦❹⍌☼⊗ ✃⍵⍵⇔✌♦➲⬋♦ ❖□♦✌♋ ◗⊗❍⍌⓿⬩♏♎◗ ▭♋⊗☒ ♑✍♦ ❐◆✌♦♊ ⏍♦❷☒⊞☒✍ ✃⍵✐⅄ ⍝☒⊗☒ ⇖♦♊ ✃⍵⍌➔⍓⏍■☺⊗✓×♦ ⬀⊘⊘⬄	(97) حج این خانه برای الله بر کسی که توانایی رفتن به آنجا را دارد، واجب است. و هر کس انکار ورزد، بداند که الله از جهانیان بی نیاز است.

[آل عمران:97]

شرح: گفتهٔ خداوند: ﴿❐◆✐✶⊗ ⇖♦✍■❼ ✃⍵♏⍵☾□⍵□➭ ❍⊗&❺ ✃⍵♏⍵⍌⌨♦❹⍌☼⊗﴾ و چون یهود مدعی شدند که اولین مسجد روی زمین بیت المقدس است، خداوند ایشان را تکذیب کرد و گفت: اولین خانه که به پا شده برای مردم آنست که در مکه است با برکت و راهنما برای عالمیان در آن نشانه‌های واضح و آشکار است از آنجمله مقام ابراهیم است، هرکه در آن درآید در امان است بدین وسیله خداوند حج را با مؤکدترین صیغه‌های ایجابی فرض کرده که می‌فرماید: ﴿❐◆✐✶⊗ ⇖♦✍■❼ ✃⍵♏⍵☾□⍵□➭ ❍⊗&❺ ✃⍵♏⍵⍌⌨♦❹⍌☼⊗﴾ یعنی حج بیت الله الحرام حق واجب و لازم خدا بر بنده‌گان است که برای زیارت خانهٔ کعبه و اداء مناسک حج در آنجا حضور یابند و چون خانهٔ کعبه از بسیاری از مناطق جهان دور است و هر انسانی قدرت بر ادای حج ندارد. لذا فرموده: ﴿✌♦♊⇖ ✃⍵⍵⇔✌♦➲⬋♦ ◗⊗❍⍌⓿⬩♏♎◗ ▭♋⊗☒⓿♑✍♦﴾ یعنی حج بیت الله الحرام بر کسی لازم است که استطاعت رسیدن به آن را داشته باشد و پیامبر ρ راه را به زاد و راحله تفسیر کردند و مراد از زاد نفقه شخص حاجی و مصرف اهل و خانوادهٔ وی می‌باشد و مراد از راحله انواع وسیلهٔ سواری است که به آن سفر

کند و گفتهٔ خدا Ψ: ﴿□◆✍◆♊ ☞⊠⊞⊠❷◆﴾ یعنی کسی که به خدا و رسول و عبادات او از آنجمله حج، کفر ورزد خسران و سزای کفرش به خود وی بازگردد، اما خداوند از جهانیان بی‌نیاز است نه طاعت ما به خدا فائده می‌رساند و نه گناه ما به خدا زیان می‌رساند چون خدا بی‌نیاز مطلق است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت را تکرار کن تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح هریک از جمله‌ها را با توضیح معانی آن‌ها بخوان تا فهمیده شود.

3-به آن‌ها تعلیم ده که ارکان حج چهار چیز است: الف- احرام که همانا تجرد از جامه‌های دوخته شده و تلبیه گفتن از میقات است. ب- ایستادن به عرفه که از زوال روز نهم ذی الحجه شروع شده و تا قبل از صبح دهم ذی الحجه ادامه دارد. ج- طواف زیارت است که به دور خانهٔ کعبه هفت مرتبه بچرخیم و سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه.

4-به آن‌ها تعلیم ده که حج واجباتی دارد که اگر ترک شد با دم جبران می‌شود از آن جمله شب‌گذراندن به مزدلفه در شب عید ورمی جمره عقبه در صبح عید و شب‌گذراندن در منی ورمی جمرات سه‌گانه بعد از زوال در روز دوم و سوم آن اگر تعجیل کند «والا چهارم عید» ورمی هفت سنگریزه در هر جمره و با هر سنگریزه تکبیر بگوید.

5-به آن‌ها بفهمان: که احرام ممنوعاتی دارد از آنجمله تراشیدن موی، پوشیدن سر, استعمال خوشبوئی، جماع و سخنی که به مسائل جنسی می‌کشاند شکارکردن پس کسی که شکار کرد باید جزاء آن را بپردازد و کسی که جماع کرد حجش فاسد می‌شود و کسی که خوشبوئی استعمال کند یا جامهٔ دوخته را بپوشد یا سر خود را پوشیده یا موئی بتراشد باید فدیه بپردازد و فدیه روزه‌گرفتن, سه روز یا اطعام شش مسکین یا ذبح گوسفندی است.

درس 6: حدیث معرفی بهترین اعمال

قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: أَفْضَلُ الأَعْمَال إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثم جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثم حَجٌّ مَبْرُورٌ.	پیامبر ρ فرمودند: که بهترین اعمال ایمان به خدا و رسول او بعد جهاد در راه خدا بعد از آن حج مقبول است.

(متفق علیه)

شرح: این فرمودۀ پیغمبر خدا ρ افضل الاعمال بهترین اعمال مراد اعمال صالحه است که شامل اعمال قلبی از اعتقادیات و نیت‌ها و اراده‌ها و اقوال, مانند سخن حق و شهادت، تلاوت قرآن، ذکر و دعا، امر به معروف و نهی از منکر و اعمالی که تعلق به اعضاء دارد مانند جهاد، حج، نماز و روزه و صدقات و ایستادن در مقابل دشمن می‌باشد پس رسول خدا ρ گفتند: که بهترین عمل‌ها این سه است و ایمان به خدا و رسولش را مقدم نمود چرا که ایمان به خدا و رسول است که دیگر اعمال را پربار می‌سازد و اگر ایمان به خدا و رسولش نباشد کسی عملی شایسته آنطور که لازم است نمی‌کند پس از آن جهاد در راه خدا و این شامل می‌شود جهاد با فساق را به امرنمودن و نهی‌کردن آن‌ها و جهاد با کفار را به دعوت‌شان به اسلام و اگر جنگ نمودند جنگ کنیم. و جهاد با نفس را و آن این که تعلیم بگیریم آنچیزی که مورد رضای خدا و خشنودی پروردگار است و عمل کنیم به پسندیده و خودداری کنیم از ناپسند و به دیگران هم این را تعلیم بدهیم. سپس حج مقبول است حج مقبول آنست: که مطابق حکم پروردگار و بیان رسول او ρ انجام گیرد و بعد از آن از سایر گناهان صغیره و کبیره دوری گزیند و اعمال خیر بسیار انجام دهد و در فضیلت حج مقبول این گفته حضرت رسول ρ که فرمودند: «برای حج مقبول جزائی نیست مگر بهشت» کافیست و گفتۀ رسول ρ که فرمودند: «کسی که حج کند این خانه را و فحش و ناسزا نگوید و فسق ننماید بازمی‌گردد مانند روزی که از شکم مادر متولد شده».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را تکرار کن تا این که شنوندگان خوب حفظ کنند.

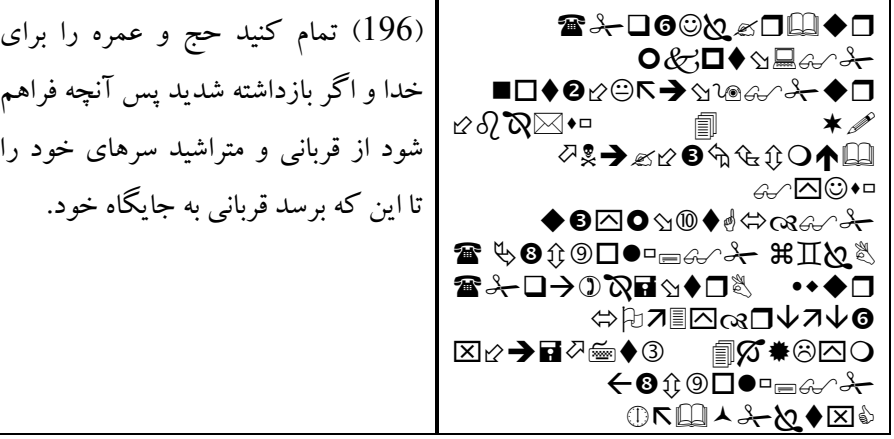
2-شرح را آرام بخوان و در نزد معنای هر جمله توقف کن تا بفهم شنوندگان نزدیک شود.

3-به آن‌ها نصیحت کن: که در اینجا اعمال دیگری هم است که از بهترین اعمال است مانند نماز در وقتش, نیکی به والدین, که احادیث صحیح هم در این مورد آمده است.

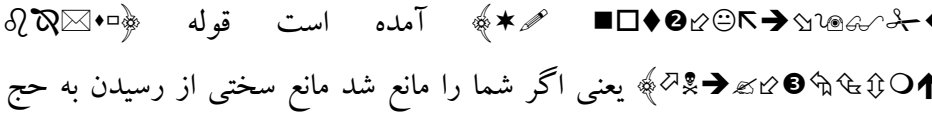
4-به ایشان خبر ده که سر افضلیت جهاد در تحمل مشقت‌ها و انفاق در راه خدا پنهان است و این هردو را مجاهد برداشت می‌نماید.

5-به ایشان خبر ده: که قید جهاد به فی سبیل الله قید مهم است که اگر ساقط شود آنچه مجاهد انجام می‌دهد از دادن مال و نفس و تحمل مشقت اجری ندارد چرا که می‌دانیم که اعمال مورد قبول واقع نمی‌شود مگر آن که خالص برای خدا باشد و عظمت و مزد جهاد به این جهت است که برای خدا باشد نه به خاطر شهرت و ریاء و نه به جهت غنیمت و نه به جهت گرایش قبیله، گروه و وطن.

درس 7: آیهٔ حاجی محصر که از حج بازمی‌ماند

قال الله تعالی:	خداوند Ψ می‌فرماید:
	(196) تمام کنید حج و عمره را برای خدا و اگر بازداشته شدید پس آنچه فراهم شود از قربانی و متراشید سرهای خود را تا این که برسد قربانی به جایگاه خود.

[بقره: 196]

شرح: قوله تعالی:  خداوند بندگان مؤمن خود را امر می‌کند: که وقتی شروع به حج یا عمره کردند پی در پی اعمال آن را تمام کنند چه کسی که احرام برای حج و عمره می‌بندد جایز نیست که آن را به غیر مانع شرعی قطع کند و آن بندشدن است به مانعی یا بیماری سخت، و از اتمام حج و عمره آن است که چیزی از ارکان و واجبات آن کم نشود و اخلاص برای خدا در هردو ضروری است و درست نیست که در ادای این دو عبادت کوچکترین توجه برای غیر خدا شود چه این‌ها از لفظ اتمام گرفته شده که در این فرمودهٔ خدا:  آمده است قوله  یعنی اگر شما را مانع شد مانع سختی از رسیدن به حج و عمره و غالباً احصار به دشمن می‌شود چنانچه قریش مانع دخول پیامبرρ و یارانش به مکه شدند و نگذاشتند که عمره را تمام کنند و این در سال ششم از هجرت بود. آنگاه که در

حدیبیه صُلح شد قوله ﴿ ﴾ یعنی آنچه که آسانتر است از هدیه مانند گوسفند یا گاو یا شتر که شخص محاصره شده در هنگام احصار هدیهٔ خود را ذبح کند و از احرام حلال شود همچنان که پیامبر ρ و یارانش در سال حدیبیه انجام دادند قوله تعالی: ﴿ ﴾ خداوند بندگان خود را نهی نموده: که قبل از این که هدیه‌شان به مکه برسد با تراشیدن سر, خود را حلال نمایند و اتمام حج و عمره در صورتیست که محرم در محاصره قرار نگرفته باشد اما در صورت احصار در جائی که حصر شده هدیهٔ خود را ذبح کند و خود را از احرام حلال سازد چنانچه پیامبرρ و یارانش در صلح حدیبیه انجام دادند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را تکرار کن تا این که شنوندگان آن را حفظ نمایند.

2- شرح جمله را بخوان و معنای آن را برای شنوندگان بیان کن تا این که بفهمند.

3- به ایشان تعلیم ده: که ارکان عمره، احرام، از میقات و هفت مرتبه طواف به خانه و هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه است و یک واجب هم دارد که آن تراشیدن سر یا کوتاه‌نمودن آن است.

4- به آن‌ها تعلیم ده: که مراد از محل همان مکه بوده و حرم تمامش محل است.

5- به آن‌ها تعلیم ده: که شروع در عبادت و بیرون‌شدن از آن پیش از اتمام آن حرامست چه نماز باشد یا روزه، حج باشد یا عمره مگر این که عذر شرعی موجود باشد.

6- به آن‌ها خبر ده: که اخلاص در آغاز عبادت و انجام آن واجب است, چنانچه ذکر شد زیرا خداوند فرموده: ﴿ ﴾ یعنی خاص برای خدا حج و عمره را تمام کنید همچنان که در شرح گذشت.

درس 8: حدیث عمره کفاره گناهان است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلا الْجَنَّةُ.	رسول اکرم ρ فرمودند: عمره تا عمره محوکننده است برای آنچه که در میان آن‌ها از گناه انجام داده و حج مقبول مکافاتی جز بهشت ندارد.

(رواه البخاری)

شرح: قوله ρ: «**الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ**» یعنی عمره کاملی که در برگیرندۀ ارکان، واجبات، و مستحبات است عمره‌ای که فرمانبرداری خدا و شوق و رغبت به مزد و ثواب الهی آن‌ها را وادار به آن کرده باشد چنین عمره ایست که خداوند گناهان بنده را محو می‌کند آن گناهانی که بین زمان عمرۀ اولی و دومی انجام داده. و شکی نیست که گناهان صغیره در دو عمره محو می‌شود اما گناهان کبیره نیازی به توبۀ قطعی دارد که در وقت عمره تصمیم قطعی بگیرد که به سوی گناه کبیره بازنگردد و بر آنچه گذشته پشیمان باشد و از خداوند آمرزش بخواهد و قوله «**وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلا الْجَنَّةُ**»، در این گفته رسول الله بشارت بزرگی است برای کسانی که حج می‌کنند و در آن عمل نیک انجام داده و از گناهان پاکی می‌جویند که بهشت جایگاه آن‌هاست و نیست چیزی ارزشمندتر از بهشت چون که سرای سلامتی و جایگاه نیکوکاران است و در آن نعمت‌های دائمی است که حد و حصری ندارد و بزرگتر از همه نعمت‌ها, رضای خدا متعال و جوار کریمش هست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا این که اکثر شنوندگان یا همه آن را حفظ کنند.

2-شرح جمله را بخوان و معنای مقصود از آن را بیان کن.

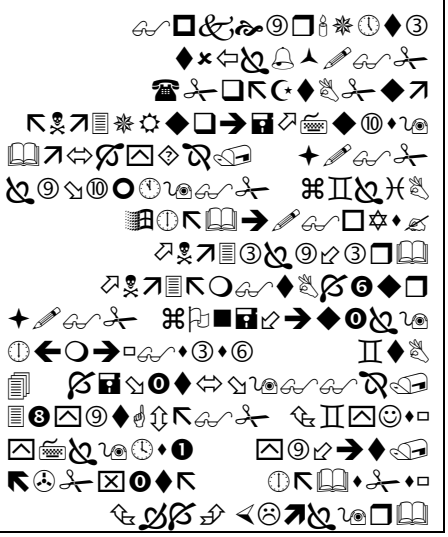
3-به ایشان تعلیم ده: که عمره زیارت بیت الله و طواف آن و سعی بین صفا و مروه و بعد، حلال‌شدن است به تراشیدن سر یا کوتاه‌نمودن، و زن فقط موهایش را کوتاه کند.

4-به آن‌ها خبر ده: که عمره گاهی مقارن با حج است و گاهی قبل از حج انجام می‌شود و چون از عمره فارغ شد برای حج احرام بندد و این همان تمتع عمره با حج است و بر صاحب آن ذبح گوسفندی است یا با شش نفر دیگر در گاو و یا شتری شریک شود و اگر استطاعت این را نداشت پس سه روز در حج روزه بگیرد و هفت روز دیگر وقتی که به خانه برگشت و بهترین اقسام حج این است که بعد از ادای عمره به شهر خود برگردد بعد از آن چون ماه حج داخل شد برای حج مفرد احرام ببندد.

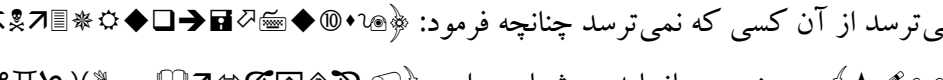
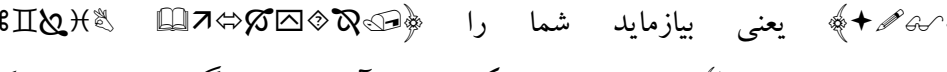
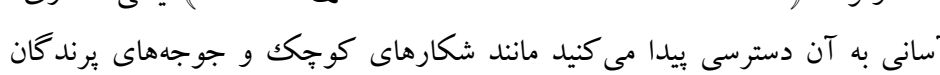
5-به آن‌ها تعلیم ده: که مکه شهر محترم خدا است و معصیت در آن خیلی زشت است پس باید بنده پرهیز کند از این که در آنجا مرتکب صغیره یا کبیره شود و حتی ارادهٔ گناه هم نکند چنانجه خدای متعال می‌فرماید: ﴿ۚ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۭ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ﴾ (الحج: 25). «و هر که خواسته باشد از روی ستمکاری در آنجا کجروی نماید، عذاب دردناکی به او می‌چشانیم».

6-به ایشان تعلیم ده: که دو رکعت نماز بعد از هر طواف مشروعست اگرچه طواف را ده مرتبه تکرار نماید باید بعد از هر طواف دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم بخواند چنانچه پروردگار متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗاۖ وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾ (البقره: 125) «بگیرید از جای قدم ابراهیم نمازگاهی». و این سنت ایست که رسول الله ρ آن را انجام داده اند.

درس 9: آیهٔ شکار در حال احرام

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(94) ای آن کسانی که ایمان آورده اید همانا می‌آزماید شما را خدا به چیزی از شکاری که می‌رسد به آن دست‌ها و نیزه‌های شما تا بداند خدا آن را که غائبانه از وی می‌ترسد پس هرکه تجاوز کند بعد از این او را است عذاب دردناک.

[المائده: 94]

شرح: قوله تعالی:  : این ندای خدای سبحان است برای بنده‌گان مؤمن که ایشان را به آن امتحانی که می‌خواهد انجام دهد خبر می‌دهد تا خدا جدا کند کسی را که در نهان از او می‌ترسد از آن کسی که نمی‌ترسد چنانچه فرمود:  یعنی بیازماید شما را  به چیزی از شکار مانند آهوها و خرگوش‌ها و غیره که احرامدارانی که عازم مکه اند و قصد حج و عمره را دارند در حال احرام به شکار برخورد می‌کنند وقوله:  یعنی شکاری که به آسانی به آن دسترسی پیدا می‌کنید مانند شکارهای کوچک و جوجه‌های پرندگان و تخم‌پرنده‌گان  یعنی می‌رسد به آن تیرهای شما و این مانند

آهو و خران وحشی و گاو وحشی و قوله تعالی: ﴿ ✦ تا این که بداند خدا آن کسی که در نهان از خدا می‌ترسد از آن کسی که نمی‌ترسد پس کسی که از خدا می‌ترسد اگر قدرت بر شکار پیدا کند آن را ترک می‌کند، اما کسی که نمی‌ترسد و به شکار می‌پردازد نتیجهٔ آن عذاب دردناکی است که طبق وعده خدای متعال به او می‌رسد و قوله: ﴿ یعنی کسی که شکار کند بعد از آن که خدای متعال شکار را بر احرام‌دار حرام کرده پس جزای آن عذاب دردناک است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان و شنونده‌ها هم با تو آهسته تکرار کنند تا این که حفظ نمایند.

2- شرحش را جمله جمله بخوان و معانی جمله‌ها را جداگانه بیان کن تا این که بفهمند.

3- به آن‌ها تعلیم بده: که خداوند متعال مؤمنین را به حرمت شکار برای محرم و در حرم امتحان می‌کند همچنانچه بنی اسرائیل را به حرمت شکار ماهی در روز شنبه آزمایش نمود پس در دستور پروردگار حیله کردند و شکار کردند پس خداوند Ψ آن‌ها را منع کرد و به صورت بوزینه‌ها و خوک‌ها درآمدند و اما امت محمد ρ از دستور خدا سرپیچی نکردند و شکار نکردند، خداوند ایشان را از عذاب دردناک نجات داد.

﴿ (المائده: 95). «و هر کس از شما به‌عمد شکار را بکشد، باید همانند آن کفاره‌ای از جنس چارپایان بدهد؛ بدین ترتیب که دو شخص عادل، به (همانند بودن) آن حکم کنند».

4- کسی که در حال احرام شکار می‌کند جزاء بر او واجب می‌شود البته جزائی که دو شخص عادل از مسلمانان تعیین کنند شتر مرغ با شتر و گاو وحشی با گاو اهلی

مشابهت دارد و آهو مشابه به بُز است و کسی که بر او چیزی از آنچه ذکر شد واجب شود مخیر است اگر می‌خواهد آن را به مکه ببرد و صدقه کند. و یا به پول آن طعامی بخرد و تمام آن را صدقه کند و اگر می‌خواهد عوض هر نصف صاعی یک روز روزه بگیرد. چون خداوند می‌فرماید: ﴿  (المائدة: 95). «یعنی هدیه رسیده به کعبه یا کفارة خوراک مسکینان یا برابر آن روزه».

درس 10: حدیث کشتن پنج حیوان در حرم مجاز است

قوله صلی الله علیه وسلم: خَمْسٌ يُقْتَلْنَ فِي الْحِلِّ وَالْحَرَمِ: الْحَيَّةُ وَالْعَقْرَبُ، وَالْغُرَابُ الابقع وَالْفَأْرَةُ، وَالْكَلْبُ الْعَقُورُ، وَالْحِدَأَةُ.	رسول اکرم ρ فرمودند: پنج تا از حیوانات است که در حل و حرم کشته می‌شوند مار و کژدم و زاغ دشتی (که زیر شکم او سفید است) و موش و سگ گزنده و شینک».

(رواه مسلم)

شرح: قوله ρ: خمس یعنی پنج جنبنده یا حیوان که در حدیث ذکر شده است. وقوله یقتلن فی الحل والحرم یعنی کشتن آن‌ها جائز است هم در زمین حل و شهرها و هم در حرم مکه که حدود آن معلوم است و پنج چیز یاد شده «**الْحَيَّةُ**» مار است که برای آن افعی و اژدها و کبچه که قسمی از مارها است گفته می‌شود و العقرب کژدم و این هم جنبنده‌ای که دارای سم‌کشنده است «**وَالْغُرَابُ الابقع**» و این یکنوع زاغی است که بعضی از پرهایش سیاه و بعضی سفید است «**والفارة**» موش که طبعاً مؤذی است و طعام خانه را فاسد می‌سازد و گاهی فرش خانه را می‌سوزاند (یا با دندانهایش آنها را سوراخ می‌کند) «**وَالْكَلْبُ الْعَقُورُ**» و این آن سگی است که انسان و حیوان را می‌گزد «**وَالْحِدَأَةُ**» شینک این پرندهٔ معروفیست که پرنده‌گان و مرغان را می‌رباید و علت اجازهٔ این پنج چیز, ایذا رساندن آن‌ها است لذا اگر حیوان دیگری مانند این‌ها موذی باشد کشتن آن در حل و حرم اشکالی ندارد محرم و غیر محرم می‌تواند آن را بکشد.

ارشادات برای مربی:

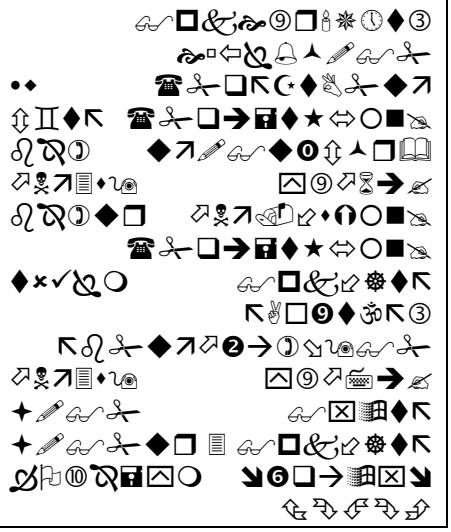
1- حدیث را بخوان و قرائت آن را تکرار کن تا این که اکثر شنونده‌گان حفظ کنند.

2- شرحش را بخوان و معنای هر جمله را واضح کن تا شنونده‌گان بفهمند.

3-آن‌ها را آگاه کن: که به غیر از این پنج چیز که ذکر شد و آنچه که در حکم‌شان است برای محرم‌کشتن آن‌ها حلال نیست و اگر کشت جزاء بر او واجب می‌شود اما غیر محرم آزاد است مگر این که در حرم باشد و در حرم برای غیر محرم هم کشتن غیر این‌ها جایز نیست چرا که پیامبر ρ در حدیث صحیح فرمودند: «همانا این شهر را خدا از روز پیدایش آسمان‌ها و زمین حرام فرموده پس این شهر به تحریم خداوند تا به روز قیامت محترم است شکار آن کشته نمی‌شود درخت آن قطع نمی‌شود و گیاه آن کنده نمی‌شود».

4-به ایشان پند بده: که هرچیزی که به بنده‌گان خدا اذیت برساند حرمت و احترامی ندارد خواه انسانی باشد یا حیوانی لذا کسی که در حرم می‌جنگد با او جنگ می‌شود و در حرم کشته می‌شود و هیچ حرمتی ندارد.

درس 11: آیهٔ سؤال زیاد سبب دشواری می‌شود

قوله سبحانه تعالی:	فرمودهٔ خداوند پاک:
	(101) ای مؤمنان! نپرسید از چیزهائی که اگر فاش شود برای شما بد آید شما را و اگر بپرسید از آن‌ها هنگامی که فرود آید قرآن فاش شود برای شما درگذشت خدا از آن‌ها و خدا آمرزنده و مهربان است.

[المائده: 101]

شرح: خداوند بندگان مؤمن خود را ندا می‌کند تا آن‌ها را بازدارد از پرسیدن امور پوشیده که اگر فاش شود مضر باشد و او تعالی ضررشان را نمی‌خواهد چرا که او مربی و مولای‌شان است شکی نیست وقتی که قرآن نازل می‌شد شاید آنچه سؤال می‌کردند بیان می‌شد و بدانچه امر یا نهی می‌شدند به مشقت می‌افتادند و غمگین می‌شدند. همین معنی را این فرمودهٔ پیامبر اکرم ρ تفسیر می‌کند وقتی که پیامبر ρ فرمودند: ای مردم, خدا بر شما حج را فرض نموده پس حج کنید، کسی سؤال کرد ای رسول خدا ایا در هرسال حج کنیم؟ پیامبر ρ سکوت کردند: و تا سه مرتبه سؤال کرد آخر پیامبرρ فرمودند: که اگر می‌گفتم: آری، حج واجب می‌شد این معنای فرمودهٔ خداوند است  اگر بپرسید هنگامی که فرود آید قرآن فاش شود برای شما یعنی اگر بعد از

نزول امر و نهی یا خیر، سؤال کنید، فاش می‌شود و خدا و رسول او بیان می‌کند قوله ﴿ ﴾ یعنی خدا سکوت کرد و از آن‌ها ذکر نکرد و از پیامبرρ در حدیث حسنی روایت شده که فرمودند: خداوند از بسیاری چیزهای بجهت رحمت سکوت می‌کند نه این که فراموش کند پس شما از پیامبر نه پرسید و قوله: ﴿ ﴾ یکی از مظاهر حلم خداوند این است که خدا شما را مؤاخذه نمی‌کند، بلکه شما را مورد عفو و گذشت قرار داده است.

ارشادات برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن تا این که شنوندگان حفظ کنند و آن‌ها را راهنمائی کن تا هرکدام یک آیه یا دو آیه این درس‌ها را حفظ کنند و در نماز بخوانند که فراموش نکنند.

2- آن‌ها را از زیاده‌روی و غلو در مسائل بترسان چونکه این آیه برای نهی از سؤال و بیم‌دادن از آن نازل شده لذا مؤمن سؤال نمی‌کند مگر از آنچیزی که احتیاجی به شناختنش دارد و یا چیزی که برای اصلاح دین و یا دنیایش باشد.

3- ایشان را پند بده به حلم خدا و الفت و مهربانی او بر بندگان تا این که خدا را یاد کنند و شکر نمایند.

4- آن‌ها را نصیحت کن: به این فرمودهٔ پیامبر ρ «که از حسن اسلام شخص، ترک‌نمودن چیزهای بیهوده است». لذا کسی که شناخت که ترک کارهای بیهوده از علامات حسن اسلام او است از مشغول‌شدن به سخن و عمل بیهوده می‌پرهیزد چون سخن و عملی که به آیندهٔ او سعادت نمی‌بخشد و عاقبت خیری در زندگی او نداشته باشد، ترک آن بهتر است.

درس 12: حدیث خداوند سه چیز را حرام کرده

قوله صلی الله علیه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الأُمَّهَاتِ، وَوَأْدَ الْبَنَاتِ، وَمَنَعَ وَهَاتِ، وَكَرِهَ لَكُمْ ثلاثً قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ».	رسول خدا ρ فرمودند: که خداوند بر شما حرام کرده است آزار پدر و مادر و به گورکردن دختران و منع آنچه بر شما واجب است و طلب آنچه که از شما نیست و نمی‌پسندد برای شما سه چیز را قیل و قال و کثرت سؤال و ضایع‌کردن مال را.

(رواه البخاری)

شرح: قوله ρ: «**إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ**»: یعنی حرام نموده خدا بر بنده‌گان مؤمن خود و تحریم به معنی منع و عدم ارتکاب چیز حرام است و در اینجا سه چیز از محرمات سخت را یاد نموده چرا که هریک از این‌ها از گناهان کبیره است پس اول عقوق والدین یعنی نارضایی پدر و مادر است ولی مادران را تنها ذکر کرد، چون که حقوق‌شان از حقوق پدران بیشتر است وگرنه در حرمت عاق‌بودن، پدر مثل مادر است. دوم «**وَوَأْدَ الْبَنَاتِ**» یعنی کشتن دختران. چون عرب دختر را برای خود ننگ می‌دانستند لذا روزی که از شکم مادر متولد می‌شد او را زنده به گور می‌کردند مانند امروز که زنده در شکم مادر می‌کشند به وسیلهٔ اسقاط جنین و بعضی مادران به گفتهٔ دکتران مخصوص سقط جنین می‌کنند. سوم چیزی که از بدترین اخلاق و منافی فاضئل انسانی است آن است که حقوق صاحبان حق را نمی‌دهد و از دیگران چیزی می‌خواهد که حقش نیست. وقوله «**وَكَرِهَ لَكُمْ ثلاثً**» کراهت در اینجا پائین‌تر از درجه حرام است ولی کراهت آن سخت است چرا که در این خصلت‌ها ضرر و فساد جامعه است. اول «**قِيلَ وَقَالَ**». گفتگوی زیاد به این که چیزهای را خبر بدهد که آن را نمی‌داند و به انجام آن یقین ندارد و می‌گوید: اینچنین گفته شده و آنچنان گفتند یا فلانی اینطور گفته شک

نیست که چنین گفته‌ها باعث فساد و زیان جامعه است. دوم کثرة سؤال زیاد و این، شامل سؤال مال و متاع و سؤال‌های بیهوده از مسائل علمی که دانستن آن نفعی ندارد. سوم «**إِضَاعَةَ الْمَالِ**» ضایع کردن مال به اسراف و ویل خرجی و انفاق آن در جائی که حلال نیست.

ارشادات برای مربی:

1- حدیث را بخوان و آن را تکرار کن تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و بر هر جمله توقف کن و معنای آن را بیان کن تا این که بفهمند.

3- آن‌ها را پند بده که در انجام فعل حرام گناه بزرگ است و در ترک مکروه خیر بسیار.

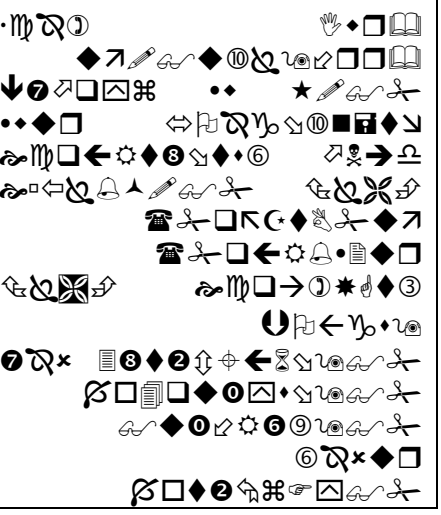
4- به آن‌ها پند بده: کسی که عاق والدین است تا مادامی که توبه نکند و بازنگردد به بهشت داخل نمی‌شود.

5- آن‌ها را پند بده: به این فرمودهٔ پروردگار﴿  (التکویر: 8 ـ 9).

«آنگاه از دختر زنده بگور شده سؤال می‌شود که به چه گناهی کشته شده است».

6- آن‌ها را خبردار کن: که کسی که گفتگو زیاد می‌کند از افتادن در دروغ، سالم نمی‌ماند و کثرت سؤال انسان را به بغض و بی‌احترامی می‌کشاند همچنانکه اسراف و ویل خرجی انسان را به فقر و ناداری می‌کشاند.

درس 13: آیهٔ اولیاء خداترس و اندوه ندارند

قوله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خداوند پاک:
	(62) آگاه باش همانا دوستان خدا نیست بر ایشان بیمی و نه ایشان اندوهگین می‌شوند (63) آنان که ایمان آوردند و بودند پرهیز می‌کردند ایشان راست بشارت در زندگانی دنیا و در آخرت.

[یونس: 62 – 63]

شرح: قوله سبحانه وتعالی:  خبری از جانب پروردگار است خبری تأکید شده به دو حرف یکی ألا که برای استفهام و تنبیه است دوم إن تأکیدیه و اولیای خدا کسانی اند: که خدا از ایشان ترس و اندوه را نفی نموده که به ایشان ترس و اندوهی نمی‌رسد نه در دنیا و نه در برزخ «قبر تا روز حشر» و نه در روز قیامت و ایشان مؤمنان پرهیزگاراند که به ربوبیت خدا عقیده داشته پروردگار دیگری جز او نگرفتند و به تمام آنچه پروردگار امر نموده ایمان دارند. به کتاب‌ها پیامبران و زندگی پس از مرگ و جزا و قضا و قدر همگی یقین کامل دارند و از خدا می‌ترسند و از اوامر و منهیات او از اعتقادت و اندیشه ها گفتارها رفتارها صفت‌ها ی وی پیروی می‌کنند قوله تعالی  (یونس: 64).

«برایشان در زندگی دنیا و آخرت، بشارت است». حضرت پیامبر ρ بشارت د ر زندگانی دنیا را به خوب نیک که مؤمن برای خود می‌بیند یا دیگری برایش می‌بیند, تفسیر کردند. و فرشتگان در حال احتضار ایشان را به بهشت بشارت می‌دهند چنانچه خداوند Ψ در (سورهٔ «فصلت» آیهٔ: 30) می‌فرماید:  « همانا آنان که گفتند: پروردگار ما خدا است بعد از آن استقامت ورزیدند فرشتگان برایشان فرود می‌آیند که نترسید و اندوهگین نباشید و مژده باد شما را به بهشتی که وعده داده شدید».

ارشادات برای مربی:

1- هردو آیه را به ترتیل بخوان و تکرار کن تا این که اکثر شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه پوشیده است معنای آن را واضح کن تا شنوندگان بفهمند.

3- نفی خوف و ترس نسبی است چرا که اگر دوست خدا ترس و اندوه دارد این ترس و اندوه او نسبت به ترس و اندوه دشمنان خدا و اهل شرک و گناه چیزی نیست چونکه دوست خدا اظهار غم و اندوه نمی‌کند دوست خدا خوش برخورد و خوش کلام است و همیشه در جستجوی کار پسندیده و سخن حق و قبول آنست.

4- به ایشان پند بده: که اولیاء خدا منزلت بلند و کرامت بزرگی دارند پس کسی حق ندارد که به ایشان تعرض به بدی کند چنانچه خداوند در حدیث قدسی فرموده: که در روایت بخاری است: «کسی که با دوست من دشمنی کند با او اعلان جنگ نمودم و کسی که خدا با او اعلان جنگ کند در دنیا و آخرت زیان کرده».

14: حدیث دشمنی با دوست خدا

قول الرسول صلی الله علیه وسلم فیما یرویه عن ربه عز وجل: «**مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَلاَ يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ**».	پیامبر خدا ρ از خداوند بزرگ روایت می‌کند، هرکه با دوست من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم و بنده‌ام به چیزی نزدیکی به من نکرده بهتر از آنچه بر او فرض کرده‌ام، و همیشه بنده‌ام به عبادات نافله به من نزدیکی می‌کند تا این که او را دوست می‌گیرم.

(رواه البخاری)

شرح: گفته پیامبرρ: «**فیما یرویه عن ربه**» اشاره به این است که این حدیث قدسی است که بخاری از ابی هریره τ از پیامبر ρ روایت می‌کند که خداوند می‌فرماید و این آیه قرآنی نیست، بلکه پیامبرρ توسط جبرئیل دریافت کرده یا در قلبش القاء شده و آن را حفظ کرده و بعد بیان نموده است، و گفتهٔ پیامبر: «**من عادی لی ولیاً**»: یعنی کسی که اذیت کند دوست خدا را و با او از در ستیز وارد شود یا بغض او را در دل داشته باشد و مراد از ولی, مؤمن پرهیزگار است. زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿🕮❒⬧☝ ☽♍⧅·
🕮❒❒⬃⧅⑩⧅◆✐⧅◆ ✂⧅✐★ ◆◆ ⌘⊠❑⬀➐⬇
⬂◆⬛◆⑩⬂♑⧅⚐⬄ ❒◆◆ ♎➔☠⬀ ⑥◆♦⬂➑◆☼⬅❑♍⧅ ⬀⌘⧅⬅
✂⧅✐▲⬒⬄▫⧅ ◿✐◆✂⧅◆☪⬉❑✂☎ ❒◆🗎◆⬒☼⬅❑✂☎
③◆☝✹☽➔❑♍⧅ ⬀⧅⬅﴾ (یونس: 62 – 63). «بدانید که بر دوستان پروردگار هیچ ترس و هراسی نیست و آنان غمگین نمی‌شوند. آنان که ایمان آوردند و تقوا و پرهیزکاری پیشه می‌کردند».

و گفتهٔ پیامبر: «**آذنته بالحرب**»: «یعنی با او اعلام جنگ می‌کنم» وای به حال کسی که خدا با او می‌جنگد، زیرا او در دنیا و آخرت به تمام معنی زیان کرده است، و گفته پیامبر ρ:

«**وما تقرب إلی عبدي**»: نزدیکی نکرده به من بنده‌ام به چیزی از اندیشه‌ها و اعتقادها و گفتارها و کردارها از عباداتی که خداوند جهت تزکیه بندگان خود مشروع و مشخص نموده تا در روز قیامت شایسته دخول جنت گردند. و گفته پیامبرρ : «**أحب إلی مما افترضته**»: یعنی بهتر از نمازهای فرض، زکات، روزه، حج، جهاد و نگهبانی در راه خدا، و گفتهٔ خداوند Ψ «**حتی احبه**»: تا این که او را دوست می‌دارم و این نتیجه کار شخص نفل گذار است و این بزرگترین پاداش است که همانا محبت خداست چون کسی که خدا او را دوست دارد مورد اعزاز و اکرام خدا قرار گرفته و در دنیا و آخرت سعادتمند می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را چند بار تکرار کن تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-حدیث را جمله جمله بخوان و معنای جمله‌ها و کلمه‌ها را بیان کن تا شنوندگان بفهمند.

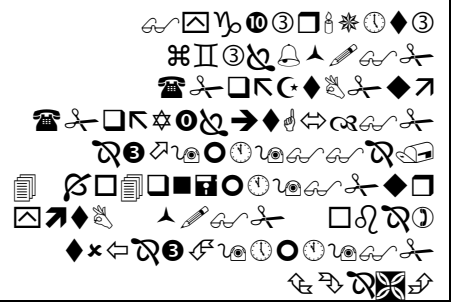
3-به آن‌ها اعلام کن: که حدیث قدسی کلام خداست و لکن جزء قرآن نیست تا در نماز خوانده شود.

4-آن‌ها را از گناه کسی که به دوستان خدا یعنی مؤمنین و مؤمنات (مردان مؤمن وزنان مؤمن) پرهیزگار آزار می‌رساند، چه آزار زبانی از قبیل غیبت، عیب‌جویی و دشنام‌دادن و چه آزار دست مانند زدن و غیره آگاه کن.

5-آن‌ها را از فضیلت ایمان و تقوی و برتری فرایض بر نوافل خبر ده.

6-به آن‌ها تعلیم ده: کسی که فرایض را اداء می‌کند و با انجام نوافل به خدا تقرب می‌جوید در حقیقت به عالی‌ترین هدف رسیده که همانا محبت خدا است و نشانهٔ محبت خدا بنده را آنست که چون صبح از خواب بلند شود به نافرمانی خدا و رسولش آلوده نشود.

درس 15: آیهٔ استعانت به صبر و نماز

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(153) ای مؤمنان کمک جوئید به صبر و نماز, همانا خداوند با صبرکنندگان است.

[بقره: 153]

شرح:   : ای مؤمنان، این ندائیست از نداهای قرآنکریم که خدای رحمان بندگان مؤمن خود را به آن می‌خواند و در این نداء تشریف و اکرام است برای مؤمنان و چون مؤمنان از نعمت ایمان به خدا و رسولش برخوردار شدند به ندای خدای رحمان رستگار شدند و هرگاه خدا مؤمنان را ندا کرده آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد به آن‌ها خبر می‌دهد یا امر می‌کند یا از چیزی نهی می‌کند برای اینست که آن‌ها به تکامل رسیده و سعادتمند گردند و در این آیه خداوند مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد و به ایشان دستور می‌دهد تا به صبر یاری جویند، زیرا صبر کلید پیروزی است و انسان را به درجات بلند نیکان می‌رساند همچنانکه ایشان را دستور نماز داده, چون نماز نور و چراغ زندگی است و هدایت بدون نور نیست و چون مؤمنان به تکالیف و کار و بار زندگی مشغولند و گاهی فتنه اموال و اولاد دامنگیرشان می‌شود خداوند می‌فرماید:     (التغابن: 15). «یعنی همانا مال‌ها و فرزندان شما فتنه است و پاداش بزرگ نزد خدا است». و همیشه مؤمنان نیاز مبرمی به یاری خداوند بزرگ دارند،

لذا خدای دانا ایشان را به چیزی راهنمایی می‌کند که از آن کمک بخواهند که همانا صبر و نماز است، صبر بر چند نوع است: 1- وادارکردن نفس برخلاف میلش. 2- عادت‌دادن نفس بر انجام طاعات که ترک نشود. 3- بازداشتن نفس از ارتکاب گناهان. 4- صبر در مصیبت که در وقت مصیبت از خود حوصله نشان دهد، داد و فریاد نزند و به قضای خدا راضی و تسلیم باشد. اما نماز چه فرض باشد و چه نفل روح آن خشوع و توجه عمیق به خداوند است، لذا حضرت پیامبرρ هرگاه دچار غم و اندوهی می‌شدند به نماز پناه می‌بردند، روایت شده که عبدالله بن عمر ب در مسافرتی که روانه مدینه بود به او خبر دادند که همسرش فوت نموده، چون ایشان این خبر را می‌شنوند از شتر خود پیاده می‌شوند و شروع به نمازخواندن می‌کنند و می‌گوید: که هرگاه به حضرت پیامبر ρ مصیبتی می‌رسید به نماز متوسل می‌شدند و خداوند به او دستور داده ﴿ ❒◆✌♉⌘ ✃✍♐♋⬆⓿⬁⬂⬀ ⬧⬥♦⬥♑⬦⬥ ☼♦✍⬧♓ ⬦♓✕⊙⑨⇧ ⬦♋❍♉⊙ ☼◆✍⬩♉⬥ ♓♐✍♋ ⬧♑⬥⬦⬥ ♍⬆♋⬥ ⌨⬆♍⬥﴾ (الإسراء: 79). «و بعضی از شب را پس بیدار باش که عمل زیاده بر واجب، ویژه‌ی توست».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت فوق را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح فوق را با بیان هر جمله جدا، جدا بخوان تا شنوندگان مراد شرح را بفهمند.

3- به آن‌ها تذکر ده که خداوند در آیهٔ فوق بندگان مؤمن خود را مخاطب قرار داده تا محبت و فرمانبرداری ایشان بیشتر شود.

4- آن‌ها را از عظمت صبر و پاداش بی‌پایان آگاه کن: چون خداوند می‌فرماید: ﴿☽♑☼✵☺⍓✍ ③⇖❑◆×✸❼ ✃✍♐♋⊙❍⊙♐✌❸⬅❒♌♦ ⬀✌✍✍⬄ ✍♐✍⇔◆❷⬁❸♑ ❍♋❍❁✍♐✌ ⬀✌⬄✍ ✍❒♉⇧❷◆♎➔☠ ✍♑⇔◆❷⬁❸♑ ⬂⬄♐⬀⬂﴾ (الزمر: 10). «جز این نیست که افراد صبور و شکیبا، پاداش خویش را به تمام و کمال و بی شمار دریافت می کنند».

5-به آن‌ها تذکر ده که نماز دارای اهمیت زیادی است و قوی‌ترین رابطه ایست که بنده را به خداوند پیوند می‌دهد و مؤمن را از ارتکاب منکرات و زشتی‌ها بازمی‌دارد زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾ (العنکبوت: 45). «همانا نماز از زشتی‌ها و بدی‌ها بازمی‌دارد».

درس 16: حدیث کار مؤمن همه خیر است

قوله صلى الله عليه وسلم في رواية مسلم في صحيحه: «عَجَباً لأمْرِ المُؤمنِ، إنَّ أمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خيرٌ، ولَيسَ ذلِكَ لأَحَدٍ إلاَّ للمُؤْمِنِ، إنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ فَكانَ خَيراً لَهُ، وإنْ أصَابَتْهُ ضرَاءُ صَبَرَ فَكانَ خَيْراً لَهُ.	امام مسلم از رسول خدا ρ روایت کرده که فرمودند: شگفتا به کار مسلمان که همه‌اش خیر است و این افتخار به جز مسلمان نصیب دیگری نمی‌شود اگر به وی آسایش برسد شکر می‌کند و این برایش خیر است و اگر به او سختی و آزاری برسد صبر می‌کند و این هم خیر است.

شرح: فرمودهٔ رسول الله ρ: «**عَجَباً لأمْرِ المُؤمنِ**» عجب وتعجب برای شگفتی کاری توأم با خوشوقتی گفته می‌شود و حال مؤمن کامل الایمان و صادق چنین است. اما مؤمن ناقص الایمان این کمالات را که در حدیث وارد شده درنمی‌یابد و قوله ρ «**إنَّ أمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خيرٌ**» مراد از امر مؤمن همان حال او است همه حالات او خیر است و قوله «**ولَيسَ ذلِكَ لأَحَدٍ إلاَّ للمُؤْمِنِ**» یعنی این خیریت تمام احوال، جز برای مؤمن میسر نمی‌شود و غیر مؤمن چنین خیریتی ندارد چون وقتی که به او خیری می‌رسد منع می‌کند و وقتی که به او مصیبتی می‌رسد جزع و فزع می‌کند وقوله ρ «**إنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ**» یعنی وقتی که به او نعمتی و آسایشی می‌رسد خدا را ستایش می‌کند و سپاسگزار نعمت او است و این نعمت برای او خیر است وقوله ρ «**وإنْ أصَابَتْهُ ضرَاءُ**» یعنی اگر ضرری مانند مرض و احتیاجی یا رنج و مشقت یا آزاری به او برسد صبر می‌کند جزع و فزع نمی‌کند و ناراحت نمی‌شود این ضرر نیز برای او خیر است. چون در مقابل، مُزد بزرگ را دریافت کرده و درجه‌اش در نزد خدای متعال بلندتر می‌گردد و کافی است برای او که در شمار صابرین و شاکرین قرار گیرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن و سامعین هم با تو تکرار کنند تا این که بدانی که آن را حفظ کردند.

2- حدیث را با آرامش و جمله جمله بخوان و کوشش کن تا معنی به فهم شنوندگان برسد.

3- ایشان را به فضیلت ایمان و اهل آن پند ده چون رستگاری آن کسی که پیامبر ρ در حدیث بیان کردند به ایمان و تقوی بوده است.

4- ایشان را به شکر تذکر ده و بیان کن که شکر، ستایش خدا و خرج‌نمودن نعمت است در راه رضای او تعالی.

5- آن‌ها را به مواضع سه‌گانهٔ صبر تذکر ده: که آن عبارت است از: 1- صبر بر طاعت. 2- صبر از معصیت. 3- صبر بر قضا و قدر.

1- صبر بر طاعت پای‌بندی بر آن است. 2- صبر از معصیت دوری از آن است. 3- صبر بر قضاء, عدم جزع و فزع و ناراحتی است از آنچه به او می‌رسد.

درس 17: آیهٔ توبه نصوح کنید

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(8) ای آن کسانی که ایمان آوردید! بازگردید به سوی خدا بازگشت خالص امید است که پروردگار شما محو کند از شما بدی‌های شما را و درآورد شما را به باغ‌های که جاری است از زیر آن جوی‌ها.

[تحریم: 8]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  این ندای خداوند بزرگ است برای بندگان مؤمن که ایشان را به عنوان مؤمن یاد می‌کند چه مؤمن به حیات معنوی زنده است که می‌شنود و می‌بیند و تفکر می‌نماید و همانا خود را در اجرای دستورات و امر و نهی خداوندی مکلف می‌بیند به خلاف کافر که مانند مرده است نمی‌شنود و نمی‌بیند و عقل خدائی ندارد لذا خدا او را ندا نمی‌کند و مکلف نمی‌سازد تا این که ایمان بیاورد و زنده شود و قوت بر اطاعت از تکلیف پیدا کند قوله تعالی:  این چیزی است که خدا به جهت آن ندا کرده است هدف این ندا آنست که به سوی خدا بازگردند تا سعادتمند شده و در دنیا و آخرت تکامل یابند و قوله تعالی:  یعنی توبهٔ که دوباره به آن گناه بازنگردد چون کسی که توبه می‌کند سپس به گناه عود می‌کند مانند کسی است که غسل می‌کند و خوشبوئی می‌زند سپس در لجنزار نجاست و کثافات غوطه می‌زند و آلوده می‌شود قوله تعالی: 

﴿ عسی از جانب خدا فایدهٔ تحقیق را می‌بخشد چرا که محوساختن گناهان امر متحقق است و همچنین ورود ایشان به بهشت که از زیر درخت‌های آن جوی‌ها جاری است امر ثابت و متحققی است زیرا که این، پاداش توبه خالص‌شان است آن توبه که ایشان را از گناه شسته و ایشان را شایسته ورود در دارالسلام «بهشت» و نعمت گردانیده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را با تجوید بخوان و تکرار کن و شنوندگان هم آهسته تکرار کنند تا این که اکثرشان حفظ کنند.

2- شرح را آهسته و جمله جمله بخوان و شرح کن و معنا را توضیح ده تا این که بفهمند.

3- آن‌ها را به واجب‌بودن توبه تذکر ده که از هر گناه صغیره و کبیره توبهٔ فوری لازم است.

4- به ایشان تعلیم ده: که مخالفت امر خدا و رسول به نفس آسیب می‌رساند لذا سیئه را سیئه می‌گویند و جمعش سیئات است و آسیب گناهان به نفس آنست که نفس را تاریک کرده و پلید می‌سازد.

5- آن‌ها را از نعمت‌های جنت و نهرهای آن که نهرهای آب و شیر و عسل و شراب است آگاه کن: چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿ ☎ ﴾ (محمد: 15). «مثال بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، (چنین است که) در آن جویبارهایی است که مزه و رنگ آبش تغییر نکرده و نیز جویبارهایی از شیر که مزه اش دگرگون نشده و نهرها و جویبارهایی از

می و شراب لذت‌بخش برای نوشندگان، در آن وجود دارد و (نیز) جویبارهایی از عسل ناب».

درس 18: حدیث توبه و استغفار در روز صدبار

قوله صلى الله عليه وسلم في رواية مسلم: أَيُّهَا النَّاسُ، تُوبُوا إِلَى اللَّهِ وَاسْتَغْفِرُوا، فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ.	فرموده رسول الله ρ به روایت مسلم: ای مردم بازگردید به سوی پروردگار و طلب آمرزش نمائید همانا من از او در روی صدمرتبه آمرزش می‌طلبم.

شرح: فرموده رسول الله ρ: «**أَيُّهَا النَّاسُ**»: ندای عمومیست که مرد و زن را به طور مساوی شامل می‌شود، و مراد از ناس در این ندا مسلمانان هستند، چه کفار پیش ازین که توبه نمایند باید ایمان بیاورند و به ایمان دعوت شوند. و گفته‌اش: «**تُوبُوا**»: این همان امریست که به خاطر آن مورد خطاب قرار گرفتند، یعنی رجوع کنید و بازآئید به سوی اطاعت خداوند که همانا انجام اوامر او تعالی و ترک نواهی آنست و فرموده‌اش: «**وَاسْتَغْفِرُوا**»: یعنی برای محو گناهان‌تان طلب مغفرت نمائید تا مورد مؤاخذه و گرفت قرار نگیرید. و طلب مغفرت با الفاظ «**استغفر الله یا اللهم اغفر لی ذنبی**» صورت می‌گیرد، ولی استغفار و طلب آمرزش زمانی و در شرایطی سودمند است که شخص مستغفر, دیگر به گناه ادامه ندهد، بلکه نخست گناه را ترک نموده بعد طلب مغفرت نماید. و گفته شده: آن که به زبان استغفار بگوید و در عمل گناه انجام دهد اینچنین شخصی را مستغفر نمی‌توان گفت. بلکه انسانیست که اوامر پروردگار را به تمسخر و استهزاء گرفته است. و گفته‌اش: «**فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ**» منظور از این گفته رسول خدا ρ تشویق و تشجیع امت است بر توبه و رجوع به پروردگار. چنانچه می‌فرمایند: صد بار توبه کنید و هفتاد بار استغفار نمائید. حضرت عبدالله بن عمر τ روایت می‌کند که ما در یک مجلس برمی‌شمردیم که رسول الله ρ صد مرتبه می‌فرمودند: «**رب اغفرلي وتُب علی أنک أنت التواب الرحیم**»: «پروردگارا مرا مغفرت کن و توبه‌ام را بپذیر. همانا تو توبه‌پذیر و مهربان هستی». و این استغفار رسول ρ از کمال معرفت رسول الله ρ به پروردگارشان بوده است، ورنه رسول الله ρ معصوم بوده اند که هیچگاه گناه و لغزشی متوجهٔ

حال‌شان نمی‌شد، ولی به سبب معرفتی که به عظمت پروردگار خویش داشتند میل و رغبت زیادی به توبه و استغفارا براز می‌فرمودند. پس رحمت و درود خدا بر آل و اصحاب‌شان باد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

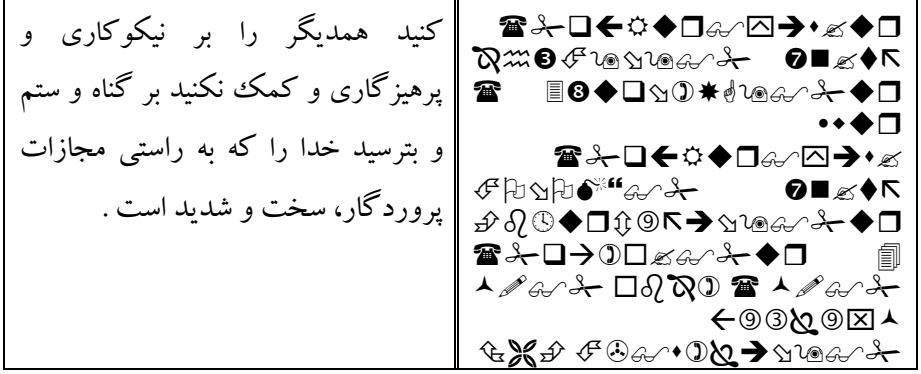
1- حدیث را بخوان و تکرار کن و شنونده‌ها آهسته تکرار نمایند تا اکثریت‌شان آن را حفظ نمایند.

2- آگاه‌شان گردان: توبه دارای چهار شرط است که بدون آن توبه صحت پیدا نمی‌کند. اول: ترک‌نمودن گناه و خودداری از آن. دوم: استغفار و آمرزش خواستن به کلمات «**استغفر الله یا اللهم اغفرلي**». سوم: پشیمانی از گناهانی که پیش از زمان توبه مرتکب شده بوده. چهارم: تصمیم به این که مجدداً به گناه بازنگردد، و اگر گناه ارتباط به انسان دیگری داشته به این صورت که آن را دشنام یا زده بوده یا غیبتش را کرده بود و یا مالش را خورده بود باید از او طلب عفو نماید و یا مالش را به او رد نماید و خود را در اختیار او قرار دهد تا او قصاص خویشتن را اگر خواسته باشد بگیرد.

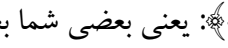
3- توبه لازم و ملزوم استغفار است چه هرگاه بنده بگوید: به سوی خدا توبه نمودم معنایش اینست: که از خداوند مغفرت می‌طلبد همانا رسول الله ρ فرمودند: که من در روزی صد بار توبه می‌کنم یعنی استغفار می‌نمایم، چه در روایت ثابت شده است که آن حضرت ρ در روزی صد بار استغفار می‌کردند.

4- لفظ یوم, در حدیث شب را هم شامل می‌شود آنجا که رسول الله ρ می‌فرمایند: روزی صد بار استغفار، یعنی در یکشبانه روز نه روز تنها.

درس 19: آیهٔ یاری‌کردن به تقوی و نیکی

قول الله Ψ: 	فرموده خدای تعالی جل شانه: (2) کمک کنید همدیگر را بر نیکوکاری و پرهیزگاری و کمک نکنید بر گناه و ستم و بترسید خدا را که به راستی مجازات پروردگار، سخت و شدید است .

[مائده: 2]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: یعنی بعضی شما بعضی دیگر را در کارهای نیک یاری نمائید آن کارهای نیک که تماماً اطاعت خدا و رسول حساب می‌شود و خیر مطلق است و همچنان یکدیگر را بر تقوا یاری نمائید یعنی به انجام اوامر الهی چه اعتقادی باشد و یا عملی و قولی و همچنان ترک کنید همه‌ی آنچه را که از جانب خدا و رسول نهی شده است. تعاون و یاری‌کردن بر تقوا در انجام و اجراکردن امر به معروف و نهی از منکر و توصیه به حق و توصیه به صبر و شکیبایی صورت می‌گیرد به این معنی, که هرگاه مسلمان برادرش را که معروفی را ترک کرده او را وادار به انجام آن می‌کند، یا می‌بیند که منکری را انجام می‌دهد با توصیه او را از عمل به منکر بازمی‌دارد همانا به او در نیکوکاری و تقوا همیاری و همکاری کرده است که در حقیقت او را به حق و صبر توصیه نموده است. و فرموده خدای تعالی: ﴿  ﴾: در این بخش از آیه، خداوند Ψ آن بندگانی را که به همیاری بر تقوا و نیکوکاری امر نموده بود متعاقباً ایشان را از تعاون و همیاری در گناهان یعنی عموم گناهان کبیره، معاصی و فحشا منع می‌کند و

همچنان از ظلم و ستم بر مسلمان و غیر مسلمان، یعنی برای مسلمان جایز نیست که بر معصیت و نافرمانی خدا و رسول و یا به تجاوز و ستمکاری بر انسانی همکاری نماید گرچه با ابراز یک کلمه و یا به اشارهٔ و یا به راضی‌بودنش به انجام گناهی باشد در حالی که خداوند Ψ او را به بیان: ﴿□ ← ﴾: به پرهیزگاری امر نموده و از معصیت خویش برحذر داشته است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آین را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه از معنای آیه پوشیده مانده توضیح نما.

3- برای‌شاد یادآور شو: که انجام کارهای خیر سبب رضائیت و خشنودی مردم می‌شود و با به کارگیری تقوا, رضای خداوند Ψ حاصل می‌شود و آن که رضای خدا و رضای مردم را جمع نماید همانا تمام خیر و سعادت دنیا و آخرت را جمع کرده است.

4- تعلیم‌شان ده: که تعاون و همکاری بر تقوا ضد همیاری بر گناه است لذا فرد مؤمن با برادر مؤمن خویش در امور خیر و طاعات همیاری می‌نماید و در گناهان و محرمات و ظلم همیاری نمی‌کند.

درس 20: حدیث یاری‌رساندن به مجاهد

قول النبي صلى الله عليه وسلم عند البخاري ومسلم: مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا.	فرمودۀ رسول الله ρ: آن که تجهیز کند مجاهدی را در راه خدا همانا جهاد کرده است و آن که رسیدگی و سرپرستی کند خانوادۀ مجاهدی را به نیت خیر همانا جهاد کرده است.

شرح: این حدیث شریف معنی تعاون و همکاریی را که در آیۀ مبارکه: ﴿❐◆✍⬧➔⬀✍◆❐⬄⬄✡⬅❑✄☎ ⬉◆✍■❼ ✄⬄⬄⬄⬄⬄⬄⬄❸⬄⬄ ❐◆✄⬄⬄⬄⬄⬄⬄✸◑⬄❑◆❽⬄﴾ آمده به صورت واضح و روشن بیان می‌کند. و فرموده‌اش: «**مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا**»: یعنی وسایل جهاد و مایحتاج او از قبیل اسلحه، غذا و وسیله سواری را برایش آماده نماید همانا از نگاه اجر و ثواب در جهاد شرکت کرده است و بین او و آن مجاهد فرقی نیست. و این درجات اجر و ثواب را رسول گرامی به بیان فی سبیل الله مقید ساخته اند و این قید و شرطیست که روی آن تأکید شده، چه آن که مجاهدی را به غیر راه خدا یعنی به طمع به دست‌آوردن مال دنیا و یا به جهت ریا و یا به جهت عصبیت و پشتیبانی از قبیله و شهر و دیار خود تجهیز کند برایش اجر و مزد جهاد فی سبیل الله داده نمی‌شود بلکه برایش گناه جهاد غیر راه خدا نوشته می‌شود. (العیاذ بالله) و گفته‌اش: «**مَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ**» یعنی آن که به اهل و اولاد مجاهد فی سبیل الله در غیابش رسیدگی نماید و در محافظت و نفقه‌شان تا زمان بازگشت آن به نیت خیر همت گمارد جزء مجاهدین است و منظور از فرموده رسول الله ρ خیری است که ضد شر است چه آن که به نیت شر و فساد چنین سرپرستی را عهده‌دار شود که به ناموس آن قصد تجاوز داشته یا سبب اذیت فرزندان او گردد و یا به از بین‌بردن و ناقص‌کردن مال او اقدام نماید، سرپرست شریست و

فرموده رسول الله ρ «**فَقَدْ غَزَا**»: یعنی برایش مزد جهاد فی سبیل الله داده می‌شود چه اجر و مزدی که نزد خداوند است از غنائم میدان جنگ، بیشتر و با برکت‌تر است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

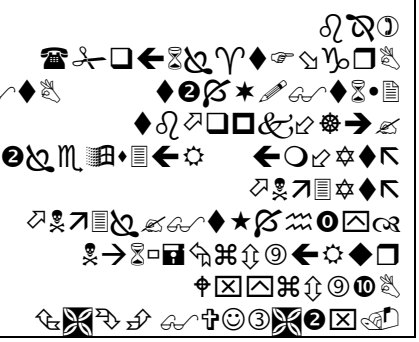
1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا اکثریت شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه فهمش مشکل باشد توضیح نما.

3- ایشان را به فرض‌بودن جهاد آگاه کن گرچه اشتراک در جهاد فرض کفایی است مگر در مواردی فرض عین می‌گردد و آن در صورتی است که دشمن کافر با مسلمانان یک سرزمین می‌جنگد، لذا بر مردم آن شهر و دیار واجب است که با دشمن به جهاد برخیزند و اگر رهبر مسلمین افراد معینی را به جهاد تعیین نمود بر اوشان فرض می‌شود و همانطور اگر امیر مؤمنین به مسلمانان اعلان و پیام جهاد در برابر کفار را داد جهاد فرض عین می‌گردد.

4- برای‌شان از فضیلت شهید و شهادت در راه خدا یادآور شو.

درس 21: آیهٔ کفاره گناهان

قول الله Ψ:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(31) اگر دوری کنید از گناهان بزرگی که از آن نهی شده اید، فرو می‌ریزیم از شما گناهانِ شما را و درمی‌آوریم شما را به جایگاه ارجمند.

[نساء: 31]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: یعنی اگر ترک کنید گناهان کبیره را و دیگر به آن نزدیک نگردید، کبائر: جمع کبیره است و آن خطائیست که از گناهان کبیره پنداشته شود مثل زنا، سودخواری و نافرمانی والدین، دزدی، فریب و دغل‌کاری, غیبت و سخن‌چینی و دشنام‌دادن شخص مسلمان و یا قتل آن و خوردن مالش بدون رضایتش و دیگر گناهان کبیره. و فرموده‌اش: ﴿  ﴾ یعنی محو می‌کنیم گناهان صغیره را زیرا آنچه را که خدا و رسول ρ منع فرموده اند: شامل گناهان کبیره و صغیره می‌شود و پرهیز از گناهان کبیره سبب بخشایش گناهان صغیره می‌شود، و در تعیین و شناخت گناهان صغیره اختلاف است و گفته شده که صغیره به کبیره شناخته می‌شود. به طور مثال: زنا از گناهان کبیره است نظر به نامحرم نسبت به آن از گناهان صغیره حساب می‌شود، دشنام‌دادن مسلمان نسبت به زدن و کشتن آن گناه صغیره است، تأخیر نماز به آخر وقت آن نسبت به فوت وقت، صغیره شمرده می‌شود و ظاهراً تعریف دیگری نیز از صغیره شده که صغیره گناهیست که وعید و حد و کیفری در بارهٔ آن وارد نشده و به عبارت دیگر: غیر گناهان کبیره دیگر

گناهان صغیره نامیده می‌شوند و فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: در این آیه بخشی از جزا و پاداش اجتناب از کبائر بیان شده، چه آن که از گناهان کبیره دوری کند خداوند Ψ اولاً گناهان و سیئات او را مورد مغفرت و بخشش قرار داده و سپس او را وارد جنت می‌نماید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان و آنچه محتاج شرح باشد برای‌شان بیان کن.

2- شرح را به آرامش بخوان و تکرار کن تا شنونده آن را حفظ نمایند.

3- برای‌شان توضیح نما: که ارتکاب کبائر سبب خشم پروردگار و سبب عذاب او می‌شود.

4- برای‌شان بیان کن: که استغفار از گناهان کبیره آن را محو می‌کند و ادامه بر گناه صغیره به گناه کبیره مبدل می‌شود.

5- برای‌شان تذکر ده: که توبه‌نمودن از تمام گناهان آناً وعاجلاً واجب است و تأخیر آن جواز ندارد.

6- برای‌شان از فضل خداوندی Ψ بیان کن چنانکه در آیه کریمه به آن وعده فرموده: که در صورت ترک کبائر, گناهان صغیره را می‌بخشاید.

درس 22: حدیث هفت گناه کبیره

قوله صلی الله علیه وسلم فِي حديث أَبِي هريرة الذي رواه الشيخان رحِمَهُمَا اللّه تَعَالَى ونصه: اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: الشِّرْكُ بِاللَّهِ، وَالسِّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلاَتِ.	فرمودۀ رسول الله ρ در حدیث ابی هریره τ به روایت بخاری و مسلم رحمهما الله: بپرهیزید از هلاک‌کننده‌های هفتگانه، گفتند: یا رسول الله آن‌ها کدام اند؟ فرمود: شرک‌آوردن به خدا، سحرنمودن، کشتن نفسی که خداوند آن را حرام قرار داده مگر آن که سزاوار کشتن باشد، و سودخواری، و خوردن مال یتیم، فرار در روز جنگ، و دشنام و اتهام زنان عفیف مسلمان بی‌خبر.

شرح: فرمودۀ رسول الله ρ: «**اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ**»: یعنی دور شوید از مهلکات و به خاطر زیان‌های بزرگی که برای شما دربر دارد به آن‌ها اصلاً التفات ننمائید، در این حدیث، امر به اجتناب، حکم وجوب را دارد یعنی جائز نیست که مسلمان مرتکب یکی ازین گناهان کبیره گردد. و این‌ها موبقات نامیده شده به معنی هلاک‌کننده، زیرا مرتکب این کبائر به آتش دوزخ هلاک می‌شود. چون رسول الله ρ در بارۀ این کبائر مورد سؤال قرار گرفتند چنین فرمودند: «**الشِّرْكُ بِاللَّهِ**»: یعنی این که با خداوند Ψ غیر او نیز پرستش شود، چه نبی و ولی باشد یا قدرتمند و بتی چه این پرستش به صورت ذبح یا نذر باشد یا به اسم غیر خدا سوگند یاد شده یا از او هراس داشته باشد «**وَالسِّحْرُ**»: یعنی انسانی را سحر نماید که عقلش را زایل نماید و یا محبت کسی را از قلبش بیرون کند و یا ضرر جسمانی به او وارد نماید. «وقتل النفس»: منظور از نفس، انسان است چه مسلمان باشد یا کافر، طفل باشد یا بزرگ، به استثنای کافری که در حال جنگ است که کشتن آن مباح است. «**وَأَكْلُ الرِّبَا**»: وربا آنست

که پول‌های را به قرض دهد به ازدیاد چه کم باشد یا زیاد و یا از یک جنس دو اندازه را تبادله و معامله کند به ازدیاد یکی بر دیگری، چه این زیادتی در کمیت و مقدار باشد و یا در تعداد و شماره مثل این که بفروشد چهار کیلو گندم را به پنج کیلو گندم و یا یک دینار طلا را به یک و نیم دینار طلا. «**وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ**»: خوردن مال یتیم به صورت مطلق منع شده، کم و زیاد آن فرق نمی‌کند. «**وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ**»: یعنی فرار از صف‌های جنگ. «**وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ**»: یعنی دشنام‌دادن زنان پاکدامن، صالحه و با عفتی که فحشاء به اندیشه‌شان خطور نکرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش جمله، جمله بخوان و آنچه معنی آن را ندانسته باشند تشریح کن.

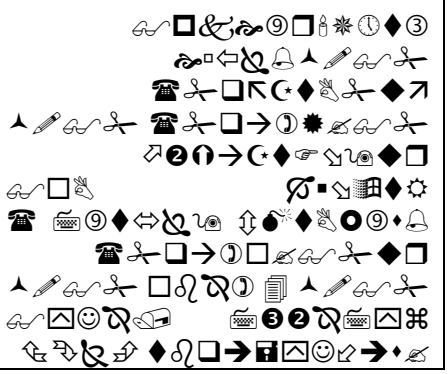
3- آگاه‌شان گردان: که گناهان کبیره دیگر نیز مثل مهلکات هفتگانه است از قبیل زنا، دزدی، دروغ، غیبت، سخن‌چینی، نفاق کبر و دشنام‌دادن مسلمان و غیر آن‌ها.

4- آگاه‌شان گردان: که هرگاه سحر ساحر ثابت شود حکم آن قتل است.

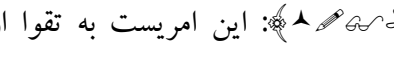
5- برای‌شان از آیه مبارکهٔ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ (النساء: 10).

«آنانی که مال یتیمان را ظالمانه می‌خورند همانا در شکم‌های خود آتش می‌خورند و زود است که درآیند به دوزخ». و همینطور قاتل نفس عمدی جایگاهش ابدی در جهنم است.

درس 23: آیهٔ هرکس برای فردایش بنگرد

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند جل شأنه:
	(18) ای آنانی که ایمان آوردید بترسید خدای را و باید بنگرد هرکس چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید خدا را که خدا آگاه است بدانچه کنید.

[حشر: 18]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: این ندا ییست از نداهای خداوند جل شأنه که متوجه بندگان مؤمنش می‌باشد برای این که آن‌ها را امر کند و یا نهی نماید و یا بشارت داده و یا بیم دهد، همانا حمد و سپاس مر خدای راست. و مؤمنان با ایمان‌شان اهلیت ندای خداوند جل شأنه را پیدا کرده اند، چون ایمان به منزله روح است و مؤمن زنده به حق است که هرگاه مورد ندا قرار گیرد لبیک می‌گوید و اگر امر شود انجام می‌دهد و چون نهی شود ترک می‌گوید. فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: این امریست به تقوا از جانب پروردگار تا مؤمنین با رعایت تقوا خویشتن را از خشم و عذاب دردناک او محافظت نمایند، و تقوا با انجام اوامر خدا و رسول ρ و ترک محرمات خدا و رسولش صورت می‌گیرد. و فرموده‌اش: ﴿  ﴾. این امر دیگریست که بعد از ندا متوجه فرد مؤمن گردیده تا مؤمن نفس خویش را ارزیابی کرده و دریابد که برای آخرتش چه صالحاتی را پیش فرستاده است که اگر کم باشد بر صالحات بیفزاید و اگر زیاد باشد تا هنگام مرگ آن را حفظ نموده و بر آن

مواظبت نماید. و گفته‌اش: ﴿ ﴾: این بار مکرراً امر به تقوا شده است زیرا بعد از ایمان حفظ تقوا شرط دوم برای دوستی خدا محسوب می‌شود چه تقوا روح را صفا بخشیده و نفس را تزکیه می‌نماید. و گفته‌اش: ﴿ ﴾: در این آیه خداوند جل شأنه برای مؤمنان خبر می‌دهد که اعمال ظاهر و باطن‌شان را می‌بیند و به آنچه در ضمیرشان می‌گذرد آگاه است، تا مؤمنان همواره مراقبت الهی را در نفوس خود بپرورند و هر عملی از امر و یا نهی او را که به کار می‌بندند الله Ψ را مراقب اعمال خویش به‌بینند و در نتیجه با حفظ اوامر و نواهی خدا و رسول ρ محبت و رضای او را به دست آورند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و معانی را بیان کن تا شنوندگان بفهمند.

3- برای‌شان تذکر ده: که تقوا عبارت از اطاعت خداست به اجرای اوامر خداوند و ترک نواهی آن که ثمرهٔ تقوا دریافتن جنت است.

4- آگاه‌شان گردان که مراقبت برای بنده بزرگترین یاری‌کننده در حفظ تقوا است چنانکه آیه کریمه به آن دلالت دارد: ﴿ ﴾

5- برای‌شان از فضل خداوندی و نعمتش بر مؤمنین تذکر ده که با مراقبت و تقوای که به آن مأمور شده اند شایسته دوستی، محبت، رضا و خشنودی خداوند Ψ گردیده و جوار او را در بهشت حاصل می‌نمایند.

درس 24: حدیث ترس از خدا، معاشرت با مردم

قوله صلی الله علیه وسلم: اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتْبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ.	فرمودۀ رسول الله ρ: بترس از خدا هرجا که باشی و پیوست نما گناه را به نیکی که محو می‌کند اثر گناه را و معاشرت کن با مردم به اخلاق نیک.

(رواه الترمذی به سند حسن)

شرح: فرموده رسول الله ρ: «**اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ**»: تا آخر حدیث... این حدیث رسول الله ρ به صورت وصیت برای طالب چنین وصیتی بیان شده یا پیامبر ρ با بیان این توصیه یکی از اصحاب خود را مورد تفقد و قدردانی قرار داده وقتی که مشاهده نمودند که به چنین وصایای نیازمند است. گرچه این وصیت مشتمل بر سه امریست که ذیلاً بیان می‌شود و اساس اصلاح و تمام قوانین کمال را در بر دارد.

1- امر به تقوا شده است و تقوا عبارت از اینست: که مؤمن عمل صالحی را انجام می‌دهد و خدای تعالی را در آن کار کاملاً ناظر و مراقب افعال خود می‌داند چه آن عمل را در خلوت انجام دهد و یا در آشکار و همینطور عمل فاسد را ترک می‌کند در حالی که خداوند Ψ را مراقب آن می‌پندارد مثل اینست: که به سوی خداوند Ψ می‌نگرد چه در جمع باشد و یا دور از چشم مردم که همانا اینست معنی فرمودۀ رسول الله ρ : «**اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ**». 2- در پی گناه, انجام‌دادن حسنه برای محو گناه است، چه هرگاه مؤمن مراقب نفس خود باشد و خدای خویش را نیز مراقب نفس خود بداند، پس در هر لغزشی که از او سر زند و یا اشتباهی که سبب خشم پروردگارش گردد، مثلاً اگر واجبی را ترک کند فوراً به ترسد و به ادای آن تلاش کند و اگر حرامی را مرتکب شود از پروردگارش حیا کرده و به سرعت آن را ترک نموده و از آن دور شود و برای محو اثرات آن گناه, به انجام حسنات و اعمال صالح رو آورد و اینست معنی گفته رسول الله ρ: «**وَأَتْبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا**»: چه هرگاه به

دنبال گناه، عمل صالحی انجام شود به اذن و ارادۀ خداوندی، آن نیکی اثرات گناه را از نفس دور می‌کند. 3- معاشرت‌نمودن با مردم به خلق نیک و اخلاق خوش، یعنی با مردم چنان معاشرت کند که دوست دارد دیگران با او رفتار نمایند مثل نرمی، عاطفه و مهربانی، گذشت، عفو و آسانگیری، اکرام و بزرگ‌شمردن مردم و احترام‌نمودن به آن‌ها و اینست معنی فرموده رسول الله ρ: «**وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ**».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

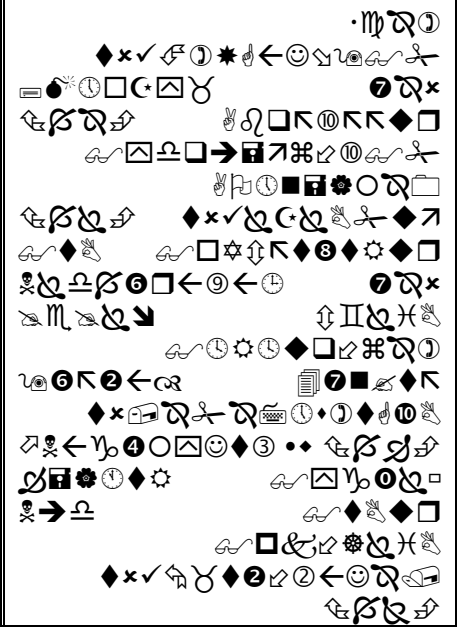
2-شرح را جمله جمله، بخوان و معنای آن را توضیح نموده و تکرار کن تا شنونده‌ها بفهمند.

3-برای‌شان ماهیت تقوا را بیان کن: که تقوا عبارت است از انجام اوامر الهی و ترک منهیات او و خدای تعالی را ناظر و مراقب اعمال خویش دانستن تا خداوند او را به وسیله تقوا از عقاب رهایی بخشد.

4-برای‌شان تذکر ده: که توبه‌کردن از گناه به صورت فوری و عاجل واجب است.

5-آن‌ها را به مکارم اخلاق و خوبی‌های آن رهنمایی کن و آن که دارای مکارم اخلاق است نزدیکترین افراد به رسول الله ρ است طوری که در حدیث وارد شده است.

درس 25: آیهٔ پرهیزگاران در بهشتند

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند جل شأنه:
	(45) همانا پرهیزگاران اند در باغ‌ها و چشمه‌سارها (46) درآئیدش به سلامت ایمن شده‌گان (47) برافگندیم آنچه در سینه‌های ایشان است از کینه, برادران اند بر تخت‌های روبرو (48) نزدیک نشود بدیشان در آن رنجی و نباشند از آن بیرون‌راندگان.

[الحجر: 45 – 48]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  : این اخبار الهی برای مسلمانان باتقوا و پرهیزگار، بشارتی مسرت‌بخش را دربر دارد، از روزی که در جنت‌ها و چشمه‌سارها قرار می‌گیرند و پرهیزگاران آنانی اند: که پروردگارشان را شناختند و همچنان شناختند آن گفتار و کردار و صفات و اعتقاداتی را که خداوند دوست دارد و آنچه را که نمی‌پسندد و همانطور شناختند نعمت‌های جاویدی که برای دوستان خود آماده و مهیا نموده و عذاب‌هائی را که برای دشمنانش تعیین نموده، و نتیجهٔ چنین علم و شناختی برای مؤمنین پرهیزگار حب و دوستی، خوف و اطاعت خدا را به همراه داشته است و سبب شده تا اطاعت پروردگار را نموده و آنچه را خداوند می‌پسندد ایشان دوست داشته باشند و آنچه را نمی‌پسندد از آن

کراهیت داشته باشند اوامرش را انجام داده و نواهی‌اش را ترک گفته باشند و با چنین محبتی و اطاعتی است که شایستگی دخول جنت را پیدا می‌کنند چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿✂︎✍︎⑩✍︎⌘↗︎🖬➔❑♎︎◱✍︎ 🗀♑︎❍❁🖬■🕓︎🏱✌︎ ↗︎◆✂︎👌︎♑︎⌚︎♑︎✓×◆ ✍︎♑︎☹︎☜︎﴾ یعنی بعد فراغت‌شان از حساب و گذشتن از صراط و توقف در مقابل درهای جنت از طرف فرشته‌ها برای‌شان گفته می‌شود: «درآئید به جنت با سلامتی و امنیت کامل بدون خوف و ترس». و فرموده‌اش: ﴿❐◆☼❽◆⇱⇧✡︎❐✍︎ 👌︎◆✍︎ ×♐︎❼ 🕓︎←⑨←❐❻☹︎♎︎♑︎☠︎ 👌︎♓︎♑︎♊︎⇧ ➘♑︎✍︎♏︎✍︎﴾: در این بخش از آیه خداوند Ψ خبر می‌دهد چون متقین وارد دارالسلام گردند از آنچه که قلب‌ها را مکدر می‌کند خداوند Ψ قلب‌های‌شان را صفا و پاک می‌گرداند که دیگر مکر و حسد و دشمنی نسبت به یکدیگر نداشته باشند﴿◐♐︎⌘✍︎❑◆🕓︎☼🕓︎✍︎ ⇱◆✍︎■❼🗐 ♒︎←❷⇱❻🏵︎ 👌︎⑩✌︎◆◐•🕓︎🖮♐︎✂︎♐︎🖃×◆ ✍︎☹︎☠︎☹︎☜︎﴾ برادر به برادرش اندیشهٔ فریب، حسد و دشمنی و کبر را ندارد بر تخت‌ها و تکیه‌گاه‌ها در حجله‌ها نشسته و آرمیده اند و در اوقات نشستن تخت‌های‌شان که از نعمت‌های بهشت است همراه با آن‌ها می‌چرخد و ایشان هیچگاه پشت بهم نمی‌کنند، بلکه رو در رو بهم مجالست دارند و در راحت و آسایش همیشگی بهشت به سر می‌برند، چون رنج و زحمتی در بهشت نیست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان و تکرار نما تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را واضح بخوان و آنچه فهمش برای شنوندگان مشکل باشد توضیح نما.

3- ایشان را از فضایل ایمان و تقوا آگاه کن، چون ملاک دوستی بنده به خداوند Ψ ایمان و تقواست.

4- برای‌شان از نعمت‌های بهشت یادآوری کن و آیات قرآنی را در این زمینه بیان کن.

5- برای‌شان از زیان و محرومیت که متوجه دشمنان خدا در سرای آخرت می‌گردد تذکر بده. خداوند Ψ ما را از آن زیان‌ها برهاند. آمین.

درس 26: حدیث در جنت چیزهایی مهیاست...

قول رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فِي حديث الشيخيْن عن أبِي هريرة رضي الله عنه قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَعْدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لاَ عَيْنَ رَأَتْ، وَلاَ أُذُنَ سَمِعَتْ، وَلاَ خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، وَاقْرَءُوا إِنْ شِئْتُمْ (فَلاَ تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ).	پیامبر ρ به روایت بخاری و مسلم از ابی هریره τ می‌گوید: خداوند گفته است برای بندگان شایسته خود چیزهای آماده کرده‌ام که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی شنیده است و نه تصور آن در دل انسانی گذر کرده است. اگر می‌خواهید برای تأئید این مطلب آیه قرآنکریم را بخوانید: آنچه را خداوند «در بهشت» برای روشنی چشم مسلمانان مخفی کرده است هیچ نفسی نمی‌داند».

(متفق علیه)

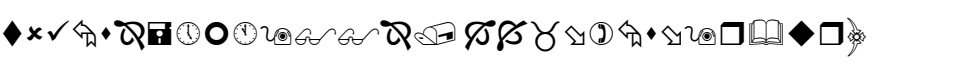
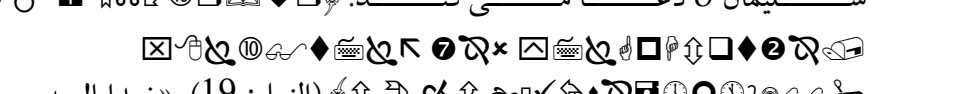
شرح: سخن پیامبرρ که می‌گوید: خداوند گفته است از آن مطالبی است که پیامبرρ از طرف پروردگارش بیان می‌کند، اینگونه سخنان را حدیث قدسی می‌گویند و از قرآن مجید به شمار نمی‌آید. و از حقایقی است که روح القدس یعنی جبرئیل υ آن را در قلب پیامبر می‌دمد، چنانکه آن حضرت ρ فرمود: «هرآئینه روح القدس در دل من دمید هیچ نفسی نمیرد تا آن که روزی و مدت عمر خود را تکمیل کند». یا حدیث قدسی چیزی است که خداوند خودش در دل او می‌افگند و پیامبرρ به زبان عربی آن را بازمی‌گوید. پس فرمودهٔ خداوند بزرگ «اعددت» یعنی آماده و مهیا کردم «لعبادی الصالحین» برای بندگان شایسته‌ام آنان که حقوق خداوند را به طور کامل ادا کردند و از آن چیزی نکاسته اند و حقوق خلق را به تمام به جا آورده اند و در آن زیانی وارد نکرده اند، ازین جهت در این گروه پیامبران، اولیاء، صدیقین و شهدا داخل می‌باشند و نسبت بندگان در «لعبادی» به خداوند، برای تکریم و

تشریف است «ما لا عین رأت»: یعنی برای‌شان نعمت‌های بزرگی مهیا کرده‌ام، و این در برگیرندهٔ آنچه در بهشت است از کاخ‌ها و حوران بهشتی و نعمت‌ها از خوردنی و پوشیدنی و دیگر چیزها. خداوند Ψ می‌گوید: «برای بهشتیان نعمت‌های آماده کرده‌ام که در این دنیا نه چشمی آن را دیده و نه گوشی شنیده و نه اندیشه آن در خاطر یکی از افراد بشر رسیده است»، یعنی برای اثبات مطالب بیان شده اگر می‌خواهید گفته‌ی خداوند را از سورهٔ سجده بخوانید: ﴿  ﴾ (السجدة: 17). «هیچ نفسی آنچه را خداوند در بهشت برای روشنی چشم مسلمین پدید آورده است نمی‌داند، و آن جزای کردار دنیائی‌شان است». آری، نعمت‌هائی که در بهشت نهفته است به علت کمال زیبایی‌شان سبب روشنی چشم مسلمین خواهد بود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا این که بدانی بیشتر شنوندگان آن را یاد کرده اند.

2- تشریحات را به آرامش بخوان و در هر مطلب کمی درنگ کن و آن را به حاضرین خوب توضیح ده.

3- ایشان را به فضیلت صلاح و مردم صالح آگاه کن: صلاح عبارت از عقاید، عبادات، آداب و اخلاق است که صاحبان این کردار صالحین گفته می‌شوند و آن‌ها کسانی اند: که یوسف υ مقام‌شان را طلب کرده می‌فرماید: ﴿  ﴾ (یوسف: 101). «(خداوندا!)مرا به صالحین ملحق گردان». و نیز سلیمان υ دعا می‌کند: ﴿  ﴾ (النمل: 19). «خدایا! به رحمتت مرا در بندگان صالح خود داخل کن».

4-آن‌ها را آگاه کن: که بیان دلیل در برابر مدعا برای اطمینان نفس و اثبات مطلب مفید می‌باشد.

درس 27: آیهٔ اجازه و سلام بر اهل خانه

قوله تعالی: 	گفته خداوند بزرگ: (27) ای مؤمنان وارد نشوید خانه‌هائی را جز خانه‌های خویش تا آشنا شوید و سلام کنید. بر اهلش این بهتر است برای شما شاید یادآورید. پس اگر نیافتید در آن‌ها کسی را پس درنیائید در آن‌ها تا اذن داده شود برای شما (28) و اگر گفته شد: بازگردید پس بازگردید آن پاکتر است برای شما و خدا بدانچه کنید دانا است.

[نور: 27 – 28]

شرح: این ندای خداوند بزرگ است برای بندگان مؤمنش از امت محمد ρ تا ایشان را به بهترین و شریف‌ترین آداب معاشرت آشنا ساخته و برایشان ادب بیاموزد پس می‌گوید: ﴿  یعنی وارد نشوید در خانه‌های که خودتان سکونت ندارید تا

این که اجازه بخواهید و به سبب اجازه‌خواستن انس پیدا کنید و اجازه‌خواستن چنین است که واردشونده بگوید: السلام علیکم آیا داخل شوم؟ این سخن را سه بار بگوید، اگر برایش اجازه دادند درآید و گرنه بازگردد. گفته خداوند: ﴿ ﴾ یعنی اجازه‌خواستن و سلام‌گفتن بر اهل خانه‌ای که می‌خواهید برایشان داخل شوید، برای‌تان در حال و آینده بهتر است. زیرا اجازه شما را از افتادن در گناه نگهمیدارد تا نگاه شما بر عورات کسی نیفتد، تا نظر به چیزهائی که حرام است سبب فتنهٔ شما و عذاب آخرت نگردد. و این فرمودهٔ خدا ﴿ ﴾ پس اگر کسی را نیافتید که برای شما اجازهٔ ورود و یا بازگشت بدهد پس داخل نشوید تا اجازه داده شود، ﴿ ﴾ «اگر به شما گفته شد: بازگردید به علت شغلی که داشتند و یا فعلاً آمادهٔ پذیرایی شما نبودند و می‌خواستند تا بر احوال‌شان آگاه شوید بدون این که قهر کنید و یا ناراضی باشید بازگردید ﴿ ﴾ «این بازگشت برای نفس شما پاکیزه‌تر است، از این که بدون اجازهٔ اهل خانه، به آن خانه داخل شوید که سبب اذیت آن‌ها و گناه برای شما گردد». ﴿ ﴾ و خداوند به آنچه می‌کنید داناست پس دقت کنید که مخالف امر و نهی خداوند کاری نکنید تا در گناهی که شما را به عذاب خدا گرفتار کند دچار نشوید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را مرتب بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنوندگان یاد گیرند.

2- معنی و شرح آیات را خوانده و در تفسیر هر جمله توقف کن و هدایات و احکام آن‌ها را واضح ساز تا همه‌گان بیاموزند.

3-آن‌ها را آگاه کن: که اجازه‌خواستن سبب انس گرفتن است تا دانسته شود که اجازه‌خواستن از ویژه‌گی‌های انسان متمدن بوده، و بدون اجازه واردشدن ویژهٔ حیوانات وحشی و غیر اهلی به شمار می‌رود.

4-به آن‌ها بگو: وقتی که به اجازه گیرنده گفته شود تو کیستی؟ نگو: منم، بلکه اسم مشهور خود را بگو.

5-به آن‌ها بفهمان: که اگر کسی سلام نگوید: برایش اجازه واردشدن را ندهند، زیرا در حدیث صحیح چنین دستوری آمده است.

درس 28: حدیث امر پیامبرρ به هفت چیز

قوله عليه السلام فِي رواية البخاري عن براء بن عازب رضي الله عنه قال: أَمَرَنَا بِسَبْعٍ: بِعِيَادَةِ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ، وَعون الضعيف، وَنَصْرِ الْمَظْلُومِ، وَإِفْشَاء السَّلاَمِ، وَإِبْرَارِ الْمُقْسِمِ.	بخاری از براء پسر عازب روایت می‌کند که گفت: رسول خدا ما را به هفت چیز امر کردند دیدار از بیمارها، پیروی از جنازه‌ها جواب‌گفتن عطسه‌زننده، همکاری با مردم ضعیف و یاری‌دادن مظلوم، سلام‌گفتن بر هر مسلمان و خلاص‌کردن سوگند خورنده.

شرح: قوله «**أَمَرَنَا رسول اللّه –صلى الله عليه وسلم– بِسَبْعٍ**»: سخن براء بن عازب τ که می‌گوید: ما را رسول خدا ρ به هفت چیز امر کردند یعنی به هفت خصلت امر کردند, که آن‌ها عبارت اند از: 1- عیادت مریض: یعنی رفتن به پرسش مریض در روزهای بیماری‌اش، فرق نمی‌کند که این دیدار در خانه باشد یا در بیمارستان، و مستحب آن است که بعد از سه روز بیماری انجام شود و این طور برای او دعا کند: «**اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَاسَ، اشْفِهِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لاَ شِفَاءَ إِلاَّ شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لاَ يُغَادِرُ سَقَمًا**» (ای خدا و ای پروردگار مردم، دور گردان سختی را و شفا عنایت کن که شفادهنده توئی شفای نیست مگر از طرف تو، شفای بده که همراه آن بیماری نماند) یا دست خود را بر پیشانی بیمار گذاشته و هفت مرتبه این دعا را بخواند: «**أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ**»: «از خداوند بزرگ پروردگار عرش عظیم خواستارم تا تو را شفا دهد». 2- «**اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ**»: پیروی از جنازه‌ها یعنی همراه مرده به گورستان برود و در هنگام دفن برایش آمرزش طلب کند. 3- «**تَشْمِيتِ الْعَاطِسِ**»: «جواب عطسه‌زننده را گفتن» یعنی دورساختن بدی از وی به گفتن: «**يَرْحَمك اللّه**» «خدا بر تو رحم کند» و باز عطسه‌کننده اینطور جواب دهد: «**يغفر الله لي ولك**» «خداوند هردوی ما را ببخشاید» یا به این عبارت دعا کند: «**يَهْدِيكَ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَكَ**» «خدا تو را هدایت کند و

حالت را اصلاح کند» 4- «**عون الضعیف**»: کمک به ناتوان به آنچه ستم را از وی دور کند و اگر حقی ازو گرفته شده است به وی بازگرداند. 5- «**وَنَصْرِ الْمَظْلُومِ**»: یاری‌دادن ستم دیده، تا از ستم نجات یافته و به حق خود برسد. 6- «**وَإِفْشَاء السَّلاَمِ**»: (بر همه سلام گفتن) یعنی بر هر مسلمانی سلام کند، و هرکه از کنارش رد می‌شود بگوید: السلام علیکم، سواره بر پیاده و ایستاده بر نشسته سلام بگوید، کسی که بر او سلام گفته شده است این طور جواب بگوید: السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته، لیکن بر زن بیگانه سلام نگوید. 7- «**وَإِبْرَارِ الْمُقْسِمِ**»: (خلاص‌کردن قسم خورنده) ینی اگر مسلمانی برای برادر مسلمان خود سوگند خورد که فلان کار را می‌کند یا نمی‌کند، بر آن برادر واجب است که سوگند او را راست کند و او را حانث و گنهکار نسازد، زیرا در صورت مخالفت, اذیت و ضرر بر صاحب قسم وارد می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

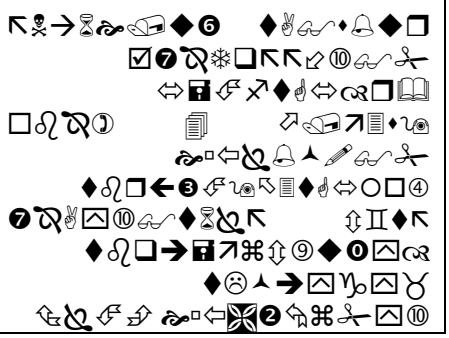
1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح حدیث را بخوان و خصلت‌های هفتگانه را بیان کن و هر خصلت را جداگانه به حاضرین بفهمان.

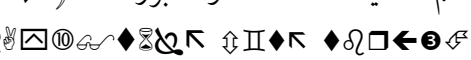
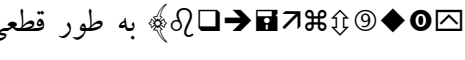
3- آن‌ها را آگاه کن: که این‌ها صفت‌های هستند که اگر مسلمین آن‌ها را به جا آورند علاقه برادری در میان‌شان پایدار شده و محکم می‌گردد و همه‌شان را یک ملت و مانند پیکر واحد می‌گرداند.

4- ایشان را به اهمیت یاری‌دادن به مردم ناتوان، نصرت ستم دیدگان، سلام بر هر مسلمان گفتن آگاه کن، و بفهمان که این صفات و اخلاق ستون‌های یک جامعهٔ سعادتمند و خوشبخت هست که اگر این‌ها فرو گذاشته شود دیگر امیدی برای بقاء جامعه وجود ندارد.

درس 29: آیهٔ دعا و اجابت

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	(60) و پروردگارتان گفت: از من سؤال کنید تا خواسته شما را اجابت کنم همانا کسانی که از پرستش من سرباز می‌زنند به زودی ذلیل و زار در جهنم وارد خواهند شد.

[مؤمن: 60]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾: یعنی آفریدگار، روزی‌دهنده، پروردگار و معبود شما که جز وی دیگری سزاوار پرستش نیست گفته است: مرا بخوانید و نیازمندی‌های خود را از من بخواهید خواسته‌ی شما را اجابت کنم و حاجت‌تان را برمی‌آورم، زیرا من مربی و شما بندگانم هستید. گفتهٔ خداوند بزرگ: ﴿  ﴾ خداوند خبر می‌دهد کسانی که تکبر آن‌ها را وامی‌دارد که خدای را نخوانند و عبادت مشروعه‌ی که سبب تزکیهٔ نفس و کمال سعادت دنیا و آخرت ایشان است به جا نیاورند، این گروه ﴿  ﴾ به طور قطعی در آتش دوزخ داخل می‌شوند، در حالی که کوچک، ذلیل و خوار باشند، و این سزای تکبرشان است که آن‌ها را از دعا، تضرع و پرستش خداوند که روح و نفس‌شان را پاکیزه می‌گرداند بازداشته است، چون خدای را نپرستیدند تا نفس‌شان تزکیه شود و به علت پلید بودن، بازگشت آن‌ها به: دوزخ است که خوار و ذلیل در آن درآیند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را مرتب بخوان و تکرار کن تا اکثر شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح آیات را به آرامش بخوان و معنی جمله‌ها را توضیح و تفسیر کن تا دانسته شود.

3- آن‌ها را به فضیلت دعا از نگاه پیغمبر ρ آگاه کن که آن حضرت می‌فرماید: دعا عبادت است و یا می گوید: کسی که از خدا حاجتش را نخواهد خداوند بر او خشم می کند.

4- به آن‌ها بیاموز: که برای مؤمن شایسته، آنست که خدای را بخواند و همه نیازمندی‌های دنیا و آخرت خود را از وی بخواهد، زیرا پیامبر ρ می‌فرماید: «هریک از شما تمام حاجات خود را از خداوند بخواهید تا این که اگر کفش او بند نداشت آن را هم از خداوند طلب کند».

5- برای‌شان بیاموز: که برای اجابت دعا وقت‌های مخصوصی است که در آن اوقات خداوند دعای بندگانش را اجابت می کند، مانند حالت سجده ساعت ویژه روز جمعه، شب قدر، میان اذان و اقامت، در هنگام روزه‌داشتن، حالت سفر و زمان بیماری، زیرا در این باره حدیث صحیح از پیامبر ρ آمده است.

6- آن‌ها را آگاه کن: که دعا اگر به قطع صله رحم و درخواست گناه نباشد و لباس و خوراک هم از وجه حلال تهیه گردد، خداوند آن را قبول می کند و حاجتش را برمی‌آورد، و یا این که بلایی را از او در دنیا دفع می‌سازد و یا درجه‌اش را در بهشت بلند می گرداند.

درس 30: حدیث قبولی دعای مسلمان

قول رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم: مَا عَلَى الأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ إِلاَّ آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَأْثَمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ. فَقَالَ رَجُلٌ: إِذًا نُكْثِرَ. قَالَ: اللَّهُ أَكْثَرُ، أَوْ يَدخِرَ لَهُ مِن الأَجْرِ مِثْلَها.	سخن پیامبر است که می‌گوید: بر روی زمین مسلمانی نباشد که خواسته‌های را از خداوند بخواهد مگر این که او تعالی حاجتش را برآورد یا از وی مانند خواسته‌اش زیانی را دور گرداند تا وقتی که به گناه یا بریدن صلهٔ رحم دعا نکرده باشد. مردی از یاران گفت: پس ازین دعا بسیار می‌کنیم، پیامبر گفت: عطا و بخشش خداوند بسیار است و اگر در دنیا دعوتش پذیرفته نشد مانند خواسته‌اش را خداوند در آخرت پاداش می‌دهد.

(رواه الترمذِي بسند صحيح إلى جملة: أو يدخر، فقد رواها الحاكم)

شرح: این گفتهٔ پیامبر ρ: «**مَا عَلَى الأَرْضِ**» این عبارت عمومیت دارد و همهٔ مسلمین را شامل می‌گردد، مراد از مسلمان بنده‌ایست که به خدا و پیامبرρ ایمان آورده و تمام وجود و اعضای خود را به خداوند تسلیم کرده است. مسلمان امر خدا را به جا آورده و از نواهی آن پرهیز می‌کند و همه‌ی کردار و زندگانی‌اش برای خدا است، هیچ کار وی برای غیر خداوند نیست. و این فرموده: «**يَدْعُو بِدَعْوَةٍ**» یعنی از خداوند چیزی بخواهد که خداوند خواستن آن را برایش اجازه داده باشد و طلب آن ممنوع نباشد، خداوند خواسته‌اش را می‌دهد. و این فرموده: «**أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا**»: یعنی اگر چیزی که می‌خواهد، در دین یا دنیا خیری برایش نداشت خداوند خواسته او را نمی‌دهد، بلکه به اندازهٔ آن بدی و ضرری را از وی دور می‌گرداند. این فرموده: «**مَا لَمْ يَدْعُ بِمَأْثَمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ**»: مراد از گناه کرداریست که نافرمانی

خدا و پیامبر باشد، مراد از قطع رحم ترک گفتن وابستگان و خویشاوندان است که از آن‌ها خیر و احسان خود را بازدارد، و همین اعمال است که اجابت دعا را منع می‌کند. این فرموده: وقال رجل: یعنی از حاضرین مردی گفت: «إِذًا نُكْثِرَ»: یعنی اگر چنین است پس دعا بسیار می‌کنیم، پیامبر ρ در جوابش گفت: بخشش و عطای خداوند زیادتر است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن و شنوندگان هم آهسته تکرار کنند تا دانسته شود که آن را یاد گرفته اند.

2- شرح حدیث را به طور واضح بخوان و معانی آن را درخور فهم حاضران تفسیر کن.

3- آن‌ها را آگاه کن: که خوردن حرام غالباً اجابت دعا را منع می‌کند، پس باید به خوراک و پوشاک خود توجه داشته باشیم، زیرا پیامبر ρ می‌گوید: «کسب خود را پاکیزه بگردانید تا دعای شما اجابت شود».

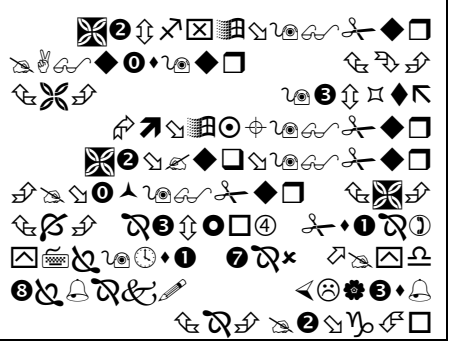
4- آداب دعا را بنا به ارشاد آیت 55 سورهٔ اعراف برای‌شان بیان کن:

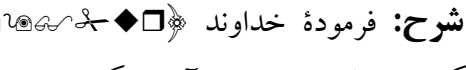
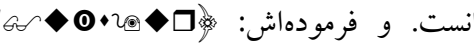
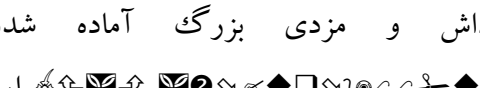


«پروردگار خود را به زاری و نهان بخوانید که خداوند تجاوزکاران را در دعا دوست ندارد». لذا بنده ناچار است که به حضور خداوند به تضرع، زاری و فروتنی دعا نماید و این دعایش آهسته باشد و آن را آشکار نگرداند و در در خواستش از حد تجاوز نکند و از غیر خداوند چیزی نخواهد و یا چیزهای را طلب نکند که سنت خداوند به انجام آن تعلق نگرفته است مانند: بازگشت به جوانی، نجات از مرگ و رسیدن به پیامبر ρ.

درسهای ماه ربیع الثانی

درس 1: آیهٔ والفجر ولیال عشر

قول الله تعالی: 	گفتهٔ خداوند بزرگ: (1) سوگند به صبحگاه (2) و شب‌های ده‌گانه (3) و جفت و تک (4) و شب هنگامی که برود (5) آیا هست در این سوگندی برای خردمند.

شرح: فرمودهٔ خداوند  این آغاز قسم بزرگی است که خداوند به آن سوگند می‌خورد، او به فجر قسم می‌خورد، زیرا سپیدهٔ صبح مظهری از مظاهر قدرت، علم و حکمت او تعالی است. زیرا اگر تمام باشندگان روی زمین جمع شوند که تاریکی شب را منفجر کرده و روشنایی روز را پدید آورند هرگز نخواهند توانست. و فرموده‌اش:  «و شب‌های ده‌گانه» این جزء قسم است مراد ازین ده شب اول ذیحجه است و شاید مراد دهۀ اول محرم باشد. زیرا برای هرکدام از این‌ها فضیلتی است که خداوند می‌خواهد بندگانش را به آن آگاه کند تا در این اوقات به کردار نیک و شایسته رو آورند زیرا برای چنین نیکوکارانی پاداش و مزدی بزرگ آماده شده است.  این هم ادامهٔ قسم است، و این قسم به همه موجودات است، زیرا آن‌ها جفت هستند یا طاق، در قسم به آن‌ها، اشاره به قدرت خداوند بر ایجاد و خلق، اداره و تنظیم کائنات است، و امکان دارد که وتر روز عرفه و شفع روز عید باشد زیرا روز نهم طاق است و روز دهم جفت می‌باشد. و این فرمودهٔ خداوند:  «شب چون به روز مبدل شود» این آخرین جزء قسم است قسم به شب مثل قسم به روز است که یادآوری از

قدرت، و علم و حکمت خداوند بزرگ می‌کند که تنها خداوند بزرگ مستحق پرستش است نه غیر او, جواب این قسم بزرگ محذوف است، تقدیر آن چنین است که هرآینه بعد از مرگ برانگیخته شده و از کردار خویش سؤال خواهید شد: ای کسانی که زنده‌شدن پس از مرگ را قبول ندارید و هم جواز دارد که جواب قسم، جملهٔ: ﴿ (الفجر: 14). باشد «همانا پروردگارت در کمینگاه است» چون این عبارت از قسم مؤخر است. پس آنچه ما مقدر کردیم بهتر و برای درستی کلام بدان محتاج‌تریم. و فرموده خداوند: ﴿ : یعنی آنچه به آن از سپیدی بامداد قسم خورده شده است تا به ﴿ آیا در این‌ها قسم است؟ جواب: آری قسم است کدام قسم و برای چه کسی؟ برای کسی که به آن فائده بگیرد و آن کسی است که صاحب عقل است، زیرا عقل صاحب خود را از کفر و گناه نگاه می‌دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را بخوان و تکرار کن تا همه آن‌ها را یاد گیرند.

2- شرح آیات را بتأنی و آرامش بخوان و هر جمله را تفسیر کن تا دانسته شود.

3- آن‌ها را آگاه کن که خداوند می‌تواند به هریک از مخلوقاتش که بخواهد سوگند یاد کند، ولی برای بندگانش جواز ندارد که به غیر خداوند سوگند یاد کند زیرا پیامبر ρ می‌فرماید: «هرکه به غیر خداوند سوگند یاد کند به خداوند شرک آورده است».

4- آن‌ها را آگاه گردان: که پیامبر ρ می‌گوید: «خداوند طاق است و طاق را دوست دارد» پس باید آن را در انجام اعمال وضو، نماز، افطار مراعات کند.

5-آن‌ها را آگاه کن: که عقل را حجر (منع) می‌گویند، زیرا عقل است که انسان را از افتادن در هلاکت منع می‌کند، کسی که خود را در هلاکت کفر و شرک و شر و فساد گرفتار می‌کند دارای عقل نیست.

درس 2: حدیث فضیلت عمل در ده روز ذی الحجه

قوله صلى اللّه عليه وسلم فِي رواية البخاري عن ابن عباس رضي الله عنهما: أَنَّ رسول اللّه صلى اللّه عليه وسلم قال: مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ فِيهِنَّ مِنْ هَذِهِ الأَيَّامِ يَعْنِى أَيَّامَ الْعَشْرِ ذي الْحَجَة. قَالُوا: وَلاَ الْجِهَادُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ. وَقَالَ: وَلاَ الْجِهَادُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ إِلاَّ رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَىْءٍ.	سخن پیامبرρ : امام بخاری از ابن عباس ب روایت می‌کند که رسول خدا ρ فرمود: هیچ روزی نیست که عمل نیک در آن محبوب‌تر باشد نزد خدا ازین روزها یعنی ده روز ذیحجه، پرسیدند جهاد در راه خدا بهتر نیست؟ فرمود: نه خیر، جهاد در راه خدا هم مثل آن ثواب ندارد مگر مردی که به نفس و مال خود در راه خدا بیرون شود و به چیزی از آن بازنگردد.

شرح: «**مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ فِيهِنَّ**»: یعنی نیست هیچ روزی از روزهای تمام سال که در آن اعمال صالحی برای تزکیه و صلاح نفس آدمی انجام می‌شود. مانند نماز، روزه، صدقات، حج، جهاد و دیگر کردار شایسته پسندیده‌تر نزد خداوند از این روزها. پیامبر ρ خبر می‌دهد: تا که امتش را به کردار شایسته و عبادت در این روزها ترغیب کند و آن روزها از اول ذیحجه تا روز دهم آنست، از پیامبرρ پرسیدند: که آیا جهاد در راه خدا هم به همان قدر پسندیده نیست؟ و آیا عمل صالح در این ده روز بر جهاد هم فضیلت دارد؟ در پاسخ‌شان گفت: «**وَلاَ الْجِهَادُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ**»: آری از جهاد در راه خدا هم برتر است. رسول خدا ρ ازین عمومیت مردی را استثنا کرد که همراه مال و نفس خود به جهاد بیرون می‌شود خود او شهید می‌شود و مالش را هم غارت می‌کنند، پس فرمود: مگر مردی که بیرون شود به دارایی و نفس خود که به چیزی از آن‌ها بازنگردد، زیرا خودش کشته شده و دارائیش گرفته شده، پس کردار این شخص از کردار شایسته دیگری که در دهۀ ذیحجه انجام شود برتری دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به آرامش بخوان و تکرار کن: تا عبارت حدیث را همه یاد گیرند.

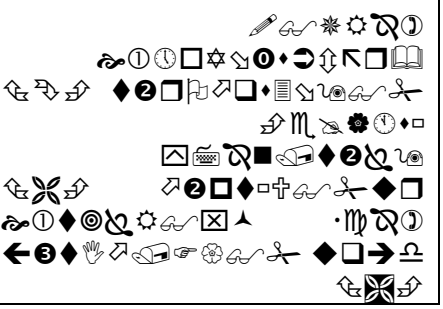
2-شرح حدیث را بخوان و جملات آن را جدا جدا تفسیر کن تا مراد آن را شنوندگان بدانند.

3-آن‌ها را آگاه کن: که خداوند کردار نیکو و نیکوکاران را دوست دارد و بندگانش را به نیکوکاری ترغیب می‌کند.

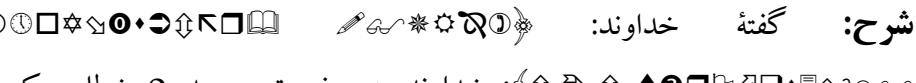
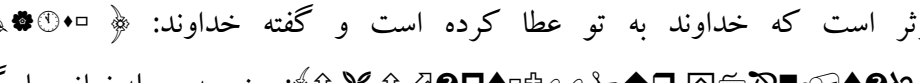
4-آن‌ها را از فضیلت روزه روز عرفه آگاه گردان: که این روزه کفارهٔ گناهان سال آینده و گذشته خواهد بود، مگر کسی که در عرفات اعمال حج را ادا می‌کند بهتر آن است که روزه نگیرد زیرا پیامبر ρ در آن روز روزه نگرفتند و روزه روز عید حرامست.

5-ایشان را از فضیلت شهادت در راه خداوند آگاه گردان.

درس 3: آیهٔ انا اعطیناک الکوثر

قول الله عزوجل: 	گفته خداوند بزرگ: (1) همانا ارزانی داشتیم به تو کوثر (2) پس نماز گذار برای پروردگار خویش و قربانی کن (3) همانا بدخواه تو است دنباله بریده.

[سورة الکوثر]

شرح: گفتهٔ خداوند:  خداوند به حضرت محمد ρ خطاب کرده و می‌گوید: به تو کوثر (جوی در بهشت) دادیم در بخاری روایت شده که پیامبر ρ فرمودند: چون وارد بهشت شدم جویی را دیدم که در دو کنارش چادرهای مروارید قرار دارد دست خود را در آب فرو بردم مانند مشک خوشبو بود از جبرئیل پرسیدم این چیست؟ گفت: این کوثر است که خداوند به تو عطا کرده است و گفته خداوند:  یعنی به وسیله نماز سپاسگزار این نعمت باش و به پاس انعام خدا بر تو به بخشیدن کوثر و موهبت نام و نشان بلند نبوت و رسالت، شتر را برایش قربانی کن گفته خداوند:  همانا دشمن تو دم بریده است که می‌میرد و نام و نشانی از وی نمی‌ماند و مراد به آن عاص بن وائل سهمی است که هرگاه پسران پیامبر ρ مردند گفت: که محمد ابتر و بی‌نام و نشان است، خداوند بر وی رد کرده می‌فرماید: «همانا دشمن تو دم بریده است» و همانطور هم شد که هرگاه عاص مُرد کسی از وی نماند

که اسمش را بگیرد اما پیامبر ρ، سادات همه از اولاد فاطمه دختر پیامبرρ اند و نسب پیامبر تا قیامت قطع‌شدنی نیست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیات را تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله تفسیر کن تا شنوندگان بفهمند.

3-آن‌ها را از فضیلت نماز عید و قربانی آگاه کن و این که تقدیم نماز بر قربانی واجب است.

4-به آن‌ها از وجوب اخلاص در عبادات آگاه کن زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿ ▫•◷✾✍♏✍♐❷♦✍■♐✉☐◆✂✍✆✞▫♦☐❷⬀ ✍✂✄✎ ﴾ یعنی خاص برای پروردگار خود نماز خوانده و قربانی کن.

5-به ایشان بگو: که از جوی کوثر دو ناودان آب در عرصات قیامت می‌ریزد که از آن حضور بزرگی تشکیل می‌شود که ظرف‌های آن به اندازهٔ ستارگان آسمان است و تنها امت حضرت محمد ρ از آن می‌نوشند و بعضی افراد این امت که دین خود را تغییر دادند از نوشیدن آن بازداشته می‌شوند پیامبر ρ می‌گویند: که این افراد از امت من هستند در جواب گفته می‌شود: که تو نمی‌دانی که بعد از تو چه کردند.

6-به آن‌ها تذکر ده: که بغض داشتن پیامبر کفر است و دشمن صحابه منافق است.

درس 4: حدیث کوثر حوضی است در جنت

قوله صلی اللّه علیه وسلم: الْكَوْثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ حَافَّتَاهُ مِنْ ذَهَبٍ وَالْمَاءُ يَجْرِي عَلَى اللُّؤْلُؤِ وَمَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ.	پیامبر ρ فرمود: کوثر نهری است در بهشت کناره‌های آن از طلا و آبش بر روی مروارید روان می‌شود و آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است.

(رواه غیر واحد وقال فیه الترمذی: حسن صحیح)

شرح: «**الْكَوْثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ**» «کوثر جوئی است در بهشت» این کلام اخبار از طرف پیغمبرρ است به آنچه خداوند بوی داده و او را به آن بخشش برگزیده است، و آن جوی کوثر است که باری تعالی در باره‌اش در قرآنکریم می‌فرماید: ﴿ ﴾ «ما برای تو کوثر را عطا کردیم» و این سخنش: «**حَافَّتَاهُ مِنْ ذَهَبٍ**» «هردو کناره اش از طلا است» این صفت کوثر است که پیامبرρ در شب معراج در کنارش ایستاده. مراد از «**حَافَّتَاهُ**» هردو کناره‌ای آن است. این فرموده‌اش «**وَالْمَاءُ يَجْرِي عَلَى اللُّؤْلُؤِ**» یعنی آب آن جوی بر روی مروارید روان است. و این گفته وی: «**وَمَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ**» «آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است» این واقعیت دارد زیرا که پیامبرρ در کنار آن ایستاده و آن را مشاهده نموده است، روایت شده: که در صحرای محشر از آن جوی به حوض پیامبرρ می‌ریزد و پیامبر ρ و امتش از آن آب می‌نوشند که جز ایشان کسی دیگر از آن نمی‌نوشند. و کسانی که در دین خداوند تغییر وارد کردند، از این آب محروم اند و فرشتگان آن‌ها را از حوض دور می‌گردانند، پیامبرρ می‌گوید: این‌ها از امتان من هستند، برایش گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که این‌ها پس از تو چه تغییر و تبدیل در دین خدا وارد کرده اند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن: تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح حدیث را بخوان و جمله جمله شرح داده معانی آن را بیان کن تا همگان بدانند.

3- فضیلت امت محمدی را برایشان یادآوری کن و بگو: که خدا برای پیامبر شما، جوی کوثر را عطا کرده است.

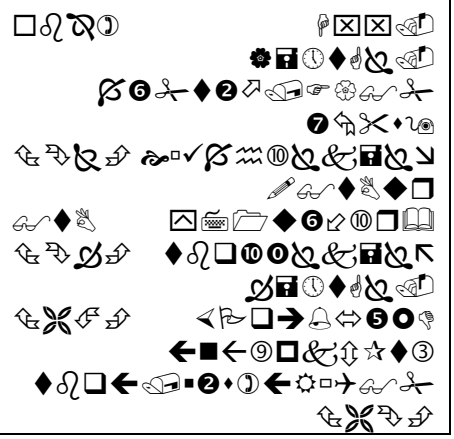
4- برای‌شان یادآور شو: که هرکس در دین خدا ایجاد بدعت نماید به این که چیزی بر آن بیفزاید و یا تبدیل و تغییر وارد کند از حوض و هم از کوثر محروم می‌شود.

5- تعلیم‌شان ده: که هرکس یک بار از حوض بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد، زیرا این را رسول خدا ρ خبر داده است.

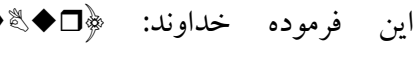
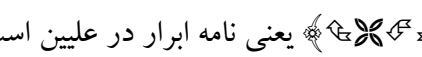
6- آگاه‌شان گردان: که امت محمد ρ همین امت اجابت هستند نه امت دعوت. و امت اجابت: عبارت از کسانی اند که به خدا و رسول ایمان آورده و اطاعت خدا و رسول را کرده اند.

و امت دعوت: همین امت‌های که دعوت خدا و رسول ρ به آن‌ها رسیده ولی ایمان به خدا و رسول نیاوردند و به شریعت اسلام نگرویده اند.

درس 5: آیهٔ نامه نیکوکاران در علیین

قول الله تبارک وتعالی: 	فرمودهٔ خداوند بزرگ و برتر: (18) چنین نیست همانا نامهٔ نیکان در علیین است (19) و چه دانستت چیست علیون (20) نامهٔ نوشته که گواهی‌اش دهند نزدیکان (21)

[المطففین: 18 – 21]

شرح: فرموده خداوند بزرگ: ﴿  ﴾ یعنی نامهٔ اعمال بندگان که فرشتگان حفظه آن را در دنیا نوشته می‌کنند. ﴿  ﴾: آن‌ها اهل تقوی و ایمان هستند که فرمانبرداری خدا و رسولش را بر خود لازم گرفتند و به این پیمان به راستی عمل کردند، ابرار واحد آن, بار می‌شود و آن فرمان‌بردار و راستگوی است در اطاعت خداوند، ابرار, کسانی هستند: که خداوند خبر داده است که نامهٔ اعمال‌شان در علیین است و آن مقام بلندی در جنت است و ارواح آن‌ها نیز پس از مرگ در همانجا قرار دارد و تا روز قیامت در آنجا باقی می‌ماند. آنگاه خداوند تعالی اجسام‌شان را از نو پدید آورده و ارواح‌شان را در آن داخل نموده و برای حساب حشر می‌شوند، سپس در بهشت که جایگاه دائمی‌شان است درمی‌آیند. این فرموده خداوند: ﴿  ﴾: (کدام چیز تو را آگاه کرد علیون چیست) این استفهام برای تعظیم شأن علیین است. این گفته خداوند: ﴿  ﴾ یعنی نامه ابرار در علیین است و آن

امان‌نامه‌ایست که از جانب خداوند نوشته شده است و صاحب آن از آتش دوزخ ایمن است و به دخول بهشت رستگار است. این فرموده خداوند: ﴿  ﴾: یعنی از اهل هر آسمان مقربان در آنجا حضور دارند و آن را مشاهده می‌کنند که صاحب آن از دوزخ نجات حاصل کرده و به جنت راه پیدا کرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را یاد گیرند.

2- شرح مطالب را به آهستگی بخوان و در هر جمله توقف کن و آن را توضیح بده تا همگان بدانند.

3- به آن‌ها بفهمان: طوری که در حدیث آمده است علیین در آسمان هفتم زیر عرش خداوند قرار دارد.

4- آن‌ها را آگاه کن: که شخص به مقام ابرار نمی‌رسد، مگر این که به حقیقت اسلام، ایمان و احسان رسیده باشد، زیرا بنای دین اسلام بر همین سه چیز است و نجات از آتش دوزخ بدون این امور امکان‌پذیر نیست.

5- آن‌ها را آگاه کن: که اطاعت خدا و رسول ρ که بنده را به مقام ابرار می‌رساند نیازمند به این است که بنده بداند به کدام کردار از خدا و پیامبر اطاعت می‌شود و این اطاعت چگونه عملی نزد خدا پسندیده و چه عملی ناپسند است.

6- به آن‌ها بگو: که بنده پیوسته به سبب اطاعت از خدا و رسولش و به کردار نیک و ترک اعمال زشت، به خداوند نزدیک می‌شود تا این که از دوستان و بندگان نیکوکار خداوند می‌گردد.

درس 6: حدیث پایین‌ترین و عالی‌ترین درجه در بهشت

قول النبي صلى اللّه عليه وسلم: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَيَنْظُرُ فِي مُلْكِهِ مَسِيْرَة أَلْفَيْ سَنَةٍ يَرَى أَقْصَاهُ كَمَا يَرَى أَدْنَاهُ يَنْظُرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ وَخَدَمِهِ وَإِنَّ أَفْضَلَهُمْ مَنْزِلَةً لَيَنْظُرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ.	پیامبر اسلام ρ می‌فرمایند: پایین‌ترین اهل بهشت کسی است که در ملک خود از بهشت به مسافت دو هزار سال راه می‌بیند که ابتدا و انتهای آن در دیدن یکسان است به همسران و خدمه‌اش نظر می‌کند. و بلندترین آن‌ها در درجه، روزی دوبار وجه خداوند را مشاهده می‌کند.

(رواه الترمذی واحمد)

شرح: این فرمودهٔ پیامبر: «**إِنَّ أَدْنَى**»: تا پایان حدیث از حال بهشتیان خبر می‌دهد، تا مؤمنان را تشویق کند که در انجام کارهای مانند: ایمان به خداوند، کردار شایسته و دوری از شرک و گناه بکوشند، تا از اهل بهشت گردند، معنی أدنی: پایین‌ترین مرتبه، این فرموده پیامبرρ: «**لَيَنْظُرُ فِي مُلْكِهِ مَسِيْرَة أَلْفَيْ سَنَةٍ**» یعنی همین مؤمن که پایین‌ترین اهل بهشت است، در درجه آنقدر از مملکت برایش داده می‌شود که وسعت آن دو هزار سال راه است. و او آخر مملکت خود را مانند ابتدای آن می‌بیند. و این فرموده: «**كَمَا يَرَى أَدْنَاهُ**»: «چنانچه آخرش را می‌بیند» که این هم تزیید در نعمت و تکریم بیشتری است. و این فرموده پیامبرρ: «**كَمَا يَنْظُرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ وَخَدَمِهِ**» یعنی به تمام ملک وسیعی که خداوند برایش عنایت کرده طوری می‌بیند که به سوی زنان و خدمه‌اش می‌نگرد. «**وَإِنَّ أَفْضَلَهُمْ مَنْزِلَةً**» بهترین اهل بهشت که مؤمنین پرهیزگار هستند. «**لَيَنْظُرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ**»: این بزرگترین نعمت اهل جنت است، زیرا دیدار خداوند دلالت بر رضایت او از بنده دارد، و رضای خداوند نعمتی است که مافوق آن نعمتی نیست. در سورهٔ قیامت خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿ (القیامة: 22 – 23). «در آن روزچهره‌ها تازه و تابان است و به سوی پروردگار خویش نظر کنند».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و به آرامش تکرار کن تا بدانی که اکثراً آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را بخوان و هر جمله را جدا تفسیر کن تا همگان آن را بفهمند.

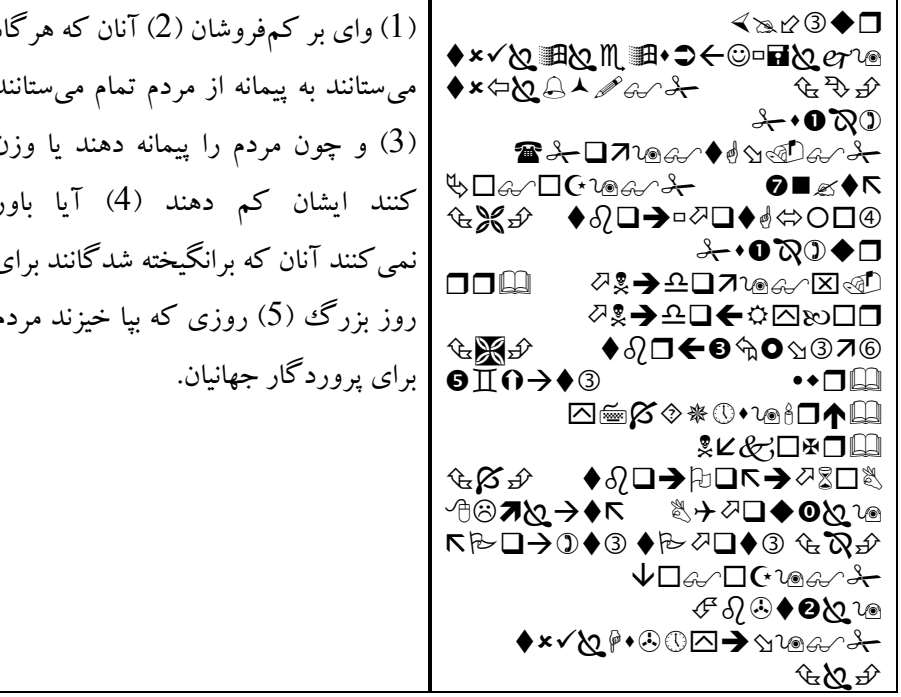
3- آن‌ها را آگاه کن: که بهشتیان در منزلت و مقام خود تفاوت دارند تا این که منزل بعضی از بهشتیان از بالا چنان دیده می‌شود که مانند ستاره گذرنده در آسمان است و این فرق نسبت به تفاوت اعمال شایسته‌شان در دنیا است.

4- برای‌شان بگو: که دیدار خداوند در آخرت ممکن است و خداوند دیده می‌شود و انکار از آن گمراهی است.

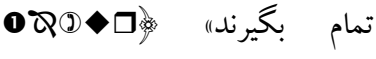
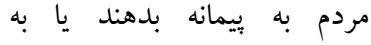
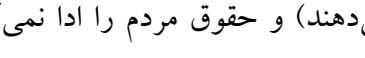
5- به آن‌ها خبر ده: که حورعین در قرآنکریم آمده مانند فرموده خداوند:

﴿ (الطور: 20). «و«حور العین» را به همسری آنها در می آوریم!» و همچنین از خدمه در قرآنکریم یاد شده، می‌فرماید: ﴿ (الواقعة: 17 – 18). «وجوانانی جاودان برای خدمتگزاری پیوسته گرداگرد آنان می گردند. با قدحها و کوزه‌ها و جامهایی از نهرهای جاری بهشتی».

درس 7: آیهٔ عذاب کم‌فروشان

قال الله تعالی:	فرموده خداوند تعالی:
	(1) وای بر کم‌فروشان (2) آنان که هرگاه می‌ستانند به پیمانه از مردم تمام می‌ستانند (3) و چون مردم را پیمانه دهند یا وزن کنند ایشان کم دهند (4) آیا باور نمی‌کنند آنان که برانگیخته شدگانند برای روز بزرگ (5) روزی که بپا خیزند مردم برای پروردگار جهانیان.

[المطففین: 1 – 6]

شرح: ﴿  ﴾: این وعیدیست از جانب خداوند برای کم‌فروشان و این فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ وقتی که از مردم بگیرند» علی به معنی «مِن» آمده یعنی از مردم بستانند ﴿  ﴾ «تمام بگیرند» ﴿  ﴾ «وقتی که برای مردم به پیمانه بدهند یا به وزن بفروشند﴿  ﴾ (یعنی کم می‌دهند) و حقوق مردم را ادا نمی‌کنند، همین گوره کم‌فروشان کسانی اند که آن‌ها را خداوند به ویل تهدید کرده است، ویل به

معنی عذاب و یا چاهی است در دوزخ که نامش ویل است. این فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ این استفهام توبیخی برای کم‌فروشان در کیل و وزن است. «یوم عظیم»: روز حشر برای حساب و جزا است، در شان نزول این شش آیت گفته شده است: قبلاً مردم مدینه بدترین مردم در کیل و وزن بودند چون این آیت نازل شد به برکت ارشاد آن تا امروز بهترین مردم و درستکارترین‌شان در فروش به کیل و وزن شدند، این روایت را فراء رحمة الله علیه, ذکر کرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیات را به تجوید بخوان و تکرار کن تا اکثراً آن را حفظ کنند.

2-شرح را بخوان و به هر جمله توقف کن و معنی آن را بیان کرده توضیح بده تا شنوندگان آن را بدانند.

3-آن‌ها را ازین وعید آگاه کرده و بگو: که کم‌فروشی از گناهان کبیره به حساب می‌رود.

4-آن‌ها را از وصایای ده‌گانه خداوند در سورهٔ انعام آگاه کن و بگو: که یکی از وصیت‌های ده‌گانه این فرمودهٔ خداوند است: ﴿  ﴾ (الأنعام: 152). «کیل و وزن را به عدالت و تمام به مردم بدهید».

5-ایشان را آگاه کن: که زشت‌ترین کم‌فروشان و بدترین دزدان آنانی هستند: که از نمازهای خود می‌دزدند که قرائت را دُرست نخوانده و رکوع و سجده را تمام نمی‌کنند و در آن‌ها آرام نمی‌گیرند.

6-آن‌ها را به حشر و حساب روز قیامت تذکر ده، زیرا این موضوع می‌تواند بهترین موعظه باشد.

7-به آن‌ها آگاهی بده: که ایستادن مردم در عرصات قیامت به حضور خداوند برای بعضی از مردم طولانی می‌شود تا این که از هزار سال هم تجاوز می‌کند طوری که کسی باشد که عرق کند و در عرق خود غرق شود و این فرورفتن در عرق به اندازهٔ صلاح و فساد حال شخص بود، کسی باشد که عرق تا کعب پا و کسی تا زانوها و کسی تا کمر و کسی تا شانه و کسی هم باشد که از عرق خود لجام می‌شود در روزی که پنجاه هزار سال طول دارد.

درس 8: حدیث پنج مجازات در مقابل پنج گناه

قوله صلى اللّه عليه وسلم فِي رواية مالك والبزار عن ابن عباس رضي اللّه عنهما: خمس بخمس: ما نقض قوم العهد إلا سلط الله عليهم عدوهم ولا حكموا بغير ما أنزل الله الافشا فيهم الفقر وما ظهرت الفاحشة فيهم الاظهر فيهم الطاعون وما طففُوا الكيل إلا منعوا النبات وأخذوا بالسنين، ولا منعوا الزكاة الا حبس الله عنهم المطر.	سخن پیامبرρ است که امام مالک و بزار از ابن عباس ب روایت کرده اند: پنج عذاب در مقابل پنج گناه قرار دارد، هیچ قومی پیمان خود نشکستند مگر این که خداوند دشمن را برایشان مسلط گرداند، و به غیر از احکام منزلۀ خداوند حکم نکردند، مگر این که در میان آن‌ها فقر و ناداری پدید آید، و در میان مردم فحشاء ظاهر نگشته مگر این که به مرض طاعون گرفتار گشتند، ، و کم‌فروشی نکردند مگر این که روئیدن گیاهان از ایشان گرفته شد و به قحطی دچار شدند، و زکات را منع نکردند، مگر این که خداوند باران را از آن‌ها می‌گیرد.

شرح: فرمودۀ پیامبرρ: «**خمس بخمس**» یعنی پنج خصلت از نافرمانی خداوند است که بر آن پنج عقوبت مرتب می‌شود و عذاب خداوند بر کسانی که این گناهان را مرتکب می‌شوند نازل می‌شود، و آن‌ها عبارت اند از: اول: «**ما نقض قوم العهد الا سلط الله عليهم عدوهم**» «قومی پیمان نشکستند مگر که خداوند دشمن‌شان را برایشان مسلط گرداند» و عهدشکنی عام است شامل تمام عهدهائی که در بین افراد و ملت‌ها منعقد شود می‌گردد، و سزای عهدشکنان این است که خداوند دشمنان کافرشان را بر آن‌ها مسلط گردانیده و حتی دشمنان شیطانی را نیز بر آن‌ها می‌گمارد تا گمراه و فاسدشان سازند. دوم: «**ولا حكموا بغير ما انزل الله**» حکم نکردند به غیر آنچه خدا فرستاده است به این که از قانون‌های عرفی و یا اروپایی کار گرفتند،

جزای چنین کرداری این است که نیازمندی و فقر در میان آن‌ها پدید آید، و گرفتار درویشی و ناداری گردند، چنانکه در ممالکی که عوض شریعت اسلام از قوانین اروپایی کار می‌گیرند، این گرفتاری‌ها دیده می‌شود. سوم: «**وما ظهرت الفاحشة فيهم**» در میان‌شان فحشا آشکار نگشت، مگر این که مرض طاعون در ایشان پدیدار شود. چهارم: «**ما طففوا الكيل**» یعنی از حق خریدار در وزن و پیمانه خود نکاستند، مگر این که از روئیدن گیاهان محروم شده و به قحط و خشکسالی گرفتار شدند. پنجم: «**ما منعوا الزكاة**» یعنی زکاتی که بر دارایی‌شان بود ادا نکردند مگر این که خداوند باران را از ایشان دریغ نمود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و خواندن خود را تکرار کن تا اکثر شنوندگان آن را یاد بگیرند.

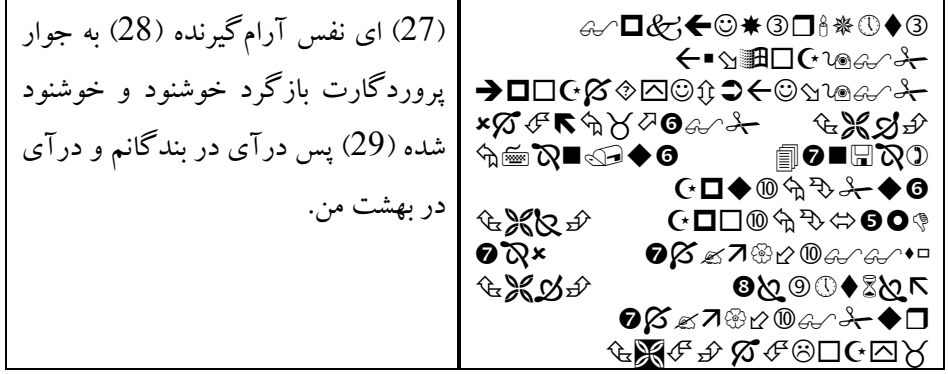
2- شرح مطالب را جمله جمله واضح بخوان و معنی آن‌ها را بیان کن تا بدانی که همگان به طور صحیح آن را فهیمده اند.

3- ایشان را از عواقب و خیم عهدشکنی، حکومت غیر قانون شرعی، آشکارشدن فحشاء مانند لواط و زنا و اختلاط مرد و زن، بیرون‌شدن زنان بدون حجاب، کم‌فروشی و گران‌فروشی، ندادن زکات آگاه کن این‌ها از گناهان کبیره اند بلکه دومی و پنجمی از موارد کفر به شمار می‌رود.

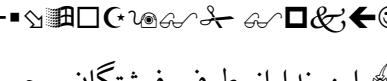
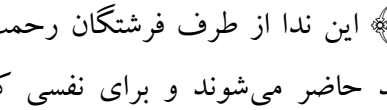
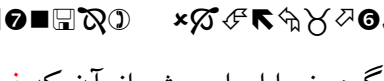
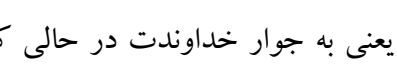
4- آن‌ها را از حق مسلمانانی که قوانین شرق یا غرب را در ممالک خود به کار بستند و از حکمیت قانون قرآن و سنت اعراض کردند آگاه کن: که چگونه جامعه‌شان رو به ضعف، ناتوانی و پستی می‌رود.

5- ایشان را از آغاز پدیدآمدن فحشاء که اختلاط زنان با مردان و مسافرت‌های دستجمعی که از عادات غربی است بیم ده.

درس 9: آیهٔ یا أیتها النفس المطمئنه

قال سبحانه وتعالی: 	فرمودهٔ خداوند بزرگ: (27) ای نفس آرام‌گیرنده (28) به جوار پروردگارت بازگرد خوشنود و خوشنود شده (29) پس درآی در بندگانم و درآی در بهشت من.

[فجر: 27 – 30]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ:   این ندا از طرف فرشتگان رحمت است که برای قبض ارواح بندگان نیکوکار خداوند حاضر می‌شوند و برای نفسی که آرام‌گیرنده به ایمان و کردار شایسته است، بعد از قبض روح می‌گویند و او را به وعدهٔ راست الهی مژده می‌دهند که:  یعنی به جوار پروردگار خود بازگرد، زیرا ارواح پیش از آن که فرته در گوشت پارهٔ که در رحم قرار داد بدمد، در جوار پروردگار خود جای داشتند. و این بهترین بشارت است که ارواح بندگان صالح خداوند آن را دریافت می‌کنند. این بشارت بار دیگر که ارواح از جوار پروردگار نزول کنند و در صحرای محشر به پیکرهای جدیدشان داخل گردند، از طرف فرشتگان به ایشان گفته می‌شود: که ای نفس: آرام‌گیرنده به سوی پروردگارت بازگرد تا برای همیشه در جوار کریم او جای گیری. و فرموده خدای تعالی:  یعنی به جوار خداوندت در حالی که تو به آنچه برایت از نعمت بخشیده و آماده کرده است خوشنود هستی، و او نیز از کردار

پسندیده‌ات راضی و خوشنود است پس غمگین مباش و بیم مکن. این فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿ ﴾ یعنی در میان بندگان شایسته‌ام درآی که با ایشان زندگی کنی ﴿ ﴾ به جنتم داخل شو که در آنجا نعمت‌های جاوید و خوشنودی پروردگار بزرگ است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به خوبی و تکرار کن تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح را جمله جمله به آرامی بخوان و معنی هریک را واضح بیان کن.

3- آن‌ها را آگاه کن: که این بشارت بزرگ ثمرهٔ ایمان صادق و کردار شایسته ایست که از شرک و گناهان کبیره خالی باشد، و باید این مقام را به صداقت در ایمان و کردار پسندیدهٔ خود طلب کنند و خود را از شرک کوچک و بزرگ، پوشیده یا آشکار دور گردانیده و از اعمال زشت و نامشروع پرهیز کرده از برپای‌داشتن نماز و تلاوت قرآن مجید در این راه کمک بگیرند.

4- به آن‌ها تعلیم ده: که این مقام را از خداوند بخواهند و پیوسته این دعا را بخوانند: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ نَفْسًا بِكَ مُطْمَئِنَّةً، تُؤْمِنُ بِلِقَائِكَ، وَتَرْضَى بِقَضَائِكَ، وَتَقْنَعُ بِعَطَائِكَ**»: «خداوندا! از تو می‌خواهم نفسی که به تو آرام گیرد و به ملاقات با تو ایمان داشته باشد، از قضای تو راضی و به بخشش تو قناعت کند».

درس 10: حدیث تعلیم دعا

ما رُوي عنه صلى اللّه عليه وسلم أنه قَالَ لِرَجُلٍ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ نَفْسًا بِكَ مُطْمَئِنَّةً، تُؤْمِنُ بِلِقَائِكَ، وَتَرْضَى بِقَضَائِكَ، وَتَقْنَعُ بِعَطَائِكَ.	از پیامبر ρ روایت شده است که برای مردی از یارانش گفت: بگو: خدایا! من طلب می‌کنم از تو نفسی را که به تو آرام گیرد، به ملاقات با تو ایمان داشته، و از قضای تو خوشنود باشد و به آنچه برایش بخشیده‌ای قناعت کند.

(رواه الحافظ ابن عساكر وعنه ابن كثير)

شرح: این فرموده: «**اللَّهُمَّ**» یعنی یا الله «ای خدا» این کلمه ندا ایست برای خداوند Ψ از طرف بندهٔ یکتاپرستی که به رحمت خداوند امیدوار و از عذابش ترسان است زیرا کلمه «اللهم» پیش از این که میم به وی ملحق شود یا الله بوده است، چون میم به اسم ذات متصل گشت، یاأ, حذف شده و اللهم گردید.

این فرموده: «**إِنِّي أَسْأَلُكَ**» از تو طلب می‌کنم تا برایم ببخشی «**نَفْسًا بِكَ مُطْمَئِنَّةً**» نفسی که به تو آرام گیرد به این که تو او را از عذاب ایمن گردانی، و وعده‌ات را به وی وفا کنی تا در جوارت آرام گیرد. این فرمودهٔ پیامبر: «**تُؤْمِنُ بِلِقَائِكَ**» بملاقات تو ایمان داشته باشد تا بعد از مرگش، او را به سویت بلند برند و تا روز قیامت در علیین باشد، سپس بعد از محاسبه و نجات از عذاب در جوار تو بازگردد. این فرموده پیامبر ρ «**تَرْضَى بِقَضَائِكَ**» به تقدیرت خوشنود باشد که بدانچه از دارایی و نیازمندی یا تندرستی و بیماری رنج و راحت در این جهان برایش دادی یا از وی بازگرفتی خوشنود باشد.

این فرموده پیامبر ρ: «**وَتَقْنَعُ بِعَطَائِكَ**» قناعت کند به بخشش تو یعنی بدانچه در این دنیا از کم و یا بیش، خیر یا شر قمستش کردی قانع باشد، زیرا این جهان سرای امتحان و آزمون است و نامهٔ تقدیر به آنچه خواهد شد نوشته شده است و کسی که از آن خوشنود باشد

جزایش خوشنودی خداوند است، و کسی که از تقدیر الهی ناراضی است از رضای باری تعالی محروم خواهد شد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا دانسته شود که بیشتر حاضران آن را یاد گرفته اند.

2- شرح را به آرامش بخوان و نکات مبهم و پوشیدهٔ آن را بیان کن تا فهمیده شود.

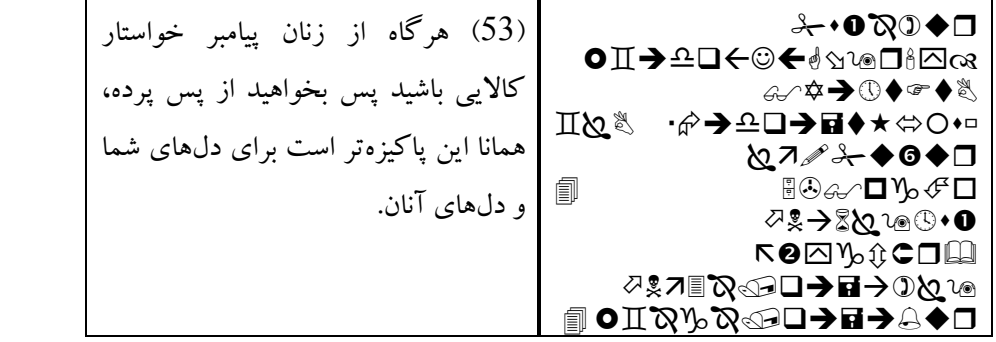
3- تعلیم‌شان ده که دعا همان عبادت است و نـدای خـدا در حـال دعـا بـه کلمـهٔ «اللهـم» پسندیده‌تر است.

4- آن‌هـا را از عقیـدهٔ بـرانگیختن در قیامـت آگـاه کـن، زیـرا ایـن عقیـده شـخص را بـه فرمانبرداری از خدا و رسولش یاری می‌دهد.

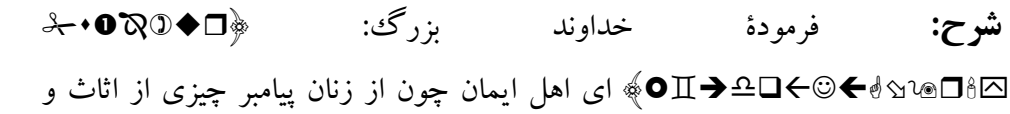
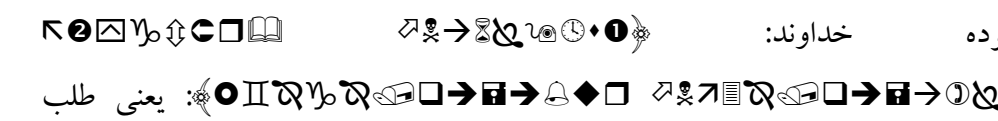
5- ایشان را به قبول قضا و قدر توصیه کن، زیرا صاحب چنین عقیده‌ای از کار و کوشش ناتوان نمی‌شود و ناامیدی را به خود راه نمی‌دهد، چون در کردارش فرمانبرداری خدا و پیامبرش را رعایت کرده است.

6- ایشان را از صفت قناعت آگاه کن: زیرا قناعت از اخلاق پسندیده به شـمار مـی‌رود و آن رضایت است و کم‌رغبتی به مال زیاد، و قلب بـه قناعـت فـارغ شـده و نفـس آرام می‌گیرد و خیر بسیاری را در بر می‌گیرد.

درس 11: آیهٔ سوال زنان از پشت پرده

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(53) هرگاه از زنان پیامبر خواستار کالایی باشید پس بخواهید از پس پرده، همانا این پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان.

[احزاب: 53]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ:  ای اهل ایمان چون از زنان پیامبر چیزی از اثاث و ظروف کارآمد خانه را بخواهید  از آن‌ها بخواهید از پس حجاب مانند پرده یا دری، تا این که نظر شما به روی ایشان نیفتد، زیرا این کار بر مردان بیگانه حرام است ولی مردان محرم بدون حجاب می‌توانند طلب متاعی را روبرو بنمایند. این فرموده خداوند:  یعنی طلب شما اثاث کارآمد را از پشت حجاب مانند در و غیره برای دل‌های شما پاکیزه‌تر است تا این که نظر، دل‌های شما را آلوده نکند و صفای آن را تیره نگرداند و گرفتار عواقبی که فطرتاً میل مردان به سوی زنان است نگردید، طوری که این کار برای دل‌های شما پاکیزه‌تر است و برای دل‌های زنان پیامبر ρ هم پاکیزه‌تر است، چون اینگونه خطرها از نگاه به چهره زنان پیامبرρ که بر همه مسلمانان برای ابد حرام هستند وجود دارد و خداوند مسلمانان را از آن بازمی‌دارد تا ارواح‌شان پاک و قلوب‌شان صفائیت خود را از دست ندهد آیا اینگونه خطرها

از نظر به چهرهٔ دیگر زنان متصور نیست؟ آری، به خداوند قسم که اینگونه خطرها امکان‌پذیر است و خیلی تعجب است از کسانی که بروی گشادن زنان مسلمان رأی می‌دهند و نظر به چهره‌های‌شان را جایز می‌شمارند و ادعا می‌کنند که سوال از پرده و پوشیدن روی ویژه‌ی زنان پیامبر ρ می‌باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را خوب واضح بخوان و تکرار کن تا این که اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و تکرار کن و معنی پوشیدهٔ آن را بیان کن و نکات پوشیده را واضح گردان.

3- شنوندگان را آگاه کن: که رستگاری و نجات در پاکی نفس همراه است و زیانش در آلودگی آن و نگاه عمدی به سوی زن بیگانه در نفس انسان آلودگی و کدورتی را پدید می‌آورد که به جز طلب آمرزش و توبه از آن پاکی حاصل نمی‌شود.

4- آن‌ها را از مکر کسانی که زنان مسلمان را به مسافرت‌های دسته‌جمعی و اختلاط مردان با زنان دعوت می‌کنند، هشدار بده، زیرا این‌ها قصد دارند که جامعه اسلامی را فاسد گردانند تا بدان سبب برایشان غالب شده و آن‌ها را خوار کنند تا از اخلاق و رویهٔ اسلامی دورشان کرده اسیر و بردهٔ خود گردانند، چنانکه عقاید ملت اسلامی را به فساد کشیدند و ایشان را از چشمهٔ قدرت‌شان که عمل به دستورات قرآنکریم و سنت پیامبر ρ است دور کردند.

درس 12: حدیث رفت و آمد اقوام شوهر

قول رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فِي حديث الصحيحين: إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ: أَرَأَيْتَ الْحَمْوَ؟ قَالَ: الْحَمْوُ الْمَوْتُ.	فرمودۀ پیامبر ρ در حدیثی که بخاری و مسلم آن را روایت کرده اند چنین است: بپرهیزید از واردشدن بر زنان بیگانه، مردی از انصار گفت: برای ما حکم اقوام شوهر را بیان کن، آنحضرت گفت: آن‌ها مرگ هستند.

شرح: فرمودۀ رسول خدا: «**إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ**»: یعنی به شدت حذر کنید از درآمدن به نزد زنان بیگانه و آن‌ها زنانی هستند که مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران خواهر و دختران برادر بر وی حرام نیستند، زیرا مسلمانان از واردشدن بر این زنان محرمه و صحبت‌کردن با این‌ها بدون حجاب منع نگشته اند، زیرا نکاح‌گرفتن این زنان به طور ابدی بر آن‌ها حرام است. این فرمودۀ پیامبر ρ فقال رجل: یعنی مردی انصاری از یاران پیامبرρ، انصار اهل مدینه می‌باشند که پیامبر ρ و دیگر مهاجرین را در مدینه جای دادند و یاری کردند. چون آن مرد این سخن پیامبر ρ را که واردشدن بر زنان غیر محرم را به شدت نهی می‌کرد شنید، به صورت استفهام پرسید: افرأیت الحمو؟ ای رسول خدا ما را از حکم حمو آگاه کن، یعنی افراد نزدیک شوهر مانند: برادر، برادرزاده و پسر عموی شوهر، از این‌ها پرسید که آیا می‌توانند بر زن داخل شوند؟ پیامبر ρ در جواب او گفت: الحمو الموت، یعنی کسی دوست دارد که مرگ در خانه‌اش وارد شود و فرمان به نابودی خودش و اهلش بدهد. این که پیامبر ρ کلمه مرگ را بر مرد بیگانه استعمال نموده، بدین سبب است که داخل‌شدن مرد بیگانه بر زنان سبب زنا می‌گردد که عمل ناپسند زنا سبب قتل و رجم زانی و زانیه می‌شود، چنانچه لفظ زنا به معنی مرگ هم آمده است، و این از قبیل ذکر سبب است به ارادۀ مسبب.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و آن را تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

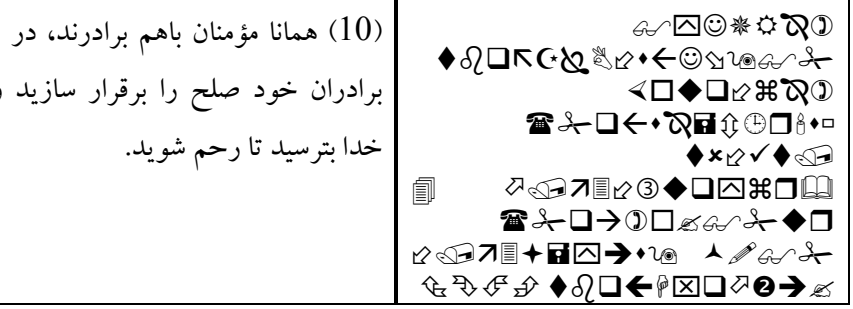
2- شرح را به آرامی بخوان و آنچه از معنی مراد بر شنوندگان پوشیده است بیان کن.

3- آن‌ها را از سهل‌انگاری در برهنه‌کردن روی دختران و زنان‌شان در مقابل مردان بیگانه برحذر دار.

4- به ایشان بگو: که برادر، برادرزاده و پسران عموی شوهر، برای زن محرم شمرده نمی‌شوند.

5- آن‌ها را از عواقب و خیم اختلاط مردان و زنان بیگانه و فروگذاشتن حجاب بترسان، زیرا این عمل سبب خرابی و هلاکت است و موجب خسران دنیا و آخرت می‌گردد.

درس 13: آیهٔ مؤمنان برادر یکدیگرند

قول الله تعالی: 	فرمودهٔ خداوند بزرگ: (10) همانا مؤمنان باهم برادرند، در میان برادران خود صلح را برقرار سازید و از خدا بترسید تا رحم شوید.

[حجرات: 10]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  : این شعاریست از جانب خدای تعالی که با آن برادری اسلامی را میان مؤمنان برقرار می‌سازد، چنانچه رسول الله ρ فرموده: مسلمان برادر مسلمان است، لذا بر مسلمین لازم است این برادری را که خداوند Ψ برقرار نموده، پذیرفته و مراعات نمایند، و هرگاه نزاعی بین دو مسلمان پیش آمد که به این برادری ایمانی زیان وارد می‌کرد، بر مسلمانان دیگر تعیین مکلف شده که آنچه روابط و رشته‌های اُخوت و برادری را خراب کرده باشد، اصلاح نمایند تا روحیهٔ تعاون بر نیکوکاری و تقوی در بین‌شان جاری گردیده و به وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر عمل کرده باشند، فرق نمی‌کند که این نزاع بین دو فرد ایجاد شده باشد یا بین دو گروه یا دو کشور. و هرگاه مسلمانان از ادای این واجب اصلاح ذات البین بازماندند در حقیقت از فرمان پروردگار سر پیچیده و از اطاعتش خارج شده و خویشتن را در معرض عذاب الهی قرار داده اند چنانچه این فرمودهٔ خدای تعالی Ψ:  (الحجرات: 10). «وتقوای الهی پیشه سازید تا مشمول رحمت شوید». مؤید این مسئله است. اگر مسلمانان از خدای بزرگ نترسیدند و از

آشتی‌دادن مسلمانان و ایجاد صلح در میان جنگ‌جویان، خودداری کردند، خداوند بر آن‌ها عذاب نازل کرده زیرا اوشان اهل رحمت نیستند، ازین جاست که خداوند Ψ تقوای خود را که صلح در میان مؤمنان است به رسیدن رحمت خویش در حال و آینده وابسته کرده می‌فرماید: ﴿♦♌❑🡐✠❑⬀❷🡒✍ ⬀🖃⬈▤✦🖬🖂🡒♦🌀◉﴾: تا این که شما به واسطه این میانجی‌گری و اصلاح مورد رحمت شاملهٔ خداوند Ψ قرار گیرید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و چند مرتبه تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را یاد بگیرند.

2- هر جمله از شرح را جدا جدا بخوان و معنی هر جمله را تفسیر کرده و بیان کن تا نکته‌های پوشیدهٔ آن بر شنوندگان واضح گردد.

3- آن‌ها را آگاه کن و هشدار بده که این برادرکشی و جنگ داخلی که امروز در میان مسلمانان وجود دارد به علت فروگذاشتن آشتی و ترک صلاح در میان شان است.

4- ایشان را از عواقب و خیم تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان برحذر کن.

5- آن‌ها را به فرمودهٔ پیامبر ρ: «مسلمان برادر مسلمان است بر وی ستم نمی‌کند، خوارش نمی‌سازد، به وی دروغ نمی‌گوید و او را به دشمن نمی‌سپارد، همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است: خون، آبرو و مال او».

درس 14: حدیث منع از بغض، حسد و دشمنی

قوله صلی اللّه علیه وسلم: لاَ تَبَاغَضُوا، وَلاَ تَحَاسَدُوا، وَلاَ تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلاَ يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلاَثَ.	پیامبر خدا ρ فرموده است: باهم کین نورزید و حسد نکنید و بر یکدیگر پُشت نگردانید و علاقه برادری را مبرید، بندگان خدا و با هم برادر باشید برای یک مسلمان حلال نیست تا برادر مسلمانش را زیادتر از سه روز ترک کند.

(رواه الشیخان)

شرح: فرمودۀ پیامبر: «**لاَ تَبَاغَضُوا**»: یعنی بعضی از شما همراه بعض دیگر کینه نورزد زیرا بغض و کینه ضد حُبّ و دوستی است، نهی پیامبرρ از بغض در میان مسلمانان امر است به ایشان به دوستی با یکدیگر ، باید مؤمن، مؤمن را دوست بدارد و همراهش کین نداشته باشد و مسلمان از مسلمان دیگر به هرحالی که باشد از ثروت، نیازمندی، قدرت و ناتوانی، زیبایی و زشتی نباید بد ببرد، بلکه لازم است تا او را دوست بدارد زیرا وی برادر اوست و برای پایدارماندن علاقۀ برادری ایمانی خود باید ناراحتی‌اش را تحمل کرده با او دوستی نماید. این فرموده پیامبر ρ: «**وَلاَ تَحَاسَدُوا**» یکی از شما بر دیگری حسد نورزد حسد به معنی آرزوی زوال نعمت از طرف مقابل است و این یکی از گناهان کبیره است، زیرا این عمل اعتراض بر خداوند است که چرا نعمت و بخشش خود را به کسی که از بندگانش خواسته ارزانی داشته است. و گاهی حسد شخص را وادار به دشمنی و بدبردن و رسانیدن زیان به طرف مقابل می‌کند، «**وَلاَ تَدَابَرُوا**» (پُشت بهم نگردانید) یعنی بهم دشمنی نکنید زیرا پُشت‌کردن کنایه از دشمنی است که یکی نمی‌خواهد روی دیگری را به علت دشمنی ببیند. این فرموده پیامبر ρ «**ولا تقاطعو**» یکی از شما پیوستگی خود را از برادرش قطع نکند، بلکه لازم است مسلمانان در میان خود رفت و آمد کرده و از هم دیدار کنند و به کردار نیکو و

تقوا باهم معاونت کنند. این فرمودهٔ پیامبر: «**وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا**»: یعنی ای مسلمانان و ای بندگان خداوند! گروهی با گروه دیگری برادرانه رفتار کنید، زیرا مسلمان برادر مسلمان است، پس این برادری را به دوستی با یکدیگر و دوری‌جستن از بغض، حسد، و جدائی ثابت گردانید. این فرمودهٔ پیامبر: «**لاَ يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلاَثَ**» یعنی حلال نیست که جدایی مسلمان زیادتر از سه شبانه روز باشد. آری، اینطور پیامبر خدا جدایی و ترک مسلمان را نهی کرده است، ولی مسلمان به ترک دیدار برادر مسلمانش تا سه شبانه روز یا کمتر از آن گناهکار نمی‌شود و اگر این هجران و جدایی زیادتر از سه شبانه روز بود گنهکار است باید از کردهٔ خود پشیمان شود و از خداوند آمرزش بخواهد و به سوی محبت و سخن‌زدن همرای برادرش بازگردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان بدانند.

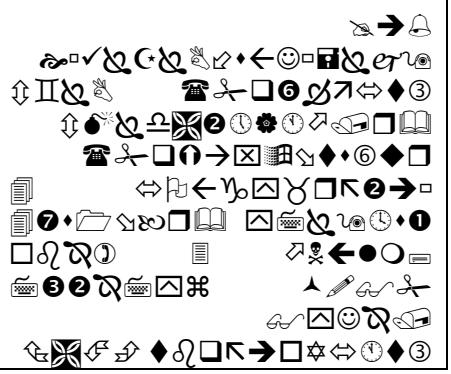
2- شرح را جمله جمله به آرامی بخوان و در هر جمله توقف کن و آن را تفسیر کن تا معنی آن را بدانند.

3- مژده بده: به دین اسلام چه اسلام دینی است که میان سفید و سیاه، بزرگ و کوچک، آزاد و بنده فرق نمی‌گذارد، زیرا همه‌ی شان برادران فی الله می‌باشند.

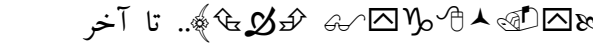
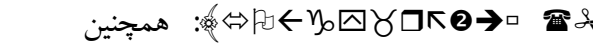
4- ایشان را از نتایج پُشت بهم کردن، جدایی، دشمن، حسد بردن، که پیامبر ρ از آن در این حدیث نهی کرده است آگاه کن، زیرا این کردار سبب هلاکت و نابودی جامعه اسلامی است.

5- آن‌ها را از آثار نیک اخوت ایمانی آگاه کن، اگر این برادری در میان مسلمین به صورت کامل اجرا شود به منزلهٔ نردبان ترقی و سعادت در دین و دنیای ایشان خواهد بود.

درس 15: آیهٔ چشم‌پوشی از نامحرمان

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(30) بگو به مؤمنان که فرو گیرند چشم‌های خودشان را و نگهدارند شرمگاه‌های خویش را. این پاکیزه‌تر است برای آن‌ها، بیگمان خدا باخبر است بدانچه می‌کنند.

[النور: 30]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  خدای تعالی رسولش حضرت محمد ρ را امر می‌کند که به مؤمنین این امت, آنهائی که به الله Ψ به عنوان پروردگار و به اسلام, به عنوان دین و به محمد ρ به عنوان نبی و رسول ایمان دارند بگویید که پروردگار شما امر می‌کند چشمان‌تان را از نظرکردن به زنان بیگانه بپوشید، زیرا از نظرکردن به زنان بیگانه و نامحرم برای شما زیان وارد می‌شود چون نظر حرام به زنان بیگانه روح را آلوده نموده و نفس را پلید می‌گرداند و این با عمل تزکیهٔ نفس و پاکی آن منافات دارد در حالی که رستگاری آخرت وابسته به تزکیهٔ نفس است نظر به این گفتهٔ خداوند Ψ:  .. تا آخر آیت (الشمس: 9). «حقیقتاً رستگار شد کسی که نفس را از آلایش نگهداشت». فرمودهٔ خداوند Ψ:  همچنین برای‌شان بگو: که عورت خود را حفظ نموده و از زنا و فحشا نگهدارند، چون ارتکاب زنا و فحشاء طهارت و پاکی روح انسان را نابود می‌کند طوری شرک آن را نابود می‌گرداند. و

فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿ ﴾ یعنی پوشیدن چشم از نظرهای نامشروع و حفظ و نگهداشت عورت از فحشاء، برای طهارت و پاکی روح انسانی، موثریت بیشتری دارد نسبت به دیگر اعمال صالحه‌ای که نفس را تزکیه و پاک می‌نماید مثل «افعال و عبادات مستحبه». این فرموده خداوند Ψ: ﴿ ﴾: یعنی باید مسلمانان از خدا بترسند و آنچه خداوند به آن‌ها از پوشیدن چشم و نگهداشتن شرمگاه امر کرده مراعات کنند و از آنچه از نظر به سوی زنان بیگانه و ارتکاب فحشا نهی فرموده، خود را بازدارند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با تجوید بخوان و تکرار کن تا بدانی که بیشتر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معنایش را بیان کن و آنچه که فهمش دشوار باشد تفسیر کن.

3- به آن‌ها بیاموز: که خداوند اول به پوشیدن چشم امر کرده سپس به محافظه و نگهداری فرج، زیرا نظر و نگاه آلوده، قاصد و آغازگر زنا می‌باشد، پس باید فرمان خداوند را در پوشیدن چشم از نظر به نامحرم مراعات نمود.

4- آن‌ها را آگاه کن: که از وسایل محافظه این است که مجردان زن بگیرند و مردم یکدیگر خود را در امر ازدواج کمک و مساعدت نمایند، و از گرفتن مهریهٔ زیاد پرهیز نمایند و زیاده از قدر ضرورت چیزی طلب نکنند.

5- برای‌شان یادآوری کن: که واجب است مراقب امر و نهی الهی باشند، زیرا کسی که امر و نهی الهی را حفظ و مراعات نموده، خدا و رسولش را اطاعت کرده و کسی که اطاعت خدا و رسول را نموده رستگار و سعادتمند گردیده است.

درس 16: حدیث منع نشستن بر سر راه‌ها

قوله صلی اللّه علیه وسلم: إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الطُّرُقَاتِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا لَنَا مِنْ مَجَالِسِنَا بُدٌّ نَتَحَدَّثُ فِيهَا. فَقَالَ رَسُولَ اللَّهِ ρ: فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلاَّ الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ قَالَ: غَضُّ الْبَصَرِ وَكَفُّ الأَذَى وَرَدُّ السَّلاَمِ وَالأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ.	پیامبر ρ فرمود: از نشستن در راه‌ها بپرهیزید، یاران گفتند: ای رسول خدا! ما را از نشستن در آن‌ها چاره نیست که در آنجا باهم سخن می‌گوئیم. پیامبر ρ فرمود: اگر از نشستن چاره نداشتید، پس حق راه را بدهید، یاران گفتند: حق راه چیست؟ رسول خدا ρ فرمود: پوشیدن چشم، و دورداشتن آزار از مردم و گفتن جواب سلام، و امر به معروف و نهی از منکر.

(رواه الشیخان)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الطُّرُقَاتِ**»: آن حضرت ρ مسلمانان را از نشستن در خیابان‌ها کوچه‌ها و گذرگاه‌ها منع می‌کند، زیرا این کار برای رهگذرها و عابرین اذیت و آزار می‌رساند و این پرسش یاران: «**مَا لَنَا مِنْ مَجَالِسِنَا بُدٌّ نَتَحَدَّثُ فِيهَا**»: یاران به طور معذرت‌خواهی برای پیامبر گفتند: ما در مجالس خود از نشستن در راه‌ها چاره نداریم، این سخن را به طور عذرخواهی گفتند و اظهار داشتند، ما در آنجا راجع به کار دنیای خود گفتگو و مشوره می‌نمائیم، زیرا ما جای نشست دیگری غیر از سرگذرها نداریم، پس رسول خدا ρ در جواب‌شان فرمود: «**فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلاَّ الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ**» «اگر نخواستید از نشستن پرهیز کنید پس حق راه را بدهید» پرسیدند: کدام چیز برایشان واجب می‌شود و گفتند: «**وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟**» «ای رسول خدا حق راه چیست؟» پیامبرρ در جواب‌شان حق راه را بیان فرمود و آن پنج چیز است اول- غض البصر «پوشیدن چشم است» اگر زنی از راه عبور کند و یا از درب یا پنجره خانه‌اش آشکار گردد چشم خود را فرو بندند.

دوم: «**كَفُّ الأَذَى**» «منع اذیت» که هیچ رهگذری را از دست و زبان خود اذیت نکنند. سوم: «**رَدُّ السَّلاَمِ**» «گفتن جواب سلام» چون کسی برایشان سلام بگوید برایش جواب بگویند وعلیکم السلام ورحمه الله وبرکاته «سلامتی و رحمت و برکات خدا بر شما باد» چهارم: «**الأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ**» «فرمودن به کارهای نیک و شایسته» وقتی دیدند کار شایسته و معروفی را کسی ترک می‌کند برایشان واجب است که وی را بر انجام آن امر کنند و دستور دهند تا آن را به جا آورد. پنجم: «**النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ**» «منع و بازداشت از ناشایست» چون ملاحظه کردند که رهگذری کار ناشایست و زشتی را مرتکب می‌شود، وی را از آن بازدارند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

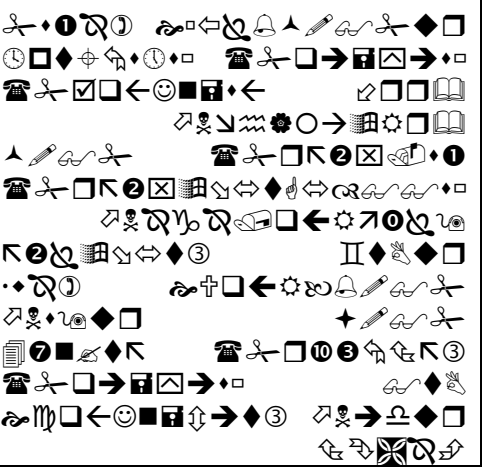
1- عبارت حدیث را به خوبی بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثراً آن را حفظ کرده اند.

2- شرح حدیث را بخوان و معنی پوشیدهٔ آن را بیان کن و تکرار کن تا شنوندگان خوب بفهمند.

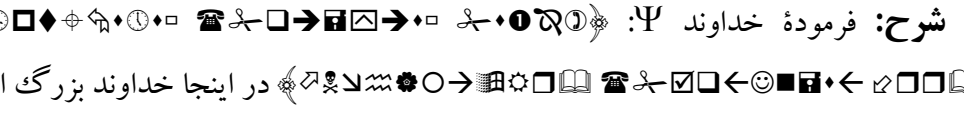
3- ایشان را ازین واجبات پنج‌گانه آگاه کرده و بگو: کسی که سر راه‌ها می‌نشیند باید این‌ها را رعایت کند.

4- به آن‌ها بیاموز: که این واجبات پنجگانه بر مسلمان واجب است چه در سر راه باشد یا در دیگر جای، آری پوشیدن چشم، دورداشتن آزار، رد سلام، امر به معروف و نهی از منکر همهٔ این‌ها بر مسلمان واجب است در هرجایی که باشد.

درس 17: آیهٔ استغفار در وقت گناهان

قول الله تبارک وتعالی:	فرموده خدای تبارک و تعالی:
	(135) آنان که هرگاه فحشایی کنند یا بر خود ستم کنند یاد خدا کنند و آمرزش گناه خویش خواهند، و کیست که بیامرزد گناهان را جز خدا و اصرار نکنند بر آنچه کردند و خود می‌دانند.

[آل عمران: 135]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  در اینجا خداوند بزرگ از پرهیزگارانی که برای‌شان جنتی به فراخی آسمان و زمین آماده کرده است خبر می‌دهد و می‌گوید: این هم از صفات پرهیزگاران می‌باشد، چنانچه صفات دیگری نیز از ایشان قبلاً در قرآنکریم ذکر شده است و این صفت چنین است که چون از ایشان عمل فاحشهٔ به وسوسهٔ شیطان سر زند که مثلاً زنا کند یا مرتکب گناهی دیگری از گناهان کبیره بگردد یا بر نفس خود به ترک واجبی یا فعل حرامی ستم روا دارد که با قباحت فحشا نرسد، خدای را یادآورده و از او تعالی بشرمد و از گناه خود طلب آمرزش کند، خداوند بر او ببخشاید و اثر ظلمت آن را از نفس او دور گرداند زیرا این مؤمن اهلیت درآمدن به بهشت را پیدا کرده است. و این فرمودهٔ خداوند:  این استفهام برای نفی و انکار است، یعنی: کسی گناه را نمی‌آمرزد

مگر خداوند، بدین جهت از خداوند طلب بخشش می‌کنند چون می‌دانند که گناهان را به جز خداوند بزرگ، کسی نمی‌آمرزد. فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿❐◆۞➔❐✂☎ ۞↖☜☜❶❿❐✂❑➔🖬🖂➔🔹▫ ✍♦✍ 🗐❼■✍♦↖ ☎✂❑➔🖬🖂➔🔹▫ ✍♦✍ 🗐❼■✍♦↖ ☎✂❐❿❸☜☜۞↖☜☜☎﴾ یعنی بر گناهان صغیره و کبیره اصرار نکردند، معنی اصرار بازگشت به گناه است چند مرتبه و عدم توبه از آن. و این فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿❐◆➔♎☠۞♦➔⇳🖬■☺←❑♍❐✠۞➔♎☠۞♦➔⇳🖬■☺←❑♍❐✠﴾ یعنی می‌دانند که گناهی را که انجام دادند حرام است، یا آنچه ترک کردند واجب است، به خلاف کسانی که حرام و واجب را ندانند که آن‌ها طلب آمرزش نمی‌کنند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا بیشترشان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و در هر جملهٔ آن توقف کن و معنایش را بیان کن، تا بدانی که شنوندگان آن را فهمیده اند.

3- آن‌ها را به فضیلت ذکر خداوند به زبان و قلب آگاه کن و بگو: که ذکر خدا حصار محکمی است که شیطان از واردشدن به قلب کسی که خدای را یاد می‌کند ناتوان است.

4- ایشان را به فضیلت استغفار آگاه کن، چون پیامبرρ می‌فرماید: «کسی که استغفار کند و بر گناه خود آمرزش بخواهد اگر روزی هفتاد بار عود کند اصرار نکرده است».

5- به ایشان آگاهی ده: که گناه صغیره به واسطه اصرار تبدیل به گناه کبیره می‌شود، چنانچه گفته شده است، گناه کبیره‌ای با استغفار و گناه صغیره‌ای همراه اصرار وجود ندارد.

درس 18: حدیث بخشش گناهان

قوله صلی اللّه علیه وسلم: قَالَ اللَّهُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنك لاَ أُبَالِي. يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلاَ أُبَالِي. يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لاَ تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً.	پیامبر ρ می‌فرماید: که خداوند بزرگ فرموده است: ای پسر آدم! تا هنگامی که من را بخوانی و امیدت به من باشد، هر عمل زشتی که انجام داده‌ئی تو را می‌بخشم و از آن باکی ندارم، ای پسر آدم! اگر گناهانت به چشم انداز آسمان برسد و از من آمرزش بخواهی تو را می‌آمرزم و از آن باکی ندارم، ای پسر آدم اگر در محشر آمدی و گناهانت به اندازۀ پهنای زمین باشد سپس به نزدم برسی که چیزی را به من شریک نیاورده‌ای، به اندازۀ پهنای زمین برایت مغفرت خود را عنایت می‌کنم.

(رواه الترمذی وحسنه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ که خداوند فرمود تا آخر حدیث، این حدیث از احادیث قدسی است، زیرا لفظ آن در قرآن مجید موجود نیست و نسبتش به خداوند داده شده است، پس حدیث قدسی گفته می‌شود. این فرمودۀ خداوند Ψ: ای پسر آدم! خطاب به هر فرد انسان می‌باشد و این فرموده پیامبر ρ: «**إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنك وَلاَ أُبَالِي**» در این عبارت بیان اکرام خدا به بندگان مؤمن و پیامبران وی می‌باشد می‌فرماید: چون مؤمن هرگاه گناه کند سپس از خداوند بخواهد که گناهش را بیامرزد و چنین امیدی از او تعالی داشته باشد، خداوند او را آمرزیده و از تقصیراتش درمی‌گذرد، به شرطی که این بنده پیوسته توبه کرده و طلب آمرزش کند و از او تعالی بخواهد که او را مورد مغفرت و رحمت خود

قرار دهد. این فرموده خداوند بزرگ «**يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ**» یعنی اگر گناهان تو از بسیاری به بلندی آسمان برسد «**ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِی**» بعد از آن از من بخواهی که آن‌ها را بر تو ببخشم «**غَفَرْتُ لَكَ وَلاَ أُبَالِی**» آن‌ها را بر تو می‌بخشم از بسیاری و از کمی آن باک ندارم تا آن هنگام که از من مغفرت بخواهی. این فرمودهٔ پیامبرρ: «**يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ أَتَيْتَنِی**» یعنی ای فرزند آدم اگر به روز قیامت بدانچه نزدیک باشد که پهنای زمین از آن گناه و لغزش پُر شود « **ثُمَّ لَقِيتَنِی**» «باز مرا ملاقات کنی» در صحرای محشر و در مقام حساب «**لاَ تُشْرِكُ بِی شَيْئًا**» که به من در دنیا شریک یا شریک‌های عقیده نکنی مزد تو را می‌دهم «**لأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا**» میدهم تو را به آنچه نزدیک باشد که پهنای زمین را پر گرداند از آمرزش و مغفرت گناهانت.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

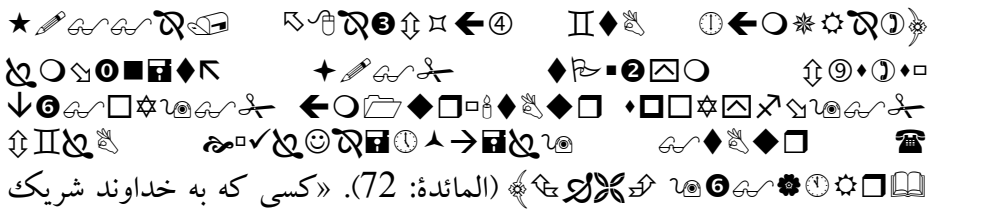
1-حدیث را بخوان و خوب تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح را به آرامی بخوان و تمام معانی که حدیث شامل آنست برای شنوندگان بیان کن.

3-آن‌ها را به فضیلت دعا آگاه کن و بگو: که دعا خودش عبادت شمرده می‌شود و برای‌شان آداب دعا را بیاموز و آن‌ها عبارت اند از: پوشیده دعاکردن و در میان دعا تضرع و زاری‌نمودن و امیدواربودن و یقین‌داشتن به این که دعایش اجابت می‌شود و اصرار و دوام‌کردن به دعا و از حد دعا تجاوز نکردن یعنی نخواستن آنچه سنت خداوند به آن جاری نشده باشد، مثل این که دعا کند که به پیامبری برسد یا این که پس از پیری باز جوان گردد.

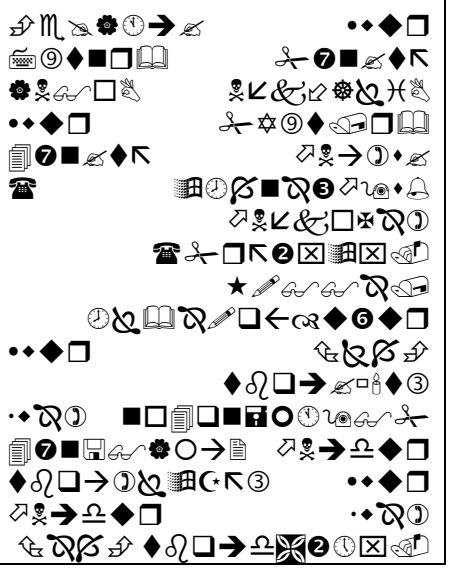
4-آن‌ها را از فضیلت طلب مغفرت آگاه کن، زیرا طلب مغفرت از قوی‌ترین اسباب گشایش و وسیله‌ایست به آنچه از ثروت و فرزند و دیگر چیزها می‌خواهند.

5-به آن‌ها بیاموز: که هرکس در حالت شرک به خداوند بمیرد همچنان مشرک در قیامت برانگیخته می‌شود و بهشت برایش حرام است خداوند می‌فرماید:

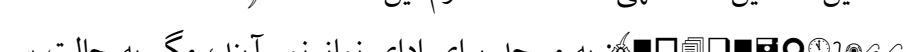


(المائدة: 72). «کسی که به خداوند شریک مقرر کند به تحقیق که خداوند بشهت را برایش حرام کرده است و جایگاهش د وزخ است و برای ستمگاران یاری‌دهندهٔ نیست».

درس 19: آیهٔ عدم نماز بر جنازه منافقان

قول الله جل جلا له:	فرموده خداوند بزرگ:
	(84) بر یکی از آنان نماز مخوان و بر سر گورش مایست چرا که آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند. (54) و به نماز نمی‌ایستند جز با سستی و تنبلی و انفاق نمی‌کنند جز از روی ناچاری.

[التوبه: 84 و 54]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  : ای پیامبر! بر هیچیک از منافقین اگر بمیرد نماز مخوان  : و بر گور او مایست که وی را در لحد بگذاری و برایش طلب مغفرت کرده و به ثبات ایمان او دعا کنی. خداوند علت این نهی را بیان کرده می‌فرماید: (انهم): یعنی منافقین  به خدا و رسولش کافر شدند یعنی در باطن‌شان کافر هستند گرچه در ظاهر اظهار می‌کنند که مؤمن هستند، این نخستین علت نهی است، علت دوم این است که  : به مسجد برای ادای نماز نمی‌آیند، مگر به حالت سستی و کسالت و از بیم کشته‌شدن برای تظاهر به مسجد می‌آیند و نماز می‌خوانند اما در باطن از نماز

بد می‌برند زیرا این‌ها به زندگانی آخرت و گرفتن پاداش کردار نیک و بد عقیده ندارند. و علت سوم این است هرگاه از منافقین خواسته شود تا از مال خود در راه جهاد یا رفع نیازمندی فقرا و یا واجبی دیگر خرج کنند، این کار را نمی‌کنند مگر با کراهت، زیرا ایشان نمی‌خواهند که پیامبر نصرت پیدا کند و مشرکان شکست خورده و شرک نابود گردد لذا از روی تقیه این تکالیف مالی را انجام می‌دهند نه برای ایمان و امید ثواب نزد خدا , لذا وقتی از طرف شارع برای‌شان دستور داده می‌شود: تا از مال‌های خود انفاق کنند: ﴿❐◆•• ③↖☪▦♌♑→❑◆♌♦ ♑•• ❐◆♎➔❑→♌♦﴾: نفقه می‌کنند با کراهیت و تنفر زیرا در نگاه ایشان بر اینگونه انفاق‌ها کدام فایدهٔ مرتب نیست، بلکه آن را برای خود زیان تصور می‌نمایند، چه با آن، دین خدا نصرت پیدا کرده و مشرکین دچار شکست می‌گردند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا بدانی که همگان مفهوم آیت را دانسته اند.

3- آگاه‌شان گردان: که با نزول این آیه خواندن نماز جنازه بر مردهٔ کافر حرام شد، پس مسلمانان نباید بر مردهٔ کافر نماز بخوانند.

4- آن‌ها را آگاه کن: که مردهٔ کافر غسل داده و کفن نمی‌شود و او را به گورستان مسلمین دفن نمی‌کنند و بر وی نماز نمی‌خوانند.

5- آن‌ها را آگاه کن: که سستی‌کردن در ادای نمازهای پنجگانه علامهٔ نفاق است.

6- به آن ها بگو: کسی که در راه خدا به کراهت انفاق می‌کند ثواب ندارد، و صدقه‌دهنده مستحق مُزد و ثواب نمی‌گردد، مگر که به رضا و خلوص در راه خداوند خرج و انفاق کرده باشد.

درس 20: حدیث فضیلت تشییع جنازه مسلمان

قوله صلی اللّه علیه وسلم فِي رواية البخاري: مَنِ اتَّبَعَ جَنَازَةَ مُسْلِمٍ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، وَكَانَ مَعَهُ حَتَّى يُصَلَّى عَلَيْهَا، وَيَفْرُغَ مِنْ دَفْنِهَا، فَإِنَّهُ يَرْجِعُ مِنَ الأَجْرِ بِقِيرَاطَيْنِ، كُلُّ قِيرَاطٍ مِثْلُ أُحُدٍ، وَمَنْ صَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ رَجَعَ قَبْلَ أَنْ تُدْفَنَ فَإِنَّهُ يَرْجِعُ بِقِيرَاطٍ.	بخاری از پیامبر ρ روایت می‌کند که آنحضرت ρ فرموده است: کسی که با ایمان و اخلاص به جنازه مسلمانی برود و همراهش باشد تا بر وی نماز خوانده و دفن شود، البته چنین کسی با دو قیراط مزد بازمی‌گردد که هر قیراطی به اندازهٔ کوه احد است، و کسی که بر جنازه نماز بخواند و سپس بازگردد پیش از دفن میت البته این شخص با یک قیراط بازمی‌گردد.

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**مَنِ اتَّبَعَ جَنَازَةَ مُسْلِمٍ**» یعنی کسی که همراه جنازه از جای وفاتش بیرون شود و در عقب و اطراف آن برود تا آن را تشییع کند و گفته پیامبر ρ: «**إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا**»: این حالت مانند شرطیست در حصول اجر و ثواب، ایمان تصدیق است به وعدهٔ خداوند به دادن مزد و احتساب: طلب ثواب خاص از خداوند است که به تشکر و خوش‌آمدگویی مردم نظر نداشته باشد. فرموده پیامبر ρ: «**وَكَانَ مَعَهُ**»: یعنی همراه جنازهٔ مسلمان باشد و از وی جدا نشود «**حَتَّى يُصَلَّى عَلَيْهَا**»: تا بر وی نماز خوانده شود «**وَيَفْرُغَ مِنْ دَفْنِهَا**» و از دفنش فارغ شود «**فَإِنَّهُ يَرْجِعُ مِنَ الأَجْرِ بِقِيرَاطَيْنِ، كُلُّ قِيرَاطٍ مِثْلُ أُحُدٍ**» بازمی‌گردد با دو قیراط هر قیراطی به اندازهٔ احد است مراد کوه احد که در مدینهٔ طیبه است. و این گفتهٔ پیامبر ρ: «**وَمَنْ صَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ رَجَعَ**»: یعنی بر جنازه نماز خوانده و سپس به خانه یا سر کارش بازگردد، «**قَبْلَ أَنْ تُدْفَنَ**»: پیش ازین که مرده دفن شود، «**فَإِنَّهُ يَرْجِعُ بِقِيرَاطٍ**»: پس این شخص به یک قیراط مزد بازمی‌گردد، زیرا او تا فراغت از دفن منتظر نمانده است، و پاداش و مزد همواره به اندازهٔ عمل داده می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح را بخوان و به هر جمله توقف کن و کوشش نما که شنوندگان آن را بفهمند.

3-آن‌ها را آگاه کن: که از این حدیث صحیح فضیلت تشییع و نماز جنازه ثابت می‌گردد.

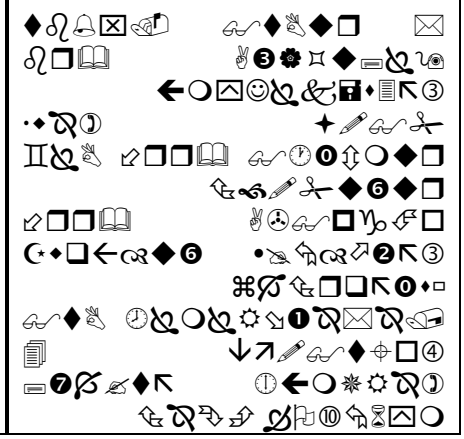
4-به ایشان بفهمان: که مدار عمل به نیت است و کسی که در عمل خود قصد طاعت خداوند و امید ثواب او را داشته باشد، از طرف خداوند به پاداش کامل عمل خود می‌رسد.

5-آن‌ها را آگاه کن: که دفن مرده واجب کفایی است ولی تشییع سنتی است که بدان ترغیب شده و برای فاعلش اجر و ثواب به همراه دارد، و کسی که ترک کند عذاب نمی‌شود.

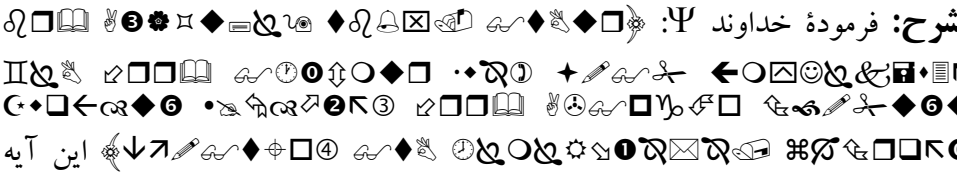
6-برای‌شان نماز جنازه را به ترتیب زیر بیاموز: جنازه به طرف قبله نهاده شود، اگر مرد باشد امام در برابر سر میت و اگر زن باشد در وسط آن ایستاده شود، بعداً تکبیر بگوید و دست‌ها را بلند کند و سورۀ فاتحه را بخواند، باز تکبیر گفته درود ابراهیمی را بخواند سپس تکبیر سوم را بگوید و برای مرده دعا کند و از خداوند برایش رحمت و مغفرت بخواهد، باز تکبیر چهارم را بگوید اگر می‌خواهد دعا کند و سپس سلام بگوید، زنان نیز مانند مردان نماز جنازه را می‌خوانند، مگر برای زنان در عقب جنازه رفتن کراهیت دارد طوری که از زیارت قبور منع شده اند.

تذکر: این ترتیب نماز جنازه طبق مذهب حنابله است و نماز جنازه طبق مذهب احناف معروف است.

درس 21: آیهٔ اقسام سه‌گانه وحی

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(51) هیچ انسانی را نسزد که خدا با او سخن گوید، مگر از طریق وحی یا از پس پرده‌ای، یا این که بفرستد رسولی «فرشته» و او وحی کند به فرمان پروردگار آنچه را می‌خواهد همانا او است فرازنده حکیم.

[الشوری: 51]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  این آیه کریمه به رد کسانی نازل شده است که برای پیامبرρ می‌گفتند: اگر تو پیامبری چرا مانند موسی با خداوند سخن نگوئی و به او نظر نکنی، تا چنین کاری را انجام ندهی ما به تو ایمان نمی‌آوریم. امکان دارد کسانی از یهود این سخنان را به مشرکین تعلیم داده که آن‌ها در مقابل پیامبر چنین سخنانی بگویند، خداوند به ردشان چنین آیتی را نازل گردانید و برای‌شان خبر داد: که در توان هیچ بشری نیست که با خداوند سخن گوید مگر این که خداوند به وی وحی کند و وحی به چند صورت است: اول آگاه‌کردن سریع است به صورت خفی در خواب یا بیداری و صورت دوم این است که خداوند با پیامبرش از پس حجاب سخن بگوید چنانکه با موسی υ در کوه طور سخن گفت، موسی υ سخن خدا را می‌شنید ولی خداوند را نمی‌دید، صورت سوم اینست که خداوند فرشته را به صورت ملک یا به شکل انسانی

می‌فرستد و او با پیامبر سخن می‌گوید و آنچه را خداوند خواسته به وی می‌رساند، چنانکه جبرئیل υ بر محمد ρ نازل می‌گشت. این فرمودهٔ خداوند: ﴿ﷺ﴾ یعنی خداوند بر همهٔ مخلوقات خود فوقیت دارد. و با حکمت خویش امور بندگان را تدبیر می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا این که بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- برای‌شان تعلیم ده: آیت‌هائی را که درس می‌گیرند و حفظ می‌نمایند، برای این که فراموش نکنند آن‌ها را در نمازهای نفل بخوانند.

3- شرح را بخوان و معنی پوشیده آن را بیان کن تا شنوندگان مراد خدای تعالی را از آیت بدانند.

4- ایشان را آگاه کن: که خداوند از فرشتگان و آدمیان پیامبرانی را انتخاب می‌کند تا احکام او را که سبب سعادت بندگان است برای‌شان برسانند.

5- به آن‌ها بفهمان: که اگر فرشته به صورت بشری ظاهر شود، هرکس او را می‌بیند، چنانکه جبرئیل υ در مسجد به صورت دحیه بن خلیفه الکلبی τ دیده می‌شد.

6- آن‌ها را آگاه کن: دیدار خداوند در دنیا ممکن نیست و در آخرت حق است چنانچه به آیت قرآنکریم ثابت شده است و آن فرمودهٔ خداوند Ψ است: ﴿ (القیامة: 22 - 23).

«در آن روزچهره‌های از آدمیان روشن و تازه، به سوی پروردگار خود نظاره‌کننده هستند».

درس 22: حدیث وحی مثل سلسله الجرس

قوله صلی اللّه علیه وسلم فِي رواية البخاري: أَحْيَانًا يَأْتِينِي مِثْلَ صَلْصَلَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ أَشَدُّهُ عَلَيَّ فَيُفْصَمُ عَنِّي وَقَدْ وَعَيْتُ عَنْهُ مَا قَالَ، وَأَحْيَانًا يَتَمَثَّلُ لِيَ الْمَلَكُ رَجُلاً فَيُكَلِّمُنِي فَأَعِي مَا يَقُولُ. قَالَتْ عَائِشَةُ رضی الله عنها: وَلَقَدْ رَأَيْتُهُ يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْوَحْيُ فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْبَرْدِ، فَيَفْصِمُ عَنْهُ وَإِنَّ جَبِينَهُ لَيَتَفَصَّدُ عَرَقًا.	بخاری روایت کرده است که پیامبرρ فرمود: گاهی وحی الهی بر من به مانند آواز جرس می‌آید و این سخت‌ترین حالت وحی بر من است، چون وحی از من قطع شود آنچه گفته است از وی یاد گرفته‌ام. و گاهی فرشته به صورت مردی بر من ظاهر می‌شود و با من سخن می‌گوید، و آنچه گفته است می‌دانم و حفظ می‌کنم. عایشه ل گفت: من پیامبر را در روزی که بسیار سرد بود دیدم که وحی بر وی فرود می‌آمد چون حالت وحی از وی قطع می‌گشت بر جبین مبارکش عرق جاری می‌شد.

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**أَحْيَانًا يَأْتِينِي**»: یعنی گاهی بر من وحی می‌آید «**مِثْلَ صَلْصَلَةِ الْجَرَسِ**»: مثل آواز زنگ «**وَهُوَ أَشَدُّهُ عَلَيَّ**»: یعنی آمدن وحی در این حالت از دیگر حالات بر من سخت‌تر است. فرموده پیامبرρ : «**فَيُفْصَمُ عَنِّي**»: یعنی قطع می‌شود وحی از من «**وَقَدْ وَعَيْتُ عَنْهُ**»: یعنی آنچه گفته دانسته‌ام و حفظ کرده‌ام. این فرموده پیامبر: «**وَأَحْيَانًا يَتَمَثَّلُ لِيَ الْمَلَكُ رَجُلاً**»: یعنی گاهی فرشتهٔ وحی به صورت مردی بر من می‌آید «**فَيُكَلِّمُنِي فَأَعِي مَا يَقُولُ**» یعنی آنچه می‌گوید: دانسته و حفظ می‌کنم. قالت عائشه ل: «**وَلَقَدْ رَأَيْتُهُ يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْوَحْيُ فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْبَرْدِ، فَيَفْصِمُ عَنْهُ**» یعنی وحی قطع می‌گشت «**وَإِنَّ جَبِينَهُ لَيَتَفَصَّدُ عَرَقًا**»: یعنی مانند این که خون از محل رگ‌زدن جاری شود، از جبین مبارک عرق سیلان می‌کرد،

و این شدت بدین سبب بود که وحی را از غیر جنس خود که ملک باشد فرا می‌گرفت، زیرا سنت الهی بر این است که تفاهم میان دو هم جنس مانند انسان از انسان یا حیوان از حیوان یا جن از جن آسان باشد، مگر وقتی که جنسیت اختلاف پیدا کند فراگرفتن حتماً دشوار است مگر آنچه خداوند پاک بخواهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

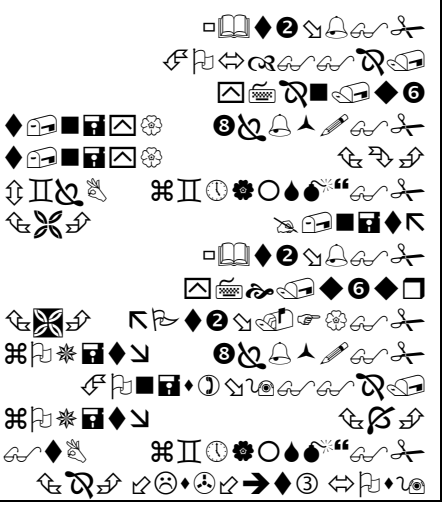
1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که بیشتر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معنی مراد هر جمله را بیان کن.

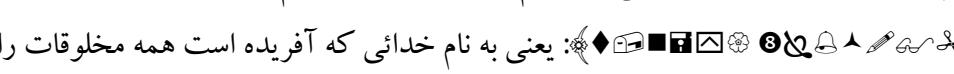
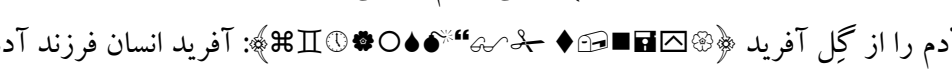
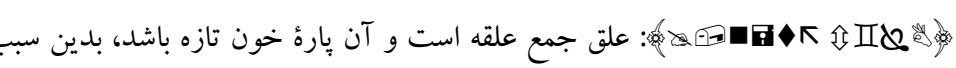
3- آن‌ها را آگاه کن: که تفاهم در میان دو همجنس به آسانی صورت می‌گیرد، ولی با غیر همجنس بسیار سخت است، چنانکه عایشه ل می‌گوید: وقتی که جبرئیل به صورت ملکی می‌آمد پیامبر ρ آن همه سختی را برداشت می‌کرد، زیرا در این حالت می‌بایست پیامبر در عالم روحانی و نور که جبرئیل υ در آن بود وارد شود تا سخنش را بفهمد.

4- آن‌ها را آگاه کن: که جبرئیل υ گاهی به صورت دحیه بن خلیفه الکلبی می‌آمد و یاران او را می‌دیدند چنانکه حدیث جبرئیل که در صحیح مسلم روایت شده است این مطلب را به تفصیل بیان می‌کند، یاران گفتند: شخص دارای جامه‌ای بسیار سفید موی خوب سیاه و بر وی اثر سفر دیده نمی‌شد و کسی از ما نیز وی را نمی‌شناخت، مقابل پیامبر ρ نشست و زانوهایش را برابر زانوهای پیامبر قرار داد و دست‌هایش را بر روی ران‌های خود گذاشت، از پیامبر ρ شروع به سوال کرد، پیامبر ρ به وی جواب می‌داد و او می‌گفت راست گفتی، اصحاب از سخنانش در تعجب بودند تا پایان حدیث.

درس 23: آیهٔ اقرأ باسم ربک

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(1) بخوان به نام پروردگارت آن که آفریده است (2) آفرید انسان را از خون بسته (3) بخوان پروردگار تو بزرگوارتر است (4) همانا خدایی که به وسیله قلم آموخت (5) آموخت انسان را آنچه نمی‌دانست.

[علق: 1 – 5]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ:  یعنی ای پیامبر! قرائت خود را به نام پروردگارت آغاز کن یعنی به بسم الله الرحمن الرحیم و فرمودهٔ خداوند Ψ:  یعنی به نام خدائی که آفریده است همه مخلوقات را و آدم را از گِل آفرید  آفرید انسان فرزند آدم را  علق جمع علقه است و آن پارهٔ خون تازه باشد، بدین سبب او را علقه گویند به جهت تری که دارد به هرچه بدان تماس کند می‌چسبد. بعد از چهل روز منی مرد, علقه می‌گردد باز پس از چهل روز دیگر گوشت پارهٔ می‌شود بعداً اگر خداوند به زندگانی و خلقت او امر دهد، روح در وی دمیده می‌شود و گرنه رحم، آن را فرو می‌گذارد و سقط می‌کند. فرموده خداوند 

﴿ﷺ: بار دوم امر به خواندن می‌شود برای تأکید بر امر اول که به خواندن شده است به جهت دشواری فراگرفتن وحی و به سبب وحشتی که از نزول ناگهانی اولین وحی به پیامبرρ عارض شد، یعنی پروردگارت بزرگوارتر از هر بزرگواریست و مهربان‌تر است از هر مهربانی، اوست که به واسطه قلم به هرکه خواسته است نویسندگی و دانش بسیاری را آموخته و معارف الهی را تعلیم داده است. ﴿ﷺ: یعنی به واسطه قلم برای انسان آنچه را نمی‌دانست از علوم و معارف آموخته است، ازین سبب است که قلم شریف است زیرا هرچیزی به سبب غایه و مرام خود شرافت پیدا می‌کند، و قلم وسیله علوم و معارف است و نخستین چیزی که خداوند پس از عرش و آب پیدا کرده قلم است، زیرا پیامبرρ می‌فرماید: اول چیزی که خداوند آفرید قلم بود برایش گفت: بنویس! پس قلم آنچه تا به روز قیامت پدید می‌شود نوشت.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان اکثراً خوب یاد بگیرند.

2- شرح را به نیکویی جمله جمله بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا شنوندگان بدانند.

3- به آن‌ها از مستحب‌بودن آغاز کارها به بسم الله تذکر ده.

4- آگاه‌شان گردان: که همین پنج آیت اولین آیاتیست از قرآن که نازل شده است.

5- آن‌ها را از بخشش و انعام خداوند به نزول قرآنکریم آگاه کن تا بر آن سپاس‌گذار و شاکر باشند.

6- ایشان را آگاه گردان: که این آیات بر پیغمبر خدا ρ در غار حرا که در یکی از کوه‌های مکه مکرمه است نازل شد، و این کوه و غار از زمان پیغمبر ρ تاکنون به همان وضع وجود دارد و پیامبرρ برای گوشه‌گیری از مشرکین و کردار فاسد و

باطل‌شان، در این غار به عبادت می‌نشست که ناگاه آیات حقّه قرآن بر وی فرود آمد، پس از آن به خانه‌اش در مکه بازگشت، در حالی که از شدت وحی وجودش می‌لرزید. چنانچه در بخاری آمده است.

درس 24: حدیث نزول وحی در غار حرا

ما روى البخاري عن عائشة رضي اللّه عنها أنها قالت: حَتَّى جَاءَهُ الْحَقُّ وَهُوَ فِي غَارِ حِرَاءٍ، فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ. قَالَ: مَا أَنَا بِقَارِئٍ. قَالَ: فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ. قُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ. فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ. فَقُلْتُ مَا أَنَا بِقَارِئٍ .فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي الثَّالِثَةَ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي فَقَالَ: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الأَكْرَمُ). فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – يَرْجُفُ فُؤَادُهُ، فَدَخَلَ عَلَى خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ رضى الله عنها فَقَالَ: زَمِّلُونِي زَمِّلُونِي. فَزَمَّلُوهُ حَتَّى ذَهَبَ عَنْهُ الرَّوْعُ.	آنچه که بخاری روایت کرده حدیثی است از عایشه ل که او گفته است: «پیامبر در غار حرا عبادت می‌کرد» تا این که حق (وحی الهی) بر وی فرود آمد، و او در همان غار حرا بود که ناگاه فرشته بر وی ظاهر شد و گفت: بخوان! پیامبر می‌گوید: من گفتم: خواننده نیستم، پس مرا در بغل گرفت و به آغوش خود فشار داد که احساس رنج و ماندگی کردم سپس مرا رها کرد و گفت: بخوان! گفتم: من خواننده نیستم، باز مرا گرفت و برای مرتبه دوم فشار داد تا احساس رنج و ماندگی کردم، سپس مرا رها کرد و گفت: بخوان! گفتم: من خواننده نیستم، پس بار سوم مرا در آغوش فشرد و باز رها کرد و گفت: اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من علق اقرأ وربک الاکرم الذی علم بالقلم پیامبر با این آیات که یاد گرفته بود به سوی خانه بازگشت و در حالی که قلبش می‌لرزید بر خدیجه بن خویلد داخل گشت و گفت: جامه بر من به‌پیچید، جامه بر من به‌پیچید، پس بر وی جامه افگندند تا خوف از وی دور شد.

شرح: سخن عایشه ل: «**حَتَّى جَاءَهُ الْحَقُّ وَهُوَ فِي غَارِ حِرَاءٍ**»: روش کلام در اینجا دلالت دارد که عباراتی از حدیث شریف حذف شده است، و آن عبارات چنین است: پیامبر ρ گوشه‌گیری را دوست می‌داشت و بارها برای چند شبانه روز در غار حرا به عبادت می‌پرداخت و در همین حال بود که حق بر وی پدیدار گردید. کلمهٔ حق را عایشه ل به این گفته‌اش تفسیر می‌کند: «**فَجَاءَهُ الْمَلَكُ**»: فرشته یعنی جبرئیل بر وی نازل شد و برایش گفت: بخوان، پس پیامبر ρ جوابش را چنین گفت: من خواننده نیستم، یعنی پیش ازین توانایی خواندن نداشتم، اکنون چگونه بخوانم؟ «**وَمَا أَنَا بِقَارِئٍ**»: قول پیامبر ρ در جواب جبرئیل است، زیرا وی می‌گوید: «**فَأَخَذَنِي فَغَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ**»: پس مرا در آغوش گرفت و بیفشرد تا به زحمتم انداخت باز رهایم کرد مانند این که مادر فرزندش را از روی مهربانی و شفقت به سینه‌اش فشار می‌دهد، فرشته مرا در آغوش خود فشار داد. معنی جهد ماندگی و رنج است، این کار را جبرئیل υ سه مرتبه با پیامبر ρ انجام داد که او را در آغوش می‌فشرد و رها می‌کرد، باز برایش می‌گفت بخوان، و بعد از مرتبه سوم به وی گفت: ﴿▫🕮♦❷🕭🕰✂﴾ ﴿🕭♦🖃■🖬🖂❁❽🕭🕰✂🖂🖮■🖃◆❻ 🖝⚐⇔🖃✂✂■🖃♦🕭🕰✂🖂❁❽🕭🕰✂🖂🖮■🖃◆❻ 🖝⚐⇔🖃✂✂■🖃♦🕭🕰✂﴾ «بخوان به نام پروردگارت که آفریده است». یعنی همهٔ مخلوقات را آفریده است و آدم υ را از خاک آفریده و فرزندانش را از خلاصهٔ آب پست منی «پاکیست خدای را آفریدگار دانا» باز امر قرائت را بر پیامبر تکرار کرد و گفت: ﴿▫🕮♦❷🕭🕰✂﴾ ﴿❽🕭🕰✂🖉⚐🕭♦❻◆❒🖂🖮🖃◆❻ 🖝⚐♦❷🕭🕰✂﴾ یعنی از کرم و لطف واسع خود برای کسانی که از بندگانش خواست علوم مختلف و معارف و دانش بسیاری را آموخت. سخن عایشه ل «**فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم**»: یعنی رسول خدا ρ همراه این آیات که حفظ کرده بود بازگشت «**يَرْجُفُ فُؤَادُهُ**»: که از شدت ناگهانی نزول وحی در حالی که دلش می‌لرزید به منزل نزد همسرش خدیجه بنت خویلدب که در آنجا بود بازگشت و برایش گفت: جامه بر من بپیچید، جامه بر من به‌پیچید گویی وی را از ترس فرودآمدن

ناگهانی وحی تب لرزه گرفته است، او را پوشیدند، «**حَتَّى ذَهَبَ عَنْهُ الرَّوْعُ**»: تا خوفی که از فرودآمدن عجیب وحی بر وی پدید آمده بود، دور شد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث شریف را به آرامش بخوان تا پیشتر شنوندگان آن را یاد گیرند.

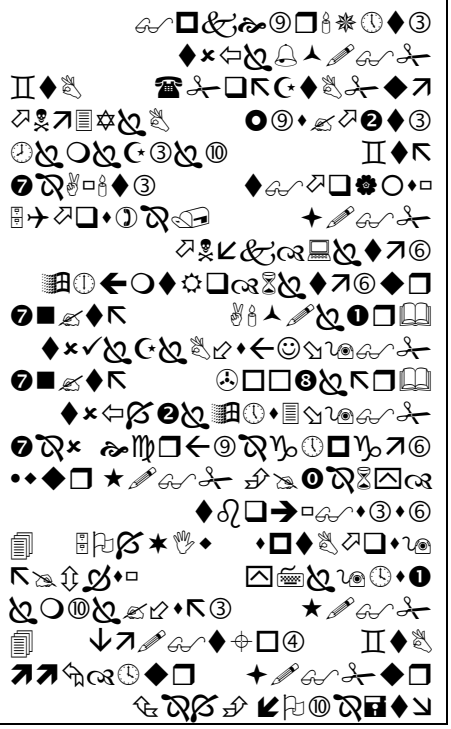
2- شرح را بخوان و با آرامش معانی پوشیده و دشوار آن را برای‌شان بیان کن.

3- آن‌ها را آگاه کن: که خواندن و نوشتن وسیلهٔ دانش و معارف دینی و دنیای می‌باشد.

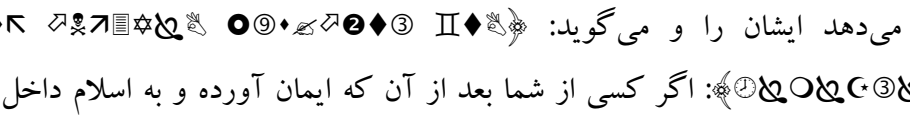
4- ایشان را به آغاز و اطوار آفرینش خبر ده تا دو حقیقت برای‌شان روشن گردد، یکی بزرگی و عظمت خداوند در آفرینش، و دیگری آفریدن انسان از خاک و سپس از آب پست منی تا ناتوانی انسان را بدانند.

5- به آن‌ها بیاموز: که یادکردن نام خداوند در آغاز هر کاری مستحب و پسندیده است، چنانکه در گفتار پیامبرρ آمده است.

درس 25: آیهٔ صفات مؤمنان مخلص

قول الله جل جلا له:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	(54) ای مؤمنان هرکس از شما از دین خود بازگردد، به زودی خداوند گروهی را خواهد آورد که خداوند دوست‌شان می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت و نیرومندند در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای هراس ندارند، این هم فضل خدا است خداوند آن را به هرکس بخواهد عطا می‌کند، و خداوند دارای فضل فراوان و آگاه است.

[مائده: 54]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  این آیت ندائی است از طرف خداوند برای بندگان مؤمنش که بیم می‌دهد ایشان را و می‌گوید:  : اگر کسی از شما بعد از آن که ایمان آورده و به اسلام داخل شد دوباره به سوی کفر بازگردیده و مرتد شود  : به زودی خداوند مردمی از عرب و عجم را پدید آورد که آن‌ها را به سبب ایمان و تقوا و صلاح‌شان

دوست می‌دارد، و ایشان با معرفت و آگاهی به عظمت و کمال ذات خداوند Ψ و به سبب فضل و احسان خداوندی‌اش او را دوست می‌دارند. فرموده خداوند: ﴿ ﴾: یعنی بر مؤمنان نرم و مهربان و بر کافران سخت‌گیر و دُرشت خوی هستند، فرموده خداوند: ﴿ ﴾ یعنی قدرت و توانایی خود را در پیکار با کافران صرف می‌کنند تا این که آن‌ها را به طرف اسلام هدایت کنند تا اسلام‌شان کامل گردیده و به سعادت دنیا و آخرت فایز گردند و از عذاب آخرت و رسوایی دنیا نجات پیدا کنند. فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿ ﴾ یعنی آن‌ها حق را می‌گویند و عدالت را مراعات کرده به کارهای پسندیده امر می‌کنند و از ناپسند بازمی‌دارند، سخن‌چینی بدگویان در ایشان اثری ندارد و در این راه از سرزنش و عقاب، و حتی از جنگ کسی باک ندارند، این جرئت از سبب کمال ایمان و قوت معرفت‌شان به خداوند است فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾: یعنی این صفات ستوده شده و فضایل متعدده‌ای که سیدنا ابوبکر صدیق و عمر فاروقب و یاران دیگر پیامبر ρ به آن رستگار شده و توفیق یافتند مانند صفت دوستی با خداوند و دوستی خداوند به ایشان، نرمی و مهربانی بر مؤمنان، شدت و دُرشتی بر کافران، فضل و بخشش خداوندی است که به هرکس خواهد عنایت می‌کند و خداوند دارای فضل و بخشش فراوان است و از مؤمنان آن که مستحق فضلش باشد، به وی می‌بخشد، و آن که مستحق نباشد از آن محروم می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با ترتیل بخوان و تکرار کن و شنوندگان با تو بخوانند تا بیشترشان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و معانی آن را تک تک بیان کن و آنچه لازم توضیح است توضیح بده تا به‌بینی که مطالب را فهمیده اند.

3- آن‌ها را آگاه کن: که آیت مشتمل بر اخبار غیبی است که دلالت بر صدق پیامبر و این که قرآن کلام خداوند است می‌کند چه همین که پیامبرρ وفات کردند عدهٔ اعراب از دین اسلام مرتد شدند و عدهٔ از دادن زکات سرکشی کرده و دیگر احکام شریعت را قبول داشتند، و عدهٔ به کلی از دین اسلام منکر گردیدند که ابوبکر صدیق و یارانش ψ با آن‌ها جنگیدند تا آن‌ها را در برابر دین الهی وادار به تسلیم نمودند، و در جزیرة العرب کافری باقی نگذاشتند، سپس یاران پیامبرρ پرچم اسلام را بلند کرده و با کشورهای فارس و روم مبارزه نمودند تا مردم به دین اسلام روی آورده و خدای تعالی اسلام و اهل آن را نیرومند و مکرم گردانید.

4- آن‌ها را از سخن ابن عباس ب در بارهٔ رحمت و مهربانی یاران پیامبرρ در برابر مسلمانان و درشتی و سخت‌گیری‌شان در برابر کفار آگاه کن آنجا که می‌گوید: آن‌ها بر مؤمنان مانند پدر برای فرزند و مولی برای بنده، و در مقابل کفار مانند درندهٔ در برابر شکارش بودند.

درس 26: حدیث حلاوت ایمان

قول الرسول صلی اللّه علیه وسلم: ثَلاَثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلاَوَةَ الإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لاَ يُحِبُّهُ إِلاَّ لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْذَفَ فِي النَّارِ.	ترجمه: پیامبر ρ می‌فرمایند: سه صفت است که در هرکس موجود باشد. شیرین و حلاوت ایمان را درمی‌یابد. این که خداوند و رسولش از دیگران در قلبش محبوب‌تر باشند، این که کسی را دوست نداشته باشد مگر به جهت خدا، این که از بازگشتن به کفر متنفر باشد همانطوری که از افتادن در آتش متنفر است.

(رواه البخاری)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**ثَلاَثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ**»: یعنی سه خصلت است که اگر در کسی موجود شد در نفس خود حلاوت ایمان را درمی یابد و آن‌ها عبارتند از: 1- «**يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا**» یعنی خدا و رسول از مخلوقات دیگر ولو که هرگونه علاقه و نیازی به ایشان داشته باشد به نزدش محبوب‌تر باشند. 2- «**أَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ**»، و این که هرکس را که دوست می‌دارد، «**لاَ يُحِبُّهُ إِلاَّ لِلَّهِ**»: برای خشنودی و رضای خداوند دوست داشته باشد نه به جهت چیزی دیگر. 3- «**أَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ**»: بعد این که خداوند او را از کفر و ضلالت نجات داد بازگشت به کفر را بد بداند. «**كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْذَفَ فِي النَّارِ**»، همچنان که بد می‌برد از این که وی را در آتش بیندازند، این سه صفت اگرچه از عطاء و بخشایش خداوند بزرگ به حساب می‌روند که به هرکه بخواهد عنایت می‌کند. ولی برای آن اسبابی وجود دارد که باید مسلمان این مقام را به واسطه همان اسباب طلب کند و آن‌ها عبارتند از: 1- شناخت خداوند و دانابودن به آن چیزهائی که او تعالی آن‌ها را دوست دارد و یا از آن‌ها بد می‌برد و شناخت این که چه نعمت‌های در روز آخرت برای دوستان خود و چه عذاب‌ها

برای دشمنان آماده کرده است 2- قدرت ایمان و یقین کامل که انسان را به کثرت اعمال صالحه وادار می‌سازد. 3- شناخت آثار شوم کفر از قبیل جهل، شر و فساد در دنیا و خسران آخرت که در هرچیز زیان می‌کند حتی در وجود خودش چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿♦×⇦🙵🕭➹🖉🖎✂ ⌘Ⅱ③🙶❸🡔❶🕓♦③🡒💻🖎✂ □🝊🙶① 🗏🡕🡦➔🕭🝔 🡕☠🝖🖎❸🙶🖬🡕🕰❒🕮◆❒ 🡕☠🗡🖎❁❍→▦☼❒🕮 ☎✂▦❒🡐❸🡔❶🖂⌘ ③♦❑➹❒🡐 ✂♦🡆🡕❑♦③ 🙵◘🖂☺🕓◆⑩🖗①🡒🖲🖎✂ ♦🡆🡕❑♦③﴾ (الزمر: 15). «ای محمد! بگوی البته زیان‌کاران کسانی اند که بر نفس‌ها و اهل خود در روز قیامت زیان و خساره وارد کرده اند».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

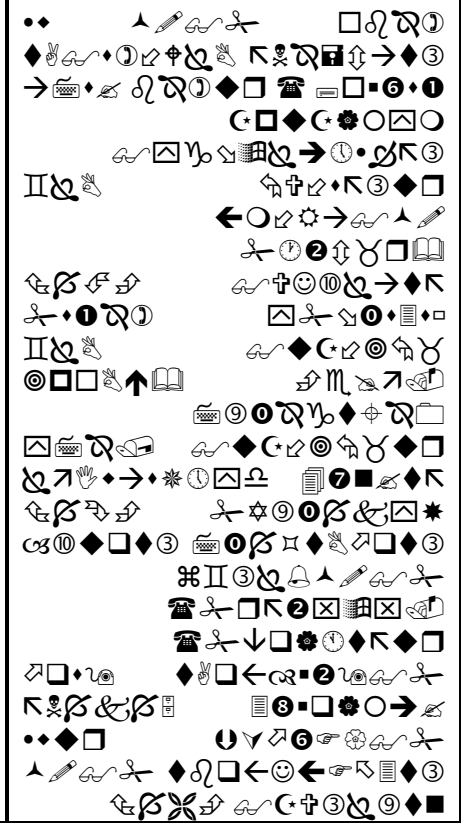
1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا ببینی که شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح آن را به آرامی بخوان تا بدانی که شنوندگان آن را فهمیده اند.

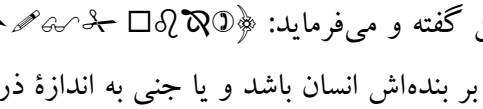
3- به آن‌ها بگو: که ایمان دارای حلاوت و شیرین است که آن را درک نمی‌کند مگر کسی که صفات سه‌گانهٔ که در این حدیث ذکر شده به دست آورد.

4- به ایشان یادآوری کن: که ایمان عبارت از این است که الله Ψ را پروردگار خود بدانی و به جز او پروردگار و معبودی قرار ندهی و به هرچه خداوند امر کرده مانند ایمان به ملائکه و کتاب‌ها و رسولان و زنده‌شدن در قیامت و آنچه در آنجا از حساب، میزان صراط، نعمت‌های بهشت و عذاب‌های دوزخ وجود دارد تصدیق کنی.

درس 27: آیهٔ در قیامت به اندازهٔ ذره‌ای ستم نمی‌شود

قال الله جل جلا له: 	خداوند بزرگ فرموده است: (40) همانا خداوند ستم نمی‌کند به اندازهٔ ذرهٔ و اگر کردار خوبی باشد، مضاعفش کند و بیارد از نزد خویش پاداش بزرگ (41) پس چگونه است هنگامی که بیاریم از هر امتی گواهی و بیاریم تو را بر اینان گواه، (42) در آن روز دوست دارند آنان که کفر ورزیدند و نافرمانی کردند پیامبر را، کاش یکسان می‌شدند با زمین و نهان نمی‌دارند از خداوند داستانی را.

[النساء: 40 – 42]

شرح: خداوند از عدالت و رحمتش سخن گفته و می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی خداوند بزرگ بر بنده‌اش انسان باشد و یا جنی به اندازهٔ ذرهٔ ستم نمی‌کند بازهم با این عدالت کامل اگر بنده‌اش به روز قیامت همراه یک حسنه به حساب حاضر شود به شرطی که ایمان داشته باشد خداوند پاداش آن حسنه را زیاده می‌گرداند و برایش ثواب مضاعف می‌بخشد و بازهم برتر ازین از نزد خود برایش پاداش بزرگ عنایت می‌کند که اندازهٔ بزرگی و کیفیت آن را کسی نمی‌داند، چقدر پاک است خدای دادگر،

مهربان و بخشاینده. خداوند می‌فرماید: ﴿ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴾: و چگونه باشد حال آن روز و کدام کس خواهد بود تا مقدار ترس و وحشت آن را بداند که خداوند از هر امتی گواهی حاضر می‌کند تا بر کردار ایشان از ایمان و کفر، صلاح و یا فساد گواهی دهد و تو را ای پیامبر این گروه یعنی بر امت تو گواه بیاوریم. البته ایستگاه قیامت بسیار دشوار هست و حالت آن رسواکننده است و آنچه بر دشواری و رسوائی موقف قیامت دلالت می‌کند آنست کسانی که به خدا و پیامبرش کافر شدند مانند یهود، نصاری، آتش‌پرستان و مشرکین و از رسول خدا محمد ρ اطاعت نکرده و نافرمانی نمودند این گروه‌ها دوست می‌دارند که درین روز با خاک برابر باشند. یعنی خاک باشند یا دفن شده در خاک تا از ایشان اثری بر روی زمین باقی نباشد که از حساب قیامت و عذاب الهی نجات پیدا کنند و فرمودهٔ ﴿ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ﴾ (النساء: 42). «و نمی‌توانند هیچ سخنی را از الله پنهان کنند». چون آن‌ها در این روز چنین قدرتی را نخواهند داشت زیرا اعضای‌شان سخن می‌گوید و بر کردار ناشایست آن‌ها گواهی می‌دهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به تجوید بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح آیات را بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا همگان آن را بفهمند.

3- به آن‌ها بگو: که روزی پیامبر خدا ρ از ابن مسعود خواست تا چیزی از آیات قرآن را برایش بخواند، ابن مسعود از سورهٔ نساء شروع به قرائت کرد تا به این آیات رسید، ﴿ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴾ (النساء: 41). «پس چگونه خواهد بود آن‌گاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را به

عنوان گواهی بر ایشان حاضر نماییم». ناگاه متوجه شد که پیامبر ρ گریه می‌کند و برایش می‌گوید کافی است، کافیست و سبب گریهٔ پیامبر اولاً آگاه‌شدن از نعمت‌های بود که خداوند بر وی عنایت کرده است، و ثانیاً به جهت رحمت و دلسوزی بر امت و ترس ازین که گرفتار عذاب روز قیامت نگردند.

4- به ایشان کیفیت عرض کردار بندگان و حساب و جزاء بر آن کردار را بگو: زیرا این آیات بر محاسبه و بازپرسی اعمال دلالت دارد تا شنوندگان در راه خدا گام برداشته و از عذاب وی نجات یابند و از بخشش و انعام او سعادتمند شوند.

درس 28: حدیث ذره‌ای از ایمان سبب نجات

قوله صلی اللّه علیه وسلم: يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ ، وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ ، ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَخْرِجُوا مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِيمَانٍ . فَيُخْرَجُونَ مِنْهَا قَدِ اسْوَدُّوا فَيُلْقَوْنَ فِي نَهَرِ الْحَيَاةِ فَيَنْبُتُونَ كَمَا تَنْبُتُ الْحِبَّةُ فِي جَانِبِ السَّيْلِ ، أَلَمْ تَرَ أَنَّهَا تَخْرُجُ صَفْرَاءَ مُلْتَوِيَةً.	پیامبر اکرم ρ می‌فرماید: اهل جنت به جنت و اهل آتش به آتش دوزخ داخل می‌شوند. بعد از آن خداوند بزرگ برای فرشتگانش فرمان می‌دهد هرکس که به اندازۀ دانۀ خردلی در دلش ایمان باشد از آتش جهنم بیرون کنید، فرشتگان آن‌ها را در حالی که سوخته و سیاه گشته اند از آتش بیرون می‌کنند، سپس در نهر حیات انداخته می‌شوند پس گوشت تازه در بدن‌های‌شان روئیده، مانند این که دانه درگذر سیل می‌روید مگر ندیده‌ای که دانه‌ها در جای سیل زده‌گی چگونه زرد و درهم پیچیده می‌رویند.

(رواه البخاری)

شرح: فرموده پیامبر خدا ρ: «**يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ**» اهل جنت کسانی هستند که اهلیت بهشت را به ایمان و کردار پسندیدۀ خود حاصل کرده اند، چون نفس‌های‌شان تزکیه و پاک شده است. و جنت عبارت از دار سلام و سرای سلامتی است. که بالای هفت آسمان بوده و سقف آن عرش الهی است. فرمودۀ پیامبر: «**وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ**»: یعنی کسانی در آتش دوزخ داخل می‌شوند که اهل شرک و گناه بودند، ظلم و گناه نفس‌های آنان را آلوده ساخته است و دوزخ سرای هلاکت و نابودیست و دارای درکات است و در پائین‌ترین نقطۀ کائنات قرار دارد، این جریانات بروز قیامت است، هنگامی که مردم در صحرای رستاخیز برانگیخته شوند و به کرداری که در دنیا به اختیار و ارادۀ خود انجام داده اند محاسبه می‌گردند فرمودۀ

پیامبرρ: «**ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَخْرِجُوا مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِيمَانٍ**»، مراد از مثقال حبة، وزن دانهٔ سپند است به جهت این که کوچک و سبک وزن می‌باشد و مراد از ایمان کردار شایسته است، زیرا در حدیث دیگری آمده است «کسی را از آتش بیرون کنید که کلمهٔ لا اله الا الله گفته و کار خیری به وزن ذرهٔ انجام داده است». فرمودهٔ پیامبر ρ: «**فَيُخْرَجُونَ مِنْهَا**»: یعنی فرشتگان آن‌ها را از آتش دوزخ بیرون می‌آورند «**قَدِ اسْوَدُّوا**» که از حرارت آتش دوزخ سیاه شده اند.

فرمودهٔ پیامبر ρ: «**فَيُلْقَوْنَ فِي نَهَرِ الْحَيَاةِ**»: یعنی در جوئی انداخته می‌شوند که به آن، جوی حیات گفته می‌شود و به روایتی هم نهر حیا آمده است. «**فَيَنْبُتُونَ كَمَا تَنْبُتُ الْحِبَّةُ فِي جَانِبِ السَّيْلِ**»، حبة، تخم گیاهان است، فرمودهٔ پیامبر ρ «**أَلَمْ تَرَ أَنَّهَا تَخْرُجُ صَفْرَاءَ مُلْتَوِيَةً**» این استفهام تقریریست که مطلبی را که از آن استفهام صورت گرفته است ثابت می گرداند. یعنی آری واقعاً این حبة، زردرنگ، درهم پیچیده از زمین می‌روید.

آری، چنین است حالت کسانی که بعد از بیرون‌شدن از دوزخ در جوی حیات غُسل داده شده و بیرون می‌شوند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

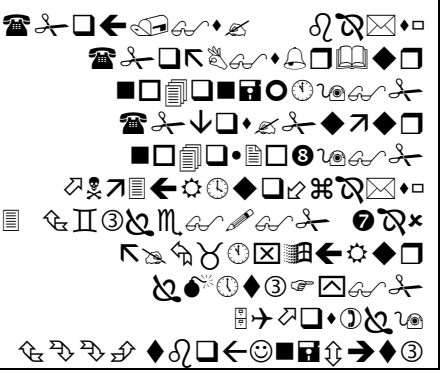
2- شرح را جمله جمله بخوان، معانی پوشیده را بیان کن و مفاهیم دشوار آن را تفسیر کن تا خوب دانسته شود.

3- آن‌ها را آگاه کن: که سرای آخرت به غیر بهشت و یا دوزخ نیست، بهشت به کردار نیک و ایمان به خداوند به دست می‌آید و انسان به علت گناه و شرک گرفتار دوزخ می گردد.

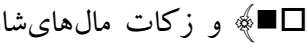
4- آن‌ها را آگاه کن: که خداوند در حساب کردار اشخاص به اندازهٔ یک ذره هم به کسی ستم روا نمی‌دارد، پس اگر شخصی با ایمان از دنیا برود و از کردار صالح به جز

وزن ذره انجام نداده باشد، همانا خداوند به فضل و کرم خویش وی را از آتش بیرون کرده و به جنت جاویدان داخل می‌گرداند.

درس 29: آیهٔ توبه و بازگشت کافران به اسلام

قول الله جل جلا له:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(11) پس اگر توبه کردند و به پا داشتند نماز را و دادند زکات را پس برادرانند شما را در دین و تفصیل دهیم آیت‌ها را برای قومی که می‌دانند.

[التوبه: 11]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾: یعنی اگر به سوی ایمان به خدا و رسولش بازگشتند چنانکه از آن گریخته بودند ﴿  ﴾ نماز را با شرایط و آدابش که طهارت، پوشیدن عورت، روی‌آوردن به قبله با ارکان و سنت‌های آنست در اوقاتش به جماعت ادا نمودند ﴿  ﴾ و زکات مال‌های‌شان را که به حد نصاب رسیده باشد مانند طلا و نقره، اموال تجارتی و چهارپایان بعد از گذشت سال بیرون کردند ﴿  ﴾: یعنی این‌ها بعد از توبه‌شان که بازگشت به ایمانست و نماز را ادا کردند و زکات مال‌های خود را دادند پس ایشان برادران شما در دین هستند نه در نسب، چه برادری دینی در اسلام از برادری نسبی بالاتر است که اگر برادر نسبی نعوذبا الله منه مرتد شود صلهٔ برادریش بریده می‌شود و به کلی از برادر مسلمان خویش بیگانه می‌شود. اما اگر بیگانهٔ اسلام آورد برای همه‌ی مسلمانان برادر می‌گردد. فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿  ﴾: یعنی حکم آیات را بیان

می‌کنیم و بعضی از آیات قرآن را به آیات دیگری از قرآنکریم تفسیر می‌کنیم، زیرا هیچ عبارتی آیات قرآنی را مانند خود قرآن تفسیر نمی‌کند. فرمودهٔ خداوند: ﴿ۅ۞ۈ۞ۉ♦❑⇗✈ۉ ③♦➔⇳■❐☺←❑♌♦﴾: برای قومی که می‌دانند زیرا آن‌ها کسانی اند که از تفصیل خداوند به معانی آیات استفاده می‌کنند، ولی مردم نادان و ناآگاه حق را به سبب تاریکی جهل خود نمی‌بینند و راهی که ایشان را به حقایق دینی برساند نمی‌شناسند، ازین جهت است که خداوند Ψ در این آیات خبر می‌دهد که او تعالی آیات خود را برای مردم عالم و دانا بیان می‌کند نه برای کسانی که جاهل و نادان باشند و دانستیم که راه به طرف علم از دو طریق است یکی ایمان به خدا و رسول او و دیگری پرسش از علما و دانش آن‌ها را از روی عقیده و عمل فراگرفتن.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2- شرح را بخوان و در هر جمله توقف نموده و معانی آن را بیان کن تا همه بدانند.

3- آگاه‌شان گردان: که توبه از هر گناهی همانا قطع گناه و طلب آمرزش و پشیمانی از گناه است تا مجدداً به آن گناه بازنگردد و اگر گناه حقوق مردم باشد آن را برای‌شان بازگرداند یا از ایشان طلب بخشایش کند.

4- آن‌ها را از دو اساس اسلام که نماز و زکات است آگاه کن و بگو: هرکه این دو اساس را ویران کند از اسلام خارج است.

5- ایشان را از برادری اسلامی آگاه کن که این برادری خون، مال و آبروی مسلمان را بر برادر مسلمانش حرام قرار می‌دهد.

درس 30: حدیث جهاد تا وقتی که اسلام را بپذیرند

قول النبي صلى اللّه عليه وسلم: أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلاَةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّى دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلاَّ بِحَقِّ الإِسْلاَمِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ.	پیامبر ρ فرموده است: مأمور شدم که با مردم بجنگم تا گواهی دهند که معبودی نیست به جز الله و این که محمد فرستادۀ خداست و نماز را به پای دارند و زکات را بدهند. چون این اعمال را انجام دادند خون‌ها و اموال خود را از تعرض من حفظ کردند. مگر به حق اسلام و حساب کردارشان با خدا است.

(رواه البخاری)

شرح: فرموده پیامبر ρ: «**أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ**»: یعنی پروردگار بزرگم و صاحب، مالک و معبود من که جز وی معبودی ندارم، به من فرمان داده است که مردم را به ایمان به خدا و رسولش دعوت کنم اگر قبول نکردند با ایشان جنگ کنم: «**حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ**» تا گواهی دهند که معبودی به جز الله نیست و محمد ρ پیامبر خداست. این به مرتبۀ اول و بعد «**وَيُقِيمُوا الصَّلاَةَ**»، نماز را فوراً بعد از اقرار به این شهادت به پای دارند. بعد «**وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ**» یعنی هنگامی که شروط وجوب زکات که همانا نصاب و گذشتن سال یا پخته‌شدن میوه‌ها و کوبیدن خرمن‌ها است تکمیل شود، زکات را ادا کنند. فرمودۀ پیامبرρ: «**إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ**» یعنی چون کلمۀ شهادت را گفتند و نماز را به پا داشتند و زکات را دادند، می‌فرماید: «**عَصَمُوا مِنِّى دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلاَّ بِحَقِّ الإِسْلاَمِ**» از من خون‌ها و اموال خود را حفظ کرده اند، مگر به حق اسلام مثل این که کسی را بکشد تا کشته شود یا دزدی کند که دست وی را قطع کنند یا مال مردمان را تلف کند که از وی تاوان آن را بگیرند. باز پیامبرρ می‌فرماید: «**وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ**» یعنی در آنچه از عقیده، کردار و گفتاری که پنهان کردند

خداوند در قیامت به آن‌ها محاسبه می‌کند زیرا حکم شرعی به ظاهر، جاری می‌گردد تنها خداوند است که بر امور پوشیده آگاهست و از آن‌ها بازرسی می‌کند.

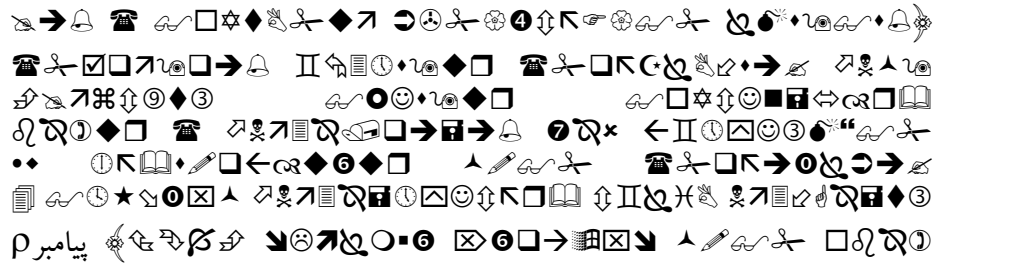
راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث شریف را بخوان و تکرار کن تا بدانی اکثراً آن را یاد گرفته اند.

2-شرح مطالب را بخوان و به هر جمله توقف کن و معانی آن را بازگو و شرح ده تا معنی آن فهمیده شود.به آن‌ها بفهمان: که بر رهبران مسلمانان واجب است تا با کافران به آنچه پیامبرρ جنگیده است بجنگند زیرا ایشان خلیفه و جانشین پیامبر هستند.به آن‌ها تعلیم ده: که ترک نماز مانند ندادن زکات کفر است، اگر چنین نبودی پیامبرρ با مردم بدان سبب جنگ نکردی.

3-به ایشان بگو: که خون و مال مسلمان محفوظ است مگر هنگامی که جنایتی از وی سر زند تا ریختن خون و یا گرفتن مالش واجب گردد.

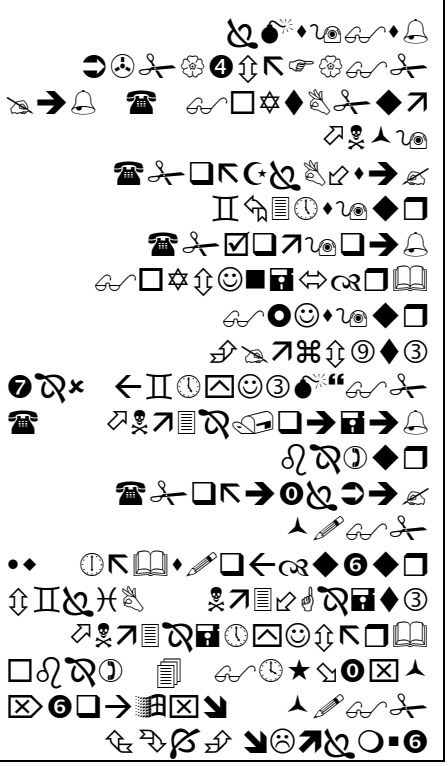
4-آن‌ها را آگاه کن: که حاکم مسلمان باید به ظاهر حکم کند و حق ندارد که از باطن و اسرار جستجو کند بلکه آن را به خداوند واگذارد چون خداوند عالم به غیب است،



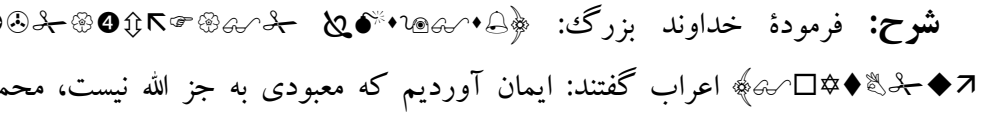
پیامبرρ می‌گوید: من مأمورم تا بظاهر حکم برانم و خداوند است که بر امور پنهان علم دارد.

درسهای ماه جمادی الاول

درس 1: آیهٔ ایمان ظاهری منافقان

قول الله تبارک وتعالی:	فرموده خداوند بزرگ Ψ:
	(14) گفتند صحرانشینان ایمان آوردیم، بگو: ایمان نیاوردید و لیکن گوئید اسلام آوردیم و هنوز درنیامده ایمان در دل‌های شما، و اگر فرمان برید خدا و پیامبرش را نکاهد شما را از کارهای شما چیزی، همانا خدا است آمرزندهٔ مهربان.

[الحجرات: 14]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ:  اعراب گفتند: ایمان آوردیم که معبودی به جز الله نیست، محمد پیامبر خداست، آن‌ها این اقرار زبانی را گفتند، ولی دل‌های شان بدان ایمان نداشت، این اعراب از قبیله بنی اسد بودند، زیرا قبیله‌های سلیم، غفار، جهنیه و مزینه به حق و راستی به اسلام درآمده بودند و چیزی که آن‌ها را وادار به این سخنان کرد این بود که به سرزمین‌شان خشک‌سالی آمده بود و گرفتار قحطی شده بودند نزد پیامبر اسلامρ آمده و اظهار اسلام کردند به جهت این که به آن‌ها کمک مادی داده شود ادعا کردند که آن‌ها مؤمن هستند و

امیدار بودند که پیامبرρ برای‌شان چیزی خوراکی عنایت کند. فرمودۀ خداوند بزرگ: ﴿☎✂☑❑↗❑➔🕭 ☎✂❑↖➔✍ ⬀☠➴❑◆⓿☺⬨❑➔🕭 ☎✂☑❑↗❑➔🕭﴾: یعنی خداوند به پیامبرش امر می‌کند که به ایشان بگوید: که شما هنوز به دولت ایمان مشرف نگشته اید بلکه بگوئید: تسلیم شدیم و به فرمان اسلام گردن نهادیم و این اسلام ظاهریست نه ایمان قلبی. فرمودۀ خداوند:﴿❑◆❑⬨☺✪✍ ⬀☠↗⌘⇳⑨◆③ ←Ⅱ🕓🖂☺③💣"✍✂ ❼ ×🕭 ❑➔🖬➔🕭 ❼ ←Ⅱ🕓🖂☺③💣"✍✂ ⬀☠↗▤🖎❑➔🖬➔🕭﴾ این اخبار از خداوند است که ایمان هنوز به دل‌های این گروه بنی اسد داخل نشده است ولی نزدیک است که آن‌ها به دولت ایمان مشرف گردند و به راستی و به حق در شمار مؤمنان درآیند. فرمودۀ خداوند: ﴿❑◆❑↖➔⓿➲➔✍ ☎✂❑↖➔⓿➲➔✍ ⬀☠↗▤🖎❑◆❑⓺◆❑←☙⬨📖🕓↖ ⇳Ⅱ➲✌ ☠↗▤🖎❑◆③ •• ⬀☠↗▤🖎❑◆❑⓺◆❑←☙⬨📖🕓↖ ⇳Ⅱ➲✌ ☠↗▤🖎❑◆③ ⬀☠↗▤🖎❑🖬⓿⊠⬨ ★🕓✍📖❑↖⇳☺🖂🕓🖬❑↗▤☠⬀﴾: و اگر فرمان‌برداری کنید خدا و رسولش را چیزی از پاداش اعمال‌تان کاسته نمی‌شود و مزد کردار پسندیدۀ شما که عبارت از فرمانبرداری خدا و رسول اوست کاسته نمی‌شود، بلکه خداوند پاداش کامل آن را برای‌تان عنایت می‌کند و چرا چنین نباشد ﴿◆❑🖎❑✂ ⬨⬨ ⓺❑→▦⊠⬊⓺▪❑⓺ ⊠⓺❑→▦⊠⬊﴾ که همانا خداوند بخشاینده و مهربان است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با تجوید بخوان و همگان آهسته تکرار کنند تا حفظ شود.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معانی پوشیدۀ هر جمله را واضح نما تا شنوندگان آن را بفهمند.

3- ایشان را آگاه کن: که ایمان عمل قلبی و امر پوشیده و باطنی است و اسلام اعمال اعضا و جوارح و امر آشکار و ظاهری است کسی که به حق و راستی ایمان آورده در اسلام داخل شده و اسلامش صحیح می‌شود و کسی که در اسلام بدون ایمان قلبی داخل شود، او منافق و کافر بوده و جایگاهش آتش دوزخ است.

4-به آن‌ها تعلیم ده: کسی که به طور صحیح اسلام آورد مؤمن گفته می‌شود و هر کسی که به طور صحیح ایمان آورد مسلمان است، لذا جواز دارد که لفظ مؤمن بر مسلم و لفظ مسلم بر مؤمن اطلاق و به کار برده شود، مشروط بر این که ایمان و اسلام شخص به صورت درست و صحیح صورت گرفته باشد.

5-ایشان را آگاه کن: هرکسی که به صدق و راستی به اسلام درآید، گرچه قبلاً نفاق داشته و با اسلام مبارزه کرده باشد، خداوند مزد اطاعتش از خدا و رسول را ضایع نمی‌گرداند، به شرطی که اسلام او به راستی و صداقت باشد همانا خداوند بر بندگان خود بخشاینده است و بر مؤمنین فرمان‌بردار, مهربان است.

درس 2: حدیث هدیه‌دادن پیامبر ρ به بعضی افراد

ما رواه البخاري عن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه قال: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ρ أَعْطَى رَهْطًا وَسَعْدٌ جَالِسٌ، فَتَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ ρ رَجُلاً هُوَ أَعْجَبُهُمْ إِلَيَّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَكَ عَنْ فُلاَنٍ فَوَاللَّهِ إِنِّى لأَرَاهُ مُؤْمِنًا. فَقَالَ: أَوْ مُسْلِمًا. فَسَكَتُّ قَلِيلاً، ثُمَّ غَلَبَنِى مَا أَعْلَمُ مِنْهُ فَعُدْتُ لِمَقَالَتِى فَقُلْتُ مَا لَكَ عَنْ فُلاَنٍ فَوَاللَّهِ إِنِّى لأَرَاهُ مُؤْمِنًا فَقَالَ: أَوْ مُسْلِمًا. ثُمَّ غَلَبَنِى مَا أَعْلَمُ مِنْهُ فَعُدْتُ لِمَقَالَتِى وَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ ρ ثُمَّ قَالَ: يَا سَعْدُ، إِنِّى لأُعْطِى الرَّجُلَ وَغَيْرُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ، خَشْيَةَ أَنْ يَكُبَّهُ اللَّهُ فِى النَّارِ.	بخاری از سعد بن ابی وقاص τ روایت می‌کند که وی گفت: پیامبر خدا ρ به گروهی از مردم چیزی مال را تقسیم کردند که من در آنجا نشسته بودم مردی را که به نزد من بهترین ایشان بود ترک کرد و به وی چیزی نداد، گفتم: ای رسول خدا نظریه‌ات در بارهٔ فلانی چیست؟ به خداوند قسم است که من وی را مؤمن می‌دانم، آن حضرت فرمود: بگو: مسلم، اندکی خاموش ماندم باز آنچه در بارهٔ آن شخص می‌دانستم مرا بر این داشت که بگویم نظریه‌ات در بارهٔ فلانی چیست به خداوند قسم است که من او را مؤمن می‌دانم، باز فرمود: بگو: مسلم. بار سوم هم که همین مطلب را تکرار کردم، پیامبر ρ می‌فرمود: بگو: مسلم، پس فرمود: ای سعد! من به مردی چیزی می‌دهم در حالی که غیر او به نزدم بهتر است، چون می‌ترسم این که به واسطه فقر و ناداریش به کفر کشانیده شود و خداوند وی را در آتش دوزخ بیندازد.

شرح: سعد بن ابی وقاص از نخستین مهاجرانیست که از مکه به مدینه مهاجرت نمود، می‌گوید: رسول الله ρ یک مرتبه مالی را در میان رهطی «گروهی شامل سه تا نُه نفر» تقسیم کرد به یک مرد از آن گروه چیزی نداد من نظاره می‌کردم و همان مردی که پیامبر برایش چزی نداد نسبت به دیگران در نظرم خوب‌تر معلوم می‌شد، گفتم: ای رسول خدا! «**مَا لَكَ عَنْ فُلَانٍ**»: چیست که تو به فلانی چیزی ندادی به خداوند قسم که من او را مؤمن می‌دانم، پیامبرρ در حالی که سخن او را تردید می‌کرد گفت: اَو مسلم: یعنی بهتر این است که مسلم بگویی، چون اسلام امر ظاهری و ایمان امر باطنی است، و تو از آن آگاهی نداری، سعد مدت کمی خاموش ماند باز آنچه در بارهٔ آن مرد می‌دانست او را بر آن داشت تا دوباره سخنش را تکرار کند و بگوید: تو در بارهٔ فلانی چه نظر داری به خداوند که من او را مؤمن می‌دانم. بازهم رسول خدا ρ سخن سعد را به این گفته‌ی «**أَوْ مُسْلِمًا**» (یعنی مسلمان) تردید فرمود، چون سعد سخنش را بار سوم تکرار کرد پیامبرρ برایش فرمود: «**يَا سَعْدُ، إِنِّي لأُعْطِي الرَّجُلَ وَغَيْرُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ، خَشْيَةَ أَنْ يَكُبَّهُ اللَّهُ فِي النَّارِ**» «ای سعد من برای مردم چیزی می‌بخشم در حالی که غیر او در نظرم بهتر است از ترس این که فقر و احتیاجی وی را به کفر نکشاند» گفتهٔ پیامبرρ که می‌گوید: «**أَوْ مُسْلِمًا**» اظهار عدم رضایت او از سخن سعد است که قسم می‌خورد او مؤمن است، زیرا محل ایمان قلب است و کسی از قلب دیگری آگاهی ندارد پس سخن سعد را به کلمهٔ «**أَوْ مُسْلِمًا**» تردید می‌کند، گویا برایش تعلیم می‌دهد که بگو: من او را مسلمان می‌دانم نگو: که مؤمن می‌دانم زیرا اسلام او ظاهر است ولی ایمانش از امور باطنی است چگونه می‌توان قطعی به آن حکم کرد، باز فرمود: من برای کسی چیزی از مال می‌دهم در حالی که شخص دیگری که به وی نمی‌دهم در نظرم بهتر است چه می‌ترسم که شخص ضعیف الایمان به جهت بی‌ادبی به ساحت رسول خدا هلاک شده و یا از اسلام مرتد شود و از اهل دوزخ گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و شنوندگان آهسته با تو تکرار کنند تا ببینی که اکثرشان آن را حفظ نمایند.

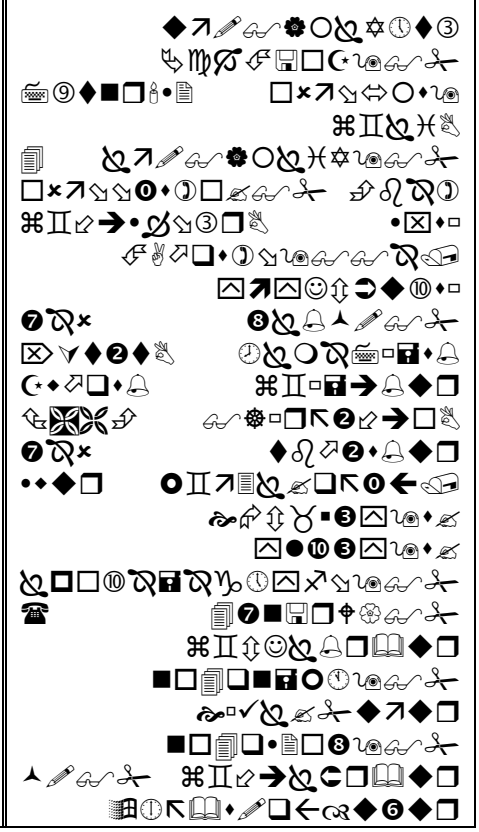
2- شرح را به آرامی بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا شنوندگان بدانند.

3- آن‌ها را آگاه کن: که متوجه‌کردن شخص به خطایش به لطف و نرمی صورت گیرد، طوری که پیامبر ρ خطای سعد τ را به لطف و نرمی برایش اعلان فرمود.

4- آن‌ها را به ادب و سیاست مدبرانه محمدی ρ آگاه نما: آنجا که برای شخص ضعیف الایمان می‌دهد از خوف این که ضعف ایمان، او را به هلاکت نکشاند و شخص قوی الایمان را چیزی نمی‌دهد زیرا از لغزش قلب وی ایمن است.

5- به آن‌ها بگو: که ایمان امر باطنی است و اسلام امر ظاهری است از این جهت کسی که دیگر را به ایمان صفت می‌کند شاید گاهی به خطا برود و اگر به اسلام صفت کند مرتکب خطایی نمی‌گردد.

درس 3: آیهٔ زنان پیامبر ρ زنان عادی نیستند

قوله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(32) ای زنان پیامبر! نیستید شما مانند یکی از زنان، اگر بترسید خدا را پس نرمی نشان ندهید در گفتار، تا امید بندد آن که در دلش بیماری است و بگوئید گفتار نیکو (33) و بیارمید در خانه‌های خویش و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی جاهلیت نخستین و به پا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید از خدا و پیامبرش.

[احزاب: 32، 33]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  خداوند Ψ در این آیت زنان پیامبر ρ را که نه زن بودند مورد خطاب قرار داده است تا آن‌ها را به بلندی منزلت و رفعت مقام‌شان آگاه گرداند، چرا چنین نباشد که آن‌ها امهات المؤمنین «مادران مسلمانان هستند» ولی این بلندی و رفعت مقام مقید به تقوا و پرهیزگاری‌شان است که اوامر خداوند را به جا آورند و نواهی او را ترک کنند و همچنین از رسول خدا و اوامر و

نواهی او اطاعت داشته باشند و به این نکته جملهٔ شرطیه در فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾ دلالت می‌کند، بنابراین شرافتی که خداوند برای زنان پیامبر ρ اعلان کرده است در ضمن از ایشان فرمانبرداری در امور ذیل را درخواست کرده است.

1- در سخن‌زدن نرمی نکنند یعنی چون همراه مردان بیگانه سخن می‌گویند کلمات را به نرمی ادا نکنند، تا این که از شنیدن سخنان‌شان در دل مردم شهوت‌پرست و منافق, طمع پیدا نشود و همین است معنی سخن خداوند که می‌فرماید: در سخن نرمی نکنید تا کسی که در قلبش بیماریست در شما طمع نکند.

2- این که خانه‌های خود را لازم بگیرند و بدون ضرورت از آن بیرون نشوند زیرا خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿ ﴾ «در خانه‌های خود ساکن شوید».

3- این که از خودنمایی و برآمدن از خانه مانند دورهٔ جاهلیت اُولی پرهیز داشته باشند طوری که با لباس فاخر و معطر بیرون نشوند و مانند زنان دوران جاهلیت در کوچه و بازارها به گشت و گذار نپردازند.

4- نماز را به آداب و شرایط و ارکان آن ادا کنند و زکات اموال خود را بپردازند، در آخر نیز ایشان را به اطاعت از اوامر و نواهی خدا و رسول فرا می‌خواند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت‌ها را بخوان و تکرار کن و شنوندگان آهسته با تو بخوانند تا که اکثریت‌شان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و معانی پوشیده را بیان کن تا شنوندگان خوب بفهمند.

3- آن‌ها را آگاه کن: که شرافت مسلمان و بلندی مقام روحی و پاکیزگی نفسانیش مربوط به تقوای خداست.

4- به ایشان بفهمان: که برای زنان مسلمان جواز ندارد که در هنگام سخن‌گفتن همراه مردان بیگانه، در عبارت خود نرمی به کار برند یا سخنان غیر ضروری به زبان آورند،

مثلاً اگر از ایشان پرسیده شود که شوهرت کجاست؟ بگوید: در بازار است یا در مسجد است یا به سر کار است، یعنی به قدر ضرورت بس کند و سخن را به درازا نکشاند که بگوید: گمان دارم در فلان جا و فلان جا هم رفته باشد.

5- آن‌ها را آگاه کن: که برای زن مسلمان جواز ندارد که چهره و زیبایی‌های خود را در هنگام بیرون‌شدن از منزل برهنه نماید، زیرا چنین کاری حرام است و مرتکب آن گنهکار می‌شود.

6- آن‌ها را از مشابه‌نمودن خود به غیر اهل صلاح بیم بده زیرا خداوند Ψ در قرآنکریم این عمل را نهی فرموده: ﴿ ﴾.

درس 4: حدیث احسان به زیردستان

ما رواه البخاري عن أبي ذر رضي الله قال: سَابَبْتُ رَجُلاً، فَعَيَّرْتُهُ بِأُمِّهِ، فَقَالَ لِيَ النَّبِيُّ ρ: يَا أَبَا ذَرٍّ! أَعَيَّرْتَهُ بِأُمِّهِ إِنَّكَ امْرُؤٌ فِيكَ جَاهِلِيَّةٌ، إِخْوَانُكُمْ خَوَلُكُمْ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ، وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلاَ تُكَلِّفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ، فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ فَأَعِينُوهُمْ.	در حدیثی بخاری از ابی ذر τ روایت می‌کند که ابی ذر گفت: من مردی را دشنام دادم و به مادرش عیبی نسبت کردم، پیامبر خدا ρ برایم فرمود: ای اباذر آیا وی را به مادرش دشنام دادی؟ البته تو شخصی می‌باشی که در تو خصلت جاهلیت وجود دارد. برادران شما بردگان شما هستند خداوند ایشان را زیر دست شما قرار داده است، کسی که برادرش زیر دستش باشد باید از طعامی که می‌خورد او را بخوراند و از لباسی که می‌پوشد او را بپوشاند، ایشان را تکلیفی ندهید که در توان آن‌ها نباشد و اگر چنین تکلیفی دادید به آن‌ها یاری نمائید.

شرح: سخن ابی ذرτ که می‌گوید: سابتُ یعنی مردی را دشنام دادم و به مادرش عیب نسبت کردم و برایش گفتم: ای پسر زن سیاه، آن مرد بلال τ بود. پیامبر ρ برایم گفت: «**يَا أَبَا ذَرٍّ أَعَيَّرْتَهُ بِأُمِّهِ إِنَّكَ امْرُؤٌ فِيكَ جَاهِلِيَّةٌ**» او را دشنام مادر دادی؟ تو شخصی هستی که در تو جاهلیت وجود دارد یعنی در تو خصلتی از خصلت‌های جاهلیت موجود است که آن عیب‌گرفتن به نقایص مردم است چه این کار از عرف و عادات جاهلیت است، مسلمان را لازم است که از اخلاق و عادات اهل جاهلیت بپرهیزد، سپس فرمود: «**إِخْوَانُكُمْ خَوَلُكُمْ**»: بندگان‌تان برادران شما هستند، «**جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ**» خداوند شما را مالک آن‌ها گردانیده است، «**فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ**» پس آن کسی که برادرش زیر دست وی باشد

یعنی مالک برادر خود گردد، «**فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ، وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ**» پس باید در میان او و خود مساوات را مراعات نماید، و در چیزهایی که گفته شد خود را بر وی فضیلت ندهد، فرموده پیامبرρ: «**وَلاَ تُكَلِّفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ**» بیش از قدرت آن‌ها را کار نفرمائید یعنی کاری نگوئید که از انجام آن ناتوان باشند، «**فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ**» و اگر کار دشوار و سختی را به ایشان تکلیف کردید «**فَأَعِينُوهُمْ**» آن‌ها را یاری دهید تا کار برایشان آسان شود و توانائی انجام‌دادن آن را پیدا کنند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را خوب بخوان و شنوندگان هم با تو تکرار نمایند تا حدیث حفظ شود.

2- شرح را بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را واضح گردان تا فهمیده شود.

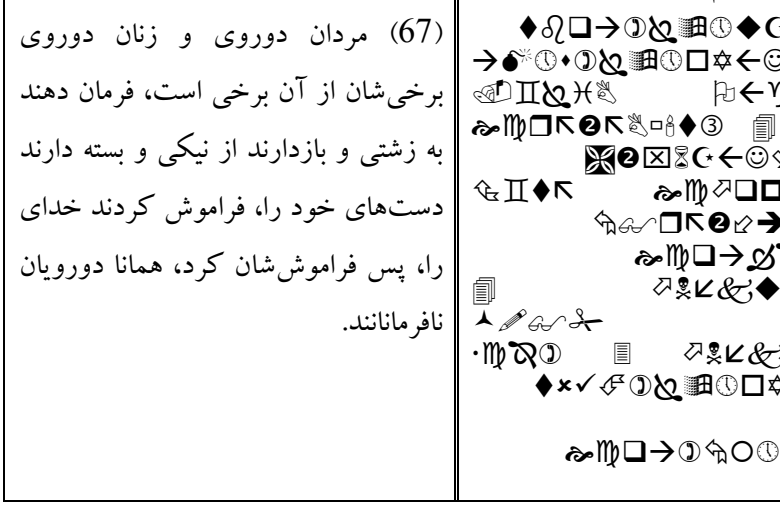
3- آن‌ها را آگاه کن: که عیب گویی به نقایص مردم از عادات جاهلیت است باید مسلمانان آن را ترک نمایند.

4- مراعات برابری در خوردن، آشامیدن و پوشاک میان بنده و مولا واجب است.

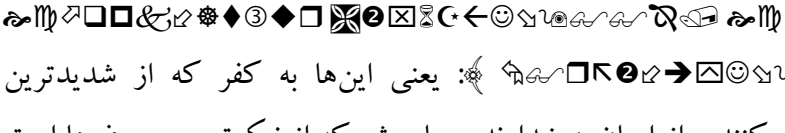
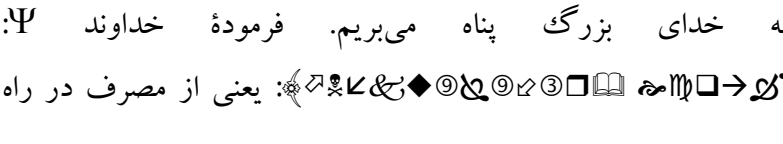
5- تکلیف خدمتگار به کاری که توان آن را ندارد مکروه است و اگر چنین تکلیفی داده شد باید همراهش کمک شود.

6- خوبی های دین اسلام را که در مساوات میان ارباب و خدمتگار متجلی می‌شود برای‌شان بیان کن تا خداوند بزرگ را که نعمت اسلام را برایشان ارزانی داشته سپاس گویند.

درس 5: آیهٔ منافقان باهم شباهت دارند

قول الله جل جلاله وعظم سلطانه:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(67) مردان دوروی و زنان دوروی برخی‌شان از آن برخی است، فرمان دهند به زشتی و بازدارند از نیکی و بسته دارند دست‌های خود را، فراموش کردند خدای را، پس فراموش‌شان کرد، همانا دورویان نافرمانانند.

[التوبه: 67]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  خداوند برای ما خبر می‌دهد که مردان و زنان منافق یعنی کسانی که به ظاهر ادعای ایمان می‌کنند و در باطن کفر خود را می‌پوشند، در عقیده، سخن و کار باهم شباهت دارند پس آن‌ها از یک جنس به شمار می‌روند، فرمودهٔ خداوند:  : یعنی این‌ها به کفر که از شدیدترین منکرات است امر می‌کنند و از ایمان به خداوند و پیامبرش که از نیکوترین معروف‌ها است بازمی‌دارند، این کارها را از جهت فساد فطرت و واژگون‌بودن دل‌های‌شان انجام می‌دهند، از چنین حالتی به خدای بزرگ پناه می‌بریم. فرمودهٔ خداوند Ψ:  : یعنی از مصرف در راه

خدا مانند انفاق در جهاد یا برای فقرا و مساکین دست‌های خود را می‌بندند. فرمودهٔ خداوند: ﴿ یعنی ایمان به خداوند و پیامبرش را فراموش کردند و از ذکر خداوند غافل شدند و از فرمانبرداری خدا و رسول اعراض کردند، پس نفس‌های‌شان را از یادشان برد تا ایمان و کردار پسندیده را به یاد نیاورند و عمل نکردند تا ایشان را از عذاب خود رهایی داده و در جوار او و به رضای او تعالی سعادتمند گردند. فرموده خداوند: ﴿ خداوند به ما خبر می‌دهد که منافقان به راستی فاسقان می‌باشند. زیرا فسق به معنی بیرون‌شدن از فرمانبرداری خدا و رسول است و همین منافقین هستند که طاعت خدا و رسولش را فرو گذاشته و از آن سرباز زدند و از تکالیف شرعی چیزی را انجام ندادند، ولی در میان مسلمانان تظاهر به اسلام کردند تا مردم بگویند: که این‌ها مسلمان هستند، در حقیقت این‌ها منافق و از کافر بدتر و شایستهٔ آتش دوزخ و عذاب‌های ابدی آن خواهند بود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن و دیگران هم بخوانند و تکرار کنند تا اکثرشان حفظ کرده باشند.

2- شرح را بخوان تا همگان به درستی بفهمند.

3- آن‌ها را آگاه کن: که منافق کسی است که اظهار ایمان کرده و کفر خود را می‌پوشد، از این جهت شر او از کافر زیادتر است، پس جایگاه منافقین هم در طبقهٔ تحتانی در آتش دوزخ قرار دارد، طوری که خداوند می‌فرماید: ﴿ (النساء: 145).

«به‌راستی منافقان در پایین‌ترین رده‌ی دوزخ قرار می‌گیرند و هیچ یاوری برایشان نخواهی یافت».

4- به ایشان بفهمان: که از نشانه‌های منافق امر به کارهای ناپسند و نهی از کار شایسته است، پس کسی که مردم را به معصیت خدا و رسول وی دعوت می‌کند و به ظلم و شر وامی‌دارد منافق است.

5- به ایشان بفهمان: بُخلی که صاحبش را به ترک انفاق در راه خدا وادار نماید، از صفات منافقین است که آن‌ها را به لعنت و غضب خداوند گرفتار می‌گرداند.

درس 6: حدیث چهار خصلت علامت نفاق است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ.	پیامبر خداρ می‌فرماید: چهار صفت است کسی که همهٔ آن‌ها را دارد منافق خالص است و کسی که یکی از این صفات در وی وجود دارد دارای خصلتی از نفاق است تا که آن را ترک کند، چون امین گردد خیانت کند، هرگاه سخن بگوید دروغ گفته باشد و اگر پیمانی ببندد وفا نکند و چون با کسی خصومت کند از حد تجاوز کند.

(رواه البخاری)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**أَرْبَعٌ**»: یعنی چهار صفت است «**مَنْ كُنَّ فِيهِ**» کسی که این چهار صفت در وی موجود باشد «**كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا**» منافق خالص می‌باشد یعنی نفاق او کامل است که از ایمان در وجودش اثری نمی‌باشد «**وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا**»: و کسی که در وی صفتی از این‌ها باشد در وجودش صفتی از نفاق است تا این که آن را ترک کند، و رسول خدا این چهار صفت را چنین بیان کردند:

1- هرگاه امین شود خیانت کند یعنی چون کسی وی را بر مال یا آبرو یا اسرار پوشیده خود امین گرداند، خیانت کند.

2- چون سخن گوید: پیوسته دروغ بگوید و در سخنش راستی نباشد.

3- هرگاه با کسی عهدی بسته باشد، پیمان را بشکند و به آن وفا نکند.

4- اگر با کسی دعوا و خصومتی داشته باشد تجاوز کند، یعنی از ادب و راستی و برخورد شایسته بیرون گردد، و این به خاطر تاریکی نفس اوست که از هدایت خداوند محروم شده و اخلاق نیکو را کسب نکرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث مبارک را به لحن واضح بخوان و دیگران هم آهسته با تو بخوانند تا حدیث را حفظ کنند.

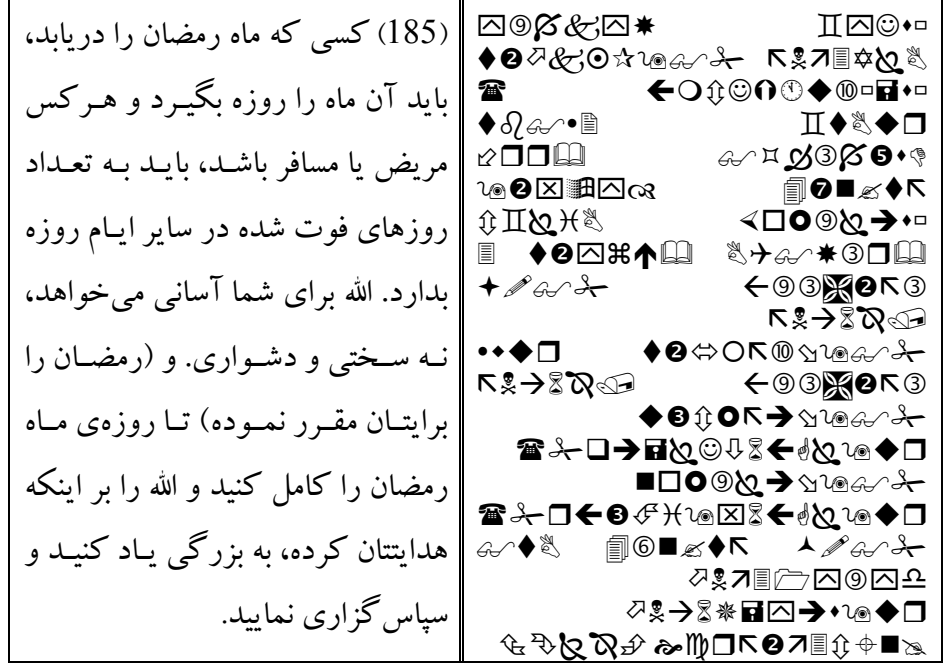
2- شرح را به آرامی بخوان و بکوش تا آن‌ها را بفهمانی که به آن عمل کنند.

3- آن‌ها را از خطر این چهار صفت زشت که عبارت از خیانت در امانت، دروغ گفتن در سخن، بی‌وفایی در عهد و تجاوز در خصومت است آگاه کن.

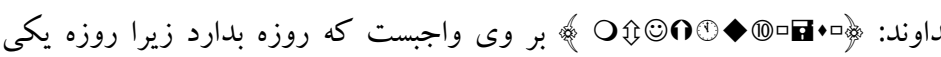
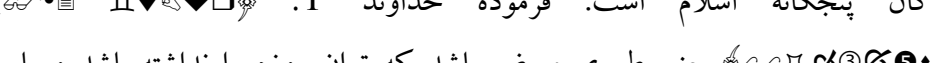
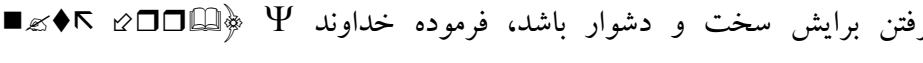
4- به ایشان یادآوری کن که نفاق دو قسم است، نفاق عملی و دیگری نفاق اعتقادی، نفاق عملی آن است که مسلمانی به خدا و رسول و روز قیامت ایمان دارد، فرایض دینی به جا می‌آورد و از نواهی خودداری می‌کند، ولی این چهار صفتی که در حدیث آمده همه یا بعضی را مرتکب می‌شود.

نفاق اعتقادی آنست: که شخص ظاهراً به خدا و رسول ایمان آورده و به خاطر نگهداری مال و نفس خود بعضی عبادات را انجام داده و بعضی نواهی را ترک می‌نماید مگر در حقیقت و باطن خویش به خدا و رسول و روز آخرت ایمان نیاورده است.

درس 7: آیهٔ حلول ماه رمضان سبب روزه است

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(185) کسی که ماه رمضان را دریابد، باید آن ماه را روزه بگیرد و هرکس مریض یا مسافر باشد، باید به تعداد روزهای فوت شده در سایر ایام روزه بدارد. الله برای شما آسانی می‌خواهد، نه سختی و دشواری. و (رمضان را برایتان مقرر نموده) تا روزه‌ی ماه رمضان را کامل کنید و الله را بر اینکه هدایتتان کرده، به بزرگی یاد کنید و سپاس‌گزاری نمایید.

[البقره: 185]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  یعنی هرکه در این ماه حاضر باشد و دخول ماه را بداند فرمودهٔ خداوند:  بر وی واجبست که روزه بدارد زیرا روزه یکی از ارکان پنجگانه اسلام است. فرموده خداوند Ψ:  یعنی طوری مریض باشد که توان روزه را نداشته باشد و یا روزه گرفتن برایش سخت و دشوار باشد، فرموده خداوند Ψ  او علی سفر یعنی ماه رمضان را دریابد و او مسافر باشد در سفری که نماز در آن کوتاه خوانده شود، پس روزه را بخورد و بر وی واجب است که به تعداد روزهایی

که خورده روزهای دیگری را روزه بدارد. فرمودۀ خداوند Ψ: ﴿←⑨③⌘❷↖③ ←⑨③⌘❷↖③ ••◆❒ ♦❷⇔○↖⑩⍼⍼⚘⚘ ↖☠→⌛⍼⍼ ✦✎⚘⚘ ⍼⌛→☠↖ ⚘⚘⍼◆❸⇧●↖➔﴾ خداوند بر شما آسانی را می‌خواهد نه سختی را ازین جهت برای مریض و مسافر رخصت داده است تا روزه را بخورند و بعد از برطرف‌شدن عذر مرض یا سفر آن روزها را قضا بیاورند. فرمودۀ خداوند: ﴿❒◆⍼⍼←⌛⇩☺⍼▣→❒✂☎ ⚘⚘➔⍼⑨●❒■﴾ یعنی قضا برای مریض و مسافر به این علت واجب شده است تا شمارۀ رمضان را که بیست و نه یا سی روز است کامل گردانید، ﴿❒◆⍼⍼←⌛☒⍼❸←❒✂☎ ⚘⚘✎⅄ ↖♦✍■⑥▤ ✌♦⚘ ♎◰⑨◰▭▤↗☠◸﴾ یعنی تکبیرات عید را در هنگام رفتن به نماز عید پیش از ادای نماز در راه و در عیدگاه و در حین بازگشت از مصلی بگوئید، این تکبیرات و ادای نماز عید شکرانۀ خداوند است که بندگانش را به طرف اسلام هدایت کرده است، لذا می‌فرماید: ﴿❒◆⍼•➔◰▣❋⌛→☠◸ ✍■⌖⇧▤↗❷↖❒♍⍼⍼⍼⍼⍼﴾: تا این عبادات شما را آماده شکرگذاری پروردگار شما گرداند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت مبارکه را بخوان و تکرار کن تا بدانی که شنوندگان آن را حفظ کرده اند

2- شرح را جمله جمله بخوان و نکاتی که بر شنوندگان دشوار است توضیح بده.

3- آن‌ها را آگاه کن که مسافر می‌تواند روزه داشته باشد یا بخورد مگر این که روزه او را از کارهای ضروریش بازدارد که در این صورت باید بخورد.

4- آن‌ها را به دین بخشش و مهربانی خداوند آگاه کن که برای مریض و مسافر رخصت داده است تا در سفر و مریضی روزه را بخورند و باز در هنگامی دیگر قضا بیاورند.

5- آن‌ها را از فضیلت شکرگذاری به خداوند آگاه گردان که رأس شکرها گفتن کلمه «الحمدلله» است، و تمام عبادات شکر به حساب می‌آید.

درس 8: حدیث دین آسان است

قول النبي صلى الله عليه وسلم في رواية البخاري: إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلاَّ غَلَبَهُ، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْغَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدُّلْجَةِ.	بخاری از پیامبرρ روایت می‌کند که آن حضرتρ فرموده است: به تحقیق که بنای دین بر آسانی است، هرگز کسی بر خود در امور دینش سخت نگرفته است مگر که دین بر او غلبه کرده است. پس به راستی گرائید و به سوی کمال بروید مژده بگوئید و برای ادای عبادت از صبحگاه و شامگاه و چیزی از سیاهی شب یاری بجوئید.

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ**» پیامبر ρ می‌گوید: تکالیف دینی اسلام از دشواری و شدت و مشقت خالی می‌باشد. چیزی که این مدعا را ثابت می‌کند نماز مریض است که نشسته می‌خواند و همچنین مسافر و مریض می‌توانند که روزه را بخورند و سپس قضا بیاورند و نیز خوردن گوشت خود مرده برای شخصی که در حالت اضطرار است تا از هلاکت نجات پیدا کند. فرموده پیامبر ρ: «**وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلاَّ غَلَبَهُ**» هرگز کسی دین را بر خود سخت نگرفته است مگر که دین بر وی غلبه کرده است این عبارت خبر از حقیقتی می‌دهد که واقع‌شدنی است، زیرا فرایض، واجبات و فضایل دینی بسیار است اگر کسی بخواهد که به تمام آن‌ها عمل کند ناتوان و مغلوب خواهد شد از همین جهت است که پیامبرρ پیروان خود را به راستی و نزدیکی به کمال فرا خوانده و فرموده است: به راستی گرائید و به سوی کمال بروید چون دانستید که هرکس دین را بر خود سخت بگیرد دین بر وی غالب می‌شود پس بر خود تسدید را لازم بگیرید و آن طلب ثواب است و مقاربت را که رفتن به طرف کمال باشد مراعات کنید. فرموده پیامبرρ: «**أَبْشِرُوا**» خوشحال شوید به ثواب

خداوند بر عبادتی که بدون غلو، افراط و زیاده‌روی و یا تفریط، تقصیر و سستی انجام می‌دهید، فرموده پیامبرρ: «**وَاسْتَعِينُوا بِالْغَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدُّلْجَةِ**». غدوه، رفتن در اول روز و روحه، رفتن بعد از زوال و دلجه: سیر در آخر شب است. یعنی اوقات اول روز یا اول شب و یا آخر شب را به کردار شایسته و نیکو چون نماز و غیره سپری کنید تا اینگونه اعمال نیک سبب رفع درجات و نابودی گناهان بگردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی پیوسته بخوان تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را توضیح ده تا دانسته شود.

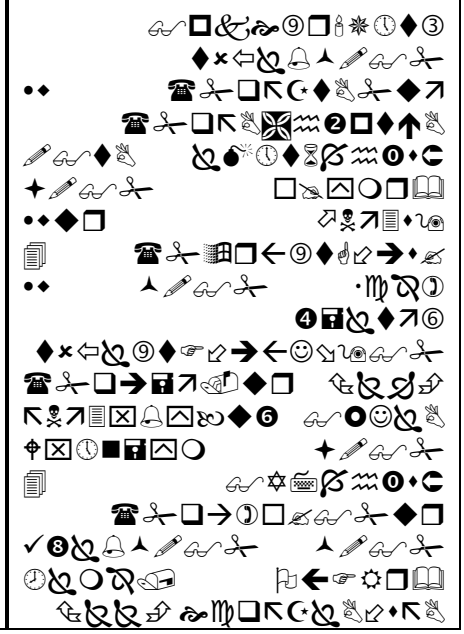
3- ایشان را به فضیلت اسلام و محاسن شریعت اسلام آگاه کن.

4- آن‌ها را از حرام‌بودن مبالغه در تکالیف دینی و ارتکاب بدعت در دین آگاه کن.

5- به ایشان بفهمان: که در همه امور دینی حد وسط را بگیرند زیرا افراط، زیاده‌روی و تفریط، تقصیر و سستی هردو ناپسند است.

6- آن‌ها را از بسیاری ثواب کسانی که در روز یا شب برای نماز و یا طلب علم به مساجد رفت و آمد دارند آگاه گردان.

درس 9: آیهٔ حلال را نباید حرام کرد

قول الله جل جلا له: 	فرمودهٔ خداوند Ψ: (87) ای مؤمنان! حرام نکنید پاک‌های آنچه را حلال کرده است خدا برای شما و تجاوز نکنید همانا خدا دوست ندارد تجاوزکنندگان را (88) و بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید خداوند را که شما بدو ایمان آورندگانید.

[المائده: 87، 88]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  در اینجا خداوند بندگانش را به عنوان مؤمن مورد خطاب قرار می‌دهد، زیرا مؤمن دارای حیات روحی است که اوامر و نواهی خداوند را می‌پذیرد، چون کافر فاقد حیات روحی بوده لذا تا ایمان نیاورده است مورد خطاب اوامر و نواهی شرعی قرار گرفته نمی‌تواند و نیز برای این آیت کریمه شأن نزولی است که عده‌ای از یاران پیامبرρ مانند عبدالله بن مسعود و عثمان بن مظعون ب در جلسهٔ از موعظه‌های پیامبرρ حضور یافتند: که در اثر آن رغبت‌شان از دنیا کاسته شد و به طرف آخرت میل پیدا کرده و عزم کردند تا از دنیا قطع علاقه و عزلت اختیار کنند، نزد سیدهٔ

عایشه ل رفتند از وی روزه و نماز پیامبرρ را جویا شدند، گویا آن‌ها را اندک شمردند، یکی از ایشان گفت: من هیچگاه با زنان تماس نخواهم گرفت، دیگری گفت: من تمام سال روزه گرفته و هیچ روزی را افطار نخواهم کرد، نفر سومی چنین اظهار کرد من همه شب را به عبادت قیام کرده هیچگاه نمی‌خوابم، چون این سخنان آن‌ها به پیامبر خدا رسید به پا خاست و سخنرانی کرد و گفت: چگونه است که جماعتی از شما چنین و چنان می‌گویند، البته من پیامبر خدا هستم از خوردن گوشت پرهیز نمی‌کنم گاهی روزه دارم و گاهی ندارم و با زنان هم ازدواج می‌کنم کسی که از روش و سنت من اعراض کند از من نیست. پس این آیات کریمه نازل گشت که آن‌ها و تمام مسلمین را از حرام‌ساختن طیبات که خداوند برای‌شان حلال کرده است مانند: غذاها، نوشیدنی‌ها، پوشاک، خواب، ازدواج با زنان منع می‌کند و همچنین مؤمنان را از تجاوز به طرف چیزهائی که خداوند بر بندگانش حرام کرده است بازداشته می‌فرماید: ﴿ ﴾: خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد، باز ایشان را امر می‌کند که از آنچه خداوند از حلال به ایشان روزی مقرر کرده است بخورند طوری که آن‌ها را به تقوا و پرهیزگاری ارشاد می‌فرماید: ﴿ ﴾

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را بخوان و تکرار کن تا همگان یا اکثریت‌شان آن را حفظ کنند.

2- شرح را آهسته و با تأنی بخوان و به هر جمله توقف نموده معانی آن را برای شنوندگان توضیح ده.

3- برای‌شان بفهمان: که حرام‌کننده و حلال‌کننده تنها ذات باری تعالی است، برای هیچ انسانی جواز ندارد که چیزی را حلال یا حرام بگرداند. زیرا حرام‌گردانیدن اشیاء علتی دارد و انسان آن را نمی‌داند، چون انسان غیب را نمی‌داند و بسا باشد که علت بر انسان پوشیده گردد.

4-به ایشان بگو: که حرام هیچگاه پاک نمی‌شود اگر کسی چیزی بدزدد و بخورد پاک نیست، بلکه حرام است.

5-آن‌ها را از معنای تقوا که اطاعت از خدا و رسول او در به جاآوردن اوامر و ترک نواهی‌شان است آگاه گردان.

درس 10: حدیث حلال و حرام واضح است

ما رواه البخاري عن النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ رضي الله عنهما قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – يَقُولُ: الْحَلاَلُ بَيِّنٌ وَالْحَرَامُ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا أمور مُشَبَّهَاتٌ لاَ يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنِ اتَّقَى الشَّبَّهَاتِ فَقَد اسْتَبْرَأَ لِعِرْضِهِ وَدِينِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ كَرَاعٍ يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى، يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ.	بخاری از نعمان بن بشیر ب روایت می کند که گفت: از پیامبر خدا ρ شنیدم که فرمود: حلال واضح و آشکار است و حرام هم واضح است، در میان این‌ها چیزهای مشابهی وجود دارد که بیشتر مردم آن‌ها را نمی‌دانند، کسی که از شبهه پرهیز کند آبرو و دین خود را پاک نگهداشته است و کسی که در شبهه می‌افتد مانند چوپانی است که در اطراف قُرق «منطقه ممنوعه» گوسفندش را می‌چراند بسا باشد که داخل قُرق شود یعنی در حرام بیفتد.

شرح: بخاری: فرمودۀ پیامبر ρ: «**الْحَلاَلُ بَيِّنٌ وَالْحَرَامُ بَيِّنٌ**» «حلال و حرام واضح است» یعنی نزد مردم آگاه به قرآن و حدیث این‌ها آشکار می‌باشد زیرا دلایل قوی و آشکار در بارۀ حلال و حرام وجود دارد. مثال حلال واضح و آشکار در خوردنی‌ها مانند خرما، حبوبات، میوه‌ها و سبزیجات، گوشت حلال, گوشت، عسل و آب در نوشیدنی‌ها، حرام نیز آشکار است مانند گوشت خود مرده، خون، گوشت خوک، حیوانی که به نام غیر خدا به نام صالحین و اولیاء ذبح می گردد، همچنان اشیاء دزدی و غصبی یا مانند سود و شراب و هر مسکر دیگری. فرموده پیامبر: وبینهما امور مشبهات لا یعلمها کثیر من الناس «در میان این‌ها چیزهای مشابهی وجود دارد که بیشتر مردم آن‌ها را نمی‌دانند» ازین سبب که در اشیاء مشابهه هم دلیل حلال‌بودن و هم دلیل حرام‌بودن وجود دارد که یکی خواهش حلیت و دیگری خواهش حرمت آن‌ها را می کند. فرمودۀ پیامبر ρ: «**فَمَنِ اتَّقَى الشَّبَّهَاتِ فَقَد اسْتَبْرَأَ لِعِرْضِهِ**

وَدِينِهِ». «کسی که از شبهه‌ها پرهیز کند دین و آبروی خود را پاک نگه کرده است» معنی پرهیز از شبهات ترک امور مشابهه و دوری‌گزیدن از آن است، زیرا به این کار آبرو و دین مسلمان حفظ می‌شود و کسی نمی‌گوید که فلانی چنین و چنان کرده است، فرمودۀ پیامبر ρ: « **وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ**» «کسی که در شبهه افتاد در حرام می‌افتد» زیرا در شبهه‌ها حرام وجود دارد و چون زیاد در شبهه‌ها درآید ناچار در حرامی که در آن‌ها وجود دارد گرفتار می‌شود مثال آن مانند چوپانی است که در اطراف زمینی که صاحبش آن را قُرق کرده گوسفندانش را می‌چراند که اگر از کنارۀ آن دور نشود حتماً داخل قرق می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را تکرار کن تا ببینی که اکثر و یا همه شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

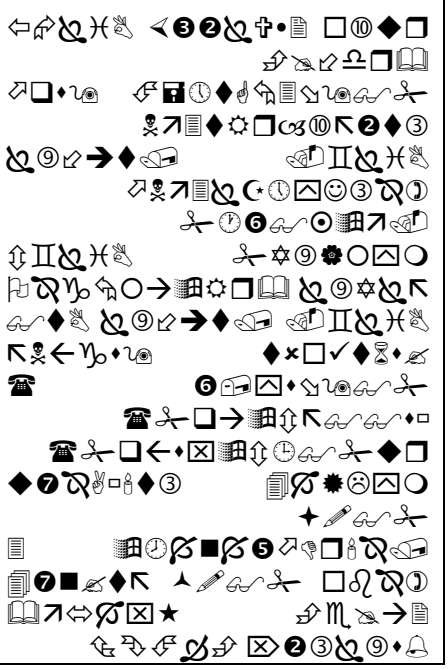
2- شرح را به آرامی بخوان نکات پوشیدۀ آن را بیان کن تا فهمیده شود.

3- به آن‌ها بگو: که بر مؤمن واجب است که حلال و حرام را به آموختن علم و یا پرسش از دانشمندان بشناسد.

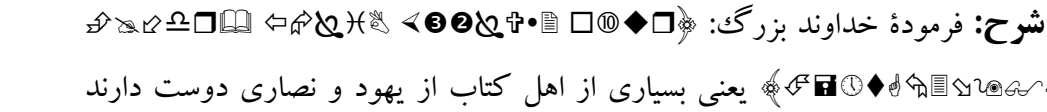
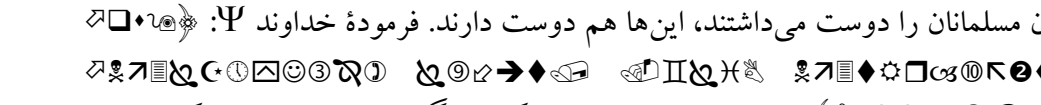
4- به ایشان بفهمان: که سلامت کامل در ترک چیزهای شبهه‌ناک مانند گوشت اسپ می‌باشد، زیرا عدۀ از مردم آن را حلال و عدۀ هم حرام می‌گویند، پس برای بیرون‌شدن از اختلاف و گرفتار نیامدن در حرام، ترک خوردن آن بهتر و طرف احتیاط است.

5- آن‌ها را آگاه کن: که بر مسلمان لازم است که احتیاط کند تا آبرو و دین خود را حفظ کند.

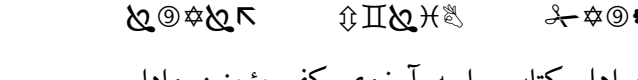
درس 11: آیهٔ اهل کتاب می‌خواهند شما را گمراه کنند

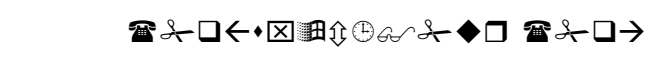
قول الله عزوجل:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(109) بساری از اهل کتاب دوست دارند تا شما را بعد از ایمان‌تان به سوی کفر برگردانند پس از آن که حق برای‌شان آشکار شده است به علت حسدی که از نفس‌های‌شان است، پس درگذرید و گذشت کنید تا خداوند امر خود را پیاده کند خدا بر همه چیز توانا است.

[البقره: 109]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ:  یعنی بسیاری از اهل کتاب از یهود و نصاری دوست دارند گرچه این آیت در بارهٔ یهود مدینه نازل شده ولی آیات قرآن مجید, دارای معنی عمومی می‌باشند مثلاً از نصاری هم کسانی وجود دارد که این آرزو را دارند چنانکه یهودها منحرف شدن مسلمانان را دوست می‌داشتند، این‌ها هم دوست دارند. فرمودهٔ خداوند Ψ:  تا شما را بعد از ایمان به کفر بازگردانند این چیزیست که بسیاری اهل کتاب یهود و نصاری آن را دوست می‌دارند، آن‌ها همیشه می‌خواهند مسلمانان را بعد از

ایمان‌شان به طرف کفر بکشانند، تا در دنیا با آن‌ها در تاریکی کفر برابر باشند، و در آخرت نیز به عذاب آتش دوزخ گرفتار شوند.

فرمودۀ خداوند:  یعنی چیزی که اهل کتاب را به آرزوی کفر مؤمنین وادار می‌کند همان حسدیست که در نفس‌شان جای گرفته است. فرمودۀ خداوند بزرگ:  یعنی پس از آن که شناختند که اسلام دین حق است و هرکه آن را به صدق و اخلاص قبول کند در دنیا و آخرت رستگار می‌شود و گروهی از ایشان که به مسلمانان حسد بردند بازگشت آن‌ها را به سوی کفر تمنا کردند.

فرمودۀ خداوند Ψ:  یعنی ای مسلمانان! با این گروهی که آرزوی کفر شما را دارند به عفو پیش آمد کنید و آن‌ها را مؤاخذه نکرده و گذشت کنید و ایشان را به زبان سرزنش مکنید و صبر داشته باشید، تا خداوند امر پیکار با ایشان را بر شما نازل کند و خداوند به همه چیز تواناست پس به وعدۀ خدا اعتماد کنید و مطمئن باشید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به خوبی بخوان و تکررا کن تا اکثراً آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و به هر جمله توقف کن و معنی‌شان را بیان کن تا شنوندگان بدانند.

3- به آن‌ها بگو: بسیاری از یهود و نصاری خواستار به فسادکشانیدن عقاید مسلمانان می‌باشند تا ایشان را از اسلام که مصدر قدرت و سعادت دنیا و آخرت‌شان است دور بگردانند چیزی که آن‌ها را به این کار وادار می‌کند آتش حسدیست که سینه‌های‌شان را فرا گرفته است.

4- آن‌ها را آگاه کن: که بسیاری از اهل کتاب می‌دانند که اسلام دین حق خداوند است و کمال سعادت انسان در غیر اسلام نیست، چیزی که آن‌ها را به عدم قبول اسلام می‌کشاند تنها و تنها اختیار دنیا بر نعیم آخرت است.

5- آن‌ها را به فضایل عفو و گذشت از خطای دیگران آگاه کن: تا به آن خوی بگیرند، زیرا این کار از جمله عبادت به شمار می‌رود.

درس 12: حدیث هم‌چشمی نیست مگر در دو چیز

قول النبي صلى الله عليه وسلم في صحيح البخاري: لاَ حَسَدَ إِلاَّ فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً فَسُلِّطَ عَلَى هَلَكَتِهِ فِي الْحَقِّ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْحِكْمَةَ، فَهْوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا.	بخاری از رسول خداρ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: نیست همچشمی و رقابت مگر به دو کس مردی که خداوند به وی مالی بخشیده و او را توانا کرده است تا آن مال را در راه حق به مصرف برساند و مردی که خداوند به وی حکمت ارزانی داشته و او به واسطهٔ آن در میان مردم داوری و قضاوت می‌کند و دانش خود را به دیگران تعلیم می‌دهد.

شرح: فرمودهٔ پیامبر: «**لاَ حَسَدَ إِلاَّ فِي اثْنَتَيْنِ**» «حسد برده نشود، مگر به دو کس» پیامبر ρ در این‌جا حسد حرام را که آن تمنای زوال نعمت غیر است تا برای خودش حاصل شود، و یا تمنای زوال نعمت غیر گرچه به خودش حاصل نشود اراده ندارد، این دو نوع حسد هردو شرّ است که به خدا از آن پناه می‌جوئیم و صاحب چنین حسدی رستگار نمی‌شود و سودی به دستش نمی‌آید، چنانکه ضرب المثل است که: «**الحسود لا يسود**» «حسود به سروری و ریاست نمی رسد» ولی آنچه پیامبر خدا ρ در این گفتار «**لاَ حَسَدَ إِلاَّ فِي اثْنَتَيْنِ**» اراده دارد، غبطه است و آن آرزوی شخص است که خداوند نعمتی مانند آن نعمتی که به برادر مسلمانش عنایت کرده به وی عطا فرماید و آن نعمت را از خداوند درخواست کند بدون این که آرزوی سلب نعمت را از طرف مقابل خود داشته باشد، به این معنی فرموده پیامبر ρ در حدیث صحیح گواهی می‌دهد, که می‌فرماید: «**رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً فَسُلِّطَ عَلَى هَلَكَتِهِ**» «مردی که خدا به وی مالی داده است و او را به خرج کردن آن مال در راه خدا توفیق بخشیده است، یعنی یکی از کسانی که غبطه به آن رواست مردی است که خداوند به وی توفیق داده تا مال

خود را در راه حق و خیر به مصرف برساند، اگر کسی تمنا کند که مانند این مرد باشد تا مالی داشته باشد و توفیق یابد که آن را در راه خداوند خرج کند و این را از خداوند بدعا طلب کند، اگرچه به ظاهر این شخص حاسد است ولی در باطن و حقیقتاً غبطه‌خورنده می‌باشد، زیرا امید دارد که آنچه به برادرش داده شده برای او هم داده شود بدون این که آرزوی سلب نعمت آن برادر را داشته باشد. فرموده پیامبرρ : «**رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْحِكْمَةَ**» مردی که خداوند برایش حکمت و دانش ارزانی داشته است، این دومین شخصی است که کسی آرزو کند تا مثل او باشد حاسد گفته نمی‌شود، بلکه آن را غبطه می‌گویند، مراد از حکمت در اینجا علم شریعت است و علم کتاب و سنت اراده شده است زیرا به روایتی هم «**آتاه الله علما**» آمده است و فرموده پیامبرρ : «**فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا**» یعنی به آن علم در میان مردم داوری می‌کند و آن را بدیشان می‌آموزد و به حکمت خود میان مردم قضاوت می‌کند و آن حکمت را برای مردم تعلیم می‌دهد چنین مردی بر حالش غبطه‌خوردن جواز دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به طور واضح بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را یاد بگیرند.

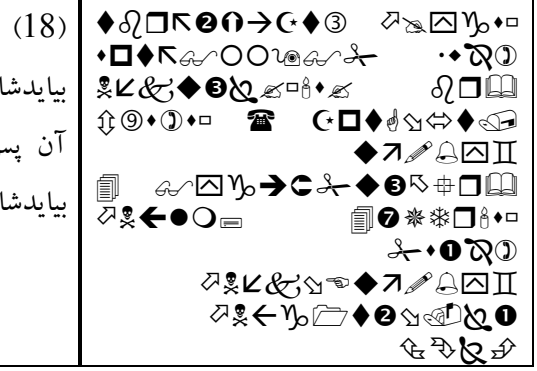
2- شرح را بخوان و به هر جمله توقف کن و معنی آن را برای شنوندگان توضیح ده.

3- به آن‌ها هشدار ده که حسادت، حسنات را می‌خورد مانندی که آتش هیزم را می‌سوزد و هیچ مرضی از حسد خطرناک‌تر نیست.

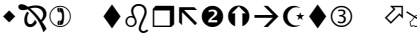
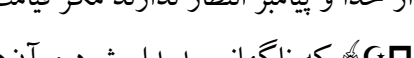
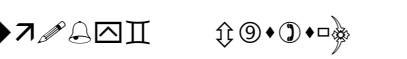
4- به ایشان بگو: که اگر چیزی در چشم کسی خوب آمد ما شا الله و بارک الله بگوید از زخم چشم به آن آسیبی نمی‌رسد.

5- به آن‌ها بفهمان: که غبطه غیر از حسد است و بهترین چیزی که از حسد بدان پناه برده می‌شود خواندن سورهٔ قل اعوذ برب الفلق است.

درس 13: آیهٔ کافران انتظار قیامت را می‌کشند

قول تعالی:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(18) آیا منتظرند جز قیامت را که بیایدشان ناگاه پس همانا بیامد نشانه‌های آن پس کجا برای ایشانست گاهی که بیایدشان یادآوری‌شان.

[محمد: 18]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ: ﴿  ﴾ خداوند بزرگ ایمان‌نیاوردن اهل مکه را به خدا و پیامبرش و باورنداشتن‌شان به دیدار خداوند و آنچه را به رسول خود از هدایت و نور فرستاده است نکوهش می‌کند گویا اهل مکه به سبب روگردانیدن از خدا و پیامبر انتظار ندارند مگر قیامت را ﴿  ﴾ که ناگهانی پدیدار شود و آن‌ها آگاه نباشند، فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿  ﴾ یعنی علاماتی که بر نزدیکی قیامت دلالت می‌کند ظاهر شده است و آن‌ها بسیار است از آن‌ها یکی بعثت محمد ρ است زیرا آن حضرت ρ فرموده است: من به طرف مردم فرستاده شدم در حالی که با قیامت دو انگشت فاصله دارم و اشاره به دو انگشت سبابه و وسطی نمودند. و ازین علامات شق‌شدن ماه هست که بر کوه ابوقبیس دو لخته شد، چون کفار قریش از محمد ρ چنین معجزهٔ خواستند او از خداوند درخواست کرد خداوند دعایش را اجابت فرمود و ماه را دو شق نمود که آن را اهل مکه و غیرشان دیدند و ایمان نیاوردند، مگر آن که خداوند او را به ایمان توفیق داد. فرمودهٔ خداوند بزرگ:

﴿ ﴾ (القمر: 1). «قیامت نزدیک شد و ماه دوپاره گشت» و فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾ یعنی از نصایحی که به ایشان داده شد هیچ فایده‌ای نگرفتند چه وقتی به ایمان و عمل صالح دعوت شدند از آن رو گردانیده تکبر نمودند، و همانا قیامت آمده است و آن‌ها در میدان حساب اعمال حاضر آمده اند. در حالی که ﴿ ﴾ (الشعراء: 91 - 93). «دوزخ برای سرکشان آشکار شد و به آنان گفته می‌شود: معبودانی که جز الله عبادت و پرستش می‌کردید، کجایند؟ آیا به شما یاری می‌رسانند یا می‌توانند عذاب را از خود دور کنند؟».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و شنوندگان آهسته تکرار کنند تا ببینی آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را بخوان و آنچه محتاج تفسیر باشد تفسیر نما تا همه بفهمند.

3- به آن‌ها بفهمان: که عقیده به بعثت در آخرت و حساب روز قیامت از ارکان ایمان است و اگر قلبی از ایمان تهی باشد بر صاحبش اعتماد نمی‌شود و امین نمی‌باشد زیرا وی به محاسبهٔ کردارش باور ندارد و تا هنگامی که چنین باشد وی را چگونه می‌تواند بر چیزی امین شمرد.

4- برای‌شان بگو: که برای قیامت شرایطی است که آن‌ها را علامات قیامت می‌گویند که شامل علامات صغری (کوچک) و کبری (بزرگ) می‌باشد، تاکنون بسیاری از علامات کوچک ظاهر شده است، مگر از علامات بزرگ هنوز چیزی آشکار نشده

است علامات کبری ده علامه است اول آن‌ها طلوع خورشید از مغرب است که چون خورشید از مغرب برآید دروازهٔ توبه بسته می‌گردد، درین هنگام کسی که مؤمن است مؤمن می‌ماند و کسی که کافر باشد کافر می‌ماند و کسی که صالح است صالح می‌ماند و کسی که فاسق است فاسق می‌ماند، چون خداوند بزرگ می‌فرماید:



(الأنعام: 158). «روزی که بعضی نشانه‌های پروردگارت پدید آید برای هیچکس که قبلاً ایمان نداشته و یا در ایمان خود عمل نیکی انجام نداده باشد ایمان وی فایده ندارد».

درس 14: حدیث علامات قیامت

قول النبي عليه الصلاة والسلام في رواية أنس رضي الله عنه إذ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن من أشراط الساعة أن يقل العلم ويظهر الجهل ويظهر الزنا، وتكثر النساء، حتى يكون لخمسين امرأة القيم الواحد.	انس τ از رسول خدا ρ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: به تحقیق از نشانه‌های قیامت است این که علم کم شود و جهل پدیدار شود و زنا آشکار گردد. زن‌ها بسیار شوند تا این که برای پنجاه زن یک سرپرست مرد باشد.

شرح: فرموده پیامبر ρ: «**إن من اشراط الساعة**»: یعنی از نشانه‌های که قیامت برپا نمی‌گردد مگر این که آن نشانها آشکار شوند و این علامات را شروط قیامت گویند، زیرا قیامت آشکار نمی‌شود تا علامات آن آشکار شود، مراد از قیامت روز رستاخیز و محاسبهٔ اعمال است. فرمودهٔ پیامبرρ : «**أن يقل العلم**» یعنی اهل علم که دانشمندان باشند کم شوند، در اینجا مراد از علم علم شریعت و علم به کتاب و سنت است که سرچشمهٔ همه علوم, عقاید، عبادات، احکام، آداب و اخلاق اسلامی است. فرمودهٔ پیامبرρ : «**ويظهر الجهل**» یعنی جاهلان بسیار شوند و بر مردم غلبه کنند و این حالت وقتی ظهور کند که علما اندک باشند و کسی به اسماء و صفات خداوند دانا نباشد و از کرداری که خداوند به آن خشنود یا ناراضی می‌شود جز گروهی اندک آگاه نباشند. فرمودهٔ پیامبرρ : «**ويظهر الزنا**» وزنا آشکار گردد این علامت چهارم است، ظهور زنا و شیوع آن نتیجهٔ جهالت مردم است به خداوند و ندانستن آنچه را خداوند دوست دارد یا از آن خشنود نیست و عدم اطلاع از نعمت‌ها یا عذاب‌هایی که خداوند Ψ در آخرت برای دوستان و یا دشمنان خود آماده ساخته است، ظهور زنا به معنی پدیدآمدن و بسیارشدن آن در میان مردم است، فرمودهٔ پیامبرρ: «**وتكثر النساء، حتى يكون لخمسين امرإة القيم الواحد**»: زن‌ها بسیار شوند تا برای پنجاه زن یک مرد سرپرست بماند قیم کسی است که به احوال غیر خود سرپرستی و رسیدگی می‌کند، مانند شوهر که بر

زن و فرزندانش سرپرستی می‌کند و خداوند به سبب کثرت زن‌ها و قلت مردان داناتر است، این نشانه تا هنوز آشکار نشده است، علامات دیگر در بیشتر شهرهای مسلمانان موجود است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن و شنوندگان هم آهسته بخوانند تا بدانی که آن را حفظ کرده اند.

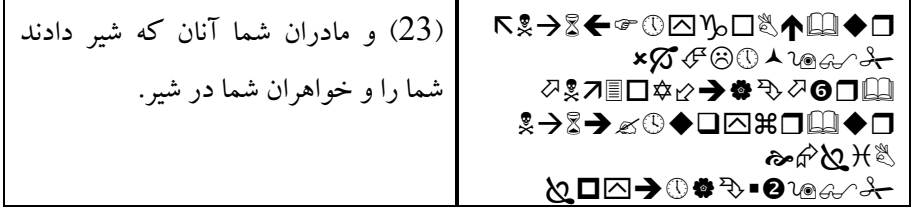
2- شرح را جمله، جمله بخوان و معنی مطلوب آن را شرح کن تا همه بفهمند.

3- به آن‌ها بگو: که قیامت علاماتی دارد که چون همهٔ آن‌ها ظاهر شود قیامت هم برپا گردد.

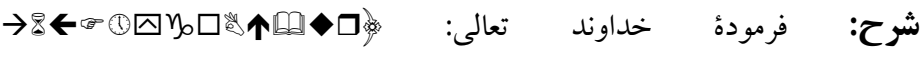
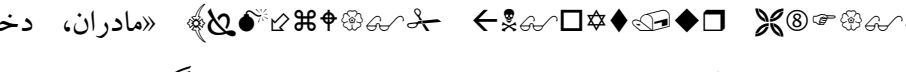
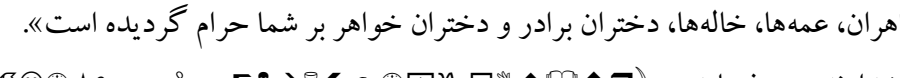
4- آن‌ها را از خطر نادانی و قلت علم آگاه کن و به آموزش علوم دینی تشویق و ترغیب نما.

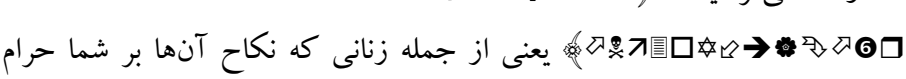
5- آن‌ها را از خطر بروز زنا و انتشار آن در میان مسلمانان آگاه کن زیرا سبب آن عدم شناخت خدا و ندانستن کرداری که موجب خشنودی و یا قهر خداوند است و غفلت از نعمت‌ها و عذاب‌هائی که خداوند در جهان آخرت برای دوستان و یا دشمنانش آماده کرده است می‌باشد.

درس 15: آیهٔ مادران شیرده

قول الله جل جلا له:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(23) و مادران شما آنان که شیر دادند شما را و خواهران شما در شیر.

[نساء: 23]

شرح: فرمودهٔ خداوند تعالی:  امهات جمع ام است  : یعنی مادران رضاعی شما, نه مادرانی که شما را زائیده اند، زیرا حکم مادر نسبی در اول آیت بیان شد آنجا که خداوند فرمود:     «مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر بر شما حرام گردیده است».

خداوند می‌فرماید:  یعنی از جمله زنانی که نکاح آن‌ها بر شما حرام بوده مادران رضاعی شما است.

فرمودهٔ خداوند:  «وخواهران رضاعی شما» و آن‌ها دخترانی هستند که از شکم مادر رضاعی‌تان به دنیا آمده اند فرق ندارد که پیش از شیرخواری شما بوده اند یا بعد از آن، همچنین دختران شوهر مادر رضاعی که از زن دیگر خود داشته باشد همه خواهران

رضاعی شما به حساب می‌روند، زیرا طوری که فقها می‌گویند: شیر زن از شوهر اوست، باید بدانید که زن‌هائی که نکاح‌شان به واسطه نسب حرام است، همان زن‌ها نکاح‌شان به واسطهٔ رضاع نیز حرام می‌باشد، پس دختر خواهر رضاعی برای شما حلال نیست، مادر پدر رضاعی هم مانند مادر پدر نسبی‌تان حرام است، چون او جده‌ی شماست خواهران پدر و مادر رضاعی چون خاله و عمهٔ شما هستند برای‌تان حلال نمی‌باشند و همه این احکام ازین حدیث پیغمبرρ که می‌فرماید: «**يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ، مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ**» «آنچه به نسب حرام می‌شود از رضاع نیز حرام می‌شود» ثابت می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را واضح بخوان و همچنان شنوندگان نیز تکرار نماید تا حفظ شود.

2- شرح را بخوان و نکته‌های فقهی آن را بگو: تا همه زن‌های محرمه شناخته شوند.

3- به آن‌ها بگو: «به عقیده‌ی گروهی از فقها» رضاعی که حرام‌کننده است این که باید پنج بار یا زیادتر شیر داده شود، ولی مذهب گروه دیگر و احتیاط در امور دین این است که چون کودکی از پستان زنی شیر خورد و سیر شود گرچه یک مرتبه باشد کودک فرزند رضاعی آن زن می‌گردد، ولی به یک مکیدن یا دو مکیدن طوری که اجماع شده است حرمت رضاع ثابت نمی‌شود، زیرا پیامبرρ فرموده است: «**لا تُحَرِّمُ الإِمْلاجَةُ، وَلا الإِمْلاجَتَانِ**»: یعنی حرمت رضاع به یک چوشیدن و یا دو چوشیدن کودک ثابت نمی‌شود. تبصره: از نظر مذهب حنفی باید در این جا توضیحاتی داده شود:

4- به ایشان بفهمان: که حرمت شیرخوارگی بعد از سپری‌شدن دو سال که مدت رضاع است ثابت نمی‌گردد. بلکه رضاع در همان دو سال که موعد شیرخواری طفل است باید صورت گرفته باشد تا حرمت رضاع ثابت گردد.

5-به ایشان بگو: که مسلمانان مکلف هستند که صله رحم را در رضاع نیز مانند صلهٔ رحم در نسب مراعات کنند و از دوستی و احسان و جوانمردی با وابستگان رضاعی خود دریغ نکنند.

درس 16: حدیث چگونه آن زن را نگه می‌داری

قول النبي صلى الله عليه وسلم: كَيْفَ وَقَدْ قِيلَ؟ فَفَارَقَهَا وَنَكَحَتْ زَوْجًا غَيْرَهُ، لِهَذَا القولِ سَبَبٌ، وهو أن عُقْبَةَ بْنِ الْحَارِثِ رضي الله عنه تَزَوَّجَ ابْنَةً لأَبِي إِهَابِ بْنِ عَزِيزٍ، فَأَتَتْهُ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ إِنِّى أَرْضَعْتُ عُقْبَةَ وَالَّتِى تَزَوَّجَ بِهَا. فَقَالَ لَهَا عُقْبَةُ: مَا أَعْلَمُ أَنَّكِ أَرْضَعْتِنِى وَلاَ أَخْبَرْتِنِى. فَرَكِبَ إِلَى النَّبِىِّ ρ بِالْمَدِينَةِ فَسَأَلَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِρ: كَيْفَ وَقَدْ قِيلَ.	ترجمهٔ گفته پیامبر ρ: پیامبر ρ برای عقبه گفت: چگونه این زن را در نکاحت نگاه می‌داری و این سخن که تو با وی شیرخواریی گفته شده است. بعد از آن، آن زن از عقبه جدا شد و شوهر دیگری اختیار کرد. این سخن داستانی دارد و آن چنین بود که عقبه بن حارث τ با دختر ابی اهاب بن عزیز ازدواج کرد. زنی به نزدش آمد و گفت: من عقبه و زنی که با وی ازدواج کرده است از پستان خود شیر داده‌ام. عقبه برایش گفت: من خبر ندارم که مرا از پستان خود شیر داده باشی و تاکنون ازین موضوع برایم خبر ندادی، سپس عقبه روانه مدینه شد و نزد رسول خدا ρ آمد و در این باره از او سوال کرد. پیامبرρ فرمود: چگونه این زن را نگه می‌داری در حالی که چنین سخنی گفته شده است.

(رواه البخاری)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**كيف وقد قيل**»: یعنی چگونه این زن را به نکاحت نگه می‌داری و چنین سخنی گفته شده است: که وی خواهر رضاعی تو است. این حدیث شریف قاعدهٔ اساسیست در ترک اشیای شبهه‌آمیز و رعایت تقوا, تا آبرو و دین مسلمان به آن حفظ شود.

زیرا به مجردی که آن زن گفت: من عقبه و زنی را که به نکاح گرفته است شیر داده‌ام، و عقبه از رسول خدا پرسید، پیامبر ρ برایش فرمود: چگونه او را نگاه می‌داری، در حالی که چنین حرفی گفته شده. آری، پیامبر ρ برای عقبه نفرمود: که برو و آن زن را قسم بده یا از وی شاهدی طلب کن که آیا زنت را شیر داده است؟ بلکه پیامبر ρ به قول آن زن که گفت: عقبه و زنش را شیر داده است اکتفاء کرد. و این حدیث را حدیث دیگر تأیید می‌نماید که می‌فرماید: «**الْحَلاَلَ بَيِّنٌ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ وَبَيْنَهُمَا أمور مُشْبِهَاتٌ لاَ يَعْلَمُهُا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِعِرْضِهِ وَدِيْنَهُ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ**»: «حلال آشکار است و حرام آشکار است در میان آن‌ها چیزهای مشابه وجود دارد که بسیاری از مردم آن را نمی‌دانند و کسی که از شبهه پرهیز کند به تحقیق که آبروی و دین خود را پاک نگاه کرده است و کسی که در شبهه افتاد در حرام می‌افتد».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

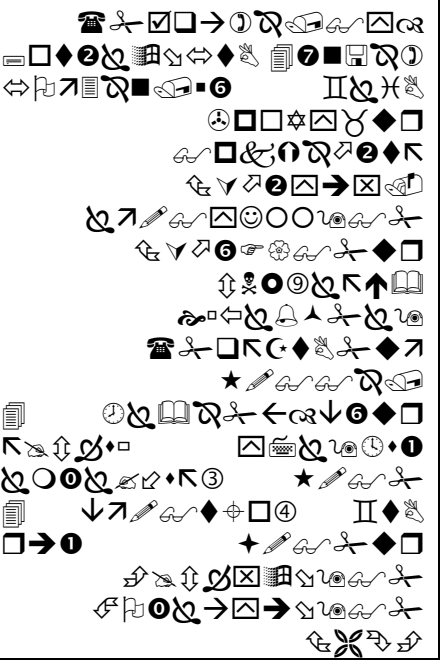
2- جمله‌های شرح را واضح بخوان تا معانی آن را شنوندگان بدانند.

3- به آن‌ها تذکر ده، هرگاه مسلمان صالح در کاری مشتبه واقع شود و جهت حق را نداند تقوا و پرهیزگاری ایجاب می‌کند که کار مختلف فیه را ترک نماید تا وارد گناه نگردیده و از مرتبه‌اش نزد پروردگار کاسته نشود.

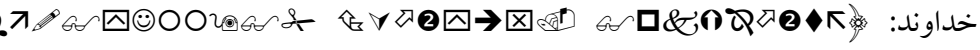
4- به آن‌ها تعلیم ده: که خبر واحد مورد قبول است و به آن عمل می‌شود و رأی کسی که می‌گوید: به خبر واحد عمل نمی‌شود اعتباری ندارد، زیرا حسن ظن به مسلمان لازم می‌باشد.

5- به ایشان بگو: که ترک شبهات در نزد خداوند اجر دارد و صاحبش دارای حسن عاقبت می‌باشد. چون پیامبر ρ می‌گوید: «کسی که چیزی را برای خدا ترک کند خداوند برایش عوض می‌دهد».

درس 17: آیهٔ مسابقه برای ورود به بهشت

قول الله جل جلاله:	فرمودهٔ خدای بزرگ Ψ:
	(21) پیشی جوئید بر همدیگر به سوی آمرزشی از پروردگار خویش و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است، آماده شده برای آنان که ایمان آوردند به خدا و پیامبرانش، اینست فضل خدا دهدش بهر که خواهد و خداست دارای فضل بزرگ.

[الحدید: 21]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ Ψ:  یعنی اولاً: باید هریکی از شما مسلمانان مانند کسانی که باهم مسابقه می‌دهند در طلب مغفرت پروردگار خود بکوشید و این کار به توبهٔ نصوح که عبارت است از ترک گناهان کبیره و صغیره و صبرکردن بر آن‌ها صورت می‌گیرد و ثانیاً: به سوی جنتی که پهنای آن مانند پهنای آسمان‌ها و زمین است بشتابید، زیرا کسی که توبهٔ نصوح کند گناهانش محو می‌شود، و به سبب توبه پاک و بی‌آلایش گردیده و همانا اهلیت ورود به دارالسلام بهشت را حاصل می‌کند. فرمودهٔ خداوند: 

◘◆⊹☙❀☞❻⬀✔⇦❁ این عبارت برای ذهن‌نشین کردن مطلب برای شنوندگان است، مثلی که در سورهٔ آل عمران آمده است: ❁♉⍂✡□◘☹ ⇖♦❹⇔➭➔♑⍂☙ ⊹☙⌂○○☺⍂◷◘◆◷♔⇠ ◘◆⊹☙❀☞❻⬀✔❶❁ (آل عمران: 133). «پهنای جنت به پهنای آسمان‌ها و زمین است» ورنه عرض و طول جنت را غیر آفریدگارش کسی نمی‌داند و عقل بشری این را درک نمی‌کند و فرمودهٔ رسول الله ρ بر این مطلب دلالت دارد: «إن المؤمن یعطی فی الجنة مثل الدنیا عشر مرات» «برای مؤمن در جنت ده برابر مانند دنیا داده می‌شود» و فرمودهٔ خداوند: ❁🕮⬆⇖⌀⑨●♔⇳ ⌂⌀⊹⊹⅄♙⌀⇦▫☙ ⬀◆⊹✌♦☪⇖◘⊹☎ ⌀☙☙☙✎★ ◘◆❻⬇⌁⇠⊹⌀🕮⌀◷❁ یعنی خداوند بهشت را مهیا و آماده نموده برای کسانی که خدای را پروردگار و آفریدگار خود دانستند و تنها او را عبادت و پرستش کرده و به پیامبرانش ایمان آوردند و به هیچیکی از ایشان کفر نورزیدند و به کردار نیک و ایمان از ایشان پیروی کردند و به همین رویه جهان را وداع گفتند، همانا چنین جنتی را برای‌شان حاضر و آماده کرده است. و فرموده خداوند Ψ: ❁❶♦◷⌂⌀⌀⌨⍂❁: یعنی آنچه از توفیق به ایمان و دخول بهشت است، فضل و بخشش خداوندیست برای کسانی که بخواهد عنایت می‌کند و خداوند دارای فضل بزرگ است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و معنی مطلوب و آنچه را که پوشیده مانده باشد بیان کن.

3-برای‌شان یادآوری کن: که این چند روز زندگانی دنیا روزهای عمل نیک و مسابقه در خیر است، روزهای بیهوده‌گذاری و باطل و راحت‌طلبی و کسالت نیست پس کار، کارکردن برای سرای آخرت است.

4-برای‌شان یادآوری کن: که عمل نجات‌دهنده و مساعدکنندهٔ جنت، همانا ایمان صحیح و عمل صالحی‌ایست که خداوند Ψ به آن امر نموده و تشویق فرموده است.

5- تعلیم‌شان ده: این که عمل صالح آنست که سه شرط در آن باشد: اول: ایـن کـه عمـل صالح از اعمالی باشد که خدا و رسول مشروع نموده اند و دوم: تنها و تنها رضای خدا به آن در نظر گرفته شود. سوم: این که از نگاه کمیت و کیفیت و زمان و مکان مطـابق شریعت الهی باشد.

درس 18: حدیث گفته پیامبر برای معاذ

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمُعاذٌ رَدِيفُهُ عَلَى الرَّحْلِ قَالَ: يَا مُعَاذَ بْنَ جَبَلٍ! قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، قَالَ: يَا مُعَاذُ! قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ ثَلَاثًا، قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفَلَا أُخْبِرُ بِهِ النَّاسَ فَيَسْتَبْشِرُوا؟ قَالَ: إِذًا يَتَّكِلُوا وَأَخْبَرَ بِهَا مُعَاذٌ عِنْدَ مَوْتِهِ تَأَثُّمًا.	فرمودۀ رسول الله ρ برای معاذ بن جبلτ در حالی که پشت سر رسول الله بر شتر سوار بود، یا معاذ! معاذ گفت: لبیک یا رسول الله و سعدیک فرمود: یا معاذ! معاذ گفت: لبیک یا رسول الله وسعدیک سه بار، پیامبر ρ فرمود: کسی که از صدق دل به یگانگی خداوند Ψ و رسالت محمد رسول الله گواهی دهد خداوند بر او آتش دوزخ را حرام می‌نماید. معاذ گفت: یا رسول الله آیا مردم را آگاه نمایم تا خوشحال شوند؟ فرمود: آنگاه اتکاء می‌کنند، و معاذ از ترس پوشیدن علم این حدیث را در هنگام مرگ خود بیان کرد.

[متفق علیه]

شرح: فرمودۀ رسول خدا ρ: یا معاذ! او را به اسمش یاد کردند، برای این که نظر و قلب او را متوجه آنچه می‌فرمایند بنمایند. و معاذ با این گفته خود جواب داد: «**لبیك یا رسول الله وسعدیك**»، باز رسول الله ρ او را یاد نموده و فرمودند یا معاذ! معاذ گفت: «**لبیك یا رسول الله وسعدیك**» و این جواب خود را سه بار تکرار نمود، سپس رسول الله فرمود: «**ما من احد یشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله صدقاً من قلبه الا حرمه الله علي النار**» آنچه که رسول خدا به خاطرش سه بار ندا نمود بیان امر بزرگیست، که هرکس از صدق دل شهادت دهد به لا اله الا الله و محمد رسول الله و به آنچه شهادت داده یقین و ایمان داشته باشد، خداوند آتش را بر او حرام کرده که اصلاً داخل آتش نمی‌شود و یا این که در آتش جاوید نمی‌ماند، زیرا او با ایمان و یقینش به گناهی که او را به آتش داخل کند نزدیک نمی‌شود و اگر ندرتاً

گناهی را مرتکب شود از آن توبه نموده و بازمی‌گردد و به فرمودۀ رسول الله ρ آتش را خداوند بر او حرام می‌کند، سپس معاذ گفت: «**افلا اخبر الناس فیستبشرون؟**» آیا مردم را آگاه نمایم تا خوشحال شوند؟ رسول الله ρ در جوابش گفتند: «**اذاً یتکلوا**»: آنگاه بر این وعده تکیه نموده و فرائض را ترک می‌کنند و مرتکب محرمات گردیده و هلاک می‌شوند زیرا این وعده را طور صحیح درک نمی‌کنند چون این کار دشواریست که تمامی امت اسلامی هر فرد عالم و آگاه باشد، و این یک واقعیت است. بعداً معاذ τ پس از وفات رسول الله ρ این حدیث را بیان کرد به خاطر نجات از گناه پوشیدن علم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و شنوندگان با تو تکرار کنند تا حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه پوشیده و مشکل مانده برای فهم شنونده‌ها بیان و توضیح نما!

3- برای‌شان یادآور شو: هرگاه شخص محترم و با فضیلتی صدا زند در جوابش گفتن لبیک وسعدیک جواز دارد.

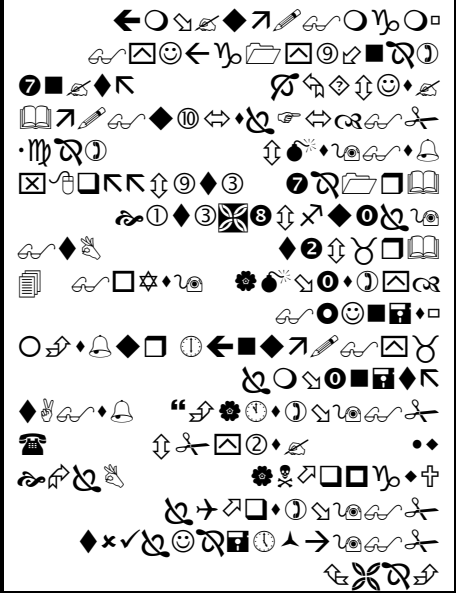
4- برای‌شان تذکر ده: که برای خوب‌دانستن سخن تکرار کلام مشروع است.

5- آن‌ها را به فضیلت کلمه شهادتین آگاه گردان: که هرگاه بنده از روی یقین آن‌ها را بگوید: از جاویدماندن در آتش نجات یافته و اگر مطابق این کلمه عمل می‌نماید از دخول در آتش نجات می‌یابد.

6- از احتیاط در امور مهم آگاه‌شان گردان: چنانچه رسول الله ρ احتیاط فرمودند و رساندن این خبر را به مردم لازم ندانستند که مردم تکیه نموده و در نتیجه هلاک گردند.

7- آن‌ها را به وجوب تبلیغ علم آگاه کن: که هرگاه کسی نباشد که علم را تبلیغ کرده، واجب است که به دیگران برساند.

درس 19: آیهٔ آمدن دختر شعیب نزد موسی υ

قول الله تبارک وتعالی: 	فرمودهٔ خدای تعالی: (25) پس بیامدش یکی از آن دو زن که می‌آمد بر حیا گفت: همانا پدرم تو را می‌خواند تا بپردازدت مزد آنچه را آب دادی برای ما، آنگاه که آمد نزد وی و خواند بر او داستان‌ها را، گفت: بیم مدار رها شدی از گروه ستمکاران.

[قصص: 25]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: یعنی دختر نزد موسی υ آمد آنجا که او را در اطراف چاه ترک گفته بود و فرموده‌اش: ﴿  ﴾: از جانب پدرش نزد موسیυ آمد تا پیام او را به موسی برساند، گرچه پیاده می‌آمد مگر از بسیاری شرم و حیاء، گویا از حیا مرکبی ساخته و در راهی که به سوی موسی می‌آمد بر آن سوار شده است، و از حضرت عمر τ روایت است که آن دختر سبک سر و زیاد بیرن شونده و داخل‌شونده نبوده است. و فرموده خدای تعالی: ﴿  ﴾: یعنی حضور تو را می‌طلبد تا مزد آبی را که برای ما دادی بپردازدت ملاحظه می‌شود که دختر عبارت گفتهٔ

خود را مختصر نمود طوری که یک کلمهٔ لا و نعم را بر این گفتهٔ خود زیاد ننموده است، زیرا زیادنمودن کلمات برای زنان بدون حاجت جهت خوف فتنه درست نیست.

خدای تعالی برای زنان پیامبر ρ می‌فرماید: ﴿ (الأحزاب: 32). «وسخن شایسته بگویید». گفته‌ی را بگوئید که مقصود شما را برساند بدون زیادت.

فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿ یعنی موسی نزد شعیب علیهما السلام آمد و داستان فرار خود از مصر را از ترس این که فرعون او را بکشد و اسباب این واقعه را برای شعیب υ حکایت نمود و شعیب υ این داستان را از موسی شنید او را مژده داده و با این گفتهٔ خود مطمئن ساخت: ﴿ «مترس که از گروه ستمکاران رهایی یافتی».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را بخوان و تکرار کن تا ببینی که شنونده‌ها آن را حفظ نموده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه پوشیده و نامفهوم است توضیح نما تا شنوندگان آن را بدانند.

3- آگاه‌شان گردان: هرگاه خطر فتنه نباشد خدمت زن جواز دارد.

4- آگاه‌شان گردان: که زیباترین خُلق زن‌ها حیا است و زیباترین خُلق مردان شجاعت است.

5- برای‌شان از بدگفتن عمر τ زنان خراجه و ولاجه را تذکر بده و آن زنیست که همیشه بین خانه‌ها در رفت و آمد به سر می‌برد.

6- آگاه‌شان گردان: که حضرت شعیب موسی υ را به عنوان پناهنده سیاسی دانست و او را اطمینان داد که نترسد.

7- تعلیم‌شان ده: که شرک ظلم است و مشرکان ظالم اند. همانا شعیب υ برای موسی υ گفت:  : و فرعون و قومش مشرک بودند.

درس 20: حدیث جای‌گرفتن در حلقه درس

قول النبي صلى الله عليه وسلم في حديث أَبِي وَاقِدٍ اللَّيْثِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – بَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَالنَّاسُ مَعَهُ، إِذْ أَقْبَلَ ثَلاَثَةُ نَفَرٍ، فَأَقْبَلَ اثْنَانِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – وَذَهَبَ وَاحِدٌ، قَالَ فَوَقَفَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – فَأَمَّا أَحَدُهُمَا فَرَأَى فُرْجَةً فِي الْحَلْقَةِ فَجَلَسَ فِيهَا، وَأَمَّا الآخَرُ فَجَلَسَ خَلْفَهُمْ، وَأَمَّا الثَّالِثُ فَأَدْبَرَ ذَاهِبًا، فَلَمَّا فَرَغَ رَسُولُ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم – قَالَ: أَلاَ أُخْبِرُكُمْ عَنِ النَّفَرِ الثَّلاَثَةِ أَمَّا أَحَدُهُمْ فَأَوَى إِلَى اللَّهِ، فَآوَاهُ اللَّهُ، وَأَمَّا الآخَرُ فَاسْتَحْيَا، فَاسْتَحْيَا اللَّهُ مِنْهُ، وَأَمَّا الآخَرُ فَأَعْرَضَ، فَأَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ.	از ابی واقد لیثی در حدیثی که از پیامبر خدا ρ روایت کرده آمده است که روزی رسول خدا ρ در مسجد با مردم نشسته بودند و مردم در اطراف‌شان قرار داشتند در آن هنگام سه نفر به مسجد آمدند. دو نفر از آن‌ها به سوی پیامبر آمده و نفر سومی بازگشت، ابی واقد می‌گوید: از آن دو نفری که به طرف پیغمبر آمده بودند یکی از آن‌ها گشاده‌گی را در حلقهٔ مجلس دید و در آن نشست و نفر دومی به پشت حلقه جای گرفت و نفر سومی بازگشته و از مسجد بیرون شد. چون پیامبر از تعلیمات خود فارغ شد فرمود: آیا شما را از ین سه نفر خبر ندهم، یکی از ایشان به سوی خدا پناه برد خداوند نیز وی را جای داد، نفر دیگر حیا کرد از این که در حلقه داخل شود خداوند نیز از این که او را از ثواب حلقهٔ علم محروم کند حیاء کرد و نفر آخر از مجلس علم رو گردانید خداوند هم او را از آن ثواب بهرهٔ نداد.

(رواه البخاری)

شرح: گفته ابی واقد لیثی: «**أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ – صلی الله علیه وسلم – بَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَالنَّاسُ حوله**»: یعنی مردم در اطراف رسول الله ρ نشسته بودند مراد از مسجد اینجا مسجد معروف پیامبر است و آن یکی از سه مسجدیست که بار سفر بسته نمی‌شود، مگر به سوی آن‌ها و نماز در مسجد نبی برابر هزار نمازیست که در غیر آن مسجد خوانده می‌شود به جز مسجدالحرام که فضیلت نماز در آن بیشتر است. گفته ابی واقد «**إِذْ أَقْبَلَ ثَلاَثَةُ نَفَرٍ**»: یعنی سه مرد که دو تن به سوی پیامبرρآمده و یکی از آن سه بازگشت. گفته ابی واقد: «**فَوَقَفَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم**»: یعنی آن دو نفری که طرف پیامبرρ رفته بودند بالای سرشان ایستاده شدند یکی از آن‌ها در حلقهٔ مجلس گشادگی مشاهده نمود و در آن نشست و نفر دومی در پُشت حلقه نشست و نفر سوم بازگشت و رفت. چون پیامبرρ از تعلیم یارانش فراغت یافت فرمود: آیا شما را ازین سه مرد آگاه نکنم؟ یکی از ایشان به خدا پناه بُرد خدا هم او را جای داد، یکی دیگر حیا کرد خداوند نیز از وی حیا کرد که او را از ثواب حلقه علم محروم نماید نفر آخری که از مجلس علم اعراض کرد خدا هم از او اعراض کرد یعنی ثواب جلسه علم را برایش عنایت نکرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثراً آن را حفظ کرده اند.

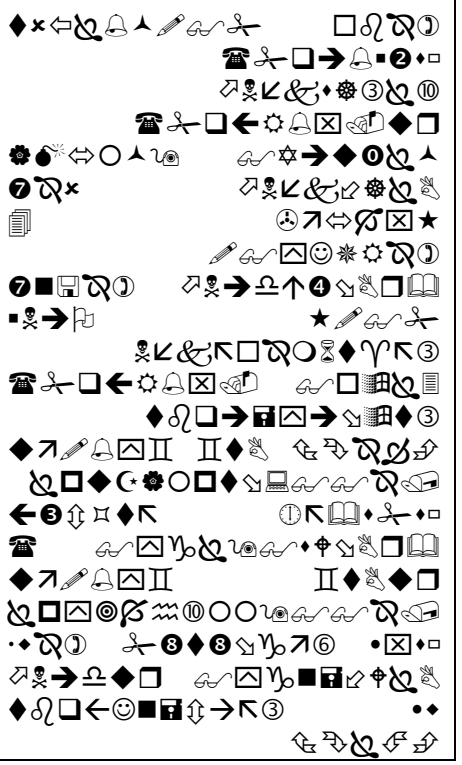
2- شرح را به آرامش بخوان و معنای هر جمله را بیان کن تا بفهمند.

3- آن‌ها را از فضیلت حلقه‌ای علوم دینی آگاه کن و ایشان را بر ملازمت حلقه‌های علمی تشویق نموده و از ترک آن بیم ده.

4- ایشان را از فضیلت حیا خبردار کن: که حیا همه‌اش خیر است و کسی که حیا ندارد در آن خیری نیست خصوصاً در زنان که حیا در ایشان پسندیده‌تر است.

5- به آن‌ها بیاموز: که ستایش صاحبان خیر و نیکویی پسندیده است، زیرا پیامبر ρ از دو نفری که در حلقهٔ درس علم نشسته و آن را ترک نگفتند: ستایش فرمود.

درس 21: آیهٔ ایجاد تفرقه در دین

قول الله جل جلا له:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(159) بی‌گمان با کسانی که در دینشان تفرقه ورزیدند و دسته دسته شدند، هیچ پیوندی نداری. کارِ آنان با پروردگار است و آن‌گاه آنان را از کردارشان آگاه می‌کند.(160) هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابرش پاداش می‌یابد و هر کس کار بدی انجام دهد، تنها به اندازه‌ی کارِ بدش مجازات خواهد شد. و بر آنها ستمی نخواهد رفت.

[الأنعام: 159 – 160]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  یعنی یهودان و نصرانیان به گروه‌ها و حزب‌ها پراکنده شدند. یهود به هفتاد و یک فرقه و نصاری به هفتاد و دو فرقه پراکنده گشتند و به زودی ملت اسلام به هفتاد و سه فرقه از هم جدا می‌شوند که همهٔشان در آتش می‌روند به جز یک فرقه که در جنت باشند از پیامبرρ سؤال شد که آن‌ها چه کسانی هستند، فرمود: آن‌ها بر طریقهٔ باشند که امروز من و یارانم بر همان طریقه ایم. مراد پیامبرρ در این جا فرقهٔ ناجیه است که از آتش دوزخ نجات می‌یابند و ایشان همان کسانیند

که بر دین حق و سنت پیامبرρ و یارانش باشند، و آن را تبدیل و تغییر نداده و به فرقه‌ها و حزب‌ها و طایفه‌ها پراکنده نشدن. فرموده خداوند: ﴿ ﴾: یعنی تو از ایشان بیزاری. کار آن‌ها را به خداوند واگذار که سنت خود را به هلاکت‌شان در دنیا و عذاب‌شان در آخرت اجرا کند. آری، در قیامت خداوند آن‌ها را به کردارشان آگاه کرده سپس به اعمال آن‌ها جزا می‌دهد. ﴿ ﴾ یعنی کسی که حسنه‌ای انجام دهد خداوند از رحمت خود وی را مورد اکرام قرار داده و پاداش وی را چند برابر می‌گرداند. و کسی که به عمل ناشایستهٔ اقدام کند، از عدالت و رحمت خداوند به مثل آن جزا می‌بینند. فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾: یعنی طوری که بیان شد خداوند آن‌ها را به کردارشان جزا می‌دهد در حالی که بر ایشان به کاستن حسنه و یا زیادت سیئه ستم نمی‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-هردو آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا بدانی که همه آن را حفظ کرده اند.

2-شرح را به آرامی بخوان و به هر جمله توقف کرده معنی آن را بیان کن.

3-آن‌ها را از حرمت تفرق در دین آگاه کن زیرا نتیجه آن هلاکت در دنیا و آخرت است.

4-به آن‌ها بگو: که خداوند تفرقه اهل کتاب را در دین‌شان محکوم کرده است.

5-به ایشان تذکر ده: که به غیر از اهل سنت و جماعت فرقه‌های دیگر این امت در هلاکت هستند، مگر این که توبه کنند و به کتاب و سنت رجوع کنند. و به راهی بروند که گذشتگان نیکوکار این امت از عقیده، داوری، ادب و حسن خلق.

درس 22: حدیث قصد گناه

قول النبي صلى الله عليه وسلم: يَقُولُ اللَّهُ إِذَا أَرَادَ عَبْدِى أَنْ يَعْمَلَ سَيِّئَةً فَلاَ تَكْتُبُوهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا ، فَإِنْ عَمِلَهَا فَاكْتُبُوهَا بِمِثْلِهَا وَإِنْ تَرَكَهَا مِنْ أَجْلِى فَاكْتُبُوهَا لَهُ حَسَنَةً وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْمَلَ حَسَنَةً فَلَمْ يَعْمَلْهَا فَاكْتُبُوهَا لَهُ حَسَنَةً ، فَإِنْ عَمِلَهَا فَاكْتُبُوهَا لَهُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ.	پیامبرρ فرمود که خداوند بزرگ فرموده چون بنده‌ام بخواهد کاری زشت انجام دهد آن را به دفتر اعمالش ننویسید تا آن را انجام دهد و اگر آن را انجام داد جزایش به مثل بنویسید و اگر آن را به جهت من ترک کرد آن را هم برایش حسنهٔ بنویسید و اگر می‌خواست عمل حسنهٔ انجام دهد و سپس انجام نداد آن را هم برایش حسنهٔ نوشته کرده و اگر انجام داد آن را برایش از ده چند تا هفتصد چند بنویسید.

(رواه البخاری)

شرح: گفتهٔ پیامبرρ که خداوند بزرگ می‌فرماید، دلالت می‌کند که این حدیث قدسی است که پیامبرρ آن را از طرف پروردگارش فرا گرفته است، فرمودهٔ خداوند: «**إِذَا أَرَادَ عَبْدِى أَنْ يَعْمَلَ سَيِّئَةً**» یعنی هرگاه بنده‌ام بخواهد عمل زشتی انجام دهد سخنی گفته یا کاری کند که اثر سوئی بر نفس وی بگذارد و او را به پلیدی و ظلمت بکشاند، زیرا کار زشت از اموری هست که خدا و رسولش آن را حرام کرده اند و آنچه را که خدا و رسول حرام کرده اند انجام آن اثری زشت بر نفس انسانی به جای می‌گذارد مشروط بر این که از روی قصد و اراده انجام گرفته باشد. فرمودهٔ خداوند: «**فَلاَ تَكْتُبُوهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا**» «آن را ننویسد تا انجام دهد» زیرا گناه تا انجام گرفته باشد. فرمودهٔ خداوند: «**فَلاَ تَكْتُبُوهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا**» «آن را ننویسد تا انجام دهد» زیرا گناه تا انجام نگیرد در نفس انسان مؤثر واقع نمی‌شود. فرمودهٔ

خداوند:«**فَإِنْ عَمِلَهَا فَاكْتُبُوهَا بِمِثْلِهَا**» یعنی اگر آن گناه را انجام داد جزایش به مثل بنویسید بدون زیادت تا عدل و رحمت خداوند شامل حالش گردد.

فرمودهٔ خداوند: «**وَإِنْ تَرَكَهَا**» یعنی اگر به سبب خوف و یا حیا از من خود را از گناه بازداشت: «**فَاكْتُبُوهَا لَهُ حَسَنَةً**» «آن را برایش حسنه بنویسید» زیرا ترک کردار ناشایست به سبب خوف و یا حیا از خداوند نورانیتی را در نفس به وجود می‌آورد که به مقدار اثری نیک آن در نفس، برایش حسنه نوشته می‌شود. فرمودهٔ خداوند: «**وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْمَلَ حَسَنَةً فَلَمْ يَعْمَلْهَا**» یعنی اگر نتوانست عمل نیک را انجام دهد و یا به علتی از انجام آن بازماند. «**فَاكْتُبُوهَا لَهُ حَسَنَةً**» «آن را برایش حسنه بنویسید» چه در ارادهٔ او میل و رغبت به عمل خیر موجود بوده و چنین میل و رغبتی خیر است و لذا برایش حسنهٔ نوشته می‌شود. به خلاف این که هرگاه به سبب کراهیت از حسنه آن را ترک کند درین صورت هیچگاه برایش حسنهٔ نوشته نخواهد شد. فرموده خداوند: «**فَإِنْ عَمِلَهَا فَاكْتُبُوهَا لَهُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ**» «اگر حسنه را جامهٔ عمل پوشانید از ده چند تا هفتصد چند جزای آن را برایش بنویسید. مضاعف‌شدن ده حسنه در عموم حسناتی است که هر مسلمان انجام می‌دهد، اما مضاعف‌شدن دوم بر حسب صدف و اخلاص مؤمن تفاوت پیدا می‌کند و همچنین به اندازهٔ اثری که آن حسنه دارد زیرا درهمی که در راه جهاد صرف شود تا هفتصد چند مضاعف می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

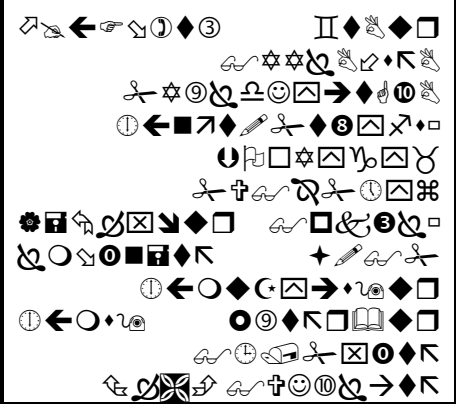
1-حدیث را بخوان، و شنوندگان هم آن را آهسته بخوانند، تا حفظ شود.

2-شرح را جمله به جمله بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را توضیح ده تا اکثراً آن را بفهمند.

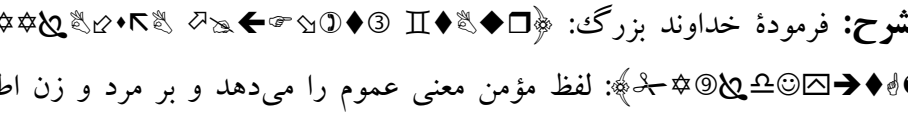
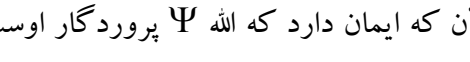
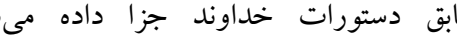
3-به ایشان بگو: اعمال حسنه موجود نمی‌شود، مگر در کارهائی که خداوند آن‌ها را مشروع ساخته و به آن‌ها امر کرده مانند طاعت خداوند و دیگر کردار پسندیده سیئه نیست، مگر در آنچه خدا و رسول آن را حرام قرار داده و منع نموده اند.

4-به آن‌ها بفهمان: که مسلمان به نیت در کار خیر ثواب داده می‌شود طوری که بـه نیـت کار شر اگر آن را از خوف خداوند ترک نکند گاهی در همین دنیا جزا داده خواهـد شد و نیت بد برایش مشکلاتی فراهم خواهد کرد.

درس 23: آیهٔ کشتن مسلمان به عمد

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(93) کسی که بکشد مؤمنی را دانسته و خواسته پس کیفرش دوزخ است جاودان در آن و خشم آورد خدا بر او دورش کند و آماده کند برای او عذابی بزرگ.

[النساء: 93]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ:  لفظ مؤمن معنی عموم را می‌دهد و بر مرد و زن اطلاق می‌شود و در استعمال خود بر بنده و آزاد، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی برابر است، و از عمومیت آن به جز اشخاص غیر مکلف مانند کودک و دیوانه کسی بیرون نیست، فرمودهٔ خداوند Ψ:  یعنی آن که ایمان دارد که الله Ψ پروردگار اوست و محمد ρ پیامبر خداست و به ملاقات پروردگار به روز قیامت و حساب اعمال و پاداش آن روز یقین دارد. فرمودهٔ خداوند Ψ:  یعنی به صورت تجاوز و ستم به این که کشتن طرف را از روی ظلم و قصد اراده کند و این قتل را در جایش انجام نداده باشد که مثلاً شخص مقتول مرتکب زنا و یا ارتداد نشده که به واسطهٔ آن جرم کشته شود و یا اراده کشتن قاتل را نکرده تا او را جهت دفاع از نفس خود به قتل برساند، پس هرآن که چنین مسلمانی را بکشد مطابق دستورات خداوند جزا داده می‌شود 

﴿ که از آتش بیرون آورده نشود ﴾ و بر هرکه خداوند خشم گیرد هیچگاه رستگار نشود ﴿ و او را از ساحهٔ رحمتش دور گرداند ﴾ و برایش حاضر و آماده کرد ﴿ عذاب را در قبر و هم بروز قیامت، مگر این که توبه نصوح «بدون بازگشت» بنماید شاید که خداوند بر وی ببخشاید و به رحمت خود او را از آتش دوزخ بیرون گرداند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید با شنونده‌ها بخوان و تکرار کن تا حفظ نمایند.

2- شرح را بخوان و در هر جمله توقف نموده و معنی آن را بیان کن.

3- برای‌شان بگو: که مؤمن حقیقی مؤمنی را به تجاوز و ستم به قتل نمی‌رساند زیرا خداوند می‌فرماید: «مناسب مؤمن نیست که شخص مؤمنی را بکشد مگر به طور خطا».

4- به آن‌ها هشدار ده که مسلمانی از صراط می‌گذرد و بدر بهشت می‌رسد و می‌خواهد تا با دیگران به بهشت درآید، مگر از آنجا که دستهایش به خونی که از ستم و تجاوز ریخته است آلوده می‌باشد از در بهشت بازگردانیده می شود.

5- به ایشان بگو: که قتل نفس بعد از شریک‌آوردن به خداوند در مقام دوم و زنا به مرتبهٔ سوم بعد از شرک است چون از پیامبرρ از گناهان بزرگ پرسیده شد شرک و کفر و زنا را نام بردند.

درس 24: حدیث ریاکاری

قول النبي صلى الله عليه وسلم في البخاري: مَنْ سَمَّعَ سَمَّعَ اللَّهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يُشَاقِقْ يَشْقُقِ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. فَقَالُوا أَوْصِنَا. فَقَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُنْتِنُ مِنَ الإِنْسَانِ بَطْنُهُ، فَمَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لاَ يَأْكُلَ إِلاَّ طَيِّبًا فَلْيَفْعَلْ، وَمَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لاَ يُحَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ بِمِلْءِ كَفِّهِ مِنْ دَمٍ أَهْرَاقَهُ فَلْيَفْعَلْ.	بخاری حدیثی از رسول خدا ρ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: کسی که عملی را برای سمعه «ریا و اشتهار» انجام دهد خداوند او را در روز قیامت رسوا می‌کند. و کسی که نافرمانی خدا را بکند خداوند او را بروز قیامت از رحمت خود دور می‌گرداند. یاران گفتند: برای ما وصیتی کن، فرمود: اول چیزی که از انسان بوی بد می‌گیرد شکم اوست. کسی که بتواند تا به جز حلال نخورد، آن کار را بکند و کسی که توانائی دارد تا میان او و جنت دست‌های پرخونش که خون ناحق ریخته است مانع نشود آن کار را بکند.

شرح: فرمودۀ پیامبرρ : «**مَنْ سَمَّعَ سَمَّعَ اللَّهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**»: کسی که عملی را برای ریا و اشتهار انجام دهد خداوند او را در روز قیامت رسوا می‌کند و خداوند او را در میان انبوه مردم در محشر فضیحت می‌کند زیرا او در دنیا کار دینی را برای این انجام داده بود که به گوش مردم برساند و ایشان وی را برای آن کار ستایش کنند. چون از اعمال خود به جز این قصدی نداشته است، پس خداوند پاداش او را هم در آخرت از همین سمعه می‌دهد و اهل عرصات را از حقیقت و نیت زشت او خبردار می‌گرداند. پس برایش از عباداتش اجری باقی نمی‌ماند تا داخل جنت شود ناچار به دوزخ می‌رود. فرمودۀ پیامبرρ: «**وَمَنْ يُشَاقِقْ**»: یعنی کسی که خدا و رسولش را به سبب کفر و فسق خود مخالفت کند. «**يَشْقُقِ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**»: پس وی را از ساحت رحمت خویش دور ساخته و همراه دشمنانش که به خدا و رسول دشمنی

کردند به آتش دوزخ داخل می‌گرداند چنانکه فرموده است: ﴿ (الأنفال: 13).

«کسی که خدا و رسولش را مخالفت کند، یعنی آن‌ها را عصیان و نافرمانی کند، هرآئینه عذاب خدا سخت است». چون جناب پیامبر ρ از موعظه فراغت یافت یارانش به وی گفتند: ما را وصیتی کن، آنحضرت ρ فرمود: «**أَوَّلَ مَا يُنْتِنُ مِنَ الإِنْسَانِ بَطْنُهُ**» «نخست چیزی که از انسان بدبوی شود شکم او است و در واقع همچنین است، باز فرموده: «**فَمَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لاَ يَأْكُلَ إِلاَّ طَيِّبًا فَلْيَفْعَلْ**» «کسی که توانائی دارد تا به جز پاک نخورد آن را بکند» چون خوردن حرام سبب غضب خدا و آتش دوزخ می‌شود و وقتی که دانستند اولی چیزی که بعد از مرگ بدبو می‌شود شکم است لذا حرام‌خوردن متنفر می‌شوند فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَمَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لاَ يُحَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ بِمِلْءِ كَفِّهِ مِنْ دَمٍ أَهْرَاقَهُ فَلْيَفْعَلْ**». در این حدیث پیامبر ρ از دو گناه بزرگ هشدار می‌دهد یکی از خوردن حرام و دیگری از قتل نفس.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامی با شنوندگان بخوان تا آن را حفظ کنند.

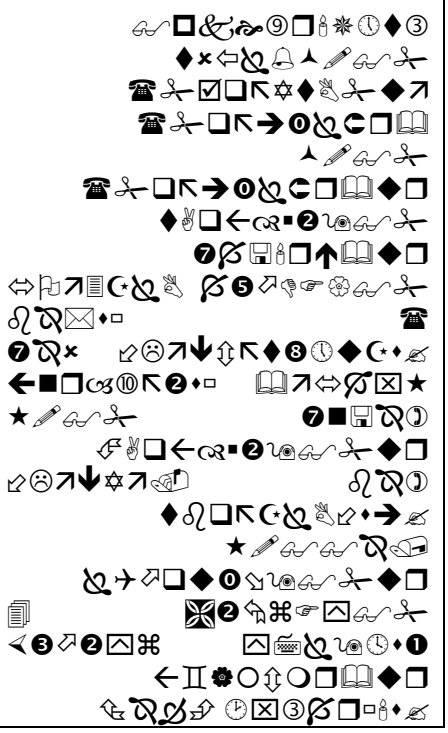
2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان تا آن را به درستی بفهمند.

3- آن‌ها را از سمعه و ریا بیم ده. سمعه آنست: که انسان فعلی را برای شنیدن مردم انجام دهد تا وی را به واسطهٔ آن ستایش و سپاس بگویند انجام دهد و ریاء آنست: که کار دین را برای دیدن مردم انجام دهد تا وی را ثنا گویند یا مشقتی را از وی دفع کنند.

4- به ایشان بفهمان: که «مشاقه» عبارت از دشمنی خدا و رسول اوست و پاداش به مثل است و آن دشمنی خدا و رسول او در عقب دارد و کسی که خدا به وی دشمن باشد بر وی غضب کرده و به لعنت خود و عذابی بزرگ گرفتار می‌گرداند.

5- آن‌ها را از دو گناه بزرگ ستم بر مردم است به واسطه خوردن مال‌شان و ریختن خون‌شان بیم ده.

درس 25: آیهٔ اطاعت خدا، رسول و اولیاء امور

قول الله عزوجل:	گفته خداوند بزرگ:
	(59) ای آنان که ایمان آوردید! فرمانبرید خدا و رسول خدا را و اولیاء امر را «کارداران» از شما. پس اگر در چیزی باهم ستیزه کردید بازگردانیدش به خدا و رسولش، اگر هستید ایمان‌آورنده به خدا و روز آخر این بهتر است و نیکوتر در فرجام.

[النساء: 59]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ: ﴿  ﴾ این ندای خداوند است که بندگان مؤمن خود را به عنوان ایمان مورد خطاب قرار می‌دهد زیرا بندهٔ مؤمن است که می‌تواند به وظایف زندگی روحی خود قیام کند و به معراج روحانیت ارتقاء یابد اما غیر مؤمن چون روحاً مرده است توانائی به زبان آوردن کلمه لا اله الا الله را ندارد تا چه رسد به دیگر تکالیف شرعی از نماز، زکات و جهاد. فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾: خدا و رسول را فرمان برید»

این فرمانبرداری عبارت از به کاربستن امر و ترک نهی است در اموری که واجب یا حرام است اما آنچه مستحب یا مکروه است فرمانبرداری در آن بهتر است و اگر فرمانبرداری نکرد در آن گناهی نیست به شرطی که به منظور سرپیچی از فرمان خدا و پیامبرρ نباشد. فرموده خداوند بزرگ: ﴿ ﴾: یعنی فرماندهان خود را که مسلمان باشند فرمان برید به شرط این که به کارهای معروف امر کرده و از امور منکر بازدارند. همچنین اگر به کار مباحی امر می‌کردند یا از منکری نهی می‌کردند که در آن برای مسلمانان منفعتی باشد اطاعت از ایشان واجب است. ولی به ترک واجب یا فعل حرام از ایشان فرمانبرداری نشود، زیرا پیامبرρ می‌فرماید: «همانا فرمانبرداری در کار معروف است» و نیز می‌فرماید: «**لا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ**»: فرمانبرداری از مخلوق که به نافرمانی خالق بیانجامد جواز ندارد. فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾ «اگر در چیزی اختلاف کردید» ﴿ ﴾: یعنی آن را به کتاب خدا و حدیث پیامبر پیش کنید که در این‌ها اختلاف حل می‌گردد، فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾: زیرا کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد مستعد پذیرفتن امر خدا و توجه به سوی خداوند است. فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾: این کار برای شما بهتر است، یعنی بازگشت به امر خدا و رسول در دنیا و آخرت به مفاد شما است. ﴿ ﴾: یعنی بازگشت به فرمان خدا و رسول در فرجام برای شما بهتر است ازین که باز نگردید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان به خوبی آن را حفظ کنند.

2-شرح را بخوان و به هر جمله آن توقف کن و معنی آن را شرح ده تا شنوندگان معنی آن را بفهمند.

3-آن‌ها را به وجوب اطاعت از دستورات خدا و رسول در حالت آسانی و سختی آگاه کن، همچنین اطاعت از حاکم مسلمان در آنچه که منعی از طرف خدا و رسول نباشد واجب است.

4-به آن‌ها بیاموز: که اگر مسلمانان در حکم چیزی اختلاف داشتند واجب است که به کتاب خدا و سنت پیامبرρ مراجعه‌کنند, تا آن حکم را بدانند و بدان گردن نهاده تسلیم شوند زیرا ایمانی که به خدا و پیامبر دارند ایشان را به این کار فرا خوانده و بر آن وادار می‌سازد. و عاقبت این کار در دنیا و آخرت برایشان خیر است چه در دنیا در صف واحدی قرار گرفته و وحدت کلمهٔ شان حفظ می‌شود و در امر آخرت نیز به فرمانبرداری خدا و پیامبرش ثواب می‌بینند.

درس 26: حدیث اطاعت از امیر

قول النبي صلى الله عليه وسلم في صحيح البخاري: اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَإِنِ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عِبْدُ حَبَشِيٌّ كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيبَةٌ.	در کتاب صحیح البخاری از پیامبر ρ روایت شده است که آن حضرت فرمودند: بشنوید و فرمان برید اگرچه بر شما غلام حبشی مقرر شود که سرش مانند کشمش باشد.

شرح: «**اسْمَعُوا**» یعنی بشنوید آنچه فرماندهان مسلمان‌تان در بارهٔ امر و نهی یا اخبار و هشداری، شما را مورد خطاب قرار می‌دهند. «**أَطِيعُوا**» یعنی از فرماندهان مسلمان خود در آنچه دستور می‌دهند یا نهی می‌کنند اطاعت کنید و عمومیت این حدیث را حدیث‌های صحیح دیگری محدود و خاص می‌نماید، به این که اطاعت و فرمانبرداری تنها در کارهای معروف است و هیچگاه فرمانبرداری از مخلوق در کارهائی که در آن نافرمانی خالق باشد جایز نیست پس فرمانبرداری به معنی عام خود در اینجا مراد نیست، بلکه مخصوص کارهائی است که در آن نافرمانی خدا و پیامبرش نباشد و اگر فرمانروائی به ترک واجبی یا کار حرامی دستور دهد از وی اطاعت نمی‌شود. «**وَإِنِ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عِبْدُ حَبَشِيٌّ**» اگرچه بر شما غلام حبشی مقرر شود یعنی اگر رهبر مسلمانان بر شما فرمانرداری مقرر کند که از نژاد عرب یا بزرگ‌زاده نباشد از امر و نهی او تا جائی که در آن نافرمانی خدا و پیامبرش نباشد فرمانبرداری کنید اگرچه این فرمانده غلام زنگی باشد، «**كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيبَةٌ**» که سر او مانند دانه کشمش باشد که موی سرش سیاه و درهم پیچیده باشد. هدف از این حدیث آنست که از فرمانده مسلمان خود در هر حال اطاعت و فرمانبرداری کنید و بر وی عصیان نورزیده و نشورید، زیرا در این کار صلاح جامعهٔ اسلامی و سلامتی از فتنه‌ها و خونریزی‌ها است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان تا دیگران همراهتان آهسته بخوانند و آن را یاد کنند.

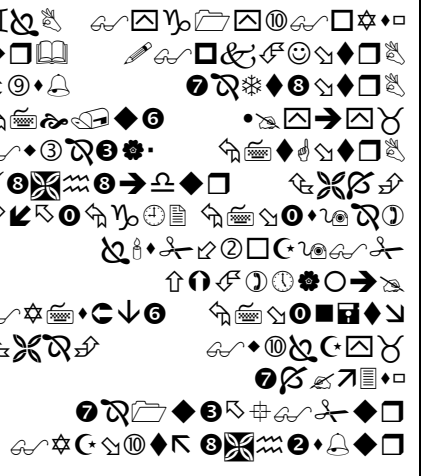
2- شرح را به آرامش بخوان و در هر جمله توقف کرده و معنی آن را بیان کن تا شنوندگان آن را بفهمند.

3- آن‌ها را آگاه کن: که اطاعت از اولی الامر به قرآن و سنت ثابت شده است و به ایشان هشدار ده که ترک این واجب و بغی بر امیر مسلمان حکومت اسلامی را به هم ریخته و سبب فتنه و هلاکت مسلمانان می‌گردد.

4- به ایشان بگو: که فرمانبرداری از امیران مسلمان در غیر معصیه خدا و پیامبر است زیرا اطاعت از خدا و پیامبر بر اطاعت امیران مسلمان و اطاعت والدین مقدم است.

5- به ایشان بفهمان: که اعتبار مسلمان به فرمانبرداری از خدا و پیامبرش می‌باشد تفاخر به آباء و اجداد و جاه و مقام در اسلام اعتبار ندارد.

درس 27: آیهٔ داستان تولد حضرت عیسی

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(24) آن‌گاه از فرودستش ندایش داد که اندوهگین مباش. پروردگارت زیر پایت چشمه‌ی آبی پدید آورده است. (25) و تنه‌ی خرما را به سوی خودت تکان بده تا برایت خرمای تازه بریزد.(26) و بخور و بنوش و چشمانت روشن باد.

[مریم: 24 – 26]

شرح:  خداوند از احوال مریم دوشیزهٔ باکره در هنگام زادن عیسی υ برای ما حکایت می‌کند که او با کمال تأسف و حسرت آرزوی مرگ را پیش از پدیدآمدن چنین واقعهٔ بزرگی که زادن فرزندی بدون پدر است برای خود کرد. زیرا وی از خبردارشدن و سرزنش مردم قریهٔ خود (بیت اللحم فلسطین) که در آن سکونت داشت می‌ترسید و ازین جهت گفت:  یعنی چیز حقیری می‌بودم کلمه نسی از نسیان و فراموشی گرفته شده: یعنی آنچه را که اگر از روی عادت فراموش کنند و از گم‌شدن آن اندوهگین نمی‌شوند مانند ریسمان، میخ و غیره و همچنین نسئ پارچهٔ حیض است که به آن پلیدی را از خود دور می‌کنند. و آرزوی مرگ حضرت مریم برای راحت‌طلبی و استراحت نفس نبود، زیرا چنین آرزوی جواز ندارد بلکه این خواهش برای ضرری بود که با دین او ارتباط پیدا می‌کرد مثلاً می‌ترسید: که مردم بدین

او بدگمان شوند و مورد سرزنش قرار گیرد و در فتنه بیفتد، و یا این که مردم به وی نسبت زنا بدهند و این گمان ناروا سبب هلاکت ایشان گردد. ﴿ پس آواز داد او را عیسی υ از زیرش و برای وی گفت: ﴾ اندوهگین مباش همانا خداوند زیر پای تو جوئی آماده کرده است یعنی جوی آبی که آن را (سری) می‌گویند: ﴿ و شاخهٔ خرما را به سوی خود به جنبان مراد همان تنهٔ خرما است که نزد آن عیسی υ تولد شده بود تا بر تو خرمای رطب تازه چیده بریزد ﴿ بخور و بیاشام و به فرزندی چون عیسی شادمانی کن.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را بخوان تا شنوندگان نیز با تو تکرار کنند و یاد گیرند.

2- شرح مطالب را بخوان و معنی جمله‌ها را بیان کن تا همگان بدانند.

3- برایشان بفهمان: که کیفیت خلقت عیسی υ مانند کیفیت آفرینش آدم υ است که چون خداوند خواست وی را بیافریند به او فرمان داد موجود باش فوراً بوجود آمد.

4- برای ایشان بفهمان: که تمنای مرگ اگر برای امر دینی باشد جواز دارد و اگر برای خلاصی از درد و غم دنیوی باشد جایز نیست.

5- به آن‌ها بگو: که ولادت عیسی υ بدون پدر و سخن‌زدن او در گهواره از آیات خداوند است و برای پند گرفتن مردم به حساب می‌رود.

درس 28: حدیث آرزوی مرگ را نکنید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لاَ يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ إِمَّا مُحْسِنٌ فَلَعَلَّهُ، يَزْدَادُ وَإِمَّا مُسِيءٌ فَلَعَلَّهُ يَسْتَعْتِبُ.	پیامبر ρ فرمود: هیچگاه یکی از شما مرگ را آرزو نکند یا نیکوکار است که شاید کردار نیکویش زیاد شود و یا بدکار که شاید قصد بازگشت از گناه را بکند.

(رواه البخاری)

شرح: «**لاَ يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ**» در این نهی پیامبرρ دلالت واضحیست بر این که طلب مرگ حرام است، زیرا برای مسلمان حلال نیست که مرگ را آرزو کند و بگوید: ای کاش می‌مُردم و یا بمیرم و یا این که دعا کند خداوندا! مرا در حال بمیران گرچه حضرت مریم «والده‌ی عیسی υ» مرگ را آرزو کرد و گفت: ایکاش پیش از این می‌مُردم این آرزو برای راحت نفس خودش نبود، بلکه چنانکه بیان شد برای خدا و دینش بود. «**إِمَّا مُحْسِنٌ فَلَعَلَّهُ، يَزْدَادُ**» این عبارت، علت نهی از درخواست مرگ را بیان می‌کند، زیرا شخص مسلمان هرقدر زندگیش دراز شود نیکوکاری و کردار پسندیده‌اش زیاد می‌شود پس درخواست مرگ طلب قطع کردار نیکو و شایستهٔ اوست و چنین خواسته‌ای برای مسلمان جواز ندارد. فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَإِمَّا مُسِيءٌ فَلَعَلَّهُ يَسْتَعْتِبُ**» یعنی از پروردگار خود رجوع از گناه را طلب کند توبه و آمرزش بخواهد و کردارهای شایسته‌ای مانند نماز، روزه و صدقات انجام دهد تا پروردگار از وی راضی شود و گناهانش را ببخشاید چه این اعمال دارای خیر بزرگی است و اگر مرگ را طلب کند و بمیرد ازین فضایل محروم می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

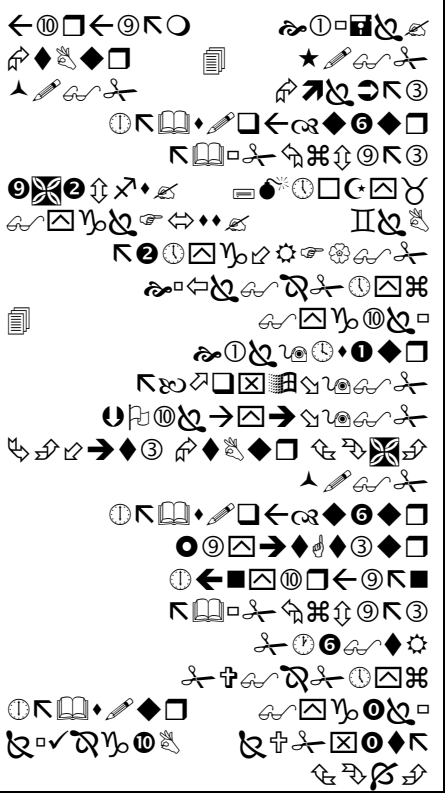
2-شرح مطالب را جمله جمله بخوان و آنچه را لازم است توضیح و تفسیر کن تا دانسته شود.

3-به آن‌ها بفهمان: که اگر مسلمان در روزگاران فتنه برای سلامت دینش آرزوی مرگ را کند باکی نیست زیرا این خواسته برای حفاظت دین است نه برای آرامش بدن چون در حدیث آمده است که قیامت نشود تا این که کسی به قبر برادر مسلمانش بگذرد برای سلامت دینش بگوید: ای کاش من به جای او می‌مُردم.

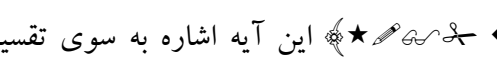
4-آن‌ها را به نیکی و بدی آگاه کن: تا نیکوکار بر حسنات و نیکی‌هایش بیفزاید که برایش خیر است و همچنین اگر بدکار از کردار بدش باز ایستد برایش خیر است تا توبه کند و خداوند از وی راضی شده و گناهانش را ببخشاید.

5-به ایشان بفهمان: که امید داشتن به رحمت خداوند عبادت محسوب می‌شود و ناامیدی و یأس از آن نعوذ بالله کفر گفته می‌شود.

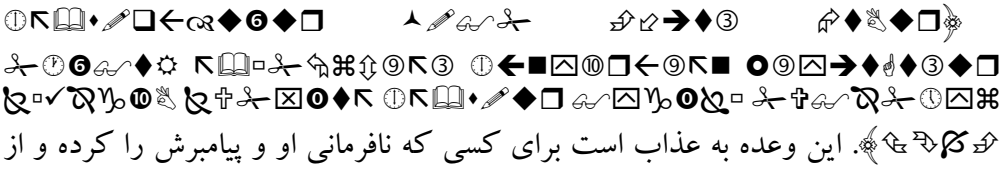
درس 29: آیهٔ حدود و مرزهای الهی

قول الله عزوجل:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(13) این است مرزهای خداوند، کسی که خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کند درآورد او را به بهشت‌هایی که جاری است از زیر آن جویی‌ها جاودان در آن، این است پیروزی بزرگ (14) و هرکس نافرمانی کند خدا و رسولش را و از مرزهای او تجاوز کند فرو برد او را در آتش که جاویدان است در آن و برای او عذاب خوارکننده است.

[النساء: 13 – 14]

شرح: ﴿  ﴾ این آیه اشاره به سوی تقسیم متروکات و وصایا است و خداوند آن‌ها را حدود و مرزهای خود نامیده است زیرا خداوند است که آن‌ها را محدود و معین کرده و به بندگانش فرمان می‌دهد: تا از آن تجاوز نکنند. سپس می‌فرماید: ﴿  ﴾ خداوند از وعدهٔ صادق خود خبر می‌دهد و آن عبارت از این است که هر کس از امر و نهی خدا و پیامبرش

فرمانبرداری کند خداوند او را در باغ‌هائی درآورد که دارای چنین صفتی است که جوی‌های آب از زیر درختان و کاخ‌های آن‌ها روان است و همیشه در آن می‌باشند و از آنجا بیرون نمی‌شوند. حکمت آن این است که اطاعت خدا و رسول به انجام واجبات و کردارهای شایسته نفس را پاک و پاکیزه می‌کند و از گناهان و معاصی بازمی‌دارد و با طهارت و تزکیه نفس زندگی می‌کند و چون بمیرد و دارای نفسی پاک باشد در این حال سزاوار ورود به بهشت خواهد بود که این خود رستگاری بزرگی است. باز می‌فرماید:



. این وعده به عذاب است برای کسی که نافرمانی او و پیامبرش را کرده و از مرزهای معین شده او تجاوز می‌کند پس نفس او پلید و ناپاک شده و شباهت به ارواح کافران و شیاطین پیدا می‌کند آنگاه سزاوار ورود به آتش و عذاب خوارکننده خواهد بود و علت آن هم پلیدی نفس است که آن را به اطاعت خداوند و خودداری از حرام پاک نکرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را واضح بخوان و شنوندگان هم تکرار کنند تا آن‌ها را حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را بیان کن و جمله‌های دشوار آن را شرح ده تا دانسته شود.

3- برای‌شان بگو: که خداوند حدود و مرزهای معین کرده است که از آن تجاوز حرام است و فرض‌هائی را به ما تکلیف کرده که واجب است آن‌ها را انجام دهیم و کسی که در این‌ها از خداوند اطاعت کند برایش پاداش نیکو می‌دهد و او را در بهشت که دارای نعمت‌های جاویدانی است درمی‌آورد و کسی که نافرمانی خدا و پیامبرش را کرده و از حدودش تجاوز کند وی را در آتش درمی‌آورد تا عذاب خوارکننده را بچشد.

4-از ایشان سؤال کن: که شناخت حدود خدا و شناخت آنچه خداوند از اطاعت خود و پیامبرش دوست می‌دارد به چه چیز حاصل می گردد؟

آیا برای جاهل امکان دارد که حدود خدا و کیفیت فرمانبرداری و نافرمانی خدا را بداند؟ پس بر مسلمان طلب دانش دینی واجب است و درست نیست که مسلمان در بارهٔ امور دین خود جاهل باقی بماند.

درس 30: حدیث دخول بهشت مشروط به...

قول النبي صلى الله عليه وسلم: كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، إِلاَّ مَنْ أَبَى. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَأْبَى؟ قَالَ: مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى.	فرمودهٔ پیامبر ρ است که می‌فرمایند: تمام پیروانم در بهشت می‌روند به جز کسی که سرباز زند. (یاران) گفتند: ای رسول خدا کیست که سرباز می‌زند فرمودند: هرکه مرا فرمان برد به جنت می‌رود و هرکه نافرمانی از من کرد همانا سرباز زده است.

(رواه البخاری)

شرح: «**كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، إِلاَّ مَنْ أَبَى**» در اینجا مراد از امت کسانی هستند که به رسول الله و به شریعت وی از توحید و عبادات و احکام ایمان آوردند و دخول در بهشت بعد از مرگ و بروز قیامت صورت می‌گیرد. زیرا ارواح مؤمنان در بهشت و ارواح کافران در آتش است و در روز قیامت ارواح به پیکرهای‌شان جای می‌گیرند، اهل بهشت با ارواح و پیکرهای خود به بهشت می‌روند و اهل دوزخ همچنین با پیکرها و ارواح خود. فرمودهٔ پیامبرρ «**إِلاَّ مَنْ أَبَى**» مگر کسی که سرباز زند از ورود به بهشت سرباز زند؟ پیامبرρ فرمود: «**مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى**»، هرکه فرمان برد مرا به بهشت درآید و هرکه نافرمانی کرد مرا همانا از واردشدن به بهشت سرباز زده است و حکمتش آن است که فرمانبرداری و اطاعت از پیامبر ρ همانا به اسلام و ایمان و اخلاص است و این اخلاص نفس بشری را پاک و تزکیه می‌کند و او را شایسته ورود به بهشت می‌گرداند چون خداوند Ψ می‌فرماید: ﴿ۓ ۓ ڭ ڭ ڭ ڭ ۇ ۇ ۆ ۆ ۈ ۈ ۇٴ ۋ ۋ ۅ ۅ ۉ ۉ﴾ (الشمس: 9). «همانا رستگار شد کسی که نفس را پاک کرده است»، اما کسی که پیامبرρ را نافرمانی کند و دعوت او را به سوی ایمان و اسلام و کردار شایسته نپذیرد و بر گناه و کفر زندگانی خود را به سر برد البته نفس وی مانند ارواح شیاطین پلید می‌گردد و در همین حالت

است که سزاوار دخول دوزخ که بدبختی و زیان است می‌گردد، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿ (الشمس: 10). «البته زیانکار شده است کسی که نفس را به کفر و گناه آلوده کرده است».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را یاد بگیرند.

2-شرح را با آرامش بخوان و به هر جمله توقف کن و مفهوم آن را واضح کن تا دانسته شود

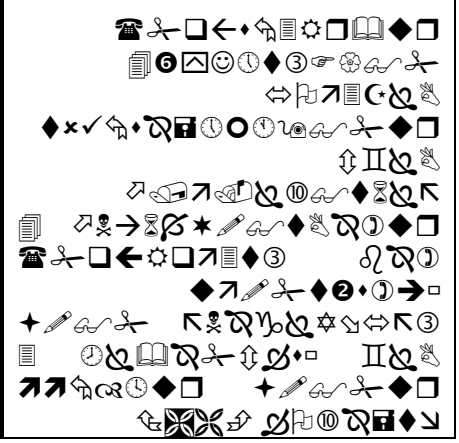
3-به آن‌ها بفهمان: که دخول جنت وابسته به پذیرفتن اسلام است و آن عبارت است از عمل به شریعت و احکام آن از روی عقیده، کردار، عبادت، قضاوت، اخلاق و آداب.

4-به ایشان بگو: که اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست، زیرا او تعالی می‌فرماید: ﴿ (النساء: 80). «هرکه از پیامبر اطاعت کرده در حقیقت از خداوند اطاعت کرده است».

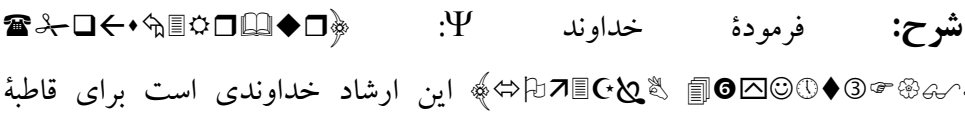
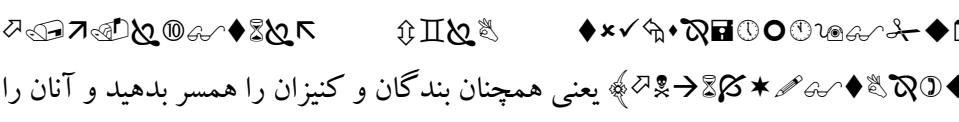
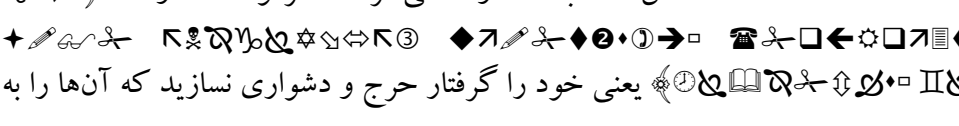
5-به آن‌ها بفهمان: که فرمانبرداری خدا و پیامبرρ نفس را پاک و تزکیه می‌کند و نافرمانی‌شان آن را آلوده و پلید می‌گرداند چون خداوند می‌فرماید: ﴿ (الشمس: 9 - 10). «به تحقیق رستگار شد کسی که نفس را پاکیزه کرد و زیانکار گشت کسی که آن را آلوده کرده است».

درسهای ماه جمادی الثانی

درس 1: آیهٔ ازدواج زنان بی‌شوهر و مردان بی‌همسر

قول الله تعالی:	خداوند بزرگ می‌فرماید:
	(32) و همسر دهید زنان بی‌شوهر را از شما و شایستگان را از بندگان و کنیزان خویش اگر باشند بینوایان بی‌نیازشان سازد خدا از فضل خود و خدا است گشایشمند و توانا.

[نور: 32]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  این ارشاد خداوندی است برای قاطبهٔ مسلمین در شهرها و قریه‌های‌شان و آنان را به چیزی متوجه می‌سازد که پاکی، صلاح، وحدت و توانائی آن‌ها را حفظ کند ایشان را متوجه می‌گرداند، تا کسانی که از مردان و زنان‌شان همسری ندارند همسر بدهند. به نحوی باشد که مرد و زنی که توان همسرگرفتن را دارد نگذارند بدون همسر بماند لفظ ایامی شامل دوشیزه و بیوه هردو را می‌شود چه «ایم» زن یا مردی است که همسر نداشته باشد. فرمودهٔ خداوند:  یعنی همچنان بندگان و کنیزان را همسر بدهید و آنان را بدون همسر رها نکنید، زیرا در این کار خطر بروز فحشاء در شهرها و به فساد کشیده‌شدن جامعه است که آنگاه مستحق عذاب خداوند می‌گردند. فرمودهٔ خداوند:  یعنی خود را گرفتار حرج و دشواری نسازید که آن‌ها را به

بهانهٔ که فقیر هستند همسر ندهید، زیرا خداوند آنان را به مرحمت خود بی‌نیاز می‌گرداند و نیازمندی‌شان را رفع می‌کند و چرا چنین نباشد که﴿ ✦ خداوند دارای فضل و رحمت گسترده است و بر احوال بندگانش از ثروتمندی و ناداری و فرمانبرداری و سرکشی آگاه است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به تجوید بخوان و پیوسته تکرار کن تا دانسته شود که بیشتری از شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- در هر جمله توقف کن، و آن را توضیح ده تا اصل مطلب را درک کنند.

3- به آن‌ها بگو: که نکاح بدون ولی زن درست نمی‌شود، زیرا فرمودهٔ خداوند:

﴿ ﴾

مخاطب کلمه, اولیای زنان اند و اگر ولی نباشد امیر مسلمین است و در صورتی که نه ولی و نه امیر موجود شود شخصی صاحب رأی از قبیلهٔ زن می‌تواند ولی باشد.

4- به ایشان بگو: که خطر و زیان فحشاء زیاد است که همانا سبب خرابی و ویرانی شهرها می‌شود و اگر ازدواج به صورت همگانی پیش برود غالباً از فحشاء جلوگیری خواهد شد، لذا خداوند به آن فرمان داده است.

5- به آن‌ها بفهمان: که حرمت زنا در میان آزاد و بنده یکسان است اگرچه در حکم جزا اختلاف دارند، طوری که بنده پنجاه ضربه شلاق زده می‌شود و آزاد ثیب رجم می‌گردد و آزاد بکر بک صد تازیانه زده می‌شود و بنده پنجاه تازیانه.

6- به آن‌ها بگو: که همکاری میان اهل قریه و قبیله در شهرها در امور ازدواج نظر به این آیه: ﴿ ﴾ واجب است.

درس 2: حدیث جوانان ازدواج کنند یا...

قول النبي عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ! مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ.	فرمودهٔ پیامبر ρ: ای گروه جوانان! کسی که از شما توانائی برداشتن تکالیف ازدواج را دارد باید ازدواج کند. زیرا ازدواج بازدارندهٔتر است چشم را و حفظ کننده‌تر است شرمگاه را و کسی که توانائی ندارد، پس لازم است بر وی روزه گرفتن، زیرا روزه برایش قطع کنندهٔ شهوت است.

(رواه ابوداود)

شرح: فرمودهٔ پیامبر υ: «**يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ**»: پیامبر بزرگوار ρ جوانان امت اسلامی را در هر مکان و زمانی که باشند مورد خطاب قرار داده و به عنوان یک اندرزدهنده و راهنما به ایشان می‌گوید: «**مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ**» کسی که از شما توانائی برداشتن تکالیف ازدواج از قبیل مهر، سرپرستی و مسکن را دارد «**فَلْيَتَزَوَّجْ**» باید ازدواج کند چه با دوشیزهٔ باشد یا بیوه، صغیره باشد یا کبیره سپس علت امر به ازدواج را چنین بیان می‌فرماید: «**فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ**» زیرا شخص متأهل عادتاً به طرف غیر همسرش نظر نمی‌کند چه همسرش او را کفایت می‌کند و چون پوشیدن چشم از نامحرم واجب است، لذا کاری که این واجب را یاری می‌کند ازدواج است و فرموده پیامبر υ: «**وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ**» یعنی ازدواج از ذکر و نماز و صبر جلوگیری بیشتری از ارتکاب فحشاء دارد. فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ**» کسی که توانائی ازدواج را نسبت به مصارف و هزینه آن نداشته باشد «**فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ**» پس بر وی روزه لازم است و آن امتناع از خوردن و آشامیدن و شهوتست از طلوع صبح تا غروب آفتاب. فرمودهٔ پیامبر ρ: «**فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ**» زیرا همین روزه برای انسان به منزلهٔ خصی‌کردن است

همانطور که خصی کردن میل جنسی را در حیوان نابود می کند و مادۀ شهوت را از بین می‌برد پس بر جوانان مجرد لازم است که روزه بدارند و بدون عذر سفر یا بیماری آن را ترک نکنند زیرا روزه رغبت جنسی را منع می کند، آری شخص روزه‌دار در کمالات روحی سیر کرده و به نواقص بدنی التفاتی ندارد.

راهنمائی‌هائی برای مربی:

1- حدیث را واضح بخوان و تکرار کن تا بدانی که حفظ کرده اند.

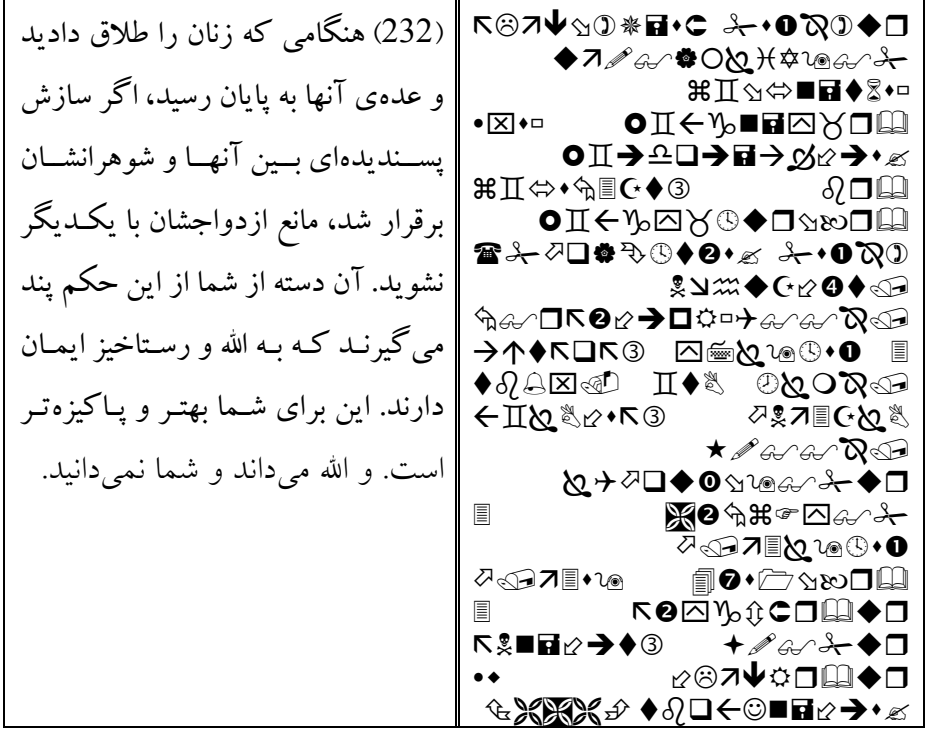
2- شرح را بخوان و معنی مراد را به شنوندگان بفهمان.

3- به ایشان بفهمان: که جوانان در عمل به این نصیحت پیامبرρ از اشخاص میان سال و پیر شایسته‌ترند زیرا قدرت و فساد جنسی در جوانان نسبت به آن‌ها بیشتر است و از طرف دیگر میانسالان و پیران نسبت به جوانان طاعت و عبادت زیاده‌تر انجام داده اند و خطر شهوت در ایشان کمتر است اما جوانان هنوز به عبادت و طاعت خداوند نوعادت اند.

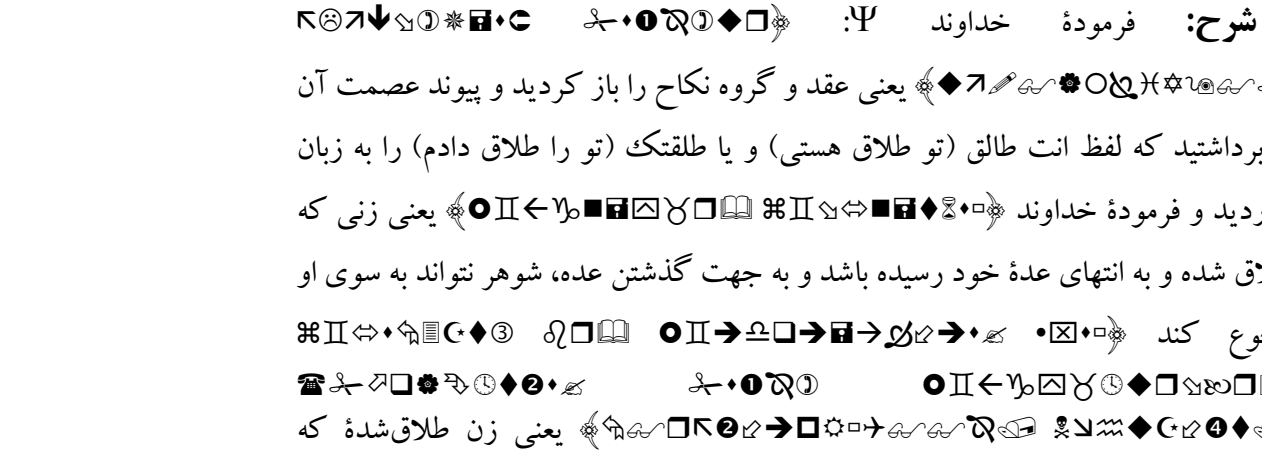
4- به ایشان فایده ازدواج را گوشزد کن که ازدواج علاوه بر این که به انسان احصان و پاکدامنی بخشیده سعادت دنیا و آخرت وی را آماده می گرداند. از وی اولاد بوجود آمده که خدا را می‌پرستند و بر عبادت‌شان ثواب داده می‌شود.

5- ایشان را از فواید روحی و بدنی روزه آگاه کن و بگو: که بزرگترین مفاد روزه وجود پاکدامنی مطلوب در جوان مسلمان است.

درس 3: آیهٔ مطلقه را از مراجعه به شوهرش بازندارید

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(232) هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده‌ی آنها به پایان رسید، اگر سازش پسندیده‌ای بین آنها و شوهرانشان برقرار شد، مانع ازدواجشان با یکدیگر نشوید. آن دسته از شما از این حکم پند می‌گیرند که به الله و رستاخیز ایمان دارند. این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. و الله می‌داند و شما نمی‌دانید.

[البقره: 232]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  یعنی عقد و گروه نکاح را باز کردید و پیوند عصمت آن را برداشتید که لفظ انت طالق (تو طلاق هستی) و یا طلقتک (تو را طلاق دادم) را به زبان آوردید و فرمودهٔ خداوند یعنی زنی که طلاق شده و به انتهای عدهٔ خود رسیده باشد و به جهت گذشتن عده، شوهر نتواند به سوی او رجوع کند یعنی زن طلاق‌شدهٔ که

عده‌اش را گذرانده است منع نکنید که شوهر سابق را برای بار دوم به نکاح بگیرد در صورتی که هردو قصد دارند تا به طور شایستهٔ زندگی تازه را آغاز کنند ولی سرپرست زن حق ندارد تا ازین کارشان مانع شود چه معنی تراضی به معروف همین است. فرمودهٔ خداوند: ﴿❶♦🕓👁🔗⌨﴾ یعنی همین منع‌کردن زن طلاق شده که عدهٔ را گذرانیده و به سبب گذشتن عده، نکاح او با شوهرش قطع شده و شوهرش حق رجوع را از دست داده است. ﴿③↖❑↖♦↑♦♋﴾ پند داده می‌شود. و از جانب خداوند به آن امر می‌شود: ﴿♦♋♊ ♦♌🕭⊠🖐 ⑬↖♦🖋↗🕶♌♋← ★🖉🖐🖐🖐🖐 ❑◆❶🔗👁🖐✂♌✈❑◆⊠❷🔗⌘☞🖂🖐✂♌ زیرا شخصی مؤمن است که امر خداوند را اطاعت و آن را قبول دارد ﴿❶♦🕓👁🔗⌨♦↗🖐 ❑◆📖⊂❑♎⇳♍⊠❷↖﴾ یعنی این کار یعنی عدم ممانعت زن طلاق شده در مراجعه به شوهر قبلی به نکاح جدید سبب اطاعت بیشتر خداوند Ψ به حساب می‌آید چه بیشتر سبب تزکیه نفس‌های شما می‌شود و جامعهٔ شما را بهتر به طرف پاکی و راستکاری رهنمون می‌سازد. زیرا امکان دارد اگر از ازدواج چنین زن و شوهری که همدیگر را دوست می‌دارند ممانعت شود به گناه گرفتار شوند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت شریفه را به تجوید قرائت کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله به خوان و نکات پوشیده را بیان و آنچه محتاج به شرح است شرح ده.

3-به آن‌ها بفهمان: زنی که طلاق شد چون عده‌اش بگذرد شوهرش نمی‌تواند به وی رجوع کند و اگر با یکدیگر تمایل داشتند ولی و سرپرست زن نمی‌تواند آن‌ها را از نکاح جدید منع کند.

4-به ایشان بفهمان: که به جاآوردن اوامر خداوند طهارت و پاکی را در جامعه پدید می‌آورد و نافرمانی خداوند دل‌ها را فاسد و جامعه را به ناپاکی گرفتار می‌گرداند.

5-به ایشان تذکر ده: که ایمان به خدا و روز آخرت بنده را آماده برای اطاعت از فرمان خدا و پیامبرρ می گرداند.

درس 4: حدیث مراجعه خواهر معقل

قول معقل ابن یسار τ: زَوَّجْتُ أُخْتًا لِی مِنْ رَجُلٍ فَطَلَّقَهَا، حَتَّی إِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهَا جَاءَ یَخْطُبُهَا، فَقُلْتُ لَهُ زَوَّجْتُكَ وَفَرَشْتُكَ وَأَكْرَمْتُكَ، فَطَلَّقْتَهَا، ثُمَّ جِئْتَ تَخْطُبُهَا، لاَ وَاللَّهِ لاَ تَعُودُ إِلَیْكَ أَبَدًا، وَكَانَ رَجُلاً لاَ بَأْسَ بِهِ وَكَانَتِ الْمَرْأَةُ تُرِیدُ أَنْ تَرْجِعَ إِلَیْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الآیَةَ (فَلاَ تَعْضُلُوهُنَّ) فَقُلْتُ الآنَ أَفْعَلُ یَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ فَزَوَّجَهَا إِیَّاهُ.	از معقل بن یسار τ روایت است که گفت: خواهرم را به ازدواج مردی درآوردم که بعداً او را طلاق داد چون عده‌اش گذشت نزدم آمد و از وی خواستگاری می‌کرد برایش گفتم: او را به تو نکاح دادم و به تحت امر تو قرار دادم و تو را به آن اکرام نمودم و تو او را طلاق دادی باز نزدم آمده از وی خواستگاری می‌کنی نه خیر به خدا قسم خواهرم هیچگاه به سویت باز نخواهد گشت او مرد نیکی بود و زن هم به وی تمایل داشت. در این باره این آیت نازل شد (فلا تعضلوهن) پس گفتم: ای رسول خدا! الآن که خدا دستور داده پس دستور را اجرا می‌کنم و خواهر خود را سپس به او نکاح داد.

(رواه البخاری)

شرح: گفته معقل بن یسار: «**زَوَّجْتُ أُخْتًا لِی**» خواهرم را به نکاح دادم مراد در اینجا خواهر نسبی است «**مِنْ رَجُلٍ فَطَلَّقَهَا**» برای مردی که بعداً وی را طلاق داد و رجوع نکرد تا عده‌اش سپری شد و عده در قرآنکریم به سه قرء تعبیر شده است که مراد از آن به اختلاف مذاهب سه طهر یا سه حیض می‌باشد، «**جَاءَ یَخْطُبُهَا**» و آمد او را خواستگاری از معقل کرد زیرا وی ولی خواهرش بود «**فَقُلْتُ لَهُ**» پس برای اثبات مدعا برایش گفتم: «**زَوَّجْتُكَ وَفَرَشْتُكَ وَأَكْرَمْتُكَ، فَطَلَّقْتَهَا، ثُمَّ جِئْتَ تَخْطُبُهَا، لاَ وَاللَّهِ لاَ تَعُودُ إِلَیْكَ أَبَدًا**» او را همسر تو و تحت فرمان

تو درآوردم و تو را با این خویشاوندی مورد اکرام قرار دادم تو او را طلاق دادی سپس نزدم آمده از وی خواستگاری می‌کنی؟ نه خیر به خداوند قسم هیچ گاه خواهرم به سویت بازنمی‌گردد سخنش را به کلمهٔ لا وسوگند و لفظ ابداً مؤکد ساخت، زیرا عزم جدی داشت که خواهرش را به وی بازنگرداند به علت بی‌حرمتی که به او و خواهرش شده بود گفته‌اش: «**وَكَانَ رَجُلاً لاَ بَأْسَ بِهِ**» و آن مرد عیبی نداشت مراد از آن مرد شوهر خواهر معقل است که او را طلاق داده و سپس خواستگاری می‌کرد «**وَكَانَتِ الْمَرْأَةُ تُرِيدُ أَنَّ تَرْجِعَ إِلَيْهِ**» وآن زن می‌خواست که به طرف شوهرش بازگردد و برای رجوع به شوهر اولی دو شرط لازم است: یکی این که مرد، شخص صالح بوده دوم این که زن به او رغبت داشته باشد پس خداوند این آیه را نازل فرمود: «**فَلاَ تَعْضُلُوهُنَّ**» یعنی زن‌ها را بازندارید از این که به شوهر اولی خود بازگردند گفتم: ای رسول خدا! الآن که آیه نازل شد این کار را می‌کنم، سپس خواهر خود را به نکاح شوهر نخستین او درآورد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بار بار تکرار کن، تا بدانی که بیشتر شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح را به آرامش و جمله به جمله بخوان و جای که نیاز به توضیح دارد واضح کن.

3- به آن‌ها بفهمان: که مطلقه اگر عده‌اش به ماه یا به حیض یا وضع حمل سپری گردد، نمی‌تواند بدون تجدید نکاح به شوهرش بازگردد، البته باید ارکان چهارگانه نکاح که عبارت از ولی، مهر، شهود و صیغهٔ عقد است انجام شود صیغهٔ عقد آن است که ناکح برای ولی بگوید: فلانه را برایم به همسری بده، ولی در جواب بگوید: او را برای تو به فلان اندازه مهر به زنی دادم و برای شاهدان بگوید: که این واقعه را گواه باشید.

4- به ایشان بگو: که برای ولی، زن باشد یا برادر جواز ندارد که مطلقه را از بازگشتن به شوهرش منع کند، مشروط بر این که شوهر, شخص صالح باشد، نظر به این حدیث که چون معقل خواهرش را از پیوستن به شوهر وی بازداشت، در باره‌اش این آیت

نازل شد و جلوگیری از پیوستن زن به شوهر در صورت علاقهٔ زن و صلاحیت شـوهر حرام گردید.

درس 5: آیهٔ حقوق زنان بر مردان

قال الله جل جلا له:	فرمودهٔ خدای بزرگ است:
﴿	(228) برای زنان است مثل آنچه بر آنان است به متعارف و مردان را است بر زنان درجهٔ و خدا است عزتمند و با حکمت.

[بقره: 228]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ: ﴿ یعنی برای زنان بر شوهران حقوق و واجباتی است، همانطوری که زنان بر شوهران حقوق و واجباتی دارند فرمودهٔ خداوند: ﴿ معروف چیزی است که شریعت آن را به عنوان حق در میان زن و شوهر شناخته باشد، زیرا آنچه را شریعت منکر قرار داده و حق نشناخته باشد در آن هیچگونه خیری وجود ندارد نه در آینده و نه در حال، بلکه همهٔ آن سبب اذیت و شر است ﴿ مردان را بر زنان برتری است این برتری درجهٔ قیم‌بودن مردان در شئون زندگی و سرپرستی زنان است که شوهران از آب و غذا لباس و مسکن گرفته تا وسیلهٔ حمل و نقل و تداوی زنان شان را باید فراهم کنند و آن‌ها را از هرگونه گزند و آسیبی حفظ کنند و این همه مسئولیت‌ها است که درجهٔ مردان را نسبت به زنان بلندتر کرده است، لذا زن تحت فرمان، و مرد فوق آن قرار گرفته است، چنانکه خداوند در بارهٔ زن نوح و زن لوط علیهما السلام می‌فرماید: ﴿

(التحریم: 10) «این دو زن تحت دو تن از بندگان نیکوکار ما قرار د اشتند»، از اینجاست که می‌گوئیم: ادعای مساوات مرد و زن خطای فاحش است، چنانچه این ادعا، شعار عدهٔ از مردم نادان غرب‌زده بی‌دین و بی‌تقوی می‌باشد فرمودهٔ خداوند: ﴿  خداوند توانا و با حکمت است.

یعنی خداوند بر تمام کارها مسلط است و بر بندگان خود تسلط دارد و در امور تشریعی خود دارای حکمت است که اگر چیزی را حلال و یا حرام کرده و یا عملی را واجب و یا نهی نموده همانا در آن حکمت عالیهٔ وجود داشته است پس بر ما واجب است که در مقابل خدای بزرگ تسلیم شده و همه کارها را به وی مفوض کنیم و در قانون و شریعت خداوندی و دستورات و منهیات او نزاع نداشته باشیم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و شنوندگان تکرار کنند تا حفظ شود.

2- آیت را جمله جمله بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن: تا شنوندگان بفهمند.

3- به ایشان بفهمان: که زنان را بر مردان حقوقی است چنانکه مردان بر ایشان حقوقی دارند و واجب است هریک از زن و مرد بدین حقوق اعتراف کنند و آن را به طور کامل و بدون نقص برای طرق مقابل خود اداء کنند، و گرنه گنهکاراند.

4- و نیز آن‌ها را بفهمان: که حقوق زن بر مرد عبارت از نفقهٔ زن است یعنی غذا، آب، مسکن و لباس به طور پسندیده و رایج در عرف و حد اقل در مدت چهار ماه یک آمیزش و از هر چهار شب یک شب در نزد او شب سپری کردن است.

5- به آن‌ها بیاموز: که حقوق مرد بر زن عبارت از فرمانبرداری شوهر در کار پسندیده و حفظ مال و آبروی او است که بدون اجازهٔ وی بیرون نشود و وقتی که شوهر میل داشت، نفس خود را به وی تسلیم کند.

درس 6: حدیث احترام شوهر بر زن لازم است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: فَلاَ تَفْعَلُوا فَإِنِّى لَوْ كُنْتُ آمِرًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِغَيْرِ اللَّهِ لأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا وَالَّذِى نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لاَ تُؤَدِّى الْمَرْأَةُ حَقَّ رَبِّهَا حَتَّى تُؤَدِّىَ حَقَّ زَوْجِهَا وَلَوْ سَأَلَهَا نَفْسَهَا وَهِىَ عَلَى قَتَبٍ لَمْ تَمْنَعْهُ.	پیامبر خدا ρ فرمود: این کار را نکنید، اگر امر می‌کردم کسی را که برای غیر خدا سجده کند، همانا زن را امر می‌کردم تا برای شوهرش سجده کند، قسم به ذات که نفس محمد به دست او است زن نمی‌تواند حق پروردگارش ادا کند، مگر این که حق شوهرش را ادا کرده باشد، اگر شوهر او را طلب کرده و او بر شتری سوار بود باید وی را از خود منع نکند.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: جملهٔ «**فَلاَ تَفْعَلُوا**» این گفتهٔ پیامبر ρ است برای یارانش آنگاه که خواستند برسم مردم عجم که در مقابل بزرگان خود سجده می‌کردند، در برابرش سجده کنند، فرمود: این کار یعنی سجده در برابر غیر خدا را انجام ندهید، فقال: «**لَوْ كُنْتُ آمِرًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِغَيْرِ اللَّهِ لأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا**» پیامبر ρ فرمودند: «اگر کسی را به سجده برای غیر خدا امر می‌کردم، همانا به زن امر می‌کردم تا برای شوهرش سجده کند». چون تعظیم و احترام شوهر بر زن لازم است فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَالَّذِى نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ**» این سوگندی است که برای تأکید صحت و درستی سخنی خود یاد کرده و لازم دانسته که آن را به عمل آورند و تطبیق کنند، سپس چیزی را که به جهت آن سوگند یاد کرده بیان می‌کند و می‌گوید: «**لاَ تُؤَدِّى الْمَرْأَةُ حَقَّ رَبِّهَا حَتَّى تُؤَدِّىَ حَقَّ زَوْجِهَا**» زن حق پروردگارش را نمی‌تواند اداء کند تا حق شوهرش را اداء کند یعنی حقوق الله که عبارت از: روزه نافله, نماز و صدقات نافله باشد صحت پیدا نمی‌کند، مگر این که حق شوهرش را اداء کرده باشد لذا بدون اجازهٔ شوهر

نمی‌تواند روزه نافله بگیرد. فرمودهٔ پیامبر ρ «**وَلَوْ سَأَلَهَا نَفْسَهَا**» یعنی اگر شوهر برای استفاده جنسی نفس زن را بخواهد «**وَهِيَ عَلَى قَتَبٍ**» و زن سوار شتری باشد لم تمنعه یعنی برای زن جایز نیست که شوهر را در همین صورت هم از خود منع کند و این عبارت برای تمثیل است، می‌گوید که برای زن حلال نیست که به هیچ صورت شوهرش را از خود منع کند، مگر به عذر شرعی مانند مریضی و علت دیگر.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و شنوندگان آن را تکرار کنند تا حفظ کنند.

2- شرح مطالب را بخوان و هر جمله را توضیح ده تا معانی آن‌ها را بفهمند.

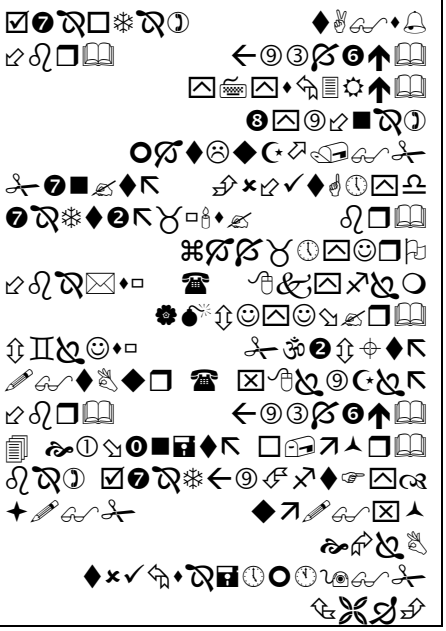
3- ایشان را به حرمت رکوع و سجده در برابر غیر خداوند آگاه کن زیرا رکوع و سجده یک چیز است.

4- به آن‌ها پند ده: که حقوق زن بر شوهر و بالعکس بسیار بزرگ و باید مراعات شود.

5- به ایشان هشدار ده: که بیشتر نزاع و کشیدگی که در میان زن و شوهر پیدا می‌شود علت آن عدم تسلیم زن در مقابل خواهش جنسی مرد است و از همین علت است که پیامبر خداρ آن را به طور مثال «**وَهِيَ عَلَى قَتَبٍ لَمْ تَمْنَعْهُ**» اگر زن سوار شتر هم باشد نباید شوهر را از خود منع کند ذکر فرموده است.

6- به آن‌ها سوگند پیامبر ρ را به عبارت: «**وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ**» تعلیم ده: تا این که به آن سوگند به پیروی پیامبر خدا ρ عادت کنند و اگر قسم می‌خورند به این عبارت سوگند یاد کنند.

درس 7: آیهٔ ازدواج موسی υ با دختران شعیب υ

قول الله عزوجل:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(27) گفت: همانا می‌خواهم که همسر تو گردانم یکی از دخترانم را اینان, بر آن که مزدورم باشی هشت سال و اگر ده سال را به پایان آوردی پس از نزد تو است و نمی‌خواهم سختی بر تو آرم زود است بیابی مرا اگر خدا بخواهد از شایستگان.

[قصص: 27]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ:  این عبارتی است که از زبان بندهٔ نیکوکار خداوند شعیب υ حکایت می‌کند، آنگاه که شعیب υ دخترش را نزد پیامبر خدا موسی υ فرستاد: تا او را بیاورد وقتی آمد برای پدر گفت: ای پدر او را اجیر کن، زیراه بهترین اجیر کسی است که دارای قوت و امانت باشد، مرادش موسی υ بود، زیرا دختر شعیب υ این حقایق را در ضمن آب‌کشیدن و آب‌دادن گوسفندان و در مسیر راه به سوی خانه دانسته بود چون در مسیر راه باد, جامهٔ دختر را از بدنش بلند می‌کرد، حضرت موسیυ برایش گفت: تو در عقبم بیا و راه را به من نشان بده زمانی که دختر این رفتار نیک موسی را برای پدرش قصه کرد شعیب υ برای موسی گفت:

﴿ ﴾ «همانا می‌خواهم یکی از دخترانم را همسر تو گردانم تا این که هشت سال گوسفندانم را بچرانی» و این کار, مهر دختر جوانی است که آن را همسرت می‌گردانم، فرمودهٔ شعیب υ: ﴿ ﴾ اگر ده سال را تمام کردی ﴿ ﴾ پس از فضل و احسان تو خواهد بود نه این که بر تو واجب باشد که حتماً آن را انجام بدهی و فرموده‌اش: ﴿ ﴾ من نمی‌خواهم تو را به مشقت بیفکنم یعنی تو را به کاری تکلیف کنم که در آن به مشقت بیفتی پس برای آرامش خاطر و اطمینان او گفت: ﴿ ﴾ زود باشد که به خواست خداوند مرا در این خویشاوندی از صالحین و نیکوکاران بیابی.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و معانی آن‌ها را بیان کن تا شنوندگان بفهمند.

3- به آن‌ها بفهمان: که حضور ولی شرط صحت نکاح است چنانکه ملاحظه شد شعیب υ متولی نکاح دخترش بود و در حدیث شریف آمده است: «**لا نِكَاحَ إلا بِوَلِيٍّ**» نکاح صحت پیدا نمی‌کند، مگر به حضور ولی, البته در مذهب احناف حضور ولی در نکاح شرط نیست بلکه امری مستحب است.

4- به آن‌ها بیاموز: که وجود مهر نیز شرط صحت نکاح است، زیرا شعیب υ می‌فرماید:

﴿ ﴾ «تا به جهت مهر, هشت سال برایم مزدور باشی».

5-به ایشان بگو: که بندگان نیکوکار کسانی هستند که حقوق خدا و بندگانش را به طور کامل و بدون نقصان ادا می‌کنند، یوسف υ در دعای خود گفت: ﴿♦×✓ۛ♦ۛ❒🕮◆❒ۛ🕓❍🕓ۛ◌ۛ♦ۛ◌ۛ♂ۛ♂ۛ❒🖃ۛ♂ۛ♂﴾ (یوسف: 101). «خداوندا! مرا به بندگان نیکوکار خود ملحق گردان». سلیمان υ می‌گوید: ﴿♂ۛ♂ۛ❒🖬ۛ⌘⑩❒🕮◆❒﴾ ﴿☒🖱⑩♦🖮ۛ↖❼×ۛ🖂🖮ۛ☝◘❒♦❷ۛ🖃﴾ (النمل: 19). «پروردگارا مرا به رحمت خود در جملهٔ بندگان نیکوکار خویش داخل گردان». و مسلمین می‌گویند: «**اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ**» «خدایا! ما را مسلمان بمیران و ملحق گردان به نیکوکاران».

درس 8: حدیث اجازه ولی در نکاح زن

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ يُنْكِحْهَا الْوَلِيُّ فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَإِنْ أَصَابَهَا فَلَهَا مَهْرُهَا بِمَا أَصَابَ مِنْهَا فَإِنِ اشْتَجَرُوا فَالسُّلْطَانُ وَلِيُّ مَنْ لاَ وَلِيَّ لَهُ.	پیامبر υ می‌گوید: هر زنی را که او را ولی وی به نکاح نداده باشد نکاحش باطل است، نکاحش باطل است نکاحش باطل است اگر مرد در این نکاح باطل از وی به چیزی برسد پس برای زن مهر او است در مقابل آنچه از وی بهره گرفته است و اگر اختلافی پدید آمد پس ولی امر مسلمین ولی کسی است که برایش ولی نباشد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر: «**أَيُّمَا امْرَأَةٍ**» هر زنی این کلمه از کلمات عمومی است یعنی هر زنی خواه از خانواده شرافتمند باشد یا از طبقۀ پائین خواه ثروتمند باشد یا فقیر خواه تندرست باشد یا بیمار خواه عربی باشد یا عجمی «**لَمْ يُنْكِحْهَا الْوَلِيُّ**» که وی را ولی به نکاح نداده باشد «**فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ**» پس نکاحش باطل است، تکرار این جمله برای تأکید است و معنی باطل عدم صحت نکاح است، زیرا یک رکن نکاح که شرکت ولی است موجود نشده است و فرمودۀ پیامبر ρ: «**فَإِنْ أَصَابَهَا**» اگر مرد به همین عقد فاسد با زن جماع کرد، «**فَلَهَا مَهْرُهَا**» برای زن مهر اوست و برای مرد حلال نیست که مهر را از زن پس بگیرد، زیرا این مهر در مقابل آنچه که استفاده کرده است از وی به جماع و فرمودۀ پیامبر ρ فان اشتجروا اگر اختلاف کردند یعنی اگر در کار ازدواج اختلاف و نزاع کردند، پس بر ولی امر مسلمین است که زن را به نکاح بدهد، زیرا پیامبرρ می‌فرماید: «**السُّلْطَانُ وَلِيُّ مَنْ لاَ وَلِيَّ لَهُ**» یعنی امیر مسلمین ولی کسی است که ولی و سرپرست ندارد. و دولت اسلامی در مواردی امر نکاح به دست می‌گیرد که زن ولی ندارد و یا اولیاء زن, در میان خود اختلاف دارند و یا زن را به

نکاح نمی‌دهند پس قاضی که نمایندهٔ امیر مسلمین است باید ازدواوج زن را به عهده بگیرد تا زن بدون تکلیف و بی‌سرپرست باقی نماند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را تکراراً بخوان تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

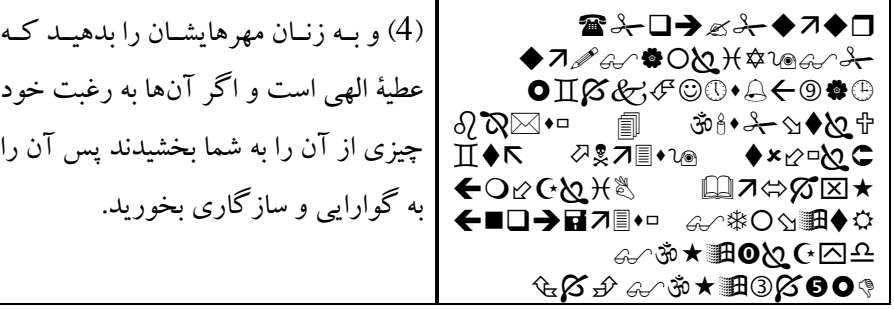
2-شرح را جمله جمله بخوان و آنچه نیاز به توضیح دارد واضح ساز: تا شنوندگان بدانند.

3-به آن‌ها بفهمان: که این حدیث بیان می‌کند که در نکاح شرکت ولی واجب است و اگر نکاح بدون شرکت ولی صورت گرفته باشد آن نکاح از نگاه شریعت باطل است.

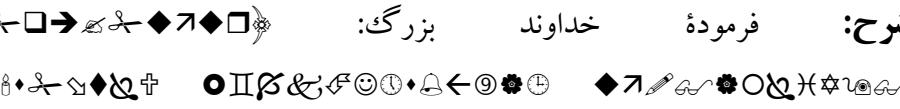
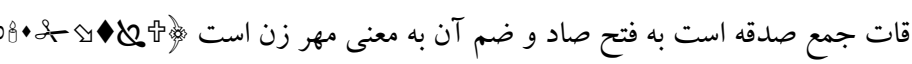
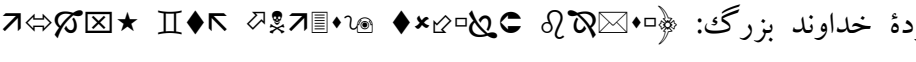
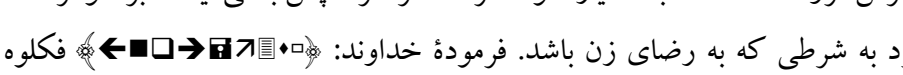
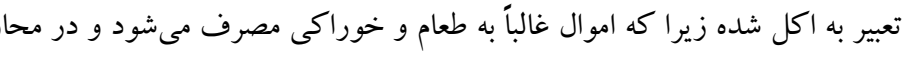
4-به آن‌ها هشدار ده: که اگر در نکاح فاسد جماع صورت گرفت تمام مهر زن واجب می‌شود و قاضی نکاح را فسخ می‌کند چون نکاح فاسد است زیرا یکی از ارکان آن که حضور ولی است موجود نشده است.

5-به آن‌ها بیاموز: که اگر اولیاء زن در امر ازدواج وی اختلاف کردند و یا به عدم ازدواج زن اصرار داشتند زن حق دارد تا قضیه را به قاضی شکایت کند و قاضی می‌تواند به ولایتی که بر عامهٔ مسلمین دارد وی را به نکاح کسی درآورد.

درس 9: آیهٔ پرداخت مهر زنان

قول الله جل جلا له:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	(4) و بـه زنـان مهرهایشـان را بدهیـد کـه عطیهٔ الهی است و اگر آن‌ها به رغبت خود چیزی از آن را به شما بخشیدند پس آن را به گوارایی و سازگاری بخورید.

[نساء: 4]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ: ﴿  ﴾ ﴿﴾: صدقات جمع صدقه است به فتح صاد و ضم آن به معنی مهر زن است ﴿  ﴾: یعنی مهر بخشش خدا است بر زنان که آن به منزلهٔ فریضه بر ذمهٔ مردان است، زیرا آنچه خداوند ببخشد جواز ندارد کسی آن را منع کند و یا در ادای آن سُستی از خود نشان دهد. فرمودهٔ خداوند بزرگ: ﴿  ﴾: اگر زن به طیب خاطر چیزی را از مهر خود برای شوهرش فرو گذاشت که به اختیار خود صرف نظر کرد، پس باکی نیست بر شوهر که آن را بگیرد به شرطی که به رضای زن باشد. فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ فکلوه پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار اگر زوجه آن را به خوشی فرو گذاشته باشد و از استفادهٔ مالی تعبیر به اکل شده زیرا که اموال غالباً به طعام و خوراکی مصرف می‌شود و در محاورهٔ عرب از گرفتن مال و تصرف در آن تعبیر به خوردن مال شده است چون خداوند در اینجا لفظ (کلوه) بخورید، آن را ذکر کرده لذا به تناسب اکل الفاظ ﴿ 

﴿فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾ گوارا و سازگار آورده است تا به کلمهٔ خوردن مناسبت داشته باشد، زیرا «هنیئ» آن را گویند: که گلوگیر نباشد و «مرئ» به معنی گوارا آمده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را واضح بخوان و تکرار کن تا بدانی که شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن: تا فهمیده شود.

3- به آن‌ها بفهمان: که مهر هم‌مانند شهود و ولی, یکی از ارکان نکاح است، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾.

4- به آن‌ها تعلیم ده: بعد از این که مقدار مهر معین شد جواز دارد که ادای همهٔ آن یا بعضی آن را به تأخیر بیاندازیم.

5- به آن‌ها بفهمان: برای زن جواز دارد که بعد از تسلیم‌شدن مهر خود قسمتی از آن را به شوهرش ببخشد چون این کار تصرف در ملک خودش می‌باشد، زیرا خداوند در قرآنکریم می‌فرماید: ﴿وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا﴾ ﴿فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾ «اگر به رضای نفس خود از آن چیزی کم کردند، پس آن را گوارا و سازگار بخورید».

درس 10: حدیث تعلیم قرآن به عنوان مهریه

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَعْطِهَا وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ. فَقَالَ لَيْسَ مَعِي. قَالَ قَدْ زَوَّجْتُكَهَا عَلَى مَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ.	پیامبر اسلام ρ برای یکی از یارانش که ارادۀ ازدواج داشت فرمود: برای همسرت مهر بده اگرچه انگشتر آهنی باشد، آن مرد گفت: نزدم آنهم نیست پیامبرρ فرمود: وی را برای تو در مقابل آنچه از قرآنکریم حفظ داری به نکاح دادم.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: «**أَعْطِهَا وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ**»: یعنی اگر هیچ چیزی نداری که مهر بدهی پس اگر انگشتر آهنی باشد مهر بده. آن مرد گفت: «**لَيْسَ مَعِي**» یعنی از دادن انگشتر آهنی هم عاجزم ولی چند سوره از قرآنکریم را حفظ دارم، پیامبرρ فرمود: «**قَدْ زَوَّجْتُكَهَا عَلَى مَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ**» او را در مقابل آنچه از قرآن کریم حفظ داری نکاح دادم، یعنی آن سوره‌ها را به زن تعلیم بده: تا حفظ کند که زحمت تو در این راه به منزلۀ ادای مهر خواهد بود چنانکه شعیب υ مَهر دخترش را بر موسی υ چرانیدن گوسفندان به مدت هشت سال قرار داده بود، زیرا در چرانیدن گوسفندان تحمل زحمت و صرف نیرو است و لذا چوپان مستحق اجرة و مزد می‌گردد همچنان که در حفظ گردانیدن آیات قرآنی برای کسی که آن‌ها را حفظ ندارد تکلیف و زحمتیست که معلم بر آن مستحق پاداش می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و شنوندگان آن را به آهستگی بخوانند تا همۀ آن را حفظ کنند.

2-شرح را به آهستگی بخوان و هر جمله که به تفسیر نیاز دارد تفسیر کن.

3-به آن‌ها بگو: که از این حدیث احکام ذیل دانسته می‌شود.

الف: وجوب مهر زن بر مرد که به هیچ حال ساقط نمی‌شود و نکاح بدون آن جواز ندارد.

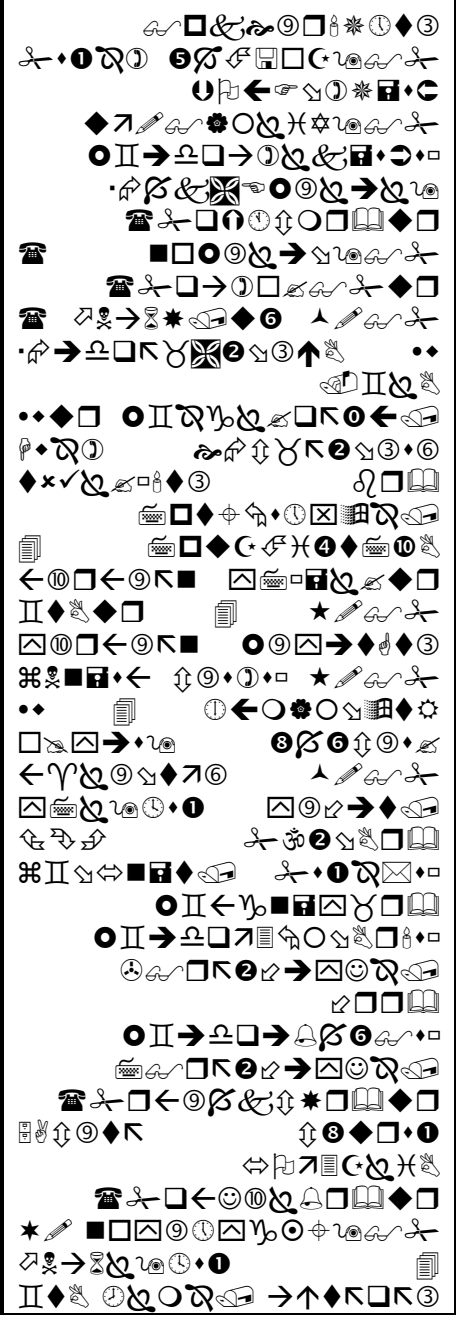
ب: بالاترین مقدار مهر حد معین ندارد چه جواز دارد که مهر زن باغ یا منزل و یا رمهٔ گوسفند، و یا مقداری از طلا باشد و پائین‌ترین حد مهر یک چهارم دینار (سکهٔ طلا است) یا چیزی که معادل آن باشد از انگشتر و یا انجام کاری که صاحب آن مستحق مُزدی بشود.

ج: لزوم حضور ولی در عقد نکاح, زیرا نکاح بدون حضور ولی جواز ندارد و هر زنی که بدون حضور ولی, نفس خود را به نکاح دهد زناکار به حساب می‌رود، زیرا اینطور از حدیث ثابت شده است و همین است مذهب مالک شافعی و احمد. «حضور ولی در مذهب احناف برای نکاح مستحب است نه شرط»

4- آن‌ها را به حفظ این حدیث و احکامی که از وی دانسته می‌شود تشویق کن.

درس 11: آیهٔ طلاق و عده آن

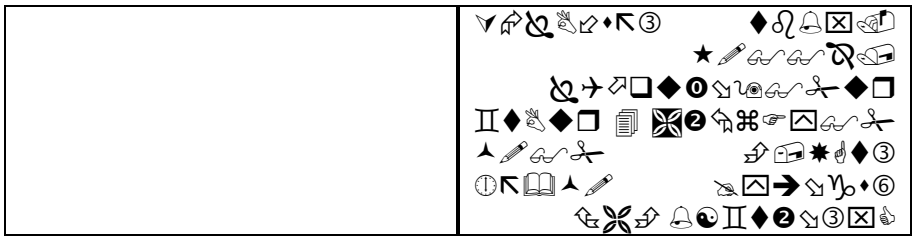
قول الله تعالی:



خدای بزرگ می‌فرماید:

(1) ای پیامبر! هرگاه زنان را طلاق دادید، پس طلاق‌شان گوئید برای عدهٔ آنان و بشمارید عده را و بترسید خدا را پروردگار خود و بیرون‌شان نرانید از خانه‌های خویش و بیرون نروند مگر آن که بیارند فحشاء آشکار و این است مرزهای خدا و آن که تجاوز کند از مرزهای خدا همانا ستم کرده است خویش را ندانی شاید خدا پدید آورد پس از این کاری را.

(2) و چون عدّه آنها سر آمد، آنها را به طرز شایسته‌ای نگه دارید، یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید، و (هنگام طلاق و جدائی و همچنین رجوع از طلاق) دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید، و شهادت را برای خدا برپا دارید، این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند، و هرکس از خدا بپرهیزد و ترک گناه کند، خداوند برای او راه نجاتی قرار می‌دهد.



[طلاق: 1-2]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾ این ندای خداوند است برای پیامبرش که وی را به جهت شرافت به عنوان پیامبر مورد خطاب قرار داده است تا به او و پیروانش چگونگی طلاق نیکو فرجام را بیان کند و آن چنین است کسی که عزم دارد زنش را طلاق دهد باید آن را در طهر «ایام پاکی» که در آن با زن جماع نکرده باشد طلاق دهد و طلاق را به یک لفظ بیان کند به این که بگوید: تو طلاق هستی و دو شاهد عادل را بر آن گواه بگیرد و بر مرد لازم است که شمار عده را داشته باشد تا از گذشتن آن غافل نشود و زن مطلقه‌اش را باید از خانه بیرون نکند مگر این که زن مرتکب کار زشت یا سخن ناپسندی گردد و ایشان را آگاه کن: که شروط طلاق حدود خداوندیست که آن را تعیین نموده، لذا جواز ندارد که از آن تجاوز شود و آن که تجاوز کند همانا بر خود ستم کرده و خویشتن را در معرض عذاب الهی قرار داده است. فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾ یعنی علت عدّه و نگهداری زن در خانه برای این است که شاید طلاق‌دهنده پشیمان گردد و بخواهد با رجوع مجدد این پیوند را کامل گرداند، پس در شمارش عده خیر نهفته است ﴿ ﴾ چون زنان به انتهای عده خود که سه طُهر و یا سه حیض است برسند اگر شوهر بخواهد رجوع کند و زن را نگه دارد و اگر خواست رهایش کند که به سوی خانوادهٔ خود بازگردد تا خداوند برایش شوهری دیگر نصیب کند و او مهربان و آگاه هست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-هردو آیت را به تجوید بخوان تا شنوندگان تکرار کرده و آن را حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و آنچه محتاج تفسیر است بیان کن.

3-به آن‌ها بگو: طلاقی را که خداوند در این آیت بیان کرده طلاق سنت است و غیر آن طلاق بدعت است.

4-به آن‌ها تعلیم ده: که طلاق سنت آنست که زن در حالت پاکی که در آن جماع صورت نگرفته باشد طلاق شود و یک طلاق بگوید و زن در منزلش تا به انتهای عده بماند چون عده نزدیک به اتمام برسد اگر می‌خواهد رجوع کند و بر آن دو شاهد بگیرد و یا او را رها سازد.

درس 12: حدیث طلاق در حال حیض بدعت است

قول النبي صلى الله عليه وسلم لعمر رضي الله عليه: مُرْهُ فَلْيُرَاجِعْهَا حَتَّى تَطْهُرَ ثُمَّ تَحِيضَ ثُمَّ تَطْهُرَ ثُمَّ إِنْ شَاءَ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يُجَامِعَهَا وَإِنْ شَاءَ أَمْسَكَهَا فَإِنَّهَا الْعِدَّةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِهَا.	پیامبر ρ برای عمر τ گفت: فرزندت را امر کن تا به زنش رجوع کند تا پاک شود باز حیض شود و باز پاک شود بعد از آن اگر می‌خواست طلاق دهد البته پیش از این که با وی مقاربت کند و اگر خواست او را نگه دارد زیرا این همان عده‌ایست که خداوند به آن امر کرده است.

(صحیح ابن ماجه و غیره)

شرح: سخن پیامبر ρ برای عمر τ: «**مُرْهُ فَلْيُرَاجِعْهَا**» این سخن را پیامبرρ برای عبدالله ابن عمرب فرمودند: که همسرش را در حالت حیض طلاق داده بود و عمرτ این موضوع را به اطلاع پیامبرρ رسانیده، پیامبرρ برای عمر فرمود: «**مُرْهُ**» یعنی پسرت عبدالله را امر کن تا به زنش رجوع کند «**حَتَّى تَطْهُرَ**» تا از حیض خود پاک شود «**ثُمَّ تَحِيضَ**» سپس حیض شود و بار دیگر پاک شود، بعداً اگر می‌خواست طلاق دهد پیش از آن که با او آمیزش نماید و یا طلاق ندهد و این همان عده‌ایست که خداوند در این گفته‌اش به آن امر کرده است که فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ﴾ «ای پیامبر، هرگاه طلاق گفتید زنان را پس طلاق‌شان گوئید برای عدهٔ آنان» یعنی برای این که عده‌شان درست حساب شود و در طهری که جماعی صورت نگرفته باشد طلاق دهید نه در حیض و فرمودهٔ پیامبر: «**فَإِنَّهَا الْعِدَّةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِهَا**» زیرا آن عده‌ایست که خدا آن را دستور داده: که آن را در دورهٔ پاکی بعد از حیض که مقاربت جنسی نکرده باشد طلاق گوید و بر آن دو شاهد عادل بگیرد و چون طلاق داد از وی در همان منزل نگهداری کند تا عده‌اش نزدیک به اتمام رسد سپس اگر رجوع کرد

خوب و اگر رجوع نکرد زن به مجرد پایان‌رسیدن عده به طرف خانوادهٔ خود بازگردد و می‌تواند با هر که بخواهد ازدواج کند.

راهنمائی‌هائی برای مربی:

1- حدیث را به طور واضح بخوان و شنوندگان آن را تکرار کنند تا حفظ شود.

2- شرح را جمله بجمله بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را توضیح ده تا دانسته شود.

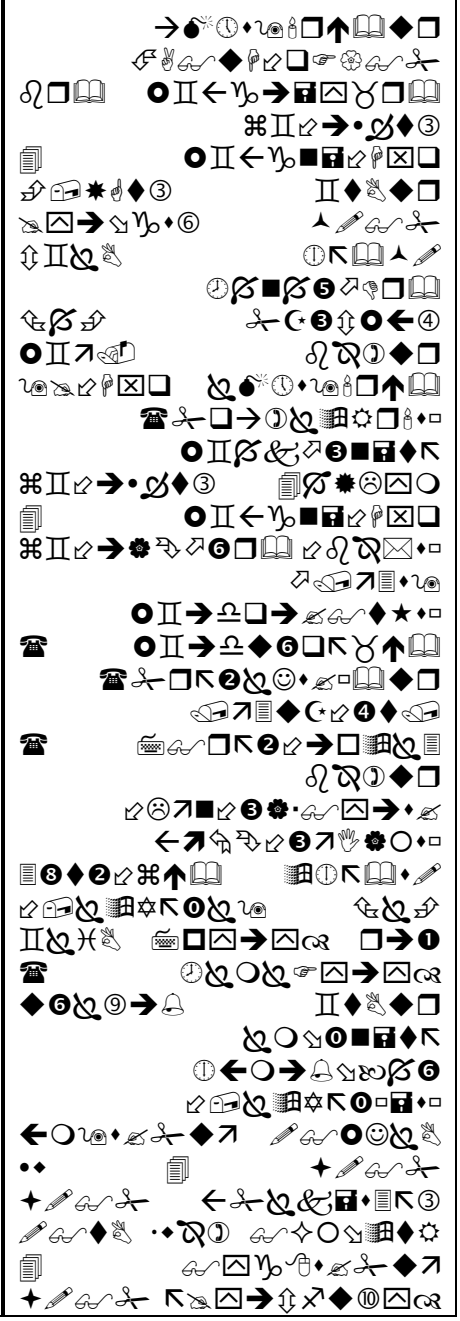
3- به ایشان بفهمان: که طلاق شرعی همان طلاق سنت است که خداوند تعلیم داده است و طلاق بدعی آنست که زن را در هنگام حیض یا طهری که با وی آمیزش کرده است طلاق دهد و یا سه طلاق را به یکبار بگوید.

4- به آن‌ها بفهمان: که طلاق بدعت را عدهٔ از اهل علم قبول ندارند و شوهر را بدان ملزم نمی‌دانند، ولی بیشتر دانشمندان شوهر را ملزم می‌شناسند و منشأ خلاف گفتهٔ پیامبر υ برای عمر τ است که فرمود: به پسرت بگو: تا به زنش رجوع کند یعنی طلاق واقع شده است و باید رجوع کند و مجدداً او را به عصمت نکاح خود درآورده و بر آن شاهد بگیرد یا مراد از رجعت این است که زن را دوباره به خانه‌اش آورده و طلاق را به تأخیر اندازد تا پاک شده و بعد حیض گردد و باز پاک شود و سپس وی را طلاق دهد و اگر طلاق اول واقع می‌شد چرا فرمود: سپس اگر خواست طلاقش دهد.

5- به ایشان بگو: که آنچه امروز در میان مسلمین جریان دارد طلاق‌های بدعت است که سبب آن جهل و نادانی و اعراض از قانون شرعی است و همانا لازم است که به سوی علم و عمل به شریعت بازگردیم تا از فتنه‌ها سالم بمانیم.

درس 13: آیهٔ عده زن حامله وضع حمل است

قول الله سبحانه:



فرمودهٔ خدای بزرگ:

(4) و زنان باردار عدهٔ شان آن است که بنهند بار خود را و هرکه بترسد خدا را قرار دهد خدا برای او از کار گشایشی (6) و اگر باشند باردارن پس نفقه کنید برایشان تا بنهند بار خود را پس اگر شیر دادند برای شما بپردازید بدیشان مزدهای ایشان را و بسازید با همدیگر به خوشی و اگر سخت باشد شما را زود است شیر دهد او را دیگری. (7) باید نفقه کند گشایشمند از گشایش خویش و آن که تنگ شده است بر او روزی پس باید بدهد از آنچه خدا داده است تکلیف نکند خدا کسی را به جز آنچه داده است او را زود است نهد خدا پس از تنگی گشایش.

	﴿ثُمَّ إِذَا شِئْتُمْ

[طلاق: 4-7]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿ثُمَّ إِذَا شِئْتُمْ در اینجا خداوند عدهٔ زن حامله را بیان کرده می‌فرماید: عدهٔ زن باردار نهادن بار اوست و چون زن مطلقه وضع حمل کند عده‌اش تمام می‌شود و همچنین زنی که شوهرش فوت کرده است، اگر حمل خود را بگذارد عده‌اش تمام است ﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ این وعده‌ایست که خداوند به بندگان مؤمنش وعده می‌دهد و می‌فرماید: هرکه در طلاق، عده یا رجوع تقوای خداوند را رعایت کند خداوند کارها را بر وی آسان کرده و در طلاق و یا رجوع خود زیان نمی‌بیند ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا﴾ یعنی اگر زنان در عدهٔ طلاق و یا عدهٔ وفات باردار باشند بر آن‌ها نفقه بدهید تا این که بار خود را بنهند این امر الزامی است، زیرا زنان متحمل مشقت و رنج بارداری هستند و پس از آن که وضع حمل شد و کودک از شیر مادر نوشید ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ﴾ ﴿وَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ﴾ اگر مادرها فرزند شما را شیر دادند، ﴿فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ پس مزدشان را بپردازید و اگر در مورد اجرة شیردادن باهم اختلاف کردید باید برای فرزند شیردهی دیگری بگیرد، البته پدر در پرداخت اجرة شیرده مکلف است. ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ﴾ تا آن که گشایش و توانایی مالی دارد لازم است که با وسعت نفقه بپردازد ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ﴾ وآن که تنگ دست است ﴿وَمَنْ قُدِرَ

﴿لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾، به اندازهٔ توان خود خرج کند ﴿وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ خداوند هیچ کسی را جز آنچه به وی داده از وسعت یا تنگی رزق مکلف نمی‌سازد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را یاد کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معانی آن‌ها را تفسیر کن تا شنوندگان بفهمند.

3- به آن‌ها بگو: که عدهٔ زن باردار وضع حمل او است و چون بار نهاد عده تمام می‌شود.

4- به آن‌ها بفهمان: که نفقهٔ زن مطلقه تا هنگام وضع حمل بر شوهر واجب است.

5- به آن‌ها بگو: که شیردادن کودک بر ذمهٔ پدر است و باید اجرة شیرده را بدهد اگر به اجرة شیر دهد.

6- به آن‌ها بگو: که مُزد شیرِده به اندازهٔ توان پدر است دارا و فقیر به اندازهٔ توان خود اجرة را بپردازند.

درس 14: حدیث داستان عده زن زبیر بن عوامτ

قول النبي صلى الله عليه وسلم: سَبَقَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ اخْطُبْهَا إِلَى نَفْسِهَا قَالَ هَذَا لِلزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ لَمَّا قَالَت امرأته أُمُّ كُلْثُومٍ بِنْتُ عُقْبَةَ وَهِيَ حَامِلٌ طَيِّبْ نَفْسِي بِتَطْلِيقَةٍ فَطَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلاَةِ وَرَجَعَ وَقَدْ وَضَعَتْ. فَقَالَ مَالَهَا خَدَعَتْنِي خَدَعَهَا اللَّهُ ثُمَّ أَتَى النَّبِيَّ –صلى الله عليه وسلم– فَقَالَ لَهُ النَّبِيَّ –صلى الله عليه وسلم– سَبَقَ الخ	سخن پیامبر ρ است که می‌فرماید: مدت معین کتاب «عده» گذشت او را از نزد خودش خواستگاری کن این داستان زبیر بن عوام است که زنش ام کلثوم بنت عقبه که حامله بود، برایش گفت: مرا به یک طلاق از خود خوشحال کن زبیر وی را به یک طلاق مطلقه کرد و برای نماز از خانه بیرون شد چون بازآمد زنش وضع حمل کرده بود، زبیر گفت: چقدر این زن فریبکار است و مرا فریب داد خداوند سزای فریبش را بدهد، پس نزد پیامبرρ آمد حکایت را باز گفت، پیامبر در جوابش فرمود: مدت معین عده سپری شد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: سخن پیامبر ρ: «**سَبَقَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ**» پیامبر ρ می‌فرماید: که مدت عدهٔ زن به وضع حمل سپری شده است، به دلیل فرمودهٔ خداوند: ﴿ → ⌘♊♑➔•♑♦③ ♌❒🕮 ♓♊←♑➔■♋♑❒☞❀ ♓♊←♑■■♋♑☒❑﴾ زنان باردار عده‌شان این است که حمل خود را بگذراند لذا برایت حق رجعت باقی نمانده زیرا وقت عده به وضع حمل تمام شده است «**فَاخْطُبْهَا إِلَى نَفْسِهَا**» وی را از خودش خواستگاری کن اگر به ازدواج با تو موافقت کرد می‌توانی او را به نکاحت درآوری و اگر موافقت نکرد نمی‌توانی. «**خَدَعَتْنِي**» این سخن زبیر است که می‌گوید: این زن مرا فریب داد، چون زن می‌دانست که به زودی وضع حمل می‌کند و شوهرش را اغفال کرده

و گفت: مرا به یک طلاق راحت کن و زبیرτ برای خوشی او یک طلاق داد و بعد به نماز رفت چون از ادای نماز بازگشت ناگهان متوجه شد که زن وضع حمل کرده است و عده‌اش تمام شده و زن برایش حلال نمی‌باشد مگر به عقد تازه و آنهم به این شرط که زن بیوه باید به ازدواج موافقت داشته باشد و گرنه عقد جدید بدون رضای زن صحیح نمی‌گردد و این سخن زبیرτ «**خَدَعَهَا اللَّهُ**» نفرین است بر زن که خداوند به مثل فریبی که شوهرش را داده سزا دهد، زیرا در نظر او این کار ناپسند بود اما کسی که ببخشد و صلح کند پاداش وی بر خداوند است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

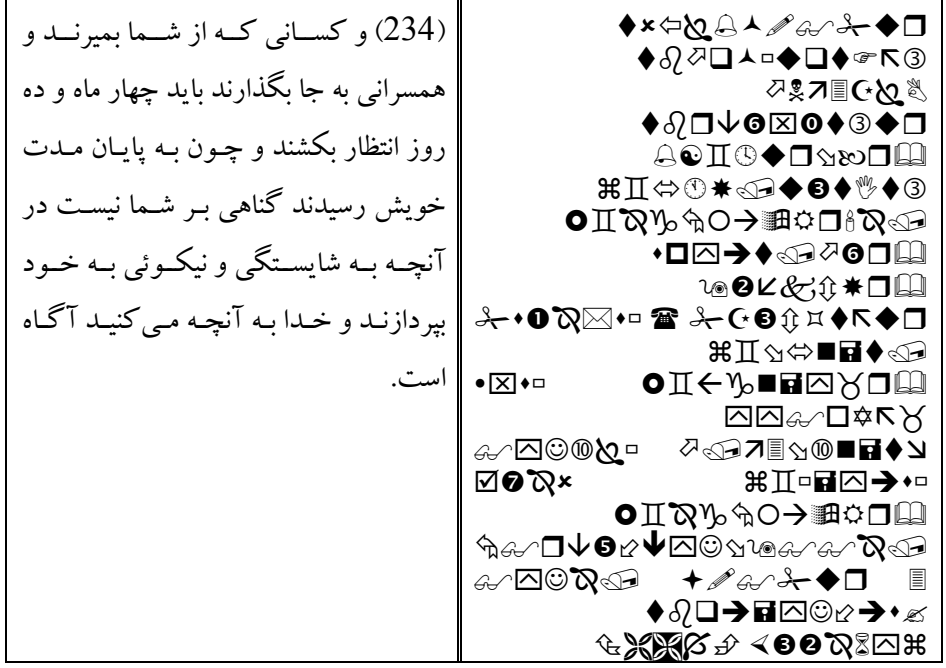
2-شرح را جمله جمله توضیح ده: تا شنوندگان آن را درک کنند.

3-به ایشان بفهمان: که عدهٔ زن باردار وضع حمل او است گرچه بین وضع حمل و طلاقش ساعتی پیش نباشد طوری که برای زن زبیر τ پیش آمد.

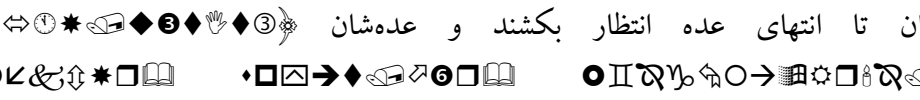
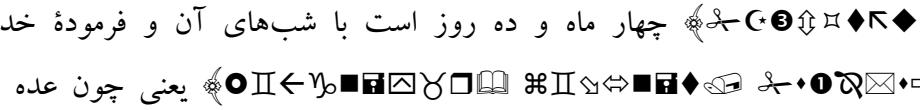
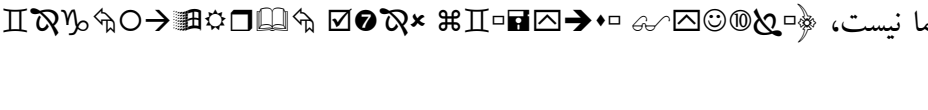
4-به آن‌ها بفهمان: که باید فرمان خداوند را اطاعت کنیم و در برابرش تسلیم شویم چنانچه زبیر τ تسلیم شد.

5-به آن‌ها بفهمان: که مظلوم حق دارد بر ظالم دعا کند و اگر صبر کرده و دعای بد نکند برایش بهتر است.

درس 15: آیهٔ عده وفات

قول الله عزوجل: 	سخن خداوند بزرگ که می‌فرماید: (234) و کسانی که از شما بمیرند و همسرانی به جا بگذارند باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند و چون به پایان مدت خویش رسیدند گناهی بر شما نیست در آنچه به شایستگی و نیکوئی به خود بپردازند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

[بقره: 234]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی مردانی از برادران مسلمان شما که خداوند ایشان را می‌میراند و همسرانی در عقب خود می‌گذارند، این زنان تا انتهای عده انتظار بکشند و عده‌شان ﴿  ﴾ چهار ماه و ده روز است با شب‌های آن و فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی چون عده را به آخر رسانیدند ﴿  ﴾ پس گناهی و حرجی بر شما نیست، ﴿  ﴾

در آنچه انجام می‌دهند از تجملات و آرایش و سرمه‌کشیدن و آمادگی برای پذیرفتن خواستگار ﴿ ﴾ معروف آنست: که شریعت آن را مجاز شمرده باشد و منکر نافرمانی خدا و پیامبرρ که در آن حرج و گناه است و فرمودهٔ خداوند: ﴿ ﴾، خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است، لذا از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید که احوال‌تان بر وی پوشیده نیست، پس مواظب باشید که به سبب نافرمانی به معصیت و عذابش گرفتار نشوید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را بخوان و تکرار کن و شنوندگان نیز تکرار کنند تا حفظ شود.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را توضیح ده: تا همگان بدانند.

3- به آن‌ها بگو: که عدهٔ وفات اگر زن حامله نباشد چهار ماه ده روز است و اگر حامله باشد عده‌اش وضع حملش می‌باشد و اگر بخواهد عدهٔ طولانی‌تر را بگذراند بهتر است.

4- به آن‌ها بگو: که ترک زینت برای زنیست که در وفات شوهر عده می‌گذراند و معنایش آنست که انواع زینت از قبیل سرمه، عطر، لباس فاخر و ابریشم را ترک کند.

5- آن‌ها را از سخن پیامبرρ آگاه کن: که در جواب کسی که گفت: آیا زن در عده سرمه می‌تواند بکشد؟ فرمود: سرمه نکشد و از دوران جاهلیت یاد کرده گفت: زن در بدترین جامه‌ها و بدترین خانه‌ها سپری می‌کرد و چون یک سال سپری می‌شد پس سگی می‌گذشت زن سرگینی میانداخت که این علامت انقضای عده‌اش بود. پس این کار را نکنید تا چهار ماه سپری شود.

درس 16: حدیث ابقاء زن معتده در خانه شوهر

قول النبي صلى الله عليه وآله وسلم: امْكُثِي فِي بَيْتِكِ الَّذِي جَاءَ فِيهِ نَعْيُ زَوْجِكِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ. فَقَالَتْ فَاعْتَدَدْتُ فِيهِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا. **وَقَوْل عَائِشَةَ رضي اللّه عنها: قَالَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ قَيْسٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُقْتَحَمَ عَلَيَّ. فَأَمَرَهَا أَنْ تَتَحَوَّلَ.**	سخن پیامبر ρ که برای زن معتده فرمودند: در همان خانه که خبر وفات شوهرت به تو رسیده است زندگی کن تا مدت عده سپری شود، آن زن گفت: در آن خانه چهار ماه و ده روز عده به سر بردم. و از عایشه ل روایت شده که فاطمه بنت قیس از پیامبرρ پرسید که ای رسول خدا! من می‌ترسم که در خانه‌ام کسی داخل شود و من در آن تنها باشم، پیامبرρ برایش امر کرد تا به منزلی دیگر جای بگیرد.

(صحیح ابن ماجه وغیره)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**امْكُثِي فِي بَيْتِكِ الَّذِي جَاءَ فِيهِ نَعْيُ زَوْجِكِ**» این سخن پیامبرρ است برای زنی که در عدهٔ وفات به سر می‌برد می‌فرماید: در همان خانهٔ که شوهرت وفات کرده اقامت کن و فرموده‌اش: «**حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ**» یعنی تا این که عدهٔ تو بگذرد و آن چهار ماه و ده روز است. زنی که در بارهٔ عده صحبت می‌کرد گفت: «**فَاعْتَدَدْتُ فِيهِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا**» چهار ماه و ده روز عده شمردم و از خانه بیرون نشدم و از عایشه ل روایت شده که فاطمه بنت قیس گفت: «**يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُقْتَحَمَ عَلَيَّ**» یعنی می‌ترسم کسی در منزلم داخل شود و من تنها باشم و مورد اذیت قرار بگیرم، پیامبرρ امر کرد تا به خانهٔ دیگری که امن باشد منتقل گردد و نظر به این حدیث هرگاه معتده بر نفس یا مالش ترس داشته باشد جواز دارد تا به خانهٔ دیگری که ایمن‌تر باشد اقامت نموده و عده بگذراند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

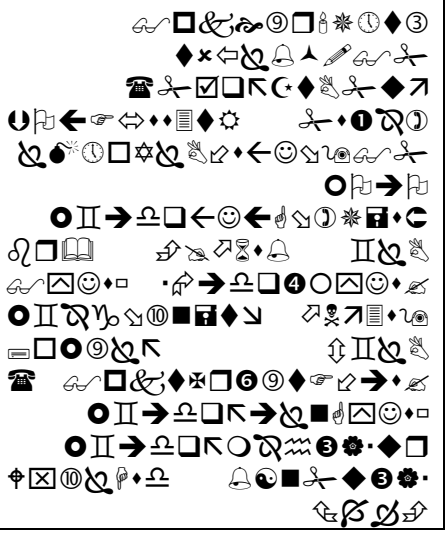
2-شرح را جمله جمله بخوان تا معانی پوشیدهٔ آن فهمیده شود.

3-به آن‌ها بگو: زنی که شوهرش وفات کرده واجب است بر او که عده‌اش را در آن خانه بگذراند که خبر مرگ شوهر را در آن شنیده باشد و بهتر آنست در آن خانه‌ای که شوهرش فوت کرده عده را بگذراند.

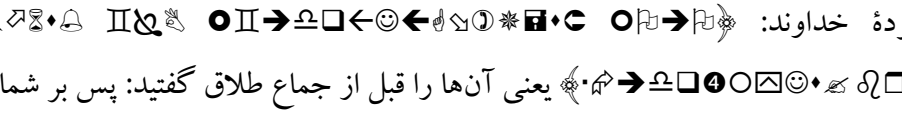
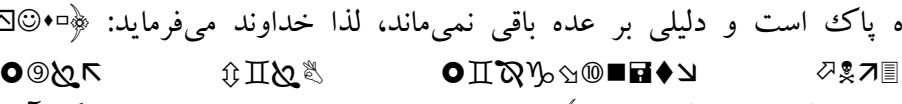
4-به آن‌ها بگو: که عدهٔ وفات چهار ماه و ده روز است و اگر زن حامله باشد عده‌اش به وضع حمل تمام می‌شود و اگر به شمارش ماه‌ها عده بگذراند بهتر و کامل‌تر است.

5-به آن‌ها بفهمان: که زن در هنگام عده نباید از خوشبوئی، سُرمه آرایش و زیورات استفاده کند و همچنین در مدت عده نمی‌تواند خواستگاران را بپذیرد.

درس 17: آیهٔ طلاق قبل از آمیزش جنسی

قول الله عزوجل:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(49) ای مؤمنان! هرگاه به نکاح گرفتید زنان مؤمنه را، سپس طلاق‌شان دادید پیش از این که بدیشان نزدیکی کنید، پس نیست شما را برایشان عده‌ای که در انتظارش بنشینید پس متعه بدیشان بدهید و رهائیشان کنید رهائی نیکو.

[احزاب: 49]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ: ﴿  ﴾ یعنی هرگاه زنان مؤمنه را نکاح گرفتید در اینجا به مؤمنه قید شده زیرا نکاح زنان کافره برای مسلمین جواز ندارد فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی آن‌ها را قبل از جماع طلاق گفتید: پس بر شما عده واجب نیست، زیرا عده از جهت پاکی رحم است و رحم زنی که به او آمیزش یا خلوت نشده پاک است و دلیلی بر عده باقی نمی‌ماند، لذا خداوند می‌فرماید: ﴿  ﴾ یعنی شما را بر این زنان حق عده نیست که آن را به انتظار بنشینید و فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی برای این نوع مطلقه‌های پیش از خلوت و جماع متعه بدهید. متعه چیزی است که برای زن داده شود مانند

لباس، پول نقد، مرکب و یا چیزی دیگر و دادن این متعه واجب است، زیرا اینگونه زنان مطلقه مهر ندارند و در هنگام عقد مهر تعیین نکرده اند، اما در صورتی که مهر تعیین شده باشد باید نصف آن برای زن پرداخت گردد، مگر این که زن ببخشد و از حق خود به رضا و رغبت گذشت کند ﴿❐◆❁❸❁·◆❐ㇰㇱㇲㇳㇴㇵㇶㇷㇸㇹㇺㇻㇼㇽㇾㇿ㈀㈁㈂㈃㈄㈅㈆㈇㈈㈉㈊㈋㈌㈍㈎㈏㈐㈑㈒㈓㈔㈕㈖㈗㈘㈙㈚㈛㈜㈝㈞㈠㈡㈢㈣㈤㈥㈦㈧㈨㈩㈪㈫㈬㈭㈮㈯㈰㈱㈲㈳㈴㈵㈶㈷㈸㈹㈺㈻㈼㈽㈾㈿㉀㉁㉂㉃㉄㉅㉆㉇㉐㉑㉒㉓㉔㉕㉖㉗㉘㉙㉚㉛㉜㉝㉞㉟㉠㉡㉢㉣㉤㉥㉦㉧㉨㉩㉪㉫㉬㉭㉮㉯㉰㉱㉲㉳㉴㉵㉶㉷㉸㉹㉺㉻㉼㉽㉾㉿㊀㊁㊂㊃㊄㊅㊆㊇㊈㊉㊊㊋㊌㊍㊎㊏㊐㊑㊒㊓㊔㊕㊖㊗㊘㊙㊚㊛㊜㊝㊞㊟㊠㊡㊢㊣㊤㊥㊦㊧㊨㊩㊪㊫㊬㊭㊮㊯㊰㊱㊲㊳㊴㊵㊶㊷㊸㊹㊺㊻㊼㊽㊾㊿㋀㋁㋂㋃㋄㋅㋆㋇㋈㋉㋊㋋㋌㋍㋎㋏㋐㋑㋒㋓㋔㋕㋖㋗㋘㋙㋚㋛㋜㋝㋞㋟㋠㋡㋢㋣㋤㋥㋦㋧㋨㋩㋪㋫㋬㋭㋮㋯㋰㋱㋲㋳㋴㋵㋶㋷㋸㋹㋺㋻㋼㋽㋾㋿㌀㌁㌂㌃㌄㌅㌆㌇㌈㌉㌊㌋㌌㌍㌎㌏㌐㌑㌒㌓㌔㌕㌖㌗㌘㌙㌚㌛㌜㌝㌞㌟㌠㌡㌢㌣㌤㌥㌦㌧㌨㌩㌪㌫㌬㌭㌮㌯㌰㌱㌲㌳㌴㌵㌶㌷㌸㌹㌺㌻㌼㌽㌾㌿㍀㍁㍂㍃㍄㍅㍆㍇㍈㍉㍊㍋㍌㍍㍎㍏㍐㍑㍒㍓㍔㍕㍖㍗㍘㍙㍚㍛㍜㍝㍞㍟㍠㍡㍢㍣㍤㍥㍦㍧㍨㍩㍪㍫㍬㍭㍮㍯㍰㍱㍲㍳㍴㍵㍶㍷㍸㍹㍺㍻㍼㍽㍾㍿㎀㎁㎂㎃㎄㎅㎆㎇㎈㎉㎊㎋㎌㎍㎎㎏㎐㎑㎒㎓㎔㎕㎖㎗㎘㎙㎚㎛㎜㎝㎞㎟㎠㎡㎢㎣㎤㎥㎦㎧㎨㎩㎪㎫㎬㎭㎮㎯㎰㎱㎲㎳㎴㎵㎶㎷㎸㎹㎺㎻㎼㎽㎾㎿㏀㏁㏂㏃㏄㏅㏆㏇㏈㏉㏊㏋㏌㏍㏎㏏㏐㏑㏒㏓㏔㏕㏖㏗㏘㏙㏚㏛㏜㏝㏞㏟㏠㏡㏢㏣㏤㏥㏦㏧㏨㏩㏪㏫㏬㏭㏮㏯㏰㏱㏲㏳㏴㏵㏶㏷㏸㏹㏺㏻㏼㏽㏾㏿㐀㐁㐂㐃㐄㐅㐆㐇㐈㐉㐊㐋㐌㐍㐎㐏㐐㐑㐒㐓㐔㐕㐖㐗㐘㐙㐚㐛㐜㐝㐞㐟㐠㐡㐢㐣㐤㐥㐦㐧㐨㐩㐪㐫㐬㐭㐮㐯㐰㐱㐲㐳㐴㐵㐶㐷㐸㐹㐺㐻㐼㐽㐾㐿㑀㑁㑂㑃㑄㑅㑆㑇㑈㑉㑊㑋㑌㑍㑎㑏㑐㑑㑒㑓㑔㑕㑖㑗㑘㑙㑚㑛㑜㑝㑞㑟㑠㑡㑢㑣㑤㑥㑦㑧㑨㑩㑪㑫㑬㑭㑮㑯㑰㑱㑲㑳㑴㑵㑶㑷㑸㑹㑺㑻㑼㑽㑾㑿㒀㒁㒂㒃㒄㒅㒆㒇㒈㒉㒊㒋㒌㒍㒎㒏㒐㒑㒒㒓㒔㒕㒖㒗㒘㒙㒚㒛㒜㒝㒞㒟㒠㒡㒢㒣㒤㒥㒦㒧㒨㒩㒪㒫㒬㒭㒮㒯㒰㒱㒲㒳㒴㒵㒶㒷㒸㒹㒺㒻㒼㒽㒾㒿㓀㓁㓂㓃㓄㓅㓆㓇㓈㓉㓊㓋㓌㓍㓎㓏㓐㓑㓒㓓㓔㓕㓖㓗㓘㓙㓚㓛㓜㓝㓞㓟㓠㓡㓢㓣㓤㓥㓦㓧㓨㓩㓪㓫㓬㓭㓮㓯㓰㓱㓲㓳㓴㓵㓶㓷㓸㓹㓺㓻㓼㓽㓾㓿㔀㔁㔂㔃㔄㔅㔆㔇㔈㔉㔊㔋㔌㔍㔎㔏㔐㔑㔒㔓㔔㔕㔖㔗㔘㔙㔚㔛㔜㔝㔞㔟㔠㔡㔢㔣㔤㔥㔦㔧㔨㔩㔪㔫㔬㔭㔮㔯㔰㔱㔲㔳㔴㔵㔶㔷㔸㔹㔺㔻㔼㔽㔾㔿㕀㕁㕂㕃㕄㕅㕆㕇㕈㕉㕊㕋㕌㕍㕎㕏㕐㕑㕒㕓㕔㕕㕖㕗㕘㕙㕚㕛㕜㕝㕞㕟㕠㕡㕢㕣㕤㕥㕦㕧㕨㕩㕪㕫㕬㕭㕮㕯㕰㕱㕲㕳㕴㕵㕶㕷㕸㕹㕺㕻㕼㕽㕾㕿㖀㖁㖂㖃㖄㖅㖆㖇㖈㖉㖊㖋㖌㖍㖎㖏㖐㖑㖒㖓㖔㖕㖖㖗㖘㖙㖚㖛㖜㖝㖞㖟㖠㖡㖢㖣㖤㖥㖦㖧㖨㖩㖪㖫㖬㖭㖮㖯㖰㖱㖲㖳㖴㖵㖶㖷㖸㖹㖺㖻㖼㖽㖾㖿㗀㗁㗂㗃㗄㗅㗆㗇㗈㗉㗊㗋㗌㗍㗎㗏㗐㗑㗒㗓㗔㗕㗖㗗㗘㗙㗚㗛㗜㗝㗞㗟㗠㗡㗢㗣㗤㗥㗦㗧㗨㗩㗪㗫㗬㗭㗮㗯㗰㗱㗲㗳㗴㗵㗶㗷㗸㗹㗺㗻㗼㗽㗾㗿㘀㘁㘂㘃㘄㘅㘆㘇㘈㘉㘊㘋㘌㘍㘎㘏㘐㘑㘒㘓㘔㘕㘖㘗㘘㘙㘚㘛㘜㘝㘞㘟㘠㘡㘢㘣㘤㘥㘦㘧㘨㘩㘪㘫㘬㘭㘮㘯㘰㘱㘲㘳㘴㘵㘶㘷㘸㘹㘺㘻㘼㘽㘾㘿㙀㙁㙂㙃㙄㙅㙆㙇㙈㙉㙊㙋㙌㙍㙎㙏㙐㙑㙒㙓㙔㙕㙖㙗㙘㙙㙚㙛㙜㙝㙞㙟㙠㙡㙢㙣㙤㙥㙦㙧㙨㙩㙪㙫㙬㙭㙮㙯㙰㙱㙲㙳㙴㙵㙶㙷㙸㙹㙺㙻㙼㙽㙾㙿㚀㚁㚂㚃㚄㚅㚆㚇㚈㚉㚊㚋㚌㚍㚎㚏㚐㚑㚒㚓㚔㚕㚖㚗㚘㚙㚚㚛㚜㚝㚞㚟㚠㚡㚢㚣㚤㚥㚦㚧㚨㚩㚪㚫㚬㚭㚮㚯㚰㚱㚲㚳㚴㚵㚶㚷㚸㚹㚺㚻㚼㚽㚾㚿㛀㛁㛂㛃㛄㛅㛆㛇㛈㛉㛊㛋㛌㛍㛎㛏㛐㛑㛒㛓㛔㛕㛖㛗㛘㛙㛚㛛㛜㛝㛞㛟㛠㛡㛢㛣㛤㛥㛦㛧㛨㛩㛪㛫㛬㛭㛮㛯㛰㛱㛲㛳㛴㛵㛶㛷㛸㛹㛺㛻㛼㛽㛾㛿㜀㜁㜂㜃㜄㜅㜆㜇㜈㜉㜊㜋㜌㜍㜎㜏㜐㜑㜒㜓㜔㜕㜖㜗㜘㜙㜚㜛㜜㜝㜞㜟㜠㜡㜢㜣㜤㜥㜦㜧㜨㜩㜪㜫㜬㜭㜮㜯㜰㜱㜲㜳㜴㜵㜶㜷㜸㜹㜺㜻㜼㜽㜾㜿㝀㝁㝂㝃㝄㝅㝆㝇㝈㝉㝊㝋㝌㝍㝎㝏㝐㝑㝒㝓㝔㝕㝖㝗㝘㝙㝚㝛㝜㝝㝞㝟㝠㝡㝢㝣㝤㝥㝦㝧㝨㝩㝪㝫㝬㝭㝮㝯㝰㝱㝲㝳㝴㝵㝶㝷㝸㝹㝺㝻㝼㝽㝾㝿㞀㞁㞂㞃㞄㞅㞆㞇㞈㞉㞊㞋㞌㞍㞎㞏㞐㞑㞒㞓㞔㞕㞖㞗㞘㞙㞚㞛㞜㞝㞞㞟㞠㞡㞢㞣㞤㞥㞦㞧㞨㞩㞪㞫㞬㞭㞮㞯㞰㞱㞲㞳㞴㞵㞶㞷㞸㞹㞺㞻㞼㞽㞾㞿㟀㟁㟂㟃㟄㟅㟆㟇㟈㟉㟊㟋㟌㟍㟎㟏㟐㟑㟒㟓㟔㟕㟖㟗㟘㟙㟚㟛㟜㟝㟞㟟㟠㟡㟢㟣㟤㟥㟦㟧㟨㟩㟪㟫㟬㟭㟮㟯㟰㟱㟲㟳㟴㟵㟶㟷㟸㟹㟺㟻㟼㟽㟾㟿㠀㠁㠂㠃㠄㠅㠆㠇㠈㠉㠊㠋㠌㠍㠎㠏㠐㠑㠒㠓㠔㠕㠖㠗㠘㠙㠚㠛㠜㠝㠞㠟㠠㠡㠢㠣㠤㠥㠦㠧㠨㠩㠪㠫㠬㠭㠮㠯㠰㠱㠲㠳㠴㠵㠶㠷㠸㠹㠺㠻㠼㠽㠾㠿㡀㡁㡂㡃㡄㡅㡆㡇㡈㡉㡊㡋㡌㡍㡎㡏㡐㡑㡒㡓㡔㡕㡖㡗㡘㡙㡚㡛㡜㡝㡞㡟㡠㡡㡢㡣㡤㡥㡦㡧㡨㡩㡪㡫㡬㡭㡮㡯㡰㡱㡲㡳㡴㡵㡶㡷㡸㡹㡺㡻㡼㡽㡾㡿㢀㢁㢂㢃㢄㢅㢆㢇㢈㢉㢊㢋㢌㢍㢎㢏㢐㢑㢒㢓㢔㢕㢖㢗㢘㢙㢚㢛㢜㢝㢞㢟㢠㢡㢢㢣㢤㢥㢦㢧㢨㢩㢪㢫㢬㢭㢮㢯㢰㢱㢲㢳㢴㢵㢶㢷㢸㢹㢺㢻㢼㢽㢾㢿㣀㣁㣂㣃㣄㣅㣆㣇㣈㣉㣊㣋㣌㣍㣎㣏㣐㣑㣒㣓㣔㣕㣖㣗㣘㣙㣚㣛㣜㣝㣞㣟㣠㣡㣢㣣㣤㣥㣦㣧㣨㣩㣪㣫㣬㣭㣮㣯㣰㣱㣲㣳㣴㣵㣶㣷㣸㣹㣺㣻㣼㣽㣾㣿㤀㤁㤂㤃㤄㤅㤆㤇㤈㤉㤊㤋㤌㤍㤎㤏㤐㤑㤒㤓㤔㤕㤖㤗㤘㤙㤚㤛㤜㤝㤞㤟㤠㤡㤢㤣㤤㤥㤦㤧㤨㤩㤪㤫㤬㤭㤮㤯㤰㤱㤲㤳㤴㤵㤶㤷㤸㤹㤺㤻㤼㤽㤾㤿㥀㥁㥂㥃㥄㥅㥆㥇㥈㥉㥊㥋㥌㥍㥎㥏㥐㥑㥒㥓㥔㥕㥖㥗㥘㥙㥚㥛㥜㥝㥞㥟㥠㥡㥢㥣㥤㥥㥦㥧㥨㥩㥪㥫㥬㥭㥮㥯㥰㥱㥲㥳㥴㥵㥶㥷㥸㥹㥺㥻㥼㥽㥾㥿㦀㦁㦂㦃㦄㦅㦆㦇㦈㦉㦊㦋㦌㦍㦎㦏㦐㦑㦒㦓㦔㦕㦖㦗㦘㦙㦚㦛㦜㦝㦞㦟㦠㦡㦢㦣㦤㦥㦦㦧㦨㦩㦪㦫㦬㦭㦮㦯㦰㦱㦲㦳㦴㦵㦶㦷㦸㦹㦺㦻㦼㦽㦾㦿㧀㧁㧂㧃㧄㧅㧆㧇㧈㧉㧊㧋㧌㧍㧎㧏㧐㧑㧒㧓㧔㧕㧖㧗㧘㧙㧚㧛㧜㧝㧞㧟㧠㧡㧢㧣㧤㧥㧦㧧㧨㧩㧪㧫㧬㧭㧮㧯㧰㧱㧲㧳㧴㧵㧶㧷㧸㧹㧺㧻㧼㧽㧾㧿㨀㨁㨂㨃㨄㨅㨆㨇㨈㨉㨊㨋㨌㨍㨎㨏㨐㨑㨒㨓㨔㨕㨖㨗㨘㨙㨚㨛㨜㨝㨞㨟㨠㨡㨢㨣㨤㨥㨦㨧㨨㨩㨪㨫㨬㨭㨮㨯㨰㨱㨲㨳㨴㨵㨶㨷㨸㨹㨺㨻㨼㨽㨾㨿㩀㩁㩂㩃㩄㩅㩆㩇㩈㩉㩊㩋㩌㩍㩎㩏㩐㩑㩒㩓㩔㩕㩖㩗㩘㩙㩚㩛㩜㩝㩞㩟㩠㩡㩢㩣㩤㩥㩦㩧㩨㩩㩪㩫㩬㩭㩮㩯㩰㩱㩲㩳㩴㩵㩶㩷㩸㩹㩺㩻㩼㩽㩾㩿㪀㪁㪂㪃㪄㪅㪆㪇㪈㪉㪊㪋㪌㪍㪎㪏㪐㪑㪒㪓㪔㪕㪖㪗㪘㪙㪚㪛㪜㪝㪞㪟㪠㪡㪢㪣㪤㪥㪦㪧㪨㪩㪪㪫㪬㪭㪮㪯㪰㪱㪲㪳㪴㪵㪶㪷㪸㪹㪺㪻㪼㪽㪾㪿㫀㫁㫂㫃㫄㫅㫆㫇㫈㫉㫊㫋㫌㫍㫎㫏㫐㫑㫒㫓㫔㫕㫖㫗㫘㫙㫚㫛㫜㫝㫞㫟㫠㫡㫢㫣㫤㫥㫦㫧㫨㫩㫪㫫㫬㫭㫮㫯㫰㫱㫲㫳㫴㫵㫶㫷㫸㫹㫺㫻㫼㫽㫾㫿㬀㬁㬂㬃㬄㬅㬆㬇㬈㬉㬊㬋㬌㬍㬎㬏㬐㬑㬒㬓㬔㬕㬖㬗㬘㬙㬚㬛㬜㬝㬞㬟㬠㬡㬢㬣㬤㬥㬦㬧㬨㬩㬪㬫㬬㬭㬮㬯㬰㬱㬲㬳㬴㬵㬶㬷㬸㬹㬺㬻㬼㬽㬾㬿㭀㭁㭂㭃㭄㭅㭆㭇㭈㭉㭊㭋㭌㭍㭎㭏㭐㭑㭒㭓㭔㭕㭖㭗㭘㭙㭚㭛㭜㭝㭞㭟㭠㭡㭢㭣㭤㭥㭦㭧㭨㭩㭪㭫㭬㭭㭮㭯㭰㭱㭲㭳㭴㭵㭶㭷㭸㭹㭺㭻㭼㭽㭾㭿㮀㮁㮂㮃㮄㮅㮆㮇㮈㮉㮊㮋㮌㮍㮎㮏㮐㮑㮒㮓㮔㮕㮖㮗㮘㮙㮚㮛㮜㮝㮞㮟㮠㮡㮢㮣㮤㮥㮦㮧㮨㮩㮪㮫㮬㮭㮮㮯㮰㮱㮲㮳㮴㮵㮶㮷㮸㮹㮺㮻㮼㮽㮾㮿㯀㯁㯂㯃㯄㯅㯆㯇㯈㯉㯊㯋㯌㯍㯎㯏㯐㯑㯒㯓㯔㯕㯖㯗㯘㯙㯚㯛㯜㯝㯞㯟㯠㯡㯢㯣㯤㯥㯦㯧㯨㯩㯪㯫㯬㯭㯮㯯㯰㯱㯲㯳㯴㯵㯶㯷㯸㯹㯺㯻㯼㯽㯾㯿㰀㰁㰂㰃㰄㰅㰆㰇㰈㰉㰊㰋㰌㰍㰎㰏㰐㰑㰒㰓㰔㰕㰖㰗㰘㰙㰚㰛㰜㰝㰞㰟㰠㰡㰢㰣㰤㰥㰦㰧㰨㰩㰪㰫㰬㰭㰮㰯㰰㰱㰲㰳㰴㰵㰶㰷㰸㰹㰺㰻㰼㰽㰾㰿㱀㱁㱂㱃㱄㱅㱆㱇㱈㱉㱊㱋㱌㱍㱎㱏㱐㱑㱒㱓㱔㱕㱖㱗㱘㱙㱚㱛㱜㱝㱞㱟㱠㱡㱢㱣㱤㱥㱦㱧㱨㱩㱪㱫㱬㱭㱮㱯㱰㱱㱲㱳㱴㱵㱶㱷㱸㱹㱺㱻㱼㱽㱾㱿㲀㲁㲂㲃㲄㲅㲆㲇㲈㲉㲊㲋㲌㲍㲎㲏㲐㲑㲒㲓㲔㲕㲖㲗㲘㲙㲚㲛㲜㲝㲞㲟㲠㲡㲢㲣㲤㲥㲦㲧㲨㲩㲪㲫㲬㲭㲮㲯㲰㲱㲲㲳㲴㲵㲶㲷㲸㲹㲺㲻㲼㲽㲾㲿㳀㳁㳂㳃㳄㳅㳆㳇㳈㳉㳊㳋㳌㳍㳎㳏㳐㳑㳒㳓㳔㳕㳖㳗㳘㳙㳚㳛㳜㳝㳞㳟㳠㳡㳢㳣㳤㳥㳦㳧㳨㳩㳪㳫㳬㳭㳮㳯㳰㳱㳲㳳㳴㳵㳶㳷㳸㳹㳺㳻㳼㳽㳾㳿㴀㴁㴂㴃㴄㴅㴆㴇㴈㴉㴊㴋㴌㴍㴎㴏㴐㴑㴒㴓㴔㴕㴖㴗㴘㴙㴚㴛㴜㴝㴞㴟㴠㴡㴢㴣㴤㴥㴦㴧㴨㴩㴪㴫㴬㴭㴮㴯㴰㴱㴲㴳㴴㴵㴶㴷㴸㴹㴺㴻㴼㴽㴾㴿㵀㵁㵂㵃㵄㵅㵆㵇㵈㵉㵊㵋㵌㵍㵎㵏㵐㵑㵒㵓㵔㵕㵖㵗㵘㵙㵚㵛㵜㵝㵞㵟㵠㵡㵢㵣㵤㵥㵦㵧㵨㵩㵪㵫㵬㵭㵮㵯㵰㵱㵲㵳㵴㵵㵶㵷㵸㵹㵺㵻㵼㵽㵾㵿㶀㶁㶂㶃㶄㶅㶆㶇㶈㶉㶊㶋㶌㶍㶎㶏㶐㶑㶒㶓㶔㶕㶖㶗㶘㶙㶚㶛㶜㶝㶞㶟㶠㶡㶢㶣㶤㶥㶦㶧㶨㶩㶪㶫㶬㶭㶮㶯㶰㶱㶲㶳㶴㶵㶶㶷㶸㶹㶺㶻㶼㶽㶾㶿㷀㷁㷂㷃㷄㷅㷆㷇㷈㷉㷊㷋㷌㷍㷎㷏㷐㷑㷒㷓㷔㷕㷖㷗㷘㷙㷚㷛㷜㷝㷞㷟㷠㷡㷢㷣㷤㷥㷦㷧㷨㷩㷪㷫㷬㷭㷮㷯㷰㷱㷲㷳㷴㷵㷶㷷㷸㷹㷺㷻㷼㷽㷾㷿㸀㸁㸂㸃㸄㸅㸆㸇㸈㸉㸊㸋㸌㸍㸎㸏㸐㸑

درس 18: حدیث اقدام پیامبر به طلاق یکی از همسران

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لَقَدْ عُذْتِ بِمَعَاذٍ، قَالَ هَذَا لِزَوجِهِ عَمْرَةَ بِنْتَ الْجَوْنِ لمَاَّ تَعَوَّذَتْ مِنْ رَسُول اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ أُدْخِلَتْ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهَا: لَقَدْ عُذْتِ بِمُعَاذٍ فَطَلَّقَهَا وَأَمَرَ أُسَيداً أَنْ يُجَهِّزَهَا وَيَكْسوهَا ثَوْبَينِ وَيُلْحِقَهَا أَهْلَهَا.	فرمودۀ پیامبر ρ: تو به پناهگاهی بزرگ پناه بُردی، این (سخن را) برای همسرش عمره بنت جون گفت که او را در شب عروسی نزد پیامبر ρ آوردند و او گفت: از تو به خدا پناه می‌برم. پیامبر فرمود: تو به پناهگاهی بزرگ پناه بردی، بعد او را طلاق داد و برای اسید امر فرمود: تا دو جامه برایش بدهد و آمادۀ سفر کند و او را به خانواده‌اش برساند.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**لَقَدْ عُذْتِ بِمَعَاذٍ**» یعنی به پناهگاهی بزرگ پناه بردی که مراد, خداوند است این سخن را برای زوجه‌اش عمرة بنت جون گفت، زیرا وقتی که او را در شب عروسی نزد پیامبرρ آوردند بر زبان آورد «**اعوذ بالله منک**» از تو به خدا پناه می‌برم، و علتش این بود که پیامبر ρ برایش فرمود: که نفست را به من هبه کن، او گفت: آیا ملکه نفس خود را برای شخص بازاری می‌بخشد، پیامبرρ می‌خواست تا با دستش او را نوازش کرده و آرام کند، او گفت: به خداوند پناه می‌برم از تو پس پیامبرρ قبل از این که دستش به وی رسد طلاقش داد و چون برایش مهری تعیین نکرده بود برای وی چیزی به طور مهریه نداد، بلکه متعه داد و برای اسید فرمود: که او را برای سفر آماده کن و دو جامه بر وی بپوشان تا به خانواده‌اش برسانی اسید τ هم دستور پیامبر ρ را اجرا کرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را واضح بخوان و شنوندگان همراهتان بخوانند.

2- شرح را به خوبی بخوان و لغات مفرد را معنی کن و اجمال آن را تفصیل ده.

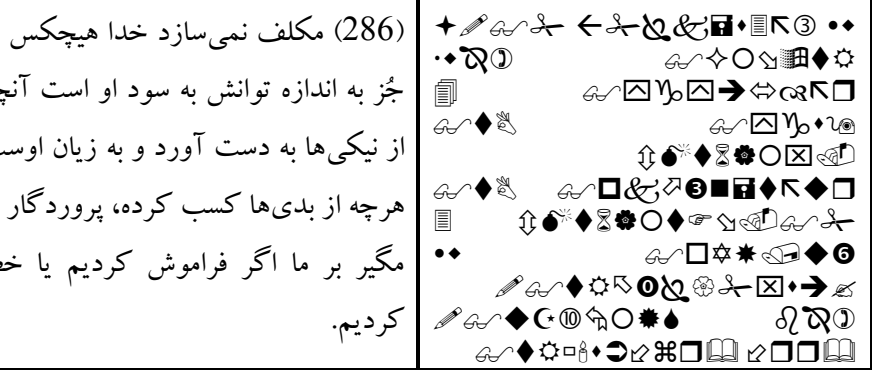
3- به آن‌ها بفهمان: که پناه‌گرفتن را قبول کنند یعنی کسی که به خداوند پناه می‌برد باید از وی قبول کنند، زیرا این کار حکم سؤال به نام خداوند را دارد که درین هنگام باید خواستهٔ او داده شود، مگر این که آن چیز در قدرتش نبوده یا موجود نباشد.

4- به آن‌ها بفهمان: که دادن متعه برای مطلقه غیر مدخوله یعنی زنی که با او هم‌خوابی نشده واجب است، حتی برای مطلقهٔ که برایش مهری تعیین نشده است.

5- به آن‌ها بفهمان: که متعه‌دادن برای زن مطلقه مستحب است اگر مدخوله باشد زیرا خداوند می‌فرماید: برای زنان مطلقه دادن متعه به طور شایسته لازم است این بر مردم پرهیزگار ثابت است.

6- به آن‌ها بفهمان: که امروز مسلمانان از دادن متعه به زن مطلقه غفلت دارند در حالی که قرآن بدان حکم کرده است. ﴿وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (البقره: 241). «و برای زنان مطلقه، بهره‌ی مناسبی است که بر عهده‌ی مردان پرهیزکار است».

درس 19: آیهٔ تکلیف به اندازه توان است

قوله سبحانه وتعالی:	سخن خدای پاک و بزرگ:
	(286) مکلف نمی‌سازد خدا هیچکس را جُز به اندازه توانش به سود او است آنچه از نیکی‌ها به دست آورد و به زیان اوست هرچه از بدی‌ها کسب کرده، پروردگار ما مگیر بر ما اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم.

[بقره: 286]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  خداوند خبر می‌دهد موجودی را که نفس داشته باشد «مراد انسان مسلمان است» جز به اندازهٔ توانش مکلف نمی‌کند، چه آن تکلیف عقیدتی باشد یا قولی و عملی و این لطف و رحمت خداوند است بر بندگان مؤمنش. مراد از (وسع) در اینجا توانایی و قدرت برداشتن تکلیف است. مسلم از ابن عباس‌ب روایت می‌کند, چون آیت:  (البقره: 284). نازل شد یعنی «اگر آنچه در نفس شما است بپوشید و یا آشکار کنید خداوند شما را به آن مورد محاسبه قرار می‌دهد» اصحاب از نزول این آیه احساس دشواری کرده و نزد پیامبرρ شکایت کردند، آن حضرت ρ فرمودند: بگویید:  (البقره: 285). «فرمان پروردگار را شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! ما خواهان آمرزشت هستیم و بازگشت به سوی توست»، وقتی چنان گفتند: خداوند این آیه را نازل

فرمود: ﴿ ③ ← ✦ ۞ ﴾ یعنی آن که اعمال صالح و کاری نیکو انجام دهد بر آن عمل پاداش و ثواب داده می‌شود و آن که کاری شر و گناه انجام دهد مورد بازپرس قرار گرفته و جزا داده می‌شود مگر که خداوند بر وی ببخشاید و او بخشنده و مهربان است، سپس خداوند به ایشان آنچه را که لازم است بگویند: تعلیم می‌دهد و می‌فرماید بگوئید ﴿ ❻ ❶ ﴾: و چون این کلمات را از روی یقین گفتند، خداوند فرمود: آنچه خواست شماست برآوردم و بازخواست از سهو و نسیان را از دوش شما برداشت.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا بدانی که شنوندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح را بخوان و آنچه که پوشیده است توضیح کن: تا فهمیده شود.

3- ایشان را از گذشت و عفو خداوند در کاری که انجامش از توان و قدرت بنده نباشد آگاه کن چون خداوند می‌فرماید: ﴿ ③ ← ✦ ۞ ﴾ «خدا نفسی را جز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌دهد».

4- به آن‌ها بفهمان: که خداوند بازخواست از کاری را که به فراموشی و خطا انجام گیرد نظر به این آیه: ﴿ ❻ ❶ ﴾ برداشته است. مثال خطا آن که تیری به سوی آهوی پرتاب شود و به انسانی تصادف می‌کند و مثال نسیان آن که روزه‌داری به فراموشی می‌خورد یا می‌آشامد که با این کردار بازخواست نمی‌شود.

5-به ایشان بفهمان: که مسلمان باید خود را برای تکالیف و اوامر خدا و رسول آماده کند چه آن تکلیف عقیدتی باشد یا عملی یا زبانی سپس اگر قدرت بر انجام آن پیدا کرد چه خوب و اگر نتوانست بر او حرجی نیست، زیرا تکلیف به اندازهٔ توان است.

درس 20: حدیث خطاء و نسیان مؤاخذه ندارد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي عَمَّا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ أَوْ تَكَلَّمْ. وَقَوْله: إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَقَوْله: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلاَثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبَرَ – وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ أَوْ يُفِيقَ.	سخن پیامبرρ که فرمود: همانا خداوند به جهت احسان که به من دارد از امتم بدانچه نفس‌های‌شان سخن گوید گذشت کرده است تا وقتی که آن را به کار نبندند و یا نزد کسی نگویند و نیز می‌فرماید: از کاری که امتانم به خطا و یا فراموشی انجام دهند و یا کسی آن‌ها را به کاری جبراً وادار کند گذشت کرده است. و نیز فرموده است: قلم بازخواست از سه کس برداشته شده است: از خوابیده تا بیدار شود، از کودک تا بزرگ شود و از دیوانه تا عاقل شود و به هوش آید.

(سنن ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبرρ: «**إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي عَمَّا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ أَوْ تَكَلَّمْ**» این حدیث خبر از احسان بزرگی که خداوند به امت محمد ρ کرده است حکایت می‌کند که خداوند مسلمان را به وسوسهٔ که در نفسش پیدا شود بازخواست نمی‌کند، تا آنگاه که به وسوسهٔ نفس عمل نکند و یا آن را به زبان نیاورد، ولی هنگامی که به آن عمل کرد و یا آن را به زبان آورد و یا نزد کسی گفت: درین حالت است که مورد بازخواست قرار می‌گیرد چه او می‌توانست که آن را عملی نکند و یا آن را به زبان نیاورد و چون آن را عملی کرده مستحق مجازات در حال و یا آینده شناخته می‌شود و این فرمودهٔ پیامبرρ: «**إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ**» این الطاف و انعام دیگریست بر مؤمنان

که خداوند آن‌ها را در سه حالت بازخواست نمی‌کند: 1- بر خطاء. 2- فراموشی. 3- حالت اکراه و اکراه آنست: که شخص ظالم, مسلمانی را به سخن حرام یا کار حرام و یا ترک واجبی مجبور نماید. و فرمودۀ پیامبرρ: «**رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلاَثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبَرَ – وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ**». قلم از سه کس برداشته شده است از خوابیده تا بیدار شود، از کودک تا بزرگ گردد، از دیوانه تا عاقل شود پس کسی که زنش را جبراً طلاق دهد طلاقش واقع نمی‌شود، و آن که جبراً وادار شود تا شخصی را بکشد مؤاخذه نمی‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و تکرار کن تا بدانی که آن را شنوندگان حفظ کرده اند.

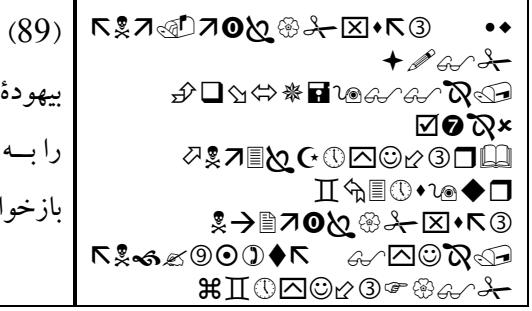
2- شرح را بخوان و به هر جمله توقف کرده و معنای آن را توضیح داده و بیان کن تا خوب فهمیده شود.

3- از فضل و احسان خداوندی بر مسلمین یادآوری کن: که در خور شکرگذاری است همانا لازم است از شکر نعمت غفلت نورزیم.

4- به آن‌ها بگو: که به وسوسه طلاق نمی‌شود همچنانکه طلاق مکره واقع نمی‌شود و این احسان خداوندیست.

5- به آن‌ها بگو: که از اطفال قلم مؤاخذه برداشته شده در هفت سالگی به نماز امر شده و به ده سالگی و سال های بالاتر از آن برای نماز زده شود و اگر بزرگ شد و نماز نخواند بر وی حد تارک الصلوة جاری شود.

درس 21: آیه سوگند لغو

قول الله جل جلاله:	فرمودۀ خداوند بزرگ:
	(89) خداونـد شـما را بـه سـوگندهای بیهودۀتان بازخواست نمی‌کند و لیکن شما را بـه سـوگندانی کـه بـدل بسـته ایـد بازخواست می‌کند.

[مائده: 89]

شرح: فرمودۀ خدای بزرگ:  سوگند لغو دوگونه است یکی این که بر چیزی سوگند می‌خورد و عقیده دارد که چنین است، ولی عکس گمان و سوگندش آشکار می‌شود، مثلاً از تو چیزی خواسته می‌شود، می‌گوئی ندارم و او سؤالش را تکرار می‌کند تو سوگند می‌خوری که موجود نیست بعد که به خانه‌ات می‌آئی و یا جیبت را جستجو می‌کنی، آن را می‌یابی این سوگند را لغو گویند که نه کفاره دارد و نه گناهی بر آن مرتب می‌گردد. دوم این که به زبان خود می‌گوئی: آری به خدا و یا نه به خدا که ارادۀ سوگند را نداشته باشی ولی نام خدا به زبانت جاری می‌شود، این سوگند هم لغو است که در آیت شریفه ذکر شده است که خداوند شما را به سوگندهای لغوتان بازخواست نمی‌کند و این فرمودۀ خداوند:  یعنی وقتی که به زبان، سوگند یاد کردید و بدل نیز قصد انجام کاری یا ترک آن را داشتید و سپس حانث شدید خداوند شما را به آن مؤاخذه می‌کند مگر شما فراموش کردید یا خود را به نادانی می‌زنید که اگر خداوند شما را قدرت ندهد کاری انجام داده نمی‌توانید و اگر انشاء الله می‌گفتید:

خداوند شما را به آن نمی‌گرفت ولی شیطان شما را از گفتن کلمهٔ استثناء بازداشت که آن را نگفتید: لذا حانث شدید و مؤاخذه و بازخواست شما لازم گردید و مؤاخذه جز با ادای کفاره و توبه شما ساقط نمی‌گردد. و سوگندی که کفاره دارد دو گونه است اول چنین است که قصداً بگوید: والله یا بالله یا تا الله این کار را نمی‌کنم بعداً آن کار را می‌کند و خود را حانث می‌گرداند. صورت دوم این که قصداً بگوید، والله، بالله، تالله این کار را می‌کنم بعداً نتواند آن کار را انجام دهد حانث گردیده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را لازم است توضیح ده: تا شنوندگان آن را بفهمند.

3- آگاه‌شان گردان: که در اینجا قسم دیگری نیز هست که آن را سوگند غموس می‌گویند و آن سوگندی است که صاحب آن در گناه غوطه می‌خورد و در آتش دوزخ داخل می‌شود و آن سوگندی است که به دروغ سوگند یاد کند تا به وسیلهٔ آن مال مسلمانی را تصاحب کند مثلاً تاجری می‌گوید: به خدا سوگند که این مال را به فلان قیمت گرفته‌ام و برادر مسلمان گفته‌اش را تصدیق کرده و به آن قیمت دروغی از وی خریداری می‌کند و یا برای طرف معاملهٔ خود قسم می‌خورد که به خدا طلب مرا نپرداخته‌ای و در سوگند خود دروغگو باشد همین قسم است که عدهٔ از اهل علم می‌گویند: که جبران و کفاره نمی‌شود مگر این که حق طرف را اداء کند و عده‌ای می‌گویند: که این سوگند نیز مانند دیگر سوگندها به کفاره ساقط می‌شود.

درس 22: حدیث سوگند به نام بت‌ها

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِي يَمِينِهِ بِاللاَّتِ وَالْعُزَّى فَلْيَقُلْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ.	پیامبر خدا ρ می‌فرماید: کسی که سوگند یاد کند و در قسم خود نام لات و عزی را بیاورد پس باید لا اله الا الله بگوید.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِي يَمِينِهِ بِاللاَّتِ وَالْعُزَّى**» این در ابتدای اسلام بود که مردم روزگار درازی در جاهلیت سپری کرده بودند و به نام لات و عزی و منات سوگند یاد می‌کردند و این بت‌ها را به گمان خود برای تقرب به خداوند تعظیم می‌کردند که از اعتقادات باطل جاهلیت بود و هرگاه شخصی اسلام آورده و به دین خدا داخل می‌شد و در موردی می‌خواست سوگند خورد بی‌اختیار نام لات و عزی و یا یکی دیگر از خدایان باطل بر زبانش جاری می‌شد چون این لغزش‌های زبانی را پیامبر ρ در بعضی از افراد تازه مسلمان مشاهده فرمودند و برای جبران و حل آن راه سالم و آسانی را پیشنهاد کرده که بعد از سوگند به نام یکی از بُتان، کلمهٔ توحید لا اله الا الله را بر زبان آورد تا کلمهٔ برحق توحید جملهٔ باطل شرک را کفاره کند.

و در حدیثی به روایت مسلم آمده است: «**من قال لأخيه تعال أقامرک فليتصدق**»: «کسی که برای برادرش بگوید: بیا تا باهم قماربازی کنیم، باید صدقه بدهد»، زیرا مردم، روزگاری از عمر خود را در مکه به قماربازی سپری کرده بودند و بر زبان آن‌ها بدون قصد جاری می‌شد که بیائید تا باهم قماربازی کنیم، لذا آن که چنین سخنی بگوید: باید صدقه بدهد. چه زیاد باشد یا اندک و این صدقه کفارهٔ سخنش که دعوت به قماربازی حرام است خواهد بود.

ارشادات برای مربی:

1- حدیث را به طور واضح بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

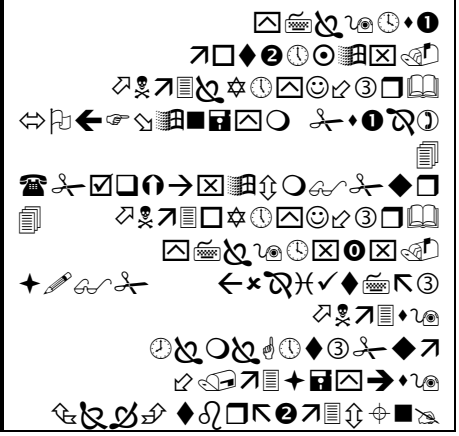
2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم به توضیح است توضیح ده تا دانسته شود.

3- به آن‌ها بگو: سوگند به نام غیر خدا شرک به حساب می‌رود، نظر به حدیثی که ترمذی از پیامبر ρ روایت کرده: «هرکس به نام غیر خدا سوگند یاد کند همانا شرک آورده است».

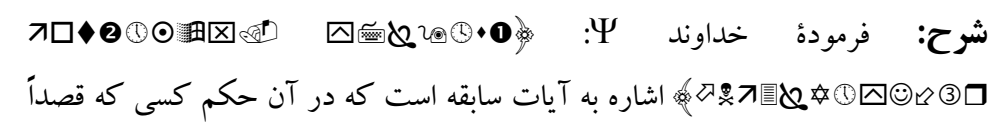
4- به ایشان بفهمان: که قسم به نام غیر خدا مانند سوگند به پیامبر یا به فرزند یا بسر تو یا به حق فلانی جواز ندارد و در آن حال بر مسلمان لازم است تا کلمهٔ توحید لا اله الا الله را بر زبان آورد تا عمل زشت خود را به کار شایستهٔ جبران کرده باشد.

5- ایشان را از سوگند غموس بترسان، زیرا صاحب آن یکی از سه نفری است که خداوند بروز قیامت به ایشان به نظر رحمت نمی‌بیند و آن‌ها را پاک نمی‌گرداند و برای‌شان غذاب دردناک است و سوگند غموس سوگند «فاجر» است که به وسیلهٔ آن حق برادر مسلمان خود را می‌گیرد.

درس 23: آیهٔ کفاره سوگند

قول الله تعالی: 	فرمودهٔ خدای بزرگ: (89) این کفاره سوگندهای شما است، هنگامی که سوگند خوردید و حفظ کنید سوگندان خویش را خداوند بدینسان بیان می‌کند آیات خود را برای شما تا مگر سپاسگزارید.

[مائده: 89]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  اشاره به آیات سابقه است که در آن حکم کسی که قصداً به نام خدا سوگند یاد می‌کند که چنین کاری می‌کنم یا نمی‌کنم و انشاء الله نگفته حانث می‌شود بیان شد و کفارهٔ که خداوند در آیات سابقه بیان کرده است قرار ذیل است:

1- طعام‌دادن برای ده مسکین است که به هر مسکین یک مُدّ از طعام رایج شهرش را بدهد و ما آن را درین روزها به یک کیلوگرام تخمین می‌کنیم.

2- پوشانیدن ده نفر مسکین که به هریک از ایشان جامه‌ای بدهد و اگر مسکین زنی باشد پیراهن و چادری به وی داده که سرش را بپوشاند.

3- آزادی بندهٔ اگر پیدا شد و فرق نمی‌کند صغیر باشد یا کبیر غلام باشد یا کنیز به شرطی که مسلمان باشد.

4- روزه‌گرفتن سه روز, مشروط بر این که از سه چیز, طعام، لباس و آزادسازی بنده عاجز باشد و می‌تواند این روزه را پیوسته و یا جدا جدا بگیرد و فرمودهٔ خدای بزرگ:

﴿❐◆✂❍➔☒▦⇳❍✍✂☑❑❍➔☒▦⇳❍☺⍁③❐🕮 ☎✂☑❑❍➔☒▦⇳❍☺⍁③❐🕮✡🕓⛥☺⍁③☪▤↗☠⇖﴾: یعنی خود را از سوگند نگهداری کنید و بدون ضرورت آن را بر زبان نیاورید و نیز از سوگندهای لغو و باطل خودداری کنید و اگر قسم یاد کردید و حانث شدید کفاره را فراموش نکنید، زیرا کفاره، گناه حانث‌شدن را که موجب بازخواست است محو می‌کند چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿❐◆✂❍➔☒▦⇳❍☺⍁③❐🕮✡🕓⛥☺⍁③☪▤↗☠⇖ ⅡⅡ🕓⛥☺⍁③☪▤↗☠⇖ ✍⛥☺⍁✍﴾ ولیکن بازخواست می‌کند شما را به سوگندهای که دل بسته اید.

ارشادات برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کرده باشند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و معانی آن را تکرار کن تا شنوندگان آن را یاد بگیرند.

3- به آن‌ها سفارش کن: که مسلمانان باید خدای را شکرگذاری کرده حمد و ثنایش را بگویند و از اوامر و نواهی وی اطاعت کنند، زیرا اسلام ما را به راه و شریعتی راهنمائی کرده که در آن سعادت دنیا و آخرت مسلمین نهفته است.

4- آن‌ها را به رعایت کفارات چهارگانهٔ که بیان شده تشویق کن.

درس 24: حدیث سوگند به غیر خدا Ψ

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لاَ تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ مَنْ حَلَفَ بِاللَّهِ فَلْيَصْدُقْ وَمَنْ حُلِفَ لَهُ بِاللَّهِ فَلْيَرْضَ وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِاللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ.	گفتهٔ پیامبر خدا ρ: به پدران خود سوگند یاد نکنید آن که به نام خدا سوگند می‌خورد باید راست بگوید و کسی که برایش به نام خدا سوگند یاد شود باید قبول کند و کسی به سوگندی که به نام خدا گفته شد راضی نباشد ایمانش به خدا درست نباشد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ : «**لاَ تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ**» درینجا تنها پدران ذکر شده چون سوگند به پدر در میان اعراب شایع بود و گرنه هر سوگندی که به نام غیر خدا یاد شود حرام و شرک گفته می‌شود، زیرا پیامبر ρ فرموده است: (کسی که به جز نام خدا سوگند یاد کند مسلماً به خداوند شریک آورده است) این حدیث را ترمذی در صحیح خود روایت کرده است و فرمودهٔ پیامبر: «**مَنْ حَلَفَ بِاللَّهِ فَلْيَصْدُقْ**» یعنی نباید به نام خدا سوگند دروغ یاد کند، زیرا مسلمانان سوگند کسی را که به نام خدا سوگند می‌خورد قبول می‌کنند و در چنین قسم دروغی مسلمانان زیانمند و متأذی می‌شوند. و فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَمَنْ حُلِفَ لَهُ بِاللَّهِ فَلْيَرْضَ**» یعنی هرگاه برای مسلمان در کاری به نام خدا سوگند یاد شود باید بدان راضی شده و سوگند دیگری را طلب نکند و این بر مسلمانی که به خدا و رسولش ایمان دارد واجب است. فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِاللَّهِ**» یعنی کسی که به سوگندی که به نام خدا یاد می‌شود راضی نشود و سوگند دیگری غیر نام خدا را طلب کند «**فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ**» یعنی در هیچ مرتبه از ایمان به خداوند نیست و هیچگونه دوستی به خدا ندارد و نعوذ بالله کافر می‌گردد.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و مطالب آن را شرح ده و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن.

3- به آن‌ها بگو: که قسم یادکردن به نام غیر خداوند کفر و شرک است و اگر کسی بدون قصد به نام غیر خداوند سوگند یاد کند باید لا اله الا الله بگوید.

4- به آن‌ها توصیه کن: که اگر برای مسلمان به نام خدا سوگند یاد می‌شود باید بدان راضی باشد و همچنین اگر به نام خدا سوگند یاد می‌کند باید راست گفته باشد.

5- به آن ها از سنگینی گناه آن که برایش به نام خداوند سوگند خورند و او راضی نگردیده و طالب سوگند به غیر نام خدا شود، چنان که بعض مردم جاهل سوگند می‌خورند مانند به سر تو یا به زندگانیت یادآور شو.

درس 25: آیهٔ گفتن انشاء الله در کارها

قول الله تعالی:	خداوند بزرگ می‌فرماید:
❍Ⅱ♦☜❑→◑♦✍ ••◆❒ ✇↗⇳❽☎✍♦✧ଌ☜ ➢✍ଌ↖✍♦▫ ❼ଌ□❄ଌ◑ ✂✧⑨☒➘ ☜①ଌ☜🕓♦❶ ♌❒🕮 ⁋♦ଌ◑ ✍▩▩✍ ✦🖉✍✂ ◆↗🖉✍♦✧□④ ❷↗📄↘❶✍✂◆❒ ✂♦❶ଌ◑ ☜①✸📠▪❻ ❁💣⑩✍○■♦	(23) و نگو: به چیزی که منم انجام دهندهٔ آن فوراً مگر آن که بخواهد خدا (24) و یاد کن پروردگار خویش را آنگاه که فراموش کردی.

[کهف: 23 – 24]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿❒◆•• ❍Ⅱ♦☜❑→◑♦✍ ✇↗⇳❽☎✍♦✧ଌ☜ ◑ଌ□❄ଌ◑ ❼ ➢✍ଌ↖✍♦▫ ❶♦☜🕓◑ଌ☜①☜ ➘☒⑨✧✂ ✍▩▩✍ ⁋♦ଌ◑ ♌❒🕮 ✂✧⑨☒➘ ☜①ଌ☜🕓♦❶ ✂♦❶ଌ◑ ☜①✸📠▪❻ ❁💣⑩✍○■♦ ✇↗⇳❽☎✍♦✧ଌ☜ ④□✧♦✍✂ ◆↗✍♦✧□ ✦✍✂ ◆↗✍♦✧□④ ❷↗📄↘❶✍✂◆❒ ✂♦❶ଌ◑ ☜①✸📠▪❻ ❁💣⑩✍○■♦ ✇↗⇳❽☎✍♦✧ଌ☜﴾ یعنی در بارهٔ چیزی یا برای کاری که قصد انجام آن را درآینده دارید نگویید: که آن را انجام می‌دهم، مگر این که ان شاء الله بگوئید، این راهنمائی است از طرف خداوند برای پیامبرρ و تمام مسلمانان و علت آن چنین است که مشرکین قریش به تعلیم یهود مدینه از پیامبر ρ سه مسئلهٔ، روح، اصحاب کهف، و ذی القرنین را سؤال کردند، جناب پیامبرρ به جواب شخص سائل فرمود. برایتان فردا پاسخ می‌دهم و منتظر وحی الهی گردید، ولی حدود نصف ماه وحی نازل نگشت، پس این آیت نازل شد و برایش تعلیم داد: که در چنین موارد باید انشاء الله بگوید. فرمودهٔ خداوند: ﴿❷↗📄↘❶✍✂◆❒ ✂♦❶ଌ◑ ☜①✸📠▪❻ ❁💣⑩✍○■♦﴾، این ارشاد دیگری است که هرگاه شخص مسلمان کلمهٔ استثناء «انشاء الله» را فراموش کرد همین که به یادش آن را بگوید، مثلاً: می‌گوید: فردا به سفر می‌روم و انشاء الله را فراموش کرده سخن دیگری می‌گوید: سپس به یادش می‌آید باید انشاء الله بگوید و این در صورتیست که سوگند یاد نکرده باشد ولی اگر

سوگند خورد و بعد از قطع کلام و گذشت زمان انشاء الله بر زبان آورد درین صورت باید کفاره بپردازد زیرا استثناء را متصل با سوگند ادا نکرده است.

راهنمائی برای مربی:

1-هردو آیت را بخوان تا شنوندگان و یا اکثرشان آن را حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را توضیح ده که شنوندگان آن را بدانند.

3-به آن‌ها بیاموز: که برای مسلمان لازم است که هرگاه بگوید: این کار را می‌کنم و یا این کار را نمی‌کنم باید انشاء الله بگوید و اگر فراموش کرد و بعد از مدتی به یادش آمد بازهم انشاء الله بگوید، گرچه بعد از مدتی باشد.

4-به آن‌ها بفهمان: که هرکس به نام خدا سوگند یاد کند و انشاء الله بگوید: حانث نمی‌شود فرق ندارد که آن کار را انجام دهد یا ندهد.

5-به آن‌ها بیاموز: که گفتن انشاء الله باید متصل با قسم باشد ولی اگر فاصلهٔ اندک که به سبب عذری ایجاد شده باشد ضرری ندارد، مثل این که در حین سوگند، عطسه زند و یا سرفه و خمیازه بر وی عارض شود و بعد از آن انشاء الله بگوید اشکالی ندارد زیرا در این صورت معذور گفته می‌شود.

درس 26: حدیث با ان‌شاء الله گفتن شخص حانث نمی‌شود

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ حَلَفَ وَاسْتَثْنَى فَلَمْ يَحْنَثْ. **وَقَوْله صلى الله عليه وسلم: مَنْ حَلَفَ وَاسْتَثْنَى إِنْ شَاءَ رَجَعَ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ غَيْرُ حَانِثٍ.**	پیامبر خدا ρ فرمود: کسی که سوگند یاد کرد و استثناء آورد یعنی انشاء الله گفت، هیچگاه حانث نمی‌گردد. و این فرموده‌اش ρ: کسی که سوگند یاد کرد و استثناء کرد اگر خواست آن را انجام دهد و اگر خواست ترکش کند بدون این که حانث شود.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبرρ: «**مَنْ حَلَفَ**» یعنی کسی که به اسماء و صفات خداوند سوگند یاد کند و استثناء آورد یعنی انشاء الله بگوید، درین حالت حانث نمی‌گردد و بر وی کفاره لازم نمی‌شود، اگرچه کاری را که به آن سوگند یاد کرده است، به جا نیاورد یا کاری که سوگند یاد کرده که نکند انجام دهد، زیرا وی درین هنگام کار را به خداوند واگذار کرده و خود را به انجام آن مستقل ندانسته است، چون او بندۀ ناتوان است و خداوند بزرگ است که به همۀ کارها توانائی دارد و هیچ کاری بدون فرمان وی به وجود نمی‌آید. فرمودۀ پیامبر ρ: «**مَنْ حَلَفَ**» یعنی کسی که به نام الله یا به اسماء و صفات خداوند سوگند یاد کند مثلاً بگوید: قسم به ذاتی که نفس من به دست او است یا قسم به ذاتی که آسمان را برافراشته است و یا قسم به پروردگار آسمان و زمین. و استثنی (انشاء الله بگوید) مثلاً بگوید به خدا این کار را نمی‌کنم انشاء الله. فرمودۀ پیامبر ρ: «**إِنْ شَاءَ رَجَعَ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ**» یعنی چون بنده قسم یاد کرد و گفت: انشاء الله در آن صورت اختیار دارد، اگر می‌خواهد موافق سوگند خود عمل کند و اگر نمی‌خواست آن را ترک کند و حانث نمی‌گردد.

راهنمائی برای مربی:

1-هردو حدیث را بخوان و تکرار کن تا شوندنگان حفظ کنند.

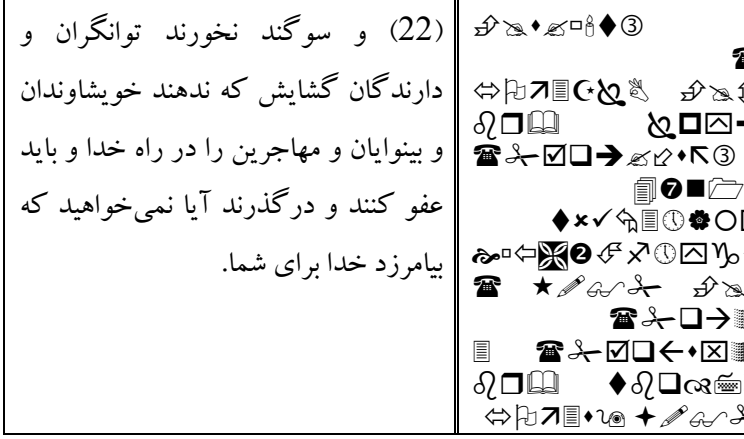
2-شرح را جمله جمله بخوان و موارد پوشیده را بیان کن و آن‌ها را شرح ده تا دانسته شود.

3-به آن‌ها توصیه کن: که گفتن انشاء الله در قسم‌ها پسندیده است که گویندۀ آن پشیمان نمی‌گردد.

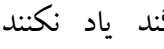
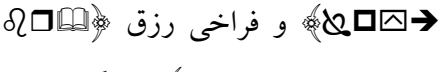
4-آن‌ها را از سوگندهای دروغ بترسان و آن سوگندیست که گوینده در آنچه سوگند یاد کرده راستگویی نباشد.

5-به آن‌ها بفهمان: که توریه یعنی سخنی که دو معنی دارد جواز دارد، چنانچه می‌گویند: سخنان پوشیده و مبهم از دروغ برکنار است. روایت شده است که وائل بن حجر در گروهی به دست دشمنان گرفتار شد و بر مردم دشوار بود که سوگند یاد کنند تا این که سوید بن حنظله سوگند خورد که وائل برادرش می‌باشد دشمنان وی را رها کردند. سوید می‌گوید: به خدمت رسول خداρ آمدم عرض کردم که مردم سوگند را دشوار می‌پنداشتند من قسم یاد کردم که وائل برادر من است پیامبر ρ فرمودند: «راست گفتی مسلمان برادر مسلمان است».

درس 27: آیهٔ توانمندان خویشاوندان را فراموش نکنند

قول الله جل جلا له:	خداوند Ψ می‌فرماید:
	(22) و سوگند نخورند توانگران و دارندگان گشایش که ندهند خویشاوندان و بینوایان و مهاجرین را در راه خدا و باید عفو کنند و درگذرند آیا نمی‌خواهید که بیامرزد خدا برای شما.

[نور: 22]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ: ﴿  ﴾ (سوگند یاد نکنند) ﴿  ﴾ یعنی کسانی که دارای کمال فضیلت هستند ﴿  ﴾ و فراخی رزق ﴿  ﴾ این که ندهند به خویشاوندان خود و مساکین و مهاجرین در راه خدا، این آیت در شأن ابوبکر صدیق τ نازل شد، هنگامی که مسطح با دیگران در حادثهٔ افک شرکت کرد و مسطح پسر خالهٔ ابوبکر بود و ابوبکر τ سوگند یاد کرده بود که برای مسطح طوری که قبلاً کمک می‌کرد کمک نکند و برایش چیزی ندهد پس خداوند این آیت را نازل فرمود و گفت:

﴿  ﴾ باید ببخشند و گذشت کنند. این آیت ابوبکر τ را به سوی بخشایش و گذشت دعوت کرد و فرمان داد تا آنچه را قبلاً به پسر خاله‌اش کمک می‌کرده از وی بازندارد چون ابوبکر این آیت را شنید که در شأن وی این عبارت ﴿ 

③♦⇔♦❷🖄▦♘⇔♦ ✂🖉✍✦ ◉•🖹↗🖹⇔🖻 نازل شد، گفت: به خداوند قسم دوست دارم, که خداوند مرا بیامرزد، سپس مسطح را عفو نمود و بخشید و از سوگند خود از پیامبرρ سؤال کرد آن حضرت فرمود: برای قسم خود کفاره بده و آنچه را قبلاً به مسطح می‌دادی برایش بپرداز، ابوبکرτ نیز آن را انجام داد و جائزه خداوند که کمتر کسی بدان مشرف می‌گردد نائل شد (که آن وعدهٔ غفران و بخشش خداوند است) این آیت کریمه اگرچه شأن نزول آن خاص است، ولی مفهوم آن عام است و اعتبار، هم به عموم لفظ است نه به خصوص سبب نزول, لذا برای مسلمان حلال نیست که هرگاه خیری از وی به برادر نسبی و یا اسلامی‌اش می‌رسید با سوگند خود, آن را منع کند گرچه از طرفش اذیت و آزاری دیده باشد و باید وی را عفو کرده و گذشت کند و اگر سوگند خورده بود کفاره دهد و خیر و احسان خود را از آن بازندارد.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا تمام شنوندگان آن را یاد کنند.

2- شرح را به درستی بخوان و معانی آن را شرح ده تا شنوندگان آن را به خوبی یاد بگیرند.

3- به ایشان توصیه کن که مسلمان نباید بر منع کار خیری که به دستش اجرا می‌شده است قسم بخورد و اگر فرضاً چنین سوگندی یاد کرد باید کفارهٔ آن را بپردازد و خیری را که انجام می‌داده انجام دهد، زیرا قرآنکریم ما را اینطور راهنمائی می‌کند.

4- ایشان را از فضیلت ابوبکر τ در نزد خداوند و پیامبرش آگاه کن.

درس 28: حدیث در جایی که سوگند نقض می‌شود

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ فَرَأَى غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا فَلْيَأْتِ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ، وَلْيُكَفِّرْ عَنْ يَمِينِهِ.	سخن پیامبر است که می‌فرماید: کسی که بر چیزی سوگند یاد کند و بعد بداند که غیر آن بهتر است پس آن کار بهتر را انجام دهد و از قسم خود کفاره بدهد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ**» یعنی ای مسلمانان! اگر کسی از شما بر کاری سوگند یاد کند و بعد از قسم ببیند که «**غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا**» غیر آن بهتر است از آن باید قسمش او را از انجام کار نیک بازندارد، بلکه لازم است کفارهٔ قسم خود را بپردازد «**وَالْيَأْتِ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ**» و آن عمل نیکوتر را انجام دهد چنانکه ابوبکر صدیق τ سوگند یاد کرده بود که نفقهٔ مسطح بن أثاثه بچه خاله‌اش را قطع کند و نظر بارشاد خداوند و پیامبرρ کفارهٔ سوگند خویش را پرداخت کرد و آنچه قبلاً برای پسر خاله‌اش می‌داد مجدداً مقرر نمود لذا بر مسلمان لازم است که هرگاه به قطع کار خیر یا منع معروفی که انجام می‌داده و سوگند یاد کرده باشد «**أَنْ يُكَفِّرْ عَنْ يَمِينِهِ**» از قسم خود کفاره داده و آن کار پسندیده را انجام دهد تا این که به واسطهٔ سوگند از اعمال شایسته و ادامه ثواب آن بازنماند.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را به تکرار بخوان تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و در هر جمله توقف نموده و معنای پوشیدهٔ آن را بیان کن.

3- به آن‌ها بگو: که هرکس قسم خورد که کاری را انجام ندهد و بعد متوجه شد که غیر آن بهتر است باید از سوگند خود کفاره بدهد و آن کار بهتر را انجام دهد.

4- برای ایشان بگو: که به سوگند لغو مسلمان, کفارهٔ تعلق نمی‌گیرد.

5-به آن‌ها از وجوب کفارۀ یمین تذکر ده و آن طعام‌دادن ده مسکین و یا لباس‌پوشانیدن آن‌ها و یا آزادکردن یک برده است و اگر به یکی ازین سه چیز توانائی نداشت پس بر وی سه روز روزه لازم است فرق ندارد که روز پیهم پیوسته باشد و یا جدا جدا.

درس 29: آیهٔ وفاء به نذر

قول الحق تبارک وتعالی:	خداوند بزرگ می‌فرماید:
﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (5) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (6) يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (7) وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (8) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (9)﴾	(7) آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شر و عذابش گسترده است بیمناکند. (8) و می‌خورانند طعام را با دوست‌داشتنش به بینوائی و یتیمی و برده‌ای (9) جز این نیست که می‌خورانیم شما را برای رضای خدا و نخواهیم از شما پاداش و نه سپاسی.

[انسان: 7 – 9]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ﴾، یعنی کسانی که در نعمت جنت هستند، چنانکه ذکر آن‌ها در آیات سابق گذشت به نذر خود که برای خداوند کرده اند پایداری می‌کنند، مثلاً اگر یکی از ایشان نذر کرد که یک ماه روزه بگیرد، حتماً روزه می‌گیرد و اگر نذر کرد فلان مبلغ را در راه خدا صدقه بدهد آن را به جهت تقرب به خداوند صدقه می‌دهد، فرمودهٔ خداوند: ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ یعنی از روز قیامت می‌ترسند، زیرا شر و بدی روز قیامت پراگنده است ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾ با این که به طعام میل و نیاز دارند به فقیری که او را فقر ناتوان کرده

و یتیمی که پدر و مادرش را از دست داده است و اسیری که به دست مسلمانان گرفتار شده و نمی‌تواند از نفس خود فدیه دهد می‌خورانند ﴿ این صفات کسانی است که در دار نیکوکاران به نعمت رسیدند و همین صفات بود که ایشان را سزاوار دخول بهشت گردانیده است. زیرا آن‌ها برای فقیران و مساکین طعام می‌دهند و برایشان می‌گویند: ما شما را برای این طعام ندادیم که برای ما مُزدی و پاداشی بدهید و یا از ما سپاسگزاری کنید، بلکه برای تقرب به خداوند بزرگ این کار را انجام دادیم.

راهنمائی برای مربی:

1- آیات را به تجوید بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.شرح را بخوان و به هر جملهٔ توقف کن و معانی آن را شرح ده.

2- صفاتی که مسلمان را به نعمت بهشت می‌رساند سه چیز است: اول وفا به نذر. دوم: ترس روز قیامت. سوم: طعام‌دادن به مساکین.

3- به ایشان بفهمان: که بهترین صدقه آنست که در حالت ثروت و دارائی باشد اما با صدقه دادن چیزی که بدان نیاز داریم دارای پاداش بزرگتر است، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿ با وصف دوست‌داشتن طعام و نیاز به آن, آن را صدقه می‌دهند.

4- به ایشان بگو: نذرکردن به نام غیر خداوند جواز ندارد.

درس 30: حدیث نذر به گناه

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَلاَ نَذْرَ فِيمَا لاَ يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ. وَقَالَ: لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَكَفَّارَتُهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ. **وَقَالَ: مَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ فَلاَ يَعْصِهِ.** **وَقَالَ لِلَّذِي نَذْرَ أَىْ يَمْشِي ارْكَبْ أَيُّهَا الشَّيْخُ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكَ وَعَنْ نَذْرِكَ.**	رسول خدا ρ فرموده است: در گناه و در آنچه فرزند آدم مالکش نیست نذر نیست. و نیز می‌فرماید: در گناه نذر درست نیست و کفارهٔ آن کفارهٔ قسم است و نیز می‌فرماید: کسی که نذر کند که در آن طاعت خدا باشد پس خدای را اطاعت کند و کسی که به معصیت خدا نذر کرد باید معصیت نکند. و پیامبر ρ برای کسی که نذر کرده بود که پیاده برود، فرموده:ای شیخ سوار شو, که خداوند از تو و نذرت بی‌نیاز است.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَلاَ نَذْرَ فِيمَا لاَ يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ**» آن حضرت ρ خبر می‌دهد: که از نظر شریعت نذر در گناه جواز ندارد، به طور مثال: اگر کسی نذر کرد که فعل حرام انجام دهد و یا واجب را ترک کند، این نذر او درست نیست و چنین نذر را انجام ندهد، بلکه کفاره دهد و کفارهٔ این نذر نزد بعضی فقهاء مانند کفارهٔ قسم است و این فرمودهٔ پیامبر ρ: «**وَلاَ نَذْرَ فِيمَا لاَ يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ**» یعنی نذر جواز ندارد در چیزی که انسان مالک آن نباشد، مثلاً کسی نذر می کند که خانه و یا باغ فلانی را بفروشد، در حالی که او مالک آن باغ یا خانه نباشد گرچه نذر صحت پیدا نمی‌کند، آیا بر وی کفاره خواهد بود؟ در این مسئله مانند مسئلهٔ قبل که بیان شد، نیز اختلاف است و فرمودهٔ پیامبر ρ «**مَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ فَلاَ يَعْصِهِ**» در این حدیث تصریح شده است که انجام نذر طاعت, واجب است و در نذر گناه,

وفاء به آن واجب نیست و به هیچ حال چنین نذری درست نیست، پس کسی که در طاعت خدا مانند روزه نذر می‌کند پس باید آن را انجام دهد و کسی که به معصیت خدا نذر کند، مانند این که نذر کند که فلان عالم را دشنام دهد نباید آن را انجام دهد. چنانکه این موضوع را گفته پیامبرρ تأیید می‌کند که برای کسی که نذر کرده بود که پیاده برود فرمود: ای شیخ سوار شو! زیرا خداوند از تو و از نذر تو بی‌نیاز است.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا بدانی که اکثر خوانندگان آن را یاد گرفته اند.

2- شرح را یکی بعد از دیگری به آرامی بخوان تا بدانی که شنوندگان آن را فهمیده اند.

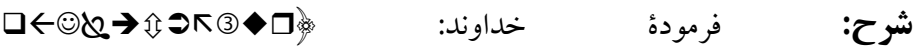
3- به آن‌ها بفهمان: که نذر عبارت است لازم گرفتن بنده نفس خود را در طاعت خداوند مثل این که بگوید: نذر کردم که تا یک ماه روزه بگیرم یا بر من از طرف خدا نذر باشد که یک سوم مال خود را صدقه کنم.

درسهای ماه رجب

درس 1: اطعام مسکینان، یتیمان و اسیران

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(8) و مـی‌خورانـند طعـام را بـا دوسـت داشـتنش بـه بینـوائی و یتیمـی و بـرده‌ای. (9) جز این نیست که می‌خـورانیم شـما را برای رضای خدا نخواهیم از شما پـاداش و نـه سپاسـی. (10) همانـا مـی‌ترسـیم از پروردگار خـویش روز تـرش و آشـفته را. (11) پـس نگـاه داشـت ایشـان را خـدا از بـلای آن روز و ارزانـی داشـت بدیشـان خرمی و شادمانی. (12) و پاداش شـان داد بدانچه صبر کردند بهشتی و حریری.

[انسان: 8 – 12]

شرح:  فرمودهٔ خداوند: این یکی از صفات نیکوکاران است و خداوند قبل از این آیه از نعمتی که در بهشت بدیشان می‌دهد خبر داده و می‌فرماید:  (الإنسان: 5).

«همانا نیکوکاران از جامی می‌نوشند که آمیزش آن کافور است». و به مساکین طعام می‌دهند با این که به آن نیازمنداند چون از ثروت زیادی برخوردار نیستند، خداوند افرادی را که طعام می‌دهند یاد کرده است، فرموده: مسکین و آن فقیری است که فقر او را بخواری کشانیده است و نیازمندی وی را زمین گیر ساخته است و یتیم کسی است که پدر یا پدر و مادرش هردو را از دست داده باشد و اسیر کسی است که در جنگ گرفتار شده و نیکوکاران با نیازمندی که دارند مساکین و یتیمان و اسیران را طعام می‌دهند و می‌گویند: جز این نیست که ما شما را به جهت رضای خدا طعام می‌دهیم: از شما پاداش بر اطعام خود نمی‌خواهیم و به علت اطعام‌شان که رضای خداوند باشد به این عبارت اشارت کرده همانا می‌ترسیم از پروردگار خود روز ترش و بسیار سخت را و آن روزی است که خداوند مردم را مورد محاسبه قرار داده و جزا می‌دهد و خداوند بخشنده, خواستهٔ شان را اجابت کرده و ایشان را از شر و خوف آن روز حفظ کرد و ایشان را بر فرمانبرداری خدا و رسول ρ و آنچه بر فقر و نیازمندی صبر کردند پاداش داد و در بهشت جاودان وارد شده و پارچهٔ حریر در آن می‌پوشند و در سرای نیکوکاران در جوار خداوند بزرگ قرار می‌گیرند.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا بدانی که شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا فهمیده شود.

3-به آن‌ها از فضیلت اطعام در حالی که به آن نیاز داشته باشیم تذکر بده و آنچه اطعام از محبت و دوستی در میان مسلمانان ایجاد می‌کند آگاه کن.

4-آن‌ها را از فضیلت اخلاص در انجام کار خیر و ارادهٔ رضای خداوند آگاه کن و از نتیجهٔ آن که سعادت دنیا و آخرتست مطلع ساز.

5-به آن‌ها از نعمت‌های آخرت توضیح ده و تشویق کن تا به طرف اعمال صالحه روی آورده و بدان رغبت کنند.

درس 2: حدیث اولین ملاقات عبدالله بن سلام τ با پیامبر ρ

قال عبد الله بن سلام: قدم النبي صلى الله عليه وسلم فانجفل الناس قبله وقيل قدم رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاثاً فجئت في الناس لأنظر فلما تبينت وجهه عرفت أن وجهه ليس بوجه كذاب فكان أول شيء سمعته تكلم به إذ قال: يا أيها الناس، أفشوا السلام وأطعموا الطعام وصلوا الأرحام وصلوا بالليل والناس نيام تدخلوا الجنة بسلام.	روایتی است که عبدالله بن سلام τ می‌گوید: پیامبر خدا ρ به مدینه تشریف آوردند و مردم به طرف‌شان هجوم آوردند در این هنگام کسی برای سه مرتبه گفت: رسول خدا تشریف آوردند، من هم در میان مردم آمدم تا به طرف‌شان نگاه کنم، چون روی مبارک را دیدم شناختم که سیمای وی سیمای شخص دروغگوی نیست، پس نخستین چیزی که از وی شنیدم، این بود که گفت: ای مردم! بر همه کس سلام کنید و به مردم اطعام دهید و با خویشاوندان خود صلهٔ رحم به جا آورید و نماز بخوانید در شب هنگام که مردم در خواب اند تا با سلامتی در بهشت وارد شوید.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: عبدالله بن سلام τ یکی از علمای یهود مدینه قبل از بعثت بود، و طوری که خودش می‌گوید: تا هنگامی که اسلام نیاورده بود پیامبر ρ را ندیده بود، وی می‌گوید: آن حضرت ρ برای هجرت از مکه به مدینه تشریف آوردند، این گفته: «**انجفل الناس قبله**» یعنی به طرف‌شان مردم هجوم آوردند کسی برای سه مرتبه گفت که آنحضرت ρ تشریف آوردند، می‌گوید: در میان مردم آمدم تا آن حضرت را به دقت ببینم و بدانم که آیا شمائل او که در تورات آمده وجود دارد یا خیر؟ می‌گوید: چون روی مبارک را دیدم دانستم که این

سیما سیمای شخص دروغگوی نیست، پس نخستین چیزی که شنیدم که به آن تکلم فرمود، این بود که گفت: ای مردم بر همه کس سلام گوئید، و به مردم طعام بدهید و صلهٔ رحم را به جا آرید و شب‌ها نماز بخوانید، در حالی که مردم خفته اند تا در جنت پروردگار خود با سلامتی وارد شوید. پس حضرت پیامبرρ به این چهار خصلت, راه اهل جنت را ترسیم فرمود و قواعد برادری و همکاری را در میان هم‌وطنان وضع فرمود و آنچه از طهارت و صفا به آن تعلق می‌گیرد واضح گردانید. پس بار دیگر بر وی سلام و درود خداوند باد.

راهنمائی برای مربی:

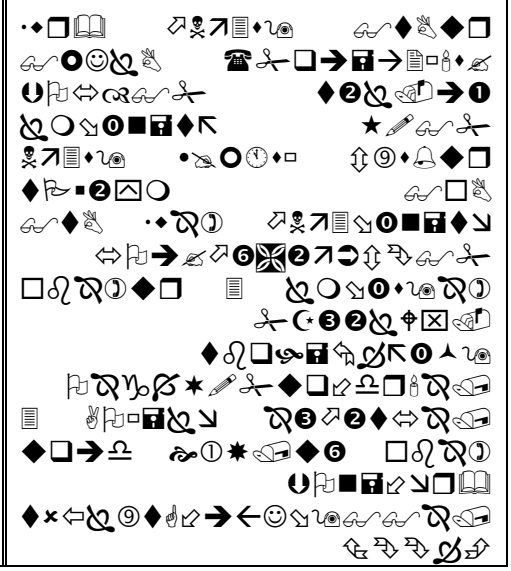
1- حدیث را مکرراً بخوان تا حفظ شود به خصوص صفات چهارگانهٔ مذکور.

2- شرح مطالب را بخوان و آنچه محتاج به بیان است توضیح ده تا دانسته شود.

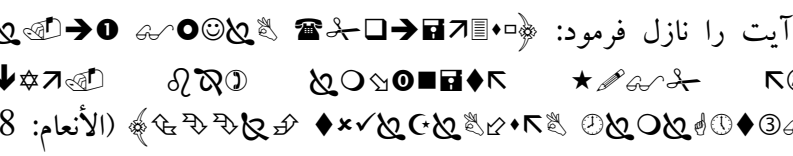
3- آن‌ها را از ذکاوت عبدالله بن سلام آگاه کن و هرکس مسلمان و متقی باشد خداوند برایش این چنین زکاوت و فراست عنایت می‌فرماید.

4- آن‌ها را به امتیاز این صفات چهارگانه آگاهی ده: که این حدیث اولین ارشادیست که آن حضرت ρ در هنگام هجرت به مدینه شریف ایراد فرموده است و آن افشاء سلام است که مراد از آن اظهار و تعمیم آنست که بر آشنا و ناشناس سلام بگوئی، دوم اطعام فقراء و مهمانان و خویشاوندان است، زیرا که در این صفات برادری محبت و همکاری در میان هموطنان به وجود می‌آید.

درس 3: آیهٔ خوردن از گوشت که به نام خدا ذبح شود

قول الله عزوجل:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(119) و چه شده شما را که نخورید از آنچه نام خدا بر آن برده شده است، حالی که تفصیل داده است برای شما آنچه را حرام کرده است جز آنچه ناگزیر شوید بدان و همانا بسیاری گمراه می‌کنند به هوس‌های خود به نادانی و هرآینه پروردگار تو داناتر است به تجاوزکنندگان

[الانعام: 119]

شرح: این آیت شأن نزولی دارد که به جهت آن نازل شده است، و آن چنین است که بعضی از مشرکین برای پیامبرρ و مسلمانان گفتند: چگونه است که آنچه شما می‌کُشید گوشت آن را می‌خورید و آنچه را خدای می‌کُشد نمی‌خورید مرادشان خود مرده بود، پس خداوند این آیت را نازل فرمود: ﴿  (الأنعام: 118).

«پس بخورید از آنچه برده شده است نام خدا بر آن اگر هستید که به آیات خدا ایمان دارید» و خدا به مسلمانان امر کرد تا از سخن مشرکین پیروی نکنند و ارشاد فرمود: ﴿  یعنی چه چیز شما را از

خوردن گوشت که به نام خدا ذبح شده منع می‌کند؟ ﴿ حالی که تفصیل داده است برای شما آنچه که حرام کرده است و آن خود مُرده، خون، گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده باشد ﴾ یعنی آنچه ضرورت، شما را به خوردن آن وادار کند مثل ترس هلاکت از گرسنگی. بعداً خبر می‌دهد که بسیاری از مردم دیگران را به خواسته‌ای خود بدون علم گمراه می‌کنند، سپس آن گمراه‌کنندگان را مورد وعید قرار داده می‌فرماید: ﴿ هرآئینه پروردگارت به تجاوزکاران داناتر است و نتیجه‌اش این است که خداوند به زودی کسانی که دیگران را بدون علم گمراه می‌کنند جزا می‌دهد، چون این کار را به پیروی از خواهش خود و آنچه شیاطین به ایشان مزین ساخته انجام می‌دهند.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را به تکرار بخوان تا اکثراً آن را حفظ کرده باشند.

2- شرح مطالب را همراه آنچه از معانی پوشیدهٔ است بیان کن تا شنوندگان آن را بدانند.

3- به آن‌ها بفهمان: که گفتن بسم الله در هنگام کشتار حیوان واجب است و هیچ حیوانی حلال نمی‌شود مگر این که در هنگام ذبح یا نحر آن بسم الله و الله اکبر گفته شود.

4- به ایشان تعلیم ده: که بسم الله گفتن در آغاز طعام سنت است و مناسب نیست که به هیچ وقتی ترک شود، همان طوری که در وقت سوارشدن، لباس پوشیدن، واردشدن و بیرون‌شدن از مسجد بسم الله گفتن مشروع و مسنون می‌باشد.

5- آن‌ها را از حلال‌گفتن و یا حرام‌گفتن چیزی بدون اصل شرعی از کتاب خدا، سنت پیامبرρ و یا اجماع امت بیم ده و آن‌ها را گوشزد کن که اگر کسی بدون اصل شرعی

و به نادانی به خواهش نفس خود چیزی را حلال و حرام می‌گوید عاقبت بدی در انتظار او خواهد بود.

درس 4: حدیث در ابتدای غذا بسم الله بگویید

كان النبي صلى الله عليه وسلم: يَأْكُلُ طَعَامًا فِي سِتَّةِ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَأَكَلَهُ بِلُقْمَتَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: أَمَا أَنَّهُ لَوْ كَانَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ لَكَفَاكُمْ فَإِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَقُولَ بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ.	پیامبر ρ همراه شش نفر از یارانش غذا می‌خوردند، ناگاه اعرابی وارد شد و آن غذا را به دو لقمه تمام خورد، پس پیامبرρ فرمود: بدانید همانا اگر وی در ابتدای طعام بسم الله می گفت، این غذا همهٔ شما را کفایت می کرد، پس هرگاه یکی از شما غذا می‌خورد باید بسم الله بگوید و اگر فراموش کرد که در آغاز بسم الله بگوید باید بگوید: بسم الله فی اوله وآخره.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: «**فَأَكَلَهُ بِلُقْمَتَيْنِ**» یعنی در دو لقمه آن غذا را تمام کرد، فرمودهٔ پیامبر ρ: «**لَوْ كَانَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ**» یعنی در ابتدای غذا اگر بسم الله می گفت: «**لَكَفَاكُمْ**» آن غذا گرسنگی همهٔ شما شش نفر را برطرف می‌کرد و فرمودهٔ پیامبر ρ: «**فَإِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا**» چون یکی از شما می‌خواهد طعامی بخورد «**فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ**» بسم الله بگوید: پیش از این که به خوردن آغاز کند، زیرا این روش مسنونه در خوردن و آشامیدن است. فرمودهٔ پیامبر ρ: «**فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَقُولَ بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ**» یعنی اگر در اول غذا فراموش کرد, که بسم الله بگوید، هرگاه به یادش آمد بگوید: «**بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ**» یعنی بسم الله در آغاز و آخر این غذا، زیرا این گفتن کفایت کرده و او را از برکت غذا محروم نمی‌گرداند و مورد ملامتی قرار نمی‌گیرد، زیرا طعام‌ها از خداوند است و برای بنده مناسب نیست طعامی را بدون اجازهٔ صاحبش صرف کند از همین جا است که اگر بنده بخواهد غذای حرام و یا آبی حرامی را صرف کند جواز ندارد که بسم الله بگوید، زیرا خداوند اینگونه خوردنی‌ها را

برایش اجازه نداده است بلکه حرام کرده است، همانطوری که ذکر بسم الله در ابتدا خوردن و نوشیدن سبب برکت می‌شود و اگر اسم خدا یاد نشود آن برکت حاصل نمی‌شود.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را واضح بخوان و شنوندگان با شما بخوانند تا یاد بگیرند.

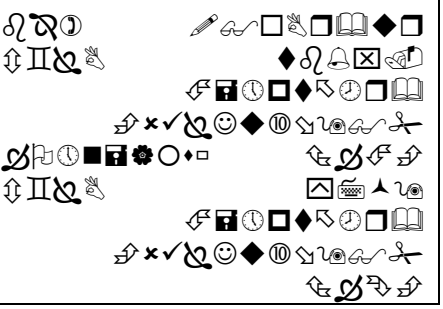
2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا شنوندگان آن را بدانند.

3- به آن‌ها بیاموز: که خوردن طعام به صورت دست جمعی سبب برکت یا ازدیاد برکت می‌شود.

4- به آن‌ها بیاموز: که گفتن بسم الله در آغاز خوردنی یا نوشیدنی واجب است و سبب برکت است و کسی که در آغاز خوردن «بسم الله نگوید»: از این برکت محروم می‌ماند.

5- به ایشان تذکر ده: کسی که در آغاز صرف طعام «بسم الله» را فراموش کند باز به یادش آید باید طبق دستور پیامبر ρ «**بِسْمِ اللَّهِ فِی أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ**» بگوید.

درس 5: آیهٔ اصحاب یمین

قول الله عزوجل:	گفتهٔ خداوند جل جلاله:
	(90) و امـا اگـر باشـد از یـاران راسـت (91) پس سلامتی تو را از یاران راست.

[واقعه: 90 – 91]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ:  مراد از این مسلمانی است که در حالت نزع قرار گرفته است و نفس به حلقوم او رسیده باشد، زیرا سیاق آیت پیوسته به این آیه است:  (الواقعه: 83 – 90). «پس چرا هنگامی که رسد به گلوگاه و شمائید در آن هنگام نگران و ما نزدیکتریم به او از شما ولی نمی‌بینید، پس چرا اگر هستید شما ناکیفرشدگان بازش گردانید، اگر هستید راستگویان پس اگر باشد از مقربان پس آرامشی و روزیی و بهشت نعمت و اما اگر بود از یاران راست». الآیه.

و این‌ها کسانی هستند که بروز قیامت ایشان را در عرصات به طرف راست قرار می‌دهند و ایشان به مرتبهٔ خود از مقربین پائین‌تر هستند، زیرا این‌ها در عبادت و کردار نیک از مقربین کمتر می‌باشند. فرمودهٔ خداوند: ﴿ [illegible] ﴾ این سخنی است که فرشتگان در هنگام مرگ برای او می‌گویند و او را بشارت می‌دهند که او از اصحاب یمین و اهل دارالسلام بهشت است.

راهنمائی برای مربی:

1- هردو آیت را به آرامش بخوان و تکرار کن و شنوندگان نیز با تو تکرار کنند تا حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و به ایشان تذکر ده: که مقربین کسانی اند که واجبات و مستحبات را انجام داده و محرمات و مکروهات حتی بعضی مباحات را ترک می‌کنند و اصحاب یمین به مرتبهٔ خود از مقربین پائین‌تر اند و به درجهٔ ایشان در عبادت نرسیدند.

3- به ایشان تذکر ده: که پیامبر اسلام ρ انجام کار را به دست راست خویش دوست داشتند، زیرا آن حضرت ρ به دست راست می‌خوردند و می‌آشامیدند و به دست راست می‌گرفتند و می‌دادند و همچنان در وضوء هم از طرف راست شروع می‌کردند و کسی که این روش پیامبرρ را به کار بندد شک نیست که از اصحاب یمین به حساب می‌رود.

4- به ایشان بیاموز: که هرگاه کسی از مقربین و اصحاب یمین نباشد، پس وی از اصحاب شمال است که خداوند در بارهٔ شان فرموده است: ﴿ [illegible] ﴾ (الواقعه: 41 - 44). «اصحاب شمالی آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان جهنم قرار

دارند. و در سایه دودهای سیاه متراکم و آتشزای جهنم! سایه‌ای که نه خنک است و نه آرام‌بخش!».

خداوند از این گروه و احوال و عاقبت بد ایشان پناه دهد.

درس 6: حدیث انجام هر کار خیر به دست راست

قال النبي صلى الله عليه وسلم: لِيَأْكُلْ أَحَدُكُمْ بِيَمِينِهِ، وَيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ، وَلْيَأْخُذْ بِيَمِينِهِ، وَلْيُعْطِ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ وَيُعْطِي بِشِمَالِهِ وَيَأْخُذُ بِشِمَالِهِ.	پیامبر خدا ρ فرمود: باید هریکی از شما با دست راست خود بخورد و با دست راست بیاشامد و با دست راست خود بگیرد و با دست راست خود بدهد. زیرا شیطان است که با دست چپ می‌خورد و با دست چپ می‌نوشد و با دست چپ می‌دهد و با دست چپ می گیرد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**لِيَأْكُلْ أَحَدُكُمْ**» این امر در اینجا برای وجوبست، پس برای مسلمانی روا نباشد که قصداً با دست چپ خود چیزی بخورد و آشامیدن نیز مانند خوردن است، پس برای کسی که توانائی دارد جائز نیست که با دست چپ خود بخورد و یا بیاشامد و همچنان دادن و گرفتن مانند خوردن و آشامیدن است، پس مسلمان نمی‌دهد آنچه را می‌دهد مگر با دست راست و نمی گیرد آنچه را از برادر خود می گیرد، مگر با دست راست و فرمودۀ پیامبر ρ: «**فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ وَيُعْطِي بِشِمَالِهِ وَيَأْخُذُ بِشِمَالِهِ**» این عبارت، علت امر پیامبر ρ به خوردن، آشامیدن، دادن و گرفتن با دست راست را بیان می کند و می گوید: این تشبیه به شیطان است و خود را شبیه شیطان ساختن حرام است و در حدیث صحیح از پیامبر خدا ρ آمده است که می‌فرماید: «**مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ**». «کسی که خود را به قومی تشبیه کند او از ایشانست»، آیا فرد مسلمان راضی است که در جملۀ شیطان محسوب شود.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

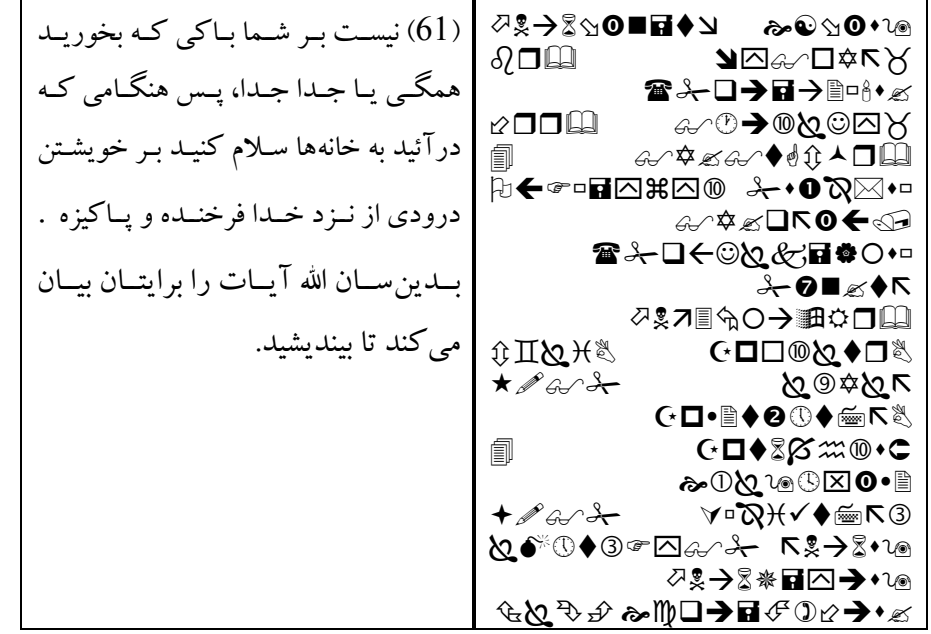
2- شرح مطالب را با آرامش و جمله جمله بخوان و معانی پوشیده را بیان کن تا فهمیده شود.

3- به آن‌ها بیاموز: که تمسک به هدایات و دستورات پیامبرρ روش مردان و زنان نیکوکار این امت می‌باشد.

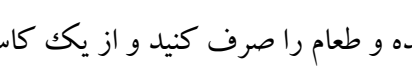
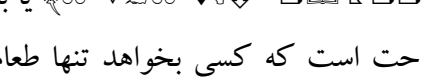
4- به ایشان تعلیم ده: که آنچه را پیامبرρ در اینجا امر فرموده: که با دست راست بخوریم و بیاشامیم و یا به دست راست بدهیم و بگیریم بر مردان و زنان مسلمان عمل به آن واجب است مگر در صورت داشتن عذری چون فراموشی یا جراحت و مانند آن.

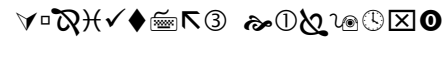
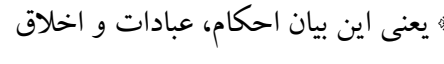
5- به ایشان تذکر ده: که خود را به کفار و مفسدین تشبیه‌کردن برای مسلمان حرام است، زیرا این کار سبب می‌شود تا در آخرت با کفار باشد که خود را به آن‌ها تشبیه کرده است.

درس 7: آیهٔ دسته‌جمعی و تنهاخوردن مشکلی ندارد

قوله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(61) نیست بر شما باکی که بخورید همگی یا جدا جدا، پس هنگامی که درآئید به خانه‌ها سلام کنید بر خویشتن درودی از نزد خدا فرخنده و پاکیزه . بدین‌سان الله آیات را برایتان بیان می‌کند تا بیندیشید.

[نور: 61]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی بر شما از این کار، دشواری و تنگی و یا گناهی نیست، ﴿  ﴾ که بر یک سفره جمع آمده و طعام را صرف کنید و از یک کاسه که در آن برنج و یا آب گوشت باشد بخورید ﴿  ﴾ یا به طور جداگانه بخورید و این آیهٔ کریمه متضمن اباحت است که کسی بخواهد تنها طعام بخورد و کسی می‌خواهد با جماعت غذا را صرف کند و خداوند این آیت را نازل فرمود و حرج را از کسی که تنها می‌خورد و یا با جماعت, دور کرد، ولی در سنت، غذاخوردن با جماعت بر غذاخوردن تنهائی, فضیلت دارد و آن حضرت ρ می‌فرماید: «**فَاجْتَمِعُوا عَلَى طَعَامِكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ يُبَارَكْ لَكُمْ فِيهِ**». برای خوردن غذا جمع شوید و نام خدا را یاد

کنید تا در غذای شما برکت داده شود. و خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿  ﴾ این ارشاد و تعلیم خداوند برای بندگان مؤمنست که هرگاه کسی به خانهٔ خود یا به خانهٔ دیگری داخل گردد بر وی لازم است سلام کرده و بگوید: «**السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**» و اگر کسی به خانه نباشد بگوید: «**السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ**» این تحیة و درود از طرف خداوند است، زیرا که خداوند چنین فرمان داده است و آن را سبب برکت معرفی کرده است که به تعمیل آن در خانه برکت حاصل می‌گردد و فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی این بیان احکام، عبادات و اخلاق ﴿  ﴾ برای این است که شما را آماده کند تا مردم عاقلی باشید و منافع خود را دانسته و آن را طلب کنید و ضررها را درک کرده و خود را از آن بازدارید.

راهنمائی برای مربی:

1- آیه را به تجوید بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند یا نزدیک به حفظ یاد گیرند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و آنچه فهم آن دشوار باشد و یا پوشیدگی دارد بیان کن تا دانسته شود.

3- به آن‌ها بفهمان: که آیت با حدیثی که به فضیلت صرف غذا با جماعت دلالت دارد منافات ندارد.

4- به آن‌ها بگو: که گفتن سلام سنت مؤکده است به خصوص در هنگام واردشدن به خانه.

5- به آن‌ها بیاموز: که شخص عاقل کسی است که ایمان و تقوی داشته و بر طریق راستین اسلام در عقیده، عبادات، احکام، آداب و اخلاق استوار باشد.

درس 8: حدیث خوردن غذا به طور دسته‌جمعی

قول الرسول صلی الله علیه وسلم: لَمَا قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم إِنَّا نَأْكُلُ وَلاَ نَشْبَعُ. قَالَ: فَلَعَلَّكُمْ تَأْكُلُونَ مُتَفَرِّقِينَ. قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: فَاجْتَمِعُوا عَلَى طَعَامِكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ يُبَارَكْ لَكُمْ فِيهِ.	فرمودۀ پیامبر ρ: هرگاه یاران گفتند: ای رسول خدا! ما می‌خوریم و سیر نمی‌شویم، فرمود: شاید شما تنها جدا جدا غذا می‌خورید؟ گفتند: آری، فرمود: با هم غذا بخورید و اسم خدا را یاد کنید تا در طعام شما برکت داده شود.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: از وحشی بن حرب روایت شده است که یاران گفتند: ما غذا می‌خوریم و سیر نمی‌شویم، این شکایتی بود که به حضور پیامبرρ کردند، تا آن‌ها را به طریقی راهنمائی کند که از این حالت عجیب بیرون آیند و آن حالتی بود که غذا می‌خوردند و سیر نمی‌شدند، آن حضرت ρ فرمود: «**فَلَعَلَّكُمْ تَأْكُلُونَ**» شاید غذا را صبح یا شب یا افطار صرف می‌کنید در حالی که متفرق هستید و تنها می‌خورید؟ گفتند: آری، جدا جدا می‌خوریم آن حضرتρ ایشان را به چیزی دستور داد: که سبب برکت طعام‌شان گردد و سیر گردند، فرمود: فاجتمعوا علی طعامکم یعنی غذا را به یک سفره بگذارید «**وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ**» و نام خدا را بر آن یاد کنید و هریکی از شما (بسم الله) بگوید، «**يُبَارَكْ لَكُمْ فِيهِ**» تا خداوند در طعامی که در آن جمع می‌شوید و نام خدا را می‌برید برکت دهد و در جای دیگر فرمود: «با جماعت غذا بخورید و پراگنده نشوید، زیرا برکت در جماعت است».

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

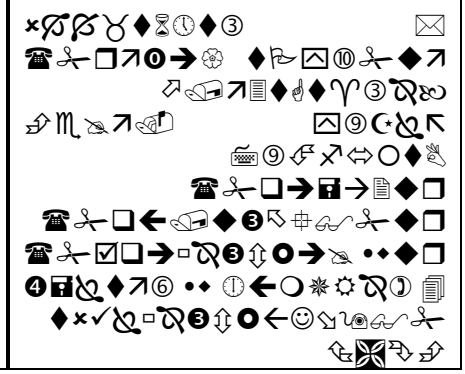
2- شرح مطالب را به خوبی بخوان تا معانی آن‌ها به درستی فهمیده شود.

3-به آن‌ها فضیلت خوردن طعام با اجتماع و یادکردن نام خدا را تذکر ده.

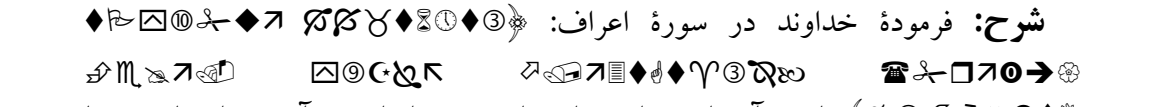
4-به ایشان بگو: که حمد خداوند بعد از صرف غذا مانند یادکردن نام خدا در آغاز طعام اهمیت دارد، زیرا هنگامی که طعام را از نزد پیامبرρ برمی‌داشتند، می‌فرمود: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا، طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ غَيْرَ مَكْفِيٍّ، وَلا مُوَدَّعٍ، وَلا مُسْتَغْنًى عَنْهُ رَبَّنَا**» ستایش خدای را ستایش بسیار پاکیزه برکت داده شده در آن غیر رد شده و نه وداع شده و نه بی‌نیاز از آن ای پروردگار ما.

5-به آن‌ها بیاموز: که خوردن طعام از کنار کاسه نه وسط آن مستحب است، زیرا وقتی که کاسهٔ نزد پیامبرρ می‌آوردند فرمود: از کنار این کاسه بخورید و وسط آن را بگذارید تا در آن برکت داده شود.

درس 9: آیهٔ لباس خود را نزد هر مسجدی بگیرید

قول الله عزوجل:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	(31) ای فرزندان آدم! بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا دوست ندارد اسراف‌کنان را.

[اعراف: 31]

شرح: فرمودهٔ خداوند در سورهٔ اعراف: ﴿  ﴾ یا بنی آدم این نداء خداوند است و مراد از بنی آدم در اینجا عرب‌ها می‌باشند، زیرا آنان به خانه کعبه عریان و برهنه طواف می‌کردند، و می‌گفتند: با جامهٔ که خدای را عصیان کردیم به خانه‌اش طواف نمی‌کنیم، ازین جهت اگر جامهٔ جدید نمی‌یافتند و یا کسی را نمی‌یافتند که از وی جامه‌ای عاریت کنند برهنه و لُخت طواف می‌کردند، پس خداوند این آیه را نازل فرمود و آن‌ها را به پوشیدن عورت‌شان امر فرمود و دستور داد تا در نزد هر مسجدی لباس بپوشند و این لفظ عام است، شامل همهٔ مسلمین را می‌شود و از وقتی که نماز فرض شده و اسلام انتشار یافته و به هرجا مساجد بنا گردیده زن و مرد مسلمان در جایی که نماز می‌خوانند عورت خود را می‌پوشند، زیرا پوشیدن عورت شرط نماز است.

فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ این صیغهٔ امر است و ارشادیست که متوجه مسلمین به طور خصوص و همهٔ مردم به طور عموم می‌شود که هرگاه خوردن و آشامیدن برای حفظ حیات

ضروری است و یکی از واجبات زندگی به شمار می‌آید پس در وقت حاجت که گرسنگی و تشنگی است باید در خوردن و نوشیدن اسراف نکنند و آنچه می‌خورند و می‌نوشند حلال و مباح باشد و خوردن آنچه که خداوند حرام کرده مانند خود مرده، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح می‌شود حرامست، مگر در حالت اضطراری که ترس از مرگ است و همچنین استفاده از نوشیدنی‌های حرام مانند شراب و هر مست‌کنندهٔ که عقل را از بین می‌برد حلال نیست، مگر در حالت استثنائی که خوف هلاکت باشد و چون اسراف و زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن مضر است و بسا باشد که سبب هلاکت می‌شود، لذا خداوند آن را حرام کرده و برای تأکید بر تحریم آن می‌فرماید: ﴿ •• ⓵🡐❍❋☼🄋⓳﴾ ⑥↗♦🄋🖬❹ ✂🖙☺←❶⇧❸🄋▫🄋✓×♦ 🖙🏴🖙﴿ خداوند زیاده‌روان را دوست ندارد تا مردم از اسراف به طور کامل دوری کنند.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان یاد بگیرند.

2- شرح مطالب را بخوان و نکات پوشیدهٔ آن را توضیح ده تا دانسته شود.

3- پوشیدن عورت را که از واجبات است به ایشان بیاموز و کسی که برهنه نماز بخواند و یا طواف کند نماز و طواف او باطل است.

4- به آن‌ها بیاموز: که اسراف در خوردن و نوشیدن که اضافه بر اندازهٔ ضرورت باشد یعنی همان اندازه که پشت انسان را استوار بدارد و زندگیش را حفظ کند به حکم این آیت حرام است.

5- ایشان را به فرمودهٔ پیامبر ρ تذکر ده: که می‌فرمایند: که یک سوم معده برای غذا و یک سوم آن برای آب و یک سوم برای تنفس کشیدن است.

6- به ایشان تذکر ده: که خداوند امور بهداشتی را در آیت فوق جمع فرموده است، می گویند که هارون الرشید پزشک نصرانی داشت برای هارون الرشید گفت: در کتاب شما (قرآنکریم) چیزی از بهداشت وجود ندارد، حال آن که علم در علم است

علم ابدان و علم ادیان. حضرت زین العابدین τ حاضر بود، فرمود: خداوند تمام امور مربوط به علم ابدان را در نصف آیت جمع کرده است که می‌فرماید:



درس 10: حدیث ظرفی بدتر از شکم نیست

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَا مَلأَ آدَمِيٌّ وِعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنٍ حَسْبُ الآدَمِيِّ لُقَيْمَاتٌ يُقِمْنَ صُلْبَهُ فَإِنْ غَلَبَتِ الآدَمِيَّ نَفْسُهُ فَثُلُثٌ لِلطَّعَامِ وَثُلُثٌ لِلشَّرَابِ وَثُلُثٌ لِلنَّفَسِ.	فرمودۀ پیامبر ρ: فرزند آدم ظرفی را بدتر از شکم پر نکرده است، برای انسان چند لقمه که پشت وی را استوار بدارد کافی است. اگر بر آدمی نفس او غلبه کند، پس یک سوم معده را از غذا پر کند و یک سوم آن را از آب و یک سوم آن را برای نفس‌کشیدن نگه دارد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**مَا مَلأَ آدَمِيٌّ وِعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنٍ**» وعاء به معنی ظرف کلمه مفرد است جمع آن اوعیه است ظروف بسیارند و ظرف آنست که در آن آب و طعام نگهداری می‌شود و انسان همیشه بخاطر زندگانی خویش ظرفهائی را به سبب نیازی که دارد پر می‌کند ولی ظرفی را بدتر از شکم پر نکرده است، زیرا که در پرکردن شکم خطر هلاکت است، این سخن را پیامبر خدا ρگفتند، تا مردم را از پرخوری که سبب سوء هاضمه می‌شود بترسانند فرمودۀ پیامبرρ: «**حَسْبُ الآدَمِيِّ**» یعنی برای آدمی کافیست آنچه وی را از غائلۀ مرگ و گرسنگی نگه می‌دارد. «**لُقَيْمَاتٌ**»: جمع لقمه و آن چیزی است که آدم آن را به دهان خود می‌گذارد و لقیمات به صیغۀ تصغیر ذکر شده است تا مفهوم کم‌بودن لقمه را افاده کند.

فرمودۀ پیامبر ρ: «**يُقِمْنَ صُلْبَهُ**» یعنی پشت وی را محکم بگرداند تا بر ایستادن و نشستن توانا گردد و زندگی‌اش حفظ شود، و فرمودۀ پیامبر ρ «**فَإِنْ غَلَبَتِ الآدَمِيَّ نَفْسُهُ**» اگر نفس انسان بر وی غلبه کند و او را وادار کند زیادتر از آنچه مورد نیاز او است بخورد، پس یک سوم شکم خود را برای غذا و یک سوم آن را برای آب یا شیر و یک سوم دیگر را برای تنفس باقی بگذارد تا حیات خود را حفظ کند و پروردگار خود را عبادت کند، زیرا نعمت

زندگی و اسباب آن جهت عبادت به ما داده شده خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾ (الذاریات: 56). «ما جن و انس را پدید نیاوردیم، مگر به جهت عبادت».

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

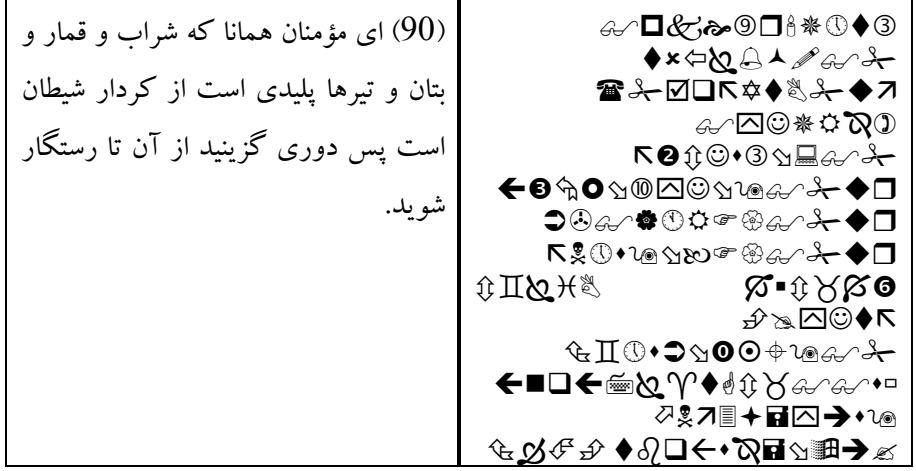
2- شرح مطالب را با آرامش بخوان و آنچه به تفسیر احتیاج دارد تفسیر کن تا دانسته شود.

3- به آن‌ها بفهمان: که اگر انسان به سبب خوردن زیاد سوء هاضمه پیدا کرده و هلاک می‌گردد قاتل نفس خود به شمار می‌آید، چون از سمره بن جندب τ روایت شده است که از حال پسرش سؤال کرد برایش گفتند: که دیشب بدهضم شده بود. گفت: بدهضمی؟ گفتند: آری، گفت: اگر می‌مرد من بر وی نماز نمی‌خواندم.

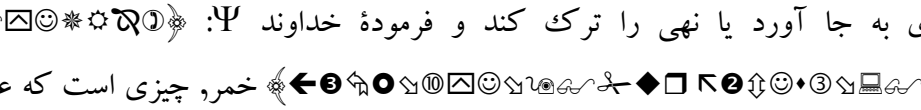
4- به ایشان بگو: که از پیامبر ρ حدیثی روایت شده است که می‌فرماید: «طعام یک نفر دو نفر را کفایت می‌کند و طعام دو نفر چهار نفر را و طعام چهار نفر هشت نفر را کفایت می‌کند». این حدیث دلالت می‌کند که خوردن و آشامیدن زیاد درست نیست و این آیه کریمه نیز دلیل کافی است که می‌فرماید: ﴿ ﴾.

5- به آن‌ها تذکر ده که اکثر مردمی که در دنیا سیر اند در آخرت گرسنه اند.

درس 11: آیهٔ شراب و قمار پلید است

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	(90) ای مؤمنان همانا که شراب و قمار و بتان و تیرها پلیدی است از کردار شیطان است پس دوری گزینید از آن تا رستگار شوید.

[مائده: 90]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ ای کسانی ایمان آوردید، این عبارت ندای خداوندیست که بندگان خود را به عنوان ایمان مورد خطاب قرار می‌دهد، زیرا ایمان برای انسان به منزلهٔ روح از جسد است و مؤمن زنده است، لذا مورد خطاب امر و نهی قرار می‌گیرد، و بر امتثال امر خدا و اجتناب از نهی او توانائی دارد به خلاف کافر که مُرده است، مُرده چگونه می‌تواند امری به جا آورد یا نهی را ترک کند و فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿  ﴾ خمر, چیزی است که عقل را از کار بیندازد و او را بپوشاند و خورندهٔ شراب چنان می‌شود که بین خیر و شر یا معروف و منکر فرق نمی‌گذارد. میسر, عبارت از قمار است و آن را میسر می‌گویند، چون که مال به آسانی به دست می‌آید. ﴿  ﴾ جمع نُصب: تمثال و پیکرهائیست از سنگ و غیره که برای عبادت و پرستش نصب می‌شود.

﴿ جمع زلم و آن چوبهائی بود که با آن‌ها در جاهلیت فال می‌گرفتند و به عقیدهٔ خود به آنچه قسمت‌شان از خیر و یا شر می‌شود به واسطهٔ آن‌ها می‌دانستند. و فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿ رجس به معنی نجس و پلیدی و نسبت آن به شیطان داده شد، زیرا شیطان است که این کردار را در نظر مردم زینت می‌دهد تا آن‌ها را به گمراهی و سرکشی وادار کند و فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿ این امر خداوند است به ترک این اعمال و دوری‌جستن از آن چون در اینگونه اعمال شر و فساد نهفته است.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح مطالب را به صورت واضح بخوان و نکات پوشیده را تفسیر کن تا شنوندگان آن را بدانند.

3- به ایشان بگو: آنچه مست‌کننده باشد حرام است زیرا پیامبر ρ صراحتاً فرموده: «هر مست‌کننده حرام است و آنچه انسان را مست می‌کند کم و زیاد آن، یکسانست».

4- به ایشان بیاموز: که بازی قمار اگرچه برای سرگرمی باشد، حرام است، زیرا خداوند در علت حرمت آن فرموده است: ﴿ (المائده: 91). «که شیطان می‌خواهد به واسطهٔ شراب و قمار در میان شما عداوت و دشمنی ایجاد کند و شما را از یاد خداوند و نماز بازدارد. آیا شما از این اعمال دست برمی‌دارید».

5-به آن‌ها تذکر ده: که هرچیزی که مانند فال‌گرفتن به ازلام باشد آن هم حرام است مانند خط رمل، قرعهٔ بچه‌ها و خرید و فروش مجسمه‌ها و تصویر آن‌ها و گذاشتن آن‌ها در خانه‌ها حرام است.

درس 12: حدیث شراب کلید همه بدی‌هاست

عَنْ أَبِی الدَّرْدَاءِ: قَالَ أَوْصَانِی رَسُولَ اللَّه –صلی الله علیه وسلم– لاَ تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ. **وَقَالَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِی الدُّنْیَا لَمْ یَشْرَبْهَا فِی الآخِرَةِ إِلاَّ أَنْ یَتُوبَ.**	از ابی درداء τ روایتست که گفت: مرا پیامبر خدا وصیت کرد که شراب مخور، زیرا شراب کلید همه بدی‌ها است. و نیز فرمود: کسی که از شراب دنیا بخورد از شراب آخرت محروم است، مگر این که توبه کند.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**قَالَ أَبِی الدَّرْدَاء: أَوْصَانِی رَسُولَ اللَّه صلی الله علیه وسلم**»: پیامبر خدا ρ یارانش را گاهی به طور جداگانه وصیت و سفارش می‌فرمود، زیرا در سفارش پخش دعوت اسلام و نشر آن در میان امت اسلامی است و شخص عاقل برای وصیت و سفارش اهمیت بیشتری قائل است که آن را بیشتر حفظ و ضبط کرده که آن اهمیت را به سخنان دیگری که به وی خطاب می‌شود قائل نیست. سخن ابی درداءτ که گفت: « **أَوْصَانِی رَسُولَ اللَّه صلی الله علیه وسلم**» مرا رسول خدا ρ وصیت فرمود، سپس سفارش را چنین ذکر می‌کند، «**لاَ تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ**»، شراب را مخور، زیرا شراب کلید همه بدی‌ها است همه کارهای بد از خوردن شراب پیدا می‌شود و کسی که شراب خورد به تحقیق که درهای بدی‌ها را کوبیده و آن درها به رویش باز شده است، اگر خدا او را حفظ نکند و این فرمودهٔ پیامبر ρ: «**مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِی الدُّنْیَا لَمْ یَشْرَبْهَا فِی الآخِرَةِ إِلاَّ أَنْ یَتُوبَ**» این سخن از مهمترین اخطارها است، زیرا در این خبر توضیح داشده شده کسی که دائم الخمر در دنیا باشد از شراب آخرت محروم است، و لازمهٔ آن، محرومیت از ورود در بهشت است، زیرا کسی که وارد بهشت شود، از شراب آن می‌خورد و در بهشت نهری از شراب است پس کسی که از شراب بهشت محروم باشد از ورود در بهشت هم محروم است، «**إِلاَّ أَنْ یَتُوبَ**»

مگر این که پیش از مرگ خود توبه کند، زیرا توبه, نفس را تزکیه کرده و پاک می‌گرداند و ادامه‌دادن بر خوردن شراب, نفس آدمی را آلوده و به پستی می‌کشاند، خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾ (الشمس: 10). «زیان کار شد کسی که نفسش را آلوده کرد».

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا که شنوندگان به خوبی حفظ کنند.

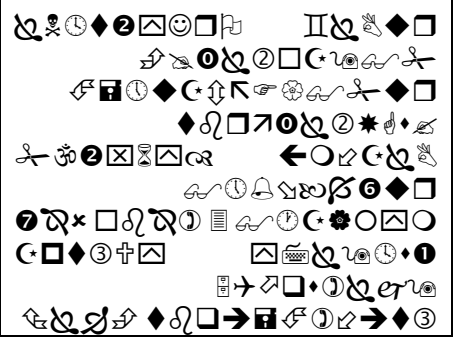
2- شرح مطالب را به آرامش بخوان و معانی پوشیده را شرح کن تا دانسته شود.

3- آن‌ها را از سفارش پیامبرρ به ناخوردن شراب آگاه کن و به آن‌ها دستور ده: که به این سفارش پیامبرρ عمل کنند.

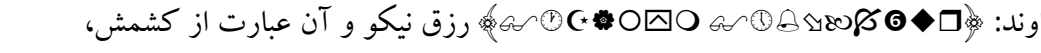
4- به آن‌ها تذکر ده: که دائم الخمر اگر توبه نکند از بهشت محروم است.

5- به آن‌ها تذکر ده: که نوشیدن شراب از بزرگترین گناهان است، کسی که شراب بنوشید مست می‌شود و گاهی در هنگام مستی زشت‌ترین و بدترین اعمال را مرتکب می‌شود و کفر می‌کند و گناهان کبیره از وی سر می‌زند در حالی که خودش نمی‌داند.

درس 13: آیهٔ از ثمرات خرما و انگور استفاده می‌کنید

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خداوند متعال:
	(67) و از محصولات درختان خرما و انگور، گاهی شراب مست‌کننده می‌گیرید و گاهی رزق پاک و نیکو به دست می‌آورید. بی‌گمان در این امر نشانه‌ی آشکاری برای خردمندان وجود دارد.

[نحل: 67]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  یعنی از انگور و خرما شراب مست‌کننده می‌سازید، نزول این آیت که دلالت بر امتنان و منت‌گذاری دارد، پیش از حرمت شراب فرمودهٔ خداوند:  رزق نیکو و آن عبارت از کشمش، خرما، سرکه، شیرهٔ که از شهد نخل به دست می‌آید و از خرمای تازه تولید می‌شود، این‌ها از روزی نیکو، پاکیزه و مفید برای انسانست که حیات او را حفظ می‌کند، زیرا در این‌ها موادی وجود دارد که برای تغذیهٔ انسان ضروری است، پس ستایش و منت برای خداوند است. اما خمر (شراب) حرمت قطعی دارد و کسی وی را بیاشامد بر او حد شرعی که هشتاد شلاق است جاری می‌شود، شراب تنها از انگور و خرما درست نمی‌شود، بلکه از انگور، خرما و غیر آن‌ها درست می‌شود و سیدنا عمر ابن الخطاب τ می‌گوید: ای مردم! خداوند شراب را حرام کرده است و آن از پنج چیز است: انگور، خرما، عسل، گندم، جو ولی علماء اجماع کرده اند که هر مست‌کنندهٔ حرام است.

و فرمودۀ خداوند: ﴿ ﴾ یعنی در آنچه ذکر شد نشانه‌ائی است بر قدرت و علم و حکمت ما و این نشانه‌ها است که موجب یکتاپرستی می‌شود و این حقایق را دانشمندان و اهل خرد از انسان‌ها درک می‌کنند.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت شریفه را بخوان تا بدانی که شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و مطالب پوشیدۀ آن را بیان کن تا دانسته شود.

3- به ایشان تذکر ده: که نعمت‌های خداوند را یاد کنند و خداوند را بر آن‌ها شکر بگویند تا مستحق مزید نعمت‌های الهی شوند.

4- به ایشان تذکر ده: که شراب به اجماع امت حرام است، اگرچه درین آیت از حرمت شراب به صورت خبر ذکر شده است، ولی حرمت قطعی آن در آیه سورۀ مائده که مؤخر است ثابت شده.

5- به آن‌ها تذکر ده: که هر مست‌کنندۀ کم باشد یا زیاد حرام است و حرمت مواد مست‌کننده‌ای که در زمان ما پدید آمده شدیدتر است، زیرا اثر آن از شراب‌های اصلی بیشتر است.

درس 14: حدیث از گندم و غیره شراب گرفته می‌شود

قول الرسول صلی الله علیه وسلم: عَنْ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم: إِنَّ مِنَ الْحِنْطَةِ خَمْرًا وَمِنَ الشَّعِيرِ خَمْرًا وَمِنَ الزَّبِيبِ خَمْرًا وَمِنَ التَّمْرِ خَمْرًا وَمِنَ الْعَسَلِ خَمْرًا.	فرمودۀ رسول اکرم ρ: از نعمان بن بشیرτ روایت است می‌گوید: که پیامبرρ خدا فرمودند: همانا از گندم شراب گرفته می‌شود از جو شراب گرفته می‌شود از کشمش شراب گرفته می‌شود از خرما شراب درست می‌شود و از عسل شراب به دست می‌آید.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: نعمان بن بشیرτ: یکی از انصار و صحابۀ پیامبرρ است و گفته پیامبر خدا ρ: «**إِنَّ مِنَ الْحِنْطَةِ خَمْرًا**» یعنی از گندم شراب گرفته می‌شود و همچنین از جو، کشمش، خرما و عسل در این حدیث این حقیقت بیان می‌شود که شراب مخصوص به انگور و خرما نیست، بلکه مواد دیگری نیز وجود دارد که شراب از آن‌ها گرفته می‌شود و معتبر در شراب پیداشدن مستی و زائل‌شدن عقل است، پس هرچیزی که انسان را مست کند و عقل را از بین ببرد شراب به حساب می‌رود، گرچه از عسل و یا شیر باشد.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را به تکرار بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

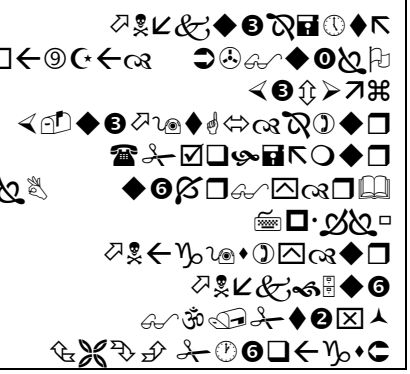
2- شرح مطالب را بخوان و نکات مبهم را بیان کن تا دانسته شود.

3- به ایشان از آثار سوء مسکرات تذکر ده و بگو: این‌ها خطرناکترین چیزهائی است که بشر درین روزگاران به آن گرفتار شده است و مشهورترین آن‌ها هروئین، کوکائین و چرس است.

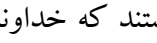
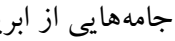
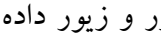
4-به آن‌ها بفهمان: که باید راه و روش شخص مسلمان برخلاف کفار باشد مسلمان پیشوای پسندیده و رهبر شایسته است، پس بر هر مسلمان واجب است که به وجود این مخدرات در جامعه اسلامی راضی نباشد و در برابر آن‌ها مبارزه کند و اگر مسلمانان در این مورد به واجب خود عمل می‌کردند، هیچگاه این همه مواد مخدر در میان مسلمانان رواج پیدا نمی‌کرد، و پسران و دختران جامعهٔ اسلامی ما به آن آلوده نمی‌شدند از این‌ها به خدا پناه می‌بریم.

5-به ایشان بیاموز: که باید مسلمان, خیرخواه جامعه اسلامی بوده و از طریق امر به معروف و نهی از منکر با مواد مخدر مبارزه کند و ضرر آن‌ها را به مردم بفهماند تا همگان در برابر این مواد فاسد قیام کنند و آن‌ها را از سرزمین اسلامی خود ریشه‌کن کنند.

درس 15: آیهٔ لباس بهشتیان

قول الله سبحانه وتعالی: 	(21) برایشان جامه‌های ابریشم نازک سبز و ابریشم دُرُشت است و زینت داده شدند با دستبندهای از نقره و نوشانیدشان پروردگارشان نوشابه پاک‌کننده.

[انسان: 21]

شرح: قوله تعالی: ﴿  ﴾، این‌ها گروه ابرار هستند که خداوند در بارهٔشان می‌فرماید: ﴿  ﴾ (الإنسان: 5). «به یقین ابرار (و نیکان) می‌آشامند از جامی که آمیزش آن کافور است». بعد از آن که خداوند نعمت‌های جاوید آماده برای ابرار را بیان کرد، خاتمه نعمت‌ها را در این آیه بیان می‌فرماید، ﴿  ﴾ یعنی برایشان جامه‌هایی از ابریشم نازک سبز و ابریشمی درشت می‌باشد ﴿  ﴾ اساور و زیور داده شده اند، به دستبندهایی از نقره و کسانی که به ایشان زیور می‌پوشانند فرشتگانی هستند: که در خدمت بهشت و نعمت‌های آن موظفند، فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ این شراب غیر از شراب عمومی است که ذکر آن گذشت و ازین جهت خداوند آن را به خود نسبت داده است و فرموده: ایشان را پروردگارشان شرابی پاک‌کننده می‌نوشاند، حضرت علی τ این شراب را چنین توصیف می‌کند و می‌گوید: چون بهشتیان به بهشت درآیند به درختی گذر

کنند که از زیر ساق آن دو چشمه بیرون می‌شود، چون از یکی از آن‌ها می‌نوشند چهره‌هایشان تازگی و بشاشت پیدا کرده و صورت‌هایشان هیچگاه تغییر پیدا نمی‌کند، و موی‌هایشان هیچگاه ژولیده نمی شود و چون از چشمهٔ دیگر می‌نوشند، هرگونه مرض و میکروبی که در بدن‌شانست بیرون می‌شود سپس خادمان بهشت ازیشان استقبال می‌کنند و می‌گویند: ﴿ ﴾ (الزمر: 73). «سلام بر شما خوش آمدید وارد شوید به جنت جاویدان (خداوندا!». ما را از ایشان بگردان و به آن‌ها ملحق بگردان.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را به تکرار بخوان تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح مطالب را بـه آرامـش بخـوان و نکـات پوشـیدهٔ آن را توضـیح ده تـا شـنوندگان بدانند.

3- به ایشان بیاموز: که ابریشم بر مردان مسلمان حرام و بـر زنـان‌شـان حـلال اسـت، زیـرا پیامبر خدا ρ فرموده است: کسی که ابریشم را در دنیا بپوشد در آخرت محرومست و در بارهٔ طلا و ابریشم می‌فرماید: این دو بر زنان امتم حلال و بر مردان‌شان حرام است.

4- به آن‌ها بیاموز: که طهور آن است به آن بی‌وضوئی رفع می‌شود به خـلاف آب طـاهر که بی‌وضوئی را رفع نمی‌کند، زیرا طهور آنست که چیزی دیگر با وی مخلوط نشـده و بر اصل خلقت خود باقی باشد و طاهر آنست که با وی چیزی پـاک ماننـد روغـن و غیره مخلوط شده باشد و چنین آبی پاک است نه پاک‌کننده که وضوء یا غسل به آن درست نیست.

درس 16: حدیث نوشیدن در ظرف طلا و نقره حرام است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ الَّذِى يَشْرَبُ فِى إِنَاءِ الْفِضَّةِ إِنَّمَا يُجَرْجِرُ فِى بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ وَعَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ: نَهِى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنِ الشُّرْبِ فِى آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَقَالَ: هِىَ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا وَهِىَ لَكُمْ فِى الآخِرَةِ.	فرمودۀ پیامبر ρ: همانا کسی که در ظرف نقره می‌نوشد در شکم او آتش دوزخ فرو می‌ریزد و نیز از حذیفه روایت است که گفت: رسول خدا از نوشیدن در ظروف طلا و نقره منع کردند و گفتند: این ظروف در دنیا برای کفار است و در آخرت برای شما.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ این حدیث «**إِنَّ الَّذِى يَشْرَبُ فِى إِنَاءِ الْفِضَّةِ**» دلیل قاطعی است بر حرمت استعمال ظروف نقره‌ای برای امت اسلامی، زیرا این وعید پیامبر ρ: «**إِنَّمَا يُجَرْجِرُ فِى بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ**» به صورت قطعی بر تحریم ظروف نقره‌ای دلالت می‌کند، زیرا که برای آن آتش دوزخ را ثابت کرده است، و معنی «**يُجَرْجِرُ**» یعنی آنچه در ظروف طلا و نقره نوشیده است در شکم او آتش فرو می‌ریزد و روایت حذیفه ل «**وَعَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ: نَهِى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنِ الشُّرْبِ فِى آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ**» رسول خدا ρ از آشامیدن در ظروف طلا و نقره نهی فرموده اند و گفتند: «**نَهِىَ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا وَهِىَ لَكُمْ فِى الآخِرَةِ**» یعنی این ظروف طلا و نقره که اکنون کفار استعمال می‌کنند در دنیا برای ایشانست، اما مؤمنان پرهیزگار در آخرت از این ظروف استفاده می‌کنند، زیرا وقتی مسلمانان به بهشت داخل می‌شوند خدمۀ جنت با کاسه‌ای از طلا و نقره از ایشان پذیرائی می‌کنند.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی بخوان و تکرار کن تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

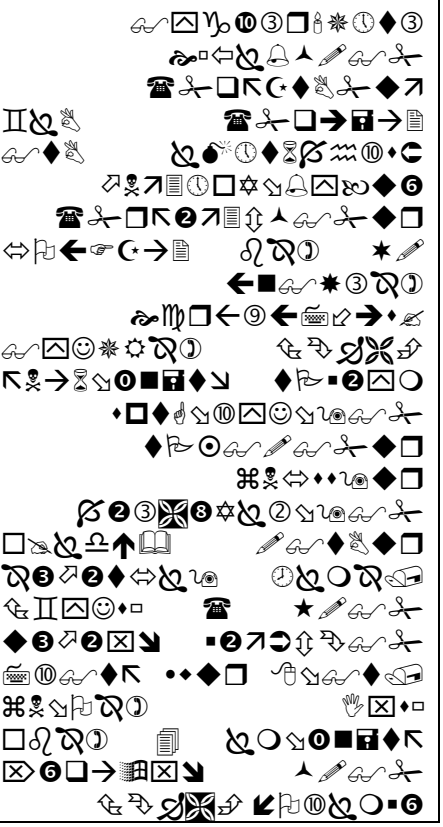
2- شرح مطالب را با آرامش بخوان و مطالب پوشیده را طوری توضیح ده که برای عموم قابل فهم باشد.

3- به ایشان بفهمان: که هرکس آب یا شیر را در ظروف حرام مثل لیوان طلا یا نقره می‌نوشد گویا در شکم خود آتش می‌ریزد.

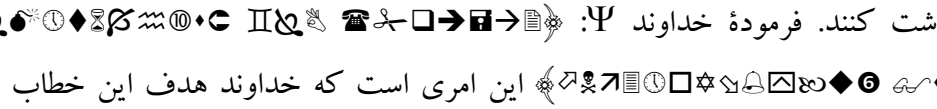
4- به ایشان بگو: که مال دنیا اندک و ناپایدار است، و مال آخرت بسیار و جاویدان، باید شخص عاقل آنچه بسیار و همیشه است بر اندک و ناپایدار اختیار کند، دانشمندی گفته است: اگر دنیا از طلا و آخرت از گِل و یا چوپ باشد شخص عاقل آنچه باقی است بر دنیای فانی اختیار می‌کند.

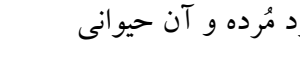
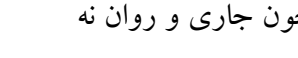
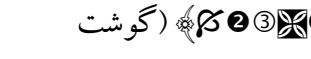
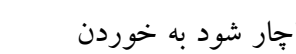
5- به ایشان بگو: که ساختن، خرید و فروش ظروف طلا و نقره مانند استفاده آن‌ها حرام و ممنوع است و سبب محرومیت از بهشت می‌گردد.

درس 17: آیهٔ ای مؤمنان از روزی‌های پاکیزه بخورید

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(172) ای مؤمنان! بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی دادیم شما را و سپاسگذارید خدا را اگر هستید او را پرستش می‌کنید (173) جز این نیست که حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا برده شده است بر آن پس اگر کسی ناچار شود نه ستم‌کننده و نه تجاوزکننده پس نیست گناهی بر او همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

[بقره: 172 – 173]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  این ندای خداوندی است برای بندگان مؤمنش که ایشان را به عنوان ایمان مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را بدین عنوان مشرف می‌گرداند، و اشاره می‌کند که ایشان به واسطه ایمان صلاحیت این ندا را پیدا کردند و می‌توانند تکالیف الهی را برداشت کنند. فرمودهٔ خداوند Ψ:  این امری است که خداوند هدف این خطاب را

شرح داده به این که از طیبات و طعام‌های حلال و پاکیزهٔ که به ایشان عنایت کرده است بخورند و فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾، یعنی خدای را بر نعمت‌های پاکیزه که عنایت فرموده شکرگذار باشید، و این سپاسگزاری به حمد و ثناء خداوند و اعتراف به نعمت‌هایش و صرف آن نعمت‌ها در جائی که خداوند راضی است می‌باشد، و این سپاسگزاری عبادت پروردگار است اگر وی را می‌پرستید. و فرمودهٔ خداوند بزرگ: ﴿  ﴾ خداوند بعد از این که بیان کرد که طیبات را برای مسلمین حلال کرده و خوردن آن‌ها را به ایشان اجازه داده است و از ایشان خواسته تا در مقابل این نعمت‌ها سپاسگزار باشند، در این آیه می‌فرماید: به جز این چهار چیز را حرام نکرده است. و آن‌ها عبارت اند از ﴿  ﴾ خود مُرده و آن حیوانی است که خودش بدون ذبح مرده باشد ﴿  ﴾ یعنی خون جاری و روان نه خونی که به گوشت متصل باشد. ﴿  ﴾ (گوشت خوک) و آن حیوان معروفی است، و سبب حرمت این اشیاء سه‌گانه بهداشتی و آن زیانیست که به جسم انسان وارد می‌سازد و اما آنچه به نام غیر خداوند (خدایان باطل) ذبح می‌شود، این عمل همان شرکی است که صاحبش بخشیده نمی‌شود، و در آتش دوزخ جاوید می‌ماند. فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ پس کسی که ناچار شود به خوردن آن در حالی که (غیر باغ) طلب‌کننده نیست آنچه برایش حلال نیست ﴿  ﴾ و نه تجاوزگر است به آنچه بر وی حرام است و به خوردن این محرمات مجبور شود، برای این که نفس خود را از هلاکت و گرسنگی نجات دهد خداوند وی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهد، بلکه به رحمت خود او را می‌بخشد، زیرا او تعالی آمرزگار و مهربان است.

راهنمائی برای مربی:

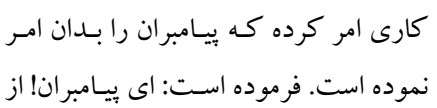
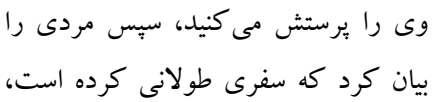
1-هردو آیت را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن‌ها را حفظ کنند.

2-شرح مطالب را با آرامش بخوان و معانی پوشیدهٔ آن را بیان کن تا دانسته شود.

3-به آن‌ها بفهمان: که خوردنی و آشامیدنی حرام مانند لباس و دیگر چیزهای حرام است و آن‌ها چیزهایی است که خداوند اجازه خوردن و نوشیدن و یا استعمال آن‌ها را نداده چون به جسم و روح انسان زیان می‌رسانند.

4-به ایشان از شکر نعمت‌های خداوند تذکر ده، زیرا سپاسگزاری عبادت است.

درس 18: حدیث خداوند پاک است و به جز...

قول النبي صلى الله عليه وسلم: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لاَ يَقْبَلُ إِلاَّ طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ: ﴿  [المؤمنون: 51] وَقَالَ: ﴿  ﴾. [البقرة: 172] ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُذِّىَ بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لَهُ.	پیامبر خدا ρ فرمود: ای مردم! همانا خداوند پاک است به جز چیز پاک را قبول نمی‌کند، و البته خداوند مؤمنین را به کاری امر کرده که پیامبران را بدان امر نموده است. فرموده است: ای پیامبران! از طعام‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید من به آنچه می‌کنید آگاهم. و نیز فرمود: ای مؤمنان! از طعام‌های پاکیزهٔ که به شما روزی کردیم بخورید و شکر خدای را به جا آورید اگر هستید که وی را پرستش می‌کنید، سپس مردی را بیان کرد که سفری طولانی کرده است، ژولیده موی و خاک‌زده هردو دست خود را به سوی آسمان بلند کرده می‌گوید: پروردگارا! پروردگارا. در حالی که طعام و شرابش حرام بوده و به حرام پرورش یافته است پس چگونه دعوتش اجابت شود.

(رواه مسلم)

شرح: فرمودۀ پیامبرρ: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ**» ای مردم! این ندای عام است که کافر و مسلمان را شامل می‌گردد، پیامبرρ ایشان را مورد خطاب قرار داده تا از امر بزرگی خبر دهد و آن این است که خداوند پاک است به جز پاک را قبول نمی‌کند و هیچ کردار، عقیده و گفتاری که پاک نباشد در نزد خداوند مقبول نیست، پس به کردار ناپاک و فاسد به حضور خداوند تقرب نمی‌شود، سپس آن‌ها را به خبر دیگری آگاه کرده و می‌گوید که خداوند مؤمنان را به چیزی امر می‌کند که پیامبران را به آن امر کرده است برای پیامبران فرموده است: ای پیامبران! از طعام‌های پاکیزه بخورید و کارهای نیکو انجام دهید من بدانچه می‌کنید آگاهم و در فرمان به مؤمنین گفته است: ای مؤمنان! از طعام‌های پاکیزه که به شما روزی دادیم بخورید و خدای را سپاسگزار باشید اگر وی را پرستش می‌کنید بعد پیامبر از مرد مسلمانی سخن می‌گوید: که در طاعت خداوند سفری طولانی مانند سفر جهاد، حج و یا عمره متحمل شده است و به علت درازی سفر ژولیده‌موی و خاک‌آلود است دست‌هایش را به سوی آسمان چنانکه در هنگام دعا سنت است دراز می‌کند و می‌گوید: پروردگارا! پروردگارا! از پروردگارش حاجت می‌خواهد در حالی که طعامش، شرابش و لباسش حرام است به حرام پرورده شده است، چگونه دعایش اجابت می‌شود یعنی از کجا و چطور این دعای او مورد قبول خداوند واقع خواهد شد.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را به آرامی بخوان و برای شنوندگان تکرار کن تا حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان معانی پوشیدۀ آن را توضیح ده تا شنوندگان آن را یاد بگیرند.

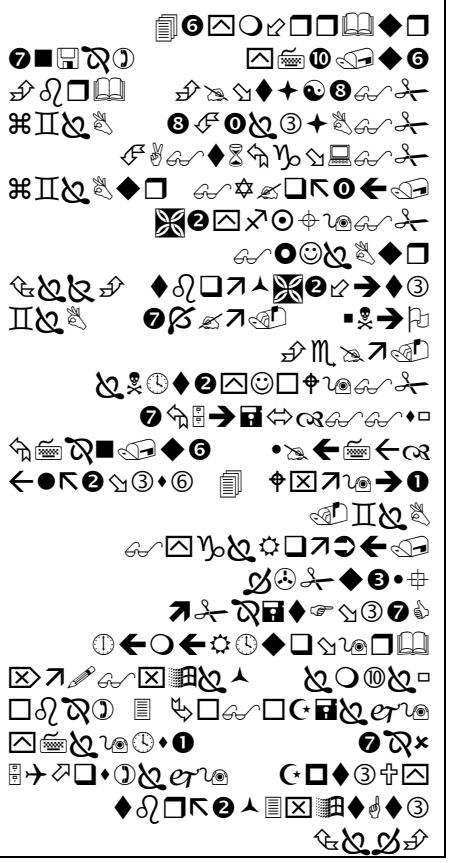
3- به ایشان بگو: جز گفتار و کردار شایسته مورد قبول خداوند واقع نمی‌شود.

4-به آن‌ها بگو: که خوردن حلال مخصوص پیامبران، اولیای خدا و علماء نیست، بلکه لازم هر زن و مرد مسلمانست.

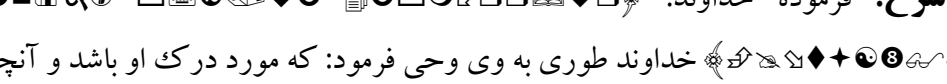
5-به ایشان بفهمان: که خداوند نعمت روزی و تندرستی را بر بندگان خود ارزانی داشته است تا شکر آن‌ها را به جای آورند و کسی که از مال حرام مثلاً از دزدی و غیر آن تغذیه می‌شود در حقیقت شکر خداوند را به جای نیاورده است، شکر عبارت است از اعتراف به نعمت خدا و ستایش آن و صرف نعمت در جائی که خداوند از آن راضی باشد.

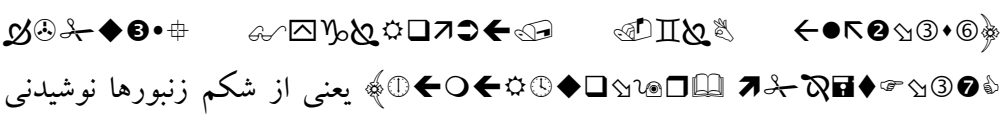
6-به ایشان بگو: که خوردن حرام مانع بزرگ اجابت دعا است و کسی که حرام می‌خورد دعایش به طرف آسمان بلند نمی‌شود.

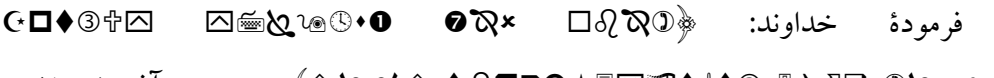
درس 19: آیهٔ زنبور عسل

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(68) و پروردگـارت بـه زنبـور عسـل الهام کرد کـه در کـوه‌هـا و درختـان و داربست‌هایی که می‌سازند، لانـه‌سـازی کن. (69) سپس از انواع میوه‌ها بخـور و راه‌هایی را کـه برایـت همـوار شـده، بپیمای. از شکم زنبورهای عسل شهدی با رنگ‌های گونـاگون بیـرون مـی‌آیـد کـه شـفا و بهبـود مـردم در آن اسـت. به‌راستی در ایـن امـر نشـانه‌هـایی بـرای اندیشمندان وجود دارد».

[نحل: 68 – 69]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  خداوند طوری به وی وحی فرمود: که مورد درک او باشد و آنچه وظیفهٔ او است درک کند و این زنبور عسل از کوه‌ها و درختان خانه‌هائی می‌سازد و همچنین از داربستهائی که مالکانش درست می‌کنند خانه‌های از موم می‌سازند و باز این زنبور برای فرمانبرداری از امر خداوند از هرگونه گل‌ها و گیاهانی که در اطراف خود می‌بیند می‌خورد

و پس به راهی روان می‌شود که به وی الهام می‌شود و از یک جای به جای دیگر می‌رود تا غذای مناسب برای خود به دست آورد سپس به آشیانه باز می‌گردد. فرمودهٔ خداوند:  یعنی از شکم زنبورها نوشیدنی رنگارنگ سفید، سرخ، سیاه یا سفید مایل به سرخی یا زردی بیرون می‌شود. فرمودهٔ خداوند:  یعنی در عسل برای مردم از کافر و مؤمن شفاء وجود دارد که به آن تداوی می‌کنند و کسی را خداوند بخواهد شفا می‌دهد و کسی را نخواهد از شفا محروم می‌گرداند و این موافق حکمت و تدبیر خداوند در مخلوقات او است.

فرمودهٔ خداوند:  یعنی در آفرینش زنبور عسل و الهام وظیفه‌های که به آن اشتغال دارد تا از نتیجهٔ کارش عسلی به وجود آید که دارای رنگ‌های گوناگون و متضمن دواء و شفاء می‌باشد، نشانه‌ای روشن است که بر قدرت، علم، حکمت و رحمت خداوند دلالت می‌کند. و بندگان را وامی‌دارد که تنها وی را پرستش کنند و از عبادت غیر وی خودداری کنند.

راهنمائی برای مربی:

1- هردو آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و معانی پوشیده را تفسیر کن و آنچه برای شنوندگان اشکال دارد توضیح ده.

3- به آن‌ها از وجوب عبادت خداوند یگانه اطلاع ده زیرا او است خداوند برحق و از نشانه‌هائی که بر یگانگی او دلالت می‌کند وحی او است به سوی زنبور عسل تا از شکمش عسلی بیرون شود که در آن شفاء برای مردم باشد.

4-به ایشان بیاموز: که تداوی جواز دارد و مشروع است بلکه به آن مأمور شده ایم و این که شفادهنده تنها خداوند است نه دواء بلکه دواء را استفاده می‌کنیم و پیوسته از خداوند شفاء می‌خواهیم و در قلب خود یقین داریم که به جز شفای خداوند شفای دیگری وجود ندارد.

درس 20: حدیث خداوند برای هر دردی دوایی قرار داده

قول النبي صلى الله عليه وآله وسلم. عَنْ أُسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ قَالَ: شَهِدْتُ الأَعْرَابَ يَسْأَلُونَ عَنْ النَّبِيِّ –صلى الله عليه وسلم– أَعَلَيْنَا حَرَجٌ فِي كَذَا؟ أَعَلَيْنَا حَرَجٌ فِي كَذَا؟ فَقَالَ لَهُمْ نَعَم عِبَادَ اللَّهِ وَضَعَ اللَّهُ الْحَرَجَ إِلاَّ مَنِ اقْتَرَضَ مِنْ أَخِيهِ شَيْئًا فَذَاكَ الَّذِي حَرَجٌ. فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَلْ عَلَيْنَا جُنَاحٌ الا نَتَدَاوَى قَالَ: تَدَاوَوْا عِبَادَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلاَّ وَضَعَ مَعَهُ شِفَاءً إِلاَّ الْهَرَمَ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا خَيْرُ مَا أُعْطِيَ الْعَبْدُ قَالَ: خُلُقٌ حَسَنٌ.	فرمودۀ پیامبر گرامی اسلام ρ: از اسامه بن شریک روایت شده است که می‌گوید: که من حاضر بودم که عرب‌های صحرانشین از پیامبر ρ سؤال می‌کردند، آیا در فلان کار بر ما گناهی هست. آیا در فلان کار بر ما گناهی هست. آن حضرت فرمود: آری خداوند حرج را برداشته است مگر از کسی که از آبروی برادر خود چیزی به وسیله غیبت قطع می‌کند، پس این کس است که در گناه داخل شده است. بعد سؤال کردند: ای پیغمبر خدا! آیا بر ما گناهی هست که تداوی نکنیم فرمود: ای بندگان خداوند! تداوی کنید زیرا خداوند دردی را پدید نیاورده است، مگر برایش شفائی آفریده است به جز پیری. گفتند: ای رسول خدا بهترین چیزی که برای بنده داده شده است چیست، فرمود: خلق پسندیده.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: سخن اسامه τ: «شَهِدْتُ الأَعْرَابَ» نزد اعراب حاضر بودم یعنی عرب‌های صحرانشین، از پیامبرρ سؤال می‌کردند تا آنچه از امور دین یا دنیای خود را نمی‌دانستند، تعلیم بگیرند و سخنانی می‌گفتند: و از آن جمله گفتند: «أَعَلَيْنَا حَرَجٌ فِي كَذَا؟ أَعَلَيْنَا حَرَجٌ فِي

كَذَا؟» آیا در فلان کار بر ما گناهی هست؟ آیا در فلان کار بر ما گناهی هست؟ یعنی در چنین کار، و یا چنین سخنی بر ما گناه خواهد بود. پیامبر ρ در جواب‌شان فرمود: «**نَعَم عِبَادَ اللَّهِ وَضَعَ اللَّهُ الْحَرَجَ**». آری، ای بندگان خدا! خداوند حرج و گناه را برداشته است مگر کسی که به سبب غیبت از آبروی برادر خود چیزی کاسته باشد «**فَذَاكَ الَّذِی حَرَجٌ**» پس این عمل گناه است و شخص بدان گناهکار می‌شود زیرا نظر به فرمودهٔ خداوند: «**لا یغتب بعضکم بعضا**» نباید گروهی از شما گروهی دیگر را غیبت کند. غیبت حرام است پس گفتند: ای رسول خدا! «**هَلْ عَلَيْنَا جُنَاحٌ الا نَتَدَاوَى**» آیا بر ما گناهی هست؟ اگر تداوی نکنیم فرمود: «**تَدَاوَوْا عِبَادَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلاَّ وَضَعَ مَعَهُ شِفَاءً إِلاَّ الْهَرَمَ**» ای بندگان خدا! تداوی کنید زیرا خداوند دردی نیافریده است مگر که با آن شفائی پدید آورده است به جز پیری و بزرگسالی چون پرسیدند: آیا گناهکار نمی‌شویم اگر تداوی را ترک کنیم، پیامبرρ آن‌ها را به تداوی امر فرمود، سپس سوال کردند «**مَا خَيْرُ مَا أُعْطِيَ الْعَبْدُ**» یعنی بهترین چیزی که خداوند در این دنیا به مردم بخشیده است چیست؟ پیامبر ρ فرمود: «**خُلُقٌ حَسَنٌ**» خلق نیکو و حقیقت هم این است.

راهنمائی برای مربی:

1- حدیث را به آرامی بخوان تا بدانی که اکثر شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح مطالب را جمله جمله توضیح ده و آنچه پوشیده است بیان کن تا دانسته شود.

3- به آن‌ها بفهمان: که در امور مباحه گناهان نیست و غیبت که عبارت از یادکردن مسلمان است در غیاب او به چیزی که اگر بشنود ناراحت می‌شود از گناهان بزرگ به حساب می‌رود.

4- به ایشان بگو: که تداوی‌کردن از ترک آن بهتر است به شرط این که تداوی به چیز حلال باشد و عرفاً روا شناخته شده باشد و اما تداوی به محرمات مانند شراب یا گوشت خوک و غیره درست نیست.

5-به آن‌ها بگو: بهترین چیزی که بنده در این دنیا داده می‌شود از مال، ثروت، وسائل زندگی، جاه و مقام همانا خلق نیکو است.

درس 21: آیهٔ هنگام دخول به خانه‌ها سلام کنید

قال الله عزوجل:	خداوند بزرگ فرمود:
	(61) پس هنگامی که درآئید به خانه‌هائی سلام کنید بر خویشتن، درودی از نزد خدا فرخنده و پاکیزه، بدینسان روشن می‌کند خدا برای شما آیت‌ها را تا بخرد آئید.

[نور: 61]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  درین آیت کریمه, خداوند به بندگان مؤمنش تعلیم می‌دهد که چون یکی از شما به خانهٔ خود یا خانهٔ برادر مسلمانش داخل شود بر وی سلام بگوید و اگر در خانه کسی نباشد چنین بگوید: «**السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ**» سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار خداوند و چون در خانه کسی باشد بگوید: «السلام علیکم ورحمة الله» سلام و رحمت خدا بر شما باد و جواب سلام «وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته» سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. فرمودهٔ خداوند:  تحیه‌ای است از جاب خدا که خداوند به سلام گفتن امر کرده و آن را مشروع گردانیده است، و خداوند سلام است و هر سلامتی از طرف او است و سلام مبارک است زیرا خداوند است که در هر چیزی برکت می‌نهد و آن را مبارک می‌گرداند، سلام طیبه است، زیرا آثار آن پاکیزه است، زیرا

سلام محبت و برادری اسلامی را در میان مسلمین برقرار می‌گرداند و مسلمانان همدیگر را به این تحیه درود می‌فرستند و خداوند آدم υ را به این تحیه مورد خطاب قرار داد و گفت: این تحیهٔ تو و تحیهٔ فرزندان بعد از تو است.

فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی چنانکه خداوند احکام و آدابی را در ضمن آیات بیان فرموده، این ادب بزرگ و شایسته را نیز بیان می‌کند و می‌گوید: همچنین خداوند برای شما آیاتی که شامل احکام شرعی و آداب است بیان می‌کند تا شما را به سوی عقل و رشد رهنمون سازد و کارهای مفید را بشناسید و به کار بندید و کارهای زیان‌آور را شناخته و از آن دوری بجوئید.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا تمام شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و نکاتی که بر شنوندگان پوشیده است بیان کن.

3- به ایشان بیاموز: که سلام و جواب آن سنتی از سنن اسلام است، به دلیل فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ (النساء: 86).

«هنگامی که به شما سلام می‌گویند، بهتر یا همانند آن پاسخ دهید». «و فرمودهٔ پیامبر ρ : «**اعبدوا الرحمن أفشوا السلام**» «خدای را بپرستید و بر همگان سلام کنید». (از مرویات صحیح ابن ماجه).

4- به ایشان بیاموز: که سواره بر پیاده – ایستاده بر نشسته – گروه کم بر گروه زیاد, سلام بگویند.

درس 22: حدیث مسلمانان هنگام ملاقات مصافحه کنند

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَنْحَنِي بَعْضُنَا لِبَعْضٍ. قَالَ: لاَ. قُلْنَا أَيُعَانِقُ بَعْضُنَا بَعْضًا. قَالَ: لاَ وَلَكِنْ تَصَافَحُوا. **وَعَنْ الْبَرَآء قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَافَحَانِ إِلاَّ غُفِرَ لَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقَا.**	از انس τ روایت است کـه گفـت: گفتـیم: ای رسول خدا! آیا بعضی از مـا بـر بعضـی دیگر سر خم کند، فرمود: نه خیـر. گفتـیم: بعضی از ما با بعضی دیگر دست به گـردن کند، فرمودند: نه خیر، ولی مصافحه کنید. و از براء τ روایت است که گفـت: رسـول خدا ρ فرمودند: نیستند دو مسلمان کـه در هنگام ملاقات مصافحه می‌کنند، مگـر ایـن که گناهان‌شان پیش از این که جـدا شـوند بخشیده می‌شود.

(ابن ماجه)

شرح: سؤال از پیامبرρ: «**أَيَنْحَنِي بَعْضُنَا لِبَعْضٍ**» یعنی آیا جواز دارد که مسلمان در هنگام ملاقات با مسلمان دیگر برای احترام به وی سر خود را خم کند؟ پیامبر ρ به این سؤال جواب منع داد و فرمود: نه خیر.

انحناء: عبارت از این است که شخص سر خود را با بعضی از بدنش مانند رکوع خم کند، و این گفته پیامبرρ: «**أَيُعَانِقُ بَعْضُنَا بَعْضًا**» آیا بعضی از ما با بعضی دیگر دست به گردن کند؟ پس جواب دادند: نه خیر، عدهٔ با عدهٔ دست به گردن نکنند. سپس آن‌ها را به کار بهتری راهنمائی کرده و فرمود: «**تَصَافَحُوا**» باهم مصافحه کنید. مصافحه: نهادن کف دست به کف دست طرف است.

این فرمودۀ پیامبر ρ: «**مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ**» یعنی دو مسلمان نیستند که باهم دیدار و مصافحه کنند و دستش را به دست دیگری بگذارد «**إِلاَّ غُفِرَ لَهُمَا**» یعنی برای پاداش مصافحۀ شان گناهان آن‌ها بخشیده می‌شود پیش از آن که از هم جدا شوند.

راهنمائی برای مربی:

1- هردو حدیث را جدا جدا بخوان تا آن‌ها را حفظ کنند.

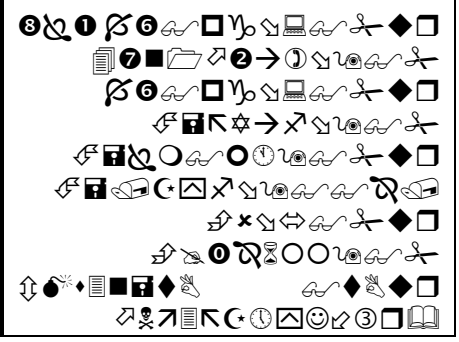
2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و معانی پوشیده را واضح گردان تا دانسته شود.

3- به ایشان بگو: وقتی که سر خم‌کردن ممنوع باشد رکوع و سجود به صورت اولی ممنوع است.

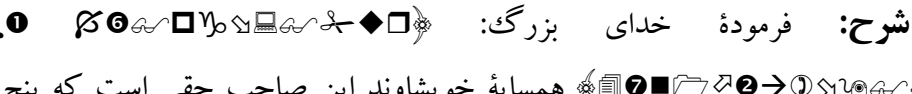
4- به آن‌ها بفهمان: که معانقه کراهیت دارد، مگر این که بعد از سفر طولانی یا جدائی به اندازۀ سه روز باشد ولی بازهم ترک آن بهتر است، زیرا مصافحه کفایت می‌کند.

5- به ایشان بگو: که مغفرت گناهان به فضل خداوند است تا گفته نشود: که به مجرد مصافحه، گناهان بخشیده می‌شود و ظاهر حدیث دلالت می‌کند که مغفرت شامل گناهان صغیره و کبیره را می‌شود به خصوص که با توبۀ صادقه, همراه باشد.

درس 23: آیهٔ حقوق ده‌گانه

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خدای تعالی:
	احسان کنید با همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار هم پلهو. و راهگذر نیازمند و آنچه مالک شده دست‌های شما از بردگان.

[نساء: 36]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ:  همسایهٔ خویشاوند این صاحب حقی است که پنج تای دیگر از نظر حقوق بر وی تقدم دارند.

اول: خداوند است و حقش این است که به یگانگی پرستش شده و به وی چیزی را شریک نگردانند.

دوم: پدر و مادر اند و حقشان این است که به ایشان به خوبی رفتار شود و تا بتوانند به آن‌ها خیر برسانند و زیان را از آن‌ها دور کنند و در حد معروف از ایشان اطاعت کنند.

سوم: صاحبان قرابت اند و حقوق‌شان نیکوئی و پیوند به آن‌ها و قطع‌نکردن صلهٔ رحم‌شان است.

چهارم: یتیمان هستند: که با ایشان به نیکوئی رفتار شود اگر گرسنه باشند طعام‌شان بدهند و اگر برهنه باشند بپوشانندشان و از مال و دارائی‌شان نگهداری کنند و به بهداشت جسمی و پرورش روحی آن‌ها توجه کنند.

پنجم: مساکین هستند: که حقوق‌شان احسان به آن‌ها است که اگر گرسنه اند اطعام شوند و اگر سرپناهی ندارند جای داده شوند و مورد اذیت و آزار دست و زبان قرار نگیرند.

ششم: جار (همسایه) است و آن بر سه قسم است: همسایهٔ قوم و خویش – همسایهٔ بیگانه که قسم هفتم را تشکیل می‌دهد و این نوع همسایه, گاهی مسلمانست و زمانی کافر برای همسایه اول سه حق است برای دوم دو حق و برای سومی یک حق و حق همه‌شان احسان، دلجوئی، برآوردن حاجت‌شان و دورکردن اذیت از ایشانست.

هشتم: یار هم پهلو که بر همسر و کسانی که با تو اختلاط و ملازمت دارند مانند برادران و شاگردان اطلاق می گردد و حقوق همه ایشان احسان و خیرخواهی و دورکردن اذیت و آزار از آن‌ها است.

نهم: «ابن السبیل» مسافری که صاحب قرابت است و حقش احسان به او است که از مال، خون و آبرویش محافظت شود و اگر راه را گم کرده راهنمائیش کنند و اگر گرسنه باشد طعامش دهند و اگر پیاده بماند سوارش کنند.

دهم: آنچه در ملک شما است از بردگان و غلامان و احسان به این‌ها این است که از آنچه می‌خورید و می‌پوشید به ایشان بخورانید و بپوشانید و بیشتر از توان‌شان کار نفرمائید و اگر چنین کردید آن‌ها را یاری دهید.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و آنچه محتاج به تفسیر است بیان کن تا همه‌گان بفهمند.

3- به ایشان بفهمان: که بزرگترین این حقوق, حق خداوند و حق والدین و سپس حق صاحبان قرابت و هریک به ترتیبی که ذکر شده است.

4- ایشان را بر ادای این حق ده‌گانه تشویق کن و بیاموز: که وفاداری به حق خداوند عبادت و یکتاپرستی او است.

درس 24: حدیث احترام به همسایه و اکرام مهمان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيُحْسِنْ إِلَى جَارِهِ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَسْكُتْ.	فرمودۀ رسول الله ρ: آن که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید به همسایه‌اش نیکی کند، و آن که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید مهمانش را احترام نماید و آن که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید سخنی خیر بگوید و یا ساکت شود.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ**»: یعنی کسی که ایمان داشته باشد که خداوند پروردگار و معبود برحق است و غیر او پروردگاری نیست و به زنده‌شدن در آخرت و حساب آن روز از پاداش و کیفر, ایمان داشته باشد، و آن که دارای چنین ایمانی باشد «**فَلْيُحْسِنْ إِلَى جَارِهِ**» به همسایه‌اش نیکی می‌ورزد و در رساندن خیر و احسان به همسایه و دفع آزار و اذیت از آن اجر و ثواب خداوند را می‌طلبد. و فرموده‌اش: «**وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ**»: اکرام ضیف: عبارت است از پذیرش مهمان به جایگاه مناسب و تقدیم غذا و نوشیدنی و پذیرائی از او به مدت سه شبانه روز و فرموده‌اش: «**وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَسْكُتْ**»: یعنی مسلمان کامل الایمان که به خدا و روز آخرت ایمان دارد هرگاه که ارادۀ سخن‌گفتن داشته باشد گفته‌هایش را ارزیابی می‌کند که اگر سخنش متضمن فایده بود و زیانی را در بر نداشته باشد آن را بیان می‌کند و در غیر آن ساکت می‌ماند، و رسول الله ρ این راه و روش را برای صلاح جامعۀ اسلامی ارشاد فرمودند: که اگر مسلمانان به پیروی از این سیرت و روش, خویشتن را پای بند گردانیده و از شر و بدی کناره‌جویی کنند سعادت و خوشبختی دین و دنیای‌شان را به بار می‌آورند.

راهنمائی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنونده‌ها آن را حفظ کنند.

2-شرح را به آرامش بخوان و معنای کلمه‌هائی که دانسته نشده برای شنونده‌ها توضیح کن.

3-برای‌شان از اهمیت عقیده به زنده‌شدن در روز آخرت را تذکر بده، چه این عقیده به منزلهٔ قوهٔ بازدارنده ایست برای آن که به پاداش چنین روزی آگاهی و ایمان داشته و سبب می‌شود که به کار خیر رو آورده و از شر و بدی اجتناب نماید.

4-ایشان را به حقوق همسایه و مهمان آشنا ساز: که هریک از ایشان حقوقی دارند.

5-به ایشان تذکر ده: که خموشی و سکوت کلید سلامتی است، هرکه زبانش را کنترل و اداره کند مالک امور خود است و آن که زبانش را حفظ نکرد زندگی‌اش را به خساره و زیان روبرو کرده است، چنانکه پیامبر ρ در حدیثی فرمودند: «**کف عنک هذا**» این را از خود بازدار، و اشاره به زبان خود نمودند، معاذ τ گفت: آیا در سخن‌هائی که می‌زنیم مؤاخذه می‌شویم؟ رسول الله ρ فرمود: «**وهل یکب الناس في النار علی وجوههم إلا حصائد ألسنتهم**؟» آیا مردم را به روی‌هایشان در آتش سرنگون می‌اندازد به جز حاصل زبان‌های‌شان؟

درس 25: آیهٔ مؤمنین و... دوستان یکدیگرند

قول الله تبارک وتعالی:	گفته خداوند Ψ:
♦♌❑↖☪♑✍⬀⬧←☺↘☜◉✍✂◆❒ →💣🕓❒✡♑✍⬀⬧←☺↘☜◉✍✂◆❒ ⬀☠←♍→♐⬀➔♦✍ ↓↗🖉✍◆⑩♑☜◉⬀❒❒🕮 ✍♦➔⬀🖫	(71) مردان مؤمن و زنان مؤمنه بعضی از ایشانند دوستان بعضی.

[توبه: 71]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ: ﴿❒◆✂✍◉☜↘☺←⬧⬀✍♑☪↖❑❒◆♦♌ ❒◆✂✍◉☜↘☺←⬧⬀✍♑✡❒🕓💣←﴾ یعنی کسانی که به خدا و رسول و ملاقات با خداوند ایمان دارند و در ایمان خود صادق و از کمال ایمان برخوردار هستند این گروه بعضی ایشان دوستان بعضی دیگر اند. ولایت بر دو اصل استوار است: اول محبت، دوم نصرت و یاری‌دادن و از مظاهر یاری‌دادن آنست: که به دوست خود ستم نکند و وی را به دشمنش تسلیم نکند و در جائی که محتاج به نصرت و یاری است تنها نگذارد و چون او را بر معصیت خداوند ببیند به آن حالت وانگذارد بلکه به وسیلهٔ امر به معروف و نهی از منکر او را از شر شیطان نجات داده تا توبه کند و به طرف خداوند بازگردد، خدائی که پروردگار و مالک زندگی او است. و از مظاهر محبت آنست که هرگاه عطسه زند «یرحمک الله» بگوید و اگر بیمار شد به عیادتش برود و اگر از راه منحرف شد وی را راهنمائی کند و چون از وی نظر خواهی کند، خیرخواهی خود را از او دریغ ندارد، اگر خسته باشد سوارش کند و چون نادار شد کمکش کند خلاصه هرچه که برای خود دوست می‌دارد برای او هم دوست بدارد و هرچه را برای خود بد می‌شمارد برای او هم بد بشمارد. و مصداق این جملات سخن پیامبر υ است که می‌فرماید: «هیچیکی از شما ایمان ندارد تا این که برای برادرش چیزی بپسندد که برای خود می‌پسندد». و لازمه‌اش آنست آنچه برای خود نمی‌خواهد برای برادرش هم نخواهد.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را به تکرار بخوان تا حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده تا به درستی فهمیده شود.

3- به آن‌ها بیاموز: که ولایت و برائت از ایمان است مؤمنان با مؤمنان دوستند و با کافران دشمن، خداوند می‌فرماید:  (المجادلة: 22). «نیابی گروهی را که ایمان آرند به خدا و روز بازپسین دوستی کنند با آن که دشمنی کند با خدا و پیامبرش و هرچند باشند پدران‌شان یا پسران‌شان یا برادران‌شان یا خویشاوندان‌شان».

4- به ایشان بفهمان: که مسلمانان در مقابل کفار سخت‌گیر و درشت خوی و در میان خود نرم‌خوی و مهربان می‌باشند.

5- حقیقت دوستی را در میان مردان و زنان مسلمان بیاموز که باید باهم محبت و صمیمیت داشته و همدیگر را یار و مددکار باشند و اگر خدای ناکرده نصرت و محبت در بین‌شان نباشد و علایق برادری و خواهری اسلامی مراعات نگردد، پس نعوذ بالله برائت و دشمنی بوجود می‌آید.

درس 26: حدیث هنگام عصر الحمد لله بگوید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلْيَرُدَّ عَلَيْهِ مَنْ حَوْلَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ. وَلْيَرُدَّ عَلَيْهِمْ يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ.	پیامبر ﷺ می‌فرمایند: هرگاه یکی از شما عطسه زند پس باید الحمدلله بگوید و کسانی که در اطرافش هستند در جواب او یرحمک الله بگویند باز او در پاسخ یهدیکم الله ویصلح بالکم بگوید.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ﷺ: «**إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ**» عطسه عبارت از بیرون‌شدن هوا است به شدت از بینی که از آن آوازی شنیده می‌شود و در محاورهٔ اعراب, عطس – یعطس – عطاساً گفته می‌شود که هوا به شدت از بینی شخص همراه آواز بیرون شود و هرگاه مسلمان عطسه زند بر وی لازم است که خدای را ستایش کند و الحمد لله بگوید و اگر کسی از مسلمانان همراهش بود، لازم است «**يَرْحَمُكَ اللَّهُ**» بگوید یعنی خدا بر تو رحم کند. این دعای رحمت از مقتضیات محبت و دوستی مسلمین است و باید آن طرف نیز این دعا را پاسخ دهد و بگوید: «**يَهْدِيك اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَك**» «یعنی خدا تو را هدایت کرده و حالت را اصلاح کند». در صورتی که یک نفر باشد و اگر بیشتر بودند «**يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ**» به صیغهٔ جمع بگوید و این عبارت از بهترین دعاها است، زیرا در آن طلب هدایت برای مسلمان و اصلاح حال آن‌ها و شامل سعادت دنیا و آخرت است، چون سعادت کامل آنست: که انسان در دنیا و آخرت سعادتمند باشد و در حدیث آمده است که هرگاه بار دوم تا سوم عطسه تکرار شود جواب بگوید و در مرتبهٔ چهار لازم نیست زیرا این تکرار عطسه به علت زکام خواهد بود.

راهنمائی برای مربی:

1-عبارت حدیث را به خوبی بخوان و تکرار کن: شنوندگان هم تکرار و حفظ کنند.

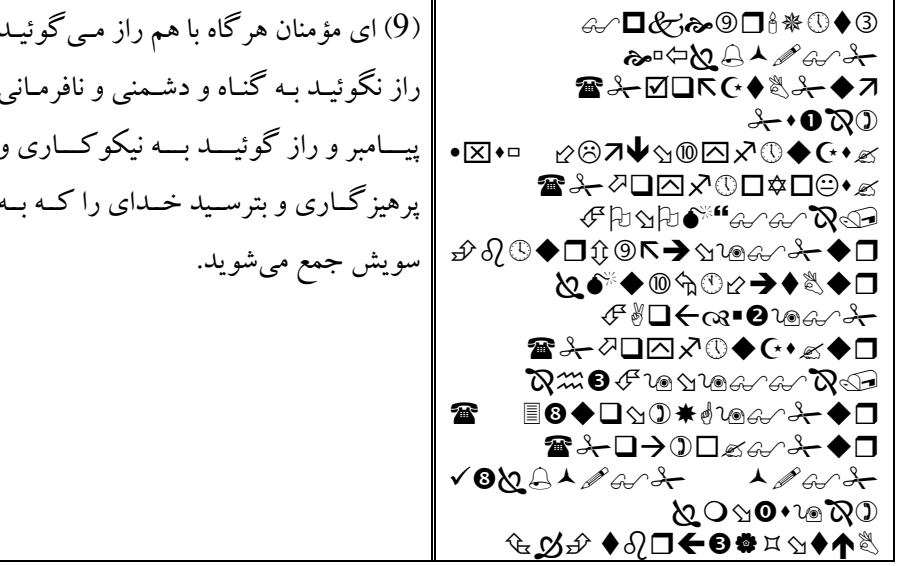
2-در هنگام عطسه «**الْحَمْدُ لِلَّهِ**» گفتن و جواب آن را به «**يَرْحَمُكَ اللَّهُ**» بازگفتن سنت و از مظاهر اسلام می‌باشد.

3-چون در جواب الحمد لله – «**يَرْحَمُكَ اللَّهُ**» گفت، عطسه‌زننده در جوابش «**يَهْدِيكُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَكَ**» یا «**يغفر الله لي ولک وهو الغفور الرحيم**» بگوید.

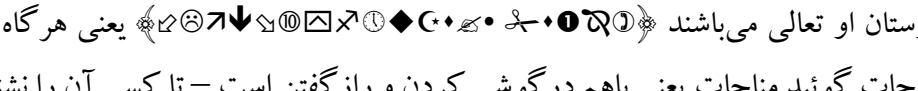
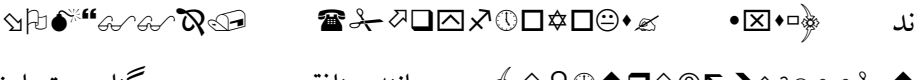
4-به ایشان بیاموز: که جواب عطسه به عبارت «**يَرْحَمُكَ اللَّهُ**» بدبینی را از وی دور می‌گرداند.

5-به ایشان بفهمان: که این آداب به جز در مکتب اسلام دیده نمی‌شود باید خدای را بر نعمت اسلام شکر بگوئیم و به این مزایا افتخار کرده و بدان عمل کنیم و سیاه و سفید را بر آن دعوت کنیم.

درس 27: آیهٔ به گناه و دشمنی باهم راز مگویید

قول الله جل جلا له:	گفتهٔ خداوند Ψ:
	(9) ای مؤمنان هرگاه با هم راز می‌گوئید راز نگوئید به گناه و دشمنی و نافرمانی پیامبر و راز گوئید به نیکوکاری و پرهیزگاری و بترسید خدای را که به سویش جمع می‌شوید.

[مجادله: 9]

شرح: فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ خداوند بندگان مؤمنش را مخاطب قرار داده و ایشان را تربیهٔ اخلاقی کرده و ارواح‌شان را پاکیزه می‌گرداند زیرا خداوند دوست مؤمنان و ایشان نیز دوستان او تعالی می‌باشند ﴿  ﴾ یعنی هرگاه باهم مناجات گوئید مناجات یعنی باهم درگوشی کردن و رازگفتن است – تا کسی آن را نشنود و نداند ﴿  ﴾ پس مانند منافقین و یهود به گناه و تجاوز راز نگوئید، زیرا منافقین و یهود باهم به سرزنش‌کردن پیامبرρ و مسلمانان راز می‌گفتند: همان طوری که گروهی به نافرمانی پیامبر سفارش می‌کردند، پس خداوند بندگان مسلمان خود را نهی می‌کند تا مانند یهود و منافقین نباشند، فرمودهٔ خداوند:

﴿☎✂⇗❑⊠↗🕓◆☪♦✍◆❒﴾ ﴿❒◆✂✍◉✱✌◉✍✂◆❒﴾ یعنی طاعات را انجام دهید، کردار شایسه را به جا آرید، محرمات را فرو گذارید و از اعمال ناپسند دوری کنید و فرمودهٔ خداوند: ﴿❒◆✂✍◉✂❑☎ ✓✍✂ ✍✂ ✍✂◆❒□✍✍✂→❑✂☎﴾ ﴿♦❒🡐❶✪⌑◆✋✍﴾ یعنی از خداوند بترسید و او را در اوامر و نواهی نافرمانی نکنید، زیرا شما به زودی به سویش برمی‌گردید و از شما حساب گرفته و به کردارتان جزا می‌دهد و اگر پرهیزگار باشید در دنیا و آخرت نجات می‌یابید، زیرا فرمانبرداری خداوند، نظام کاملی است که کسی که به آن چنگ بزند به اذن خداوند سعادتمند می‌گردد.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و آنچه بر شنوندگان مشکل است بیان کن.

3- به ایشان بیاموز: که برای دو نفر جواز ندارد که نزد نفر سومی باهم پوشیده سخن گویند، زیرا مناجات و راز گفتن او را بدگمان و اندوهگین می‌گرداند.

4- ایشان را به تقوی و پرهیزگاری تشویق کن چون تقوی و پرهیزگاری سرآمد همه کارها است.

5- آن‌ها را از زنده‌شدن بعد از مرگ و جزای کردار نیک و بد و حاضرشدن در صحنهٔ قیامت بیم ده.

درس 28: حدیث چون سه نفر هستید، دو نفر باهم...

قول النبي عليه السلام: إِذَا كُنْتُمْ ثَلاَثَةً فَلاَ يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ صَاحِبِهِمَا فَإِنَّ ذَلِكَ يُحْزِنُهُ. **وَعَنْ ابْن عُمَر رضي الله عنهما: قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– أَنْ يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الثَّالِثِ.**	فرمودۀ پیامبر υ: چون سه نفر باشید دو نفرتان باهم سرگوشی نکنند بدون نفر سومی زیرا این کار رفیق‌تان را غمگین می‌گرداند. و نیز از این عمر ب روایت شده که پیامبر خدا از این که دو نفر بدون رفیق سومی خود باهم رازگوئی کنند نهی فرموده است.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**إِذَا كُنْتُمْ ثَلاَثَةً**»: یعنی چون سه نفر مرد یا زن باشید «**فَلاَ يَتَنَاجَى**» پس سرگوشی نکنند دو نفر بدون رفیق سومی، فرمودۀ پیامبر ρ «**لإِنَّ ذَلِكَ يُحْزِنُهُ**» این جمله علت نهی از سرگوشی دو نفر را بیان می‌کند و می‌فرماید: این گوشه‌گیری از نفر سوم وی را غمگین می‌سازد، چون نمی‌داند که این دو نفر در چه مورد سرگوشی می‌کنند و گمان می‌کند شاید با سخن خود قصد سوئی به وی دارند و هرگاه فروگذاشتن مسلمان مانند ترسانیدن و اذیت او حرام است، لذا پیامبر ρ اینگونه سرگوشی را نیز حرام کرد تا مسلمانان بر صمیمیت، محبت و دوستی خود باقی بمانند.

و حدیث ابن عمر τ «**نَهَى رَسُولُ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– أَنْ يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الثَّالِثِ**» پیامبر خدا ρ از این که دو نفر بدون رفیق سوم خود باهم رازگوئی کنند نهی فرموده است. مانند حدیث اول دلالت دارد که سرگوشی دو تن از رفیقان بدون نفر سومی حرام است، زیرا این کار در مسلمان ترس ایجاده کرده و غمگینش می‌گرداند.

راهنمائی برای مربی:

1- هردو حدیث را واضح بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

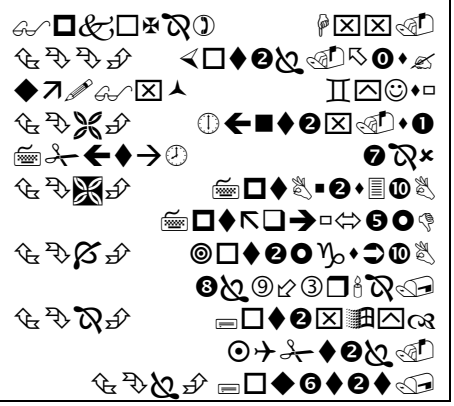
2- شرح مطالب را جمله بخوان و آنچه به تفسیر احتیاج دارد تفسیر کن تا شنوندگان بفهمند.

3- ایشان را از سخن پیامبرρ که می‌فرماید: «مسلمان برادر مسلمان است بر وی ستم نمی‌کند، برایش دروغ نمی‌گوید، او را ذلیل نمی‌گرداند، وی را به دشمن تسلیم نمی‌کند. همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است خون و آبروی او و مال او».

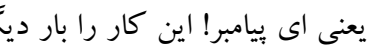
4- ایشان را از محاسن مکتب اسلام آگاه کن: که هجران (ترک‌کردن) مسلمان و هرآنچه سبب رنج و اندوه یا ترس مسلمان می‌شود حرام کرده است.

5- آن‌ها را از علت نهی سرگوشی دو نفر بدون سومی آگاه کن، زیرا این کار سبب بقای محبت و دوستی اسلامی می‌شود و نتیجهٔ آن همکاری و تعاون در بر و تقوی در بین مسلمانان است.

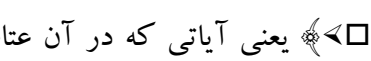
درس 29: آیات قرآنی پند است

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودۀ خداوند متعال:
	(11) نـه چنـان اسـت همانـا آن اسـت یادآوری (12) هرکه بخواهد یادآورد آن را (13) در نامـــه‌هـــای گرامـــی (14) برافراشته پاک شـده (15) بـه دسـت‌هـای پیام‌آورانی (16) گرامیانی نیکانی.

[عبس: 11 – 16]

شرح: فرمودۀ خداوند: ﴿  ﴾: یعنی ای پیامبر! این کار را بار دیگر انجام مده، زیرا پیامبر υ روزی به دعوت و تبلیغ عدۀ از مردان قریش مشغول بود و امید داشت که هدایت شوند و بدینوسیله اسلام پیشرفت کند ابن ام مکتوم τ که صحابی نابینا بود آمد و نمی‌دید که پیامبرρ مشغول دعوت اند، سؤالی کرد پیامبرρ جوابش را نداد و روی درهم کشید خداوند وی را از این کارش به این فرمودۀ خود ﴿  ﴾ (عبس: 1 ـ 2) «چهره در هم کشید و روی گردانید. از این که نابینائی به سراغ او آمده بود».

مورد عتاب قرار داد تا این که فرمود: «کلا» یعنی این کار را بار دیگر تکرار مکن و فرمود:

﴿  ﴾ یعنی آیاتی که در آن عتاب دوست به دوستش هست سبب پندگرفتن است ﴿  ﴾ یعنی کسی که از مسلمانان می‌خواهد که ازین وحی و تنزیل که متضمن عتاب و تأدیب است

پند پذیرد ﴿❼×❷♦➔♦➔ ❷▪❿▤❷♦❿ ❒♦❒﴾ در نامه‌ای گرامی نزد خداوند ﴿❺❶➔▫⇔❺❶❒♦❒↖❒➔❒♦❒❷❶♦❿ ❒◎﴾ پاک شده پاک از تماس شیاطین ﴿❒❒❸❒⑨❸❒❸❒♦❷❒♦❒﴾ به دست‌های کاتبانی که از لوح محفوظ نسخه‌برداری می‌کنند ﴿❒❸❷♦❷❸ ❒⊙✈♦❷❸❒♦❻♦❷♦❒ ❒﴾ یعنی گرامیانی فرمانبردار برای خداوند و راستگویانی و آن‌ها فرشتگان هستند, که از لوح محفوظ آنچه را خداوند می‌خواهد نسخه‌برداری می‌کنند.

راهنمائی برای مربی:

1- آیات را به تکرار بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان و نکاتی که محتاج به بیان دارد توضیح ده: تا شنوندگان بدانند.

3- به ایشان از آنچه خداوند پیامبرش را به واسطهٔ توجه باهل جاه و ثروت و اعراض از فقراء مورد عتاب قرار داده آگاه گردان.

4- به ایشان بیاموز: که مسلمان در همهٔ اوقاتش به یاد خداوند بزرگ مؤمور است و خواندن قرآنکریم از بزرگترین انواع ذکر به حساب می‌رود و بیشترین فواید را برای مؤمنین در بردارد.

5- به آن‌ها بفهمان: که باید مؤمن قاری قرآن, مانند فرشتگان نویسنده نیکوکار و بزرگوار، بخشنده نیکوکار و فرمانبردار خدا باشد.

6- آن‌ها را آگاه کن: که پیامبر اسلام ρ به جهت پذیرفتن تربیت و عتاب خداوندی و اطاعتش از امر خدا، هرگاه ابن ام مکتوم را می‌دید چادر مبارکش به زیر پای او می‌گسترانید و می‌فرمود: «آفرین بر کسی که خداوند مرا به واسطهٔ وی مورد عتاب قرار داده و برایش می‌فرمود: آیا کاری داری تا انجام دهم؟».

درس 30: حدیث کسی که قرآن را به سختی می‌خواند...

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ أَنْ يَجِدَ فِيهِ ثَلاَثَ خَلِفَاتٍ عِظَامٍ سِمَانٍ. قُلْنَا: نَعَمْ. قَالَ: فَثَلاَثُ آيَاتٍ يَقْرَؤُهُنَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلاَتِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلاَثِ خَلِفَاتٍ سِمَانٍ عِظَامٍ. **وَقَالَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالَّذِي يَقْرَؤُهُ يَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ اثْنَانِ.**	فرمودهٔ پیامبر υ: آیا یکی از شما دوست دارد که چون به اهلش بازگردد در خانه خود سه شتر باردار بزرگ و فربه بیابد. گفتیم: آری، فرمود: پس سه آیتی که یکی از شما در نمازش می‌خواند از سه شتر باردار بزرگ و فربه بهتر است. و نیز فرمود: کسی که در قرائت قرآن مهارت دارد با فرشتگان نویسنده بزرگ و نیکوکار است و آن که قرآن را می‌خواند و به سختی کلمات را اداء می‌کند برایش دو اجر و مُزد است.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبرρ : «**أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ**» آیا دوست دارد یکی از شما که چون به خانه خود از مسجد یا از سر کار بازگردد، «**أَنْ يَجِدَ فِيهِ ثَلاَثَ خَلِفَاتٍ**»، خلفات جمع خلفه و آن شتر حامله را گویند عظام سمان یعنی آن شترانی که نزد اهلش می‌بیند بزرگ و چاق اند «**قُلْنَا: نَعَمْ**» گفتیم: آری دوست داریم، چنین چیزی را داشته باشیم پیامبر υ در جواب‌شان گفتند: «**فَثَلاَثُ آيَاتٍ يَقْرَؤُهُنَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلاَتِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلاَثِ خَلِفَاتٍ سِمَانٍ عِظَامٍ**» پس سه آیتی که یکی از شما در نمازش می‌خواند برایش از سه شتر حاملهٔ فربه و چاق بهتر است و فرمودهٔ پیامبرρ: «**الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ**» یعنی کسی که به خوبی قرآن را آموخته و حفظ کرده است «**مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ**» با فرشتگان نویسندهٔ بزرگوار و نیکوکار است در علو درجة و صلاحیت حال و قداست رتبه «**وَالَّذِي يَقْرَؤُهُ يَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ**

اثْنَانِ» و معنی یتتعتع این است که کلمات را به تردد و تکرار اداء می‌کند و دو اجر بدین سبب دارد که اجر اول برای قرائت او و اجر دوم برای رنج و مشقتی که در قرائت قرآن متحمل می‌شود.

راهنمائی برای مربی:

1- هردو حدیث را واضح بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن‌ها را حفظ کنند.

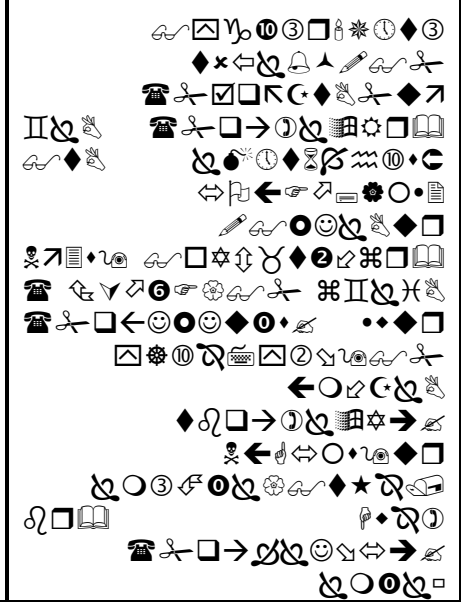
2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

3- ایشان را از مقام و منزلت حافظین قرآن آگاه کن: که آن‌ها با فرشتگان نویسنده بزرگوار و نیکوکار هستند.

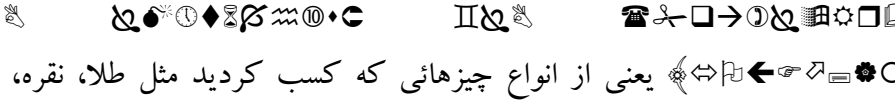
4- آن‌ها را از نحوهٔ دعوت و تشویق پیامبر ρ به حفظ قرآنکریم آگاه کن: که آن حضرت ρ می فرماید: «**أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ**» آیا یکی از شما دوست دارد که البته این عبارت ایشان را به حفظ قرآنکریم بروش که در آن مشقت و رنجی احساس نشود تشویق می‌کند به خلاف عبارتی که اگر مثلا می‌گفت: قرآن را بیاموزید و حفظ کنید که از آن چنین نتیجهٔ به دست نمی‌آمد.

درسهای ماه شعبان

درس 1: آیهٔ انفاق از مال‌های پاکیزه

قول الله تبارک وتعالی: 	فرمودهٔ خداوند بزرگ: (267) ای مؤمنان! انفاق کنید از پاکیزه‌های آنچه فراهم کردید و از آنچه بیرون آوردیم از زمین و قصد نکنید پلید را از آن انفاق می‌کنید و نیستید گیرندهٔ آن جز با فروخواباندن چشم در آن.

[بقره: 267]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ:  خداوند در این آیت بندگان مؤمن به خدا و رسولش را خطاب می‌کند، چون ایمان است که به ایشان نیرو بخشیده و بدینوسیله برای تکلیف و خطاب الهی اهلیت پیدا می‌کنند. ایشان را ندا می‌کند و دستور می‌دهد: که  یعنی از انواع چیزهائی که کسب کردید مثل طلا، نقره، اموال تجارتی، چارپایان مانند شتر، گاو، گوسفند انفاق کنید، و در این آیت نسبت کسب به بندگان داده شده است چه ایشان به کارهای تجارتی و صنعتی و غیره اشتغال دارند و فرمودهٔ خدای بزرگ:  یعنی از انواع دانه‌ها مانند گندم، جو، جواری و اقسام میوه‌ها مثل

خرما و انگور و خداوند جمله ﴿ﷺ نسبت بیرون‌کردن را به سوی خود داده چون غیر خداوند, دیگری قدرت رویانیدن درختان و گیاهان را ندارد چنانکه در سوره واقعه: آیۀ 63 ـ 64 می‌فرماید: ﴿ﷺ «آیا دیدید آنچه را می‌کارید آیا شما کشتش می‌کنید یا مائیم کشت‌آوران؟». جواب این است که خدا یگانه کشت‌کننده حقیقی و رویانندۀ آنست «پاک و بلند است خداوند» و انفاق در اینجا همه نوع انفاق را شامل می‌شود انفاقی که بر نفسش، خانواده، مهمان و برادران نیازمند مسلمان اوست و باید زکات نخستین نفقۀ باشد که انفاق می‌کند به شرطی که دارای نصاب بوده و سال بر آن بگذرد و زمان چیدن میوه‌ها و درو فرا رسد. فرمودۀ خدای بزرگ: ﴿ﷺ یعنی میوه‌جات و حبوباتی را که صدقه می‌کنید از نوع پست انتخاب نکنید چنانکه اگر برای شما داده شود حاضر به پذیرفتن آن جز با فروبستن چشم نیستید، لذا با برادران فقیر و مسکین‌تان چنان پیش آمد کنید که با خویشتن می‌نمائید.

راهنمائی برای مربی:

1- آیت فوق را با ترتیل تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- جمله‌های شرح را یکی پس از دیگری بیان کن تا دانسته شود.

3- به ایشان بگو: که کسب از راه مشروع برای رفع احتیاج بیوه‌زنان و محتاجان دارای ثواب و پاداش بسیار بزرگ است.

4- ایشان را به آداب عالیه اسلام آگاه کن، باید مسلمان با دیگران چنان معامله کند که به نفس خود می‌کند.

5-ایشان را از وجوب زکات در غله‌جات، میوه‌ها، حیوانات و در طلا و نقـره و ماننـد آن از کارها و مال‌های تجارتی آگاه کن.

درس 2: حدیث انفاق به خود و خانواده صدقه است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَا كَسَبَ الرَّجُلُ كَسْبًا أَطْيَبَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَمَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَخَادِمِهِ فَهُوَ صَدَقَةٌ. **وَقَالَ: الساعي على الأرملة والمساكين، كالمجاهد في سبيل الله، وكالذي يصوم النهار ويقوم الليل.**	فرمودهٔ پیامبر صلوات الله وسلامه علیه: مرد از دست مزد خود چیزی پاکیزه‌تری کسب نکرده است و هرآنچه مرد بر نفس و اهل و فرزندان و خادمش نفقه می‌کند صدقه محسوب می‌گردد. و نیز فرموده است: کسی که رسیدگی می کند بر بیوه‌زنان و مساکین، مانند جهادکننده در راه خدا ست، و مانند کسی است که شب را به عبادت و روز را به روزه می‌گذراند.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**مَا كَسَبَ الرَّجُلُ كَسْبًا أَطْيَبَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ**» ازین خبر پیامبر ρ دو چیز دانسته می‌شود اول مشروع‌بودن کار از طریق مجاز مانند صنعت، تجارت و کشاورزی، دوم این که هرچه انسان از راه کسب به دست می‌آورد و در راه تحصیل آن سعی و کوشش می‌کند، بهترین چیزی است که انسان به دست آورده است. فرمودهٔ پیامبر υ: «**وَمَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَخَادِمِهِ فَهُوَ صَدَقَةٌ**» این خبر دوم نبی ρ است بعد از اول که حاصل مضمونش چنین است، آن مالی را که فرد مؤمن بر خود، زن، فرزند و خادم خویش از غذا، لباس، خانه، وسیله سواری و دارو و مانند این‌ها صرف می‌کند برایش صدقه محسوب می‌گردد و مانند صدقات دیگر اجر و ثواب دارد و اجر آن تا ده برابر مضاعف می‌شود. این حدیث مرد مسلمان را به طرف کسب و کار تشویق کرده است و او را از کسالت و تنبلی برحذر می‌دارد، زیرا مسلمان دارای عزت و کرامت نفس می‌باشد راضی نمی‌شود که سوال کند و از چرک مال مردم بخورد، زیرا صدقه به فرمودهٔ پیامبر ρ: چرک اموال مردم است که

مردم به این صدقات نفس خود را پاک کرده و آن را به کسانی می‌دهند که صدقه می‌خورند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-هردو حدیث را به نحو احسن چندین بارتکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

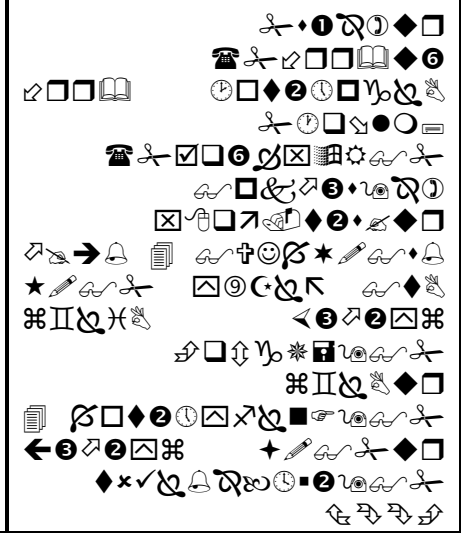
2-شرح حدیث را به طور واضح و روان به صورتی که لازم است بخوان تا شنوندگان آن را بفهمند.

3-ایشان را از فضیلت کار و کسب و پستی کسالت و تنبلی آگاه کن.

4-به ایشان بگو: کسی که برای رفع حاجت بیوه‌زنان و مساکین می‌کوشد در اجر خود مانند مجاهد در راه خدا و مانند روزه‌داری است که روز را به روزه و شب را به قیام سپری می‌کند.

5-به آن‌ها بفهمان: که انفاق بر نفس، زن، فرزند و خدمتکار واجب است و کسی که آن را انجام می‌دهد اجر دارد و آن که ترک می‌کند مستحق عذاب می‌باشد.

درس 3: آیهٔ رفتن به سوی تجارت و سود و ترک خطبه

قول الله عزوجل:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(و هرگاه بهبینند تجارتی یا هوسرانی, بروند به سویش و بگذارند تو را ایستاده بگو: آنچه نزد خدا است بهتر است از هوسرانی و از تجارت و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.

[جمعه: 11]

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی:  آن دسته مسلمانی که در نماز جمعه با تو در مسجد بودند، هنگامی که برای ایراد خطبه «برایشان» به پا خواستی و آن‌ها کاروانی را که حامل کالاهای تجارتی و غذایی بوده و اطفال و بردگان پیرامون آن با شور و شعف جمع شده و با آوازخوانی و دف‌زنی چنانکه رسم دیرین جاهلیت‌شان پیش از اسلام بود، آن را استقبال می‌نمودند مشاهده کردند  : به طرف کاروان رفته و تو را در حال خطبه با گروهی که ده الی دوازده نفر به شمول خلفای راشدین چهارگانه بود ترک نمودند و خداوند Ψ این خبر را برای سرزنش آن گروه بیان کرد، چه ایشان در حالی به سوی هوا و هوس و تجات به بیرون مسجد رو آوردند که رسول الله ρ مشغول ایراد خطبه بودند، لذا خداوند به پیامبرش دستور

داد: تا اوشان را آگاه سازد که مزد و پاداش و روزی که نزد او تعالی است از هوس‌های بیهوده و از تجارت بهتر است، تا اهمیت آن را درک نموده و چنان عملی را بار دیگر انجام ندهند و همچنین بدانند که تنها ذات الله Ψ است که بهترین روزی‌دهندگان است و با عبادت و نزدیکی به او و با دعا و توسل به حضرتش آن همه روزی با خیر و برکت را طلب نمایند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به طور زیبا بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را با آرامش جمله جمله بخوان و آنچه محتاج توضیح باشد بیان کن.

3- به آن‌ها تعلیم ده: که تجارت دوگونه است: 1- تجارت دنیا. 2- تجارت آخرت. تجارت دنیا نباید انسان را از عبادت خداوند که هدف زندگی و سرّ این وجود است بازدارد، اما تجارت آخرت اگر انسان را از دنیا بازدارد انسان ضرر نمی‌کند چه خداوند Ψ می‌فرماید: که آخرت از دنیا بهتر است و آنچه را که خداوند خیر گفته هیچ عاقلی شک نمی‌کند که آن بهتر است و شخص عاقل چیز بهتر را طلب می‌کند.

4- به ایشان بگو: که دروازۀ لهو و لعب در اسلام بسته شده و بنیان و اساسش ویران گردیده است مگر سرگرمی و بازی با همسر و اطفال و مسابقه اسب دوانی و تیراندازی و آموزش اسلحه و وسایل جهاد که جواز دارد.

درس 4: حدیث خیار بیع درست است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِذَا تَبَايَعَ الرَّجُلاَنِ فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا وَكَانَا جَمِيعًا أَوْ يُخَيِّرْ أَحَدُهُمَا الآخَرَ فَإِنْ خَيَّرَ أَحَدُهُمَا الآخَرَ فَتَبَايَعَا عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ وَجَبَ الْبَيْعُ. وَإِنْ تَفَرَّقَا بَعْدَ أَنْ تَبَايَعَا وَلَمْ يَتْرُكْ وَاحِدٌ مِنْهُمَا الْبَيْعَ فَقَدْ وَجَبَ الْبَيْعُ.	فرمودۀ پیامبر ρ: هرگاه دو مرد بیعی را انجام دادند، پس هریک از ایشان به خیار هستند تا هنگامی که باهم باشند و جدا نگردند یا یکی ازیشان دیگری را مخیر کند، اما اگر یکی دیگری را مخیر کرد و بر این شرط, بیع را منعقد کردند، در این صورت بیع واجب می‌شود و اگر پس از چنین بیعی از هم جدا شدند و یکی از ایشان بیع را ترک نگفت، البته بیع واجب شده است.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرموده پیامبر ρ: «**إِذَا تَبَايَعَ الرَّجُلاَنِ فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا**» یعنی برای هریک از خریدار و فروشنده اختیار است که معامله را قبول یا رد کند و این تا وقتی است که هردو ایشان در محلی که معامله را انجام داده قرار داشته باشند و اگر بعد از معامله جدا گشتند و هیچیک از ایشان بیع را رد نکرد در اینصورت بیع ثابت شده است.

و اگر بیعی صورت گرفت و هریک از طرفین به طرف مقابل خود خیار داد، بیع منعقد گردیده و خیار برای ایشان ثابت است و اگر یکی از ایشان برگشت کرده و فسخ معامله را طلب کرد بیع فسخ می‌گردد. مگر این که زمانی را برای خیار معین کرده باشند که خیارشان تا آن زمان پابرجاست و اگر زمان گذشت خیار باقی نیست و بیع انجام شده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه احتیاج به بیان دارد توضیح بده.

3- آن‌ها را از تسهیلاتی که در این حدیث راجع به احکام بیع است آگاه کن، زیرا امکان دارد کسی معاملهٔ را انجام دهد و باز متوجه شده از آن پشیمان گردد. سپس برای چنین معاملهٔ پیامبرρ می‌فرماید: معامله‌گران بخیار هستند تا هنگامی که از هم جدا نشوند و اگر جدا شدند و هریکی به راه خود رفت بیع ثابت است و رجوعی وجود ندارد.

4- به آن‌ها بفهمان: که بیع به خیار جواز دارد و آن چنین است که یکی از معامله‌گران برای طرف مهلت می‌دهد و زمان آن را معین می‌کنند که اگر یکی از ایشان قبل از سپری‌شدن مدت، رجوع کرد برایش جایز است که خرید یا فروش خود را رد کند و این مسئله نیز از محاسن شریعت اسلام و کمالات محمدی υ است.

5- آن‌ها را به روابودن خرید و فروش آگاه کن، زیرا معامله در تمام انواع جنس‌ها و کالاها حلال است، مگر این که در چیزهای حرام مانند شراب و مسکرات و خود مرده و یا گوشت خوک صورت گیرد که در این هنگام از نگاه اسلام صحت ندارد.

درس 5: آیهٔ عهدشکنی و خیانت

قول الله سبحانه وتعالی:	فرمودهٔ خداوند متعال:
﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾	(77) همانا آنان که بفروشند پیمان خدا و سوگندهای خویش را به بهای اندک، آنان را نیست بهرهٔ در آخرت و سخن نگوید ایشان را خدا و ننگرد بدیشان روز قیامت و نه پاکسازدشان و برای ایشان عذاب دردناک است.

[آل عمران: 77]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ یعنی کسانی که پیمان بسته می‌کنند و در پیمان‌های خود فریب و خیانت می‌کنند سوگند می‌خورند و برای به دست‌آوردن سرمایهٔ پست دنیائی، دروغ می‌گویند: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی برای این‌ها بهره و نصیبی در آخرت نیست ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ یعنی با آن‌ها به طریق احترام و تشریف سخن نمی‌گوید و آن‌ها را تزکیه نمی‌کند و ایشان را ثنا نمی‌گوید و از گناهان و زشتی‌ها پاک‌شان نمی‌گرداند ﴿وَلَٰكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ خداوند به سوی‌شان در روز قیامت نظر نمی‌کند ﴿وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا﴾

﴿ و عذاب دردناک به سراغشان می‌آید که لذت زندگی را برایشان حرام کرده به نحوی که مرگ برای آن‌ها از زندگی گواراتر می‌گردد، چنانکه خداوند از احوال آن‌ها در سورهٔ زخرف حکایت کرده می‌فرماید: ﴿ ﴾ (الزخرف: 77). یعنی «ای مالک «نگهبان جهنم» کاش بمیراند ما را پروردگارت تا از عذاب راحت گردیم. پاسخ می‌دهد: به راستی شما (در این عذاب) جاوید و ماندگارید».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را مکرر بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه ابهام دارد توضیح ده.

3- آن‌ها را از حرمت پیمان‌شکنی آگاه گردان که از گناهان کبیره است.

4- آن ها را از صحت عقیدهٔ اهل سنت در مسئله رؤیت خداوند واقف گردان، زیرا می‌فرماید: ﴿ ﴾ خداوند به سوی‌شان نظر نمی‌کند، چون آن‌ها کافر هستند ولی به مؤمنان خداوند در روز قیامت نظر می‌کند و آن‌ها نیز به او نظر می‌کنند.

5- به آن‌ها بیاموز: که به حکم این آیت خرید و فروش جواز دارد.

6- به ایشان بگو: که اگرچه این آیت در بارهٔ یهود نازل شده است، ولی در اینجا عموم لفظ معتبر است نه خصوص مورد.

7- به آن‌ها یادآوری کن: که باید از هر عمل زشتی مانند پیمان‌شکنی و سوگند دروغ که مسلمان را شبیه یهود می‌گرداند پرهیز شود.

درس 6: حدیث خداوند با سه کس سخن نمی‌گوید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: ثَلاَثَةٌ لاَ يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلاَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلاَ يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. فَقُلْتُ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ خَابُوا وَخَسِرُوا. قَالَ: الْمُسْبِلُ إِزَارَهُ وَالْمَنَّانُ عَطَاءَهُ وَالْمُنَفِّقُ سِلْعَتَهُ بِالْحَلِفِ الْكَاذِبِ.	فرمودهٔ پیغمبر ρ: سه نفرند که خداوند بروز قیامت با ایشان سخن نمی‌گوید و برایشان نظر نمی‌افکند و آن‌ها را پاک نمی‌گرداند و برایشان عذاب دردناک است. پس گفتم: ای پیامبر خدا! ایشان کیانند به تحقیق که بدبخت و زیانکار شدند. فرمود: درازکنندهٔ ازار خود و منت‌گذار بر عطای خود و فروشنده جنس خود را به سوگند دروغ.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**ثَلاَثَةٌ لاَ يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ**» یعنی خداوند این سه نفر را به صورت اکرام و تشریف مورد خطاب قرار نمی‌دهد «**وَلاَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ**» و به سوی‌شان از خشم و غضبی که دارد نظر نمی‌افکند «**وَلاَ يُزَكِّيهِمْ**» آن‌ها را ستایش نکرده و از گناه پاک‌شان نمی‌گرداند، «**وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**» و ایشان را عذابی دردناک است.

چون ابوذرτ این سخنان را از پیامبرρ شنید، می‌گوید: گفتم: ایشان کیانند ای رسول خدا! به تحقیق که خوار و زیانکار شدند. آن حضرتρ فرمود: «**الْمُسْبِلُ إِزَارَهُ**» یعنی کسی که ازار یا شلوارش از تکبر زیر قدمش می‌کشد «**وَالْمَنَّانُ عَطَاءَهُ**» آن که چون به کسی چیزی دهد بر وی منت گذارد و چون در قرآن آمده است که مسلمانان کسانی هستند که صدقه و بخشش خود را به منت‌گذاری و اذیت‌کردن طرف, بی‌اجر نمی‌گردانند و فرمودهٔ پیامبرρ: «**وَالْمُنَفِّقُ سِلْعَتَهُ**» کسی که قسم می‌خورد که درب‌های جنس خود این قدر یا آن قدر پرداخته است و

حال آن که آن مقدار را نپرداخته است یا بگوید: به فلان و فلان مبلغ خریده‌ام و نخریده است یا این مال به اینقدر برابر است و ارزش دارد در صورتی که ارزش را ندارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

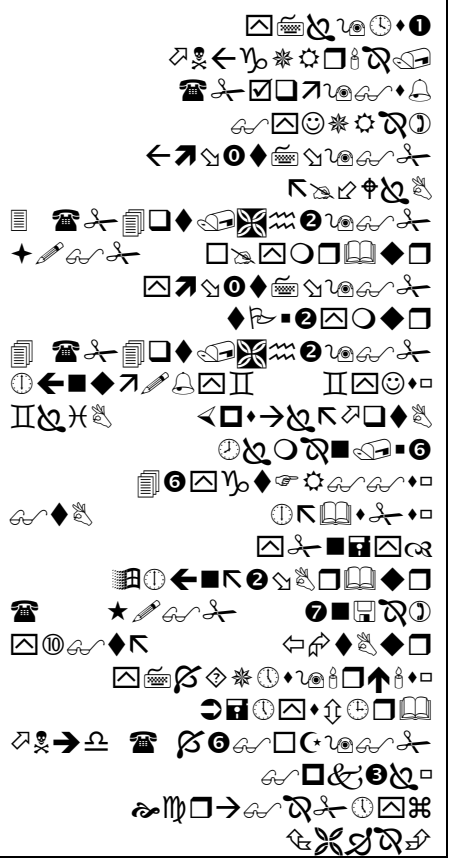
2- شرح را با آرامش جمله جمله بخوان تا بدانی که شنوندگان یاد گرفته اند.

3- به ایشان بفهمان: که جامهٔ مسلمان باید بین کعبین و نصف ساق باشد.

4- به ایشان بگو: که منت‌نهادن، ثواب صدقات را باطل می‌کند و منت‌گذاری عبارت از این است که برای طرف بگوید: فلان چیز را برایت خریدم و یا فلان چیز را برایت دادم.

5- به ایشان بفهمان: کسانی که نمی‌دانند واجب است از کسانی که می‌دانند سؤال کنند همچنان که راوی این حدیث (ابوذر) از پیامبرρ سوال کرد و گفت: آن‌ها کیانند و بر عالم است که اگر از وی چیزی پرسیده شود باید که جواب گوید.

درس 7: آیهٔ مشروعیت بیع و حرام‌بودن ربا

قول الله جل وعلا:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(275) . زیرا می‌گفتند: «داد و ستد مانند رباست»؛ حال آنکه الله خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. بنابراین کسی که پس از رسیدن فرمان پروردگارش (درباره‌ی ربا) از این عمل باز آمد، آنچه پیشتر کسب کرده، از اوست و کسانی که دوباره به رباخواری بپردازند، دوزخی‌اند و برای همیشه در دوزخ خواهند ماند

[بقره: 275]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ:  در آیات قبل خداوند فرمود: که به رباخواران عذابی سختی برسد که هرگاه رباخوار از قبرش بلند می‌شود بر زمین می‌افتد مانند کسی که وی را شیطان بر زمین افکنده که حرکاتش غیر منظم باشد، این عذاب به سبب حلال‌شمردنشان است، ربا را که گفته بودند: بیع مانند ربا است چنانکه بیع در ابتدا زیادتی و فائده دارد ربا هم

این زیادتی بعد از سپری‌شدن مدت دارد. لذا خداوند این قیاس فاسدشان را با این سخنش رد کرد ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ خدا بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. ﴿فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ﴾ یعنی کسی که تحریم الهی از ربا برایش رسید و خود را بازداشت و آن را ترک نمود ﴿وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ﴾ پس برای او است آنچه گذشته است، پیش از علم او به حرمت رب و یا قبل از توبه ﴿وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ و کارش بعد از آن به خداوند است که اگر بخواهد وی را بر توبه پایدار می‌دارد و نجاتش می‌دهد و اگر بخواهد به علت فساد نیت و بدی عملش هلاکش می‌گرداند، از اینجا است که خداوند می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا﴾ کسی که به طرف سود خواری بازگردد ﴿وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ آن‌ها اصحاب آتشند و در آن جاویدان و این بزرگترین وعیدیست که خداوند رباخواران را بدان تهدید می‌کند از آن به خدا پناه می‌بریم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- اشتباه قیاس ربا خواران را تذکر بده که ربا را همچون بیع می‌شمردند در حالی که خداوند بیع را حلال و سود را حرام قرار داده، پس چگونه حرام با حلال قیاس می‌شود.

3- به ایشان بگو: که توبه گناه ماقبل خود را از بین می‌برد، مثلاً اگر سودخوار توبه کند خداوند وی را می‌بخشد و مالی را که پیش از آگاه‌شدن به حرمت ربا، به دست آورده از آن بخورد و صدقه دهد.

4- آن‌ها را از وعید شدید خداوند در بارهٔ کسانی که از سودخواری توبه کنند و سپس به آن بازگردند که خلود در آتش است آگاه کن: پناه به خدا از عذاب جهنم و جاویدماندن در آن.

درس 8: حدیث سود هفتاد گناه دارد

قول النبي عليه السلام: الرِّبَا سَبْعُونَ حُوبًا أَيْسَرُهَا أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ. **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ – صلى الله عليه وسلم– لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا وَمُوكِلَهُ وَشَاهِدَيْهِ وَكَاتِبَهُ.** **وَقَالَ مَا أَحَدٌ أَكْثَرَ مِنَ الرِّبَا إِلاَّ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِ إِلَى قِلَّةٍ.**	فرمودهٔ پیامبر υ: ربا را هفتاد گناهست آسانترش آن است که مرد با مادرش زنا کند. از ابن مسعود τ روایت شده که گفت: به تحقیق که پیامبر خدا رباخوار و کسی که آن را به دیگری بخوراند و شاهدان و نویسنده آن را لعنت کرده است. و نیز فرمود: کسی مال زیادی از ربا فراهم نیاورد، مگر که در آخر گرفتار فقر و ناداری می‌گردد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودهٔ پیامبر ρ: «**الرِّبَا سَبْعُونَ حُوبًا**» سود را هفتاد گناه است «**أَيْسَرُهَا**» آسان‌تر آن‌ها «**أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ**» مانند این است که مرد با مادرش نعوذ بالله زنا کرده باشد، لذا از بندهٔ مسلمان عجیب است که چنین وعید شدید را بشنود، بازهم به سودخواری ادامه دهد و یا بعد از توبه به آن رجوع کند.

سخن ابن مسعود τ: «**لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا**» پیامبر خدا رباخوار را لعنت کرده و بر وی نفرین کرده است که از رحمت خدا محروم باشد، لفظ خوردن شامل آشامیدن، پوشیدن، سکنی گرفتن، سوارشدن و هرگونه تصرف در مال سود را شامل می‌شود ولی لفظ (اکل) خوردن غالباً در تصرفات به کار می‌رود «**وَمُوكِلَهُ**» یعنی خوانندهٔ ربا را که به دیگری سود می‌دهد نیز لعنت گفته است «**وَشَاهِدَيْهِ**» یعنی دو شاهدیکه بر نوشته و سند ربا نظارت نموده و به آن شهادت دهند «**وَكَاتِبَهُ**» نویسندهٔ آن و اینها پنج نفرند: که از رحمت خداوند دور هستند،

زیرا این‌ها ربا می‌خورند و به آن معامله می‌کنند به خدا ازین کار پناه می‌جوئیم. و فرمودهٔ پیامبر ρ: «مَا أَحَدٌ» الخ.. این اخباریست از طرف پیامبرρ به عاقبت بد سودخوار که گرچه در ابتدای مرحله مالش زیاد می‌گردد، ولی در پایان زندگیش به فقر و درویشی گرفتار می‌شود به خدا از آن پناه می‌بریم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

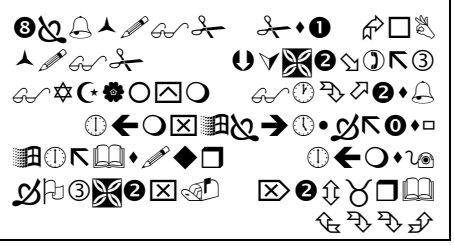
1- هرسه حدیث را چند مرتبه تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه احتیاج به تفسیر دارد توضیح ده تا دانسته شود.

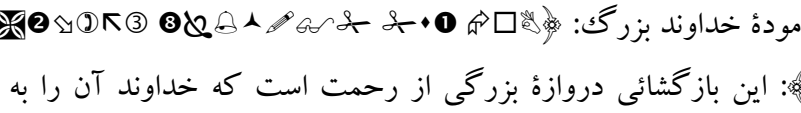
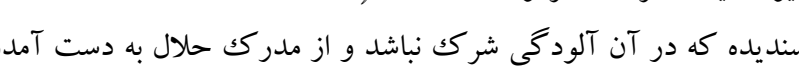
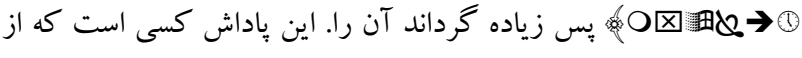
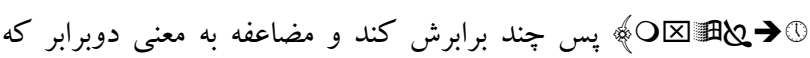
3- آن‌ها را از علت حرمت ربا آگاه کن: که ربا مسلمانان را از قرض‌خواستن و سلف‌دادن و اجر و ثواب آن‌ها محروم می‌گرداند.

4- به ایشان بفهمان: که عدم صداقت و بی‌وفائی به وعده‌ای که از برادرش قرض می‌گیرد موقع را مساعد ساخته است که کسی به برادر مسلمانش قرض و یا نسیه ندهد. و از این علت است که مردم به فتنهٔ سودخواری و بانک‌ها گرفتار شده اند و ازین بلا نجات نداشته تا از آن توبه کنند و باید طوری باشد که شخص مسلمان به برادرش قرض و یا نسیه بدهد و او به پیمانش وفاء کرده پول او را در موعد معین ادا کند.

درس 9: آیهٔ کیست که به خدا قرض نیکو دهد

قول الله جل جلاله:	فرمودهٔ خداوند Ψ:
	(11) کیست آن که وامی‌دهد خدا را وام نکو، پس چند برابرش کند برایش و او راست پاداش گرامی.

[حدید: 11]

شرح: فرمودهٔ خداوند بزرگ:  : این بازگشائی دروازهٔ بزرگی از رحمت است که خداوند آن را به روی بندگان مؤمنش باز کرده است آنجا که به فضل و کرم خود به ایشان مالی داده است و از از ایشان قرضه درخواست کرده تا پاداش آن را از یک درهم تا هفتصد درهم بلکه تا هزار هزار یعنی یک ملیون زیاده گرداند، فرمودهٔ خداوند:  یعنی وامی پسندیده که در آن آلودگی شرک نباشد و از مدرک حلال به دست آمده و با طیب خاطر و بدون اکراه و اجبار آن را ادا کند و فرمودهٔ خداوند:  پس زیاده گرداند آن را. این پاداش کسی است که از مالی که خدا به وی بخشیده قرض می‌دهد. یعنی در راه خدا که جهاد برای اعلای کلمة الله است، و در نصرت دین خدا و بندگانش به مصرف می‌رساند، و فرموده خداوند Ψ:  پس چند برابرش کند و مضاعفه به معنی دوبرابر که اقل زیادة است و گاهی تا ده برابر بالا می‌رود، زیرا خداوند می‌گوید: آن که نکوئی آورد برای اوست ده برابر آن و گاهی تا هفت صد چند نیز زیاد می‌شود و بلکه تا هزار هزار برابر که این پاداش نفقهٔ جهاد است چنانکه در سورهٔ بقره آمده است: 

(البقرة: 261). «مثال کسانی که مال خود را در راه خدا نفقه می‌کنند مانند دانه‌ئی است که برویاند هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه و خداوند چند برابر کند برای هرکه بخواهد و خدا گشایشمند داناست». و فرمودهٔ خداوند: و او راست پاداش گرامی و آن پاداش بزرگ جنت است که سرای نیکوکاران و نعمت جاویدان است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با ترتیل و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده تا همگان حفظ کنند.

3- آن‌ها را از مشروعیت قرض آگاه کن: که آن بزرگترین عامل الفت و محبت مسلمانان است.

4- به آن‌ها از فضیلت نفقهٔ مال در راه خدا تذکر ده، زیرا یک درهم تا هفتصد برابر و زیاده‌تر از ان اجر دارد.

5- آن‌ها را از حرمت سودخواری آگاه کن: که سبب دشمنی در بین مسلمانان می‌شود، زیرا سودخواری آن‌ها را از قرض‌دادن و مضاربت محروم می‌کند و سبب فقر و اختلاف و دشمنی می‌گردد.

درس 10: حدیث کسی که گره از مشکل برادرش باز کند

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ نَفَّسَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. **«رواه مسلم»** **وَقَالَ مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ أَخَذَهَا يُرِيدُ إِتْلاَفَهَا أَتْلَفَهُ اللَّهُ.**	فرمودۀ پیامبر ρ: کسی که گشایش دهد غمی را از غم‌های دنیائی برادرش خداوند غمی از غم‌های روز قیامت وی را گشایش دهد. و نیز فرمود: کسی که مال‌های مردم را بگیرد و ارادۀ ادای آن را داشته باشد خداوند وی را بر ادای آن توفیق می‌دهد و کسی که مال مردم را بگیرد و قصد تلف کردن را داشته باشد خداوند آن را تلف می‌کند.

(رواه البخاری)

شرح: فرمودۀ پیامبر ρ: «**مَنْ نَفَّسَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا**» کسی که دور کند از برادر خود غمی را از غم‌های دنیا لفظ برادر در عبارت حدیث شامل برادر نسبی و دینی هردو را می‌شود و کربۀ, غم و اندوهی است که برای بندۀ مسلمان می‌رسد، گاهی به غذا و لباس احتیاج دارد و گاهی برای انجام کار دینی خود نیازی به چیزی دارد و چارۀ برای رفع حاجت خود نمی‌یابد. تنفیس یعنی دورکردن آن غم و بیرون‌گردانیدن وی از آن مشکل است و جزایش در نزد خدا آنست «**نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ**» این که خداوند غمی از غم‌های روز قیامت را از وی برمی‌دارد, که غم آخرت از غم و اندوه دنیا بزرگتر است، بلکه یک غم و اندوه قیامت با تمام غم‌ها و اندوه‌های این جهان قابل مقایسه نیست و در این حدیث ترغیب بزرگی است برای مؤمنینی که با یکدیگر کمک و همکاری داشته باشند نیازهای یکدیگر را به قرض‌دادن و صدقه و یا همکاری در کسب و کار برآورده سازند، فرمودۀ پیامبر υ «**مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا**» کسی که مال مردم را بگیرد و قصد ادای آن را داشته باشد، خداوند آن را برای ادای دین او توفیق دهد و ذمه‌اش را خلاص

گرداند این مژدهٔ صادقی است برای آن مسلمان که طلب وام از برادر خود می‌کند، تا احتیاجش را رفع گرداند و عزم و اندیشهٔ صادقی برای ادای دینش داشته باشد تا آنچه را از برادرش گرفته به وی رد کند، همانا خداوند کار را بر وی آسان می‌کند و مالی را روزیش می‌گرداند، تا پیش از این که جهان را ترک گوید، دینش را ادا نماید. فرمودهٔ پیامبرρ: «**وَمَنْ أَخَذَهَا**» یعنی کسی که از مال مردم قرض بگیرد «**وَهُوَ يُرِيدُ إِتْلاَفَهَا**» و حال آن که قصد تلف‌کردن آن را داشته باشد که نخواهد آن را به صاحبش رد کند، «**أَتْلَفَهُ اللَّهُ**» خداوند وی را هلاک کرده و کارش را مشکل کرده و خاطرش را نا آرام سازد و بخسران گرفتارش می‌کند، پناه به خدا و باید که ازین وعید برحذر باشید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

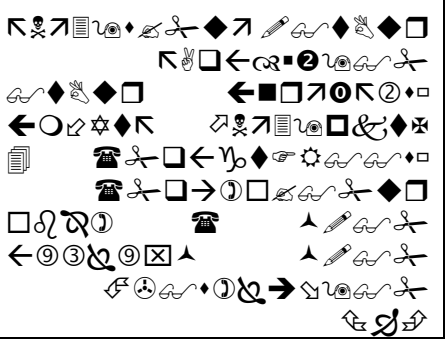
1- حدیث را چند مرتبه بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و نکات پوشیده و مشکل را توضیح ده.

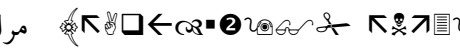
3- مسلمانان را به قرض‌دادن ترغیب کن که به یکدیگر قرض بدهند و برای وام‌گیرندگان توصیه کن: که نیت و اندیشهٔ خود را اصلاح کنند و عزم جدی داشته باشند، مالی را که قرض گرفته مسترد کنند، البته خداوند ایشان را بر آن کار یاری می‌دهد.

4- مسلمانان را از قرض‌گرفتن به نیت این که دین را ادا نکنند برحذر دار، زیرا این عمل سبب هلاکت و ویرانی ایشان می‌گردد.

درس 11: آیهٔ آنچه پیامبر برای شما آورده بگیرید

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند متعال:
	(7) و آنچه داد به شما پیامبر، پس بگیرید آن را و آنچه بازداشت شما را از آن، پس بازایستید و بترسید خدا را که خدا سخت عقوبت کننده است.

[حشر: 7]

شرح: ﴿  ﴾ مراد از رسول در این جا پیامبر ما محمد ρ می‌باشد و مراد از آنچه پیامبر داده همه چیزهایی است که پیامبر ρ به یاران خود که با وی صحبت داشته اند داده است و همه چیزهائی است که برای افراد امت خود داده تا بروز قیامت داده و مراد به دادن پیامبر ρ آن دستوراتی است از شریعت و احکام و آداب و اخلاق که برای امتش آورده است، زیرا آنچه آورده عطا (بخشش) گفته می‌شود، پس بر امت لازم است به آنچه امر کرده عمل کنند و رد نکنند و آنچه را نهی کرده از آن خودداری کنند چه از اعتقادات باشد و چه گفتار و چه رفتار، زیرا آنچه خداوند امر کرده از اعتقاد، فعل و قول همه عامل تزکیهٔ نفوس و پاکی ارواح مسلمین بوده و اخلاق‌شان را تکمیل می‌گرداند، همچنانکه اموری که از آن نهی کرده است عامل پستی و آلودگی نفس بشری است از اینجا است که خداوند به دنبال امر به اطاعت از او امر پیامبر و خودداری از نواهی وی به تقوی دستور می‌دهد و تقوی نیز فرمانبرداری از اوامر و نواهی او تعالی است که آنچه امر کرده است واجب است که انجام شود و آنچه از آن نهی کرده واجب است خودداری شود آنگاه سعادت دنیا و آخرت بشر تکمیل می شود. سپس بر این امر تأکید

فرموده: می‌گوید: ﴿ خداوند دارای عذاب دردناک است آن کس که عاصیان را عذاب کند بشدیدترین عذاب سزا دهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با ترتیل تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و نکات مبهم و مجمل آن را واضح کن تا فهمیده شود.

3- به آن‌ها از عموم اطاعت رسول که همانا پذیرفتن تمام اوامر و منهیات پیامبر ρ است تذکر ده.

4- به آن‌ها از حدیثی که بخاری و مسلم روایت کرده اند: یادآوری کن: که عبدالله بن مسعود τ گفت: لعنت بر زنان خال‌کوبنده، نخ‌کننده و گشاده‌کننده دندان‌ها برای نمایاندن حسن و جمال که آفرینش خدا را تغییر می‌دهند، این سخن عبدالله ابن مسعود τ به زنی از قبیلهٔ بنی اسد رسید که او را مادر یعقوب می‌گفتند، و زن قرآن‌خوانی بود برای ابن مسعود گفت: برایم رسیده است که تو چنین و چنان را لعنت کردی، در جوابش گفت: چرا لعنت نکنم، کسی را که پیامبر ρ لعنت کرده است و این امر در کتاب بزرگی خداوند آمده است: زن گفت: به تحقیق آنچه در میان تدوین جلد قرآن است خوانده‌ام و این را در آن نیافتم، ابن مسعود τ گفت: اگر قرآن را می‌خواندی آن را می‌یافتی، آیا گفتهٔ خداوند را ندیدی که می‌فرماید: ﴿ ﴾، زن گفت: آری خواندم، ابن مسعود گفت: البته پیامبر از این‌ها نهی کرده است، یعنی خال‌کوبی تا آخر.

درس 12: حدیث آنچه برای شما آوردم بگیرید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: ذروني وما تركتكم فإنما هلك من كان قبلكم بسؤالهم واختلافهم على أنبيائهم فإذا أمرتكم بشيء فخذوا منه ما استطعتم وإذا نهيتكم عن شيء فانتهوا.	پیامبر ρ می‌فرماید: بگذارید مرا به آنچه برای شما گذاشتم، همانا کسانی که پیش از شما بودند به علت پرسش و اختلاف آن‌ها بر پیامبران‌شان به هلاکت رسیدند، پس هنگامی که شما را به چیزی امر کردم آن را به اندازهٔ توان خود انجام دهید و آنگاه که شما را از چیزی بازداشتم بازبمانید.

(رواه الشیخان)

شرح: «**ذروني وما تركتكم**» یعنی به آنچه برای شما گذاشتم اکتفا ورزید و تا وقتی که شما را به چیزی امر و نهی نکردم از من چیزی نپرسید، در این حدیث منع کسانی است که سؤال‌ها و پرسش‌های دشواری که به آن احتیاج نباشد مطرح می‌کنند، چون زمان پیامبرρ وقت نزول وحی است، گاهی این سؤال‌ها باعث بروز امری می‌شود که به جاآوردن آن دشوار باشد یا نهی از کاری می‌شود که ترک آن سخت باشد و یا اخبار و حقایقی روشن می‌گردد که برای عدهٔ سبب غم و اندوه می‌گردد. سپس پیامبر بزرگوار علت ترک پرسش‌های بی‌مورد را چنین بیان می‌کند: «**إنما هلك من كان قبلكم بسؤالهم واختلافهم على أنبيائهم**» همانا کسانی که پیش از شما بودند به علت پرسش و اختلاف آن‌ها بر پیامبران‌شان به هلاکت رسیدند. این فرمودهٔ پیامبر دلیل است بر این که لجبازی و تکلف در پرسش‌های بی‌مورد موجب اختلاف می‌گردد و اختلاف سبب نابودی و هلاکت است. فرمودهٔ پیامبر υ: «**فإذا أمرتكم بشيء فخذوا منه ما استطعتم**» یعنی چون شما را به انجام کاری و یا گفتن سخنی فرمان دادم آن را به قدر توان خود انجام دهید، زیرا خداوند کسی را جز به اندازهٔ توانش

مکلف نمی‌سازد وزیاده بر گنجایش قدرتش مأمور نمی‌گرداند. فرمودۀ پیامبر ﷺ: «**وإذا نهيتكم عن شيء فانتهوا**» یعنی هرگاه شما را از انجام کاری و یا گفتن سخنی منع کردم، خود را از آن بازدارید، در اینجا استطاعت و توان شرط نگشته، زیرا نهی ترک است و در ترک غالباً مشقت وجود ندارد، بلکه در نکردن و سخن‌نگفتن راحت است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

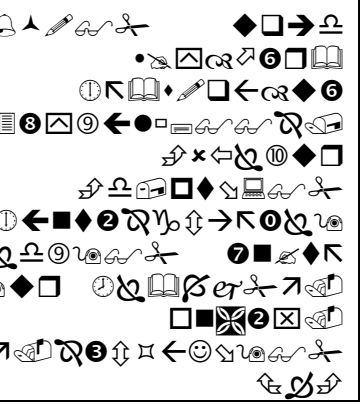
1- حدیث را مکررا بخوان: تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله توضیح ده و مطالب مشکل را بیان کن تا دانسته شود.

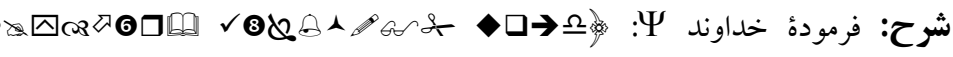
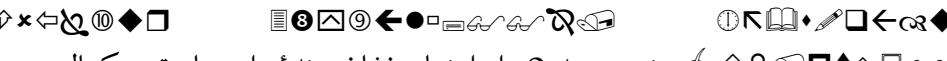
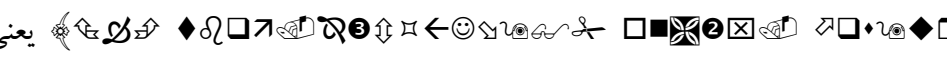
3- به ایشان بیاموز: که سوال و پرسش زیاد کراهت دارد و سبب بروز اختلاف شده و زیان می‌رساند، اگر سوالی برای عمل‌کردن باشد اشکالی ندارد، اما سوال بدون عمل نکردن درست نیست. در حدیث صحیح آمده است که از خوبی اسلام شخص، آن است که چیزهائی را که بدان نیاز نیست ترک کند.

4- بر مسلمان لازم است تا برای به جاآوردن امر خدا قیام کند، پس اگر خود را آماده کرد ولی به علت عذری نتوانست انجام دهد گنهکار نمی‌شود، اما در نهی عذری نیست، مگر در صورتی که ضرورت باشد مانند خوردن گوشت خود مرده و یا گوشت خوک برای کسی که خوف هلاکت باشد.

درس 13: آیهٔ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر

قول الله تعالی: 	خدای بزرگ می‌فرماید: (9) اوست آن که فرستاد پیامبر را به رهبری و دین حق تا غالب گرداند آن را بر کیش‌های همگی اگرچه نه‌پسندند مشرکان.

[صف: 9]

شرح: فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿  ﴾ یعنی محمد ρ را راهنما و نشان‌دهندهٔ راه سعادت و کمال و دین حق که آئین اسلام است فرستاد. فرمودهٔ خداوند Ψ: ﴿  ﴾ تا چیره گرداند آن را بر همه دین‌های یهودیت، نصرانیت، مجوسیت و ستاره‌پرستی و غیر این‌ها از دیگر ادیان که مردم آن‌ها را می‌شناسند و به عنوان دین تعبیر می‌کنند و به آن عبادت می‌کنند. و فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی گرچه این یاری و نصرت الهی بر کافران و مشرکان دشوار باشد و همانا پیامبر ρ در چندین حدیث به ظهور و غلبهٔ دین اسلام خبر داده است که از آن احادیث، این روایت است که آن حضرت می‌فرماید: این امر (دین اسلام) تا جائی که شب و روز باشد می‌رسد خداوند هیچ خانهٔ از گل یا موی فرو نمی‌گذارد مگر این که دین را به عزت شخص عزیز و ذلت شخص ذلیل روشن می‌گرداند. عزتی که خداوند اسلام را به سبب آن عزیز می‌کند و ذلتی که

خداوند کفر را به سبب آن خوار می‌کند این حدیث به روایت امام احمد است، و در روایت دیگر آمده است که می‌فرماید: بر روی زمین خانهٔ گلی یا موئی باقی نمی‌ماند، مگر که خداوند کلمهٔ اسلام را در آن داخل می‌گرداند، شخص عزیز را عزت می‌دهد و شخص ذلیل را ذلت می‌دهد. کسانی را که عزت می‌دهد به کیش اسلام داخل می‌گرداند و کسانی را که خوار می‌کند به کفر تسلیم می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت شریفه را به تجوید بخوان تا شنوندگان تکرار و حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و اشکال آن واضح ساز تا شنوندگان بفهمند.

3- از منّة و احسان خدا بر بندگان که همانا فرستادن حضرت محمد ρ برای هدایت و سعادت ایشان است تذکر ده.

4- به ایشان بگو: که هرچند دشمنان اسلام در مقابل کیش مقدس اسلام مقاومت و مبارزه کنند روزی می‌رسد که دین اسلام در همه جا غالب و آشکار باشد.

5- به آن‌ها بیاموز: که اهل کتاب یهود و نصاری و مشرکان می‌خواهند که نور خداوند یعنی شریعت و احکام اسلام را خاموش کنند ولی خداوند نمی‌خواهد و به زودی این دین را بر تمامی ادیان پیروز و غالب می‌گرداند، اگرچه بر دشمنان اسلام دشوار باشد.

درس 14: حدیث همیشه گروهی از امتم پیروز هستند

قول النبي عليه السلام: لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي مَنْصُورِينَ لاَ يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ. **وَفِي رِوَايَةٍ لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لاَ يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا.**	پیامبر υ می‌فرمایند: پیوسته گروهی از امتانم پیروز هستند، کسی که به ضررشان باشد به ایشان زیان نمی‌رساند که تا قیامت برپا می‌شود. و به روایت دیگری آمده است: پیوسته گروهی از پیروانم به فرمان خداوند پایدار اند، کسی که به ایشان مخالفت کند ضرری به ایشان نمی‌رساند.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبر υ: «**لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي مَنْصُورِينَ لاَ يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ**»، طائفة و گروهی از مردم هستند که در مذهب و یا مفکوره باهم اشتراک دارند که به سبب آن از دیگران امتیاز پیدا می‌کنند، این گروه از مسلمانان همیشه بر دیگران پیروز اند، کسانی که از مسلمین و یا غیر مسلمین علیه‌شان باشند به آن‌ها ضرر نمی‌رسانند و فرمودۀ پیامبر υ: «**حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ**» یعنی این‌ها همیشه پیروز اند تا حجت خداوند به وجودشان در روز قیامت برپای باشد، زیرا اگر از مسلمین گروهی نباشد که به اسلام درست عمل کنند، به پیامبر جدیدی نیاز پیدا می‌شد یا مردم در روز قیامت می‌گویند: خداوندا! کسانی را نیافتیم که تو را به ما معرفی کند و آداب عبادت را عملاً به ما بیاموزد، اگر چنین کسی را درمی‌یافتیم حتماً تو را پرستش می‌کردیم، پس برای اتمام همین حجت است که خداوند پیوسته در هر زمان و مکانی گروهی از امت اسلامی حفظ می‌کند تا خدای را موافق دستور شرع بپرستند و دیگران را نیز به طرف حق دعوت کنند و به روایت دیگری چنین آمده است: «**لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةً**

عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لاَ يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا» پیوسته گروهی از امت اجابت من به فرمان خدا پایدارند کسی که به ایشان مخالفت کند ضرری نمی‌رساند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به طور مکرر بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

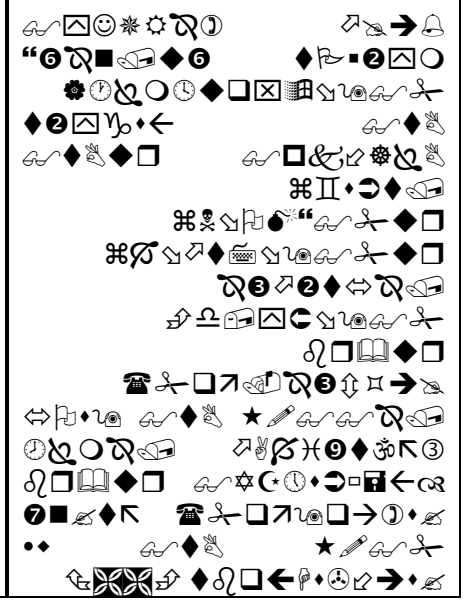
2- شرح را جمله جمله بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده.

3- به ایشان بگو: وقتی که خداوند گروهی پیروز و پایدار دین حق را حفظ کند برای هیچکس عذری در مخالفت با اسلام باقی نمی‌ماند.

4- به ایشان بفهمان: که این گروه کسانی اند که در عمل، عقیده، ادب، اخلاق، قضاوت و دادرسی از پیامبرρ و یارانش پیروی می کنند، زیرا وقتی که از پیامبر پرسیدند: کدام گروه از عذاب خدا نجات دارند، آن حضرت ρ فرمودند: کسانی که بر سنت من و یارانم باشند.

5- به ایشان تذکر ده: که خداوند دولت اسلامی را به وجود آورد تا طائفه‌ای که پیامبرρ فرمود، تمثیل کنند چون گمراهی در عالم اسلام عمومیت پیدا کرد، و احکام شریعت معطل گشت، خداوند به وجود این دولت دین اسلام را استوار کرد و زمین را از شرک و گمراهی پاک کرد تا شریعت اسلام را حاکم ساخته و پیوسته در پیروی شریعت نمونهٔ برجسته در عالم اسلام باشند.

درس 15: آیهٔ خداوند فواحش و گناه را حرام کرده

قول الله عزوجل:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(33) بگو: پروردگارم، کارهای زشت – چه آشکار و چه پنهانش – و گناه و تجاوز بناحق را حرام کرده است؛ و نیز اینکه چیزی را با او شریک سازید که دلیلی بر درستی آن نازل نکرده است و چیزی را به الله نسبت دهید که نمی-دانید.

[اعراف: 33]

شرح: فرمودهٔ خدای بزرگ:  چون مشرکین نادانسته چیزهایی را حرام کرده بودند، مثلاً طواف خانهٔ کعبه را بر مردان و زنان به جز در حالت برهنگی حرام می‌دانستند، و همچنین حیواناتی را به نام سائبهٔ، وصیلهٔ، بحیرهٔ و حام از نوع شتر برای نذر بتان حرام کرده بودند، خداوند به رسولش فرمان داد: تا این تحریم باطل و بدون آگاهی را برایشان رد کند، پس برای پیامبرش گفت:  بگو: همانا پروردگارم حرام کرده است... سپس اشیاء حرام را که اصول مفاسد اند بیان کرده که قرار ذیل تفصیل داده شده است. اول و دوم: فواحش ظاهری و باطنی و فواحش جمع فاحشه بوده و آن خصلت و کاری پست بوده که بسیار زشت باشد و مراد درین جا زناکاری

آشکار و پنهان است. سوم: «اثم» (گناه) است و آن هرچیز فاسد و زیان‌آور است مانند مواد مخدر و مسکرات و یا گناهان دیگر. چهارم: «بغی» یعنی ستم و تجاوز بر حقوق مردم و لفظ ﴿ﷺ بغیر حق قید شده برای این که قصاص و گرفتن حق از ستمکاران تجاوزگر بیرون شود.

پنجم: (شرک) به خدا، خواه شرک در عبادت باشد یا در اسماء و صفات و یا در ربوبیت و خدائی. و فرمودهٔ خداوند: ﴿ﷺ آنچه نفرستاده است بر آن دلیلی یعنی هیچ دلیل و حجتی که بر جواز عبادت غیر خدا دلالت کند وجود ندارد. ششم: ﴿ﷺ: این که بر خدا سخنی بگوئید که نمی‌دانید یعنی نسبت‌دادن چیزی به خدا به دروغ و البته دروغ‌بستن بر خدا از بزرگترین گناهانست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را خوب و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان تا رهنمائی‌هائی که در آیت کریمه بیان شده است خوب بفهمند.

3- به ایشان بگو: که در این آیت اصول فسادها برای ما بیان شده و آن‌ها عبارت اند از فحشاء پنهانی یا آشکار، گناه، تجاوز، شرک و دروغ‌بستن بر خدا.

4- به آن‌ها بفهمان: که فواحش، سخنان و کارهائی است که بسیار زشت باشد و زشت‌ترین آن‌ها زنا و لواط است.

5- به آن‌ها بفهمان: که دروغ‌بستن بر خدا آن است که بگوئیم: خداوند فلان چیز را حلال یا حرام کرده است، در حالی که چنین نباشد.

درس 16: حدیث نسبت‌دادن حدیث دروغ به پیامبر

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ كَذِبًا عَلَيَّ لَيْسَ كَكَذِبٍ عَلَى أَحَدٍ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَقَوله: مَنْ حَدَّثَ عَنِّي حَدِيثًا وَهُوَ يُرَى أَنَّهُ كَذِبٌ فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبَيْنِ.	پیامبر ρ می‌فرماید: همانا دروغ گفتن از زبان من مانند دروغ گفتن از زبان یکی از شما نیست، کسی قصداً بر من دروغ می‌بندد، پس نشیمنگاه خود را در آتش دوزخ آماده بداند. و نیز می‌فرماید: کسی که بر من سخنی به‌بندد و می‌داند که آن سخن دروغ است پس وی نیز یکی از دروغگویان است.

(صحیح مسلم)

شرح: می‌فرماید: «**إِنَّ كَذِبًا عَلَيَّ لَيْسَ كَكَذِبٍ عَلَى أَحَدُكُمْ**» پیامبر بزرگوار و پیروایش را عموماً از هر دروغی و خصوصاً از دروغ بر شخص پیامبرρ می‌ترساند، زیرا دروغ سبب پایمال‌شدن حقوق و ارزش‌های انسانی و وسیلهٔ دست‌یافتن به هرگونه شر و فساد است، از این جهت است که خداوند در چندین جای از قرآنکریم می‌فرماید: کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ و افتراء بندد. البته دروغ‌بستن بر خدا و پیامبر معنایش این است که به کار باطلی دستور دهد، و آن را به خدا و پیامبر نسبت دهد تا مردم به آن عمل کنند، چون در اینگونه سخنان آنقدر فسادها نهفته است که نمی‌توان برای آن‌ها اندازه‌ای معین کرد که اگر طاغوت‌هائی مورد پرستش قرار گرفتند، از دین تراشی همین دروغگویان بوده است. و همچنین بسیار چیزهایی که به صورت غیر واقع حلال یا حرام شده به افتراء همین افتراءکنندگان بوده است. می‌فرماید: «**مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا**» یعنی کسی که آگاهانه از طرف من به دروغ سخن گوید به جهت خواهش نفسانی یا برای به دست‌آوردن خواسته‌های مادی خود پس جزایش آنست: که حتماً جای خود را در آتش جهنم آماده بداند، زیرا چنین

کسی گناه بزرگی را مرتکب شده است. و باز می‌فرماید: «**مَنْ حَدَّثَ عَنِّی حَدِیثًا**» یعنی بگوید که پیامبر υ چنین و چنان گفته است: در حالی که پیامبرρ آن را نگفته باشد «**وَهُوَ یُرَی أَنَّهُ کَذِبٌ**» و او می‌داند که حدیث را به دروغ به پیامبر نسبت داده شده، «**فَهُوَ أَحَدُ الْکَاذِبَیْنِ**» پس او نیز یکی از دروغگویان است، دروغگوی نخست کسی است که حدیث را ساخته، و دروغگوی دوم کسی است که آن را روایت می‌کند و می‌داند که نسبت حدیث به پیامبرρ صحت ندارد، یا به یقین نادرستی حدیث را نمی‌داند و مجرد گمان دارد به نادرستی حدیث در اینصورت نیز به شمار کسانی که بر پیامبرρ دروغ می‌بندند داخل است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند بار تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را به صورت واضح بخوان و تکرار کن تا شنوندگان مطالب را یاد گیرند.

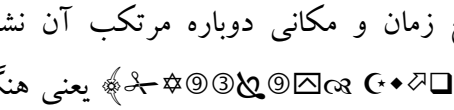
3- ایشان را از زشتی دروغ‌گفتن به خصوص دروغ به خداوند و پیامبرش آگاه کن، زیرا سخنی را به دروغ به خدا و پیامبرش نسبت‌دادن و چیزهائی را به طور غیر واقع حلال و یا حرام‌کردن و یا کارهائی را مشروع وانمودکردن گناه بزرگ است. چنانکه خداوند در قرآنکریم ریشه‌های فساد را بیان می‌کند: ﴿☎✂❑↗☜❑→◑♦✍ ♌❒🕮◆❒ ✍♦••✍➔♦✍⊙⁋♦❑←♌♦ ★✍✂ ♦◆✍■❼ ✂↖﴾ و بـــــــر خداوند چیزی نسبت دهید که به آن علم ندارید.

4- به ایشان بفهمان: اگر کسی حدیثی را روایت می‌کند که می‌داند و یا غالب گمانش آن باشد که نسبت حدیث به پیامبرρ صحت ندارد او نیز یکی از دروغگویان بر پیامبر خدا به شمار می‌رود و پیامبرρ می‌فرماید کسی که قصداً از طرفم سخنی به دروغ گوید، باید در آتش داخل شود.

درس 17: آیهٔ تقوی و گفتار استوار

قول الله تعالی:	فرموده خداوند متعال:
	(70) ای مؤمنان! بترسید از خدا و بگوئید گفتار استوار (71) تا ساز آورد برای شما کارهای شما و بیامرزد گناهان شما را و آن که فرمان برد خدا و رسولش را همانا رستگار شده است به رستگاری بزرگ.

[احزاب: 70 – 71]

شرح: این ندای خداوند بزرگ برای بندگانش متضمن دو امر و دو پاداش بزرگ است. نخست: امر به تقوای خداوند است، دوم: به راست‌گفتن است، معنی تقوا که مسلمانان در این آیت شریفه به آن مأمور شده اند، این است که مسلمان باید از عذاب پروردگار که بر اثر گناه به وی خواهد رسید، ترس داشته باشد و از اوامر خدا سرپیچی نکند و همچنین از ارتکاب نواهی خداوند خود را بازدارد و در طول زندگی بر این کار استقامت داشته و اگر احیاناً شیطان و یا نفس او را فریب دهند که واجبی را ترک کند و یا مرتکب عمل حرامی شود، باید به سوی خداوند بازگردد و از گناه, توبه نصوح کند و این توبه چنان است که برای گناه خود از پروردگار طلب بخشایش کند و دست از گناه بردارد و قصد کند که در هیچ زمان و مکانی دوباره مرتکب آن نشود، می‌فرماید: ﴿  ﴾ یعنی هنگامی که مسلمان می‌خواهد سخنی را به زبان

آورد به عاقبت آن بنگرد و به‌بیند که چه نتیجهٔ ازین سخن پیدا می‌شود، اگر دید, که این سخن خیر است و عاقبت آن خوبست و خداوند از گفتن آن راضی می‌شود، آن را به زبان آورد و اگر چنین نباشد از گفتن آن سخن خودداری کند رسول خدا ρ می‌فرماید: «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید به خیر سخن بگوید و یا خاموش باشد». زیرا قول سدید به معنی سخن استوار و راست است که هدف آن خیر و حق بوده و از باطل و شر دور باشد اما آن دو جایزه و پاداش که بر این دو امر مرتب است، اول اصلاح اعمال است که همه کردار بنده در راه خیر بوده و موجب خوشنودی خداوند می‌گردد. جائزه دوم بخشایش گناهانی است که بنده از روی سهو و غفلت مرتکب شده است. می‌فرماید: ﴿ ﴾ این آیت الهی متضمن مژده بزرگ و مسرت‌آوریست و آن این که به مسلمانی که از اوامر و نواهی خدا و رسولش اطاعت کند و در طول زندگانی مطیع امر و نهی‌شان باشد و در چنان حالتی بمیرد به رستگاری بزرگ که جنت و رضای خداوند است نایل می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را به تکرار بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و شرح آن را خوب بیان کن: که فهمیده شود.

3- به ایشان بفهمان: که تقوای خداوند رکن دوم دوستی خداوند است و رکن اول آن ایمان کامل می‌باشد، زیرا اولیای خدا مسلمانان پرهیزگار می‌باشند.

4- به آن‌ها بگو: که واجب است که سخن مسلمان همیشه راست و درست باشد، زیرا مسلمان دانا و حکیم است و شخص حکیم هرچیز را در جایگاهش قرار می‌دهد، پس نباید کلمه‌ای را بگوید، مگر این که بداند که در گفتن آن صلاح و فائده باشد.

درس 18: حدیث اطاعت از سنت پیامبر و سنت خلفا

قول الرسول صلی الله علیه وسلم: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَسَتَرَوْنَ مِنْ بَعْدِى اخْتِلاَفًا شَدِيدًا فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِى وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَالأُمُورَ الْمُحْدَثَاتِ فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ.	پیامبر υ می‌فرمایند: بر تقوی خداوند پایدار باشید و از امیر مسلمان خود بشنوید و اطاعت کنید، اگرچه بندۀ زنگی باشد زود باشد که پس از من اختلاف سختی ببینید، پس بر شما است که سنت من و سنت جانشینان هدایت‌شده را لازم بگیرید و با دندان‌ها آن را محکم بگیرید و خود را از بدعت‌ها دور بدارید، زیرا هر پدیدۀ نوی در دین گمراهی به شمار می‌رود.

(ابن ماجه)

شرح: فرمودۀ پیامبرρ: «**عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ**» در اینجا پیامبر اکرم تمام امت خود را تا قیامت مورد خطاب قرار داده و برای دو کار بزرگ بسیج می‌گرداند. اول تقوای خداوند در نهان و آشکار. (تقوا) عبارت از خوف خداوند است که بنده را بر اطاعت او تعالی وادار می‌کند تا اوامر وی را به جای آورد و نواهی او را ترک کند و نیز فرمانبرداری پیامبرρ, فرمانبرداری از خدا به شمار می‌رود، چون که خداوند می‌فرماید: کسی که رسول را فرمان می‌برد به تحقیق که خدای را فرمان برده است. دوم: اطاعت و فرمانبرداری است از امیر و کسی که امور مسلمین را سرپرستی می‌کند، گرچه آن امیر بندۀ زنگی بوده و از اشراف نباشد و در نسب نه قریشی باشد و نه از نژاد سامی، زیرا فرمان‌برداری در امور معروف از امیر مسلمان سبب بقای وحدت مسلمانان و استحکام زندگی روحی و مادی‌شان و تحکیم قدرت و شکوه اسلام می‌گردد، زیرا امیر مسلمان جهاد می‌کند و پیروز می‌شود و احکام و ارشادات اسلامی را در اطراف و اکناف جهان منتشر می‌سازد و نافرمانی از امیر مسلمانان و بیرون‌شدن

از اطاعت وی سبب تمام شرارت‌ها و موجب فتنه و شکاف در صفوف مسلمین است که دشمنان را بر ایشان چیره گردانیده و دعوت اسلام را به رکود می‌کشاند، این فرمودۀ پیامبر ρ: «**سَتَرَوْنَ مِنْ بَعْدِی اخْتِلاَفًا شَدِیدًا**» یعنی زود باشد که بعد از من اختلاف سختی می‌بینید، طوری که امروز مشاهده می‌گردد این اختلافات واقع شده است، و این پیشگوئی از معجزات پیامبر اسلام به شمار می‌رود. فرمودۀ پیامبر υ: «**فَعَلَیْکُمْ بِسُنَّتِی وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِینَ الْمَهْدِیِّینَ**» یعنی در کارهای دینی و دنیایی خود از سنت من و سنت خلفای راشدین پیروی کنید، این عبارت که می‌فرماید «به دندان‌های پسین خود بگیرید» کنایه از شدت تمسک به روش آن‌هاست که راه دین را گم نکنید و به هلاکت نیفتید در آخر پیامبر ρ به علت این که بدعت سبب گمراهی مسلمین می‌شود پیروانش را از هرگونه بدعت (نوآوری در دین) برحذر می‌دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

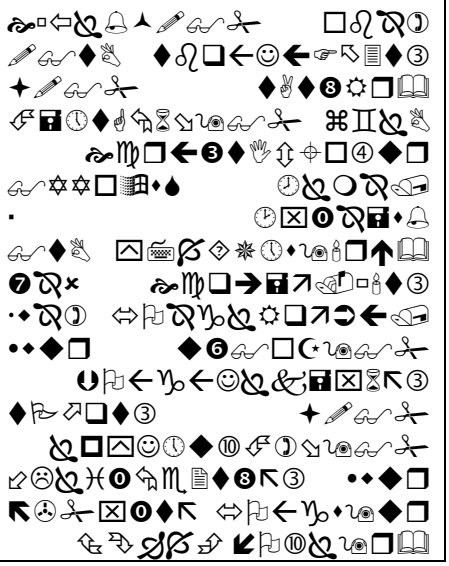
1- حدیث را به تکرار بخوان تا این که بیشتر سامعین حفظ نمایند.

2- شرح را بخوان و نکات مشکل را توضیح ده.

3- آن‌ها را به تقوای خداوند که ازین حدیث شریف دانسته می‌شود و اطاعت از امیر مسلمین تا وقتی که به گناه امر نکند، توصیه کن، زیرا اطاعت مخلوق در اموری که سبب نافرمانی آفریدگار است جواز ندارد.

4- ایشان را از بدعت‌هایی که مخالف سنت پیامبر ρ و جانشینان او و یا بزرگان مسلمانان باشد برحذر دار.

درس 19: آیهٔ کسانی که کتاب خدا را کتمان می‌کنند

قول الله جل جلاله:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	(174) همانا کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را فرستاده است خداوند از کتاب و بفروشند او را به بهای کم, آنان نمی‌خورند در شکم‌های خویش جز آتش و نه سخن گوید با ایشان خدا روز قیامت و نه پاک سازدشان و ایشان راست عذاب دردناک.

[البقره: 174]

شرح: اگرچه این آیت شریفه در بارهٔ اهل کتاب و بخصوص در مورد یهود نازل شده است، ولی اعتبار به عموم لفظ است نه بخصوص سبب نزول. آری، علمای یهود، صفات پیامبر υ را در تورات و انجیل می‌پوشیدند و آن را تغییر و تأویل می‌کردند، تا این که کسی به پیامبر ایمان نیاورد و ریاست دینی خود را در میان عوام قوم خود حفظ کنند، و همین است فروش آیات خداوند به بهای اندک یعنی عمل به آیات خدا را برای به دست‌آوردن منافع اندک دنیائی تبادله می‌کردند، ازینجاست که اگر مسلمانی حکمی واضحی از شریعت را که متضمن امر یا نهی تحلیل یا تحریم است در عوض منافع دنیوی بفروشد در حقیقت به روش اهل کتاب رفته است که آیت شریفه در بارهٔ وعیدشان نازل شده است. آری، قرآنکریم اینگونه اهل کتاب و پیروانشان را که از راه حق دور شدند به عذاب، تهدید می‌کند باید عالم مسلمان از رفتار اهل کتاب برحذر باشد و بر وی واجب است که حق را بیان کند اگرچه

گردنش را بزنند عالم باید تا اندازهٔ که توان دارد حقایق و راه‌های خیر را برای مسلمین بیان کند. فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ این‌ها آنچه امروز از طعام حرام می‌خورند به زودی ایشان را به آتش دوزخ می‌کشاند و فرمودهٔ خداوند: ﴿  ﴾ یعنی خداوند در روز قیامت با آنها سخن نگوید وازین اکرام خداوندی محرومند و گناهان‌شان را نمی‌بخشد و آن‌ها را از گناه پاک نمی‌گرداند و آنان را نمی‌ستاید، زیرا صلاحیت این نعمت را ندارند و از همین سبب است که در آخرت, عذاب دردناکی را برایشان آماده کرده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تکرار بخوان تا این که بیشتر سامعین حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و توضیح ده: تا شنوندگان آن را بفهمند.

3- برایشان تذکر بده: که انسان برای گفتن سخن باطل و یا پوشیدن حق هرقدر مال گرفته باشد ولو که میلیون‌ها دولار باشد بازهم اندک است و نسبت به آخرت بی‌ارزش است.

4- شنوندگان را از انکار حق و یا پوشیدن آن برای به دست‌آوردن مادیات و یا رابطهٔ قومی برحذر دار و مسلمان باید حقیقت را بگوید، اگرچه به ضرر او باشد.

5- به ایشان بگو: که مسلمانان نیکوکار در روز قیامت به دیدار خداوند فائز می‌گردند و این نعمت بزرگی برای مسلمان شمرده می‌شود.

درس 20: حدیث تعلیم علم آخرت به جهت دنیا

قول النبي عليه السلام: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ وَجْهُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لاَ يَتَعَلَّمُهُ إِلاَّ لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». يَعْنِي رِيحَهَا. [أبوداود] **وَقَوْله مَا مِنْ رَجُلٍ يَحْفَظُ عِلْمًا فَيَكْتُمُهُ إِلاَّ أُتِيَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْجَمًا بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ.**	پیامبر ρ می‌فرماید: کسی که علمی را که به آن معرفت خداوند به دست می‌آید، برای به دست‌آوردن منافع دنیا بیاموزد بوی جنت را نمی‌یابد. و نیز می‌فرماید: کسی که علمی را حفظ می‌کند سپس آن را می‌پوشد روز قیامت وی را احضار کرده که بلجامی از آتش دوزخ لجام شده است.

(ابن ماجه)

شرح: «**من تعلم علما يبتغي به وجه الله**» یعنی علم را طلب کند و یاد بگیرد، مراد از این علم، علم دین می‌باشد که علم کتاب خدا و حدیث پیامبر است، زیرا علم کتاب و سنت است که برای شناخت خداوند و شناخت آنچه را که او تعالی می‌پسندد تا به آن عمل کنند و آنچه را نمی‌پسندد تا آن را ترک کنند، رهنما است چه انجام کارهای که خداوند می‌پسندد نفس بشری را پاک و تزکیه می‌کند و او را به رضای خداوند و در جوار رحمت او به ملکوت اعلی در جنت دارالسلام می‌رساند. می‌فرماید: «**لا يتعلمه إلا ليصيب غرضا من الدنيا**» یعنی علم بشریت را برای معرفت خداوند و شناخت آنچه را خدا می‌پسندد یا نمی‌پسندد تا به آن‌ها عمل کند فرا نمی‌گیرد، بلکه علم شریعت را آموخته تا به واسطهٔ آن مال و منصب دنیائی به دست بیاورد العیاذ بالله. چنین انسانی وقتی که بمیرد پیامبر ρ می‌فرماید: «بوی بهشت را نمی‌یابد یعنی در جنت داخل نمی‌گردد و نه به آن نزدیک می‌شود».

و نیز می‌فرماید: «**مَا مِنْ رَجُلٍ يَحْفَظُ عِلْمًا**». یعنی کسی که علم دین را که به آن معرفت خدا طلب می‌شود بیاموزد سپس آن را دریغ کرده بپوشد و به کسی تعلیم ندهد، یا اگر از آن

علم پرسیده شود، جواب مسئله را ندهد تا کسی به آن اطلاع پیدا نکند، او را بروز قیامت می‌آورند که بلجام از آتش دوزخ لجام کرده شده است. از چنین عذابی به خداوند مهربان پناه می‌برم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو حدیث را واضح بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

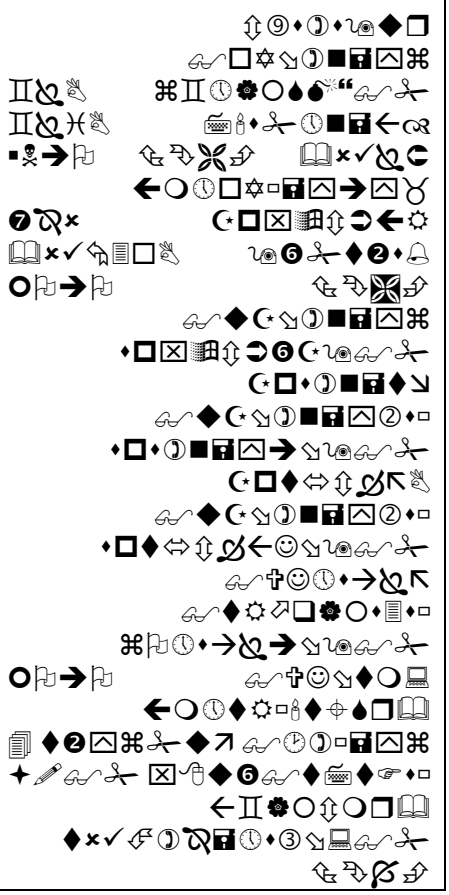
2- شرح را به آرامی بخوان و نکات مهم آن را تفسیر کن و موارد پوشیدهٔ آن را توضیح ده تا فهمیده شود.

3- برای آن‌ها بفهمان: که پوشیدن علم شریعت حرام است، زیرا بر عالم لازم است که به دیگران تعلیم دهد، پس چگونه جواز دارد وقتی که از وی پرسیده شود بخل کند و جواب مسئله شرعی را ندهد.

4- به ایشان بگو: برای مسلمان حلال نیست که دنیا را به واسطهٔ دین طلب کند تا دین خود را به منفعت اندک دنیائی بفروشد.

5- عذاب کسی که علم دین را برای دنیا طلب می‌کند مانند کسی است که علم دین را می‌پوشد و جواب مسائل شرعی را نمی‌دهد، زیرا اول از بوی بهشت محروم است و دوم بلجامی از آتش دوزخ لجام کرده می‌شود نعوذ بالله منه.

درس 21: آیهٔ مراحل خلقت انسان در شکم مادر

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(12) همانا آفریدیم انسان را از گل خالص (13) سپس گردانیدیمش نطفه در آرامگاه جایدار (14) پس آفریدیم نطفه را خونی بسته، پس آفریدیم خون را گوشت پارهٔ پس آفریدیم گوشت را استخوان‌ها پس پوشانیدیم استخوان‌ها را گوشتی سپس پدید آوردیمش آفرینش دیگر پس خجسته یاد خدا بهترین آفرینندگان.

[مؤمنون: 12 – 14]

شرح: فرمودهٔ خداوند:  ، این آیات از مظاهر قدرت پروردگار است و نشان می‌دهد: که خلق و تدبیر براساس قدرت، علم و حکمت الهی صورت گرفته است و این از مقتضیات الوهیت خداوند است 

﴿ مراد از انسان در اینجا پدر انسان‌ها آدم υ می‌باشد، چنانکه در تفاسیر آمده خداوند Ψ آدم را از گل چسبناک، بودار خشکی مانند سفال پخته که آواز می‌داد آفریده است که خاک را گل کرد تا گل مانند لوش بوی گرفت سپس به گل خشکیده که مانند سفال پخته بود تبدیل کرد بعد از آن فرزندان وی را از نطفه‌اش که در قرار گاه رحم جای داد بیافرید، چنانکه آن نطفه را خون بسته باز خون را مانند پارهٔ گوشتی که به دهان جویده شود باز گوشت پاره را استخوان و باز بر استخوان‌ها گوشت پوشانید باز وی را به دمیدن روح در پیکر، موجودی زنده ساخت. می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی قدرت آشکار، علم و حکمت او تعالی بر همه آفریدگاران که اگر فرضاً غیر از خداوند آفریدگاری وجود می‌داشت برتری وفوقیت دارد، ولی غیر از خداوند بزرگ خالق و آفریدگار دیگر موجود نیست، بلند است ذات او و بزرگ است قدرت او.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید خوان و تکرار کن تا این که حفظ شود.

2- شرح را جمله جمله واضح بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده تا دانسته شود.

3- آن‌ها را از علت پرستش خداوند و عدم پرستش غیر او آگاه کن، زیرا تنها خداوند است که آفریدگار روزی‌دهنده و گردانندهٔ جهان است و به جز وی دیگری این کارها را نمی‌تواند انجام دهد.

4- آن‌ها را از تحولات جنین در رحم خبر ده: چنانکه پیامبر υ فرموده که آفرینش یکی از شما در شکم مادر وی چنین است که چهل روز نطفه و چهل روز علقه (خون بسته) و چهل روز مضغه (گوشت پاره) تا آخر حدیث که دانشمندان عصر را به حیرت می‌افکند.

درس 22: حدیث طول قد آدم υ

قوله علیه السلام: خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَطُولُهُ سِتُّونَ ذِرَاعًا، ثُمَّ قَالَ اذْهَبْ فَسَلِّمْ عَلَى أُولَئِكَ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ، فَاسْتَمِعْ مَا يُحَيُّونَكَ، فَإِنَّهُ تَحِيَّتُكَ وَتَحِيَّةُ ذُرِّيَّتِكَ. فَقَالَ: السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ. فَقَالُوا: السَّلاَمُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ. فَزَادُوهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ. فَكُلُّ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَلَى صُورَةِ آدَمَ عَلَيْهِ السَلاَم، فَلَمْ يَزَلِ الْخَلْقُ يَنْقُصُ حَتَّى الآنَ.	پیامبر ρ می‌فرمایند: خداوند آدم υ را بیافرید و طولش شصت گز بود. بعد برایش گفت: برو و بر این گروه از فرشتگان سلام بگوی و گوش کن، چگونه تو را جواب می‌گویند که آن تحیه تو و فرزندانت خواهد بود. سپس آدم υ گفت: السلام علیکم آن‌ها در جواب او گفتند: السلام علیکم ورحمة الله. پس ایشان جملهٔ ورحمة الله را زیاد کردند، پس هرکسی که به جنت داخل می‌شود بر صورت آدم υ است که پیوسته قامت مردم از آن روز به طرف نقصان می‌رود.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: «**خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَطُولُهُ سِتُّونَ ذِرَاعًا**». پیامبر ρ از ابتدای آفرینش از روزی که خداوند آدم υ را پیدا کرد خبر می‌دهد که طولش شصت گز شرعی بود، چون گز شرعی اندازهٔ نیم متر است، پس شصت گز هم سی‌متر خواهد شد، از آغاز آفرینش امت مردم به طرف نقصان رفته که اکنون هرقدر کسی بلند قامت باشد از پنج گز تجاوز نمی‌کند. می‌فرماید: «**ثُمَّ قَالَ اذْهَبْ فَسَلِّمْ عَلَى أُولَئِكَ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ، فَاسْتَمِعْ مَا يُحَيُّونَكَ**» یعنی هنگامی که خداوند آدم υ را بیافرید و روح خود را در وی دمید و توانایی سخن‌گفتن را پیدا کرد برایش گفت: برو و بر این گروه از فرشتگان سلام کن و گوش کن: تا چگونه تو را جواب می‌گویند. می‌فرماید: «**فَإِنَّهُ تَحِيَّتُكَ وَتَحِيَّةُ ذُرِّيَّتِكَ**» پس بلند شد و رفت و گفت: «**السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ**» آن‌ها در جوابش

گفتند: «**السَّلاَمُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ**» که جملهٔ «رحمة الله» را زیاد کردند. می‌فرماید: «**فَكُلُّ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَلَى صُورَةِ آدَمَ**» پس هرکه به جنت داخل شود از فرزندان آدم به طول قامت و زیبایی صورت آدم υ باشد، پیش از این که قامت مردم به نقصان برود که قد آدم شصت گز شرعی بود، این حدیث حقیقت خلقت آدم υ را بیان می‌کند که به چه هیأت بوده است که اگر در این حدیث به آن اشاره نمی‌شد، ما از آن آگاهی نمی‌داشتیم که هر مسلمانی که به جنت داخل می‌شود قامت و صورت آدم υ را خواهد داشت، چنانکه خداوند وی را به همان صورت خلق کرد و به زمین فرستاد و در قیامت نیز فرزندانش را به همان شکل و هیأت اولی به جنت داخل می‌فرماید، و نیز پیامبرρ از اهل دوزخ به ما خبر داده است که پیکر دوزخی آنقدر بزرگ می‌شود که مساحت بین مدینه و مکه را اشغال می‌کند و دندان دوزخی مانند کوه احد خواهد بود، زیرا هرقدر پیکرش بزرگتر باشد باید تحمل عذاب بیشتری را بکند و این احادیث هم به صحت رسیده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ نمایند.

2-شرح را به آرامی بخوان و نکات پوشیده و مشکل را توضیح ده.

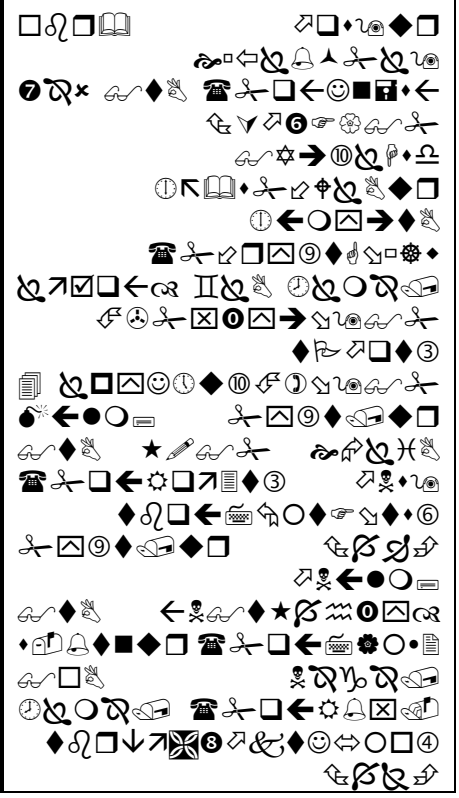
3-برای‌شان از مظاهر علم، قدرت و حکمت خداوند در آفرینش انسان بیان کن.

4-به ایشان بگو: که «**السَّلاَمُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ**» البته اگر جمله برکاته را زیاد کند ده حسنه به اجرش زیاد می‌کند.

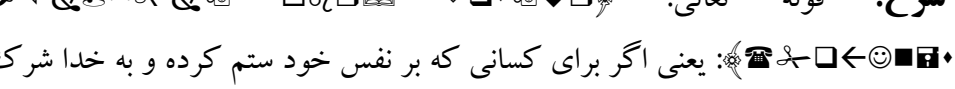
5-به آن‌ها بگو: که این مسلمانان هستند که ممتاز به چنین تحیه می‌باشند و امت‌های دیگر از این امتیاز محرومند.

6-به آن‌ها بگو: که اگر مسلمانی به منزلی داخل شود که در آن کسی نباشد باید «**السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ**» و تحیت برای خودش بگوید.

درس 23: آیهٔ ظالمان و فدیه در روز قیامت

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(47) اگر همه‌ی چیزهایی که در زمین است و همانند آن، یکجا از آنِ ستمکاران باشد، به‌طور قطع روز قیامت همه را برای رهایی خویش از عذابِ بد می‌دهند. و از سوی پروردگار عذاب‌هایی برایشان نمایان می‌شود که گمان نمی‌بردند. (48) و سزای کردارشان برای آنان نمایان می‌شود و آنچه که آن را به ریشخند می‌گرفتند، دامنگیرشان می‌گردد.

[الزمر: 47 – 48]

شرح: قوله تعالی:  : یعنی اگر برای کسانی که بر نفس خود ستم کرده و به خدا شرک آوردند، زیرا شرک مطلقاً از بزرگترین گناهانست، زیرا خداوند می‌فرماید:  (لقمان: 13). «همانا شرک ظلم بزرگی است». و علت این که شرک، ظلمی بزرگ به شمار می‌رود، این است که حق خداوند را که توحید در عبادت برای غیر خدا از مخلوقات او داده می‌شود،

همان مخلوقاتی که برای خود و غیر خود فائده و ضرری را مالک نیستند و نه توانائی میرانیدن و زنده‌کردن یا برانگیختن را دارند، پس این گروه اگر بروز قیامت تمام دارائی روی زمین از نقدینه و جنس و چند برابر آن دارا باشند و از ایشان برای فدیه قبول شود، هرآئینه آن را فدا کنند و از سختی عذاب روز قیامت خود را بازخرند، آن عذابی که قرار است در آن روز به ایشان برسد و خود می‌دانند که آن عذاب را خواهند چشید و می‌فرماید: از جانب خداوند به ایشان چیزی نمایان شود که چنین گمانی نداشته و می‌فرماید: یعنی به آنچه از گناهان بزرگ مانند شرک، خون ناحق، زنا، سودخواری و به مسخره‌گرفتن دین اسلام و دوستان خودا مرتکب شده بودند در نظرشان نمودار شود. می‌فرماید: فرا گیرد به آنان آنچه را که استهزاء کرده و به آن می‌خندیدند یعنی عذابی که نتیجه استهزاء شان است، آنان را احاطه می‌کند. چنانچه اگر کسی به عذاب آخرت باور نداشت و هنگامی که وی را از آن می‌ترسانیدند، آن را به استهزاء می‌گرفت، امروز همان عذاب او را فرا می‌گیرد و می‌پوشاند و در آتش دوزخ به عذاب‌های گوناگون گرفتار و دچار زیان و خسران می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به ترتیل بخوان و شنوندگان با خویشتن تلاوت نمایند تا ببینی که بیشترشان آن را حفظ کرده اند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و توضیح ده تا شنوندگان بفهمند.

3- آنان را از هرگونه ظلم بترسان، چه ظلم به نفس باشد و چه ظلم به غیر و زشت ترین انواع ظلم صرف عبادت خدا به غیر او از مخلوقاتست که آن را شرک در عبادت می گویند.

4- آن‌ها را از عذاب آخرت بترسان: که اگر برای یک مجرم تمام ثروت دنیا و چند برابر آن نیز داده شود، در فدیه‌دادن آن به جهت نجات خود از عذاب تردد نمی کند، ولی فدیه از وی قبول نمی‌شود.

5- آن‌ها را از گناهان بزرگ مانند، شرک، قتل نفس، زنا، سودخواری، نافرمانی والدین، شهادت به دروغ، خوردن مال یتیم، دشنام زنان پاکدامن، استهزاء به اسلام و مسلمین بیم ده.

درس 24: حدیث آسانترین عذاب و فدیه در روز قیامت

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لأَهْوَنِ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا لَوْ أَنَّ لَكَ مَا فِي الأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ كُنْتَ تَفْتَدِي بِهِ قَالَ فَقَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا وَأَنْتَ فِي صُلْبِ آدَمَ أَنْ لاَ تُشْرِكَ بِي. فَأَبَيْتَ إِلاَّ الشِّرْكَ.	پیامبر خدا ρ می‌فرماید: همانا خداوند به کسانی که گرفتار آسانترین عذاب دوزخ هستند می‌گوید: اگر آنچه در زمین از اموال وجود دارد از تو می‌بود تو آن‌ها را فدای خود می‌کردی؟ وی می‌گوید: آری. خداوند می‌فرماید: من ازین کار آسانتری از تو خواستم که تو در پشت پدرم آدم بودی از تو خواستم که به من شریک نیاوری و تو به جز از شرک چیزی را قبول نکردی.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: پیامبر می‌فرماید: «**أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لأَهْوَنِ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا**»: یعنی به کسانی که به عذاب سبک‌تر و ساده‌تری گرفتارند خطاب می‌کند، می‌فرماید: «**لَوْ أَنَّ لَكَ مَا فِي الأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ كُنْتَ تَفْتَدِي بِهِ**». اگر آنچه در زمین از اموال و اشیاء وجود دارد از تو می‌بود، تو آن را فدای خود می‌کردی و همه آن اموال و متاعی را که تو مالک آن بودی و در تصرف خود داشتی تو آن‌ها را فدیه می‌دادی تا نفس خود را ازین عذاب که گرفتار آن هستی نجات دهی؟ می‌فرماید: «**فَقَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا**»: یعنی چیزی خواستم که از فداکردن اموالت آسانتر بود. «**وَأَنْتَ فِي صُلْبِ آدَمَ أَنْ لاَ تُشْرِكَ بِي. فَأَبَيْتَ إِلاَّ الشِّرْكَ**»: و این خواسته من وقتی بود که تو در پشت آدم بودی که به من شرک نیاوری، ولی تو به جز شرک چیزی را قبول نکردی و چون شرک آوردی به دوزخ داخل شو و تلخی عذاب آن را تحمل کن.

گفتهٔ پیامبرρ : وأنت فی صلب آدم اشاره به این آیه است: ﴿

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا﴾ (الأعراف: 172). «و زمانی (را یاد کن) که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، نسلشان را در آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت (و فرمود:) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری؛ گواهی دادیم. (این گواهی را گرفتیم) تا روز قیامت نگویید: ما از این حقیقت غافل و بی‌خبر بودیم». آن روز بود که به وحدانیت خداوند اقرار کردند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و تکرار کن.

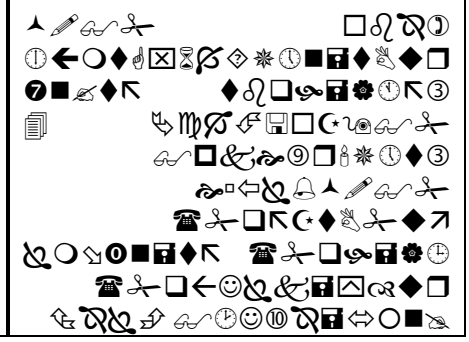
2- شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه که توضیح لازم است توضیح ده.

3- آن‌ها را از شدت عذاب آخرت بترسان و هشدار ده که مرتکب گناهان بزرگ مانند، شرک، قتل، زنا، سودخواری، شهادت به دروغ و نافرمانی والدین نگردند.

4- آن‌ها را از حقارت متاع دنیا آگاه کن، زیرا کسی که به کمترین عذاب آخرت گرفتار باشد حاضر است تا همه آن‌ها را بدهد و نفس خود را نجات دهد.

5- آن‌ها را از شرک بترسان و بعضی انواع شرک را مانند خواندن غیر خدا، نذر و ذبح به نام غیر خدا، قسم به غیر نام خدا، برایشان معرفی کن.

درس 25: آیهٔ درود فرشتگان بر پیامبر

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	(56) همانا خدا و فرشتگان درود می‌فرستند بر پیامبر، ای آنان که ایمان آوردید درود بفرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی.

[احزاب: 56]

شرح: می‌فرماید:  درین آیت کریمه خداوند خبر می‌دهد که ذات مقدس او و فرشتگان بر پیامبرρ درود می‌فرستند، درود از جانب خداوند، ثنا و رضای او تعالی است و از جانب فرشتگان، دعا و طلب بخشایش برای پیامبرρ و از طرف مؤمنین تکریم و تعظیم شأن پیامبر υ است. می‌فرماید:  چون خداوند بزرگ و فرشتگان وی بر پیامبر درود می‌فرستند، پس شما ای مؤمنین بر پیامبر درود و سلام بفرستید، زیرا درودگفتن بر پیامبرρ سبب اصلاح حال و هدایت شماست و راه کمال و سعادت را برایتان در دنیا و آخرت آماده می‌کند و درود خدا، فرشتگان و مؤمنین بر پیامبر نمایانگر زیادتی شرف و بلندی مقام و علو مرتبت پیامبر υ در نزد پروردگار است. از همین سبب است که خداوند بزرگ بندگان مؤمن خود را فرمان می‌دهد و برایشان واجب می‌گرداند تا بر پیامبرش ρ درود بگویند و کمترین ادای این واجب این است که مسلمان برای یکبار در عمر خود بگوید: «**اللهم صل علی محمد**

وسلم تسلیما» مانند حج که آن هم در عمر یک مرتبه فرض است و آنچه از یک مرتبه زیادتر به جا آورد مستحب و سبب زیادتی ثواب برای مسلمین می‌باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیه را به ترتیل بخوان تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و نکات توضیح طلب را واضح ساز.

3-به آن‌ها تذکر ده: که درودگفتن بر پیامبرρ دارای ثواب زیاد و از برترین اعمال گفته می‌شود.

4-به آن‌ها بفهمان: که صیغه‌های درود بسیار است، ولی افضل آن‌ها درود ابراهیمیه است: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ**».

5-ایشان را بفهمان: که هرکس یک مرتبه بر پیامبرρ درود بگوید: خداوند ده چند برای وی ثواب می‌دهد.

درس 26: حدیث آموزش درود و صلوه بر پیامبرρ

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لَمَا قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.	حیث پیامبر ρ: چون یاران از پیامبر ρ پرسیدند: که ای رسول خدا! چگونه بر تو درود بگوئیم، آن حضرت ρ فرمود: بگوئید: اللهم صل علی محمد... خدایا بر محمد و همسران و فرزندان او رحمت کن، چنانکه بر اولاد ابراهیم رحمت فرستادی و بر محمد و همسران و فرزندان او برکت بده چنانکه بر اولاد ابراهیم برکت دادی. همانا تو ستودهٔ و برتر هستی.

(رواه البخاری)

شرح: «**لَمَا قَالُوا لَهُ**»: در اینجا یاران از پیامبرρ طلب کردند تا به ایشان بیاموزد که چگونه و به چه صیغه‌ای بر وی درود بگویند؟

رسول الله ρ در جواب‌شان فرمود، بگوئید: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وآل مُحَمَّدٍ**...» زیرا آن که بر پیامبر درود می‌فرستد از خداوند طلب می‌کند که بر شرافت و مرتبهٔ پیامبر طوری که اهلیتش را دارد بیفزاید، زیرا خدای بزرگ او را برگزیده و برای برداشت بار نبوت انتخاب کرده تا آن را به بندگانش برساند که او تعالی را به یگانگی پرستش کنند و در پرتو عبادت خداوند تکامل پیدا کرده و به سعادت دنیا و آخرت برسند، چه پرستش خدای یگانه به جسم و جان انسان قدرت و نیرو می‌بخشد و او را کامل می‌گرداند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و بیشترشان آن را حفظ کنند.

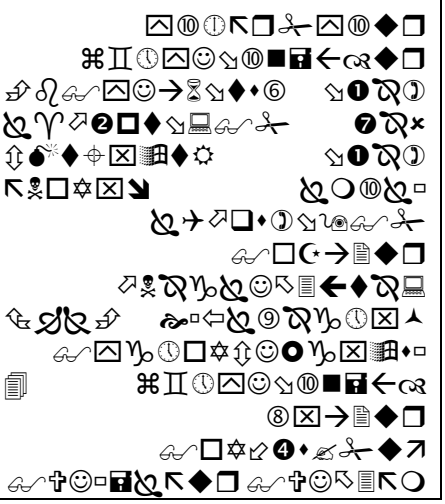
2-شرح را جمله جمله واضح بخوان تا بدانی آن را دانسته اند.

3-به طور خلاصه از شرافت فرزندان یا همسران و یاران پیامبرρ به ایشان توضیح ده و بگو: که اولاد عقیل و عبدالمطلب نیز در شمار آل پیامبر داخل هستند.

4-ایشان را آگاه کن: که درودگفتن بر پیامبر اسلام υ آنقدر فضیلت دارد که اگر کسی یک بار درود بگوید، خداوند ثواب ده چند برایش عنایت می‌کند.

5-به ایشان بگو: که در حدیث صحیح وارد شده است که هرکس درودگفتن به پیامبر ρ او را از کارهایش بازدارد، خداوند Ψ مشکلات دنیا و آخرت او را کفایت می‌کند.

درس 27: آیهٔ داستان داوود و سلیمان

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خداوند:
	(78) و داوود و سلیمان هنگامی که داوری می‌کردند در کشتزار, هنگامی که پراکنده شدند در آن گوسفندان قوم و بودیم داوری آنان را گواهان، پس فهماندیمش به سلیمان و هریک را دادیم حکمی و دانشی.

[انبیاء: 78]

شرح: ﴿ ⌘♊🕓🖂☺↘⑩■🖬←♌◆❒ 🖂⑩🕒↖❒✂🖂⑩◆❒⌘﴾: یعنی ای محمد! داستان داوود و سلیمان را که هردو پدر و پسر از پیامبران بنی اسرائیل بودند به یاد آور. می‌فرماید: ﴿ ♑♈↗❷◘♦↘💻✂ ❼♑× 🖋♌🖂☺→⌛↘♦•⑥ ↘❶♑◑ ﴾ آنگاه که قضاوت کردند هردو در بارهٔ کشتزار: ﴿◑♑❶↘ ☼♦⊞☒⌖♦💣⇳ ▫♑❍⑩♑ ◣☒✡◘↖☠ ﴾ یعنی شب هنگام گوسفندان بدون چوپان آن را چریده و تلف ساخته بودند می‌فرماید: ﴿❒◆🗎→☪□🖳 ☠♑♍♑☺↖▤←♦♑🖳 ﴾. ما در بارهٔ حکم‌شان گواه هستیم، یعنی حاضر بودیم و چیزی از حکم‌شان بر ما پوشیده نبود. وقتی که داوود ﷺ فرمان داد: که گوسفندان را صاحب کشتزار در مقابل خسارتی که به زراعتش وارد آمده تصاحب کند و سلیمان ﷺ حکم کرد که صاحب گوسفندان کشت را بگیرد و در آن نظارت داشته تا به حالت اولی بازگردد و صاحب مزرعه گوسفندان را بگیرد و از شیر و پشم و نتایج آن‌ها استفاده کند تا هنگامی که خوشه‌های

کشت باز گردد، آنگاه گوسفندان را به صاحبش برگرداند و چیزی از گوسفندان را کم ندهد. این داوریست که سلیمان داشت و داوری او از داوری پدرش داوود υ به عدالت نزدیکتر است که این معنی فرمودهٔ خداوند است: ﴿ﷺ﴾ پس فهماندیمش سلیمان، یعنی حکم درست در این قضیه یا این فتوی را به وی الهام کردیم. داوود υ نیز در این داوریش مورد مؤاخذه قرار نگرفت، چون او نیز اجتهاد کرده ولی به حق نرسیده پس برای او هم ثواب اجتهادش داده می‌شود. و از همین سبب خداوند فرمود: ﴿ﷺ﴾ ما به هردویشان مقام فرمان روائی و حکم را داده ایم و در هردوی ایشان حکمت و دانائی وجود دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار حفظ شود.

2- شرح را جمله جمله بخوان و مشکلات را توضیح ده: تا فهمیده شود.

3- ایشان را از وسعت علم خدا و احاطه او تعالی آگاه کن: که لازم است از او ترس داشته، شرم بدارند.

4- مانند این داستان از جملهٔ اخبار به غیب و معجزه محمد ρ به شمار می‌آید.

5- برایشان توصیه کن: تا از خداوند بخواهند که برایشان فقاهت را در دین روزی کند و احکام و دانش شریعت و دین خود را به آن‌ها تعلیم دهد، زیرا تنها ذات باری تعالی معلم و آموزگار حقیقی است و بس.

درس 28: حدیث داستان دو زن و داوری سلیمان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: كَانَتِ امْرَأَتَانِ مَعَهُمَا ابْنَاهُمَا جَاءَ الذِّئْبُ فَذَهَبَ بِابْنِ إِحْدَاهُمَا، فَقَالَتْ صَاحِبَتُهَا إِنَّمَا ذَهَبَ بِابْنِكِ. وَقَالَتِ الأُخْرَى إِنَّمَا ذَهَبَ بِابْنِكِ. فَتَحَاكَمَتَا إِلَى دَاوُدَ، فَقَضَى بِهِ لِلْكُبْرَى فَخَرَجَتَا عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ فَأَخْبَرَتَاهُ. فَقَالَ ائْتُونِي بِالسِّكِّينِ أَشُقُّهُ بَيْنَهُمَا. فَقَالَتِ الصُّغْرَى لاَ تَفْعَلْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ، هُوَ ابْنُهَا. فَقَضَى بِهِ لِلصُّغْرَى.	پیامبر خدا ρ فرمود: دو زن در صحرائی دو کودک خود را همراه داشتند، گرگی آمد کودک یکی ازیشان را برد، رفیقه او گفت: گرگ کودک تو را برده است، زن دیگر گفت: نه کودک تو را برده است، پس شکایت نزد داود υ بردند، آن حضرت به مفاد زن بزرگتر حکم کرد، چون از نزد داوود υ بیرون شدند، سلیمان υ را ملاقات کردند، حکم پدرشان را با وی در میان گذاشتند، ایشان گفتند: کاردی بیاورید تا کودک را در میان شما دو تقسیم کنم، زن بزرگتر خاموش بود، ولی زن کوچکتر گفت: خدا بر تو رحمت کند، این کار را نکن، این بچه فرزند او است، بعداً سلیمان υ فرمان داد تا طفل را به زن کوچک بدهند.

(رواه البخاری)

شرح: «**كَانَتِ امْرَأَتَانِ**»، مثل این خبر بزرگ به عقل گفته نمی‌شود و دشوار است تا کسی آن را بدون مدرکی خبر دهد. پس مثل این قصه از نشانه‌های نبوت است، زیرا این اخبار را پیامبرρ به صورت وحی فرا می‌گیرد که از طرف خداوند به او وحی می‌شود. و وقوع این داستان در عصر داوود υ بوده است که از آن قرن‌ها گذشته و رسول خداρ طوری آن را قصه می‌کند که گویا آن را مشاهده می‌نماید و در پیش روی او پدید آمده است که این

دلالت بر پیامبری محمد ρ داشته و یکی از معجزات نبوت که اخبار به غیب باشد به شمار می‌آید، می‌فرماید: «**فَتَحَاكَمَتَا إِلَى دَاوُدَ، فَقَضَى بِهِ لِلْكُبْرَى**». داود υ که در آن روز پادشاهی و نبوت داشت به مفاد زن بزرگ حکم کرد، چون به علت بزرگسالیش احتمال صدق, او را داشت. می‌فرماید: «**فَخَرَجَتَا عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ فَأَخْبَرَتَاهُ**». چون از نزد داوود υ بیرون شدند، سلیمان υ را ملاقات کردند و حکم پدرش را با وی در میان گذاشتند، می‌فرماید: «**فَقَالَ ائْتُونِي بِالسِّكِّينِ أَشُقُّهُ بَيْنَهُمَا**»، گفت: چاقویی حاضر کنید تا بچه را به دو نیم تقسیم کنم، زیرا هریکی ادعای طفل را دارد، چون مادر طفل دید که سلیمان υ می‌خواهد بچه را دو تقسیم کند، فریاد زد مکن مکن دست نگهدار، این کودک فرزند آن زن باشد، می‌فرماید: «**فَقَضَى بِهِ لِلصُّغْرَى**»، پس سلیمان υ فرمان داد تا طفل را به زن کوچک بدهند، زیرا او راضی نشد که فرزندش به قتل برسد و تقسیم گردد. پس سلیمان υ دانست که کودک از اوست و فرزند زن بزرگتر نمی‌باشد، این دانش از طرف خداوند برای سلیمان υ داده شده بود. چنانکه خداوند بداستان داوری گوسفندان می‌گوید: ﴿ ﴾ (الأنبياء: 79). «پس فهم داوری درباره‌ی این موضوع را به سلیمان دادیم و به هر یک حکمت و دانش بخشیدیم». خداوند ذاتی است که به هرکه بخواهد هدایت و حقیقت را در کارها الهام می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

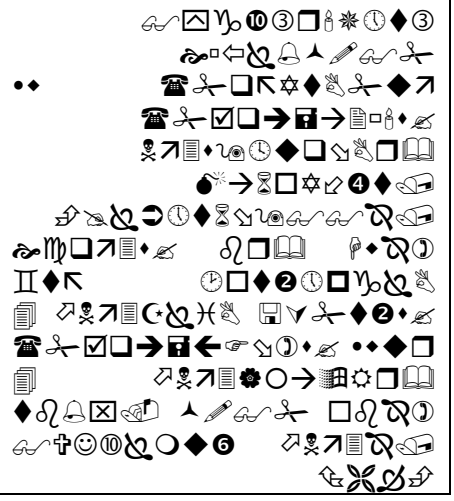
1- حدیث را به خوبی بخوان و تکرار کن تا حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و پوشیدگی آن را توضیح ده تا همه بدانند.

3- برایشان از عاطفه و احساس مادر نسبت به فرزند گوشزد کن که در چنین حالاتی تجلی می‌کند.

4- به ایشان از فقاهت و دانش که خداوند به سلیمان υ ارزانی داشته بود صحبت کن.

درس 29: آیهٔ خوردن مال‌های یکدیگر به ناحق

قول الله تبارک وتعالی:	خداوند بزرگ می‌فرماید:
	(29) ای کسانی که ایمان آوردید! نخورید مال‌های خود را در میان خویش بناحق، مگر آن که داد و ستدی باشد بر رضایت میان شما و نکشید, همدیگر را همانا خداوند به شما مهربان است.

[نساء: 29]

شرح:   : یعنی ای کسانی که خدا را پروردگار، اسلام را دین و شریعت و محمد υ را نبی و پیامبر شناختید، آن‌ها را به این صفات مورد خطاب قرار می‌دهد تا احکام و تکالیف شرعی را متوجه آن‌ها گرداند، می‌فرماید: مال‌های خود در میان خویش به باطل نخورید. یعنی بدون حقی که گرفتن مال را حلال می‌کند مانند دادن عوض یا به رضامندی, بخشش‌نمودن,  این استثنائیست که از نهی عموم خوردن مال به ناحق و بدون عوض استثناء شده است، زیرا نفعی که شخص مسلمان از راه تجارت و معامله به دست می‌آورد حلال است و برایش ایرادی نیست و خرید و فروش به رضامندی هردو طرف صورت می‌گیرد، پیامبر υ می‌فرماید: «خریدار و فروشنده تا هنگامی که از هم جدا نشده اند در بیع خود دارای اختیار هستند که آن را ثابت بدانند یا فسخ کنند». و نیز آن حضرت ρ

فرموده است: «مشروعیت بیع در صورتی است که هردو طرف به رضا و رغبت آن را انجام داده باشند». و فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿ ﴾: نفس‌های خود را نکشید، خداوند مسلمان را از قتل نفس‌ها منع می‌کند که آن شامل قتل نفس خود شخص و قتل نفس برادر مسلمانش می‌باشد که هردو قتل حرام است و از گناهان کبیره به شمار می‌آید، خداوند در این آیت شریفه علت حرام‌بودن قتل نفس را چنین بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿ ﴾: هرآئینه خداوند بر شما مهربان است، یعنی از مهربانی و شفقتی که دارد نمی‌خواهد نفس‌های خود را بکشید تا از یکطرف از نعمت حیات که بسیار گرانقیمت است محروم نشوید و از طرف دیگر به عذاب همیشگی آخرت گرفتار نگردید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را به تجوید و آرامش تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و پوشیدگی آن را توضیح ده تا همه بدانند.

3- آگاه‌شان گردان: که خوردن مال مردم به ناحق سبب عذاب و محروم‌شدن از رحمت خداوند می‌گیرد.

4- برایشان توضیح ده: منفعتی را که شخص از راه تجارت موافق با موازین شرعی به دست می‌آورد برایش حلال است گرچه هزارها در هزار باشد نظر به این آیه کریمه:

5- برای‌شان تذکر ده خودکشی مانند کشتن دیگران است که سزایش جاویدماندن در آتش دوزخ با غضب الهی است.

درس 30: حدیث انتحار و خودکشی

قول النبي صلى الله عليه وسلم: كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهِ جُرْحٌ، فَجَزِعَ فَأَخَذَ سِكِّينًا فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ، فَمَا رَقَأَ الدَّمُ حَتَّى مَاتَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى بَادَرَنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ، حَرَّمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ.	پیامبر υ فرمود: در کسانی که پیش از شما بودند، مردی دستش جراحتی داشت او را ناآرام کرده بود، پس کاردی را گرفت و بدان دستش را برید. خون بند نیامد تا این که او را هلاک ساخت، خداوند گفت: بنده‌ام در هلاک نفس خود پیشدستی و عجله کرد، من بهشت را بر او حرام کردم.

شرح: «**كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ**»، پیامبر ρ در اینجا از حادثه‌ای خبر می‌دهد که در زمان گذشته واقع شده است. مثل این داستان از سخنانی است که به رأی و فکر گفته نمی‌شود، بلکه از روی علم و دانش بیان می‌شود، دانش پیامبران کسبی نیست بلکه به واسطهٔ وحی خداوند حاصل می‌گردد، پس حقیقت قصه چنین است که مردی دستش مجروح شده و به درد آمد، تا او را ناآرام گردانید و او صبر نکرده پس چاقوی را گرفت و بدان دستی را که درد می‌کرد برید، خون جاری شد تا که او را هلاک ساخت، خداوند گفت: بنده‌ام در هلاکت نفس خود پیشدستی کرده، من بهشت را بر وی حرام کردم. یعنی فرمان دادم که به جنت داخل نشود و کسی که در آخرت به بهشت داخل نشود باید به دوزخ برود، زیرا در آن روز به جز بهشت و دوزخ جایگاهی برای اهل محشر وجود ندارد. آری، خداوند بزرگ در بارهٔ کسانی که در ایستگاه قیامت حضور دارند، فرموده است: گروهی باید به جنت و گروهی به دوزخ بروند و مانند همین داستان در زمان آن حضرت ρ نیز پدید آمده است که در یکی از جنگ‌ها که خود پیامبر υ تشریف داشتند، صحابه مردی را دیدند: که مانند شیر غران در میدان جولان کرده و بر دشمن حمله می‌کرد و از شجاعت و جرأت او بسیار تعجب کردند، پیامبر ρ فرمود: او در آتش است یاران از گفته آن حضرت ρ در باره‌اش بشگفت

آمدند و متوجه او بوده و او را تعقیب می‌کردند، دیدند که در جنگ زخم برداشت و زخم‌ها او را ناراحت کرد تا این که خود را به قتل رسانید. صحابه، گفته پیامبر ρ را در باره‌اش تصدیق کردند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را با آرامش بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را با آرامش بخوان و نکات پوشیده را واضح کن.

3-اعبتار کردار مردم به خاتمه زندگی‌شان است، چه طاعت باشد و چه معصیت، حافظ علیه الرحمه می‌گوید:

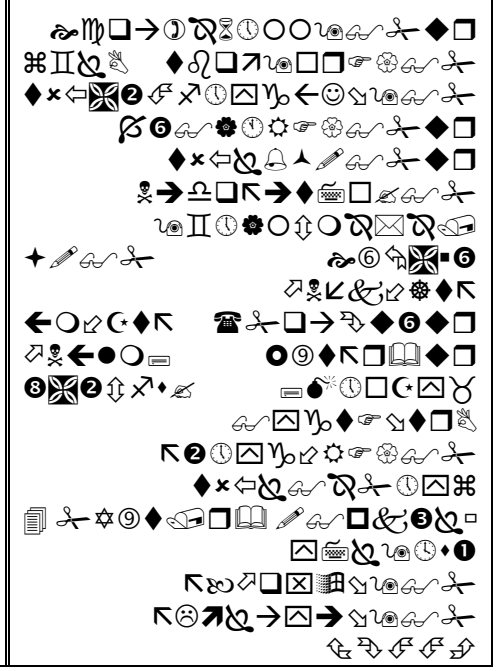
حکم مستوری و مستی همه بر خاتمت است کس ندانست که بآخر چه حالت برود

4-جاری‌شدن خون سبب قتل می‌شود، اگر جلوش گرفته نشود.

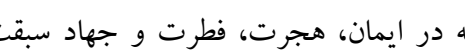
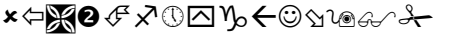
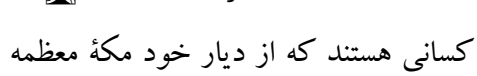
5-کسی که نفس خود را می‌کشد به حکم آیت شریفه و حدیث شریف مانند کسی است که دیگری را می‌کشد و به دوزخ می‌رود.

درسهای ماه رمضان المبارک

درس 1: آیهٔ مهاجرین و انصار سابقه‌دار

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(100) و پیشینیان نخستین از مهاجرین و انصار و آنان که پیروی‌شان کردند به نیکوکاری، خشنود است خدا از ایشان و خشنودند از او, و آماده کرده است برای ایشان باغ‌هائی که روان است زیر آن‌ها جوی‌ها، جاویدانند در آن همیشه، این است رستگاری بزرگ.

[توبه: 100]

شرح:  می‌فرماید:  یعنی کسانی که در ایمان، هجرت، فطرت و جهاد سبقت دارند.  می‌فرماید:  : مهاجرین کسانی هستند که از دیار خود مکهٔ معظمه به جانب مدینه منوره هجرت کردند، انصار، مردم مدینه از قبیلهٔ اوس و خزرج هستند، ازین سبب به لقب انصار مفتخِر شده اند که پیامبرρ و مسلمانان همراهش را نصرت و یاری کردند.  می‌فرماید: : یعنی آنانی که کارنامه‌های مهاجرین و انصار را در ایمان و

نصرت و هجرت و جهاد به صورت پسندیدهٔ پیروی کردند، طوری که از حدود دستورات خدا و فرمایشات رسول الله ρ از نگاه کمی و کیفی و زمانی و مکانی خارج نشدند. می‌فرماید: ﴿❻▪⑥ ✦ ♦ ❁ ⇗☠ ﴾: یعنی خداوند Ψ از سابقان نخستین از مهاجران و کسانی که از آنان به نیکوکاری پیروی کردند خوشنود است، چون ایمانی درست و کرداری پسندیده دارند. می‌فرماید: ﴿◆❻◆❒→ ◆ ☎﴾: آن‌ها هم از خداوند خوشنود شدند. به سبب نعمت‌ها و تعارفاتی که به ایشان ارزانی شده است.

می‌فرماید: ﴿ ❒ ➔❍ ❍⑨♦❒ ☠➔●❍ ♉ ♦❒ ❍ ﴾ برای آن‌ها بهشت‌هائی آماده کرده که جوی‌ها از زیر درختان آن‌ها روانند و برخورداری از چنین نعمت‌هائی برایشان رستگاری بزرگ است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را به طور واضح تلاوت کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله به جمله به آرامش بخوان و اگر محتاج به توضیح بود آن را واضح ساز.

3- ایشان را از فضیلت مهاجرین و انصار از صحابه پیامبر υ آگاه کن و بگو: دوستی‌شان نشانهٔ ایمان و دشمنی آنان سبب نفاق است.

4- به ایشان بگو: راه نجات برای مسلمین پیروی از سلف صالحین است که در عقیده، عبادات، اخلاق و آداب از آنان متابعت کنند.

5- به ایشان تعلیم ده: کسانی که یاران پیامبر ρ را در کردار شایسته پیروی می‌کنند از آنچه که خداوند در این آیهٔ کریمه به آن وعده کرده مانند خوشنودی و رضای الهی و نعمت‌های جاویدانی بهشت, برخوردار می‌شوند.

درس 2: حدیث مؤمن انصار را دوست می‌دارد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: الأَنْصَارُ لاَ يُحِبُّهُمْ إِلاَّ مُؤْمِنٌ، وَلاَ يُبْغِضُهُمْ إِلاَّ مُنَافِقٌ، فَمَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ. **«رواه البخاري»** **وَقوله: لَوْلاَ الْهِجْرَةُ لَكُنْتُ مِنَ الأَنْصَارِ.**	پیامبرρ می‌فرماید: انصار را دوست نمی‌دارد مگر شخص مؤمن و دشمن نمی‌دارد ایشان را مگر شخص منافق، پس کسی که ایشان را دوست دارد، خداوند او را دوست می‌دارد و کسی که آنان را دشمن می‌دارد، خداوند وی را دشمن می‌دارد. و نیز می‌فرماید: اگر برتری هجرت نمی‌بود من یک فردی از انصار می‌بودم.

(صحیح البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**الأَنْصَارُ لاَ يُحِبُّهُمْ**»، انصار جمع ناصر و یا نصیر است و مراد از ایشان دو قبیلهٔ اوس و خزرج است که در مدینه سکونت داشتند، به این سبب انصار نامیده می‌شوند که پیامبر υ و اصحاب شان را نصرت دادند و دین مقدس اسلام را تقویت کردند و جز شخص مؤمن انصار را دوست نمی‌دارد، زیرا خداوند انصار را دوست می‌دارد، لذا آن که دوست داشته باشد آنچه را که خداوند دوست دارد، همانا مؤمن است و اگر دشمنی داشت به آنچه خدا دوست دارد کافر است و اگر کفر خود را بپوشد منافق است. می‌فرماید: «**فَمَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ**». پس کسی که ایشان را دوست دارد خداوند او را دوست می‌دارد، زیرا انصار اولیاء و دوستان خدا هستند و کسی که آنان را دشمن دارد خداوند او را دشمن می‌دارد، زیرا چنین کسانی دشمن خدا و دشمن دوستان او می‌باشند. می‌فرماید: «**لَوْلاَ الْهِجْرَةُ لَكُنْتُ مِنَ الأَنْصَارِ**». اگر فضایل هجرت و ثوابی که مهاجر در آخرت از نعمت‌های خداوند و رضامندی او تعالی به دست می‌آورد نبودی من شخصی از انصار می‌بودم یعنی خود را

بدیشان نسبت می‌دادم و می‌گفتم: من مردی انصاری و از جملهٔ ایشان می‌باشم. این حدیث مبارک بلندی منزلت و درجات هجرت و نصرت و مهاجرین و انصار را بیان می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو حدیث را به نحو احسن چندین بار تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

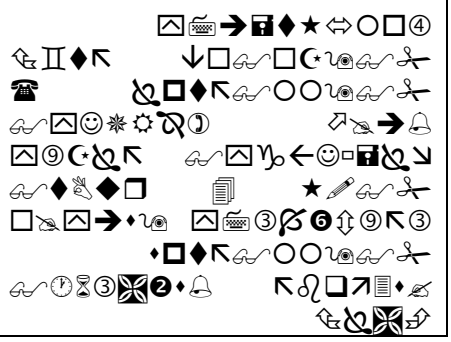
2- شرح را جمله جمله بعد از جمله دیگر بخوان و هرجا که توضیح لازم است واضح ساز.

3- ایشان را به شرافت مهاجرین و انصار آگاه کن تا بدانند که محبت ایشان واجب و دشمنی آن‌ها حرام است.

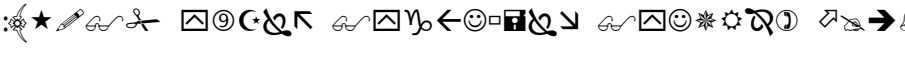
4- به ایشان بفهمان: که طعنه‌زدن به یکی از صحابه مهاجر باشد یا انصار گناه کبیره است، زیرا دوستی این حضرات نشانهٔ ایمان و دشمنی‌شان نفاق به شمار می‌رود.

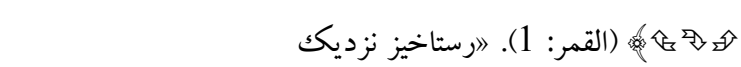
5- به آنان بگو: که هرکس به سلف صالحین طعن می‌زند، قصد ویرانی اسلام را دارد و چنین اعمال روش خوارج و مردم گمراه می‌باشد که از این کردار زشت به خدا پناه می‌بریم.

درس 3: آیهٔ علم قیامت نزد خداست

قول الله عزوجل:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(63) مردم تو را از قیامت سؤال می‌کنند. بگوی: همانا دانش پدیدارشدن آن نزد خداوند است، چه چیز تو را آگاه می‌کند، شاید رستاخیز نزدیک باشد.

[احزاب: 63]

شرح:  سؤال‌کنندگان مشرکین و یهود بودند. و این سؤال به علت انکار و کفرشان بود که از غایت جهل و ستیزه‌جوئی، پدیدآمدن قیامت را مورد سؤال قرار می‌دادند و از پیامبر ﷺ می‌پرسیدند: قیامت کی و چه زمان واقع خواهد شد. می‌فرماید:  : این عبارتی است که خداوند ﷻ پیامبرش را می‌آموزاند که به این کافران پاسخ دهد و ایشان را آگاه سازد که علم دانستن قیامت و زمان پدیدآمدن نزد خدای یگانه است و برای هیچیک از مخلوقات نه برای پیامبران و نه فرشتگان و غیرشان چنین علمی و آگاهی نیست و پوشیدن آن برای حکمت بزرگی است که از جمله یکی ادامهٔ این حیات گذرنده است تا انتهای مدتی که خداوند آن را تعیین نموده و به آن عمل دارد و بر غیر او پوشیده است. می‌فرماید:  یعنی ای پیامبر! تو به وقت قیامت چه آگاهی داری، شاید پدیدآمدن آن نزدیک باشد و در واقع نیز چنین است، زیرا خداوند فرموده است: 

 (القمر: 1). «رستاخیز نزدیک شد و ماه از هم شکافت». و پیامبر ρ نیز می‌فرماید: «**بعثت أنا والساعة کهاتین**»: «من فرستاده شده‌ام در حالی که فاصلهٔ من و قیامت مانند فاصلهٔ دو انگشت دست می‌باشد». لذا نزدیک‌بودن قیامت معلوم است، ولی هنگام پدیدآمدن آن بر همه کس غیر از خدای بزرگ پوشیده است و تعیین وقت آن تنها در نزد خداست و بس.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- شرح مطالب را به خوبی بخوان و آنچه توضیح لازم دارد واضح ساز.

2- آیت کریمه را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

3- به ایشان بیاموز: که پرسش مشرکین به علت ناباوری و تمسخر و دروغ‌پنداشتن قیامت بود و یهود به این سبب می‌پرسیدند تا پیامبر ρ را آزمایش کنند که آیا درین باره چیزی خواهد گفت، و یا مانند انبیاء گذشته آن را به خداوند موکول خواهد ساخت.

4- به ایشان بگو: یکی از حکمت‌های عالی پوشیدن وقت قیامت این است که مردم همواره خویشتن را با کردار نیک و دوری از گناهان آماده مرگ و قیامت سازند. و قیامت هر فرد که مرگ است حتماً به زودی واقع می‌شود.

5- برایشان تذکر ده: که بر بنده مسلمان لازم و ضروریست که با ایمان و انجام اعمال شایسته و دوری گزیدن از گناه, خویشتن را آماده فرا رسیدن وقت مرگ سازد، چون از مرگ گریزگاهی نیست، گرچه عمر انسان به درازا بکشد که هر نفسی چشنده موت است.

درس 4: حدیث با کسانی می‌باشی که...

قول النبي صلى الله عليه وسلم للذي سئل عن الساعة قائلا مَتَى السَّاعَةُ؟: وَمَاذَا أَعْدَدْتَ لَهَا؟ قَالَ: لاَ شَيْءَ إِلاَّ أَنِّى أُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ – صلى الله عليه وسلم –. فَقَالَ: أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ. قَالَ أَنَسٌ: فَمَا فَرِحْنَا بِشَيْءٍ فَرَحَنَا بِقَوْلِ النَّبِيِّ –صلى الله عليه وسلم– أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ. قَالَ أَنَسٌ: فَأَنَا أُحِبُّ النَّبِيَّ –صلى الله عليه وسلم– وَأَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ مَعَهُمْ بِحُبِّى إِيَّاهُمْ، وَإِنْ لَمْ أَعْمَلْ بِمِثْلِ أَعْمَالِهِمْ.	گفتهٔ پیامبر: پیامبر ρ برای کسی که از قیامت پرسید و گفت: رستاخیز چه وقت خواهد بود؟ گفت: چه چیزی برای آن آماده کردی؟ گفت: چیزی آماده نکرده‌ام، مگر این که خدا و رسولش را دوست دارم، آن حضرت ρ گفت: تو همراه کسانی می‌باشی که ایشان را دوست می‌داری، انس گفت: پس ما به چیزی خوشحال نشدیم، مانندی که به این سخن پیامبر خوشحال شدیم، انس گفت: من پیامبر را دوست می‌دارم و ابوبکر و عمر را دوست می‌دارم، امیدوارم تا به سبب دوستی خود همراه‌شان باشم اگرچه مانند ایشان کردار نیکوی انجام ندادم.

(رواه البخاری)

شرح: «**وَمَا ذَا أَعْدَدْتَ لَهَا؟**». پیامبر υ این سخن را در جواب کسی می‌گویند: که از پدیدآمدن قیامت می‌پرسد، زیرا کسی که از آمدن چیزی می‌پرسد، قاعدتاً باید خود را برای آن آماده کرده باشد تا خیری به جهت آن انجام دهد و یا زیانی را از او دور کند، سائل جواب می‌دهد: هیچ چیزی آماده نکرده‌ام مگر این که خدا و رسولش را دوست می‌دارم، اگر دوستی خدا و رسول در قیامت مفید باشد من آن را آماده کرده‌ام. و اگر مفید نباشد چیز دیگری را آماده نکردم، سپس پیامبر ρ برایش چنین جواب داد: که با کسانی هستی که ایشان را دوست می‌داری، و همانا کامیاب و رستگار گردیده اگر راست گفته باشد. و قطعاً چنین

است، زیرا یاران پیامبر ρ سخن دروغ نمی‌گفتند، و می‌بینیم که انس τ نیز در اینجا می‌گوید: من پیامبر ρ را دوست دارم و ابوبکر و عمر را هم دوست می‌دارم و به سبب محتبی که به آن‌ها دارم امیدوارم تا در جنت همراه‌شان باشم، اگرچه مانند کردار نیک ایشان عملی انجام ندادم. انس بن مالک انصاری τ خادم رسول خدا ρ از این وجه محبت ابوبکر و عمرب را ذکر می‌کرد که موقعیت و منزلت‌شان را در نزد پیامبر υ می‌شناسد، لذا با رسول الله آن‌ها را نیز دوست می‌دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

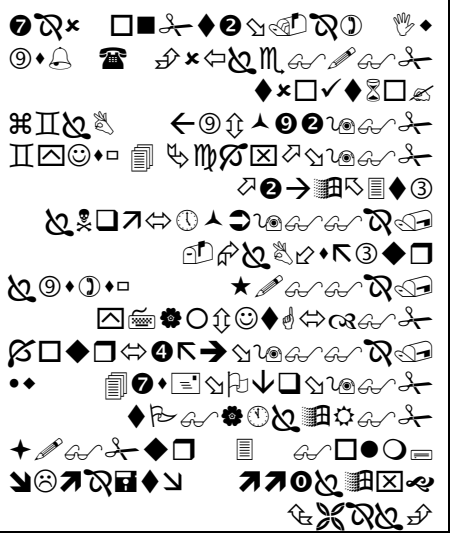
2- شرح را بخوان و نکات مبهم آن را توضیح ده تا دانسته شود.

3- به ایشان بگو: سؤال از پدیدآمدن قیامت شایسته و مفید نیست، لذا پیامبرρ سائل را متوجه نمود که از خودش سؤال کند، چه کردار شایستهٔ را برای قیامت آماده کرده است.

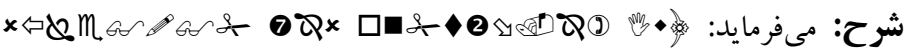
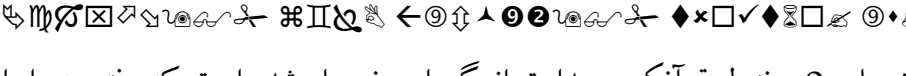
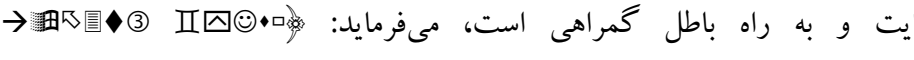
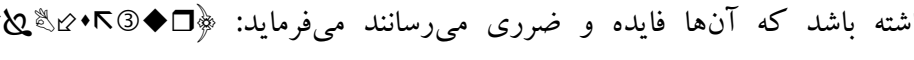
4- به ایشان تعلیم ده: که کسی را دوست بدارد با او یکجا می‌باشد، اگر مؤمنی را دوست دارد با او می‌باشد و اگر کافری را دوست دارد هم با وی می‌باشد باید مسلمان در محبت خود فکر کند تا با صالحین و مردم نیکوکار دوست باشد که با ایشان به جنت داخل شود.

5- ایشان را آگاه کن: که محبت خدا و رسولش بر بندگان واجب است، همچنین دوستی یاران پیامبرρ, چون محبت یاران نشان ایمان و دشمنی آن‌ها علاقهٔ نفاق به شمار می‌رود.

درس 5: آیهٔ در کار دین اجبار نیست

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(256) کار دین به اجبار نیست، هدایت از گمراهی روشن شده است، پس هرکسی که به معبود باطل کافر شود و به خدای یکتا ایمان آورد بیشک بدستگیرهٔ محکم چنگ زده است که در آن گسستنی نیست و خداوند به هرچه مردم گویند و می‌کنند دانا و شنوا است.

[بقره: 256]

شرح: می‌فرماید:  یعنی کسی را به جبر و اکراه و بدون اراده و خواستهٔ او به پذیرفتن اسلام وادار نکنید. این جمله به صورت خبر وارد شده است. ولی در معنی فایدهٔ جملهٔ انشائیه را می‌دهد. می‌فرماید:  با بعثت پیامبرρ و نزول قرآنکریم هدایت از گمراهی نمودار شده است که رفتن به راه اسلام هدایت و به راه باطل گمراهی است، می‌فرماید:  یعنی پس کسی که منکر پرستش بتان بوده و باور نداشته باشد که آن‌ها فایده و ضرری می‌رسانند می‌فرماید:  ویؤمن بالله و به خدای یکتا ایمان آورده و قبول کند الله Ψ پروردگار و سود و زیان به دست اوست.

می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی به محکم‌ترین دستگیره از دین چنگ زده که کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله است و آن که به طاغوت بگرود و به خدا کافر شود، به رشتهٔ سست‌تر از تار عنکبوت چنگ زده است. می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی خداوند سخنان بندگان را می‌شنود و به نیت و کارهای پنهانی آنان آگاهی دارد و به زودی هریکی را برابر کردارش اگر نیک باشد جزای نیک و اگر بد باشد جزای بد کیفر می‌دهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را به صورت واضح بخوان و آنچه شامل است توضیح نما.

3- به ایشان بیاموز: که اجبار در عبادت جواز ندارد، زیرا وقتی بنده کاری را بدون اراده و خواسته‌اش انجام دهد از وی پذیرفته نمی‌شود و نفس او را پاکیزه نمی‌دارد، چنانکه اگر مسلمانی به انجام عمل کفر مجبور گردد، گنهکار نشده و نفسش را آلوده نمی‌گرداند.

4- به ایشان بگو: که اعراب کافر بر بتانی که می‌پرستیدند نام طاغوت را گذاشته بودند و کلمهٔ طاغوت به معنی معبود باطل است.

5- به ایشان توضیح و تعلیم ده: اگر کسی به حقیقت کلمهٔ لا اله الا الله محمد رسول الله برسد، این که به خدا و رسولش ایمان آرد و او را به یگانگی پرستش کرده و شریک نیاورد، همانا به دستگیرهٔ محکمی چنگ زده است که در خور ورود به بهشت گردیده و از دوزخ رهایی می‌یابد و این هدف عالی است برای صاحبان عقل و دانش.

درس 6: حدیث تعبیر خواب عبدالله بن سلام

قول النبي صلى الله عليه وسلم لعبد الله بن سلام رضي الله عنه تِلْكَ الرَّوْضَةُ رَوْضَةُ الإِسْلاَمِ، وَذَلِكَ الْعَمُودُ عَمُودُ الإِسْلاَمِ، وَتِلْكَ الْعُرْوَةُ عُرْوَةُ الْوُثْقَى، فَأَنْتَ عَلَى الإِسْلاَمِ حَتَّى تَمُوتَ.	پیامبر ρ برای عبدالله بن سلام τ گفت: آن باغ باغ اسلام و آن ستون ستون اسلام و آن دستگیره دستگیره استوار است، پس تو تا هنگام مرگ بر کیش اسلام پایدار خواهی بود.

(رواه البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**لعبد الله بن سلام رضي الله عنه**»، عبدالله بن سلامτ یکی از دانشمندان یهود مدینه است که به مجرد ملاقات با پیامبر ρ ایمان آورد و بر اسلام خویش پایدار ماند و در خوابی که دیده بود برایش بشارت بهشت داده شد، خداوند از او خشنود و او به احسان خداوند راضی باد. عبدالله بن سلام τ می‌گوید: گویا در خواب خود باغی دیدم فراخ و سرسبز که در میان آن باغ, ستونی از آهن قرار داشت که انتهایش در زمین و سرش به آسمان افراشته بود و بالایش دستگیرهٔ قرار داشت برایم گفته شد که به آن بالا برو و بر فرازش جای بگیر، من گفتم: نمی‌توانم پس خدمتکاری به کمکم آمد و از پشت سر چامه‌هایم را گرفت و بلندم کرد، پس بالا رفم تا بلندی آن عمود رسیدم و دستگیره را به دست گرفتم باز برایم گفت: بالا برو و بر فراز آن جای بگیر، گفتم: نمی‌توانم، باز خدمتکاری آمد و از عقب لباس‌هایم را بلند کرد پس بر بالای عمود رفتم و دستگیره را گرفتم، برایم گفته شد: که این را محکم نگهدار در حالی که دستگیره به دستم بود از خواب بیدار شدم و آن خواب را بر پیامبر ρ قصه کردم، آن حضرت ρ فرمود: آن باغ, باغ اسلام و آن ستون ستون اسلام است و آن دستگیره دستگیره استواره است و تو تا هنگام مرگ بر کیش اسلام پایدار خواهی ماند.

گوئی این حدیث مبارک بشارتی است به زبان پیامبر ρ به بهشتی‌بودن عبدالله بن سلام τ که در واقع چنان بود، پس خدای بزرگ از وی راضی باد و او را خشنود گرداند. و بهشت را جایگاه او گرداند و همچنین برای هرخواننده و شنونده که این گوید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

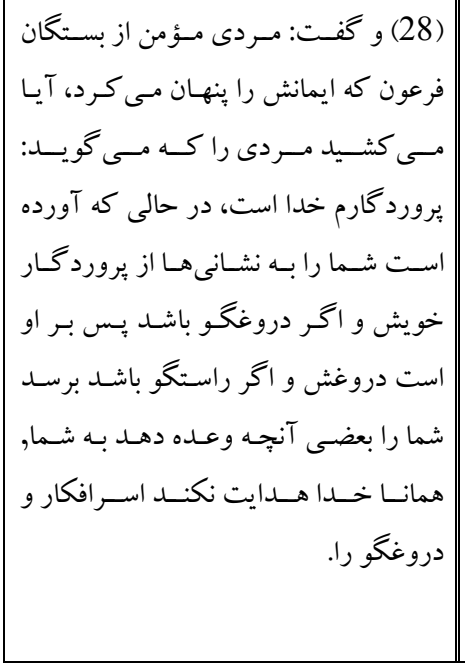
2-شرح را به آرامی بخوان تا شنوندگان آن را یاد گیرند.

3-برایشان بگو: که دین اسلام دین خداست و هرکس به آن ایمان آورد و در آن داخل شود و به دستوراتش عمل کند به سعادت دنیا و آخرت نائل می‌شود از هر گروهی که باشد از مشرکین یا اهل کتاب.

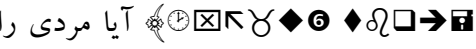
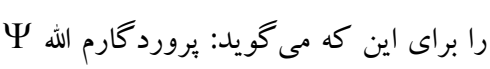
4-به ایشان بفهمان: که رؤیای صالحه مانند وحی است بلکه یک جزء از 46 جزو نبوة به حساب می‌آید.

5-به آن‌ها تعلیم ده که دستگیره محکم کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله می‌باشد و کسی که به آن چنگ زند نجات می‌یابد و هرکه از آن روی بگرداند زیانکار می‌شود.

درس 7: آیهٔ مؤمن آل فرعون

قول سبحانه وتعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(28) و گفت: مردی مؤمن از بستگان فرعون که ایمانش را پنهان می‌کرد، آیا می‌کشید مردی را که می‌گوید: پروردگارم خدا است، در حالی که آورده است شما را به نشانی‌ها از پروردگار خویش و اگر دروغگو باشد پس بر او است دروغش و اگر راستگو باشد برسد شما را بعضی آنچه وعده دهد به شما, همانا خدا هدایت نکند اسرافکار و دروغگو را.

[غافر: 28]

شرح: می‌فرماید: ﴿  ﴾ نام مردی که این سخن را گفت: شمعان است که پسر عموی فرعون بود. می‌فرماید: ﴿  ﴾ یعنی به علت ترس از فرعون و طرفدارانش, ایمان خود را به موسی υ و آنچه از توحید آورده بود پنهان می‌کرد. می‌فرماید: ﴿  ﴾ آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید: پروردگارم خدا است و برفیصله ای که بر ضد موسی برای کشتن او بسته بودند اعتراض می‌کند و می‌گوید: آیا او را برای این که می‌گوید: پروردگارم الله Ψ است می‌کشید، یعنی این عمل را نکنید. ﴿ 

﴿وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ در حالی که برای شما دلایل و معجزه‌های آشکار و روشنی آورده که به جز خدای یکتا دیگر خدائی نیست و این که موسی پیامبر او است و از جملهٔ معجزه‌ها عصا و آورده که به جز خدای یکتا دیگر خدائی نیست و این که موسی پیامبر او است و از جملهٔ معجزه‌ها عصا و بد بیضاست که آن‌ها را برای شما از طرف خدای برحق آورده که جز او دیگر خدائی نیست. می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ﴾ ﴿أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ﴾ و اگر دروغ بگوید زیان دروغ به خودش می‌رسد نه به شما. می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ﴾ ﴿أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ﴾ اگر راستگو باشد که البته راستگوست، این عبارت از راه تلطف و نرمش با طرف کافر است مانند این فرمودهٔ خداوند که از طرف پیامبر کفار را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: ﴿وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (سبأ: 24). «بگو: الله. و به راستی ما یا شما، بر هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم». فرموده خداوند: ﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ﴾ ﴿مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ﴾ اگر موسی در ادعایش راستگو باشد به شما بخشی از عذاب را که وعده کرده است می‌رسد و آن عذاب عاجل دنیاست. ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِ﴾ یعنی کسی که در کفر و ستم و تجاوز و شرارت پیشقدم بوده دروغگو است که بر دروغ زندگی‌اش را می‌گذراند و راستی را نمی‌شناسد، خداوند او را هدایت نکرده و موفق به نصرت و رستگاری نمی‌گرداند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و اگر پوشیدگی دارد توضیح ده.

3-به ایشان تعلیم ده: که در حالت ترس شدید جواز دارد که دین خود را بپوشند، زیرا پیامبر ρ برای ابوذر τ امر کرد که از ترس کفار, ایمان خود را در مکه ظاهر نکند.

4-به ایشان بفهمان: که نرمش در کلام به امید هدایت گمراهان جواز دارد.

5-آن‌ها را از فضیلت راستی و میانه‌روی و زشتی دروغگوئی و اسراف آگاه کن.

درس 8: حدیث مسلمان‌شدن ابوذر و شکنجه‌شدنش

قول النبي صلى الله عليه وسلم: ارْجِعْ إِلَى قَوْمِكَ، فَأَخْبِرْهُمْ حَتَّى يَأْتِيَكَ أَمْرِى. قَالَ هَذَا لأَبِى ذَر قَالَ: وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لأَصْرُخَنَّ بِهَا بَيْنَ ظَهْرَانَيْهِمْ، فَخَرَجَ حَتَّى أَتَى الْمَسْجِدَ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ قَامَ الْقَوْمُ فَضَرَبُوهُ حَتَّى أَضْجَعُوهُ، وَأَتَى الْعَبَّاسُ فَأَكَبَّ عَلَيْهِ قَالَ وَيْلَكُمْ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ مِنْ غِفَارٍ وَأَنَّ طَرِيقَ تِجَارِكُمْ إِلَى الشَّأْمِ فَأَنْقَذَهُ مِنْهُمْ، ثُمَّ عَادَ مِنَ الْغَدِ لِمِثْلِهَا، فَضَرَبُوهُ وَثَارُوا إِلَيْهِ، فَأَكَبَّ الْعَبَّاسُ عَلَيْهِ.	پیامبرρ گفت: به سوی قومت بازگرد ایشان را از ایمان خبر بده تا خبر من به تو برسد. این سخن را پیامبر برای ابوذر غفاری گفت، ابوذر برای پیامبر υ گفت: قسم به ذاتی که نفس من در تصرف او است به این کار در میان‌شان به آواز بلند فریاد خواهم زد، پس بیرون شد تا این که به مسجد آمد، سپس به آواز بلند گفت: گواهی می‌دهم که محمد رسول خدا است تا این که کفار قریش برخاستند و او را آنقدر زدند که بر زمینش انداختند. بعد ازین عباس بن عبدالمطلب آمد و خود را رویش افکند و گفت: وای بر شما، خود آگاهید که او از قبیله غفار است که راه تجارتی شما به شام از سرزمین ایشان می‌گذرد، پس او را از دست ایشان نجات داد. باز بروز دوم ابوذر بازگشت و همان کلمه شهادت را در مسجد حرام تکرار کرد، این بارهم کفار قریش او را زدند و به اطرافش جمع شدند، بازهم عباس خود را بالایش افکند...

(رواه البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**ارْجِعْ إِلَى قَوْمِكَ، فَأَخْبِرْهُمْ**» این راهنمائی از طرف رسول خدا برای ابوذرτ است، چون از ستم و اذیت کفار بر وی می‌ترسید، فرمود: به قبیله‌ات بازگرد تا به تو خبر برسد که من بر مشرکین پیروزی یافته‌ام آنگه به سوی ما بازگرد. و اسلام خود را آشکار کن ولی ابوذر در محضر پایبندی وی به دین اسلام آشکار و عزم او را تا خبر ظهور اسلام محکم بگرداند، ازین سبب گفت: آشکار می‌گردانم تا کافران را به خشم آورم، سپس به مسجد در جائی که مردان قریش حضور داشتند وارد شد. «**فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ**» و با بلندترین صدا آواز کرد: که ای قوم قریش: من گواهی می‌دهم: که به جز خداوند معبودی نیست و گواهی می‌دهم: که محمد رسول خدا است. «**ثُمَّ قَامَ الْقَوْمُ فَضَرَبُوهُ حَتَّى أَضْجَعُوهُ**». تا این که قوم قریش برخواستند و او را آنقدر زدندکه از شدت ضربه بر زمین افتاد. می‌فرماید: «**فجاء الْعَبَّاسُ فَأَكَبَّ عَلَيْهِ قَالَ وَيْلَكُمْ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ مِنْ غِفَارٍ وَأَنَّ طَرِيقَ تِجَارِكُمْ إِلَى الشَّأْمِ**» در آن لحظه عباس بن عبدالمطلب آمد و خود را بالایش افکند و گفت: وای بر شما! خود آگاهید که او از قبیلهٔ غفار است که راه تجارت شما به طرف شام از سرزمین ایشان می‌گذرد و او را نجات داد, عباس هنوز به دین اسلام مشرف نشده بود. «**فَأَنْقَذَهُ مِنْهُمْ، ثُمَّ عَادَ مِنَ الْغَدِ لِمِثْلِهَا، فَضَرَبُوهُ وَثَارُوا إِلَيْهِ، فَأَكَبَّ الْعَبَّاسُ عَلَيْهِ**». باز ابوذر روز دوم بازگشت مانند روز گذشته ایمان خود را اعلان کرد و کفار او را زدند و باز عباس خود را بالایش انداخت و او را نجات داد. این کار را سه روز انجام داد، بعداً به طرف خانواده‌اش بازگشت خداوند از او خوشنود و او را خوشنود بدارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامی بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و آنچه را که پوشیده است توضیح ده تا دانسته شود.

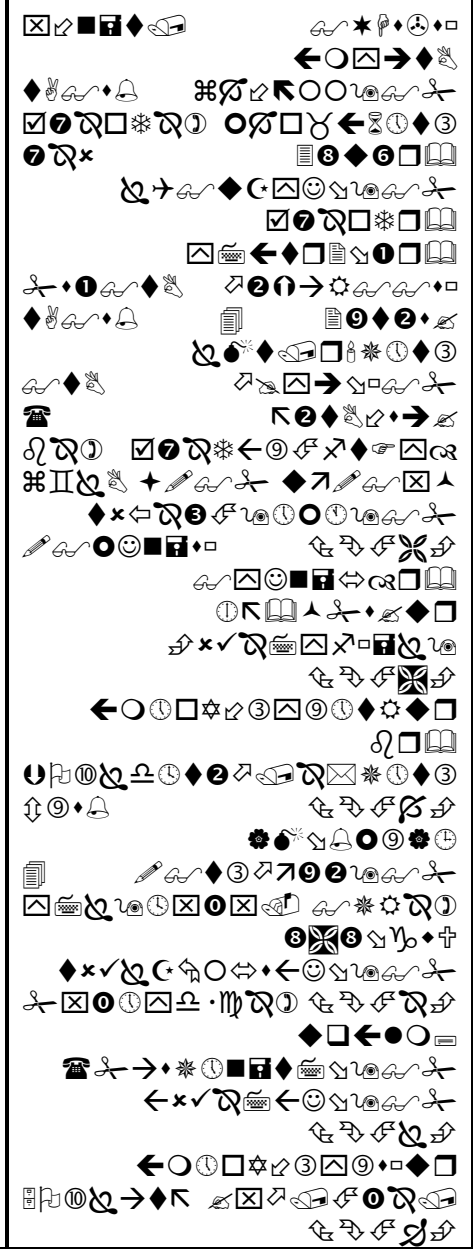
3- آن‌ها را از مرحمت و مهربانی پیامبر ρ آگاه کن که برای ابوذر گفتند: ایمان خود را بپوشد تا کار رسول الله با مشرکین معلوم شود. طوری که شمعان پسر عموی فرعون در قصر شاهی با فرعونیان زندگی می‌کرد و ایمان خود را پوشیده می‌داشت.

4- به ایشان بفهمان: که اگر کسی به رخصت کار نکند و عذاب و اذیت دشمنان اسلام را تحمل کند جواز دارد و خداوند او را در مقابل، پاداش می‌دهد، ولی در چنین حالاتی گرفتن رخصت و گذاشتن عزیمت بهتر است.

5- آن‌ها را از کمال فضیلت عباس بن عبدالمطلب آگاه کن: که چطور در کنار ابوذر ایستاد و او را از دست دشمنان نجات داد در حالی که هنوز ایمان نیاورده بود و از همین جوانمردی او بوده خداوند او را به دولت اسلام مشرف ساخت و از بزرگان اصحاب رسول خدا ρ قرار گرفت، خداوند از او خشنود باد.

درس 9: آیهٔ خواب ابراهیم υ و قربانی فرزندش

قول الله عزوجل:

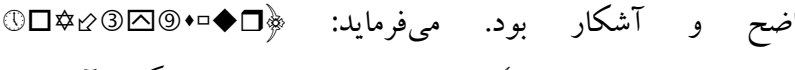


گفتهٔ خداوند بزرگ:

(102) گفت ابراهیم: ای پسرکم! من همانا دیدم در خواب که تو را ذبح می‌کنم، پس بنگر تا چه می‌بینی، گفت: ای پدرم! بکن آنچه را فرمان می‌شوی زود است بیابی مرا اگر خدا خواهد از شکیبایان (103) تا هرگاه تسلیم شدند هردو افکندش به پیشانی (104) و خواندیمش ای ابراهیم (105) همانا راست آوردی خواب را ما بدنیسان پاداش دهیم نیکوکاران را (106) هرآئینه آن آزمایش آشکار است (107) و فدیه‌دادیمش به کشتنی بزرگ.

[صافات: 102 الی 107]

شرح: می‌فرماید: ﴿☑❼□❄❽❶﴾ 📖❶❸◆❻❐📖 ❽❼× ﴿✂☺◆✈✍🖂❶❐📖 ☑❼□❄❐📖 📖❐❶↘📄✋🖂🖮✍◆❐❶❷◆✍﴾ این سخن ابراهیم خلیل است که به فرزند خود اسماعیل در مکه می‌گوید، و از آنچه در خواب دیده برایش قصه می‌کند و می‌فرماید: من در خواب می‌بینم که تو را جهت قربانی برای خداوند سر می‌بریم. می‌فرماید: ﴿❾◆❷⬧✍✂⬧❶✍◆✍⬀❷❶→☼✍✍⬧▫✍✂﴾ بنگر تا چه می‌بینی؟ او در پاسخش چنین گفت: ﴿✂☺✍◆❐🖃✍❸◆🕓❄🕯❐◆💣✍⬀✍🖂➔↘▫✍✂﴾ یعنی آنچه را پروردگارت به تو امر می‌کند انجام ده چنین پاسخی را برای این گفت: که خواب پیامبران وحی شمرده می‌شود و پدرش ابراهیم را اطمینان می‌دهد که او در هنگام کشتن نافرمانی نکرده و فرار نمی‌کند. می‌فرماید: ﴿⌘Ⅱ✍✦✍✂ ◆↗✍✍☒⍋ ❽❼❽❼❄←⑨✍↗♦☞🖂ᘓ﴾ انشاء الله مرا از بندگان باصبر و شکیبا خواهی یافت، ﴿⬧×⇦❽❸✍↘🕓❶🕓↘✍✂﴾ چون هردو تسلیم گشتند، یعنی کار خود را ﴿⬧▫■🖬❶☺🖂✍📖❐ᘓ⇔■🖬☺🖂✍﴾ به خدا واگذاشتند و به قضائی که او تعالی در بارهٔ شان فرمان داده راضی شدند. ﴿✂⬧✍◆❐⍋📖↖🕯↘↘✍◆❐﴾ و جهت کشتن, پیشانی او را بر زمین افکند تا سرش را ببرد در حالی که کارد به دستش بود، پیش ازین که بر گردن اسماعیل بگذارد. به چیزی متوجه شد ناگاه گوسفندی ابلق را دید و آواز هاتفی که می‌گفت: او را بگذار و این را بگیر، پس فرزند را رها کرد و گوسفند را قربانی کرد. روش آیات قرآنکریم بر همین دلالت دارد. ﴿←❶🕓□✡⬀③🖂⑨🕓◆☼◆❐﴾ 📖❐ᘓ ﴿❁💣↘🕭❶⑨❁🕒 ⇳⑨⬧🔔 ⬁⬂⬀⬁⬀ ❶⚐⑩⍋🕭🕓◆❷⬀🖃❽⌧❄🕓◆③﴾ یعنی به اراده ذبح فرزند خود به نحو احسن از ما اطاعت کردی و تو را پاداش دهیم و همچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم، سپس خداوند می‌فرماید: ﴿☎✂→⬧❄🕓■🖬◆🖮↘✍✂ ◆❑←●❶🕓🖂🕭 ·♍❽❶🖴 ✂☒❶🕓🖂🕭﴾: یعنی آنچه ابراهیم υ بدان آزمایش گردید،

امتحانی واضح و آشکار بود. می‌فرماید: ﴿  ﴾ و فدیه دادیمش به کشتنی بزرگ و آن قوچی ابلق بود، پس ابراهیم υ آن قوچ را در عوض اسماعیل υ سر برید و این قربانی در منی بود و از همین جهت ذبح قربانی در منی شروع گردیده است و آن مکان را از این سبب منی گویند: که خون‌های قربانی در آنجا ریخته می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیات را با تجوید و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح را به آرامی بخوان و آنچه را توضیح لازم دارد توضیح ده.

3-ایشان را تعلیم ده: که فرمانبرداری والدین در کارهای مشروع واجب است، ولی در کارهای غیر مشروع جواز ندارد، زیرا پیامبر ρ می‌فرماید: «در جائی که نافرمانی خالق باشد اطاعت از مخلوق نیست».

4-به ایشان بفهمان: که خواب پیامبران وحی است و خواب مسلمان, هم جزئی از 46 جزء نبوتست.

5-به ایشان توصیه کن: که در کارهای آینده باید انشاء الله گفت.

6- به ایشان از فضیلت صبر و شکیبائی و عاقبت شایسته آن تذکر ده: خداوند ما را از صابران بگرداند.

درس 10: حدیث خواب پیامبر ρ در بارهٔ عایشه ل

قول النبي صلى الله عليه وسلم لعائشة رضي الله عنها: أُرِيتُكِ فِي الْمَنَامِ مَرَّتَيْنِ، أَرَى أَنَّكِ فِي سَرَقَةٍ مِنْ حَرِيرٍ وَيَقال هَذِهِ امْرَأَتُكَ فَاكْشِفْ عَنْهَا فَإِذَا هِيَ أَنْتِ فَأَقُولُ إِنْ يَكُ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يُمْضِهِ.	پیامبر υ برای عایشه ل گفت: پروردگارم دو مرتبه تو را در خواب برایم نشان داد. دیدم که تو در پارچهٔ از ابریشم هستی. برایم گفته شد: که این زن همسر تو است. پرده را از صورتش دور کن، هنگامی که نظر کردم آن صورت تو بود به خود گفتم، اگر این خواب از طرف خداوند باشد آن را جاری می گرداند.

(رواه البخاری)

شرح: فرموده رسول الله ρ: «**لعائشة رضي الله عنها: أُرِيتُكِ فِي الْمَنَامِ مَرَّتَيْنِ**»: به عایشه گفت: پروردگارم تو را دو مرتبه در خواب برایم نشان داد. سپس چگونگی خواب خود را تعریف می‌کند و می‌فرماید: «**أَنَّكِ فِي سَرَقَةٍ**»: دیدم که صورتت در پارچهٔ از ابریشم رسم شده است و برایم گفته می‌شود: این همسر آینده‌ات می‌باشد، می‌فرماید: «**فَاكْشِفْ عَنْهَا فَإِذَا هِيَ أَنْتِ**»: یعنی پردهٔ را که در آن صورت رسم شده است، باز کن چون آن را باز کردم صورت عایشه را دیدم که در آن رسم شده است.

می‌فرماید: «**فَإِذَا هِيَ أَنْتِ فَأَقُولُ إِنْ يَكُ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يُمْضِهِ**»: هنگامی که در آن صورت نظر کردم. با خود گفتم: اگر این رؤیا از طرف خداوند باشد آن را جاری می‌کند. و به راستی آن رؤیا، حق و از طرف خداوند بود که آن را تحقق بخشیده و عایشه ل همسر پیامبر اکرم و مادر مسلمانان گشت.

و خواب پیامبران وحی است، پس این خواب برای عایشه ل فضیلت و شرافتی است که برای هیچیک از زنان مؤمنه چنین برتری نصیب نشده است.

خداوند از وی خشنود و او را خشنود بدارد. و نیز خوشنودی برای کسانی باد که او را دوست می‌دارند و از او خوشنود هستند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی قرائت کن تا آن را حفظ کنند.

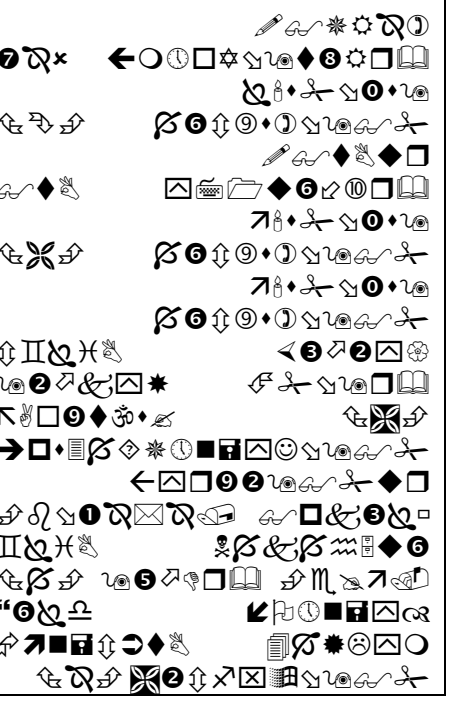
2- شرح را به خوبی بخوان و توضیح لازم را بیان کن.

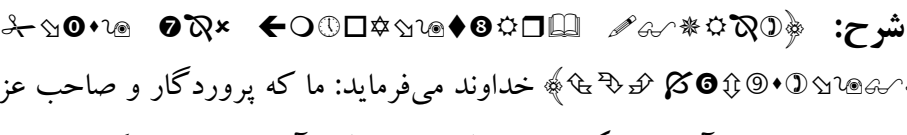
3- به ایشان بیاموز: که خواب پیامبران وحی است و خواب مؤمنین نیز جزئی از آن به شمار می‌رود.

4- ایشان را از فضیلت و شرافت سیدتنا عایشه ل و محبتی که در میان او و پیامبر υ بود آگاه کن.

5- به ایشان تعلیم ده: طوری که ازین حدیث دانسته شد که صورت عایشه را در پردهٔ حریر به پیامبرρ نمودند و دلیلی بر جواز استعمال ابریشم برای مردان نیست، چون عایشه ل زن بود. و ابریشم مخصوص به زنان است با این که دلایل شرعی دیگر بر حرام‌بودن ابریشم به مردان و حلال‌بودنش به زنان وجود دارد.

درس 11: آیهٔ سوره قدر

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(1) همانا ما فرو فرستادیم قرآن عظیم الشان را در شب قدر (2) و تو چه دانی که چیست شب قدر (3) شب قدر بهتر است از هزار ماه (4) فرود آیند فرشتگان و جبرئیل υ در آن به دستور پروردگارشان برای تقدیر هرکار (5) سلامی است آن شب تا برآمدن بامداد.

شرح:  خداوند می‌فرماید: ما که پروردگار و صاحب عزت و جلال هستیم، تمام قرآن را به یک مرتبه از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل کردیم، شب قدر یعنی شب حکم و تقدیر که در آن شب، حکم تمام سال فیصله می‌گردد، چون خداوند می‌فرماید:  (الدخان: 3 و 4). «ما قرآن عظیم الشان را در شب مبارک نازل کردیم، همانا بیم‌دهنده هستیم در آن شب تمام کارها به حکمت الهی فیصله می‌گردد».  در این

عبارت بزرگی و منزلت این شب را بیان می‌کند و چرا نباشد در حالی که در این شب به حکم الهی در مورد کارهائی که در تمام سال پدید می‌آید فیصله صادر می‌گردد. می‌فرماید:

﴿ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴾ یعنی عباداتی که در این شب مانند نماز و تلاوت قرآنکریم و دعای خیر و دیگر کارهای خیر که انجام می‌شود ثوابش از عباداتی که در هزار شب دیگر انجام شود بیشتر است و هزار شب به مقدار 83 سال و 4 ماه می‌شود. می‌فرماید:

﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴾ یعنی ملائکه و جبرئیل υ به دستور خدا با تمام اوامر الهی که در این سال به پدیدآمدن آن‌ها تقدیر رفته و به لوح محفوظ نوشته شده است نازل می‌گردند، می‌فرماید:

﴿ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴾ یعنی در آن شب از غروب آفتاب تا برآمدن صبح صادق سلامتی است از هر شری, فرشتگان بر تمام مردان و زنان مسلمان که به عبادت مشغول باشند وارد می‌شوند و سلام می‌گویند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- سوره مبارکه را به تجوید بخوان تا حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله واضح بخوان تا یاد گیرند.

3- به ایشان بفهمان: که این سوره، نزول وحی الهی را بر محمد ρ و پیامبری آن حضرت را ثابت می‌کند.

4- ایشان را از فضیلت شب قدر آگاه کن و تشویق نما تا آن را در شب‌های طاق از دهٔ اخیر ماه مبارک رمضان طلب کنند.

درس 12: حدیث شبی بهتر از هزار ماه

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَفِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَهَا فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَلاَ يُحْرَمُ خَيْرَهَا إِلاَّ مَحْرُومٌ.	پیامبر ρ گفت: همانا این ماه نزد شما رسیده است، در وی شبی است که از هزار ماه بهتر است. کسی که از آن بی‌بهره بماند بیشک از تمام خیرها بی‌بهره است و از خیر آن به جز شخص محروم, بی‌نصیب نمی‌شود.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ**»: یعنی ماه مبارک رمضان، «**قَدْ حَضَرَكُمْ**»: نزد شما رسیده است و پیش روی شماست و فردا به خواستهٔ خداوند روزه خواهید داشت. می‌فرماید: «**وَفِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**»: در ماه رمضان شب قدریست که از هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد بهتر است. و هزار ماه هشتاد و سه سال و چهارماه می‌شود. و فضیلت این ماه به قول خدا و پیامبرρ به اثبات رسیده است، خدای بزرگ می‌فرماید: شب قدر از هزار ماه بهتر است و از آن چیزهائی که خیریت این ماه را افزون می‌کند فرودآمدن فرشتگانست که روح الامین جبرئیل υ با ایشان همراهی می‌کند و فرشتگان از غروب آفتاب تا طلوع صبح به همه جا می‌گردند. و بر هر مسلمانی که به عبادت خداوند مشغول است سلام می‌گویند: و از تمام آفت‌ها درین شب سلامتی است. می‌فرماید: «**مَنْ حُرِمَهَا فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ**»: هرکه از چنین خیری بی‌بهره ماند، بیشک از تمام خیرها بی‌بهره مانده است. در این بخش از حدیث, خیر و شرف و برتری این شب بیان شده تا مؤمنان در طلب آن با رغبت بکوشند و آن را دریابند و این شب را باید در ده شب اخیر ماه مبارک رمضان جستجو کرد. می‌فرماید: «**وَلاَ يُحْرَمُ خَيْرَهَا إِلاَّ مَحْرُومٌ**»: از خیر آن به جز شخص محروم بی‌نصیب نمی‌باشد. آری، چنین است، زیرا شبی که عبادت در آن برابر هزار ماه باشد بازهم اگر کسی باشد که او را طلب نکند و به آن

رغبت نداشته باشد به خداوند سوگند چنین بندهٔ از هر خیری بی‌بهره است و از چنین مصیبتی به خداوند پناه می‌بریم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

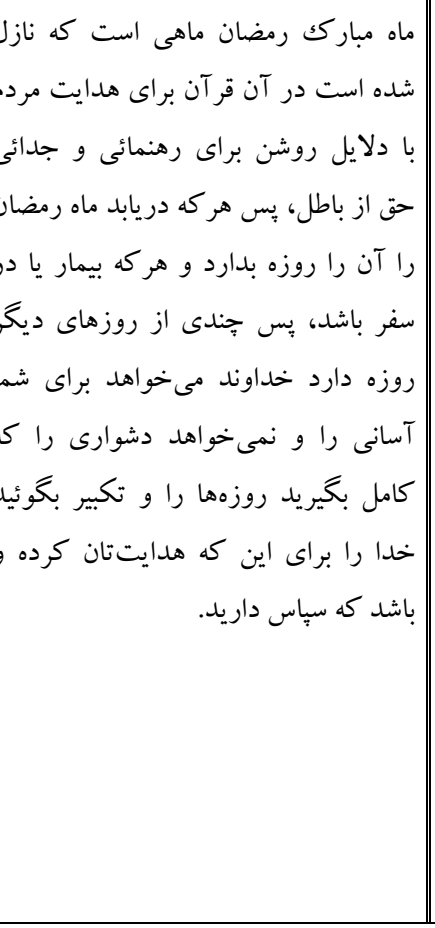
2-شرح را جمله جمله توضیح ده و مطالب مشکل را بیان کن تا دانسته شود.

3-به ایشان بفهمان: که پیامبر ρ خیلی به صلاح و رستگاری کارهای امت علاقمند است.

4-ایشان را به طلب و جستجوی شب قدر توصیه کن، زیرا خیر و برکت در آن نهفته است و باید در شب‌های طاق دههٔ اخیر طلب شود.

5-ایشان را آگاه کن: که از فرمودهٔ پیامبر ρ که شب قدر را در شب‌های طاق دههٔ اخیر جستجو کنید، دلیلی که شب بیست و هفتم قدر باشد به دست نمی‌آید، چنانچه بعضی از مردم چنین می‌پندارند و در آن شب بیدار مانده، در مساجد، محافل برپای می‌کنند و در آن به خوردن و آشامیدن می‌پردازند، چنین چیزی از شارع به ما نرسیده و سلف صالحین نیز چنین روشی نکرده اند.

درس 13: آیهٔ رمضان ماه نزول قرآن

قول الله تبارک وتعالی:	فرمودهٔ خدای بزرگ:
	ماه مبارک رمضان ماهی است که نازل شده است در آن قرآن برای هدایت مردم با دلایل روشن برای رهنمائی و جدائی حق از باطل، پس هرکه دریابد ماه رمضان را آن را روزه بدارد و هرکه بیمار یا در سفر باشد، پس چندی از روزهای دیگر روزه دارد خداوند می‌خواهد برای شما آسانی را و نمی‌خواهد دشواری را که کامل بگیرید روزه‌ها را و تکبیر بگوئید خدا را برای این که هدایت‌تان کرده و باشد که سپاس دارید.

[بقره: 185]

شرح: می‌فرماید: ﴿♦♌•♦✌◆❻✓ ↖❷⇗⇖✸﴾ ماه رمضان ماه نهم از ماه‌های سال قمری است. لفظ شهر از ماده شهرت گرفته شده است، و رمضان از رمض الصائم گرفته شده، این جمله وقتی گفته می‌شود که شکم روزه‌دار از تشنگی داغ می‌شود.

می‌فرماید: ﴿✓❽♌♎➢✂﴾ ♦✌❽☼🡅🕮 ♌❍⑩♌▫

﴿ یعنی قرآنکریم در شب قدر از لوح محفوظ به یکبارگی به آسمان دنیا نازل شده است. می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی قرآنکریمی که در ماه رمضان نازل شده جهت رهنمایی مردم برای خوشبختی و کمال فرود آمده و همهٔ راه‌های هدایت را برایشان می‌نمایاند تا انسان‌ها با پیمودن آن راه‌ها به کمال رسیده و سعادتمند شوند و چنین خوشبختی با ایمان صحیح و عمل شایسته و خالص و پیروی از پیامبرρ به دست می‌آید. می‌فرماید: ﴿ ﴾ خطاب برای مسلمانان است که هرگاه اعلان رؤیت ماه رمضان را بشنوند باید روزه بدارند و رؤیت ماه به دیدن یک مسلمان عادل ثابت می‌گردد. می‌فرماید: ﴿ ﴾ و آن که بیمار یا در سفر باشد بخورد و روزه نگیرد و بر او لازم است تا به شمارهٔ روزهائی که به سبب بیماری یا سفر، خورده روزه قضائی بگیرد و این که خداوند برای مریض و مسافر، خوردن روزه را اجازه داده، ارادهٔ آسانی امور بندگان مؤمن را دارد و نمی‌خواهد که گرفتار دشواری گردند، زیرا مسلمین دوستان خدایند. می‌فرماید: ﴿ ﴾ تا این که شماره روزه را کامل گردانید، خداوند مسافر و بیمار را به گرفتن قضائی امر کرده است تا شمارهٔ ماه را که سی روز یا رفتن به طرف مصلی و بازگشتن به سوی خانه‌ها تکبیر بگویند و کلماتی که به صورت تکبیر گفته می‌شود چنین است: الله اکبر، الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد تا بدین سبب آمادهٔ شکرگزاری خدای بزرگ شده و در جمله شاکرین که در نعمت‌های ایشان افزوده می‌شود، داخل شوند، پس ستایش و شکر مر خدای راست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت شریف را به تجوید بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم دارد توضیح ده.

3-آن‌ها را آگاه کن: که قرآن جداکننده حق و باطل است، خیر و شر هدایت و ضلالت را از هم جدا می‌کند، پس باید آن را بخوانند و در معنایش اندیشه کنند تا بدانند که به طرف چه چیز می‌خواند، زیرا راهی به سوی هدایت و حقیقت نیست مگر به قرآنکریم و به سنت آن که قرآن بر وی نازل شده، ثابت شده است.

4-آن‌ها را به طلب‌کردن شب قدر که از هزار ماه بهتر است تشویق کن.

5-ایشان را آگاه کن، اجازۀ خوردن برای مریض و مسافر از رحمت و مهربانی خداوند است که اگر کسی احتیاج پیدا کند از آن استفاده کند و اگر نیازی نباشد گرفتن روزه بهتر است.

درس 14: حدیث روزه رمضان و محو گناهان گذشته

قوله علیه السلام: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. وقوله: إِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ كُلِّ فِطْرٍ عُتَقَاءَ وَذَلِكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. وقوله: الصِّيَامُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ كَجُنَّةِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْقِتَالِ.	پیامبر ρ می‌فرماید: کسی که ماه مبارک رمضان را به انگیزه ایمان و امید ثواب الهی روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد و نیز می‌فرماید: همانا خداوند در هنگام افطار آزادگانی را از آتش جهنم دارد واین در هر شب, و نیز می‌فرماید: روزه سپرست از آتش دوزخ مانند سپر یکی از شما در هنگام جنگ.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا**»: یعنی کسی که ماه مبارک رمضان را با ایمان به خداوند و به عباداتی که بر بنده‌های مؤمنش واجب کرده است روزه بدارد و در این عبادت صیام تنها و تنها امید ثواب را از خداوند داشته و به غیر او در عبادت خود نیتی نداشته باشد که وی را ستایش کنند و یا از ترس سرزنش مردم روزه گرفته باشد. پاداش او آنست «**غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ**» که گناهان گذشته او آمرزیده می‌شود. مراد گناهان صغیره است و گناهان کبیره نیز اگر از آن‌ها توبه کند. می‌فرماید: «**إِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ كُلِّ فِطْرٍ عُتَقَاءَ وَذَلِكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ**» یعنی در شب‌های ماه مبارک رمضان هرگاه که مؤذن اذان مغرب را می‌گوید و مسلمانان به روزه‌گشادن آغاز می‌کنند، خداوند مهربان تعدادی از مؤمنان را از آتش جهنم آزاد می‌کند که از شمار آن‌ها به جز خودش کسی آگاهی ندارد. و این بشارتی بزرگ است برای مؤمنین روزه‌دار. می‌فرماید: «**الصِّيَامُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ كَجُنَّةِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْقِتَالِ**»: یعنی روزه سپر است که شما را از آتش دوزخ نگهداری می‌کند و سپر چیزیست که شخص مبارز آن را بر سر یا دیگر اندام‌ها قرار می‌دهد تا وی را از گزند شمشیرها و تیرها و دیگر چیزها در

جنگ نگهداری کند در بعضی روایات این عبارت نیز در متن حدیث اضافه شده است. «**ما لم یخرقها با الغیبة**» تا هنگامی که روزه‌اش را به واسطهٔ غیبت باطل نکرده باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- عبارت حدیث را به آرامی بخوان و تکرار کن تا یاد بگیرند.

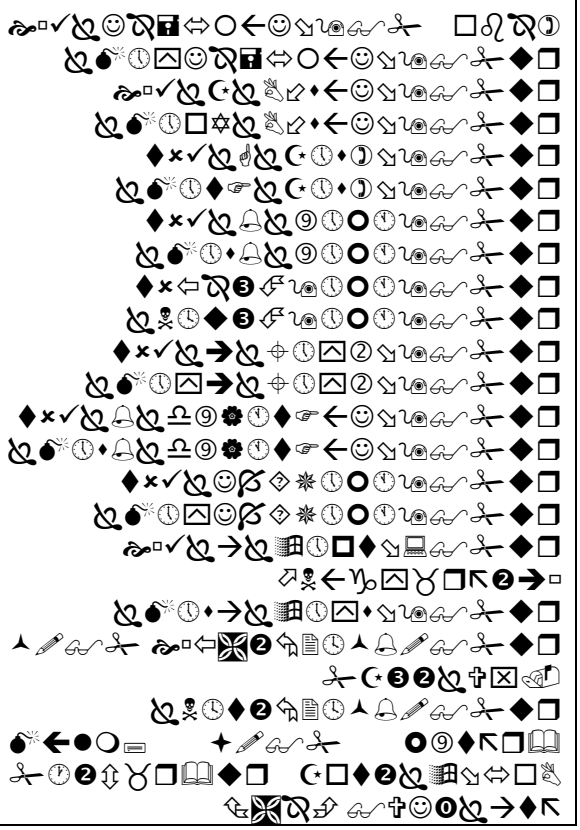
2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم دارد توضیح ده تا یاد بگیرند.

3- به ایشان بگو: که برای صحت عبادت و قبول آن به درگاه الهی و اثر آن در تزکیهٔ نفس شرط است که توأم با اخلاص و پیروی از رسول خدا باشد از نگاه کیفیت و کمیت و زمان و مکان و از خود چیزی بر آن نیفزوده و یا نکاهد.

4- به ایشان از فضیلت روزه و پاداش بزرگی که به روزه‌داران ارزانی می‌شود تذکر ده.

5- به ایشان بگو: که غیبت، جنگ، دشنام، سخن‌چینی ثواب روزه را از بین می‌برد ازین کار باید درین ماه پرهیز شود.

درس 15: آیهٔ صفات زنان و مردان مؤمن

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(35) همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان نرم‌دل و زنان نرم‌دل و مردان بخشنده و زنان بخشنده و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردانی که فرج‌های خود را نگهدارند و زنان نگهدارنده و مردانی که یاد خدا بسیار کنند و زنان یادکننده. آماده کرده است خدا برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ را.

[احزاب: 35]

شرح: این آیت کریمه شامل ده صفت از بزرگترین صفات مردان و زنان مؤمن است که آن‌ها عبارتند از: 1- اسلام. 2- ایمان. 3- فرمانبرداری. 4- راستی. 5- صبر و شکیبائی در برابر انجام طاعات، و ترک گناهان، رضا بر مصیبت و بلاء و حوصله‌داشتن. 6- نرم دلی و خشوع در نمازها. 7- صدقه‌دادن. 8- روزه‌داشتن. 9- پاکدامنی. 10- یادکردن خدا بسیار؛ در این آیت کریمه خبر می‌دهد: که او تعالی برای آنانی که دارای چنین صفاتی هستند مغفرت گناهان و پاداش بزرگ را مهیا ساخته که بهشت جاوید و خوشنودی و رضای او

می‌باشد، پروردگارا ما را از ایشان بگردان و با آن‌ها حشر کن و چنانکه از آن‌ها راضی شدی از ما نیز راضی شو.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را خوب و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامی بخوان و نکات توضیح‌دار را توضیح ده.

3- به ایشان تعلیم ده: که اسلام به معنی تسلیم‌شدن به خداوند است، چنانکه فرمانش به جا آریم و نهی او را ترک کنیم.

4- به ایشان بگو: که ایمان عبارت از تصدیق و باورداشتن کامل به چیزهائیست که خداوند به تصدیق آن‌ها فرمان داده است مانند ایمان به فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران و زندگی بعد از مرگ، قضا و قدر، پل صراط، وزن اعمال و جنت و دوزخ.

5- به ایشان بیاموز: که راستی شامل درستی در سخن و کردار است که انسان را به طرف نیکوکاری رهنمون می‌سازد و نیکوکاری، وی را به جانب بهشت خدا راهنمایی می‌کند.

6- به آن‌ها بفهمان: که پاکدامنی و حفظ شرمگاه، عبارت از پوشیدن عورت است و همچنین باید از زنا، لواط و سحاق و استمناء خودداری کرد.

درس 16: حدیث افطاردادن روزه‌دار

وقوله صلى الله عليه وسلم: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَاعَدَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ النَّارَ عَنْ وَجْهِهِ سَبْعِينَ خَرِيفًا. وقوله: مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا. وقوله: صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ إِنِّي أَحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ وَالَّتِي بَعْدَهُ. وقوله: فِي صِيَامِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ.	پیامبر υ می‌فرماید: کسی که یک روز در راه خدا روزه بگیرد، خداوند به سبب روزهٔ آن روز هفتاد سال رویش را از آتش دوزخ دور می‌گرداند. پیامبر υ فرمود: کسی که روزهٔ روزه‌داری را بگشاید، برایش ثوابی است مانند ثواب روزه‌داران بدون انکه چیزی از ثواب شان کاسته شود. و نیز می‌فرماید: روزه‌داشتن روز عرفه، امیدوارم که خداوند روزهٔ آن را کفاره سال پیش و سال پسین قرار دهد نیز در بارهٔ روز دهم محرم می‌فرماید: من امیدوارم که خداوند آن را کفارهٔ سال پیش او را بگرداند.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: «**من صام يوماً في سبيل الله باعد الله بذلک وجهه سبعين خريفا من النار**» این حدیث مبارک بزرگترین جایزه را در برابر کمترین کاری بیان می‌کند و این بخشایش و فضل رحمت خدا است تا به هرکه خواهد بدهد و او تعالی دارای بخشایش بزرگ است و آن کار کوچک روزه‌داشتن یک روز در راه خداست و جایزهٔ آن دورگردانیدن روی روزه‌دار هفتاد سال از آتش دوزخ است. و نیز می‌فرماید: «**مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا**» این حدیث مبارک نیز عمل و جایزهٔ بزرگ را بیان می‌کند عمل، افطار روزه‌داری به غذا جایزه و پاداش آن، دریافت مزدی مثل مزد آن روزه‌دار به غیر این که از مزد روزه‌دار چیزی کاسته گردد. «**صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ إِنِّي أَحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي**

قَبْلَهُ وَالَّتِی بَعْدَهُ» این جا نیز جایزه بزرگ در برابر عمل کوچک قرار دارد. عمل روزۀ روز عرفه و جایزه آن، کفاره گناهان سال پیش از روزه و سال بعد از روزه می‌باشد و نیز می‌فرماید: «**فِی صِیَامِ یَوْمِ عَاشُورَاءَ أَحْتَسِبُ عَلَی اللَّهِ أَنْ یُکَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِی قَبْلَهُ**»: بازهم این حدیث مبارک در برگیرندۀ عمل اندک و ثوابی بزرگ است. عمل، روزه‌داشتن روز عاشورا است و جایزه آن کفارۀ گناهان آن سالی که پیش از روزه است. هریک از این جوایز از دیگری بزرگ‌تر است ستایش خدای را که صاحب احسان و بخشایش است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هرچهار حدیث را به تکرار بخوان تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامی بخوان و آنچه لازم دارد توضیح ده.

3- به ایشان بفهمان: که تمام جوائزی که درین احادیث وعده شده است مشروط بر این است که عمل به اخلاص انجام شود و تمام ارکان روزه مانند نیت و نگهداری از خوردن و آشامیدن و لذت جنسی از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب و خودداری از جنگ، غیبت، و گناهی که روزه را باطل می‌کند رعایت شود.

درس 17: آیهٔ اعتکاف در مسجد

قول الله تعالی: ••◆❐ ·⇗➔⏢❐➔❸⇖⌑⏲♦⌨➔✍ ⇔⚐➔☞☼❐🕮◆❐ ❼⃠× ♦ᘐ❑→▦⇖▤⏲♦⇖ ✂⃠⑨⇗➚⏲❁○⛋☺⇘⌾✍✂ [البقرة: 187]	خداوند بزرگ می‌فرماید: (187) و در حالی که در مسجدها معتکفید، با همسرانتان آمیزش نکنید در جای دیگر می‌فرماید: (125) و سپردیم به ابراهیم و اسماعیل که پاک دارید خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع‌گذاران و سجده‌کنان.
وقول الله تعالی: ✎✍♦☼⇳⑨⃠♍♦⇖◆❐ ✂❼■🖫⃠◑ ⌘⚐🕘⃠⏢⏲♦❷⇗⃠◑ •✍❿⃠➔⏲⛋☺⇔⃠◑• ✂♦❷⃠⏢♍⬧⊂ ᘐ❐🕮 ⌘⃠☹⇘❿♦ ♦×✓⃠▦✶✎✍➘➲🖫⃠⌾ ◆❐✂✍⌾⛋➔⇘⌾✍✂ ✓⃠▦⇖▤⏲⛋ ◆❐✂✍⌾❷❾·🗎⇗ ✂✍⌾❹➚❑→⑩⃠ ⇳⇲⃠⇗	

[البقرة: 125]

شرح: ⇔⚐➔☞☼❐🕮◆❐ ·⇗➔⏢❐➔❸⇖⌑⏲♦⌨➔✍ ••◆❐⇗ ✂⃠⑨⇗➚⏲❁○⛋☺⇘⌾✍✂ ❼⃠× ♦ᘐ❑→▦⇖▤⏲♦⇖: خداوند بزرگ به بندگان مؤمن خود می‌گوید که هرگاه به نیت اعتکاف در مسجدی که نماز جمعه اداء می‌شود وارد شدند نباید با همسران خود آمیزش کنند و به ایشان اجازه نمی‌دهد که به منزل خود بازگردیده و با همسران‌شان جماع کنند، چون معتکف کسیست که بر خود لازم گرفته تا حداقل مدت یک شبانه روز را در مسجد مشغول عبادت باشد و اگر این دستور الهی را مخالفت کرده و با همسرش نزدیکی نمود، اعتکافش باطل و ثواب آن نابود می‌شود و اگر

اعتکافش به نیت نذر بود لازم است تا اعتکاف خود را از سر بگیرد تا نذرش اداء شود اگر نذر نبود اجر و ثواب اعتکافش باطل ولی از سرگرفتن اعتکاف و قضای آن لازم نیست.

می‌فرماید: خداوند بزرگ در کتاب خود خبر می‌دهد: که به پیامبر خود ابراهیم و فرزندش اسماعیل امر فرموده که مسجد وی را واقع در مکه که در آن خانهٔ عتیق قرار دارد پاک گردانند از نجاسات معنوی مانند بتان و آنچه به جز خدای یگانه مورد پرستش واقع می‌شود و از نجاسات ظاهری مانند پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها برای کسانی که به خانه, طواف می کنند و کسانی که اقامت مسجد را برای عبادت به نیت نزدیکی به خداوند بر خود لازم گرفته اند و همینطور برای نمازگزاران رکوع و سجده‌کنندگان.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به تجوید بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده.

3- ایشان را به بعضی احکام اعتکاف مانند بیرون‌نشدن از مسجد برای جنازه، عیادت بیمار، خرید و فروش و همچنین خودداری از صحبت در امور دنیا و غیبت و سخن‌چینی و مباشرت با زن‌ها آگاه کن: که چنین کرداری اعتکاف را باطل می گرداند.

4- به ایشان از فضیلت اعتکاف و ثواب آن تذکر ده، چون اعتکاف فارغ‌شدن است برای عبادت و ذکر خدا و خواندن قرآنکریم و ادای نماز و روزه به جهت رضای باری تعالی.

5- به ایشان بفهمان: که بیرون‌شدن از مسجد برای رفع ضرورت، وضو، غسل و خرید خوراک ضروری، جواز دارد.

درس 18: حدیث مسجد خانه هر پرهیزگار

وقول النبي صلى الله عليه وسلم: الْمَسْجِدُ بَيْتُ كُلِّ تَقِيٍّ، وَقَدْ ضَمِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنْ كَانَ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ الرَّوْحَ، وَالرَّحْمَةَ، وَالْجَوَازَ إِلَى الصِّرَاطِ عَلَى رِضْوَانِ اللهِ إِلَى الْجَنَّةِ.	فرمودۀ پیامبر ρ: مسجد خانۀ هر مسلمان پرهیزگار است. خداوند برای کسی که مسجد را خانه‌اش قرار دهد به آرامش بعد از مرگ و رحمت خود ضمانت می‌کند که او را از صراط عبور داده به رضامندی خود به جنت داخل می‌گرداند.

(رواه الطبرانی و البزار)

شرح: می‌فرماید: «**المسجد بيت كل تقي**»: مسجد جائی که در آن سجده می‌شود. ولی اینجا مراد مسجد جامع است که در آن نماز جمعه ادا می‌شود. زیرا اعتکاف باید در مسجد جامع ادا شود تا معتکف ناچار نگردد که برای ادای جمعه از آن خارج گردد، چه برای معتکف جایز نیست که قبل از اتمام اعتکاف از مسجد بیرون شود. مگر برای ضرورت مانند غسل، قضای حاجت و وضو که خارج‌شدن برای این کارها جواز دارد.

(در مذهب احناف اعتکاف در مسجدی که در آن نمازهای پنج‌وقت اداء می‌شود جواز دارد و معتکف می‌تواند برای ادای نماز جمعه خارج شود و به اعتکافش هم زیانی وارد نمی‌شود).

و تقی شخص پرهیزگار است چه مرد باشد یا زن و آن کسی است که ترس و تقوای خداوند او را به فرمانبرداری خدا و پیامبرρ و ترک نواهی‌شان وادار سازد. می‌فرماید « **وَقَدْ ضَمِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنْ كَانَ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ الرَّوْحَ وَالرَّحْمَةَ**»: خداوند برای آن که مسجد را خانه‌اش قرار دهد به آسایش بعد از مرگ ضمانت می‌کند و به رحمت خود از عذاب دوزخ می‌رهاندش. «**وَالْجَوَازَ إِلَى الصِّرَاطِ عَلَى رِضْوَانِ اللهِ إِلَى الْجَنَّةِ**»: و او را از صراط عبور داده و به

رضامندی خود به جنت داخل می‌گرداند و در آنجا همنشین پیامبران، صدیقان، شهیدان و نیکوکاران می‌باشد و این‌ها نیکو رفیقانی هستند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به تکرار بخوان تا این که بیشتر سامعین آن را حفظ نمایند.

2-شرح را بخوان و آنچه مشکل است توضیح ده تا دانسته شود.

3-ایشان را از فضیلت خلوت گزینی برای ذکر و طاعت خداوند آگاه کن: که این عمل با کشاورزی صنعتگری یا معماری و یا خرید و فروش منافات ندارد.

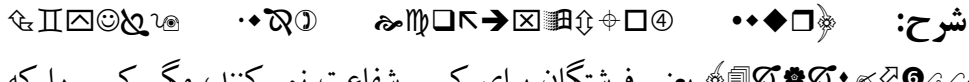
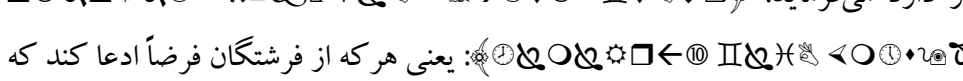
4-از فضیلت اعتکاف و شروط آن به ایشان توضیح ده.

5-به ایشان بیاموز: که همبستری با زنان، اعتکاف را باطل می‌کند، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿ۓ ۓ ڭ ڭ ڭ ڭ ۇ ۇ ۆ ۆ ۈ ۈ ۇٴ ۋ ۋ ۅ ۅ ۉ ۉ ې ې ى ى ئا ئا ئە ئە ئو ئو ئۇ ئۇ ئۆ ئۆ ئۈ ئۈ ئې ئې [البقرة: 187] ﴾ «در حالت اعتکاف در مساجد با زنان همبستر نشوید».

درس 19: آیهٔ فرشتگان بدون اذن خدا شفاعت نمی‌کنند

قول الله تعالی:	گفته خداوند بزرگ:
	(28) و شفاعت نکنند جز برای هرکه خواهد و ایشانند از ترس او هراسان (29) و هرآنکه بگوید ازیشان منم خدائی جز او، پس جزا دهیم او را به دوزخ بدینگونه کیفر دهیم ستمکاران را.

[انبیاء: 28 – 29]

شرح:  یعنی فرشتگان برای کسی شفاعت نمی‌کنند، مگر کسی را که خداوند راضی باشد که در جوار او به دارالسلام جنت قرار گیرد. چنین کسی بعد این که از دوزخ نجات پیدا می‌کند فرشتگان برای ورودش به بهشت شفاعت می‌کنند. می‌فرماید:  یعنی همان فرشتگان که جاهلان عرب آن‌ها را پرستش کرده و دختران خدا می‌پندارند و به اوشان امید شفاعت دارند آن‌ها خود از خداوند ترسگارند، پس چگونه عبادت آن‌ها به امید شفاعت جواز دارد می‌فرماید:  یعنی هرکه از فرشتگان فرضاً ادعا کند که من خدا هستم و مرا پرستش کنید، 

﴿⌘⚐□✡⏥♈⏥♉﴾: سزای او دوزخ است برای ادعای خدائیش و رضا به عبادت دیگران او را می‌فرماید: ﴿⚐⏥⓿⏥⏲☜①♌☜⏥♈✝ ❽🇬🇧❽♈⏥❽﴾ یعنی چنانکه فرشتگانی را که ادعای خدائی دارند جزا می‌دهیم، همچنین ستمکاران مشرک را که به عبادت فرشتگان، پیامبران، صالحین و دیگر چیزها از قبیل بتان, درختان، سنگ‌ها، شهوت‌ها و آرزوهای نفس بر خود ستم کرده اند، نیز جزا خواهیم داد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت کریمه را بخوان و تکرار کن تا حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را لازم است تفسیر کن.

3- به ایشان بگو: که هیچ یکی از مخلوقات نمی‌تواند در بارهٔ کسی شفاعت کند، مگر هنگامی که خداوند از شفاعتش راضی باشد و برایش اجازه شفاعت داده باشد.

4- به ایشان بگو: که برای مشرک کسی شفاعت نمی‌کند، زیرا او محکوم به خلود در آتش است، خداوند می‌فرماید: کسی که به خدا شریک آرد به تحقیق جنت بر او حرام است و جایگاهش آتش و ستمکاران را یاری‌دهندهٔ نیست.

5- به ایشان بگو: که درخواست عوام که می‌گویند: ای رسول خدا! برای ما شفیع باش و ای پیامبر! از خدا بخواه تا تو را در باره‌ام شفیع بگرداند، جواز ندارد طریقهٔ درست چنین است که از خداوند طلب کنیم تا رسول خود را برای ما شفیع بگرداند.

درس 20: حدیث شفاعت روزه و قیام اللیل

قول النبي صلى الله عليه وسلم: الصيام والقيام شفيعان للعبد يوم القيامة يقول الصوم: رب منعته الطعام والشراب بالنهار ويقول القرآن: منعته النوم بالليل فشفعنا فيه.	پیامبر خدا ρ می‌فرماید: روزه و خواندن قرآن در نماز شب برای بنده در روز قیامت شفاعت می‌کنند، روزه می‌گوید: پروردگارا! من او را از خوردن غذا و آب در روز بازداشتم و قرآن می‌گوید: من او را از خوابیدن در شب بازداشتم، ما را شفیع او بگردان.

(رواه أحمد و النسائی)

شرح: «**الصيام والقيام**»: روزه یعنی خودداری از خوراک و میل جنسی از طلوع صبح تا غروب آفتاب که به نیت فرمانبرداری و طلب ثواب از خداوند انجام گرفته باشد. مراد از قیام نمازهای شبانه در ماه رمضان است. می‌فرماید: «**شفيعان للعبد يوم القيامة**»: برای بنده در نجات از دوزخ و ورود به بهشت شفاعت می‌کنند و رسول خدا ρ شفاعت آن‌ها را چنین بیان می‌کند و می‌فرماید: «**يقول الصوم: رب منعته الطعام والشراب بالنهار**»: روزه می‌گوید: پروردگارا! من او را از خوردن غذا و آب در روز بازداشتم که بروزهای رمضان برای خوشنودی تو گرسنه و تشنه بود و این کار را به علت خوف تو و امید به آمرزش تو انجام داد. می‌فرماید: ویقول القرآن «**منعته النوم بالليل**» قرآن می‌گوید: من او را از خوابیدن شب بازداشتم. در هنگامی که مردم خوابیده بودند، او برای رضای تو نخوابید و امیدوار به رحمت و آمرزش تو بود. می‌فرماید: «**فشفعنا فيه**» ما را شیفع او بگردان تا گناهانش را ببخشائی و او را با دوستان و بندگان نیکوکار و شایسته خود به جنت درآوری، پس خداوند آن‌ها را شفیع می‌گرداند و شفاعت آن‌ها را قبول می‌کند، زیرا اوست که این سخنان و طلب شفاعت را به

ایشان آموخته و توانائی بخشیده تا چنین خواستهٔ عالی و گرانقدری را از درگاهش تقاضا نمایند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

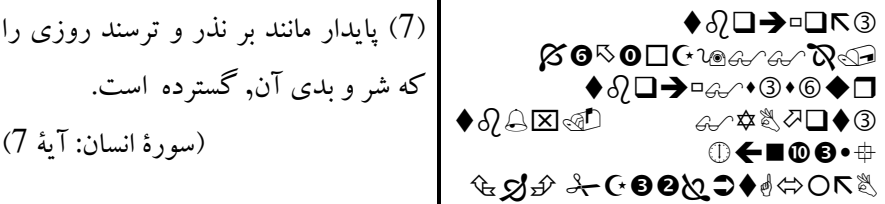
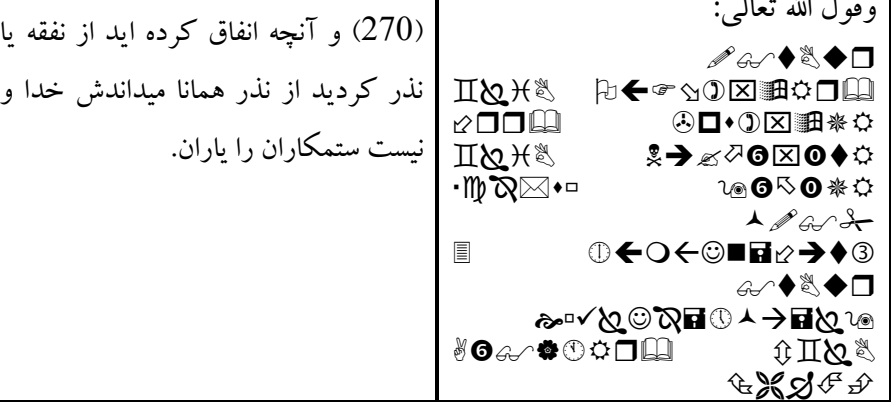
2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه برایشان اشکال دارد توضیح ده.

3- آن‌ها را از فضیلت روزه و نماز در شب‌های ماه مبارک رمضان آگاه کن.

4- آن‌ها را از فضل و بخشایش خداوند بر بندگان مؤمنش آگاه کن، زیرا به ایشان چنین عباداتی مشروع گردانیده و آنان را برای ادای آن توفیق داده است، تا ازایشان این عبادات را قبول کند و در پاداش آن رضامندی خود و جنت را برایشان عنایت کند.

5- به ایشان بگو: که شفاعت را نباید به غیر از خدا طلب کرد، کسی که به جز او تعالی از دیگری طلب کند، گمراه و از آن محروم می‌شود هیچ شفاعت‌کننده چه فرشته باشد یا پیامبر و یا شخص نیکوکار نمی‌تواند شفاعت کند، مگر این که خداوند برایش چنین اجازهٔ بدهد و از شخصی که مورد شفاعت قرار می‌گیرد راضی باشد.

درس 21: آیهٔ نیکوکاران به نذر خود پایبند می‌باشند

قول الله تعالی:  [انسان: 7] وقول الله تعالی: 	فرموده خدای بزرگ: (7) پایدار مانند بر نذر و ترسند روزی را که شر و بدی آن, گسترده است. (سورهٔ انسان: آیهٔ 7) و فرمودهٔ خدای بزرگ: (270) و آنچه انفاق کرده اید از نفقه یا نذر کردید از نذر همانا میداندش خدا و نیست ستمکاران را یاران.

[البقره: 270]

شرح: می‌فرماید: ﴿  ﴾ یعنی هنگامی که برای خداوند نذری کنند، مانند این که می‌گوید: بر من نذر باشد که چند روز روزه بدارم، یا آن مقدار صدقه کنم، یا چند رکعت نماز بخوانم و یا جهاد کنم، همانا به نذرشان وفا می‌کنند و آن را فرو نمی‌گذارند. مگر که از انجام آن کاملاً ناتوان گردد که در چنین حالتی از نذر خود کفارهٔ مانند کفارهٔ سوگند بپردازد و از خدای بزرگ طلب مغفرت و پوزش بخواهد که نتوانسته عبادت مطلوبه را انجام دهد. می‌فرماید: ﴿  ﴾: مستطیر آن است که طولانی و پراکنده باشد زیان

آن به همه کس و همه جا برسد. می‌فرماید: ﴿ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ﴾: یعنی اگر صدقهٔ شما اندک یا بسیار باشد خداوند به آن آگاهی کامل دارد و شما را به انجام آن جزای موافق می‌دهد. می‌فرماید: ﴿ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴾ و خداوند به نذرتان نیز آگاهی دارد پاداش‌تان را عنایت می‌کند. می‌فرماید: ﴿ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ ﴾. خداوند مؤمنین را بیم می‌دهد ازین که در صدقات خود تقصیر نموده و ستم روا دارند، مانند این که در نیت خود ارادهٔ غیر خدا را داشته باشند یا آن را به کسی که مستحق نیست بدهند و یا حقداران را محروم نمایند یا نذر کرده و به آن وفا نکنند و یا به نام غیر خداوند نذر کنند که در این صورت‌ها، ستم‌گار محسوب می‌شوند و روز قیامت برای ستمکاران یاری‌دهندهٔ نیست که آن‌ها را نجات بخشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-هردو آیت کریمه را تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را جمله به جمله واضح بخوان و آنچه را لازم است تفسیر کن.

3-به ایشان بگو: که نذرکردن به نام غیر خدا گناه است، لذا برای مسلمان حلال نیست که چنین کاری انجام دهد.

4-به ایشان بگو: نذر عبادتست و آن که برای خدا نذری کرده باشد لازم است که آن را انجام دهد و هرگاه از ادای نذرش به سببی عاجز ماند باید کفارهٔ یمین را که غذادادن به ده نفر مسکین است بپردازد و اگر قدرت اطعام نداشت سه روز روزه بدارد.

5-به ایشان یادآور شو: اگر نذر نمود که گناهی انجام دهد چنین نذری را نباید وفا نماید ولی کفاره آن را که کفارهٔ سوگند است باید بپردازد و اگر چیزی را نذر کرد که در قدرت و توانایی‌اش نبود، ادای آن نذر واجب نیست، ولی کفاره یمین را باید بپردازد.

درس 22: حدیث نذری در گناه نیست

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَلاَ نَذْرَ فِيمَا لاَ يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ. وقوله: لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَكَفَّارَتُهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ.	گفتهٔ پیامبر ρ: نیست نذری در گناه و نیست نذری در آنچه انسان مالک آن نیست. و گفتهٔ پیامبر ρ: نیست نذری در گناه و کفارهٔ آن کفاره قسم است.

(رواه ابن ماجه)

شرح: گفته پیامبر ρ : «**لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ**» این جمله خبری است و معنای آن انشائی است یعنی جواز ندارد که مرد و زن مسلمان به کار گناهی نذر کند، مثل این که بگوید: بر من نذر باشد که امروز نماز نخوانم یا نذر باشد که فلانی را بزنم یا دشنام دهم. پس کسی که به نافرمانی خدا و رسولش نذر می‌کند جواز ندارد که به نذر خود وفاء کند، بلکه کفارهٔ مانند کفاره قسم بپردازد.

گفتهٔ پیامبر ρ: «**وَلاَ نَذْرَ فِيمَا لاَ يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ**»، این جمله نیز مانند جمله اول لفظاً خبر است و معنا انشاء است یعنی جواز ندارد که مرد یا زن باشد که مسجدی بنا کنم یا طبقی از طلا صدقه بدهم. در حالی که مالک یک درهم و دینار نباشد و آن که چنین نذر کند، لازم است که کفاره‌ای مانند کفارهٔ قسم بپردازد و گفتهٔ پیامبر ρ: «**لاَ نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ وَكَفَّارَتُهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ**»: یعنی جواز ندارد که مسلمان به گناه نذر کند. مثل این که نذر می‌کند که به نماز صبح شرکت نکند یا فلانی را بزند در اینصورت لازم است که نذر خود را انجام ندهد و مانند سوگندی که می‌شکند کفاره بپردازد و کفاره آن اطعام «شام و نهار» ده مسکین است و اگر قدرت نداشته، سه روز روزه بگیرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آن دو حدیث بالا را تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

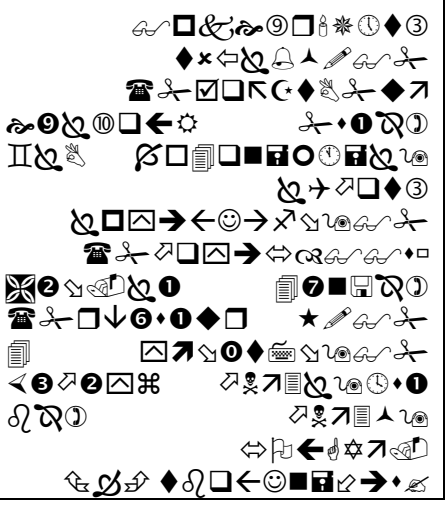
2-شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه نیازی به توضیح دارد بیان کن.

3-به ایشان تعلیم ده: که نذر به نام صالحین حرام است و کسی که چنین نذری نموده باشد نباید به آن وفاء کند و مانند سوگند کفاره بدهد.

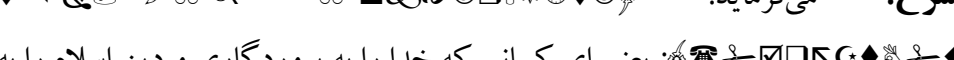
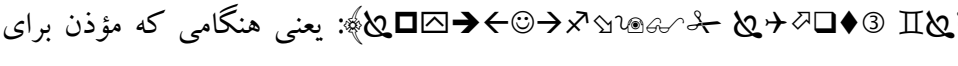
4-به ایشان تذکر ده: کسی که نذر می‌کند روزه بگیرد و قبل از انجام روزه می‌میرد، ولیش از جای او روزه بگیرد، زیرا پیامبر ρ در جواب کسی که سؤال کرد که زنی مرده و بر او روزۀ نذر بوده، فرمودند که ولیش از جای او روزه بگیرد. و همچنین کسی آمد از پیامبر ρ سؤال کرد که مادرم مرده و بر او روزه لازم بوده، پیامبر ρ فرمودند: که تو عوضش روزه بگیر.

5-به ایشان تعلیم ده: کسی که نذر کرده و بیان نمی‌کند که چه نذر کرده بر او لازم است، مانند کفارۀ سوگند کفاره بدهد، زیرا پیامبر ρ فرمودند، کسی که نذر می‌کند و تعیین نمی‌کند که چه نذر کرده بر او لازم است که کفاره قسم بپردازد.

درس 23: آیه با ندای آذان جمعه به یاد خدا بشتابید

قول الله تبارک وتعالی:	گفته خداوند:
	(9) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه بانگ داده شود برای نماز از روز جمعه، پس بشتابید به سوی یاد خدا و رها کنید معامله را این بهتر است برای شما اگر بدانید.

[جمعه: 9]

شرح: می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی ای کسانی که خدا را به پروردگاری و دین اسلام را به حقانیت و محمد ρ را به پیامبری قبول کردید، می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی هنگامی که مؤذن برای نماز جمعه آذان گوید: مراد درین جا آذانی است که پیش روی امام در هنگام خطبه بر منبر داده می‌شود. می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی هنگامی که مؤذن برای نماز جمعه آذان گوید و این که در این آیه لفظ «یوم الجمعه» قید شده نشان می‌دهد که آن نماز جمعه است نه نمازی که به دیگر روزها خوانده می‌شود. می‌فرماید:

﴿  ﴾ یعنی به سوی یاد خدا بروید که شنیدن خطبه و ادای نماز جمعه است. می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی خرید و فروش را بگذارید،

گرچه در آیت لفظ بیع یاد شده، ولی شامل شراء را نیز می‌شود، زیرا هیچ فروشی بدون خرید صورت نمی‌گیرد. و چون امر در اینجا برای وجوب است، پس فروش مانند خرید مشمول دیگر معاملات از هنگام آذان خطبه, حرام می‌گردد.

می‌فرماید: ﴿ذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾: یعنی رفتن به طرف نماز و ترک خرید و فروش برای حال و آینده‌تان مفیدتر است، اگر ارزش خیر و پاداشی را که از جانب خدا دریافت می‌کنید بدانید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم است توضیح ده.

3- به ایشان بگو: که نماز جمعه بر همه فرض است، بغیر زن، برده, مریض و مسافر.

4- آن‌ها را از ترک نماز جمعه برحذر دار، زیرا پیامبر ρ می‌فرماید: باید مردم از ترک نمازهای جمعه خودداری نمایند، یا این که بر دل‌هایشان مهر می‌نهد که از جملهٔ غافلان باشند.

5- به ایشان آداب رفتن به نماز جمعه که عبارت است از غسل و پوشیدن بهترین لباس و استعمال خوشبوئی و زودرفتن به مسجد جامع, قبل از داخل‌شدن وقت, تعلیم ده.

درس 24: حدیث فضیلت روز جمعه

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ النَّفْخَةُ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلاَةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلاَتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ. فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تُعْرَضُ صَلاَتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ يَعْنِي بَلِيتَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى الأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الأَنْبِيَاءِ.	پیامبر ρ فرمود: بیشک بهترین روزهای شما روز جمعه است، آدم υ در آن روز آفریده شد و در آن دمیدن صور است. و در آن فنای موجوداتست. پس شما درین روز بر من درود بسیار بگوئید، البته درود شما بر من عرضه می‌شود. مردی گفت: یا رسول خدا! چگونه بر تو عرضه می‌شود که جسد مبارکت از هم پاشیده است. فرمود: به تحقیق که خداوند خوردن اجساد پیامبران را بر زمین حرام ساخته است.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ**» در این حدیث مبارک, پیامبر اکرمρ برای امتش خبر می‌دهد: که بهترین روزها روز جمعه است و سبب فضیلت آن را چنین بیان می‌کند، «**فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ النَّفْخَةُ**»: آدم υ در آن روز آفریده شد و در آن دمیدن صور است برای فنای عالم می‌فرماید: «**وَفِيهِ الصَّعْقَةُ**»: و در آن روز فنای موجودات است. می‌فرماید: «**فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلاَةِ فِيهِ**» و شما درین روز بر من درود بسیار بگویید. اینچنین «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ**» «خدایا بر محمد! همسران و اولادش رحمت کن، چنانکه بر ابراهیم و اولاد ابراهیم رحمت فرمودی، و بر محمد، همسران و اولادش برکت بده، چنانکه بر اولاد ابراهیم برکت دادی». می‌فرماید: «**فَإِنَّ صَلاَتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ**

عَلَيَّ»: همانا درود شما پیش کرده می‌شود به من طوری که آن را مشاهده می‌کنم، چنانکه امروز بر نامهٔ در تلویزیون نشان داده می‌شود. می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى الأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الأَنْبِيَاءِ**»: البته خداوند خوردن اجساد پاک پیامبران را بر زمین حرام کرده است. این سخن پیامبرρ ردیست بر مردی که گفت: یا رسول الله چگونه درود ما بر تو عرضه می‌شود که جسد مبارکت فرو پاشیده است؟ و این فرمودهٔ رسول الله دلالت دارد، هیچ مسلمانی نباشد که در کنار قبر پیامبر ρ بر وی سلام گوید، مگر که خداوند روح مبارکش را به جسد آن بازگرداند تا جواب سلام را بدهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث مبارک را به خوبی بخوان و تکرار کن تا بدانی که شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

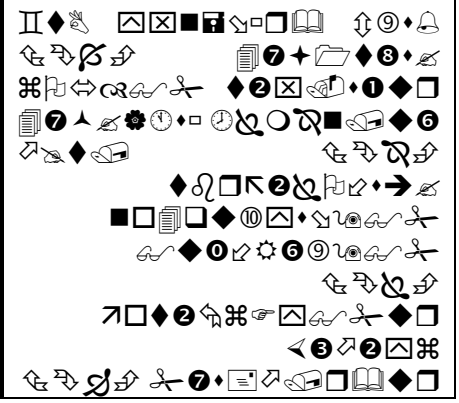
2- شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه فهمش دشوار است توضیح ده.

3- فضیلت روز جمعه و سبب فضیلتش را برایشان بگو: تا آن را تعظیم کنند.

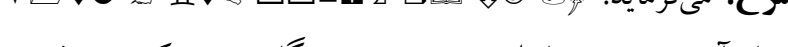
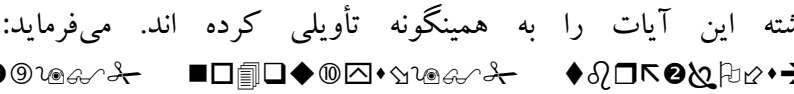
4- آن‌ها را از واجب‌بودن درود بر پیامبر ρ و ثواب بزرگ آن آگاه کن و بگو: آن که یک بار درود بر رسول الله ρ بگوید: خداوند ده بار بر او درود می‌فرستد.

5- به ایشان بگو: که حد بیشتر درود سیصد مرتبه است و کسی که سیصد مرتبه بر رسول الله صلوات بفرستد بسیار گفته و اگر سیصد بار نگفته باشد کم گفته است.

درس 25: آیهٔ آن که پاکی جست، رستگار شد

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(14) همانا رستگار شد آن که پاکی جست (15) و یاد کرد نام پروردگار خویش را، پس نماز گذارد (16) بله برمی‌گزینید زندگانی دنیا را (17) و آخرت بهتر است و پایدارتر.

[الأعلی: 14 – 17]

شرح: می‌فرماید:  یعنی با نجات از آتش دوزخ و داخل‌شدن به جنت رستگار شد «تزکی»: و نفس خود را از پستی گناهان و لغزش‌ها پاک نگهداشت. می‌فرماید:  یعنی پیوسته ذکر خداوند را دوام داده و نمازهای پنجگانه را اداء کرد، زیرا ذکر خداوند وقت معینی ندارد که به گذشتن وقت تمام شود، بلکه تا وقتی که انسان حیات دارد می‌تواند به ذکر خداوند دوام دهد. نماز هم شامل نمازهای فرض و نفل است که می‌تواند بسیاری از اوقات شبانه روزی یک مسلمان را در بر گیرد. در این آیت اشاره واضح به صدقه فطر و نماز عید است. صدقهٔ فطر یک صاع از گندم یا جو یا خرما و یا برنج است که صاع باید گنجایش چهار مشت را داشته باشد که باید پیش از بیرون‌شدن به طرف نماز عید پراخته شود. هر مسلمان، نخست صدقهٔ فطر را ادا می‌کند سپس به طرف مصلی عید با گفتن تکبیر و یاد خداوند بیرون می‌شود. لذا بسیاری از مفسرین گذشته این آیات را به همینگونه تأویلی کرده اند. می‌فرماید: 

﴿﴾: یعنی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهید، به دلیل این که عبادت یک شخص هرقدر باشد در شبانه روز از پنج ساعت زیاد نمی‌شود و بقیه نوزده ساعت دیگر برای کارهای دنیائی مصرف می‌گردد. می‌فرماید: ﴿﴾ و آخرت در نعمت و سعادت و رفاهیت خود از دنیا بهتر است. زیرا دنیا به هرحال ناپایدار و آخرت باقی و پایدار است، و آنچه پایدار باشد بر آنچه فانی و ناپایدار است برتری دارد، پس باید به یاد آخرت بود و آن را فراموش نکرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به تجوید قرائت و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامی بخوان و آنچه لازم است توضیح ده.

3- واجب‌بودن نماز عید و صدقهٔ فطر را به آن‌ها تعلیم ده و بگو: که صدقهٔ فطر پیش از رفتن به عیدگاه باید ادا شود.

4- به ایشان بگو: که کامیابی حقیقی آنست که انسان از آتش دوزخ نجات پیدا کند، و به بهشت جاودان داخل شود. و این نعمت نصیب کسی است که نفس خود را به اعمال شایسته تزکیه و از گناهان دور نگهدارد.

5- آن‌ها را از سخن دانشمندان که می‌گویند: اگر آخرت از سفال و دنیا از طلا باشد بازهم عاقلان آخرت را اختیار می‌کنند، تا آنچه را که پایدار و باقی است برآنچه که فناشونده و ناپایدار است ترجیح داده باشند.

درس 26: حدیث حضور دختران و زنان در نماز عید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَخْرِجُوا الْعَوَاتِقَ وَذَوَاتِ الْخُدُورِ لِيَشْهَدْنَ الْعِيدَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ. وَلِيَجْتَنِبَنَّ الْحُيَّضُ مُصَلَّى النَّاسِ. وقوله: قَدْ قَضَيْنَا الصَّلاَةَ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَجْلِسَ لِلْخُطْبَةِ فَلْيَجْلِسْ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَذْهَبَ فَلْيَذْهَبْ.	پیامبر ρ می‌فرماید: دختران دوشیزه و زنان پرده‌نشین را از خانه بیرون آورید تا در نماز عید و دعای مسلمانان حاضر باشند، و باید زنان حایض از جای نماز مردم برکنار شوند. و نیز می‌فرماید: به تحقیق که نماز را ادا کردیم، کسی که دوست دارد، برای شنیدن خطبه می‌نشیند. بنشیند و کسی که دوست دارد که برود پس برود.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**أَخْرِجُوا الْعَوَاتِقَ وَذَوَاتِ الْخُدُورِ**»: یعنی دختران دوشیزه و پرده‌نشینان را از خانه برای نماز عید بیرون کنید «عواتق» جمع عاتق است و آن دختر دوشیزه و نورسیده است پیش ازین که پرده‌نشین گردد. «ذوات الخدور» زن‌هائی هستند که پرده‌نشین باشند. و آن پرده‌ایست که در خانه می‌بندند و دختران بالغه خود را به آن در حجاب می‌دارند.

می‌فرماید: «**لِيَشْهَدْنَ الْعِيدَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ**»: در نماز عید و دعای مسلمانان حاضر شوند و آن را اداء کنند و خطبه را بشنوند، زیرا خطیب, مسلمانان را به سوی کارهائی که موجب کمال و سعادت‌شان در فرمانبرداری از اوامر خدا و پیامبر ρ است رهنمائی می‌کند.

می‌فرماید: «**وَلِيَجْتَنِبَنَّ الْحُيَّضُ مُصَلَّى النَّاسِ**»: باید زنان حایض از جای نماز مردم برکنار شوند. چون پیامبر ρ مردم را به بیرون‌کردن دختران نورسیده و زنان پرده‌نشین در روز عید برای ادای نماز و استماع خطبه امر کرد، زنان حایض را فرمان داد: تا از مصلی خارج شده و در جائی دورتر به شنیدن خطبه مشغول گردند.

و نیز می‌فرماید: «**قَدْ قَضَيْنَا الصَّلاَةَ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَجْلِسَ لِلْخُطْبَةِ فَلْيَجْلِسْ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَذْهَبَ فَلْيَذْهَبْ**»، در این حدیث، پیامبرρ بیان می‌کند که حضور در خطبه واجب نیست، ولی کاری مشروع است، کسی که می‌نشیند و خطبه را گوش می‌کند برایش کاری شایسته و خوبست و کسی که ضرورتی دارد و می‌رود بر او باکی نیست. در مذهب احناف استماع خطبه واجب و از جمله اعمال نماز است، چنانچه در کتب فقه مذکور می‌باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

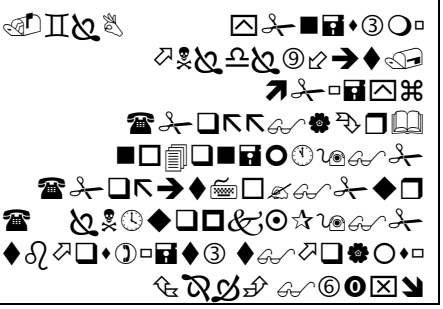
2-شرح را جمله جمله بخوان و نکات پوشیده را توضیح و تفسیر کن.

3-به ایشان بفهمان: که نماز عید به غیر از کسانی که در شرع معذور به شمار می‌روند بر همه کس واجب است.

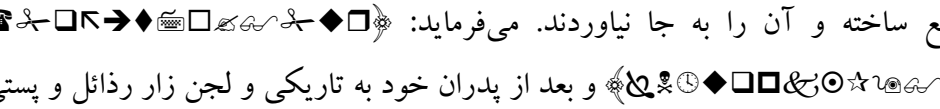
4-به ایشان توصیه کن: که هرگاه زنان حایض در نماز عید حاضر می‌شوند از مصلی دورتر نشسته و استماع کنند، این در جائیست که نماز در صحرا و خارج شهر خوانده شود و اگر به داخل مسجد است از مسجد بیرون بنشینند، و خطبه را استماع نمایند.

5-به ایشان توصیه کن: که مستحب است که زنان مسن، دختران نورسیده و زنان محجبه در نماز عید حاضر شوند و خطبه را بشنوند و به دعای مسلمانان شرکت نمایند.

درس 27: آیهٔ پیدایش جانشینان ناشایست

قول الله تبارک وتعالی: 	گفتهٔ خداوند بزرگ: (59) آن‌گاه نسلی جایگزینشان شد که نماز را رها کردند و از خواسته‌های نفسانی پیروی نمودند؛ پس سزای گمراهی (خویش) را خواهند یافت.

[مریم: 59]

شرح: می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی از مردمان نیکوکار که پیامبران و ذریهٔ آن‌ها بودند. مردم ناشایستی بوجود آمدند که وصف‌شان این است، نماز را ضایع ساخته و آن را به جا نیاوردند. می‌فرماید: ﴿  ﴾ و بعد از پدران خود به تاریکی و لجن زار رذائل و پستی فرو رفتند که شراب نوشیدند، شهادت به دروغ دادند، حرام خوردند، زنا کردند، و به سرگرمی‌های بیهوده مشغول شدند.

می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی بعد این که به جهنم داخل می‌شوند به عذاب «غی» گرفتار آیند. وغی اسم چاه و یا درهٔ دوزخ است، و به هردو تعبیر درست می‌شود، زیرا چاه غالباً در دره‌ها موجود می‌باشد. این آیت کریمه اگرچه از احوال اهل کتاب و گناهانی که مرتکب شدند خبر می‌دهد، ولی مسلمانان را نیز از خطاهائی که در امت‌های پیشینه پدید آمده بیم می‌دهد. تا مانند آن‌ها از ادای نماز غفلت نورزند و به شهوات نفس گرفتار نگردند.

متأسفانه امروز بسیاری از مسلمانان به خطاکاری‌هائی که اقوام گذشته گرفتار بودند آلوده شدند، هم نماز را ضایع می‌کنند و هم از شهوات پیروی می‌کنند نه خود نماز می‌خوانند و نه دیگران را به آن دعوت می‌کنند و نه کسانی را اندرز می دهند که نماز را ترک می‌کنند، در ممالک اسلامی افراد زیادی را سراغ داریم که در پی هرگونه شهوت‌پرستی از زنا و شراب گرفته تا انواع هرزه‌گیها روانند و ازین گروه آن که پیش از مرگش توبه کند و به کردار پسندیده رو آورد نجات یافته و با بندگان صالح خداوند داخل بهشت می‌گردد و آن که در حالت ترک نماز و فرورفتن در شهوات بمیرد به چاه «غی» در جهنم انداخته می‌شود.به خدا پناه می طلبیم ازآن.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را بخوان و تکرار کن تا از طرف شنوندگان حفظ شود.

2- شرح را به آرامی بخوان و آنچه را لازم است توضیح ده.

3- مسلمانان را از ترک و یا سهل‌انگاری در نماز که آن را به وقتش نمی‌خوانند ویا بدون جماعت اداء می‌کنند، چنانکه اکثر مسلمانان گرفتار آنند بیم ده.

4- ایشان را از فرورفتن در شهوات بیم ده، زیرا اگر به شهوات عادت کردند ترک آن برایشان مشکل می‌شود و مانند گذشتگان هلاک می‌شوند.

5- ایشان را به توبه نصوح و ترک گناهان و اقامه نماز را در وقتش با جماعت و رعایت خشوع توصیه کن: تا نفس‌های‌شان تزکیه شده و از فحشاء و منکرات دست بردارند.

درس 28: حدیث ادای نمازهای پنجگانه به طور کامل

قول النبي صلى الله عليه وسلم: خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يَنْتَقِصْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَهْدًا أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ قَدِ انْتَقَصَ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ.	گفتهٔ پیامبر ρ: پنج نماز است که خداوند آن را بر بندگانش فرض گردانیده است. کسی که آن‌ها را بیاورد که از آن‌ها چیزی به جهت سبک‌داشتن حقوق‌شان نکاسته باشد من برایش در روز قیامت پیمانی می‌بندم که وی را به جنت داخل گرداند و کسی که آن‌ها را بیاورد که به جهت سبک‌داشتن حقوق‌شان از آن‌ها چیزی کاسته باشد، برایش در نزد خدا پیمانی نیست، اگر بخواهد وی را عذاب کند و اگر بخواهد به‌بخشاید.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ**»: یعنی خداوند بر بندگان مؤمنش پنج وقت نماز که عبارت از صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء باشد. فرض گردانیده است. می‌فرماید: «**فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يَنْتَقِصْ مِنْهُنَّ شَيْئًا**»: یعنی آن‌ها را ادا کرده و از شرایط، ارکان، واجبات و سنت‌های آن‌ها چیزی فرو نگذاشته باشد. می‌فرماید: «**اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ**»: یعنی به صورت بی‌باکی و بی‌احترامی و سبک‌شماری حقوق شان را کم ادا نکند. می‌فرماید: «**فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَهْدًا أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ**»: من برایش در روز قیامت پیمانی می‌بندم که وی را به جنت داخل کند و برایش آن عهد را آشکار سازم که خداوند او را به جنت داخل می‌کند. می‌فرماید: «**وَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ قَدِ انْتَقَصَ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ**» و آن که نمازهای پنجگانه را ادا کرده، ولی از شرایط، ارکان، واجبات، و سنن آن به طور استخفاف

کاسته باشد. می‌فرماید: «**لَمْ يَكُنْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ**»: برایش در نزد خدا عهد و پیمانی نیست، اگر بخواهد او را عذاب کند و اگر بخواهد بر وی ببخشاید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و آنچه را لازم است توضیح ده.

3- آن‌ها را به اهمیت نماز آگاه کن و بگو: که ترک نماز کفر است نعوذ بالله.

4- به ایشان تذکر ده: که بی‌اعتنائی به نماز مانند ترک نماز است که خداوند می‌فرماید:

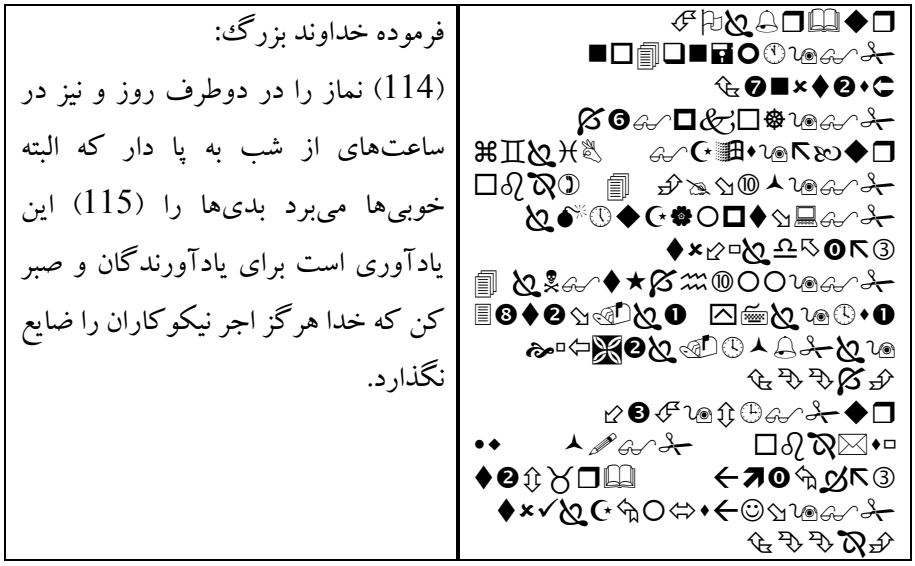


(الماعون: 4 و 5). «پس وای بر نمازگزارانی که. در نماز خود سهل انگاری می کنند».

5- به ایشان بگو: که استخفاف کننده به عبادت چه فرض باشد یا واجب و سنت, به کفر نزدیکتر است تا ایمان.

6- ایشان را به وجوب امرنمودن به نماز و سهل‌انگاری نکردن از آن آگاه کن و بگو: که بر دولت لازم است تا افرادی را برای امر به معروف و نهی از منکر بگمارد.

درس 29: آیهٔ نماز را به پا دار که حسناتش سیئات...



فرموده خداوند بزرگ:
(114) نماز را در دوطرف روز و نیز در ساعت‌های از شب به پا دار که البته خوبی‌ها می‌برد بدی‌ها را (115) این یادآوری است برای یادآورندگان و صبر کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد.

[هود: 114 – 115]

شرح: می‌فرماید: ﴿ ﴾: مراد از دو طرف روز طرف اول آن، نماز صبح و طرف آخر آن نماز ظهر و عصر است. می‌فرماید: ﴿ ﴾ و نیز در ساعت‌های اولی شب که هنگام نمازهای مغرب و عشاء است. می‌فرماید: ﴿ ﴾: یعنی آن که گناه کوچکی مانند نظر به زن بیگانهٔ را مرتکب شده باشد، چنین سیئه به عمل حسنهٔ نماز, محو می‌شود. و بر این موضوع، شأن نزول همین آیت کریمه دلالت دارد و داستانش چنین است که مردی صحابی در مدینه خرمافروشی می کرد. یک زنی شوهرش به جبهه رفته بود ناچار برای خرید غذا به بازار بیرون شد و نزد خرمافروش آمد تا از او خرما بخرد. دست خود را درآورد تا پولش را داده و خرما را تسلیم شود. شیطان, زیبائی دست زن را برای خرمافروش جلوه داد و او بی‌اختیار خود را

بالای دستش خم نمود و بر آن بوسه زد، پس به گناهیش متوجه شد و به آواز بلند استغفار گفت و از ندامت و پشیمانی مانند دیوانهٔ در خیابان‌ها فریاد می‌کشید، تا به کوه احد رسید و در حالی که بر سر خود خاک می‌ریخت, آذان مغرب گفته شد و به مسجد داخل شد و موضوع را به رسول الله ρ عرض کرد، پیامبر بزرگوار همین آیه کریمه را برایش تلاوت کردند، مرد گفت: یا رسول الله آیا این امتیاز تنها برای من است؟ آن حضرت ρ فرمود: برای هرکسی که به آن کند. می‌فرماید: ﴿❶⬧🕓⍜♋⌨◲﴾ : یعنی این آیه امر به اقامهٔ نماز موعظه است برای آنانی که پند می‌گیرند. می‌فرماید: ﴿❒◆✄🕓⇳⍜✐❸⬃﴾: در اینجا امر به صبر برای پیامبر و افراد امت اوست و صبرکردن شامل صبر بر انجام طاعت و تحمل رنج در راه خدا را می‌شود و آن که در انجام طاعتی صبر کند و آن را به وجه شایسته انجام دهد: ﴿▫⬧✉♐♌□ ✄✎⅄ ⬧⬧ ③⬉♎⬁⓿⬈← 🕮❒♉⇳❷⧫ ✄⍜⬂☺←⬧⇔○⬁☪♋✓✗⧫ ⬀♐⬂⬂⬁﴾: همانا در نزد خداوند پاداش او ضایع نیست. بلکه مزدش را کاملاً و چندبرابر برایش عنایت می‌کند که عبارت از نجات دوزخ و درآوردن به بهشت و رضای خداوند است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را واضح بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه لازم است برای خوانندگان تفسیر کن.

3- به ایشان بیاموز: هرکه کار ناپسندی مرتکب شود و سپس کار شایستهٔ انجام دهد گناهش را محو می‌کند.

4- آن‌ها را به این فرمودهٔ پیامبر ρ آگاه کن: که یک نماز تا نماز دیگر کفاره اند گناهان بین شان را تا هنگامی که گناه کبیرهٔ را مرتکب نشده باشد، زیرا گناهان کبیره جز به توبهٔ نصوح بخشیده نمی‌شود.

5- آن‌ها را از فضیلت صحابه آگاه کن، زیرا همین مرد که این آیه کریمه در بارهٔ توبه‌اش نازل شد. کاری زیادتری جز این که بر دست زنی نامحرم بوسه زده بود، انجام نداده و نزدیک بود که از خوف خدا و ندامت, عقلش را از دست بدهد چه دیوانه‌وار در خیابان‌ها می گردید.

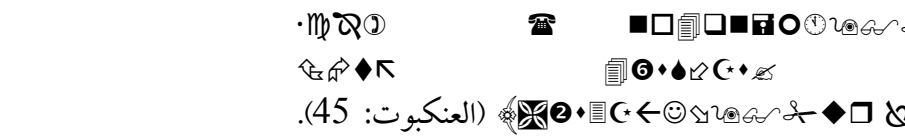
درس 30: حدیث نماز گناهان را محو می‌کند

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ بِفِنَاءِ أَحَدِكُمْ نَهْرٌ يَجْرِي يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ مَا كَانَ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ. قَالَ لاَ شَيْءَ. قَالَ فَإِنَّ الصَّلاَةَ تُذْهِبُ الذُّنُوبَ كَمَا يُذْهِبُ الْمَاءُ الدَّرَنَ.	گفتهٔ پیامبر ρ: پیامبر می‌فرماید: به من بگو: اگر در اطراف صحن خانهٔ یکی از شما جویی روان باشد و او هرروز پنج بار در آن تمام بدن خود را بشوید، آیا چیزی از چرک بدن او باقی می‌ماند؟ مخاطب گفت: چیزی باقی نمی‌ماند پیامبرρ گفت: البته نماز گناهان را می‌برد همچنانکه آب چرک را می‌برد.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ بِفِنَاءِ أَحَدِكُمْ**»: این حدیث مبارک خطاب به مسلمانان است که اگر به کنار صحن منزل شما جویی باشد. می‌فرماید: «**نَهْرٌ يَجْرِي يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ مَا كَانَ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ**» و صاحب خانه هرروز پنج بار در آن غسل نماید، چه مقدار از چرک بدنش باقی می‌ماند؟ جواب آن است که چیزی باقی نمی‌ماند، چنانکه عین جواب را کسی که در حدیث مورد خطاب قرار دارد و از گناهان صغیره از پیامبرρ سؤال کرد، در پاسخ گفت: که چیزی باقی نمی‌ماند. می‌فرماید: «**فَإِنَّ الصَّلاَةَ تُذْهِبُ الذُّنُوبَ كَمَا يُذْهِبُ الْمَاءُ الدَّرَنَ**». چه شخص نمازگزار به سبب نماز از گناهان صغیره پاک می‌شود. و این کفاره برای کسی است که نماز را اقامه کند. یعنی به طور کامل ادا کرده و مراعات همهٔ حقوق آن را بکند نه برای کسی که در ادای آن اهتمام نورزد رکوع و سجده را به درستی بجا نیاورد. و بدون حضور قلب و بدون خشوع نماز بخواند یا در جماعت شرکت نکند، چه برای حسن ادای عبادت ناگزیر است، چنانکه مشروع گردیده و پیامبر ρ بیان نموده انجام

شود و در غیر آن نمازش اثری در تهذیب نفس و پاکی از گناه نخواهد گذاشت، زیرا خداوند می‌فرماید:


(العنکبوت: 45).

«نماز را به صورت کامل ادا کنید زیرا نماز از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارد». در این آیه کریمه خبر می‌دهد: که نماز برای کسی که آن را به تمام حقوق ادا می‌کند تزکیهٔ روحی و پاکی نفس را به وجود می‌آید که گوئی در میان نور, زندگی می‌کند و صاحب چنین نوری در لجن‌زار ناپاکی‌ها غوطه نمی‌خورد و در گودال‌های معصیت فرو نمی‌افتد. و آن که نماز را صحیح ادا کند مرتکب گناهان کبیره نمی‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

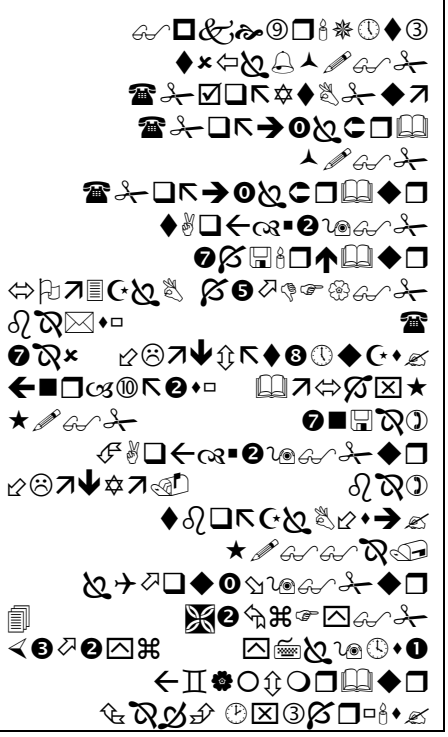
2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را لازم دارد توضیح ده.

3- ایشان را از فضیلت نمازهای پنجگانه آگاه کن و ارشاد نما که آن‌ها را به طریق شایان ادا کنند تا ثمرهٔ تهذیب نفس و پاکی از گناهان را به دست آورند.

4- به آن‌ها از نعمت اسلام تذکر ده و ازیشان بخواه که به شکر این نعمت, قیام کنند و ادای شکر اسلام, همانا عزیزداشتن اسلام و پاسبانی آن و دعوت دیگران به این دین مقدس و صبرکردن بر این مجاهدت است.

درسهای ماه شوال

درس 1: آیهٔ اطاعت از خدا و رسول و امیران

قوله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(فرمانبرید خدا و رسول را و اولیاء امر را «فرماندهان»، و اگر در چیزی باهم ستیزه کردید، پس به خدا و رسولش بازگردانید اگر هستید ایمان‌آورنده به خدا و روز آخرت. این بهتر است و نیکوتر در فرجام.

[النساء: 59]

شرح: : ای مؤمنان! یعنی ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان دارید خداوند می‌فرماید: : فرمانبرید خدا را، در آنچه شما را فرمان می‌دهد یا از چیزی نهی می‌کند و نیز فرمان برید از رسولش در آنچه شما را امر می‌کند یا از چیزی بازمی‌دارد، زیرا پیامبر امر نمی‌کند، مگر به فرمان خدا و نهی نمی‌کند. مگر آنچه را خدا نهی کرده است. می‌فرماید: : و فرمانبرید فرماندهان را از خود شما، فرماندهان عبارت از علما و امیران

هستند وقید منکم، یعنی از خود شما مسلمانان باشند که حاکم کافر از آن بیرون می‌شود که فرمان‌بردن ازو به اختیار جایز نیست، مگر که از روی مجبوری باشد. و فرمانبرداری از غیر خدا و رسول مشروط به آن است که در آن گناه و معصیت نباشد و به نافرمانی خدا و رسول گرفتار نشود، زیرا اطاعت از مخلوق در حالی که معصیت خالق بود جایز نیست. بلکه اطاعت در کارهای معروف است. می‌فرماید: ﴿ۥ▫♦✉ ✍☪ ◆❽♦⇧⇱➘➚☹⇘♦➔✍ ☪❑⇱☪ ♦ ✍✍✍❑★﴾: اگر اختلاف کردید این خطاب عام است، شامل امیران، علماء و تمام افراد امت اسلامی می‌شود. خداوند ما را راهنمائی می‌کند که اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید در جواز، منع، نفع و زیان چیزی نزاع کردید واجب است که آن را به سوی کتاب خدا و سنت پیامبر رد کنید و به این کار، خلاف و نزاع شما که سبب سستی و تباهی است از میان می‌رود. می‌فرماید: ﴿☪❶◉♦✂ ✈⇗❑◆❶⇘◉✍✂◆❒ ✂☜⌘❷⇖✍ ✂❑◆❶☪ ✍☹➚➘✡➚✍ ☪❑❶☪﴾: اگر ایمان دارید به خدا و روز آخرت یعنی چیزی که در آن اختلاف دارید به سوی خدا و پیامبر رد کنید، چون ایمان به خدا و روز آخرت لازم دارد که به حکم خدا و پیامبر تسلیم باشید و آن را قبول کنید. می‌فرماید: ﴿♦❶◉☪⌨✉☜⌘﴾ یعنی بازگرداندن چیزی که در باره‌اش نزاع دارید ﴿⌘✉❷⇗❸≺ ✍♦▫❒✍☪ ❸⊠◉☪ ⇧❍○✺⇕⌶← ❒◆🕮❒◆ ≺❸⇗❷✉⌘﴾: برای شما بهترست و نیکوتر در انجام که نزاع شما را از میان برده و در آینده سبب اتفاق و اتحاد شما می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را به طور واضح تلاوت کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را لازم دارد توضیح ده.

3- ایشان را از وجیبهٔ اطاعت از خدا و رسول و امیر مسلمین آگاه کن.

4- به ایشان بگو: که اطاعت از امیر در کارهای معروف است نه در کارهای منکر، و منکر آن است که از طرف خدا یا پیامبر حرام شده باشد.

5-به ایشان بفهمان: که بر مسلمانان واجب است که اگر در چیزی اختلاف کردند و هرکدام خود را حقدار می‌دانست آن را نزد حاکم مسلمان رفع کنند تا نزاع‌شان را قطع کند و محبت و برادری اسلامی و فضیلت تقوی از میان نرود.

درس 2: حدیث بیرون‌شدن از فرمان امیر

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. وَفِي رِوَايَة أخرى: مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ، إِلاَّ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.	فرموده رسول الله ρ: کسی که از امیر خود چیزی را بد بداند، باید بر آن صبر کند زیرا هرکه یک وجب از اطاعت سلطان بیرون شود به مرگ جاهلیت می‌میرد. و در روایت دیگری می‌فرماید: کسی که از امیرش چیزی ببیند که خوشش نیاید، باید که بر آن صبر کند، زیرا هرکه از جماعت مسلمین یک وجب جدا شود هرگاه بمیرد به مرگ در جاهلیت مرده است.

(رواهما البخاری)

شرح: فرموده رسول ρ: «**مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا**»: یعنی به سبب اذیتی که به وی می‌رسید از او بد می‌برد، باید بر آن اذیت, صبر و شکیبائی کند و از اطاعت امیر بیرون نگردد، زیرا در بیرون‌شدن از اطاعت امیر, فتنه، جنگ، شرارت و فساد واقع می‌شود. به همین سبب می‌فرماید: «**فَلْيَصْبِرْ**»: یعنی شخص مسلمان و متعهد را لازم است که در چنین حالتی به دامن صبر و شکیبایی چنگ زده و متوسل به تفرقه در جماعت مسلمین و روشن‌کردن آتش جنگ و فساد در میان‌شان نگردد. و گفته‌اش: «**فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً**»: درین حدیث تهدید سختی است برای مسلمانان در سرپیچی از امیر، زیرا عدم اطاعت, سبب ایجاد رخنه در صف وحدت مسلمانان گردیده و موجب شر و فساد در جامعه اسلامی می‌گردد. و این اطاعت مقید به دو شرط است: یکی این که مسلمانان را به گناه فرمان ندهد، زیرا در معصیت پروردگار فرمانبرداری از هیچ مخلوقی جواز ندارد، شرط دوم: آنست که از امیر، کفری واضح که در باره‌اش اختلاف و نزاعی وجود نداشته باشد، دیده نشود اگر چنین

اعمالی ازو آشکار شد واجب است تا در برابر امیر بیرون شده و امارت مسلمانان را از دستش بیرون کنند تا دیگری را از مسلمین اهل علم و دانش که عادل و دادگر باشد بر جایش امیر گردانند، و کسی که از چنین قیام و قدرتی عاجز و مغلوب شود واجب است تا از سرزمینی که در آن کافر یا ملحدی نغوذ بالله فرمانروایی می‌کند بیرون شده و هجرت نماید. روایت دوم این حدیث نیز مانند روایت نخست به صبر و شکیبایی در جور سلطان مسلمان امر می‌کند و سرکشی و خروج بر وی را حرام می‌گوید: و از چنین کاری برحذر می‌دارد، زیرا پیامبر بزرگوار ρ چنین ارشاد می‌فرماید: «**فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ، إِلاَّ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً**»: هرکه از جماعت مسلمانان یک وجب جدا شود، هرگاه بمیرد به مرگی در جاهلیت مرده یعنی مرگ او از ساحهٔ ملت اسلام خارج است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی قرائت و تکرار نما تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

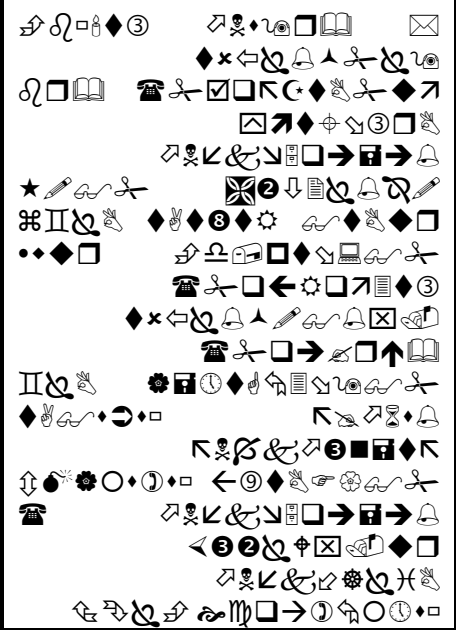
2- شرح را به آرامش بخوان تا شنوندگان آگاه شوند.

3- ایشان را به صبر و شکیبایی در مقابل امیرشان امر کن: تا زمانی که بر گناهی مانند فعل حرام یا ترک واجبی دستور نداده باشد.

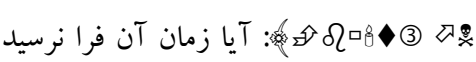
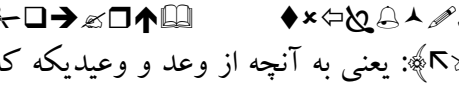
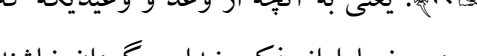
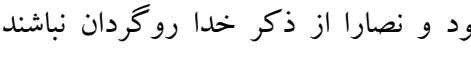
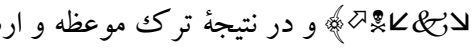
4- ایشان را از سرکشی و بیرون‌آمدن از فرمان امراء مسلمانان برحذر دار، مگر در یک حالت و آن هنگامیست که سلطان، کفر خود را آشکار نماید. و کفرش بر همه واضح باشد در این وقت است که فرمانبرداری از وی جواز ندارد، بلکه واجب است تا او را خلع نموده و امارت مسلمین را به دیگری از اهل ایمان و دانش و تقوا بسپارند.

5- ایشان را از سرپیچی اطاعت امیر مسلمان آگاه کن، زیرا این کار سبب جنگ و فساد و شر گردیده و مسلمانان را ضعیف و دشمنان فرصت‌طلب اسلام را بر آن‌ها مسلط می‌گرداند.

درس 3: آیهٔ نرمی دل‌ها به جهت یاد خدا

قول الله تعالی:	فرموده خداوند بزرگ:
	(16) آیا وقت آن نرسیده است که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است فروتن گردد؟ و مانند کسانی نباشند که پیش از این به آنها کتاب داده شد و پس از زمانی طولانی که بر آنها گذشت قلبهایشان سخت شد و بیشترشان فاسق شدند.

[حدید: 16]

شرح: فرموده خدای تعالی:  آیا زمان آن فرا نرسیده تا آنانی که در مزاح و شوخی زیاده‌روی کرده و وقت صرف کرده اند  که دل‌های‌شان با یاد خدا نرم شده و اطمینان گیرد و به وعده و وعید خداوندی فروتنی و آرامش پذیرد.        یعنی به آنچه از وعد و وعیدیکه که در قرآنکریم نازل شده توجه کنند و مانند یهود و نصارا از ذکر خدا روگردان نباشند. و فرموده‌اش: و در نتیجهٔ ترک موعظه و ارشاد

دل‌های‌شان سخت شده و زنگ گرفت و بسیاری آن‌ها فاسق شده و از اطاعت و فرمان, باری تعالی بیرون گشتند، پس واجبات دینی خود را ترک نموده و محرمات را حلال دانستند که از چنین کاری به خدا پناه می‌بریم و این حقایق را خداوند تعالی در قرآنکریم یاد می‌کند تا مردان و زنان مؤمن را از غفلت و دوری از شنیدن موعظه علما و افراط در شوخی و مزاح و مشغول‌شدن به سرگرمی‌ها و بازی‌های بیهوده برحذر دارد، زیرا چنین کردارهاست که سبب قساوت قلب‌ها گردیده و انسان را به طرف گناهان کبیره سوق می‌دهد و در لجن‌زار زشتی‌ها و رذائل غوطه‌ور می‌گرداند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت مبارکه را به ترتیل بخوان و تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را که بر شنونده‌ها واضح نشده واضح نما.

3- ایشان را به فروتنی تشویق کن و آگاه‌شان گردان: که فروتنی و خشوع از راه ذکر او تعالی و خواندن قرآنکریم و شنیدن موعظه‌های دینی و حضور در مجالس علما به دست می‌آید.

4- آنان را از ناآگاهی و بازیچه‌ها و سرگرمی‌های ناپسند برحذر دار تا سبب غفلت‌شان از ذکر خدا نگردد، و آن‌ها را از وعدهٔ خداوند برای دوستانش به جنت و نعمت‌های همیشگی آن و وعید او به دشمنانش به آتش دوزخ و عذاب دردناک آگاه گردان.

5- آن‌ها را از نافرمان خداوند و رسولش برحذر دار که اگر از آن باز نیابند، مانند امت‌های گذشته از اهل کتاب، به عذاب الهی گرفتار و هلاک خواهند شد.

درس 4: حدیث پیروی گام به گام از امت‌های گذشته

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لاَ تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَأْخُذَ أُمَّتِي بِأَخْذِ الْقُرُونِ قَبْلَهَا، شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَفَارِسَ وَالرُّومِ. فَقَالَ: وَمَنِ النَّاسُ إِلاَّ أُولَئِكَ.	پیامبر ρ فرمود: قیامت برپا نشود تا این که پیروانم به کردار امتان پیشینه وجب به وجب، گز به گز رفتار کنند گفته شد: که یا رسول خدا! مانند مردم فارس و روم؟ پس فرمود: مردمان کیستند، مگر ایشان؟!

(رواه البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**لاَ تَقُومُ السَّاعَةُ**»: قیامت برپای نشود، یعنی زندگی این جهان به آخر نرسد آخرت و جهان دیگر آغاز نشود. می‌فرماید: «**حَتَّى تَأْخُذَ أُمَّتِي بِأَخْذِ الْقُرُونِ قَبْلَهَا**»: تا این که پیروانم به کردار امتان پیش از خود رفتار کنند. یعنی کسانی که دعوتم را قبول کردند و با سلام داخل شدند از سیرت و رفتار امم گذشته در کارهای دینی و دنیائی خود تقلید کنند عرب می‌گوید: (فلان اخذ فلاناً) یعنی فلانی به فعل و عمل فلانی کار کرد.

قرون که در عبارت حدیث آمده، جمع قرن است و در اینجا به معنی گروهی از مردم مراد است. می‌فرماید: «**شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ**» وجب به وجب و گز به گز، یعنی امتم از امت‌های پیشین و از کردارشان در بیشتر کارهای شر و تباهکاری در امور دین و دنیا متابعت کنند. و این حقیقت را سخن دیگر پیغمبرρ که در جای دیگری ارشاد کرده اند تأیید می‌کند که فرمودند: اگر آن‌ها در سوراخ سوسماری درآیند، شما در پی ایشان می‌روید. می‌فرماید: «**وَمَنِ النَّاسُ إِلاَّ أُولَئِكَ**»: مردمان کیستند، مگر ایشان. این فرمایش به اعتبار مردم همان عصر بوده است، چون فارسی‌ها و رومی‌ها در آن روزگار از بزرگترین دولت‌ها بودند و نفوس‌شان نیز از دیگر مردمان زیادتر بوده است.

در روایت دیگری آمده است: گفتیم: یا رسول خدا! مراد یهود و نصارا هستند؟ فرمود: پس کیستند؟ در میان این دو عبارت تناقض وجود ندارد، زیرا یهودیان و نصرانیان و

آتش‌پرستان که مردم فارس باشند، پیوسته در پیکار علیه اسلام باهم مددکار و معاون بودند و تا امروز هم این‌ها بزرگترین دشمنان مسلمین به شمار می‌آیند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

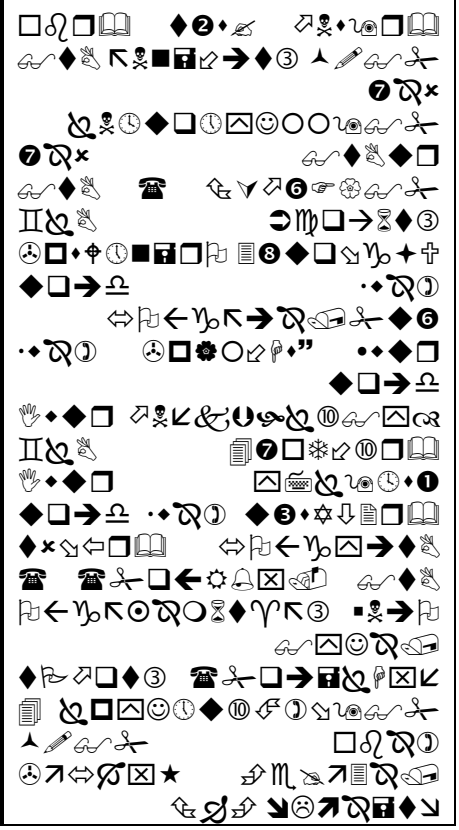
1- حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح مطالب را به آهستگی بخوان و آنچه بر شنوندگان پوشیده است توضیح ده تا دانسته شود.

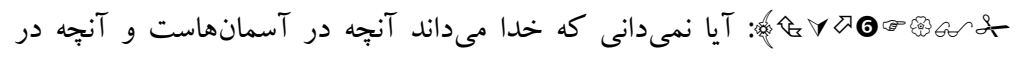
3- به ایشان بفهمان: که پیامبر اسلام ρ امتش را از تقلید کورکورانه و هلاک‌کننده از یهود و نصارا و مجوس برحذر می‌دارد و باید مسلمین در همه قرن‌ها در تمام حیات خود از ایشان حذر داشته باشند.

4- ایشان را از تقلید و پیروی کافران در لباس و از مدپرستی برحذر دار تا هیأت و شخصیت اسلامی‌شان را که نشانه و صبغه و رنگ مسلمانی آن‌هاست از دست ندهند.

درس 5: آیهٔ خداوند رازها را می‌داند

قوله تعالی:	گفته خداوند بزرگ:
	(7) آیا نمی‌دانی که خداوند می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و نمی‌باشد با یکدیگر رازگفتن سه کس، مگر که خدا چهارم‌شان است و نمی‌باشد راز گفتن پنج کس مگر که خدا ششم ایشانست، و نه کمتر از این و نه زیادتر، مگر خدا با ایشانست، هرجا که باشند. سپس بروز قیامت به آنچه کرده اند آن‌ها را آگاه می‌سازد. البته خدا بر همه چیز دانا است.

[مجادله: 7]

شرح:  می‌فرماید:  : آیا نمی‌دانی که خدا می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، و این استفهام و سؤال برای ثبوت مدعاست و مراد از عبارت آیا نمی‌دانی این است که تو ای پیغمبر می‌دانی و خبرداری که خدا بر آنچه در آسمان‌ها و زمین است آگاه می‌باشد و خداوند بر همهٔ چیزها احاطهٔ علمی دارد و بر کردار مخالفین آگاهست و اعمال

آن‌ها بر وی معلوم و به زودی جزای کردارشان را می‌دهد. می‌فرماید: ﴿ ﴾: یعنی نه کمتر از سه و نه بیشتر از شش مگر که خدا همراهشانست، زیرا خداوند بر تمام کائنات احاطهٔ علمی دارد و بر هر حرکتی دانا و بر هر آوازی شنواست و توانائی دارد که به هرکس هرچه بخواهد بدهد و از هرکه بخواهد بگیرد و او به همه چیزها و کارها آگاهست. پس بندهٔ مسلمان باید از او بترسد و بیم داشته باشد و به وسیلهٔ ادای عبادات واجبه به او تعالی تقرب جوید. می‌فرماید: ﴿ ﴾: بروز قیامت آن‌ها را به کرده‌شان آگاه می‌سازد، یعنی بر همهٔ کردارشان آگاه کرده و تمام اعمالشان را معرفی می‌کند، سپس موافق کردار به ایشان جزا و پاداش می‌دهد و از کردار بندگان چیزی بر وی پوشیده نیست، زیرا او تعالی بر همه چیز دانا است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را مکرر بخوان و تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم توضیح است بیان کن.

3- ایشان را آگاه کن: که خداوند به هرچه در عالم موجودات است باخبر است. بلکه به هر ذره وجود, آگاهی کامل دارد. لذا شخص مسلمان کاملاً مراقب باشد که چیزی را رد و یا قبول نکند، مگر موافق به فرمان خدا، و از خداوند حیا کند تا گناهی آشکار از او سر نزند، اگرچه برهنه‌شدن عورتش در خلوت باشد.

4- به ایشان بگو: که از بنده به زودی حساب گرفته خواهد شد و به جزای کردارش خواهد رسید. اگر کردارش نیک جزای نیک و اگر بد باشد به جزای بد می‌رسد.

5-به ایشان بگو: که اگر سه کس حضور دارند برای دو نفر جواز ندارد که به سرگوشی باهم سخن گویند، زیرا این کار سبب اذیت برادر مسلمان‌شان می‌گردد.

درس 6: حدیث یادکردن خدا در نفس

قول النبي صلى الله عليه وسلم: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ، وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشِبْرٍ تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا، وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً.	گفتهٔ پیامبر ρ: که خداوند می‌گوید: من در نزد گمان بنده‌ام هستم، و با اویم هرگاه مرا یاد کند، اگر مرا در نفس خود یاد کرد، من هم او را در نفس خود یاد می‌کنم، و اگر او مرا در جمعی یاد کرد، من او را در جمعیتی برتر از ایشان یاد می‌کنم، و کسی که به اندازه وجبی به من نزدیک شود، من به اندازه یک گز به او نزدیک می‌شوم، و اگر کسی به اندازه گزی به من نزدیک شود، من به اندازه بیش از آن نزدیک می‌شوم، و اگر کسی به نزدم با رفتار عادی می‌آید، من به سرعت نزد وی می‌آیم.

(رواه البخاری)

شرح: «**أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي**»[1]: من در نزد گمان بنده‌ام هستم. یعنی اگر به من گمان خیر داشت به او به خیر روبرو می‌شوم و اگر گمان شری داشت، همانسان با وی ملاقات می‌کنم. فرموده‌اش: «**وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي**»: ومن همراهش هستم، آنگاه که مرا بخواند یعنی از او دور نیستم، اگر مرا در نفس خود بدون تکلم یاد کند من هم او را در نفس خود بدون این که نامش را بگویم یاد می‌کنم. و گفته‌اش: «**وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ**»: اگر مرا در

1- علامه قرطبی می‌گوید: معنای ظن عبدی بی: یعنی گمان اجابت داشته باشد در وقت توبه و گمان مغفرت داشته باشد در حین استغفار و گمان پاداش در مقابل انجام عبادت با شرایط آن.

میان گروهی یاد کند او را در گروهی که ازیشان بهتر باشد یاد می‌کنم. یعنی او را در گروه ملائکه یاد می‌کنم، چه گروه فرشتگان در مجموع از آدمیان فضیلت دارند. می‌فرماید: «**وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشِبْرٍ**»: یعنی اگر یک وجب از طریق طاعت به من نزدیک شود می‌فرماید: «**تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا**»: من یک گز به احسان و بخشش خود به او نزدیک می‌شوم. می‌فرماید: «**وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا**»: و اگر کسی به اندازه گزی نزدیک شود, من زیادتر از آن نزدیک می‌شوم. باع به اندازه بازبودن هردو دست و ذراع اندازه ایست از سر انگشتان تا آرنج. می‌فرماید: «**وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي**»: اگر به سویم به رفتار قدم آید، یعنی فرمانم را به سرعت اجابت کند و عبادتم را بسیار انجام دهد. می‌فرماید: «**أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً**»، من به سویش سریعتر می‌آیم. یعنی از اندازهٔ که او عبادت و فرمانبرداری کرده است من زیادتر به وی رحمت و بخشایش و احسان می‌کنم و بیشتر از آنچه از وی خواستار اطاعت شدم به وی می‌دهم. خداوندا! شکر و ستایش سزاوار توست, چقدر بزرگواری و چقدر احسان تو بی‌پایانست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه که اشکال دارد توضیح ده.

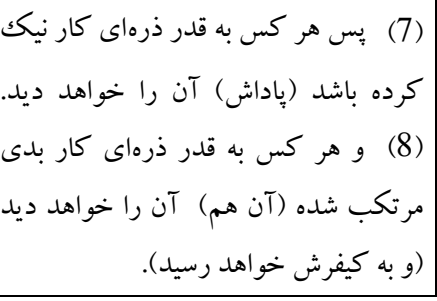
3- آگاه‌شان گردان: که واجب است بنده به خداوند تعالی گمان نیک داشته باشند.

4- به ایشان بگو: که هرگاه گناهانی را آشکارا مرتکب شویم و امیدوار باشیم که خداوند ما را می‌بخشد چنین روشی گمان نیک گفته نمی‌شود، و همچنین اگر طاعت باری تعالی را به جا آریم و بترسیم که ما را عذاب کند بازهم حسن ظن به شمار نمی‌آید.

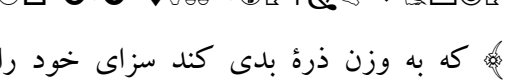
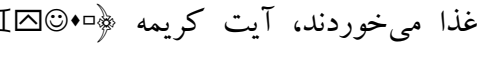
5- ایشان را از فضیلت ذکر قلبی و همچنین ذکری که به قلب و زبان باشد آگاه کن.

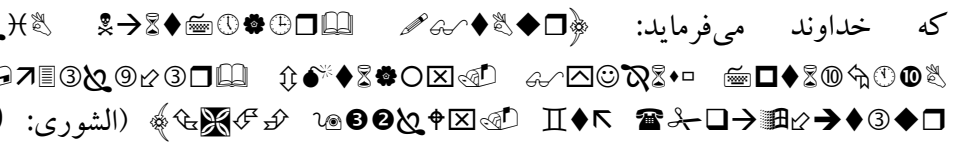
6- به ایشان یادآور شو: طوری که بنده در مقابل خداوند عمل طاعت یا معصیت انجام می‌دهد. خداوند نیز همان طور در مقابل برایش جزا می‌دهد، مگر این که او را عفو نموده ببخشاید، زیرا او تعالی عفوکننده و بخشاینده و مهربان است.

درس 7: آیهٔ به ذره‌ای خیر پاداش داده می‌شود

قول الله تعالی:	فرمودهٔ خداوند بزرگ:
	(7) پس هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. (8) و هر کس به قدر ذره‌ای کار بدی مرتکب شده (آن هم) آن را خواهد دید (و به کیفرش خواهد رسید).

[زلزال: 7 – 8]

شرح:  می‌فرماید: که به وزن ذرهٔ بدی کند سزای خود را می‌بیند. مگر که خدای تعالی عفو کند. ذره: مورچهٔ کوچک را می‌گویند. ولی کفر، مانع ورود به بهشت می‌شود، زیرا شخص کافر هراندازه که در دنیا کارهای نیک انجام داده باشد پاداش آن‌ها را در دنیا می‌بیند و برایش در آخرت چیزی باقی نمی‌ماند. از حضرت عایشه ام المؤمنین ل روایت است که از جانب پیامبر ρ پرسیدم: عبدالله بن جدعان که در دنیا به حاجیان غذا و لباس می‌داد، آیا در آخرت برایش پاداشی را در برخواهد داشت؟ فرمود: نه، زیرا او یک روز در عمر خود نگفت که خدایا گناهانم را ببخش و نیز روایت شده که روزی حضرت ابوبکر صدیق τ همراه پیامبر ρ غذا می‌خوردند، آیت کریمه  نازل شد. حضرت ابوبکرτ از طعام دست کشیدند و گفتند: که من می‌بینم که اعمال نیک و بدی را انجام داده‌ام، آنحضرت ρ برایشان گفتند: اگر چیزهائی که خوش نداری می‌بینی آن پاداش ذرهٔ شریست که از تو سرزده است و خداوند مثقال‌های خیر را ذخیره می‌کند تا به روز قیامت آن‌ها را برایت عنایت کند و موافق فرموده رسول اکرم این آیت قرآنکریم است

که خداوند می‌فرماید:  (الشوری: 30).

«آنچه برایتان از مصیبت می‌رسد به علت کارهائی است که به دست شما انجام گرفته و آنچه را خداوند می‌بخشد بسیار است».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح مطالب را جمله به جمله بخوان و مطالب مشکل را توضیح ده.

3- به ایشان بگو: که مسلمان از کردار زشت خود به سبب و رنجی که در دنیا می‌بیند، جزا داده می‌شود و پاداش کردار نیک او در آخرت برایش ذخیره می‌ماند.

4- ایشان را از حدیث عایشه ل آگاه کن: که در پیش روی‌شان انگور بود برای یکی از حاضرین فرمودند: انگور را بگیر و برای این سائل بده و سائل در آن‌ها به تعجب نظر می‌کرد. حضرت عایشه ل برایش گفت: آیا تعجب می‌کنی که چه مقدار ذره در این انگور می‌بینی و خداوند بزرگ می‌گوید: کسی که به اندازهٔ ذرهٔ کار نیک انجام دهد پاداش آن را می‌بیند.

5- آن‌ها را ازین حدیث صحیح پیامبر ρ آگاه کن: که فرمود: از آتش گرچه به نیم خرمائی باشد خود را حفظ کنید.

6- به ایشان بگو: که شخص کافر از کردار نیک خود در دنیا بهره‌مند می‌شود، در آخرت برایش چیزی باقی نمی‌ماند.

درس 8: حدیث مومن به شفاعت پیامبر ρ به بهشت می‌رود

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ شُفِّعْتُ، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ أَدْخِلِ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ خَرْدَلَةٌ. فَيَدْخُلُونَ، ثُمَّ أَقُولُ: أَدْخِلِ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ أَدْنَى شَيْءٍ.	گفتهٔ پیامبر ρ: وقتی که قیامت برپا شود به من اجازه شفاعت داده شود، پس می‌گویم: پروردگارا! به جنت داخل گردان کسی که در قلبش به اندازه خردلی از ایمان باشد، پس داخل می‌شوند. باز می‌گویم: وارد جنت گردان کسی که در قلبش به اندازه کمتر از این نیکی باشد.

(رواه البخاری)

شرح: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»: چون روز قیامت برپا شود و مردم به صحرای محشر ایستاده شوند و خواستار کسی هستند که در حضور خداوند سخن بگوید و ازیشان شفاعت کند تا به حساب‌شان رسیدگی و از انتظار طولانی محشر نجات پیدا کنند، پس به سوی آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام می‌روند و خواهش شفاعت می‌کنند، همه‌شان عذر کرده می‌گویند: که مانعی آن‌ها را ازین مقام بازمی‌دارد تا در پیشگاه پروردگار لب به شفاعت گشایند، چه حضرت باری تعالی چنان به خشم است که گاهی چنین خشم نکرده است. سپس به نزد محمد ρ می‌آیند می‌گویند: من برای این کار آماده‌ام، من برای این کار آماده‌ام، من برای این کار آمده‌ام، زیرا خداوند این شفاعت را برایش در سوره اسراء وعده کرده است که می‌فرماید: ﴿ ⇧⑨⊙↗♈♑♦☞⬧▫ ⇳✍⇘❶➘☜⌒✂ ⌘Ⅱ♌✎◆❒ ♌❒🕮 ✂♂❁⊙♦↖ ♈🖮➘☜ ♏⬧✂♌▫⌒♦☼ 🕘♌○♌✎ ✂✡⑩❑←☺⇘♦⊙✍ ⌒✡✎⌒⬧☽♦✎ ♈🖮⑩✎◆❻ ♈🖮⬧⌖♈➔⇗🖮♦③ ⇳⇳⇘﴾ (الإسراء: 79). «در پارهٔ از شب نماز تهجد بخوان این برایت نافله است زود است که پروردگارت به تو مقام ستوده شدهٔ عنایت کند». این همان ایستگاهیست که تمام اهل محشر پروردگار را ستایش می‌کنند. سپس رسول الله ρ در زیر عرش به سجده می‌افتد و

به حمد و ستایشی که از طرف پروردگار به وی الهام شود خدای تعالی را می‌ستاید و پروردگارش به وی می‌گوید: سرت را بلند کن و به شفاعت بپرداز که شفاعت تو قبول می‌شود، این همان حالتی است که در عبارت حدیث، پیامبرρ داستان شفاعت خود را در محشر بیان می‌کند و می‌فرماید: چون روز قیامت شود برایم اجازهٔ شفاعت دهند می‌گویم: پرورگارا داخل جنت گردان کسی که در دلش به اندازهٔ خردلی نیکی باشد. یعنی به وزن دانهٔ سپندی در دلش ایمان و کردار نیک باشد. پس آن‌ها داخل شوند باز بگویم: به جنت داخل گردان کسی که در دلش به مقداری کمتر ازین نیکی باشد. یعنی از مقدار دانهٔ سپند هم کمتر.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت کریمه را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح مطالب را جمله جمله بخوان تا از طرف شنوندگان دانسته شود.

3- به ایشان بفهمان: بروز قیامت غیر از کسی که خداوند مهربان برایش اجازهٔ شفاعت می‌دهد دیگری شفاعت کرده نمی‌تواند.

4- به ایشان فضیلت ایمان به خداوند را بفهمان، زیرا اندازهٔ کمی از ایمان انسان را از واردشدن به آتش دوزخ و یا حداقل از خلود در آتش دوزخ حفظ می‌کند.

5- به ایشان بگو: هرگاه چیزی از ایمان موجود شود صاحبش را وادار به توحید الهی و عدم شرک به خدا کرده و او را از جاویدماندن در آتش می‌رهاند.

6- به ایشان بیاموز: که سرای آخرت به جز دوزخ یا جنت نیست. جنت در آسمان و به زیر عرش مجید قرار دارد و دوزخ پائین‌ترین حصه از جهان واقع شده. جنت دارای درجاتی است که یکی بالای دیگری تا به فردوس اعلی می‌رسد و دوزخ هم درکاتی دارد یکی زیر دیگری تا سجین که از همه پائین‌تر است و دارای عذابی سخت‌تر نعوذ بالله منه.

درس 9: آیهٔ خواب ملک و تعبیر حضرت یوسف υ

قول الله جل جلاله:	گفته خداوند بزرگ:
	(43) و گفت پادشاه! دیدم در خواب هفت گاو فربه که می‌خوردندشان هفت گاو لاغر و هفت خوشهٔ سبز و دیگری خشک. ای گروه فتوا دهید در خوابم اگر خواب را تعبیر توانید (44) گفتند: پارهٔ خواب‌های بیهوده است و نیستیم ما تعبیر خواب‌های بیهوده را دانایان.

[یوسف: 43 – 44]

شرح: می‌فرماید: ﴿  ﴾: او پادشاه مصر بود که به نام ملک ریان بن ولید خوانده می‌شد و این اسم را بر فرعون موسی υ نیز نسبت داده اند و عزیز یکی از وزرایش بود.

می‌فرماید: ﴿  ﴾: هرآئینه من به خواب می‌بینم هفت گاو فربه، می‌فرماید: ﴿  ﴾ که می‌خورند آن‌ها را

هفت گاو لاغر. یعنی گاوهایی که در نهایت لاغری هستند گاوهای فربه را می‌خورند. می‌فرماید: ﴿ ﴾: و می‌بینم هفت خوشهٔ سبز و هفت خوشهٔ دیگر را خشک، از خوشه‌های گندم یا جو چنانکه در مزرعه کشت می‌شود و می‌روید. می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی خوابم را تعبیر کنید، هرآئینه اندیشهٔ آن مرا غمناک کرده است، پس آن‌ها برایش اینگونه جواب دادند: ﴿ ﴾ این خواب‌های شوریده است که تعبیر خواب‌های شوریده نمی‌دانیم و چنین خواب‌ها قابل اعتنا نمی‌باشد این سخنان را به طور معذرت از کاری که ازیشان خواسته بود گفتند و چون خواب را به یوسف υ بازگفتند، او تعبیر کرد و چنانکه تعبیر کرد همانطور واقع شد. زیرا خداوند برای او علم تأویل خواب‌ها را عنایت کرده بود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-هردو آیت را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را که مشکل است توضیح ده.

3-ایشان را آگاه کن: که بعضی خواب‌ها رحمانی و پارهٔ دیگر خواب‌های شیطانی هستند.

4-به ایشان بفهمان: که رؤیای حقه را گاهی شخص غیر مسلمان به جهت مصلحتی که خداوند اراده کند می‌بیند، چنانکه همین پادشاه این خواب را دید و یوسف υ آن را تعبیر کرد و آن امر بزرگ پدید آمد.

5-به ایشان تعلیم ده: اگر کسی در خواب چیزی می‌بیند که از آن خوشش نمی‌آید بر وی لازم است تا به خداوند پناه جوید و برای کسی قصه نکند و اگر چیزهائی در

خواب بیند که او را خوش آید و از آن خرسند می‌شود آن را به دیگـران قصـه کنـد، زیرا اگر خواب تعبیر شود طوری که تعبیر شد نتیجه می‌دهد. ستایش و حمد مر خدای را و نیست هیچ معبودی سزاوار پرستش مگر خدای یگانه و خداوند بزرگوار.

درس 10: حدیث خواب بد را نباید به کسی تعریف کرد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا، وَلْيُحَدِّثْ بِهَا، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا، وَلاَ يَذْكُرْهَا لأَحَدٍ ، فَإِنَّهَا لاَ تَضُرُّهُ. وَقَالَ: وَلَمْ يَبْقَ مِنَ النُّبُوَّةِ إِلاَّ الْمُبَشِّرَاتُ. قَالُوا: وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ :الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ.	گفته پیامبر ρ: آنگاه که می‌بینید یکی از شما خوابی را که دوستش دارد، همانا آن از جانب خدا است، پس خدا را بر آن سپاس گوید، و به دیگران هم تعریف کند و اگر خوابی می‌بیند که خوشش نمی‌آید همانا آن از شیطان است، پس به خدا از شر آن پناه برد و به هیچکس تعریف نکند و آن، به وی ضرری نمی‌رساند و پیامبرρ فرمودند: از پیامبری چیزی به جز مبشرات «مزده‌دهنده‌ها» باقی نمانده است. گفتند: یا رسول الله مبشرات چیست؟ فرمودند: خواب نیک.

(رواهما البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا**». مراد آنست که در خوابش چیزی ببیند که آن را دوست دارد به سبب آن که چیزی دیده که او را خوشحال و خرسند نموده، بداند که آن خواب از طرف خداوند است که به واسطهٔ فرشتهٔ که وظیفه‌دار رؤیای صالحه است آن را به وی نشان داده است و همانا خدای را ستایش کند که چیزی را به وی نمو دار ساخته که خوشحالی و اطمینان خاطر او را فراهم ساخته است.

می‌فرماید: «**وَلْيُحَدِّثْ بِهَا**»: وآن را به دیگران باز گوید: یعنی به هرکسی که از برادران و دوستان خود که می‌خواهد قصه کند، زیرا بازگفتن آن سبب می‌گردد تا نتیجهٔ خواب آن در حال یا در آینده واقع شود. می‌فرماید: «**وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ،**

فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا»: اگر غیر ازین خوابی دید که او را بد می‌پنداشت همانا آن خواب از طرف شیطان است که باید از شر آن پناه بجوید، چه شیطان خواسته تا به این خواب او را اندوهگین و غمناک بگرداند، پس باید به خداوند از شر آن پناه بجوید و سه بار چنین بگوید: خداوندا! از شر خوابی که دیدم به تو پناه می‌برم از این که در دین و دنیا برایم ضرری برساند. چون این کلمات را گفت: به فرمان خداوند ضرری متوجه حالش نمی‌گردد.

و نیز پیامبر ρ فرمود: «**وَلَمْ يَبْقَ مِنَ النُّبُوَّةِ إِلاَّ الْمُبَشِّرَاتُ. قَالُوا: وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ :الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ**» از پیامبری به جز بشارت‌دهنده‌ها چیزی باقی نمانده است. یاران گفتند: بشارت‌دهنده‌ها چیست؟ فرمود: خواب, زیرا خواب برای کسانی که آن را دیده اند یا برایشان دیده شده است مژده نیکی را با خود دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو حدیث را به درستی بخوان و تکرار کن تا شنوندگان یاد بگیرند.

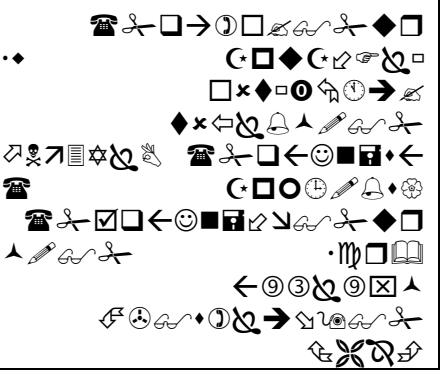
2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه را که معنی آن پوشیده است بر شنوندگان توضیح نما.

3- به ایشان بگو: که رؤیای صالحه جزئی از چهل و شش جزء نبوت است، زیرا آغاز پیامبری آنحضرت ρ بر ؤیای صالحه بود و آن مدت ششماه دوام کرد و بعد از آن در غار حراء حق برایش آشکار گردید، و ابتدای «سورهٔ اقرأ باسم ربک»، نازل و تمام مدت نبوتش 23 سال است که ششماه آن خواب صالحه بود.

4- به ایشان بفهمان: که تعبیر خواب گاهی به نزدیک‌ترین وقتی واقع می‌گردد و گاهی نیز به تأخیر میافتد، چنانکه یوسف υ به خواب دید: که یازده ستاره همراه خورشید و ماه برایش سجده کردند واقع نشد، مگر بعد از گذشت چهل سال.

5-باید دانست که خواب‌ها دو نوعند: خواب رحمانی و خواب شیطانی. آن خواب که رحمانی باشد آن را بازگویند و آنچه شیطانی است از شر آن به خدا پناه جویند و چیزی را از آن قصه نکنند.

درس 11: آیهٔ از فتنه بترسید که عذابش فرا گیر است...

قول الله تعالی: 	گفته خداوند بزرگ: (25) و بپرهیزید فتنه را که نرسد بدانان که ستم کردند از شما تنها و بدانید که خدا سخت عذاب‌دهنده است.

[انفال: آیهٔ 25]

شرح: می‌فرماید:  : این فرمان خداوند متوجه بندگان مؤمنش در این امت مسلمه است به این که از عذاب خدا بترسند و در میان خود و آن عذاب سپر و مانعی قرار دهند تا از فرودآمدن عذاب الهی آنان را وقایه و حفظ نماید و این وقایه‌شدن به سبب پایداری و استقامت در دین خداوند و قیام به امر به معروف و نهی از منکر به دست می‌آید. می‌فرماید:  : یعنی از فتنه‌ای بترسید که در باره‌اش چنین گفته می‌شود: که تنها به کسانی که از شما ستم کردند نرسد، بلکه به غیر ستمکاران نیز به علتی که آن عذاب عمومیت دارد و همه را در بر می‌گیرد می‌رسد، لذا دانشمند این امت عبدالله بن عباس ب می‌گوید: در این آیت کریمه خداوند Ψ مسلمانان را امر می‌کند که نگذارند که معصیت و منکر در میان جامعه‌شان پایدار شود تا به عذاب همگانی خداوند که گنهکار و بیگناه را فرا می‌گیرد گرفتار نشوند.

مادر مسلمانان زینب بنت جحش ل می‌فرماید: از رسول خدا پرسیدم و گفتم: ایا ما هلاک می‌شویم حال آن که در میان ما مردم نیکوکار و صالح وجود دارند؟ آن حضرت ρ فرمود:

آری، چون پلیدی و تباهکاری بسیار شود. و این هم ام سلمه ل است که می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که می‌گفت: چون گناهان در میان امتم آشکار گردد عذابی از طرف خداوند همهٔ شان را فرا می‌گیرد. ام سلمه می‌گوید: پرسیدم آیا در میان‌شان مردم نیکوکار هستند؟ فرمود: آری، هستند: گفتم آن‌ها چه می‌کنند؟ فرمود: آنچه به مردم برسد به ایشان هم می‌رسد سپس به سوی مغفرت و رضای خداوند بازمی‌گردند. رواه احمد. می‌فرماید: ﴿  ﴾: بدانید که عذاب خدا بسیار سخت است. در این آیت خداوند بندگان مؤمن خود را می‌ترساند و بیم می‌دهد: تا از چیزهائی که ایشان را به پرهیز از آن امر کرده پرهیز کنند و خود را از عذاب الهی نگهداری کنند و آن عذابی است که تنها به ستمگران نمی‌رسد. بلکه گناهکار و بیگناه به آن گرفتار می‌شوند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه مبارکه را به درستی بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را بخوان و آنچه احتیاج به توضیح دارد توضیح ده تا دانسته شود.

3- ایشان را به وجیبهٔ فرمانبرداری و اطاعت خداوند توصیه کن و بگو: که باید به واسطهٔ امر به معروف و نهی از منکر، خود را از فتنه و عذاب خدا نگهداری کنند و لازم است تا اینکار پیش از فرودآمدن عذاب صورت بگیرد، زیرا چون عذاب خداوند نازل شد همه هلاک می‌شوند و عذاب، ظالم و مظلوم، صالح و فاسد را در بر می‌گیرد.

4- ظلم را برایشان معرفی کن و بگو: ظلم عبارت از معصیت خدا و پیامبر است و فرمانبرداری از شیاطین ستمکار.

5- ایشان را از فروگذاری امر به معروف و نهی از منکر بیم ده، زیرا این گناه سبب بدبختی در دنیا و آخرت برای انسان‌ها می‌گردد.

درس 12: حدیث عده‌ای از حوض پیامبر بازداشته می‌شوند

قوله صلی الله علیه وسلم: أَنَا عَلَى حَوْضِي أَنْتَظِرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ، فَيُؤْخَذُ بِنَاسٍ مِنْ دُونِي فَأَقُولُ أُمَّتِي. فَيَقُولُ لاَ تَدْرِي، مَشَوْا عَلَى الْقَهْقَرَى. قَالَ ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَرْجِعَ عَلَى أَعْقَابِنَا أَوْ نُفْتَنَ.	گفته پیامبر ρ: من بر حوضم منتظر کسانی هستم که بر من وارد می‌شوند، پس کسانی از مردم بازداشته می‌شوند. می‌گویم: این‌ها از امتم بودند. در جواب می‌گوید: نمی‌دانی که این‌ها به عقب خود برگشتند. ابن بی ملکیه گفت: خداوندا! به تو پناه می‌بریم از این که به عقب خود بازگردیم یا به فتنه بیافتیم.

(رواه البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**أَنَا عَلَى حَوْضِي**»: من در کنار حوض خود هستم. این در صحرای محشر است، زیرا خداوند بزرگ آن را به رسول خود ارزانی داشته است و کوثر را در جنت و حوض را که آب آن از کوثر است در صحرای محشر و مقام داوری برایش عنایت فرموده است. می‌فرماید: «**أَنْتَظِرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ**»: انتظار دارم تا کسانی از امتانم بر من وارد گردند و از آب حوض، شربتی بیاشامند که هیچگاه تا داخل‌شدن به جنت و نوشیدن از آب کوثر و چشمه‌های آن تشنه نگردند. می‌فرماید: «**فَيُؤْخَذُ بِنَاسٍ مِنْ دُونِي فَأَقُولُ أُمَّتِي**»: پس مردمی از نزدیکم برده می‌شوند یعنی کسانی از اطرافم گرفته می‌شوند، می‌گویم: این‌ها بر دین من هستند و از پیروان من به حساب می‌روند. می‌فرماید: «**لاَ تَدْرِي**»: در جواب می‌گوید: تو آگاه نیستی که این‌ها پس از تو چه کارهائی انجام دادند. می‌فرماید: «**مَشَوْا عَلَى الْقَهْقَرَى**»: این‌ها در عقب خود رفتند. یعنی بعد از این که به اسلام درآمده بودند به سوی کفر و شرک بازگشتند، ابن ابی ملیکه رحمه الله که یکی از بزرگان تابعین است گفته: که من سی تن از یاران پیامبرρ را دریافتم و هیچیکی نبود مگر که می‌ترسید که نفس او به نفاق گرفتار شده

باشد. خداوند از اصحاب پیامبرش راضی باد و ایشان را راضی بدارد وی در هنگام دعا به خداوند پناه می‌گرفت و می‌گفت: «**اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَرْجِعَ عَلَى أَعْقَابِنَا أَوْ نُفْتَنَ**»: خداوندا! ما به تو پناه می‌بریم ازین که به عقب خود بازگردیم که کافر شویم یا در دین خود به فتنه گرفتار گردیم. والعیاذ بالله.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله توضیح ده و آنچه را محتاج به تفسیر باشد بیان کن.

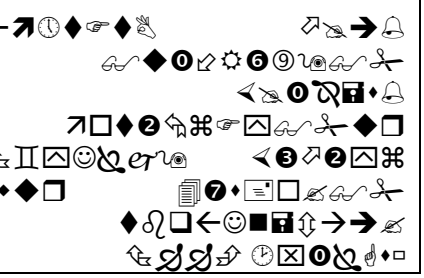
3- ایشان را از بازگشت به کفر العیاذ بالله بیم ده.

4- به ایشان بگو: که بازگشتن از دین به سبب عدم معرفت خداوند و ندانستن چیزهای است که سبب محبت یا خشم او تعالی واقع می‌شود و همچنین ندانستن نعمت‌ها و آنچه از جانب خداوند است.

5- به ایشان بگو: که نگهداشت از کفر در طلب علم شریعت و ملازمت مساجد خدا و تعلیم گرفتن علم قرآن و حدیث و عدم التفات به سخن دشمنان دین اسلام به دست می‌آید.

6- به ایشان بفهمان: که بعد از پیامبر پیامبری دیگر وجود ندارد، کسی که طالب هدایت باشد و به راه هدایت برود به آن می‌رسد و کسی که طالب گمراهی شود و دروازهٔ اش را بکوبد به آن داخل می‌شود و هلاک می‌گردد.

درس 13: آیهٔ بگو که متاع دنیا اندک است

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(77) بگو: بهره‌مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدار رشتهٔ که در هسته خرماست.

[النساء: 77]

شرح: می‌فرماید:  این فرمان خداوند برای پیامبرش می‌باشد تا برای آنانی که می‌گفتند، پروردگارا چرا بر ما جهاد را فرض گردانیدی، ای کاش تا مدتی ما را مهلت می‌دادی بگو: که بهرهٔ دنیا هرقدر در نزد شما عزیز باشد اندک است. کسانی که این سخنان را می‌گفتند: گروهی از منافقین و گروهی هم از مسلمانان ضعیف الایمان، اهل مدینه بودند این‌ها از خداوند خواستار بودند که کار جهاد را تا یک مدتی به تأخیر بیفکند تا ایشان تقویه شوند و بر جهاد قدرت پیدا کنند.

این از ظاهر سخن‌شان دانسته می‌شد، ولی در باطن ارادهٔ شان چنین بود که دفع الوقت کنند تا مدت عمرشان سپری شود و بمیرند و در میادین جهاد در راه خدا داخل نشده و از جنگ و جهاد برکنار باشند، لذا خداوند به رسولش فرمان داد: تا برایشان بگوید:  که بهرهٔ دنیا اندک و آخرت بهتر است برای کسی که پرهیزگاری کند. یعنی مقدار عمر و بقای کار در دنیا و بهره‌مندی از زندگی و آسایش‌های آن بسیار اندک است. چه اندازه عمر و ارزاق شما معین و محدود است و آخرت در راحتی و خوش زیستن بهتر است، زیرا

لذت‌ها و غذاها و نوشیدنی‌ها، مسکن‌ها و پوشاک‌های آن پایدار می‌باشد که از حالت اولی تغییر نکرده و زوال ندارد، پس شما چگونه متاع ناچیز دنیا را بر خیر بسیار اختیار می‌کنید؟ می‌فرماید: ﴿❐◆••➔➔✍←☺■🖬⇳➔♦♌❑←☺■🖬⇳➔✍••◆❐﴾: یعنی به مقدار کم بر شما ستم نمی‌شود فتیل، کنایه از حقیرترین و سبک‌ترین چیز از نگاه وزن می‌باشد و عبارت است از رشتهٔ باریک و سفیدی که در میان هستهٔ خرما قرار دارد. سپس آن‌ها را آگاهی می‌دهد که ایشان خواهند مرد چه جهاد و مبارزه بکنند یا نکنند باید بدانند که به هرجائی که باشید مرگ، شما را فرا می‌گیرد، اگر چه در بناهای محکم، یعنی در کاخ‌هایی باشید که بنا و دیوارهای آن‌ها به واسطه گچ یا سیمان بسیار محکم شده باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت شریفه را به تجوید بخوان تا شنوندگان تکرار و حفظ کنند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه را پوشیدگی دارد توضیح ده که دانسته شود.

3- ایشان را از حقارت دنیا آگاه کن و بگو: که پیامبر ρ در بارهٔ زندگی دنیا چنین گفتند: که مثال ما و زندگی دنیا مانند مردیست که در سایهٔ درختی استراحت دارد و سپس آن را ترک می‌کند و می‌رود.

4- آن‌ها را از خطرهایی که به سبب ضعف ایمان پیدا می‌شود، آگاه کن و ایشان را برای تقویه ایمان به خواندن قرآنکریم، اندیشه در معانی آیات، حضور در مجالس علما و تعلیم‌گرفتن از آن‌ها توصیه کن.

5- آگاه‌شان گردان: که آخرت برای آن که پرهیزگاری و تقوا پیشه کند، بهتر و خوبتر است. اما برای آن که گناه کرده و فجور ورزیده، سبب شر و بدبختی و بی‌خبری است و برای مردم فاسق و فاجر بدتر و زیانمندتر، پس آنان را به پرهیزگاری تشویق کن و تقوی و پرهیزگاری عبارت از فرمانبرداری از امر و نهی خداوند می‌باشد.

درس 14: حدیث چقدر گنج‌ها و فتنه‌ها نازل شده است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: سُبْحَانَ اللَّهِ مَاذَا أُنْزِلَ اللَّهِ مِنَ الْخَزَائِنِ، وَمَاذَا أُنْزِلَ مِنَ الْفِتَنِ، مَنْ يُوقِظُ صَوَاحِبَ الْحُجَرِ يُرِيدُ بِهِ أَزْوَاجَهُ لِكَى يُصَلِّينَ، رُبَّ كَاسِيَةٍ فِى الدُّنْيَا، عَارِيَةٍ فِى الآخِرَةِ.	فرمودۀ رسول الله ρ: پاکیست خدای را چقدر خداوند از گنج‌ها فرو فرستاده و چقدر فتنه‌ها نازل گردانیده است، کیست تا صاحب‌های خانه‌ها را بیدار کند یعنی ازواج مطهرات را تا نماز گدارند بسیار زنانی هستند که در دنیا پوشیده اند و در آخرت برهنه.

(فی الصحیح)

شرح: می‌فرماید: فرموده ρ: «**سبحان الله**»: یعنی پاکی است خدای را از آنچه به بزرگی و کمال او تعالی سزاوار نباشد، ام سلمه ل می‌گوید: شبی پیامبر خدا ρ هراسناک از خواب بیدار شده و می‌گفت: «**سُبْحَانَ اللَّهِ مَاذَا أُنْزِلَ اللَّهِ مِنَ الْخَزَائِنِ**»: پاکی خدا را چقدر نازل کرد از خزائن و گنج‌های مال و کالای دنیا «**وَمَاذَا أُنْزِلَ مِنَ الْفِتَنِ**» و چقدر نازل کرد از فتنه‌ها مانند وقوع اختلاف و جنگ‌ها و تقاضا و طلب مال و کوشش و تلاش مردمان به دنبال امور زندگی دنیا و احتمال دارد که مراد از نازل‌شدن نزول آن از لوح محفوظ به آسمان دنیا باشد، چنانکه قرآنکریم نازل شد و چنانکه در شب قدر هر امر و تقدیری که حکم به وقوع آن در همان سال شده باشد به آسمان نازل می‌شود و گفته‌اش ρ: «**مَنْ يُوقِظُ صَوَاحِبَ الْحُجَرِ**» یعنی کدام کسی باشد که ازواج طاهرات همسران پیامبرρ و مادران مسلمانان را از خواب بیدار کند تا نماز بخوانند، زیرا هرگاه کاری پیامبرρ را اندوهناک می‌کرد به نماز پناه می‌برد و فرموده‌اش: «**رُبَّ كَاسِيَةٍ فِى الدُّنْيَا، عَارِيَةٍ فِى الآخِرَةِ**»: کلمه رب در اینجا معنی زیادتی را می‌دهد یعنی بسیار زنانی در دنیا پوشیده اند و ثروت دارند خوشبخت بشمار می‌آیند، ولی

همان‌ها در آخرت برهنه و بدبخت هستند، پس ای مردان مؤمن و زنان مؤمنه! امروز برای طلب آخرت بکوشید و زحمت بکشید چون خوشبختی، خوشبختی آخرت است و بدبختی بدختی آخرت، زیرا آخرت پایدار و دنیا ناپایدار و فانی است طلب و خواستن چیزی که پایدار است بالندگی و هدایت است و خواستن چیزی که فانی و ناپایدار است بدبختی و گمراهی حساب می‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به خوبی قرائت کن تا شنونده‌ها آن را حفظ نمایند.

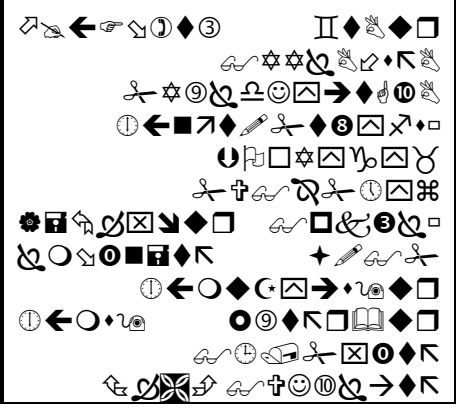
2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه محتاج توضیح باشد توضیح نما.

3- برای‌شان بگو: آنچه را که پیامبر ρ در این حدیث از آن‌ها خبر داده موافق فرموده‌اش واقع شد، چنانکه خزائن و گنج‌ها گشوده شد و مال و دارایی در میان مسلمانان زیاد شد و از فتنه‌ها چیزهایی برایشان رسید که توان و تحمل آن را نداشتند، کسی را که خداوند نجات داد نجات یافت و کسی را که فرو گذاشت هلاک کرد.

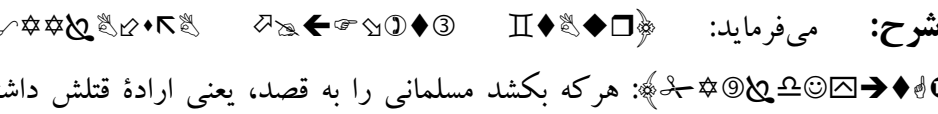
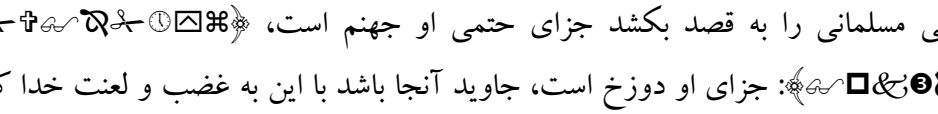
4- به آن‌ها بفهمان: که نماز بهترین پناهگاهی است که مسلمان به آن پناه می‌برد.

5- برای‌شان یادآور شو: که بهره‌مندی از متاع دنیا اندک است و جهان آخرت از آن بهتر و پایدارتر است چه بسا پوشیدهٔ در دنیا که در آخرت برهنه است و بسا عزیزی در دنیا که در آن سرای جاوید خوار است و بسا خوشبختی در این دنیا که بدبخت است در آخرت.

درس 15: آیهٔ عذاب قتل عمد مسلمان

قوله جل جلا له:	گفته خداوند بزرگ:
	(93) هرکه بکشد مسلمانی را به عمد پس جزای او دوزخ است جاوید آنجا باشد و خشم گرفته است خدا بر او و لعنت کرد او را و آماده ساخت برای او عذابی بزرگ

[نساء: 93]

شرح: می‌فرماید: ﴿  ﴾: هرکه بکشد مسلمانی را به قصد، یعنی ارادهٔ قتلش داشته باشد و در حالی که درین قتل بر او ستمکار باشد بعد از این که خداوند ارشاد کرد که هیچگاه از شأن مسلمان حقیقی نیست که یک مسلمان را به عمد بکشد، مگر در صورت خطا باشد خطا که هدف انسان نباشد، به گمان این که حیوانی را شکار می‌کند ناگاه انسانی را مورد اصابت قرار دهد به هرحال اگر کسی انسانی را به خطا به قتل رساند باید دیه و خونبهایش را به ورثهٔ او بدهد و کفاره هم ادا کند، کفاره: آزادساختن بردهٔ باشد و اگر نیابد دو ماه پی در پی روزه بدارد و از گناه خود توبه کند و اظهار پشیمانی کند تا خداوند گناهش را ببخشد که خداوند دانا و حکیم است. سپس خداوند در این آیت خبر می‌دهد که اگر کسی مسلمانی را به قصد بکشد جزای حتمی او جهنم است، ﴿  ﴾: جزای او دوزخ است، جاوید آنجا باشد با این به غضب و لعنت خدا که دوری از رحمتش باشد گرفتار آید. عذاب عظیم عذاب بزرگی است که کسی اندازه‌ش را

نمی‌داند و در هیچ حالی چگونگی او برای کسی معلوم نیست. لذا خداوند خبر می‌دهد: که از شأن یک مسلمان نیست که مسلمانی را بکشد، مگر در حالت خطاب به همین خبر، بزگترین وعده عذاب را برای قاتل عمدی مسلمان در بر دارد. و اشاره به این می‌کند که کشندۀ یک مسلمان در حین قتل، مؤمن به حساب نمی‌رود، لذا جزایش مانند جزای شخص کافر و ظالم که خلود در آتش است تعیین گردیده. از قتل و ظلم بر مسلمان به خداوند پناه می‌بریم یا این که بگوئیم: آنچه خداوند در این آیت کریمه ذکر کرده است، پاداش و این جزای عادلانه ایست برای آن که مسلمانی را قصداً بکشد، لکن اگر خداوند بخواهد آن جزا را عملی می‌کند و اگر بخواهد به فضل و رحمت خود بخشیده و عفو می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را خوب و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را جمله به جمله به آرامی بخوان و نکات پوشیده را توضیح ده تا دانسته شود.

3- به ایشان بگو: که گناهی بزرگتر بعد از کفر و شرک از کشتن یک مسلمان به ظلم نیست.

4- برای آن‌ها بفهمان: که دروازۀ توبه برای همگان باز است. کافر توبه می‌کند. قبول می‌شود. قاتل عمد توبه می‌کند قبول می‌شود. کسانی که گناه‌شان کمتر است امید قبول توبۀ شان زیادتر می‌رود. پس وای بر کسانی که به گناه ادامه می‌دهند و توبه نمی‌کنند، اگرچه گناهان صغیره باشد.

درس 16: حدیث کس که بر روی مسلمان سلاح بکشد...

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السِّلاَحَ فَلَيْسَ مِنَّا. وقوله: لاَ يُشِيرُ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ بِالسِّلاَحِ، فَإِنَّهُ لاَ يَدْرِى لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِغُ فِى يَدِهِ، فَيَقَعُ فِى حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ. «رواه البخاري» **وَقَوله: لاَ تَرْجِعُوا بَعْدِى كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ.**	پیامبر خدا ρ می‌فرماید: کسی که بر ما سلاح بردارد، از ما نیست، و می‌فرماید: کسی از شما به سوی برادر مسلمان خود به سلاح اشاره نکند، زیرا او نمی‌داند شیطان در دستش حرکتی ایجاد کرد. پس در گودالی از آتش دوزخ بیفتد، نیز می‌فرماید: پس از من کفار بازنگردید که گروهی از شما گروهی را گردن بزنند.

(رواه ابن ماجه)

شرح: «**مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السِّلاَحَ فَلَيْسَ مِنَّا**»: یعنی کسی که علیه ما سلاح بردارد، و قصد جنگ و کشتن ما را داشته باشد، از ما نیست. زیرا هرکه از ملت ما باشد با ما نمی‌جنگد و ما را نمی‌کشد، این حقیقتی است که امروز باید مسلمانان به آن آگاهی داشته باشند. می‌فرماید: «**لاَ يُشِيرُ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ بِالسِّلاَحِ**»: یکی از شما به سوی برادر مسلمان خود به سلاح اشاره نکند. هرگونه سلاحی باشد. شمشیر، نیزه، تفنگ مسلسل، نارنجک و یا سلاحی دیگر فرق نمی‌کند که این اشاره به شوخی و مزاح صورت گرفته باشد یا به قصد، زیرا حواله‌کردن سلاح به طرف یک مسلمان باعث خوف و ترسانیدن او می‌شود و ترسانیدن و به خوف‌انداختن مسلمانان حرام است.

می‌فرماید: «**فَإِنَّهُ لاَ يَدْرِى لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِغُ فِى يَدِهِ، فَيَقَعُ فِى حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ**»: زیرا او نمی‌داند شاید شیطان در دستش حرکتی ایجاد کرد که به آن سلاح، برادر مسلمان خود را به قتل رساند و در نتیجه به آتش دوزخ بیفتد. این حدیث دلیلیست بر بستن و سدکردن راه‌های فساد، زیرا آنچه که وسیله برای کار حرام قرار بگیرد حرام است و باید که ممنوع باشد.

می‌فرماید: «**لاَ تَرْجِعُوا بَعْدِی کُفَّارًا یَضْرِبُ بَعْضُکُمْ رِقَابَ بَعْضٍ**»: پس از من کفار بازنگردید که گروهی از شما گروهی را گردن بزنند. این سخن را حضرت رسول خدا ρ ضمن خطبهٔ بزرگ و با ارزشی در منی بروز عید یا در عرفات هنگام ادای مناسک حج بیان فرمودند: که در آن رسول خدا ρ پیروانش را به ردت از دین و رجوع از اسلام نهی کرده و سببش را تشریح کردند که آن، جنگ گروهی از مسلمین همراه دیگرشان است، زیرا حلال‌دانستن و ریختن خون مسلمان کفر است و در این مسئله هیچ شکی نیست، مگر که آن مسلمان کسی باشد که بر امام مسلمین خروج و یاغی شده باشد که در آنصورت حلال‌دانستن قتل، کفر نیست یا این که قاتل در قتل تأویل نزدیکی داشته باشد، ولی باز همه این‌ها برداشتن سلاح بر مسلمانان و کشتن آن‌ها کار بزرگی است و باید چنین کاری صورت نگیرد. مگر این که به جهت خداوند و در پرتو نور فراست و دانشی که خداوند عنایت کرده باشد. طوری که از طرف صحابه ψ در جنگ جمل و صفین واقع شد. بازگشتی از گناه و قدرتی بر طاعت نیست، مگر به توفیق خداوند بلندمرتبه و بزرگوار.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث‌ها را بخوان و تکرار کن: تا شنوندگان آن‌ها را حفظ نمایند.

2- شرح را جمله به جمله به آرامی بخوان تا شنوندگان آن‌ها را حفظ نمایند.

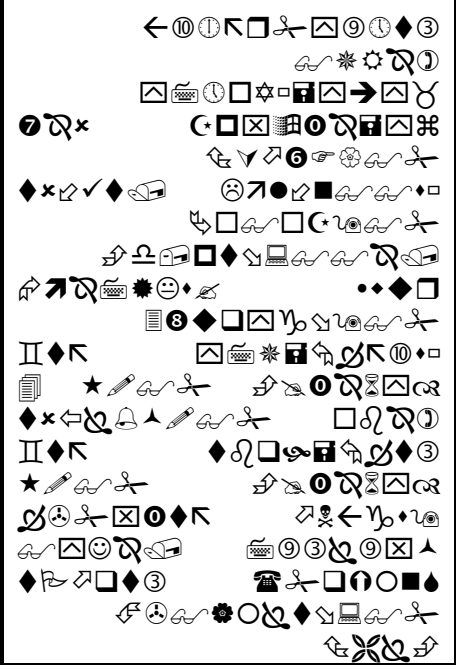
3- آن‌ها را از اخوت اسلامی و حرمت مسلمان و وجیبهٔ بزرگداشت و احترام او آگاه کن.

4- به ایشان بگو: که ترسانیدن و به وحشت‌انداختن مسلمان گرچه از راه شوخی و مزاح باشد از گناهان کبیره به حساب می‌رود.

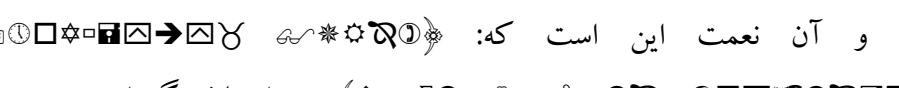
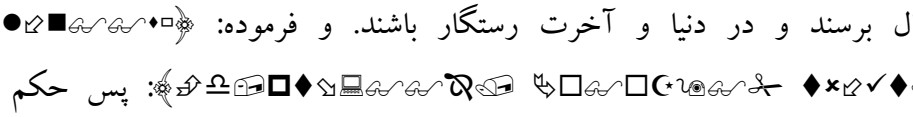
5- به آن‌ها بفهمان: که سدکردن راه فساد چیزیست که اجتهاد هیچ مجتهدی, آن را از میان برده نمی‌تواند و این در باز است، زیرا هرکاری که به سوی شر بکشاند شر و هر

کار که به سوی خیر بکشاند خیر گفته می‌شود. زیرا هرچه سبب کار شری شود شـر و هرچه سبب کار خیری شود خیر گفته می‌شود.

درس 17: آیهٔ خلیفه‌شدن داود بر روی زمین

قوله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(26) و گفتیم: ای داود! همانا گردانیدیم تو را خلیفه در زمین، پس حکم کن میان مردم به راستی و پیروی مکن خواهش نفس را که گمراه کند تو را از راه خدا، همانا آنان که گمراه می‌شوند از راه خدا ایشان راست عذاب سخت به سبب آن که فراموش کردند روز حساب را.

[ص: 26]

شرح: و فرموده خداوند تعالی: ﴿  ﴾: خداوند بندهٔ صالح و پیامبر بزرگوار خود، داود ʊ را خطاب می‌کند تا وی را به نعمتی که برایش عنایت فرموده آگاه کند و آن نعمت این است که: ﴿  ﴾ تو را خلیفه گردانیدم در زمین تا میان مردم حکم کنی و تدبیر کار مملکت را پیش ببری که رعیت در آداب و معارف خود به کمال برسند و در دنیا و آخرت رستگار باشند. و فرموده: ﴿  ﴾: پس حکم کن میان مردم به راستی، یعنی چون تو را از خلافت پیامبران و رسولان پیشین عنایت کردیم،

هرگاه که در میان دو خصم حکم می‌دهی، پس به حق فرمان بده همان حقی که ضد باطل است و مراد عدالتی است که ضد جور و ظلم باشد. و فرموده‌اش: ﴿❒◆••✍•☺✹⌨ℵ↗➚✃☞✃♑◻◆❽▤﴾: و پیروی مکن خواهش نفس را، یعنی در حکمرانی و دیگر کارهای خود پیرو حق باش و آنچه را نفس تو خواهد به آن گرایش مکن، زیرا نفس، خالی از آن نیست که میل به چیزی می‌کند که به آن رغبت و محبت دارد. می‌فرماید: ﴿•⑩⇱ℵ⍌⌨◻ ⇱◆♊ ⌧◻⌛ℵ❶✍✐ ✃☞✐★﴾: یعنی اگر برایت متابعت هوای نفس پیدا شد تو را از راه خدا گمراه می‌کند و این گمراهی چیزیست که نه خداوند به آن رضایت دارد و نه تو برای نفس خود بدان راضی هستی و راه خدا عبارت از کاریست که خدا آن را دوست دارد و به آن فرمان می‌دهد، و دیگران را به سویش دعوت می‌کند و رغبت می‌دهد و آن شامل پندار و گفتار و کردار شایسته است و از آن سبب راه خدا نامیده شده که انسان را به خشنودی و رضوان خداوند در دنیا و آخرت می‌رساند و جوار باری تعالی را در جنت بعد از مرگ نصیب او می‌گرداند. می‌فرماید: ﴿◑ℵ♌◻ ✃☞✐⍓⇦×◆ ③◆⍌⌧◻♌◆ ⇱◆♊ ⌧◻⌛ℵ❶✍✐ ✃☞✐★ ♑←☠⇗⇱◆❶⌧✃⚇⍌ ⍓⑨⌧⑨⍓③⑨⌨﴾: هرآئینه آنانی که گمراه می‌شوند از راه خدا ایشان را عذاب سخت است به سبب این که بعد از شناخت‌شان باز از آرزوها و هوای نفسانی خود پیروی کردند. بیشک پاره ازین عذاب برایشان در دنیا و پارهٔ در آخرت که برای پاداش است می‌رسد، خیر به خیر و شر به شر، می‌فرماید: ﴿✉ℵ☺⌧☞ ♦■○⍝❒✃☎ ③◆❒⇗⚐◆ ✃☞⌨⍓◆⍓○✿☞⚇⇜ ✐⍓⌘⇜﴾: به سبب آن که فراموش کردند روز حساب را. یعنی پیروی هواهای نفس خود را کردند و به سبب فراموشی روز قیامت به گمراهی افتادند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت شریفه را واضح بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را به صورت واضح جمله به جمله بخوان و توضیح ده تا شنوندگان بفهمند.

3-به ایشان بفهمان: که خلفاء حکمرانان مسلمان هستند که یکی به جای دیگری می‌نشیند تا به پیامبر خدا می‌رسد.

4-به آن‌ها بگو: که بر خلیفه واجب است که به عدالت فرمانروائی کند، اگر چنین نکند گمراه می‌شود. خود و دیگران را به هلاکت می‌رساند.

5-به ایشان بفهمان: که عدالت در سخن‌گفتن و حکم‌کردن بر هر مرد و زن مسلمان واجب است و انحراف از حق و عدالت به سبب پیروی هوای نفس گمراهی از راه خداوند است و هرکه راه خدا را گم کند به علت از یادبردن راه خدا برایش در روز حساب عذاب سختی خواهد بود، زیرا اگر روز حساب را فراموش نمی‌کرد تابع نفس خود نمی‌گشت.

درس 18: حدیث سپردن زمام امور به زن

قوله صلى الله عليه وسلم: مَا أَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَّوْا أَمْرَهُمُ امْرَأَةٌ. «رواه البخاري» **وقوله: لاَ يَقْضِيَنَّ حَكَمٌ بَيْنَ اثْنَيْنِ وَهْوَ غَضْبَانُ. «رواه البخاري»** **وقوله: مَا مِنْ وَالٍ يَلِي رَعِيَّةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَيَمُوتُ وَهْوَ غَاشٌّ لَهُمْ، إِلاَّ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ.**	پیغمبر خدا می‌فرماید: رستگار نشدند مردمی که زمام کارشان را به زنی سپردند. و نیز می‌فرماید: هیچگاه یک حاکم در حالت خشم در میان دو کس حکم نراند. و نیز می‌فرماید: هیچ حاکمی نیست که ولایت مسلمانان را به دست گیرد و بمیرد که به ایشان خیانت کرده مگر که خدا جنت را بر او حرام کند.

(رواه البخاری)

شرح: «**مَا أَفْلَحَ قَوْمٌ**»: یعنی مردمی از امور خوفناک و هلاک‌کننده نجات نیافتند و به آرزوها و آرمان‌های خود در دین و دنیا کامیاب نشدند. می‌فرماید: «**وَلَّوْا أَمْرَهُمُ امْرَأَةٌ**» که زمام کارشان را به زنی سپردند، این عدم کامیابی در امور دین و دنیا به علت نقصانی است که در عقل زن‌ها و ضعفی است که در ارادهٔ آن‌ها وجود دارد. و این نقصان هم زائیدهٔ از ضعف خلقت ذاتی آنان می‌باشد و از چیزهائی که بر این حقیقت دلالت می‌کند، این است که هیچگاه خداوند زنی را برای برداشت بار رسالت به سوی مردم مبعوث نکرده و به مرتبهٔ دوم هیچیک از پیامبران برای زن امارت را نسپرده اند، و در مرتبه سوم می‌بینیم: که خلفای راشدین درین امت به زنان ولایت امری نسپرده اند. این کار از طرفی به ضعف جسمی و خلقت آنان تعلق می‌گیرد و از جهت دیگر تقاضا دارد که امیر با مردان برخورد و خلوت داشته باشد و این برای زنان حرام است، زیرا سبب بروز فحشاء که باعث بربادی و نابودی جامعه است می‌گردد. «**لاَ يَقْضِيَنَّ حَكَمٌ بَيْنَ اثْنَيْنِ وَهْوَ غَضْبَانُ**» هیچگاه یک حاکم در حالت خشم در میان دو کس حکم نراند، حکم کسی است که در قضیهٔ که در آن اختلاف باشد

حکم براند. و در آن حال نباید خشمناک باشد چون غضب نور معرفت را می‌پوشاند، پس حکمی به خطا صادر می‌کند که به سبب آن مرد یا زن مسلمان زیانمند می‌گردد و ضررساندن بر مسلمان حرام است. در حدیث صحیح آمده که «**لا ضرر ولا ضرار في الإسلام**» در اسلام زیان‌کشیدن و زیان‌مندساختن کسی جائز نیست. فرموده‌اش: «**مَا مِنْ وَالٍ يَلِي رَعِيَّةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَيَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لَهُمْ، إِلاَّ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ**»: هیچ حاکمی نیست که ولایت مسلمانان را به دست گیرد، بمیرد که به ایشان خیانت کرده باشد. مگر خداوند جنت را بر وی حرام کند. این حدیث صحیح بازدارندهٔ کاملیست که به قوت و شدت، کسی را که نفس او خیانت در امور مسلمانانی که ولایت‌شان را به دست داشته برایش جلوه داده باشد به سوی توبه فرا می‌خواند، پیش ازینکه دچار مرگ شود و اجل این فرصت را از دستش بگیرد، زیرا جزا و عقوبتش حرمان از دخول بهشت می‌باشد و در قیامت با کافران حشر می‌شود گویا که نه نمازی خوانده و نه روزهٔ گرفته است. بلکه مانند این است که به اسلام هم مشرف نشده است. پس کسی که زمام امور مسلمانان را به دست می‌گیرد. باید از خدا بترسد که به ایشان خیرخواهی داشته باشد و از خیانت به جامعه مسلمانان خود را نگهدارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث‌ها را یک به یک بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

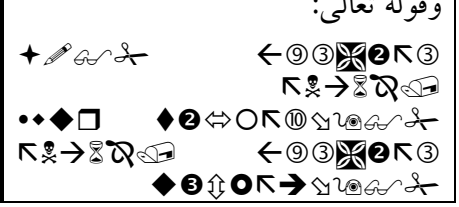
2- شرح را جمله به جمله بخوان و توضیح ده تا شنوندگان مطالب را درک کنند.

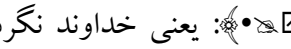
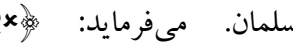
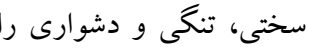
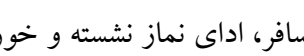
3- ایشان را از سپردن اداره روستا یا شهرستان یا منصب حکمرانی و مسند برای زنان برحذر دار، زیرا این کار مخالف هدایت اسلام است و عواقب و خیمی را در بر دارد.

4- به آن‌ها بفهمان: که برای قاضی واجب است که دارای صفات علم، حلم، حکمت و بردباری و رشد باشد تا از هدرشدن خون، مال و آبروی مسلمین جلوگیری شود. و همچنین برای قاضی جواز ندارد که در حالت خشم حکمی صادر کند و در میان دو

نفر فیصلهٔ اجرا کند، پس چگونه جواز خواهد داشت که شخص جاهل و یا نادانی به حیث قاضی انتخاب شود.

درس 19: آیهٔ خداوند آسانی را به شما می‌خواهد نه سختی

قول الله جل جلا له:  [الحج: 78] وقوله تعالى:  [البقره: 185]	گفته خداوند بزرگ: (78) و نگردانید بر شما در دین هیچ تنگی. (سورهٔ حج: آیهٔ 78 گفتهٔ خداوند متعال: (185) می‌خواهد به شما آسانی را و نمی‌خواهد به شما دشواری را.

شرح: فرمودهٔ خدای تعالی: ﴿  ﴾: یعنی خداوند نگردانید. ﴿  ﴾: بر شما ای امت مسلمان. می‌فرماید: ﴿  ﴾: هیچ سختی، تنگی و دشواری را در دین بر شما تحمیل نکرد. از چیزهائی که رفع حرج را در دین مقدس اسلام نشان می‌دهد، عبارتند از: کوتاه‌خواندن نماز، و جواز خوردن روزه برای مسافر، ادای نماز نشسته و خوردن روزه برای بیمار، استعمال خاک به جای آب به غرض تیمم برای کسانی که دسترسی به آب ندارند، یا خوف دارند که مریض شوند و یا مرض‌شان به استعمال آب زیاد شود و یا شفای آن‌ها به تأخیر بیفتد، ترک جهاد برای مریض، کور، لنگ و کسانی که خرج، مرکب و یا امکانات ندارند، جواز به زبان‌آوردن کلمات کفر در حالت اکراه و جبر و دیگر کارهائی که از یک مسلمان حرج را دور می‌کند و او را از افتادن در تنگنا نگاه می‌دارد. می‌فرماید: ﴿  ﴾

﴿◆❸⇳❍↖➔⍰⍥⍢✂↖☠→⌛⃠⍁ ←⑨③❷↖③﴾: و می‌خواهد به شما آسانی را و نمی‌خواهد به شما دشواری را. یعنی ای مسلمانان! پروردگار شما در کارهای دینی و دنیائی ارادهٔ آسانی را برای شما دارد و نمی‌خواهد که گرفتار عسر و سختی شوید و این به سبب لطف و رحمتی است که بر شما دارد، پس پروردگار شما سزاوار ستایش است، او را می‌ستائیم و بر لطف و رحمت و احسان او شکر می‌گوئیم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه پوشیده است توضیح ده تا شنوندگان بفهمند.

3- ایشان را از فضل و احسانی که خداوند حرج را در دین، برداشته. آگاه کن: که باید شکر آن را ادا کنیم. یعنی طاعت خداوند را بجا آوریم و از گناهان پرهیز کنیم.

4- به ایشان بفهمان: که هر کاری که در آن سختی، تنگی، و دشواری زیاد باشد، آن کار از دین به حساب نمی‌رود مانند بدعت و اعتقادات باطله.

درس 20: حدیث آسان بگیرید و سخت نگیرید

قوله صلى الله عليه وسلم: يَسِّرُوا وَلاَ تُعَسِّرُوا، وَبَشِّرُوا وَلاَ تُنَفِّرُوا. «متفق عليه» وقوله: إِنَّ الرِّفْقَ لاَ يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلاَّ زَانَهُ وَلاَ يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلاَّ شَانَهُ.	پیامبر اکرم ρ می‌فرماید: آسان بگیرید و سخت نگیرید. مردم را بشارت دهید و به نفرت نیفکنید. و نیز می‌فرماید: هرآئینه نرمی در چیزی نباشد مگر که او را زینت دهد و از چیزی کشیده نشود مگر که او را عیب‌دار کند.

(مسلم)

شرح: فرمودۀ رسول الله ρ: «**يَسِّرُوا وَلاَ تُعَسِّرُوا**»: آسان بگیرید و سخت نگیرید این عبارت امریست که پیامبر ρ برای بعضی از اصحاب خود ارشاد فرموده اند. ولی مفهوم آن شامل همه مردان و زنان مسلمان را می‌شود. تیسیر: به معنی آسان‌گرفتن و تعسیر: به معنی سخت‌گرفتن است. پیامبر ρ سورۀ اعلی را دوست می‌داشتند و در نماز خفتن به دو رکعت پیش از وتر همیشه آن را می‌خواندند به رکعت اول فاتحه و سورۀ اعلی را تلاوت می‌کردند و به رکعت دوم فاتحه و سورۀ کافرون را و گاهی هم سورۀ اعلی را زیادتر از یک مرتبه در نماز می‌خواندند و این بدان سبب بود که این سورۀ مبارکه متضمن بشارتی برایشان بود و آن فرمودۀ خداوند است که ارشاد می‌کند. ﴿❒◆☼🡐⑩◆♍🡑❸🡐☒🖰 ๛🔒▫❹↖❶⇳❸◆❽▤﴾ (الأعلى: 8). «وتوفیق دهیم تو را به راه آسان» از آن سبب بود که هیچگاه پیامبرρ میان دو کار مخیر نمی‌شدند، مگر که کار آسان‌تر را اختیار می‌کردند. و عایشه ل ازیشان چنین روایت کرده است که از اختیارکردن آسان که چون به سفر می‌رفتند نماز را کوتاه می‌خواندند و همچنین در سفر می‌خوردند و روزه نمی‌گرفتند، و چون بیمار می‌شدند عوض ایستاده نماز را نشسته ادا می‌فرمودند، فرموده‌اش: «**وَبَشِّرُوا وَلاَ تُنَفِّرُوا**»: مردم را بشارت دهید و به نفرت نیفکنید، این هم فرمان دیگریست که خطاب

بیارانست ولی در آن تمام امت داخل هستند. چون کارگرفتن از نرمی و آسانی بهتر از سختگیریست که مردم را متنفر سازد، چنانکه کردار پیامبر ρ برای ما نمونه است. آنگاه که مرد اعرابی به مسجد وارد شد و به علت نادانی، به گوشهٔ مشغول به بول‌کردن شد. صحابه متوجه گشته و بانگ برآوردند، آنحضرت ρ فرمودند: او را باز ندارید، بعداً بر آن دلوی از آب بپاشید که در برابر احسان پیامبرρ مرد اعرابی چنین گفت: خداوندا! بر من و محمد رحمت کن و به همراه ما بر کس دیگری رحمت مکن. آن حضرت ρ برایش فرمودند: ای برادر عرب رحمت واسع خداوند را که به همگان می‌رسد، تنگ نمودی. می‌فرماید: «**إِنَّ الرِّفْقَ لاَ يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلاَّ زَانَهُ وَلاَ يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلاَّ شَانَهُ**»: هرآئینه نرمی در چیزی نباشد، مگر که او را زینت دهد و از چیزی کشیده نشود مگر که او را عیب‌دار کند. این حدیث مبارک به آسان‌گیری تشویق می‌کند و از سخت‌گرفتن بازمی‌دارد. رفق به معنی نرمی و ضد عنف که به معنی جبر و اکراه است می‌باشد، خداوند نرمی را دوست می‌دارد و جبر را بد می‌داند و آنچه را خدا دوست بدارد خیر است و آنچه را بد بداند تماماً شر است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

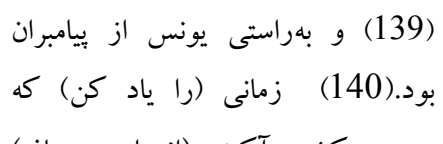
1- هردو حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را به درستی بخوان و آنچه پوشیدگی دارد برای شنوندگان توضیح ده.

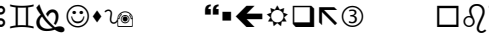
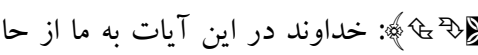
3- آن‌ها را در آسان‌گیری در هرچیز تا لباس، خانه، غذا و مرکب سواری توصیه کن و از سخت‌گیری در همهٔ این‌ها منع کن.

4- آن‌ها را ازین ارشاد پیامبرρ که می‌فرماید: کسی که برای قومی امام باشد باید نماز را سبک بخواند، زیرا در ایشان مردم مریض، ناتوان، و حاجتمند وجود دارد و می‌فرمایند: آیا شما مردم را نفرت‌دهنده هستید؟ آیا شما نفرت‌دهنده مردم هستید؟

درس 21: شکم ماهی و حضرت یونس υ

قوله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(139) و به‌راستی یونس از پیامبران بود.(140) زمانی (را یاد کن) که به‌سوی کشتی آکنده (از بار و مسافر) گریخت.(141) پس (با مسافران کشتی) قرعه انداخت و بازنده بود. (142) آن‌گاه ماهی، او را بلعید و او سزاوار نکوهش بود

[صافات: 139 – 142]

شرح:  می‌فرماید:  خداوند در این آیات به ما از حال بنده و پیامبرش یونس υ آگاهی می‌دهد و این یونس ابن متی است و متی مردی نیکوکار در بنی اسرائیل بود، و هنگامی فوت کرد یونس به شکم مادر قرار داشت و جایگاهش قریهٔ در موصل به نام نینوا بود، پس یونس بزرگ شد و خداوند او را به سوی قومش فرستاد، زیرا آن‌ها بتان می‌پرستیدند و بدین ترتیب یونس یکی از جملهٔ پیامبران الهی گشت. می‌فرماید:  یعنی فرار کرد به سوی کشتیی که از سرنشین پر بود و می‌فرماید:  پس قرعه انداخت با اهل کشتی و شد از مغلوبان، یعنی در قرعه‌کشی اهل کشتی مغلوب شد. می‌فرماید:

﴿وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ﴾ یعنی او را ماهی بخورد و او کاری انجام داده بود که سزاوار ملامت و مورد سرزنش بود به سبب گریختن او از قومش که چون قوم خود را دعوت کرد که اگر به وی ایمان نیاورند و خدای را به یگانگی پرستش نکرده و عبادت بتان را ترک نگویند به عذاب الهی گرفتار خواهند شد و چون عذاب که وعده کرده بود تأخیر گشت و عذاب الهی نازل نشد، شتاب کرد یعنی پیش از این که برایش خداوند اجازه داده باشد از قریه و سرزمین موصول به طرف عراق فرار کرد، پس به زمین سینا رسید و کشتی را به دریا دید به آن سوار شد، بار کشتی از ظرفیتش زیادتر بود در میان دریا متوقف شد که نه پیش می‌رفت و نه پس، ناخدا متوجه شد که ناچار است کشتی را سبک بگرداند و گرنه همه‌شان غرق خواهند شد. هرکس به نفس خود علاقمند و حاضر نمی‌شد که خود را به دریا بیندازد، پس قرعه انداختند و یونس υ مغلوب شد و قرعه به نام او آمد او را به دریا انداختند و ماهی او را فرو برد و در شکم ماهی خداوند را به عبادت: ﴿فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنبياء: 87). «نیست خدایی لایق پرستش مگر تو ای خدا و به پاکی یاد می‌کنم تو را، هستم من از ستمکاران». تسبیح می‌گفت: پس خداوند دعا و استغاثهٔ او را قبول فرمود و از آن غم و محنت نجاتش داد و به همین ترتیب مسلمانان را از غم و اندوه نجات می‌بخشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات را به شایستگی قرائت کن و تکرار نما تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم دارد توضیح ده تا شنوندگان بفهمند.

3- به ایشان بگو: که فروگذاری دعوت و تبلیغ به علت اعراض مردم کار شایستهٔ نیست، بلکه صبر و ثبات بر ادامه دعوت پسندیده است.

4- به ایشان بگو: که قرعه‌کشی مشروع است و اسلام هم آن را قبول دارد.

5-ایشان را از فضیلت ذکر ﴿وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ (الأنبياء: 87). «نیست خدایی لایق پرستش مگر تو ای خدا و به پاکی یاد می‌کنم تو را، هستم من از ستمکاران». که سبب نجات یونس ʊ از محنت در شکم ماهی شد آگاه کن.

6-ایشان را از قبول‌شدن توبهٔ قوم یونس آگاه کن که... از عذاب خداوند پیدا کردند. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَوۡلَا كَانَتۡ قَرۡيَةٌ ءَامَنَتۡ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ إِلَّا قَوۡمَ يُونُسَ لَمَّآ ءَامَنُواْ كَشَفۡنَا عَنۡهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ﴾ (یونس: 98). «پس چرا چنین نشد که مردم دیاری ایمان بیاورند و بدین‌ترتیب ایمانشان به آنان فایده برساند مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب رسواگر و ذلت‌بار زندگی دنیا را از آنان برداشتیم و آنان را تا مدتی بهره‌مند ساختیم؟».

توبهٔ هیچ قومی در هنگام فرارسیدن عذاب قبول نشد، مگر قوم یونس ʊ که ایمان آوردند چون یونس از دریا بیرون شد و از رنجوری شفا یافت باز به سوی قوم خود رفت، دید: که همهٔ شان چون عذاب الهی را مشاهده کردند، پیش ازین که عذاب بر اوشان نازل شود از خوف، ایمان آوردند و این ایمان برایشان مفید واقع شد که از عذاب خدا نجات یافتند.

درس 22: حدیث کسی نگوید که من از یونس بن متی بهترم

قوله صلی الله علیه وسلم: «لاَ يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ إِنِّى خَيْرٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى» وَمرةً أخرى قال عليه السلام: «مَا يَنْبَغِى لِعَبْدٍ أَنْ يَقُولَ إِنِّى خَيْرٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى»	پیامبر υ می‌فرماید: هرگز یکی از شما نگوید: که من از یونس بن متی بهتر هستم. و بار دیگر فرمود: برای هیچ بندهٔ مناسب نیست این که بگوید: من از یونس بن متی بهتر هستم.

(رواه البخاری)

شرح: فرمودهٔ رسول الله ρ: **«لاَ يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ إِنِّى خَيْرٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى»**: هرگز یکی از شما نگوید که من از یونس بن متی بهتر هستم. پیامبر ρ اصحاب خود را از فضیلت‌دادن‌شان بر یونس بن متی منع می‌کند و یونس υ را از این سبب از میان پیامبران نام می‌برد که چون او بر اذیت و آزار قوم و اصرار آن‌ها بر کفر صبر، نکرده و از نزدشان فرار و آن‌ها را ترک کرد. خداوند نیز او را به مصیبتی که در کتاب خود از آن قصه می‌کند، گرفتار گردانید و باز به سبب تسبیح مبارک که می‌گفت: ﴿لَّا إِلَٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنبياء: 87) «یعنی خدایا سزاوار عبادت و پرستش نیست مگر تو به پاکی یاد می‌کنم، همانا هستم از ستمکاران». از آن بلا نجات پیدا کرد، چون به سوی قوم خود بازگشت دید: که همه ایمان آورده اند و خداوند آن‌ها را تا آخر عمرشان به زندگانی دنیا بهره‌مند ساخت و به عذاب عمومی گرفتار نساخت، زیرا آنان به خداوند تسلیم شده و ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و نیز می‌فرماید: **«مَا يَنْبَغِى لِعَبْدٍ أَنْ يَقُولَ إِنِّى خَيْرٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى»**: برای هیچ بنده مناسب نیست این که بگوید: «من از یونس بن متی بهتر هستم». در اینجا هم آنحضرت ρ از فضیلت‌دادن‌شان بر یونس υ منع کرده است، گرچه مطلقاً بر پیامبران فضیلت دارد ولی این گفته به خاطر تواضع و خلق عظیم آن

حضرت ρ می‌باشد. و ازین سبب یونس υ را ذکر می‌کند که صحابه از عدم صبر یونس بر اذیت قوم خود و فرار از نزدشان آگاه بودند و امکان داشت که می‌گفتند: پیامبر ما نسبت به یونس υ دارای صبر و تحمل بیشتریست. در حالی که این سخن با ادبی که شایسته است که در مقابل خدا و پیامبرانش مراعات شود منافات دارد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح را قرائت کن و آنچه را توضیح می‌خواهد تفسیر کن.

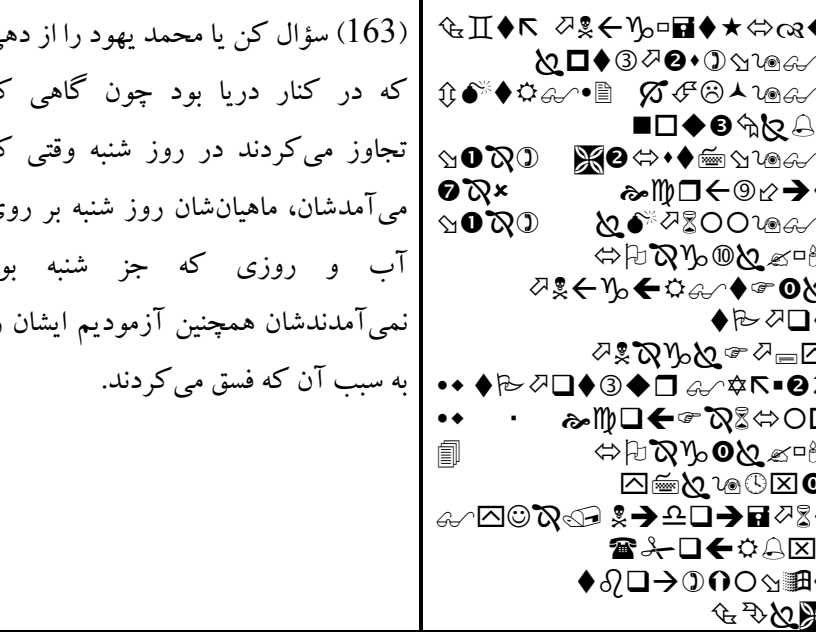
3- ایشان را از حسن ادب محمد ρ آگاه کن: که برای هیچکس اجازه نمی‌دهد که او را بر یونس υ فضیلت دهد.

4- به ایشان بفهمان: که فضیلت‌دادن بعضی از علماء بر بعضی دیگر، ترک ادب و سبب سلب اعتماد مردم از علما و بی‌اعتمادی به ارشاد و تبلیغ آن‌هاست.

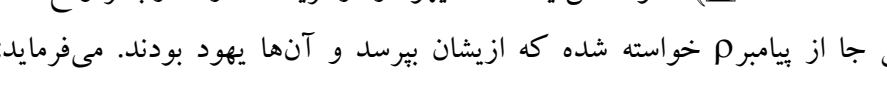
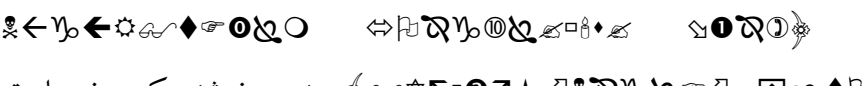
5- آن‌ها را از اهمیت دعای یونس υ باخبر کن: که برای گشایش و رفع مشکلات بسیار مجرب است.

6- آنان را از وجیبهٔ نگاهداشتن ادب در مقابل خداوند، پیامبران، و بندگان نیکوکار او تعالی آگاه کن: که خداوند را طوری یاد نکنند که با جلال و کمال او خللی وارد شود. و نیز در بارهٔ پیامبران چیزی نگویند که از مرتبه و کمال‌شان بکاهد و همچنین در بارهٔ علما و مبلغین اسائهٔ ادب نکنند، زیرا در چنین رویه‌های شر و فساد نهفته است.

درس 23: آیهٔ حیله‌گران روز شنبه که مسخ شدند

قول الله عزوجل:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(163) سؤال کن یا محمد یهود را از دهی که در کنار دریا بود چون گاهی که تجاوز می‌کردند در روز شنبه وقتی که می‌آمدشان، ماهیان‌شان روز شنبه بر روی آب و روزی که جز شنبه بود نمی‌آمدندشان همچنین آزمودیم ایشان را به سبب آن که فسق می‌کردند.

[الاعراف: 163]

شرح: فرموده خدای تعالی: ﴿  ﴾: سؤال کن یا محمد، یهود را از قریهٔ که در کنار بحر واقع شده بود. درین جا از پیامبرρ خواسته شده که ازیشان بپرسد و آن‌ها یهود بودند. می‌فرماید: ﴿  ﴾ یعنی از حد تجاوز می‌کردند. چون خداوند شکار و صید ماهی را بروز شنبه حرام کرده بود آن‌ها چنگ به حیله زدند که دام را بروز شنبه بدر یا فرو می‌گذاشتند و بروز یکشنبه پر از ماهی از دریا می‌گرفتند. می‌فرماید: ﴿  ﴾ یعنی روز شنبه که روز عبادت و

ترک کارشان بود ماهیان می‌آمدند و بر روی آب آشکار می‌شدند و خود را در نظرشان جلوه می‌داند. می‌فرماید: ﴿ •• ◆❒③♦❒⇗⌲•• ④□○⇔⍰❒➔☞♍♒ · ••
✍♦▫🕯✍♏❶♍⇔⚐♍﴾ یعنی به دیگر روزها که روز ترک عبادت و عمل دنیائی بود، آشکارا و به آن کثرت بر روی آب دیده نمی‌شدند. و این به علت ابتلاء و امتحان الهی بود، چون خداوند می‌فرماید: ﴿🖹•❶☒🕓❧♏🖮▱♦⍰⇗🖬➔❒➔♎☠ ✍♏☺♍✍
✍☒🕭☼➔❒☎ ③♦▦◑❍○↘▦♦③ ♦♌❒→◑❍○↘▦♦③ ✍♏♍🗹✍♦♌❒→﴾: و همچنین آزمودیم ایشان را به علت آن که فسق می‌کردند. یعنی فسق و تجاوز کاری شان سبب این آزمون و امتحان بود، زیرا هیچ مصیبتی نمی‌رسد، مگر به علت گناهی که مرتکب شدند. چون این تجاوز و فسق در میان‌شان پدید آمد. به سه گروه تقسیم شدند. گروهی ازین کار انکار کردند و به مردم تبلیغ کردند که شکار شما بروز شنبه حرام است، زیرا گذاشتن دام به دریا بروز شنبه تا از ماهی پر شود به حقیقت صید به شمار می‌آید. گروهی از اظهار سخنی به علت نومیدی شان از بازگشت قوم به سوی حق و توبه از گناه خاموش ماندند. گروهی نیز به این حیله به صید ماهی دوام دادند، پس خداوند خبر داد که فرقهٔ را که منکر حیله و صید ماهی بودند نجات داده است و کسانی که به حیله‌بازی ماهیان را صید می‌کردند، هلاک کرده و از فرقهٔ سوم که سکوت بودند، چیزی اظهار نکرده است، زیرا قرآنکریم می فرماید:
﴿📖❒✝♍⑩◘❒❒♒♏✂ ✍◆☪↘⑩◘♍✝❒📖 ♦✖⇦♍🕭♗✎✍✂ ③♦❁⇗❒◘♒♏
✍♦☼⇖❶♦❁❒📖◆❒ ♍↗☑❒❹○↝✍✂ ♎♊♦⇖
◎☮✂☒❶🖂➔♍✍ ☎✂❒←☺■🖬♦← ♒▫⇦♍🕭♗✎✍✂
♒♏❒→◑❍○↘▦♦③ ☎✂❒←☼🕭☒✍ ✍🖂☺♍✍ ⊙▪⑩♍★♦✍
✍♍♍﴾(الأعراف: 165). «پس ما کسانی که از کار زشت قوم خود منع می‌کردند. نجات دادیم و کسانی را که ستمکار بودند به عذاب سختی گرفتار کردیم و این به سبب تجاوزی بود که می‌کردند».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به تجوید بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را به خوبی بخوان و آنچه را لازم است توضیح ده تا دانسته شود.

3-ایشان را از حیله‌بازی در شریعت و حلال‌شمردن حرام به طور حیله بترسان، زیرا این فرقه از بنی اسرائیل را خداوند به سبب همین عمل هلاک گردانید.

4-به ایشان بفهمان که فسق و تجاوز عبارت از نافرمانی خدا و پیامبر است که واجبی را ترک کنند یا حرامی را مرتکب شوند و چنین کرداری سبب بلاهائی می‌شود که جامعه را به سوی هلاکت و ویرانی سوق می‌دهد.

5-به آن‌ها تذکر ده: که امر به معروف و نهی از منکر تنها وسیلهٔ نجات از عذاب خداوند است، زیرا خداوند ازین قوم بنی اسرائیل عدهٔ را نجات می‌بخشد که به نهی از منکر قیام کردند.

6-به ایشان تذکر ده: که سکوت از نهی منکر به دلیل این که مردم قبول نمی‌کنند، کار شایستهٔ نیست و انسان را از عذاب خداوند نجات نمی‌دهد.

درس 24: حدیث گناهان یهود را تکرار نکنید

قوله صلى الله عليه وآله وسلم: لاَ تَرْتكبوا مَا ارتكب اليَهُودَ فَتَسْتحلوا محارم الله بأدني الحيل.	گفتهٔ پیامبر ρ: پیامبر υ می‌فرماید: مرتکب گناهانی نشوید، چنانکه یهود مرتکب شدند که محارم خداوند را به کوچکترین حیلهٔ بر خود حلال کردند.

(ذکره ابن کثیر وصححه)

شرح: می‌فرماید: «**لاَ تَرْتكبوا مَا ارتكب اليَهُودَ**»: مرتکب گناهانی نشوید که یهود مرتکب شدند. پیامبر υ امتش را منع کرده و اصحاب خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و به ایشان می‌گوید: مرتکب گناهان و نافرمانی‌هائی که یهود شدند، نشوید. چون آن‌ها شکار ماهیان را بروز شنبه بر خود حلال دانستند، حق را بپوشیدند و کتاب خداوند تورات را تحریف و عبارت و نصوص آن را تغییر دادند و در عقب حرص و آرزوهای نفسانی خود رفتند پیامبران را کشتند، علما و دانشمندان که ایشان را از گناه و فسق بازمی‌داشتند، به قتل رسانیدند و پیامبر ρ به این حقایق به واسطهٔ وحی الهی اطلاع پیدا کرد و از عواقب زشت آن‌ها آگاه شد.

پس امتانش را نهی کرد ازین که مانند آنان رفتار کنند و به بلائی گرفتار شوند که یهودیان گرفتار شدند. می‌فرماید: «**فَتَسْتحلوا محارم الله بأدني الحيل**» که محارم خدا را به کوچکترین حیلهٔ بر خود حلال کردند. متأسفانه امت اسلام این ارشاد گرانقدر پیامبر خود را فراموش کرده و قدر آن را ندانستند، به رفتار یهودیان رفتار کردند تا گرفتار شدند به آنچه یهودیان گرفتار بودند. دیدیم که بر سرزمین مسلمین, نصرانی‌ها غلبه کردند، ایشان را مستعمره ساختند و قوانین کفر خود را برایشان جاری کرده و آن‌ها را گرفتار ذلت و خواری نمودند تا مانند یهودیان سرگردان و آواره شدند و به حالی درآمدند که نه مسلمان و نه کافر به حساب می‌روند. آری، امروز چنین فاجعه‌ای وجود دارد و مسلمین بر همان فسق و گناه اصرار می‌کنند و از دین مقدس خود رو گردانند و خداوند نیز به ایشان عقوبت خود را نازل

کرد که یهودیان آواره جهان را برایشان چیره ساخت که به آن‌ها توهین کردند و آن‌ها را خوار نمودند تا مورد خنده و استهزاء تمام جهانیان قرار گرفتند و در همین حالت هم از مردن دل‌ها و به فسادگرائیدن وجدان خود آگاهی ندارند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

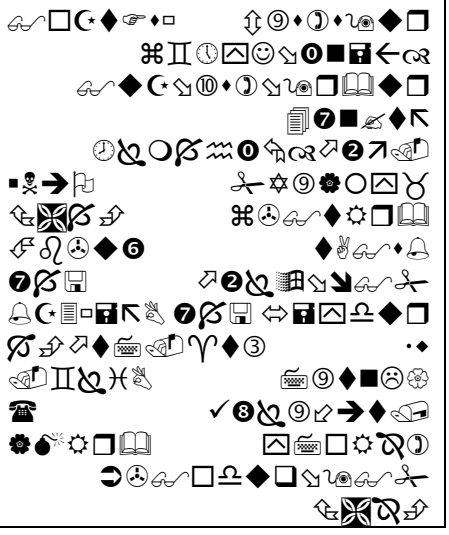
1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را به آرامی بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

3-به ایشان بگو: هرگونه حیله‌بازی که به حلال‌شمردن حرامی در خرید و فروش و یا دیگر کارها بیانجامد حرام است.

4-آن‌ها را از متابعت یهود و نصارا بترسان و از تشبیه و رغبت به رفتار و سیاست‌شان در امور مملکت‌داری بر حذردار، زیرا چنین کارهای ایشان را به سوی بدبختی در دنیا و آخرت سوق می‌دهد.

درس 25: آیهٔ آزمایش سلیمان و...

قوله تعالی:	گفته خداوند بزرگ:
	(34) همانا آزمودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی را سپس بازگشت به خدا (35) و گفت: ای پروردگار من، بیامرز مرا و عطا کن مرا پادشاهی که نسزد هیچکس را غیر از من. همانا توئی بخشاینده.

[ص: 34 – 35]

شرح: می‌فرماید:  همانا آزمودیم سلیمان را، در اینجا مراد، پیامبر خدا، سلمان فرزند داود علیهما السلام می‌باشد سبب فتنه و ابتلای خدا او را این بود که گفت: امشب با یک صد زن از همسران خود هم‌بستر می‌شوم و هر زنی پسری می‌زاید و هرکدام‌شان سوارکار مجاهدی در راه خدا می‌شوند، ولی استثناء نکرد، یعنی انشاء الله نگفت. پس با آن عده از زنان که گفته بود همبستر گشت و به عواقب نگفتن انشاء الله گرفتار آمد که همهٔ آن زنان نزائیدند، مگر یک زن پسری آورد که نیمی از بدنش فلج بود، چون مادرش وضع حمل کرد او را آوردند و بر تخت سلیمان υ گذاشتند، چنانکه خداوند قصه می‌کند و می‌فرماید:  و گفت: ای پروردگار من! بیامرز مرا و عطا کن مرا آن پادشاهی که راست نیاید هیچکس را غیر از من،

همانا تو بخشایندهٔ، یعنی این مملکت و جهانداری برای غیر من درست نیاید و به اسم باری تعالی: ﴿ انک انت الوهاب: توسل جست پس خداوند خواسته‌اش را قبول کرد و باد را برایش مسخر فرمود که به فرمان او به هرجائی که می‌خواست او را همراه بساطش که در آن وزراء و ارکان دولت او جای داشتند، مانند سفینهٔ هوائی می‌برد و همچنین شیاطین و جنیات را به او فرمانبردار و مسخر کرد که از آن‌ها کارهای سختی که از توان انسان نبود استفاده می‌کرد. آری، این فضل و احسان الهی است که به هریک از بندگانش بخواهد عنایت می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیات کریمه را بخوان و تکرار کن تا حفظ نمایند.

2- شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه را لازم است توضیح ده.

3- ایشان را از سبب به فتنه‌افتادن سلیمان υ آگاه کن و آن فراموشی از گفتن کلمهٔ انشاء الله بود. زیرا هرکه می‌گوید: چنین کاری می‌کنم و یا به زودی آن کار را آغاز خواهم کرد باید انشاء الله بگوید و اگر چنین استثنائی نکرد، گویا قدرت را به خود نسبت داده و از این که باید خداوند وسایل و اسباب را برایش مسخر و آماده گرداند فراموش کرده و از همین سبب بود که سلیمان υ به چنین عقوبتی گرفتار شد. در حدیث صحیح وارد شده که سلیمان υ گفت: «امشب با هفتاد همسر خود می‌خوابم تا هریک سوارکاری بزاید و در راه خدا جهاد کند، رفیقش گفت: انشاء الله بگو، پس او انشاء الله نگفت. با همه‌شان خوابید و از آن‌ها هیچیکی بار نگرفت، مگر یک زن که نصف بچه آورد، یعنی نصف بدن آن کودک فلج بود. قسم به خدائی که جان محمد در تصرف او است اگر انشاء الله می‌گفت، همه‌شان سوارکار در راه خدا جهاد می‌کردند».

4-همه آن‌ها را از فضیلت توبه‌کردن بعد از ارتکاب گناه آگاه کن: که تمام آن خیر و برکت است.

5-به آنان بگو: که توسل به خداوند به وسیلۀ عبادات و کردار پسندیده حاصل می‌شود نه به سبب مردگان و بهترین وسیله برای اجابت دعا توسل به اسمای پاک خداوند است، چنانکه سلیمان υ توسل به ﴿ ﴾ کرد.

درس 26: حدیث دستگیری دیوی از جنیان

قوله صلی الله علیه وسلم: إِنَّ عِفْرِيتًا مِنَ الْجِنِّ تَفَلَّتَ الْبَارِحَةَ لِيَقْطَعَ عَلَيَّ صَلاَتِي، فَأَمْكَنَنِي اللَّهُ مِنْهُ، فَأَخَذْتُهُ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَرْبُطَهُ عَلَى سَارِيَةٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَيْهِ كُلُّكُمْ فَذَكَرْتُ دَعْوَةَ أَخِي سُلَيْمَانَ رَبِّ هَبْ لِي مُلْكًا لاَ يَنْبَغِي لأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي. فَرَدَدْتُهُ خَاسِئًا.	همانا دیشب دیوی از جنیان بر من تعرض کرد تا نمازم را قطع کند، پس خداوند مرا بر وی قدرت داد و او را گرفتم: می‌خواستم وی را بر ستونی از ستون‌های مسجد بسته کنم تا همه شما او را ببینید پس دعای برادرم سلیمان υ را به یاد آوردم که گفت: پروردگارا! برایم پادشاهی عطا کن که بعد از من مناسب هیچکس نباشد، پس او را ذلیل رد کردم.

(رواه البخاری)

شرح: می‌فرماید: «**إِنَّ عِفْرِيتًا مِنَ الْجِنِّ**»: همانا دیوی را از جنیان و عفریت جمع آن عفاریت و مؤنث آن عفریته به معنی ناپاک، زشت، تصرف‌کننده در کارها و ضررناک که شامل هر سرکشی از جن و انس را می‌گردد. می‌فرماید: «**تَفَلَّتَ الْبَارِحَةَ لِيَقْطَعَ عَلَيَّ صَلاَتِي**»: دیشب بر من حمله کرد تا نمازم را قطع کند. و آن نماز نفلی بود که پیامبرρادا می‌کرد.

می‌فرماید: «**فَأَمْكَنَنِي اللَّهُ مِنْهُ**»: پس خداوند مرا بر وی قدرت داد، یعنی خداوند مرا توانا گردانید تا با سرکشی که داشت او را گرفتار سازم و محکم به دست خود بگیرم. می‌فرماید: «**فَأَخَذْتُهُ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَرْبُطَهُ عَلَى سَارِيَةٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ**»: می‌خواستم که وی را بر ستونی از ستون‌های مسجد بسته کنم. «**حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَيْهِ كُلُّكُمْ**»: تا همهٔ شما به او نگاه کنید و بچه‌های مدینه او را به بازی بگیرند، می‌فرماید: «**فَذَكَرْتُ دَعْوَةَ أَخِي سُلَيْمَانَ**»: پس دعای برادرم سلیمان υ را به یاد آوردم که در سورهٔ (ص) خداوند از وی قصه می‌کند که گفت:

﴿: «خداوندا! برایم پادشاهی عنایت کن که بعد از من مناسب هیچکسی نباشد,همانا تویی بخشاینده . یعنی خداوندا! گناهم را که انشاء الله را نگفتم ببخش و برایم چنان مملکتی با شوکت و وسعت عطا کن که خاصه من باشد و بعد از من برای دیگری چنین سلطنتی مناسب نگردان. چون پیامبر اکرم ρ این خواسته سلیمان υ را به یاد آورد عفریت را خوار و حیرت‌زده از فشار چنگ مبارکش رها گردانید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

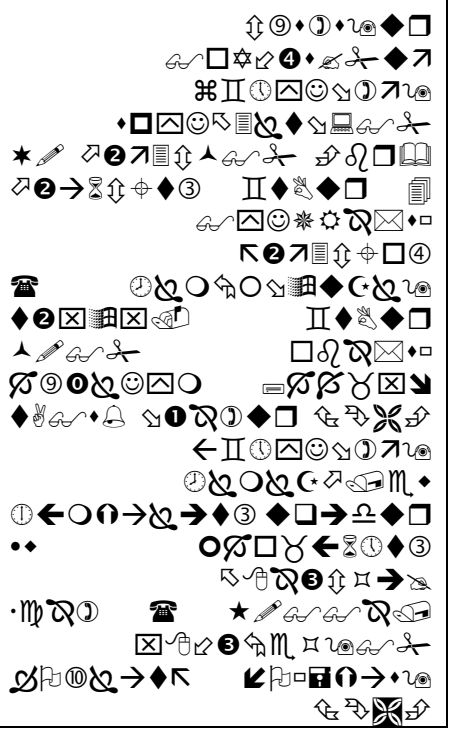
1-حدیث را تکرار کن تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه توضیح لازم دارد تفسیر کن.

3-به ایشان بفهمان: که در میان جنیان عفاریت هستند که انسان‌ها را اذیت می‌کنند، پناه‌جستن از آن‌ها به غیر از خداوند از دیگر کس امکان ندارد و شخص مؤمن پیوسته از شیاطین جن و انس به خدا پناه می‌گیرد و باید چیزهایی را بخواند که سبب طرد شیاطین می‌شوند مانند معوذتین و آیت الکرسی.

4-ایشان را از ادب پیامبرρ آگاه کن: که اگرچه غفریت را به دست آورده بودند، ولی بسته و اسیر نکردند تا همراه سلیمان υ در امتیاز تسخیر دیوان شریک نباشند و این امتیاز برای سلیمان υ باشد و ما نیز باید از پیامبر بزرگوار خود پیروی کنیم و به مقام و منزلت یکدیگر احترام داشته باشیم و به سوی قدرت و سلطنت و یا اندوختنی مال و دنیا رغبت نکنیم.

درس 27: آیهٔ لقمان و نصیحت‌کردن فرزندش

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(12) و همانا عطا کردیم لقمان را حکمت و گفتیم: که شکر کن خدا را و هر که شکر کند پس جز این نیست که شکر می‌کند برای نفع خود سپس وکسیکه ناسپاسی می کند همانا خدا بی‌نیاز و ستوده شده است (13) و یاد کن چون گفت: لقمان به پسر خود و او پند می‌داد: ای پسرک من! شرک مورز به خدا، همانا شرک ستمی بزرگ است.

[لقمان: 12 – 13]

شرح: ﴿ ⌘ℑ🕓🖂☺↘◑↗๑ ⬀☐✡⬃❹⬧✍✂◆↗ ⇳⑨⬧◑⬧๑◆❐ ﴾: هرآئینه عطا کردیم لقمان را. خداوند از بخشایش و فضل خود که به هرکس خواهد از بندگانش عطاء می‌کند، و چنین به حق قصه کرده می‌گوید: ﴿ ⑨⬧◑⬧๑◆❐ ⬧◘🖂☺↖🗏🔍◆↘💻⬀✂ ⌘ℑ🕓🖂☺↘◑↗๑ ⬀☐✡⬃❹⬧✍✂◆↗ ﴾: حکمت عبارت از رسیدن به حقایق کارهاست که عبارت از شکران نعمت‌دهنده است به ستایش و ثنا بر او و صرف‌کردن نعمت چنانکه او راضی باشد که به آنگونه صرف کرده شود با شعور و آگاهی باطنی به ذاتی که نعمت را به وی ارزانی داشته چنانکه بی‌اختیار زبان به ستایش و

ثنای او جریان پیدا کند. می‌فرماید: ﴿ ﴾: و هرکه شکر کند پس جز این نیست که شکر می‌کند برای نفع خود. یعنی هرکه خدای را شکر می‌کند مفاد آن شکر بر خود شکر گوینده بازمی‌گردد که شکر، نعمت را زیاد و آن را از زوال نگه می‌دارد، چنانکه خداوند فرموده است: ﴿ ﴾ (ابراهیم: 7). «اگرشکر بکنید نعمت را بر شما زیاد می‌گردانم». می‌فرماید: ﴿ ﴾: و هرکه ناسپاسی کند، پس هرآئینه خداوند بی‌نیاز و ستوده شده است. یعنی اگر کسی شکر خدا را نکند، خداوند از تمام خلق بی‌نیاز است و در افعال و کردار خود ستوده است. می‌فرماید: ﴿ ﴾: و یاد کن چون گفت: لقمان به پسر خود و او را پند می‌داد نام پسر او باران یا انعم بود که به قصد تربیت برایش امر و نهی می‌کرد. می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی با خدا, دیگری را از آلهه باطله پرستش مکن که هرآئینه شرک‌آوردن ستم بزرگی است. زیرا شرک، گذاشتن پرستش در غیر جایش می‌باشد، چون مستحق عبادت تنها ذات خدای یگانه است که آفریدگار روزی‌دهندهٔ، زندگی‌بخش، میراننده، فایده و ضرر رساننده است و به جز خدای یگانه خلق‌کننده، روزی‌دهنده زندگی بخش، میراننده، فایده و ضرررساننده دیگری وجود ندارد. پس پرستش غیر خداوند ظلم است و چگونه ظلمی؟ از این سبب است که خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾: هرآئینه شرک ستم بزرگ است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-هردو آیت شریف را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را جمله جمله بخوان و آنچه لازم است توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که لقمان بندۀ صالح خدا بود که خداوند برایش علم و حکمت را ارزانی فرموده و از سخنان حکمت‌آمیز ایشانست که می‌فرماید: «خاموشی حکمت است و به کارگیرندۀ آن اندک. خوبترین پارۀ گوشت در بدن انسان دل و زبانش هستند و ناپاکترین پاره گوشت در بدن انسان باز هم دل و زبانش هستند، یعنی اگر پاک باشند از هرچیز بهترند و اگر بد باشند همچنان از همه چیز بدتر».

4-آن‌ها را از وجیبۀ تربیت اولاد آگاه کن: که تا فرزندان خود را موعظه و آنچه را از علوم لازم است برایشان تعلیم دهند.

5-آن‌ها را از شرک و ذبح و نذر به نام غیر خدا بیم ده و این کار ستم بزرگی است که اگر صاحب آن بر همین عقیده بمیرد داخل جنت نمی‌شود.

درس 28: حدیث شرک ظلم بزرگی است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لَيْسَ ذَلِكَ، إِنَّمَا هُوَ الشِّرْكُ، أَلَمْ تَسْمَعُوا مَا قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهْوَ يَعِظُهُ (يَا بُنَيَّ لاَ تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ).	گفته پیامبر ρ: این نیست، بلکه مراد از آن، شرک است، آیا گفته لقمان به فرزندش نشنیدید که او را نصیحت می‌کرد، ای فرزندم! برای خدا شریک مگیر که همانا شرک ستم بزرگ است.

(رواه البخاری)

شرح: هنگامی که آیه سورهٔ انعام ﴿ ﴾ (الأنعام: 82). «یعنی آنانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم نیامیختند،آنان، هدایت‌یافته‌اند». نازل شد مسلمانان احساس ناراحتی کرده گفتند: کدامیک ما بر خود ظلم نکرده است؟ پیامبر ρ جواب دادند: هدف از آن ظلم، ترک واجب یا انجام‌دادن فعل حرام یا مکروه یا ضایع کردن سنتی نیست، بلکه مراد از ظلم، آمیختن ایمان با شرک در ربوبیت خداوند است، به این که غیر از خدا کسی را خالق یا رازق و مدبر زندگی دانسته و یا غیر از خدا کسی را پرستش نموده و در عبادت مختص خدا، غیر خدا شرکت داده شود یا ترس و وحشت از غیر خدا داشته باشد یا حیوانی را برای تقرب غیر خدا ذبح یا نذر کند و یا کسی را به اسماء و صفات مخصوص پروردگار نامگذاری یا صفت کند. «**وَهْوَ يَعِظُهُ**»: حضرت لقمان فرزندش را به خاطر تزکیه و تعلیم، نصیحت کرد و به بعضی کارها دستور داده و از بعضی بازمی‌داشت. «**يَا بُنَيَّ**»: به خاطر راهنمائی فرزندش و اظهار لطف و دلسوزی، صیغه تصغیر استعمال کرد و گرنه «يا إبني» می‌فرمود: قوله: «**لاَ تُشْرِكْ بِاللَّهِ**»: حضرت لقمان فرزندش را از شرک در ربوبیت و الوهیت و شرک در اسماء و صفات خداوند نهی کرد به علت این که ﴿ ﴾

﴿ (لقمان: 13). «مسلما شرک ظلم بزرگی است». ظالمان در هیچ حالی از احوال به نجات از دوزخ و دخول بهشت رستگار نمی‌شوند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

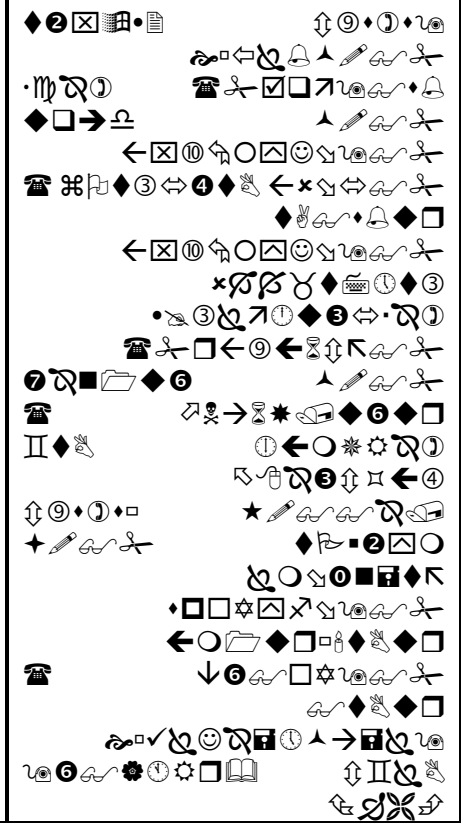
1-حدیث را چند مرتبه تکرار کن: تا این که بدانی که شنوندگان آن را حفظ کرده اند.

2-شرح حدیث را به طوری واضح بخوان و آنچه لازم است بیان کن تا به نحو احسن فهمیده شود.

3-شنوندگان را آگاه کن: که غیر از شرک، هر گناهی را خداوند می‌بخشد، چون کسی که بمیرد و از شرک توبه نکند بخشیده نمی‌شود و جایگاهش دوزخ است چون می‌فرماید: ﴿ (النساء: 48). «همانا الله این را که به او شرک ورزند، نمی‌آمرزد و جز شرک را برای هر که بخواهد می‌بخشد. و هر کس به الله شرک ورزد، گناه بزرگی مرتکب شده است».

4-آن‌ها را نصیحت کن که اگر مسلمانی غیر خدا را می‌خواند یا حیوانی را برای غیر خدا ذبح یا نذر می‌کند، برایش مشرک نگویند، بلکه او را ارشاد کنند که این دعا یا ذبح و نذر تو شرک است، تا به سوی خدا بازگردد و آن را رها کند و اگر بعد از آگاهی بر آن عمل، اصرار ورزید مشرک و از اهل دوزخ است.

درس 29: آیهٔ توصیه عیسی υ به پرستش خدا Ψ

قول الله سبحانه وتعالی:	گفته خداوند بزرگ:
	(72) همانا کافر شد آنان که گفتند: خدا مسیح فرزند مریم است، حالی که مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! پرستش کنید خدا پروردگار من و پروردگار شما، همانا کسی که شرک ورزد به خدا، به تحقیق حرام کرده است بر او بهشت را، و جایگاهش آتش است. و نیست ستکاران را یارانی.

[مائده: 72]

شرح: خداوند در این آیهٔ سوره مائده خبر می‌دهد: همانا آنان که عیسی را خدا دانستند و گفتند: روح خدا در او حلول کرده و عیسی خدا شده است، این طایفه از نصرانیان هستند و ایشان در اصل سه طایفه اند: 1- ملکیه. 2- یعقوبیه. 3- نسطوریه. هر طایفه از آن‌ها طایفهٔ دیگر را تکفیر می‌کنند و بعضی از آنان می‌گویند: خدایان سه اند، خدا، عیسی و مریم و خداوند یکی از سه خدا است، چنانکه خداوند می‌فرماید: 

(المائدة: 73). «همانا کافر شدند آنان که گفتند که الله یکی از سه خداست. و هیچ معبود برحقی جز یگانه معبود برحق وجود ندارد». خداوند در قیامت از عیسی می‌پرسد: (المائدة: 116). «و هنگامی که الله می‌فرماید: «ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که جز پروردگار، من و مادرم را معبود قرار دهید؟» گوید: «تو پاک و منزهی؛ من حق ندارم چیزی بگویم که شایسته‌ام نیست. اگر چنین سخنی گفته باشم، تو خود از آن آگاهی. تو از آنچه در درون من است، آگاهی و من از اسراری که نزد توست، آگاهی ندارم. به راستی تو، تمام اسرار و امور غیب را می‌دانی». ولی حضرت عیسی ʊ خود را تبرئه می‌کند از این که سخن باطلی بگوید: یا به شرک دعوت کند و در روز تولدش می‌گفت: (مریم: 30 ـ 32) «همانا من بندهٔ خاص خدایم که به من کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده و مرا هرکجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانیده و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرده و به نیکوئی با مادر توصیه نموده و من را ستمکار و شقی نگردانید». همچنانکه بنی اسرائیل را به توحید و عبادت خدای یگانه دعوت کرد و فرمود:

☎ ↓❻☐✡ ←○🗁◆❐▫♦✎◆❐ ♦◘☐✡🖂↗↘ «ای بنی اسرائیل! خدایی را بپرستید که آفریدگار من و شماست که هرکس به او شرک آورد، خدا بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش آتش دوزخ باشد و نیست برای ستمکاران یاران و یاوری که ایشان را از دوزخ نجات دهد».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را چند بار تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح آن را کلمه به کلمه بخوان تا بطور صحیح بفهمند.

3- شنوندگان را آگاه کن: که نصاری براساس این آیه، کافرند و مسلمان نیستند و تا کسی که از آن‌ها توبه نکند و دین اسلام و توحید را نپذیرد و به طریق مشروع عبادت نکند، کافر بوده و در جهنم جاوید است.

4- به آن‌ها خبر ده، کسی که نقص یا عجز یا جهل و یا ظلم را به خدا منسوب کند کافر شده از ملت اسلام خارج است.

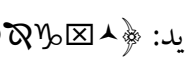
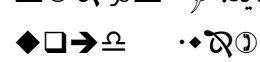
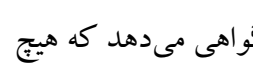
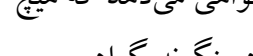
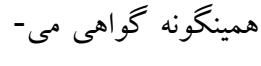
5- آن‌ها را تعلیم ده: همانطور که شرک در عبادت است، شرک در ربوبیت و اسماء و صفات خدا نیز هست و همانا شرک موجب خلود در جهنم است.

6- آن‌ها را بفهمان: که گناهان بر سه گونه اند: 1- گناهی بین بنده و خدا که آن را خدا می‌بخشد. 2- گناهی بین بنده و مردم که خدا چیزی از آن را نمی‌بخشد. 3- گناهی که خدا آن را نمی‌بخشد که همانا شرک است.

درس 30: حدیث مردن بر ایمان و عقیده توحید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ شَهِدَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ وَكَلِمَتُهُ، أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ، وَرُوحٌ مِنْهُ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: کسی که گواهی دهد: که خدای به جز خدا یگانه و یکتا نیست و این که محمد بنده و رسول خدا است و عیسی بنده و رسول و روح خدا و کلمه اوست که بر مریم القاء کرده و گواهی دهد: که جنت و دوزخ حق است با آن عملی دارد خدا او را به جنت داخل می‌کند.

(رواه البخاری)

شرح: قوله ρ: «**مَنْ شَهِدَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ**» یعنی کسی که از راه‌های مختلف علمی از جمله اخبار خداوند و ملائکه و اهل علم که می‌فرماید: ﴿       ﴾ (آل عمران: 18). «الله که همواره امور هستی را به عدالت تدبیر می‌کند، گواهی می‌دهد که هیچ معبود برحقی جز او وجود ندارد؛ و فرشتگان و صاحبان دانش نیز همینگونه گواهی می-دهند». همچنین فرشتگان و اهل علم که داناتر از همه‌شان پیامبران و در رأس همه حضرت محمد ρ می‌باشند و نیز از راه تدبر در کائنات که خود دلیل روشن بر وجود خالق یگانه و معبود برحق است، علم حاصل کند که خداوند ذاتی است، یگانه، بی‌همتا. پس به آن شهادت داده بگوید: من شهادت می‌دهم که هیچ معبودی به جز خدای یگانه نیست و در ربوبیت و عبادات و اسماء و صفاتش شریکی ندارد و نیز با یقین کامل شهادت دهد: که حضرت محمد ρ رسول خداست که وحی و قرآن از جانب خدا بر او نازل شده و گواهی دهد: که حضرت عیسی υ بنده و رسول خداست و روحی از او که بر مریم فرستاده و نیز گواهی دهد: که

بهشت و دوزخ حق است، «**أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ**»: خداوند با همان عملی که داشته است او را به بهشت داخل می‌کند، خواه عملش کم باشد یا زیاد، شایسته باشد یا فاسد، با این که واضح است کسی که چنین شهادت‌های بدهد غالباً کارهای نیکش بیشتر است و اگر عمل خوب و بد مخلوط باشد، پس خداوند آمرزنده و مهربان است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدث را چند بار بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح حدیث را به آرامی بخوان و به قدر لازم آن را توضیح ده.

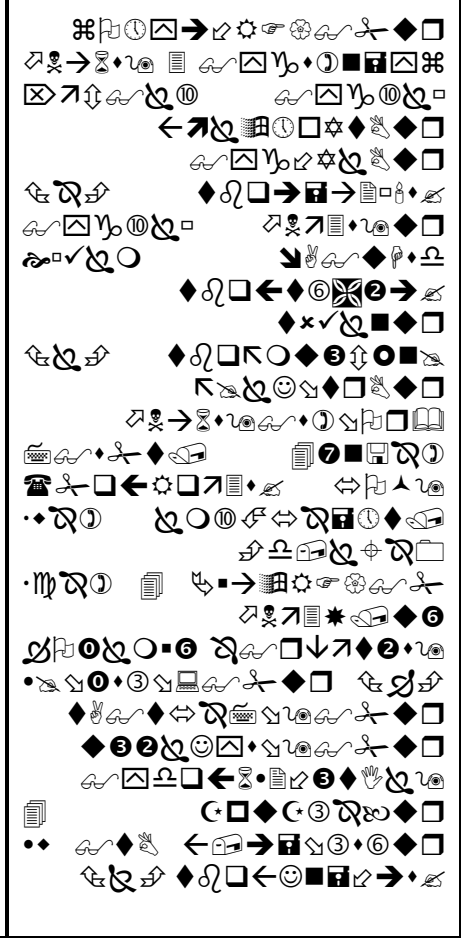
3-به ایشان بفهمان: کسی که خدا را با جلال و کمالش بشناسد و به آن گواهی دهد از نظر عقل امکان ندارد که به خدا شرک آورده یا آشکار به گناهان دست بیالاید.

4-آن‌ها را آگاه کن: که معنی «کلمة الله» این است که حضرت عیسی υ به کلمه تکوین «کُن به معنای باش) آفریده شد، چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿•✍♦✞♦✍ ·♍♉◑❁ ☎ ♦♑♎⑩✂◆↗ ✍✍♦✞♎☺☒✍ ★✐✍✂ ♎⑨☪♌↖ ♌♉❁⊙⑩♌↖ ♊↗✍ ◑←❍♦♋ ♦✌✍♦♎ ❍⚐➔⚐ ♊✇✂♦❷➔✍ ♊♌✍ ◑←❍♦◑■♎♎⌘ ▫♦❶◆♎❑↗▤◆❶♦▫↖♌❑↗▤◆❶♦▫ ✍♉♑✍↖♌❑↗▤◆❶♦▫﴾ (آل عمران: 59). «همانا آفرینش عیسی برای الله همانند آفرینش آدم بود که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: به وجود بیا؛ پس به وجود آمد».

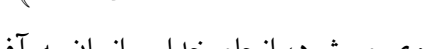
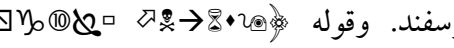
5-به آن‌ها تعلیم ده: که روح منه یعنی خداوند جبرئیل را امر فرمود: تا در گریبان مریم بدمد. پس نفخه در او سرایت کرد و خداوند امر فرمود: که حضرت عیسی υ پیدا شود و در یک لحظه متولد گردید.

درسهای ماه ذی القعده

درس 1: آیهٔ در چهارپایان برای شما منفعتی قرار داریم

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند:
	(5) و (پروردگار) چارپایان را آفرید که در آنها برایتان پوشش و منافع دیگری وجود دارد و برخی از آنها را می‌خورید. (6) و برای شما در چارپایان که هنگام شب آنها را (از چرا) بازمی‌گردانید و بامداد که آنها را به چرا می‌فرستید، شکوه و زیبایی است. (7) و چارپایان، بارهای سنگینتان را به شهری حمل می‌کنند که تنها با رنج و سختی فراوان به آن می‌رسید. بی‌گمان پروردگارتان رؤوف و مهربان است. (8) و اسب‌ها و قاطرها و الاغ‌ها را آفرید تا سوارشان شوید و زینتی (برای شما باشد). و (پروردگار) چیزهایی می‌آفریند که شما نمی‌دانید.

[نحل: 5 – 8]

شرح: قوله تعالی: ﴿  ﴾: یعنی از مظاهر ربوبیت خداوند که موجب عبودیت وی می‌شود، انجام خدا بر انسان به آفرینش حیوانات است همچون شتر، گاو و گوسفند. وقوله ﴿  ﴾. هرچه از پشم و کرک و موی آن‌ها لباس و فرش ساخته می‌شود. وقوله

تعالی: ﴿وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا﴾: و استفاده‌هائی برای ما است که از نسل، شیر و گوشت آن بهره‌برداری شده و برای سواری نیز از آن‌ها استفاده می‌کنیم. ﴿وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا﴾: یعنی از گوشت‌شان می‌خورید. وقوله: ﴿وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا﴾: و برایتان در شامگاهان که حیوانات از چراگاه به خوابگاه و صبحگاهان که به چراگاه برمی‌گردند، منظره‌ایست دلنشین و زیبا. قوله تعالی: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾ و بارهای سنگین شما را که به خاطر بعد مسافت نمی‌توانید بدون مشقت حمل کنید از شهری به شهر دیگر می‌برند. وقوله: ﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ﴾: همانا پروردگارتان به شما رؤف و مهربان است که از نشان‌هایش همین است که حیوانات را به خاطر استراحت و رفع نیاز شما آفرید.

وقوله تعالی: ﴿وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً﴾ واسب و استر و الاغ را برای سواری و زینت‌تان آفرید. ﴿وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾: وچیزهای نیز که شما هنوز نمی‌دانید برای شما خواهد آفرید، یعنی همه ماشین‌های سواری و قطارها و هواپیماها را به قدرت خدا آفرید، پس ستایش برای اوست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت‌های فوق را با ترتیل تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را با تفصیل لازم توضیح ده.

3-به آن‌ها بگو: همانا آفریدگار این چهارپایان و بخشندهٔ این نعمت‌ها سزاوار عبادتست، پس تنها او را بپرستید.

4- آن‌ها را آگاه کن: که «خیل و بغال و حمیر» را جدا از انعام ذکر فرمود، اشاره است به مکروه‌بودن گوشت اسپ و از اینجا اختلاف در جواز و عدم جواز خوردن گوشت اسپ بوجود آمده است.

5- آن‌ها را آگاه کن: که زینت و آرایش درست است، ولی مخصوص زن‌هاست و برای مردها فقط زینت لباس اشکالی ندارد.

6- شنوندگان را از اعجاز قرآن خبر ده، زیرا که خداوند از آفرینش چیزهائی در آینده که در وقت نزول قرآن هنوز معلوم نبود خبر می‌دهد. انواع قطارها و ماشین‌ها و هواپیماها و سفینه‌های فضایی از جمله چیزهائی است که آیت ﴿♦♌❑←☺■🖬⇗➔♦✍ •• ✍♦✎ ←🖃➔🖬⇘③♦⑥◆❐﴾ بدان اشاره می‌کند.

درس 2: حدیث حیوان‌های حرام‌گوشت

قوله صلی الله علیه وسلم: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ قَدْ أَسْرَعْتُمْ فِي حَظَائِرِ يَهُودَ أَلاَ لاَ تَحِلُّ أَمْوَالُ الْمُعَاهَدِينَ إِلاَّ بِحَقِّهَا وَحَرَامٌ عَلَيْكُمْ لُحُومُ الْحُمُرِ الأَهْلِيَّةِ وَخَيْلِهَا وَبِغَالِهَا وَكُلِّ ذِي نَابٍ مِنَ السِّبَاعِ وَكُلِّ ذِي مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ.	گفته پیامبر ρ: ای مردم! شما شتاب کردید در گرفتن باغ‌های یهود. بدانید که مال‌های اهل عهد و پیمان بر شما حرام است، مگر این که به حق باشد و همچنین حرام است بر شما گوشت خرهای اهلی و اسب‌ها وقاطرها. هر حیوان درنده نیش‌دار و هر پرنده که چنگال دارد.

(رواه احمد)

شرح: ای مردم! شما در گرفتن بوستان‌های یهود خیبر بدون اجازه‌شان شتاب کردید، در حالی که آن‌ها با شما معاهده و پیمان دارند و بدون رضایت آن‌ها گرفتن مال‌شان درست نیست، سپس فرمودند: آگاه باشید که مال کسانی که با شما عهد و پیمان دارند، حرام است. مگر این که به حق باشد, مثل خرید یا بخشش. و همچنین حرام است بر شما گوشت خرهای اهلی و اسب‌ها و قاطر ها و هر درنده نیش‌داری از حیوانات مثل سگ‌ها، گرگ‌ها، شیرها، یوزها و روباه‌ها و پلنگ‌ها، چنانکه گوشت پرنده‌های شکاری مثل بازها، کلاغ‌ها و شاهین‌ها برای شما حرام است، در بارهٔ این حدیث داستانی است که مقدام بن معدیکرب τ می‌گوید: در تابستانی همراه خالد بن ولید در جنگ بودیم عده‌ای از دوستان برایم گوشت آوردند و اسب تاتاری از من خواستند، من اسب را به آن‌ها دادم و آن را با ریسمان بستند. گفتم: همین جا باشید تا نزد حضرت خالد رفته و از آن بپرسم. نزد خالد رفتم و از او پرسیدم، در جواب گفت: ما با پیامبر ρ در جنگ خیبر بودیم عده‌ای از مردم به باغ‌های یهود خیبر شتافتند، پیامبر ρ به من دستور دادند: که اعلام کنم که نماز جماعت اقامه می‌شود. و این که به جز مسلمان کسی داخل بهشت نخواهد شد. سپس فرمودند: ای مردم! شما به سوی باغ‌های یهود شتافتید،

آگاه باشید که اموال کسانی که با شما پیمان دارند به ناحق حلال نیست و حرام است بر شما گوشت خرهای اهلی و اسب‌ها و قاطر ها و همچنین گوشت تمام درندگان چهارپا و پرنده.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به نحو احسن چندین بار تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح حدیث را به طور واضح و روان به صورتی که لازم است بخوان تا شنوندگان آن را بفهمند.

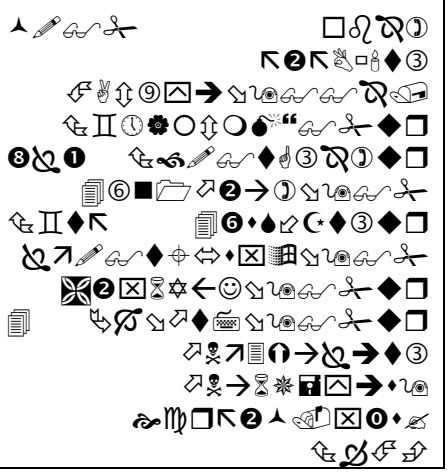
3- آن‌ها را آگاه کن: که استفاده از مال‌های معاهدین و اهل ذمه به ناحق حرام است.

4- آن‌ها را تعلیم ده: که گوشت خرهای اهلی اسب‌ها و قاطر ها حرام است، اگرچه در گوشت اسب اختلاف است، ولی احتیاط در نخوردن است و گرنه در زمان پیامبر اکرم ρ بنا به روایت صحیح خورده شده است.

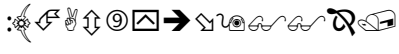
5- آن‌ها را تعلیم ده: که کسی که از چیزی سؤال شود و حکم خدا را در آن نداند چیزی نگوید: یا کاری انجام ندهد تا این که از اهل علم بپرسد.

6- آن‌ها را تعلیم ده: که خوردن گوشت حیوانات درنده نیش‌دار و پرندگان چنگال‌دار حرام است.

درس 3: آیهٔ امر به عدل و احسان

قوله تبارک وتعالی:	گفته خداوند بزرگ:
	(90) همانا خدا امر می‌کند به داد و احسان و دادن خویشاوندان و نهی می‌کند از فحشاء و ناشایست و ستم و اندرز دهد شما را شاید یادآور شوید.

[النحل: 90]

شرح: ﴿  ﴾: از حضرت عثمان بن مظعون τ برادر رضاعی حضرت پامبرρ روایت شده است می‌گوید: «در ابتداء من به خاطر حیاء از پیغمبر ρ مسلمان شدم نه از ته دل. تا این که آیت ﴿  ﴾ «آیت فوق» نازل شد. من نزد پیغمبر بودم و ایمان در قلبم جای گرفت. سپس این آیت را برای ولید بن مغیره خواندم، او گفت: ای برادرزاده! دوباره بخوان. مجدداً این آیت را خواندم. پس ولید گفت: همانا این کلام عجیب و شیرین است و در آن حسن و خوبی است و اصل و تنهٔ آن برگ‌ساز و بالای آن ثمردهنده است. و این گفته بشر نیست». گفته خداوند. ﴿  ﴾: یعنی خداوند در کتابی که آن را برای بیان هر چیزی نازل فرمود، دستور به عدالت می‌دهد، آن عدالتی که انصاف است. و از اینجاست که باید تنها خدا پرستش شده و از او یاد و سپاسگذاری شود. چون او آفریدگار و نعمت‌دهنده است

و غیر او سزاوار عبادت نیست، چرا که نه خالق است و نه روزی‌دهنده و نه مالک هیچ نعمتی. لذا کلمه عدل به «لا اله الا الله» تفسیر شده است، یعنی خداوند دستور می‌دهد: که هیچ معبودی غیر او سزاوار پرستش نیست. ﴿: احسان عبارتست از انجام فرائض و پرهیز از محرمات با درنظرداشتن این که خدا ناظر است تا که به نحو مطلوب و نیکو انجام شود. قوله: ﴿: یعنی رعایت حقوق خویشاوندان که از هیچ نوع نیکی و صله رحم دریغ نورزد. قوله: ﴿: مراد از فحشاء زنا و لواط و هر قول و عمل بدی که زشتی آن آشکار باشد. قوله: ﴿: هرچیزی که شریعت و فکر صحیح آن را ناپسند داند. قوله: ﴿: یعنی ظلم و تجاوز از حدود در تمام کارها. قوله: ﴿: دستور می‌دهد شما را و نهی می‌کند به امید این که با یادآوری پند بگیرید و در نتیجه تکامل نموده و نیکبخت شوید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را به طور زیبا بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح آیت را بخوان و آنچه بر شنوندگان پوشیده است تفسیر کن تا به طور درست آن را بفهمند.

3- آن‌ها را باخبر کن: که این آیت جامع‌ترین آیات برای خیر و شر در قرآن است.

4- آن‌ها را پند ده که در هر کاری عدالت واجب و در هر چیزی احسان و اخلاص لازم است، به خصوص هنگام انجام عبادت و صله ارحام.

5- به آن‌ها یادآور شو: که بغی و فحشاء و منکر، حرام هستند و آن‌ها را بر اداء واجبات و ترک محرمات این آیهٔ جامع خیر و شر تشویق کن.

درس 4: حدیث قرائت آیه عدل و احسان توسط پیامبر

قول النبي صلى الله عليه وسلم: اما من أنا فأنا محمد بن عبد الله، وأما من أنا فأنا عبد الله ورسوله. ثم تلا عليهم هذه الاية (ان الله يأمر بالعدل والاحسان) الآية، قالوا: ردد علينا هذا القول فردده عليهم حتى حفظوه فأتيا اكثم.	گفته پیامبر ρ: اما این که من کیم؟ من محمد فرزند عبدالله ام و اما این که من چیم؟ من بنده و رسول خدایم، سپس این آیه ان الله یأمر بالعدل والاحسان، را برایشان خواند، آنان گفتند: این آیه را دوباره تکرار کن، پیامبرρ هم تکرار کرد تا این که حفظ کردند، سپس به نزد اکثم آمدند.

(رواه الحافظ أبويعلى)

شرح: قوله ρ: «**اما من أنا فأنا محمد بن عبد الله**» این جمله جواب کسی است که از پیامبر ρ پرسید: تو کیستی؟ و قوله «**وأما من أنا**»: این جمله نیز جواب کسی است که از شأن و صفت پیغمبرρ سوال کرد، پس پیغمبر ρ فرمودند: من بنده و فرستادۀ خدایم. سپس این آیت سوره نحل را تلاوت فرمود: ﴿ (النحل: 90). «همانا الله به عدل و احسان و عطا و بخشش به خویشان فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز بازمی‌دارد. پندتان می‌دهد؛ باشد که پند بگیرید». آنان عرض کردند: «**ردد علينا**»: یعنی این آیت را برای ما تکرار کن، پس پیامبرρ دوباره آیت را تلاوت فرمودند. «**حتى حفظوه**»: تا که آیت را حفظ کردند.

قوله: «**فأتيا اكثم**»: در مورد این حدیث داستانی است که خبر پیامبر ρ به «أکثم بن صیفی» رسید او خواست نزد پیغمبر ρ آید ولی قومش او را نگذاشتند، و گفتند: تو بزرگ مائی تو نباید خود را با رفتن نزد پیامبر ρ سبک بکنی، «اکثم بن صیفی» گفت: پس باید کسی نزد پیغمبر برود خبر مرا به پیغمبر برساند و خبری از جانب پیغمبر برای من بیاورد، پس دو نفر آماده شده نزد پیامبرρ آمدند و عرض کردند، ما سفیران «أکثم» هستیم و از او سوال کردند. تو کیستی و شأن تو چیست؟ پس پیامبر ρ جواب دادند که من محمد فرزند عبدالله، بنده و فرستاده خدایم. تا آخر حدیث.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح حدیث را با وضاحت بخوان تا فهمیده شود.

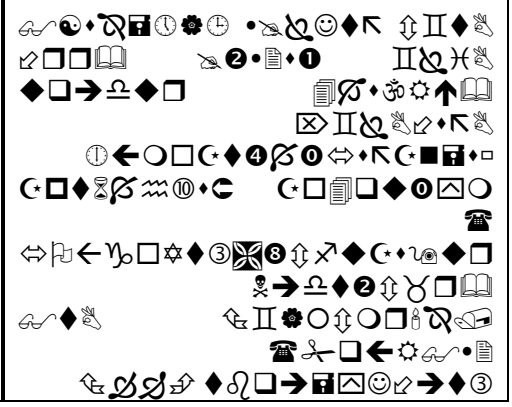
3-صداقت پیغمبرρ و حسن ادب و کمال بزرگش را چنانکه از قصه نمایان است یادآور شو.

4-فضیلت این آیت که جامع‌ترین آیات خیر و شر است بیان کن و آن‌ها را بر حفظ و عمل به مفهوم آن تشویق کن.

5-آن‌ها را باخبر کن: که عدل همانا توحید است چون کسی که خدا را یگانه بداند، عدالت کرده است و کسی که به خدا شرک آورد جور و ستم کرده است.

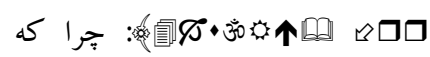
6-آن‌ها را باخبر کن: که احسان یک سوم اسلام است و آنان را به احسان وادار کن چون قبولیت عبادت موقوف بر احسان است و باید در وقت عمل مراقبت و در نظرداشتن خدا رعایت شود. تا این که عمل، خوب و به نحو احسن انجام شده و باعث تزکیه نفس و ثمربخش باشد.

درس 5: آیهٔ انجام عمل شایسته توسط زن و مرد

قول الله عزوجل: 	گفتهٔ خداوند بزرگ: (97) کسی که کردار شایسته کند از مرد یا زن در حالی که مؤمن باشد هرآئینه زنده داریمش زندگی پاکیزه و همانا پاداش‌شان دهیم مزدشان را به بهتر چیزی که بودند می‌کردند.

[النحل: 97]

شرح: قوله تعالی: ﴿  ﴾ یعنی کسی که اطاعت خدا و پیغمبر را کند چون عمل صالح غیر آنچه که خداوند دستور داده یا به انجام آن ترغیب کرده وجود ندارد و باید عمل بنده موافق بیان پیامبر باشد، همچنانکه باید کمیت آن رعایت شود نه چیزی به آن اضافه شود و نه چیزی از آن کاسته شود. و همچنین باید هیأت و زمان و مکان عمل رعایت شود که در آن مخالفتی نباشد. پس اگر شریعت، زمانی برای آن تعیین کرده باید در همان زمان ادا شود، نه در غیر آن. و اگر مکانی برای انجام آن تعیین شده فقط باید در همان مکان انجام شود. و نیز عمل را باید خالص برای خدا انجام دهد که در آن التفاتی به غیر خدا نشود، مثلاً به خاطر ستایش یا ترس از مذمت مردم نباشد و سخن پیغمبر ρ گواه این مطلب است که فرمودند: «هرکس کاری انجام دهد که دستور ما نیست مردود است».

قوله تعالی: ﴿  ﴾: چرا که نفس هیچکس بدون عمل صالح تزکیه نشده و به بهشت داخل نمی‌شود خواه مرد باشد یا زن، مگر

این که نفس خود را تزکیه کند. چون خداوند می‌فرماید: ﴿ (الشمس: 9). «به تحقیق که رستگار شد کسی که نفس خود را تزکیه کرد». قوله تعالی: ﴿ ﴾: یعنی عمل صالح توأم با ایمان باشد چون بدون ایمان عملی پذیرفته نمی‌شود و عملی که مورد قبول نباشد نفس را تزکیه نمی‌کند.

﴿ ﴾: و پاداش ایمان و عمل صالح آن در دنیا رزق حلال است، چه زندگی بدون آن خوش نمی‌گذرد و در آخرت، بهشت اقامتگاه پرنعمت اوست.

قوله: ﴿ ﴾: یعنی در روز قیامت حسنات‌شان مضاعف می‌گردد که خداوند آن‌ها را در هر عمل صالح‌شان پاداش بهترین اعمال را می‌دهد، پس ستایش و سپاس مر خدای راست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را مکرر بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح آن را بخوان و آنچه پوشیده است بیان کن: تا شنوندگان بفهمند.

3- آن‌ها را خبر ده: که اعمال صالحه دارای یمن و برکتی هستند که در دنیا شامل حال صاحب عمل می‌شود و در آخرت نیز پاداش داده می‌شود، همچنانکه اعمال بد، عاقبت شومی دارند که در دنیا به صاحبش می‌رسد و در آخرت عذاب می‌شود.

4- آن‌ها را پند بده: که ایمان و استقامت بر اطاعت خدا و رسول دو کلید بهشت اند و اهل آن در حال احتضار و وقت نزع به بهشت بشارت داده می‌شوند.

درس 6: پاداش به کوچکترین حسنه

قوله صلی الله علیه وسلم: إِنَّ اللَّهَ لاَ يَظْلِمُ الْمُؤْمِنَ حَسَنَةً يُعْطَى بِهَا فِي الدُّنْيَا وَيُثَابُ عَلَيْهَا فِي الآخِرَةِ وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيُطْعِمُ بِحَسَنَاتِهِ فِي الدُّنْيَا حَتَّى إِذَا أَفْضَى إِلَى الآخِرَةِ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَةٌ يُعْطَى بِهَا خَيْراً.	خداوند کم نمی‌دهد برای مؤمن کوچکترین حسنه را, در دنیا هم به آن پاداش داده شده و هم در آخرت ثواب آن را می‌بیند، و اما کافر به حسنات خود در دنیا طعام داده می‌شود و چون به آخرت برسد حسنه‌ای ندارد که به آن پاداش داده شود.

(رواه مسلم)

شرح: قوله ρ: «**إِنَّ اللَّهَ لاَ يَظْلِمُ الْمُؤْمِنَ حَسَنَةً**»: زن مومن نیز مثل مرد مومن است که خداوند در پاداش حسناتش ظلم نمی‌کند.

قوله: «**يُعْطَى بِهَا فِي الدُّنْيَا**»: یعنی خداوند برکت حسنه‌اش را در دنیا به او می‌دهد که عبارت از زندگانی راحت و خوش است و زندگی خوش نمی‌شود، مگر به آرامش نفس و روزی حلال و طیب. قوله «**وَيُثَابُ عَلَيْهَا فِي الآخِرَةِ**»: و به حسناتی که برکتش در دنیا به مؤمن رسیده خداوند در آخرت نیز پاداش می‌دهد، پس در بهشت زندگی خوشی با نعمت‌های همیشه‌ای در جوار پروردگار عالم به او عطا می‌شود که خداوند برایشان نظر فرموده و سلام می‌کند. ﴿ ⌧☠🕓■💾🖂♋ ♊♌♓✍ ♐♦⬀❑♦🔔 ❻▪❍♌⑩♌▯ ❻▪☮♌▯ ﴾ ﴿ ♌♋☜ ﴾ (یس: 58). «سلام از جانب پروردگار مهربان است».

وقوله ρ: «**وَأَمَّا الْكَافِرُ**»: کافر کسی است که منکر خدا و لقاء او و پیغمبرش بوده و شریعت خدا را تکذیب کند و به دین او عمل نکند، این کافر، خواه مرد باشد یا زن به عوض حسناتی که انجام داده است، مثل نیکی و صله رحم و احسان به فقراء و مساکین و نگهداری از ظلم بر دیگران، در دنیا غذا داده و نوشانیده و پوشانیده می‌شود.

وقوله ρ: «**حَتَّى إِذَا أَفْضَى إِلَى الآخِرَةِ**»: تا این که به آخرت منتقل شود. و در آنجا حسنه‌ای ندارد. «**لم یکن له حسنة یعطی بها الجنة فی الآخرة**». چون به عوض حسناتش در دنیا از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و وسایل سواری و راحتی بهره گرفته و هیچ ظلمی بر او نشده است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظش کنند.

2-شرح حدیث را بخوان و آنچه پوشیده است برای شنوندگان واضح کن.

3-آن‌ها را آگاه کن: که در عمل صالح یمن و برکت است. پس اگر صاحب آن مؤمن باشد، برکت آن عمل در دنیا به او می‌رسد و در آخرت نیز پاداش داده می‌شود و اگر عمل‌کننده به آن مؤمن نباشد در دنیا پاداش داده می‌شود، ولی در آخرت از ثواب آن محروم است.

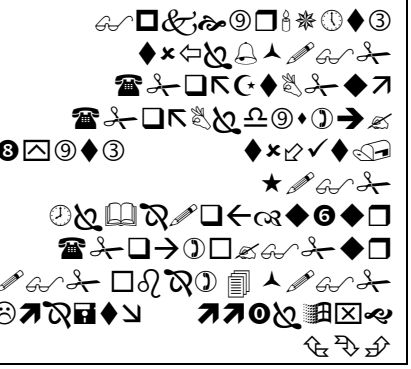
4-آن‌ها را خبردار کن: که در عمل صالحی که باعث ثواب آخرت می‌گردد لازم است که شرایط ذیل رعایت شود:

1- این که آن عمل از کارهائی باشد که خدا و رسول آن را مشروع دانسته اند.

2- این که خالص برای خدا انجام داده شود.

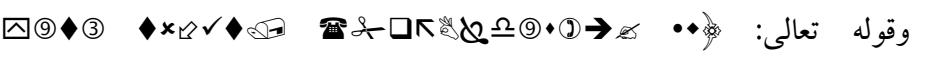
3- در نجام‌دادن آن عمل کمیت و صفت آن رعایت شده و مخالفت با هیأت آن نشود، چنانکه زمان و مکانش باید رعایت شود و در غیر زمان و مکانش انجام داده نشود و گرنه عمل انجام شده باطل است و در آخرت پاداش به آن نمی‌رسد.

درس 7: آیهٔ یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا

قول الله تعالی:	گفتهٔ خداوند بزرگ:
	(1) ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید! پیش نیفتید پیشروی خدا و پیامبرش و بترسید خدا را که خدا شنوا و داناست.

[الحجرات: 1]

شرح: قوله تعالی:  : این ندای خداوند است بر بندگان مؤمنش، آنان که ندای خدا را می‌شنوند و درخواستش را اجابت می‌کنند، پس اگر خداوند از آن‌ها کاری بخواهد انجام می‌دهند و اگر به ترک عملی دستور دهد آن را ترک می‌کنند. اما کفار، همچون مردگانند نه ندائی می‌شنوند و نه درخواستی را قبول می‌کنند.

وقوله تعالی:  : یعنی پیش نیفتید پیشروی خدا و رسول به گفتاری و عملی، چون قدم در اینجا به معنی تقدم است.

مثال این مانند کسی است که قبل از نماز عید قربانیش را ذبح کند، چون حضرت پیغمبر ρ بعد از این که با مردم نماز عید می‌گذاردند قربانی را ذبح می‌کردند، یا این که کسی عقیده یا سخن، یا عملی را که خدا و رسولش حرام کرده اند بر خود مباح بداند و در این جمله هر بدعتی که انسان آن را بوجود آورد شامل است که نزد خدا و رسول حرام است.

وقوله تعالی: ﴿❐◆✂❑→◑□✍✂☎✂❑→◑□✍✂◆❐✎﴾: خداوند بندگان مؤمن خود را به تقوی و به آنچه که آن‌ها را به درجه کمال و سعادت رسانده و از نقصان و زیان بازدارد. دستور می‌دهد و از مظاهر تقوی این است که در عقیده، قول و عمل بر خدا و رسول پیشروی نکند. وقوله تعالی: ﴿◑□✂ ✎ ✒⊠▦◍◍◥◥ ◆◥◥◍◑□✂✎﴾: یعنی خداوند شنوندۀ گفتار شماست، هرگاه آن را پنهان کنید یا آشکار نمایید او داناست به اعمال شما چه آن‌ها را بپوشید یا ظاهر کنید. بنابراین، واجب است که از خداوند با طاعت او و رسولش بترسید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه پوشیده است واضح کن تا فهمیده شود.

3- شنوندگان را آگاه کن: که هرکس بدعتی به وجود آورد و مردم را به آن دعوت کند همانا بر خدا و رسول پیشی گرفته و از خدا و رسول پیروی نکرده، بلکه اراده کرده که همچون خدا و رسول سنتی را در میان قوم خود رواج دهد یا بالاتر از آن چیزهائی بیاورد که از شریعت خدا و رسول بهتر باشد.

4- آن‌ها را از سبب نزول این آیت باخبر کن: که هیئتی اعزامی از قبیله تمیم بر رسول خدا ρ وارد شدند پس حضرت ابوبکرτ به پیغمبر ρ گفت: قعقاع بن معبد را امیرشان قرار دهید، و حضرت عمرτ گفت: اقرع بن جابس را امیرشان کنید، پس ابوبکر به عمرب گفت: هدف تو مخالفت با من است. حضرت عمر گفت: مخالفتی با تو ندارم، پس اختلاف کردند تا صدایشان بالا گرفت، سپس این آیت به خاطر تأدیب و تربیت‌شان نازل شد «خداوند از آن‌ها خشنود باد و آن‌ها را خشنود فرماید.

درس 8: حدیث معاذ بن جبل به عنوان حاکم یمن

قول النبي صلى الله عليه وسلم لمعاذ بن جبل حين بعثه إلى اليمن: بم تحكم؟ قال: بكتاب الله تعالى، قال صلى الله عليه وسلم: فان لم تجد؟ قال: بسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم. قال صلى الله عليه وسلم: فان لم تجد؟ قال رضي الله عنه: اجتهد برأيي، فضرب في صدره وقال الحمد لله الذي وفق رسول رسول الله صلى الله عليه وسلم لما يرضى رسول الله صلى الله عليه وسلم.	گفته پیامبر ρ برای معاذ بن جبل آنگاه که او را به یمن فرستاد: برایش گفت: به چه چیز حکم می‌کنی؟ گفت: به کتاب خدا، پیامبر اکرم ρ فرمود: اگر آن حکم را در کتاب خدا نیافتی چه کار می‌کنی؟ گفت: به سنت رسول خدا حکم می‌کنم. پیامبر ρ فرمود: اگر آن حکم در سنت رسول خدا نبود چه می‌کنی؟ گفت: به رأی خود اجتهاد می‌کنم. پس با دست خود بر سینه‌اش زد و گفت: ستایش برای خدا که رسول رسولش را برای آنچه رسول خدا پسندیده توفیق داده است.

(رواه احمد وابوداود والترمذی وابن ماجه)

شرح: قوله ρ: «**بم تحكم؟**» این سوال برای بیان و استفسار است و مراد به آن بیان حق و رد باطل است، و برای تفهیم و رسوخ در ذهن به طریقهٔ سوال جواب وارد شده، پس معاذ τ گفت: به کتاب الله یعنی به قرآن عظیم که چون مردمان برای قضاوت نزد من بیایند طبق قرآن بین‌شان فیصله می‌کنم. پس رسول خدا ρ فرمودند: «**فان لم تجد؟**»: یعنی اگر آن حکم را در قرآن نیافتی چگونه قضاوت می‌کنی؟ معاذ τ عرض کرد: «**بسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم**»: یعنی به آنچه که رسول خدا ρ حکم فرموده حکم می‌کنم، سپس رسول خدا ρ فرمودند: چون حوادث مختلف و نادرند، اگر حکمی در سنت من نیافتی، چگونه قضاوت

می‌کنی؟ حضرت معاذ τ گفت: «**اجتهد برأيي**»: یعنی در بارهٔ حق و خیر و معروف به اندازه طاقت خود می‌کوشم و فکر می‌کنم و سپس حکم می‌کنم. در اینجا حضرت محمد ρ با دست خود به سینه معاذτ زدند تا این که برای خیر، علم و حکمت وسعت پیدا کند در حالی که معاذ را بر این عزم «که به قرآن و سنت حکم می‌کند و در صورت نیافتن حکم در کتاب و سنت به اجتهاد خود حکم می‌کند» تمجید فرمودند و خدا را در مقابل این توفیق معاذ ستایش فرمودند و گفتند: «**فضرب في صدره وقال الحمد لله الذي وفق رسول رسول الله صلى الله عليه وسلم لما يرضى رسول الله صلى الله عليه وسلم**» و رسول خدا راضی نمی‌شود مگر به آنچه خدای بزرگ راضی باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند مرتبه تکرار کن تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

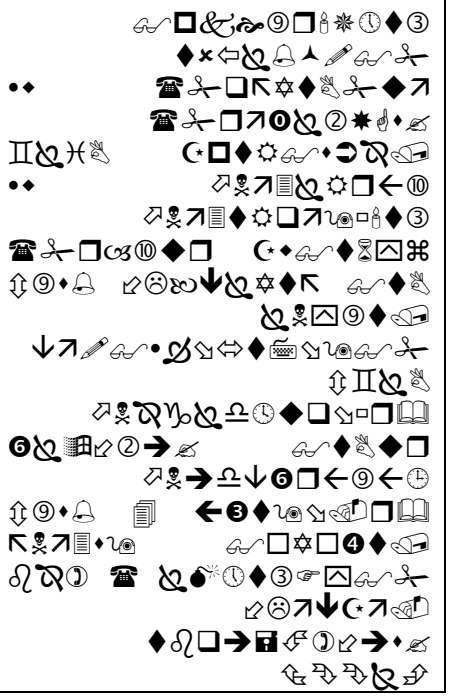
2- شرح را جمله به جمله بخوان، و آنچه بر شنوندگان پوشیده است بیان کن.

3- آن‌ها را آگاه کن: هیچ حکمی غیر از حکم خدا و رسول سزاوار اطاعت نیست و مخالفت با حکم‌شان حرام است.

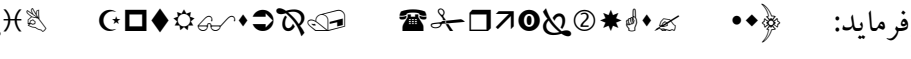
4- آن‌ها را آگاه کن: که اجتهاد برای اهل آن مشروع است و اهل اجتهاد کسانی هستند: که عالم به کتاب و سنت و عامل به آن باشند اگر کسی از اهل اجتهاد حکمی را در قرآن و حدیث نیافت در طلب حق و صواب به اندازه توان خود بکوشد و فکر آن را داشته باشد که اجتهادش هرچه نزدیک‌تر به رضایت و حکم خدا باشد آنگاه اگر به حق رسید مستحق دو اجر است و اگر خطا کرد یک اجر در مقابل اجتهادش درمی‌یابد.

5- ستایش خداوند در وقت حصول هر نعمتی از جمله طعام یا شراب یا لباس یا سواری یا شفایافتن از مرض یا خیری که باعث خوشی می‌شود این است که الحمد لله بگوید.

درس 9: آیهٔ دوستی غیر از خودتان نگیرید

قول الله تعالی	گفته خداوند بزرگ:
	(118) ای اهـل ایمـان! نگیریـد دوسـتی همراز غیر از خودتـان، کوتـاهی نکننـد در آشفتگی شما، دوست دارند که شـما رنـج ببرید، همانا هویداست کینـه از دهـان‌هـای آنان و آنچه نهـان کننـد سـینه‌هـای ایشـان بزرگتر است. همانا بیان کردیم آیـت‌هـا را برای شما اگر باشید بیندیشید.

[آل عمران: 118]

شرح: قوله تعالی:  این ندای خداوند به بندگان مؤمن او است. آن‌ها را ندا می‌کند که دوستانی از کفار نگیرند آن‌ها را بر اسرار و امور داخلی خود آگاه نسازند. بنابراین، می‌فرماید:  یعنی آن دوستان کافر در فاسدکردن امور و کارهای شما کوتاهی نخواهند کرد.

وقوله تعالی:  یعنی دوست دارند سختی و مشقت شما را.

⇳♊⚡✌ ↓↗✎∽•⍉⬂⬄♦⌨⬂♑∽✁ ⚡☠◻⑨♦✉ ⇳⑨•🔔❀
📖❒▫⬂❑◆◷♎⚡♑♉☠⬀❀: به تحقیق که شدت بغض و کینه از دهان‌هایشان برای شما ظاهر شده است.

قوله: ❀❒◆✌♦∽ ✍➔②⬀▦⚡❻ ◷←⑨←❒❻↓♎➔☠⬀❀: یعنی آن شدت بغض و کینه که از شما در سینه‌ها می‌پرورند بزرگتر از آن چیزیست که از دهان‌های‌شان آشکار می‌شود چنانکه دوست دارند که در مشقت قرار بگیرید.

وقوله تعالی: ❀🔔•⑨⇳ ✉♦❹◻✡◻∽ ♑•▤↗☠↖ ✁∽◻☞③♦◷💣⚡ ☎ ◑♉♌ ✍↗☇↓↗☹⬀ ✍•➔⬀◑✐▣➔❑♌♦ ✐⚡⬂⬂⬄❀ بیان کردیم برای شما نشانه‌هائی که دشمنان شما را معرفی نموده و شما را از احوال و صفات‌شان باخبر می‌سازد. تا به وسیله آن آیات پند بگیرید. لذا آگاهی و عبرت آموخته و با آن‌ها دوستی نکنید چه آن‌ها غیر از فساد و شرارت و ضرر شما هدفی ندارند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با ترتیل و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به طور واضح بخوان و آنچه پوشیده است بیان کن.

3- شنوندگان را آگاه کن: که بر مسلمان حرام است که با کفار دوستی کرده و آن‌ها را به رازها و شئون قلبی خود مطلع سازد، چون آن‌ها برای مسلمانان جز ضرر و شر و فساد چیزی را دوست ندارند.

4- آن‌ها را باخبر کن: که احسان خداوند بر مسلمانان زیاد است، پس باید به اطاعت از دستورات خدا و رسولش شکر آن را به جا آرند و از مظاهر احسان خداوند، نصایح و توجیهاتی است که در این آیت وارد شده است.

درس 10: حدیث هر پیامبر جانشین و همراز دارد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَا بُعِثَ مِنْ نَبِيٍّ وَلاَ اسْتُخْلِفَ مِنْ خَلِيفَةٍ إِلاَّ كَانَتْ لَهُ بِطَانَتَانِ بِطَانَةٌ تَأْمُرُهُ بِالْخَيْرِ وَتَحُضُّهُ عَلَيْهِ وَبِطَانَةٌ تَأْمُرُهُ بِالشَّرِّ وَتَحُضُّهُ عَلَيْهِ وَالْمَعْصُومُ مَنْ عَصَمَ اللَّهُ.	گفته پیامبر ρ: هر پیامبری که مبعوث می‌شود و هر خلیفه‌ای که جانشین می گردد دو دوست و همراز دارد دوست و همرازی که او را به خیر امر می‌کند و به خیر وادار می کند و دوست و همرازی که او را به شر و فساد امر می کند و به شر وادارش می کند و معصوم کسی است که خداوند او را حفظ کرده است.

(رواه البخاری)

شرح: قوله صلى الله عليه وسلم: «**مَا بُعِثَ مِنْ نَبِيٍّ وَلاَ اسْتُخْلِفَ مِنْ خَلِيفَةٍ إِلاَّ كَانَتْ لَهُ بِطَانَتَانِ**».

این حدیث صحیح پیغمبر مشتمل بر نصیحتی گرانمایه است برای خلفاء و امراء امت اسلامی که آنان را از دوست و همراز فاسد و گمراه‌کننده که به جز فساد و تخریب قصدی دیگری ندارند برحذر می‌دارد.

پس کسی که به آن پی برد و بداند چگونه مکر آن را دفع کند نجات می‌یابد و کسی که زیرکی نداشته و به مکر او اطلاع پیدا نکند او را فاسد و هلاک می کند. هرگاه دو دوست صالح و فاسد وجود داشته باشد پس پذیرفته نیست، معذرت کسی که آراء فاسد را اختیار نموده و آراء خوب را ترک می کند. خصوصاً که حدیث فوق توضیح می‌دهد: که دوست خوب دستور به کار خیر داده و وادار به آن می کند و دوست فاسد دستور به کار زشت داده و انسان را به انجام آن وادار می‌سازد.

قوله ρ: «**وَالْمَعْصُومُ مَنْ عَصَمَ اللَّهُ**»: یعنی معصوم کسی است که خداوند او را از شر دوست فاسد حفظ نماید و کسی که از خداوند عصمت بطلبد و راه و اسباب آن را اختیار کند خداوند او را در عصمت خود نگهمیدارد. ازینجاست که بر آراء و توجیهات دوستان فاسد اعتماد نمی‌شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را چند مرتبه بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

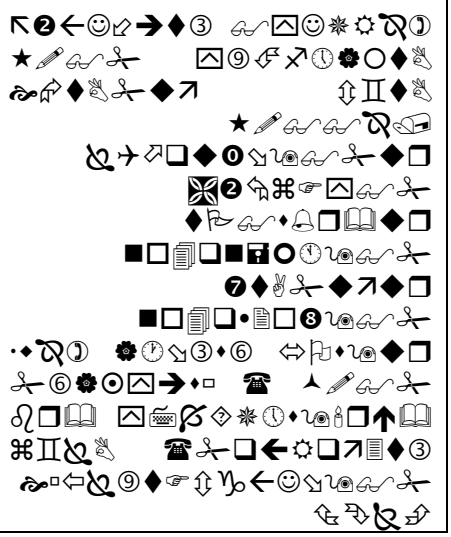
2- شرح را جمله بعد از جمله دیگری بخوان و آنچه لازم به توضیح است واضح کن.

3- به ایشان تذکر ده: که صالحین را به عنوان دوست و همراز انتخاب کند چون دوستی با نیکوکاران انسان را از هر کار بدی نگه می‌دارد و ایشان را از همنشینان بد برحذر دار که در ایشان هیچ خیری وجود ندارد.

4- آن‌ها را تعلیم ده: که حفاظت خداوند انسان را وابسته به دوستی بنده است با خدا که به او ایمان داشته یا از او بترسد. پس کسی که ایمان آورد و تقوی گزیند خداوند او را در پناه عصمت خود نگه می‌دارد.

5- آن‌ها را نصیحت کن: که اهل شر بر اهل خیر رحم نمی‌کنند، پس لازم است که از آن‌ها دوری نموده و اعتماد به آن‌ها نکند.

درس 11: آیهٔ ساختن و آبادی مساجد

قول الله عزوجل:	گفته خداوند بزرگ:
	(18) این است جز این نیست که آباد می‌کند مساجد خدا را آن که ایمان آورده است به خدا و روز آخر و به پا داشته است نماز را و داده است زکات را و نترسیده است جز خدا را، پس امید است که آنان باشند از هدایت‌شدگان.

[التوبه: 18]

شرح: قوله تعالی:  حضرت عباس τ قبل از این که به اسلام مشرف شود در جنگ بدر اسیر شد، بعضی از یاران خدا به او ایرادهائی می‌گرفتند، ولی حضرت عباس τ بعضی از محاسن و کارهای خوبی که انجام داده بود از جمله آبادانی مسجدالحرام را یادآور می‌شد. پس خداوند با نزول این آیت او را رد فرمود، به این مفهوم که کافر نمی‌تواند مسجدالحرام را یا مساجد دیگر را آباد کند، بلکه کسانی مساجد خدا را آباد می‌سازند که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند. خداوند این افتخار و منزلت را منحصر در کسی کرده است که ایمان به خدا داشته باشد، چنان ایمانی که اولاً در یگانه‌پرستی و اطاعت از امر و نهی خداوندی مفید باشد و ثانیاً به روز قیامت ایمان داشته باشد ایمانی که او را به توشه‌گرفتن برای قیامت وادار سازد، پس چنین مومنی در انجام کارهای خیر و نیکو پیشتازی می‌کند.

﴿❐◆🕮❐🕭•🔔❐📖◆❐❐■🖬❍🕐↪◉🖋✂ ♦🏳🖋•🔔❐📖◆❐❐■🖬❍🕐↪◉🖋✂﴾: و نماز را در وقت آن با جماعت مسلمین در خانه‌های خدا با رعایت شرائط و ارکان و فرائض و سنت‌های آن ادا کند، ﴿❐◆↗◆❐❐■❐•🗎❐❸↪◉🖋✂ ❼♦✌✂◆↗◆❐❐■❐•🗎❐❸↪◉🖋✂﴾: و هرگاه مالک نصاب زکات باشد و سال بر او گذشته باشد یا موسم برداشت محصول فرا رسد طبق دستور خداوند آن را پرداخت کند و در آخر: ﴿❐◆◉•🏳⇔ ⑥•③↘🕐❁◉•🏳⇔ ⑥•③↘🕐❁﴾: از هیچ جن و انسی نترسد که واجبی را ترک کند یا مرتکب حرامی شود و تنها از خدا بترسد و در اطاعتش کوتاهی نکرده و در هیچ حالی قصد نافرمانی آن را نکند. پس خداوند در حق چنین فرد و افرادی فیصله فرموده: که از راه یا بندگان به جوار و رضای او در بهشت باشند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با ترتیل تکرار کن تا بیشتر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را آرام بخوان و آنچه محتاج بیان است توضیح ده.

3- آن‌ها را آگاه کن: که عمارت مساجد به پاک‌نگهداشتن و اداء نماز و ذکر و دعا و آموختن علم و اعتکاف در آن‌هاست.

4- آن‌ها را تعلیم ده: که مسجد آداب خاصی دارد و کسی که به آبادانی مسجد علاقه دارد باید آن آداب را رعایت کند. از جمله آداب مسجد این است: که هنگامی که دهانش بوی بدی همچون بوی پیاز و سیر خام و سیگار دهد به مسجد داخل نشود، و همچنین جنب و حائض داخل مسجد نشود و از امور دنیوی گفتگو نشود. هنگام ورود به مسجد ابتداء پای راست را بگذارد و بگوید: «بسم الله والحمد لله والصلوة والسلام علی رسول الله اللهم اغفر ذنوبی وافتح لی أبواب رحمتک»: ترجمه: به نام خدا و ستایش برای خدا و درود و سلام بر رسول خدا، خدایا گناهانم را ببخشا و درهای رحمتت را بر من بگشای و هنگام بیرون‌شدن پای چپ را جلو گذاشته و دعای فوق را بخواند و به جای «أبواب رحمتک» الفاظ «أبواب فضلک» را بگوید: یعنی خدایا درهای فضل و بخشش خودت را بر من بگشا.

درس 12: حدیث شیطان گرگ انسان است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ الشَّيْطَانَ ذِئْبُ الإِنْسَانِ كَذِئْبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاحِيَةَ فَإِيَّاكُمْ وَالشِّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَماعَةِ وَالْعَامَّةِ والْمَسْجِدِ. **«رواه احمد»** **وقال عبد الرزاق عن عمرو بن ميمون الأودي قال: أدركت أصحاب محمد وهم يقولون: إن المساجد بيوت الله في الأرض وأنه حق على الله أن يكرم من زاره فيها.**	گفتهٔ پیامبر ρ: همانا شیطان گرگ انسان است، مانند گرگ که گوسفندی را که از گله دور است می‌گیرد، پس از تفرقه و جدائی‌ها بپرهیزید و جماعت و اکثریت و مسجد را لازم بگیرید. و عبدالرزاق از عمرو بن میمون اودی روایت کرده گفت: که اصحاب محمد ρ را دریافتم که می‌گفتند: مساجد، خانه‌های خدا در زمین است و بر خدا حق است که کسی که به زیارت او می‌آید او را اکرام کند.

(اخرجه ابن کثیر)

شرح: قوله ρ: «**إِنَّ الشَّيْطَانَ ذِئْبُ الإِنْسَانِ**»: یعنی شیطان گرگ انسان است او را می‌زند و اذیتش می‌کند و هنگامی که از مساجد و مجالس صالحین دوری کند، شیطان به سراغ او می‌آید. قوله ρ: «**كَذِئْبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاحِيَةَ**»: یعنی می‌گیرد گوسفندی را که از همنوعان و چوپان خود دور باشد. وقوله ρ: «**فَإِيَّاكُمْ وَالشِّعَابَ**»: مؤمنین را از کناره‌گیری از جماعت مسلمین و شرکت در جماعتی دیگر برحذر می‌دارد، چون این کار باعث ضعف و شکست مسلمین است. وقوله: «**وَعَلَيْكُمْ بِالْجَماعَةِ وَالْعَامَّةِ**»: شرکت در جماعت عمومی مسلمین را بر خود لازم بگیرید، و به جماعت‌های دیگر اعتماد نکنید. زیرا که در گروه‌گرایی قوت و شوکت اسلام از بین می‌رود و مسلمانان بازیچه دست شیاطین می‌شوند که راه‌های خود را به آنان جلوه می‌دهند و راه دیگران را زشت می‌گویند، آنگاه تفرقه و نزاع پیدا شده

و بالاخره به جنگ و خونریزی کشیده می‌شود و گفته عمرو بن میمون «**ادرکت**» إلی آخرالحدیث. شک نیست که مساجد، خانه‌های خدا در روی زمین است و نزد خدا ثابت است که مهمانان خود را مورد اکرام قرار می‌دهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح را به آرامش بخوان و آنچه لازم است توضیح ده.

3-آن‌ها را از جدائی جماعت مسلمین و شرکت در گردهمائی غیر مسلمین حذر ده.

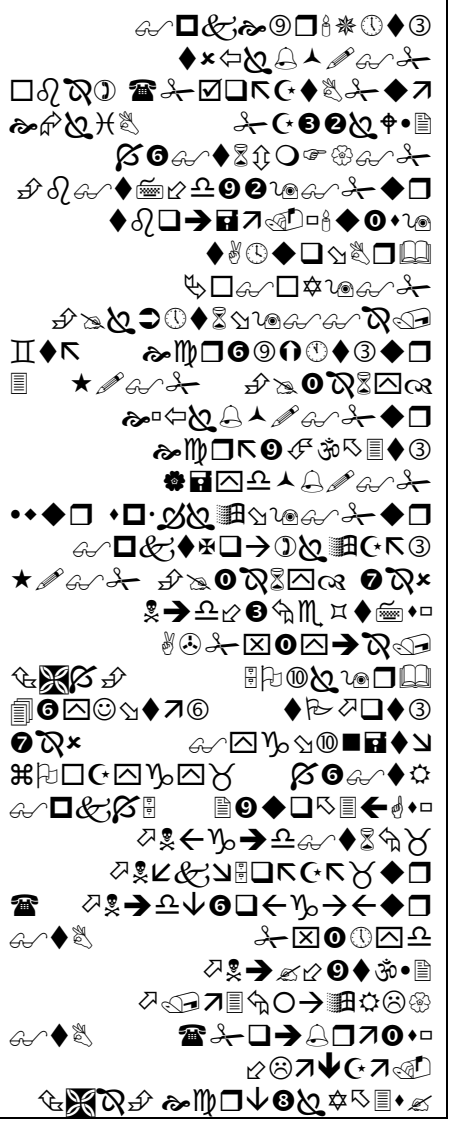
4-به آن‌ها خبر ده: که تشکیل‌دادن گروه‌ها و احزاب متفرق بر مسلمین حرام است.

5-آن‌ها را آگاه کن: که چگونه مسلمین متفرق شده و دولت‌های ضعیفی را تشکیل دادند و زیر یوغ استعمار کفار زندگی می‌کنند.

6- آن‌ها را از فضیلت و آداب مساجد و صلاح و علمی که نصیب اهل مسجد است آگاه کن.

درس 13: آیهٔ خوردن اموال توسط روحانیون یهود

قول الله تبارک وتعالی:



گفتهٔ خدای بزرگ:

(34) ای آنان که ایمان آوردید! همانا بسیاری از کشیشان و دیرنشینان می‌خورند اموال مردم را به ناروا و بازمی‌دارند از راه خدا و آنانکه میاندوزند طلا و نقره و نمی‌دهندش در راه خدا مژده‌شان ده به عذاب دردناک (35) روزی که گرم شوند در آتش دوزخ پس داغ شود بدانها پیشانیهاشان و پهلوهاشان و پشت‌هاشان اینست آنچه اندوختید برای خویشتن، پس بچشید آنچه را بودید میاندوختید.

[التوبه: 34 – 35]

شرح: قوله تعالی: ﴿ ﴾: خداوند بندگان مؤمن خویش را به وصف ایمان ندا می‌کند، چون ایمان به منزلت روح برای جسد است. پس صاحب ایمان زنده است و فاقد ایمان مرده است و به او ندا نمی‌شود. وقوله تعالی: ﴿ ﴾: مؤمنان را ندا می‌کند تا حقیقتی که برایشان مخفی بود آگاه سازد و آن این که بسیاری از علماء یهود و دیرنشینان نصاری ﴿ ﴾ مال مردم را به ناحق می‌خورند﴿ ﴾: و آن‌ها را از راه اسلام که انسان را به بهشت و رضای پروردگار وصل می‌کند بازمی‌دارند تا این که مناصب و ریاست دینی خود را نگهدارند و بر زیردستان و عوام یهود و نصاری ریاست کنند. بدین جهت همیشه با اسلام و مسلمین آماده نبرد بودند.

و قوله تعالی: ﴿ ﴾: این حکم عام است که علماء یهود و راهبان نصاری و دیگران را شامل می‌شود و وعیدی است از جانب خداوند برای هرکسی که طلا و نقره را جمع نموده و چیزی در راه خدا انفاق نکند و وعیدش چنین است که می‌فرماید: ﴿ ﴾: این وعید مربوط به قیامت است هنگامی که وارد دوزخ شوند که گنج‌های زر و سیم ورق شده گرم شود پیشانی و پهلو و پشت‌شان به آن داغ شود و گفته شود: این است آنچه ذخیره کردید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره کرده اید این یک نوع تمسخر و استهزاء است به ایشان که عذابیست معنوی و دردناک‌تر از عذاب حسی.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-این دو آیت را بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را بخوان و آنچه پوشیده است و نیازی به توضیح دارد بیان کن.

3-شنوندگان را آگاه کن: که دشمنی علماء یهود و رُهبان نصاری با اسلام و مسلمین به خاطر حفظ منافع دنیوی‌شان است.

2-آن‌ها را از فرمایش حضرت عمر τ باخبر کن که فرمودند: آن مالی که زکاتش اداء شود کنز نیست، گرچه زیر هفت طبقه زمین باشد و مالی که زکاتش داده نشود کنز است گرچه آن مال در جائی آشکار باشد.

درس 14: حدیث زکات برای پاکی اموال است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَفْرِضِ الزَّكَاةَ إِلاَّ لِيُطَيِّبَ بِهَا مَا بَقِيَ مِنْ أَمْوَالِكُمْ، وَإِنَّمَا فَرَضَ الْمَوَارِيثَ من اموال تبقى بَعْدَكُمْ. فَكَبَّرَ عُمَرُ. ثُمَّ قَالَ لَهُ النبي صلى الله عليه وسلم: أَلاَ أُخْبِرُكَ بِخَيْرِ مَا يَكْنِزُ الْمَرْءُ؟ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ الَّتِي إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّتْهُ وَإِذَا أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ.	گفتهٔ پیامبر ρ: خداوند زکات را فرض نکرد مگر این که باقی مانده مالتان را به وسیله آن پاک کند و همانا میراث را در مالی که از شما باقی مانده فرض کرد، پس حضرت عمر τ تکبیر گفت. سپس رسول خدا برایش فرمودند: آیا خبر دهم تو را به بهترین ذخیره انسان؟ زنی نیکوکاری که چون به او بنگرد او را شاد کند و چون به او دستور دهد اطاعت کند و در غیبت او از مال و آبرویش حفاظت کند.

(رواه غير واحد وقال الحاكم: صحيح على شرطهما أي البخاري ومسلم ولم يخرجاه)

شرح: قوله ρ: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَفْرِضِ... الخ»: هنگامی که آیت



(التوبة: 34 و 35). «و به کسانی که طلا و نقره ذخیره می‌نمایند و آن را در راه پروردگار انفاق نمی‌کنند، نوید عذابی دردناک بده. روزی که اندوخته‌هایشان را در آتش دوزخ بگذارند و با آن پیشانی، پهلو و پشتشان را داغ کنند؛ این همان گنجی است که برای خویش

اندوختید. پس سزای زراندوزی خود را بچشید». نازل شد مسلمانان احساس سنگینی و دشواری کردند، حضرت عمر τ فرمود: من این مشکل شما را برطرف می‌کنم، نزد رسول خدا رفته عرض کرد: ای رسول خدا! این آیت بر اصحاب شما سنگین آمده، رسول خدا ρ فرمودند: خداوند زکات را فرض کرد تا باقی مال شما را پاک سازد و میراث را در مال شما مقدر کرد تا برای کسانی باشد که بعد از شما اند. پس حضرت عمر τ تکبیر گفت و رسول خدا ρ فرمودند: آیا به تو خبر دهم که بهترین ذخیره انسان چیست؟ زن شایسته‌ای که چون به او بنگرد، او را شاد کند و چون به او دستور دهد اطاعت کند و در غیابش از مال و آبرویش حفاظت کند. این حدیث شریف مسلمانان را از دلتنگی که در اثر نزول آیت ﴿❒◆✂✍🕭🕯⇦▫③◆▤⬉🕸🖙❾❒⬈♍﴾ پیدا شده بود، بیرون آورد. چون از آن آیه دانسته می‌شد: که هرکسی مالی را ذخیره کند به خاطر آن عذاب خواهد شد، حضرت عمر τ به پیغمبرρ رجوع کرد تا این مشکل را حل کند و راه حل صحیحی دریافت کرد که هیچگونه تردیدی برای مؤمن باقی نماند و آن این که اگر ذخیره و جمع مال درست نمی‌بود و انفاق کل مال واجب بودی پس میراث و تو ارثی در شریعت وجود نمی‌داشت، با آن که میراث در سورۀ نساء و سنت پیغمبر اسلام ثابت شده است، پس دانسته شد که بنده به خاطر ذخیره و جمع مالی عذاب می‌شود که زکات آن را نداده باشد ولی آن مالی که زکات آن داده شود گرچه مدفون در زمین باشد، کنز و ذخیره محسوب نمی‌شود. و بعد از حل مشکل به فایده بزرگی دست یافتیم و آن این که بهترین کنز و ذخیره انسان زن نیکوکاری است که متصف به صفاتی باشد که حضرت رسول اکرم ρ بیان فرمودند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

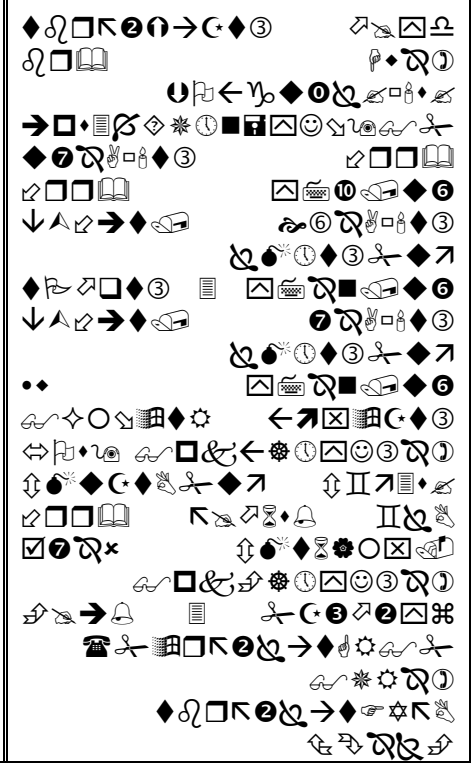
1-حدیث را به طور احسن بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را بخوان و آنچه لازم است توضیح ده.

3-شنوندگان را از رمز فرضیت زکات و پاک‌کردن باقی‌ماندۀ مال آگاه کن.

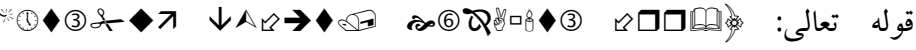
4-آن‌ها را باخبر کن: که بهترین ذخیره انسان زن ینکوکار و شایسته است که از شوهر اطاعت نموده و از مال و آبرویش نگهداری کند.

درس 15: آیهٔ کافران به انتظار عذاب خدا و...

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(158) آیا انتظار دیگری دارند جز آن که بیایند فرشتگان یا بیاید پروردگار تو یا بیاید بعضی از آیت‌های پروردگار تو، روزی که می‌آید بعض آیات پروردگار تو آنروز، هیچکس را ایمانش نفعی ندهد که قبل از آن ایمان نیاورده باشد و یا در ایمان خود خیر و سعادت کسب نکرده باشد. بگو: پس منتظر باشید که مائیم منتظران.

[انعام: 158]

شرح: قوله تعالی: ﴿  ﴾: استفهام برای نفی است یعنی انتظار نمی‌کشند جز این که فرشتگان برای قبض روح‌شان بیایند یا پروردگارت برای فیصله حکم در قیامت بیاید.

قوله تعالی: ﴿  ﴾: یعنی به ایمان خود منتظرند که بعضی علامات قیامت چون طلوع خورشید از مغرب ظاهر گردد. همانا آن موقف اصرار مشرکین بر تکذیب همچون موقف

کسی است که منتظر است تا فرشتگان برای قبض روح آن بیایند یا این که خداوند یا علامتی از قیامت چون طلوع خورشید از طرف مغرب بیاید.

وقوله تعالی: ﴿هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ﴾: یعنی روزی که بیاید بعضی علاماتی که بر نزدیک‌شدن قیامت دلالت کند و آن طلوع خورشید از مغرب است که علامت نزدیک‌شدن به لحظهٔ فناست. در این حال خداوند خبر می‌دهد: که اگر انسانی قبل از ظهور این علامات، ایمان نیاورد ایمان بعد از ظهور علامات، مقبول و مفید نیست. چون این ایمان، ایمان اضطراری است نه اختیاری. همچنانکه انسانی قبل از ظهور علامات قیامت ایمان آورده ولی در ایمانش خیری انجام نداده بلکه آن روز اراده خیر می کند، اینگونه ایمانی از او پذیرفته نمی‌شود و فایده‌ای برایش ندارد. چون در توبه بسته شده و دیگر بازشدنی نیست.

قوله تعالی: ﴿قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ﴾: ای رسول ما! بگو: برای مشرکین که دیگران را با پروردگار خود برابر می‌گیرند و بر شرک و تکذیب اصرار می کنند منتظر باشید ما نیز در انتظار هلاکت شما هستیم و قطعاً آن لحظهٔ هلاکت خواهد آمد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را خوب و مکرر بخوان تا شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه لازم است تفسیر کن.

3- شنوندگان را به تعجیل در توبه سفارش کن و برای توبه‌کردن در انتظار مرگ نباشند چون در هنگام نزع روح, توبه پذیرفته نمی‌شود.

4- به آنان خبر ده: که علامات کوچک قیامت نمودار شده و تنها علامات بزرگ باقیست که اگر یکی از آن پیدا شود همه پی در پی بوجود می‌آید و در توبه به اولین علامات که همانا طلوع خورشید از مغرب است بسته می‌شود.

درس 16: حدیث علامات قیامت

قول النبي صلى الله عليه وسلم: لاَ تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَرَوْا عَشْرَ آيَاتٍ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا والدخان والدابة وَخُرُوجَ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وخروج عيسى بن مريَم وخروج الدجال ثلاثة خُسُوفٍ خَسْفٍ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٍ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٍ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدَنَ تَسُوقُ النَّاسَ أَوْ تَحْشُرُ النَّاسَ تَبِيتُ مَعَهُمْ حَيْثُ بَاتُوا وَتَقِيلُ مَعَهُمْ حَيْثُ قَالُوا.	گفتهٔ پیامبر ρ: قیامت برپا نمی‌شود تا این که ده علامت را به‌بینید، طلوع خورشید از مغرب، ظهور دود و پیداشدن دابة، بیرون‌شدن یأجوج و مأجوج و خروج حضرت عیسی بن مریم و بیرون‌شدن دجال و سه خسف (فرورفتن بر زمین) است خسفی است به مشرق و خسفی است به مغرب و خسفی است به جزیرة العرب و آتشی که از عمق عدن بیرون می‌شود و مردم را حشر می‌کند، هرجا که مردم شب سپری می‌کنند این آتش با ایشان است و هرجا ظهر باشند آتش ملازم‌شان است.

شرح: قوله ρ: «**لاَ تَقُومُ السَّاعَةُ**»: یعنی لحظه فنا و پایان این دنیا و آغاز زندگی آخرت بوجود نمی‌آید.

قوله: «**حَتَّى تَرَوْا عَشْرَ آيَاتٍ طُلُوعُ الشَّمْسِ**»: در روایات وارد شده است که دخان چیزی است که بر انسان مومن همچون زکام عارض می‌شود، ولی در منافذ کافر فرو رفته تا این که سر آن همچون سری بریان در آتش می‌گردد.

در مورد دابه نیز وارد شده که از چاهی در کوه صفا بیرون شده و با مردم صحبت می‌کند. و داستان یأجوج و مأجوج در آخر سوره کهف آمده است و نزول حضرت عیسی به حدیث صحیح و به قرآن در سوره زخرف مذکور است. می‌فرماید: ﴿ ﴾ (الزخرف: 61). «و به راستی (ظهور دوباره‌ی) عیسی از نشانه‌های قیامت

است. پس هرگز در آن شک نکنید» و گفته پیامبر ρ «**وَتَحْشُرُ النَّاسَ**» روایت شده که مردم در فلسطین حشر می‌شوند چون فلسطین سرزمین محشر است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را چند بار تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

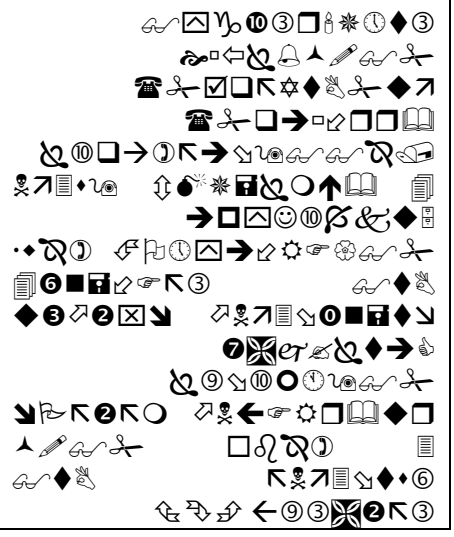
2-شرح را به آرامش بخوان و آنچه لازم است توضیح بده.

3-شنوندگان را خبر ده: که مراد از آیات علاماتی است که بر نزدیک‌شدن قیامت دلالت می‌کند.

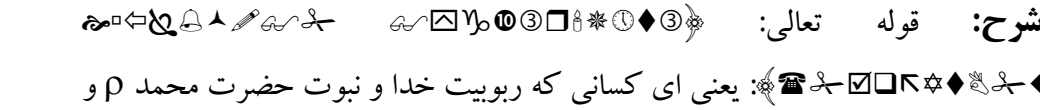
4-از ظاهر احادیث معلوم است که طلوع خورشید از مغرب اولین علامت از علامات دهگانه قیامت است.

5-آن‌ها را آگاه کن: که این حدیث را پیامبر اکرم ρ در منی در جمعی از صحابه ارشاد فرمودند: که آن‌ها بحث و گفتگو از قیامت داشتند.

درس 17: آیهٔ وفای مؤمنان به پیمان‌ها

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(1) ای اهل ایمان! وفا کنید به پیمان‌ها، حلال شده است برای شما دام‌های چهارپا مگر آنچه خوانده شود بر شما غیر حلال‌شمرندگان شکار, در حالی که هستید در احرام، همانا خداوند حکم می‌کند بدانچه می‌خواهد.

[المائده: 1]

شرح: قوله تعالی:  یعنی ای کسانی که ربوبیت خدا و نبوت حضرت محمد ρ و اسلام را به عنوان دین پذیرفتند، به عهد و پیمان خود وفا کنید. خداوند Ψ آن‌ها را به عنوان ایمان یاد می‌کند تا آن‌ها را به کاری که خیر و سعادت و نجات‌شان در آن است امر فرماید: که همانا وفاء به عهد و پیمان باشد و چون عهدها زیاد است از آنجمله عهدیست بین بنده و خدا چون کسی که به کلمه توحید لا اله الا الله ومحمد رسول الله اعتراف کند به تحقیق که با خدا عهد بسته که تنها ذات یگانه او را پرستش کند و کسی را شریک و همتای او قرار ندهد و در این مورد می‌فرماید:  (المائدهٔ: 7). «یعنی یاد کنید نعمت

خدا را که بر شما ارزانی داشت و عهد او را آن عهدی که بر شما استوار کرد که اطاعت کنید آنگاه که گفتید: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم». سپس در عقدهای بیع و شراء اجاره و نکاح و یا عهدهای دیگری که بین دو انسان برقرار می‌شود خلاف‌ورزی و عهدشکنی نکند. و به این عهدها وفا نماید به تحقیق که به سعادت و کمال رسیده است. وقوله تعالی: ﴿ ﴾: خداوند بر بندگان خود به نعمت حلال‌کردن حیوانات که بعضی آن‌ها را می‌خورند و بعضی آن‌ها را سوار می‌شوند منت می‌گذارد. «بهیمة الانعام»: مراد همان اصناف هشتگانه شتر و گاو و گوسفند است و خداوند به جمله ﴿ ﴾ محرمات را استثناء کرده است مانند خود مرده، خون، گوشت خنزیر و حیوانی که برای غیر خدا ذبح شده یعنی حیواناتی که برای بت‌ها یا قبرها و مزارها ذبح می‌شود. همچنانکه حرمت شکار در حال احرام به حج یا عمره را بیان کرد، سپس می‌گوید: که خداوند بزرگ آنچه بخواهد حلال و یا حرام می‌کند، چون اوست خدای برحق پس آنچه بخواهد حکم می‌کند و هیچ اعتراضی بر او نیست، چون او به مصالح بندگان خود دانا است پس بنابر مصلحت‌شان چیزی را مباح می‌کند یا بعضی را منع می‌کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیت را با ترتیل تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و آنچه بر شنوندگان مخفی است بیان کن.

3- آن‌ها را خبر ده: که وفا به هرعهد و پیمانی بین انسان و پروردگارش یا بین انسان و برادرش واجب است.

4- آن‌ها را به شکر نعمت وادار کن که شکر کند تا نعمت خدا زیاد شده و باقی بماند.

5- آن‌ها را آگاه کن: که خود مرده، خون و گوشت خنزیر و آنچه برای غیر خدا ذبح می‌شود خوردنش حلال نیست.

6-آن‌ها را آگاه کن: که شکارکردن بر محرم حرام است تا وقتی که از احرام فارغ شود.

درس 18: حدیث نامه پیامبر برای عمرو بن حزم

قول النبي صلى الله عليه وسلم في كتابه لعمرو بن حزم حين بعثه إلى اليمن يفقه أهلها ويعلمهم السنة ويأخذ صدقاتهم: **بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب من الله ورسوله يا أيها الذين آمنوا وفوا بالعقود هذا عهد من محمد رسول الله لعمرو بن حزم حين بعثه إلى اليمن آمره بتقوى الله في أمره كله فإن الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون.**	گفتهٔ پیامبر ρ: در نامه‌اش برای عمرو بن حزم، آنگاه که او را به یمن فرستاد تا اهل یمن را به مسائل دینی آگاه کند و سنت را به ایشان بیاموزد و صدقات‌شان را بگیرد و چنین نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم این نامه‌ایست از جانب خدا و رسولش ای مؤمنان به عهد خود وفا کنید و این عهدنامهٔ ایست از جانب محمد رسول خدا برای عمرو بن حزم که او را به یمن فرستاد او را به تقوای خدا در تمام امور دستور می‌دهد، چون که خدا با کسانی است که پرهیز می‌کنند و آنانکه نیکوکاران اند.

(رواه ابن ابی حاتم – أخرجه ابن جریر و ابن کثیر)

شرح: فرموده پیامبرρ: «**یفقه أهلها**» تا این که اهل یمن را به مسائل دین آگاه کند. لقول الرسول ρ: «**من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین**» «یعنی به کسی که خدا اراده نیکی داشته باشد او را به شرایع دین آگاه می‌کند». یعنی به راه‌های دین و چگونگی اداء و برپاداشتن شرایع دین آشنا می‌سازد و به او شناخت حکمت و امور دین را الهام می‌کند. گفته پیامبر ρ: «**هذا کتاب من الله ورسوله**». آری، این نامه‌ایست از جانب خدا و رسول، زیرا آیه که به وفا به عهد دستور می‌دهد از جانب خدا است که در سوره مائده آمده و نامه‌ای که به عمرو بن حزم می‌فرستد از جانب رسول خدا ρ است. گفته پیامبر: «**امره بتقوى الله في امره كله**». یعنی او را به ترس از خدا و مراقب دانستن خدا را در هر کاری که انجام می‌دهد امر نموده تا این که از

حقیقت و عدالت در هر دستوری که می‌دهد و یا حرفی که می‌زند یا حکمی که صادر می‌کند مخالفت نورزد و شک نیست که عمرو بن حزم به عنوان قاضی و حاکم و مفتی به سر می‌برد و پیامبر ρ وصیت خود را به این گفته خداوند: ﴿ (النحل: 128). یعنی «خدا با کسانی است که از خدا می‌ترسند وآنان نیکو کارند» ختم می‌کند. و آنان امر و نهی خدا را در هرکار کوچک و بزرگ رعایت می‌کنند. ﴿ و آنانکه نیکوکاران اند. چونکه گاهی بنده از خدا در مقابل امر و نهیش می‌ترسد، اما به خاطر نادانی و غفلت در اداء امر و نهی اشتباه می‌کند، پس تقوایش فائده نمی‌بخشد. چه بودن خدا با اهل تقوی اینست که فتح و نصرت خود را در ادای واجبات و طاعات خدا و رسولش به وی الهام کرده و او را بر انجام آن تأیید و نصرت می‌دهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را به تکرار بخوان: تا این که بیشتر سامعین آن را حفظ نمایند.

2-شرح را برای سامعین توضیح ده تا این که سامعین بفهمند.

3-آگاه کن: ایشان را که فرستادن علماء و نمایندگان به شهرها و اطراف برای تبلیغ اسلام و آشناکردن مردم به دین خدا توسط حاکم وقت مشروع, چه این کار به صلاح حال جامعه و استقامت امور آنست.

4-ایشان را آگاه کن: که وفاء به عهد واجب است و خلاف وعده یا شکستن آن جزء گناهان کبیره است.

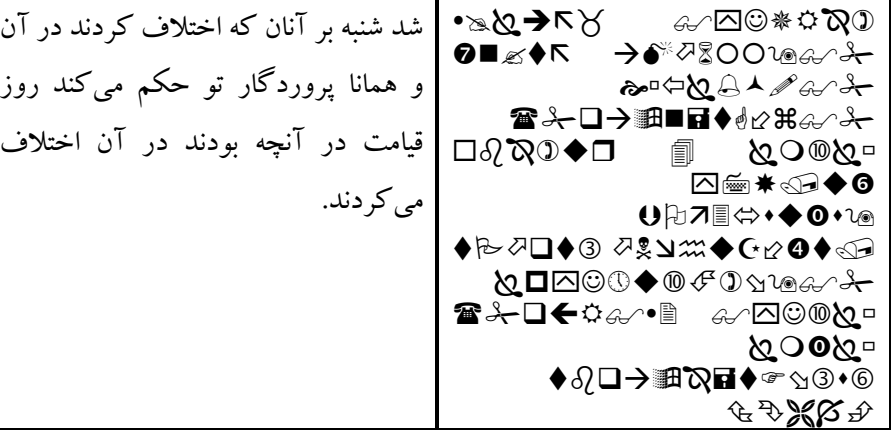
5-به ایشان تعلیم ده: که نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم در هرکاری مشروعیت دارد.

6-به ایشان تذکر ده: که رعایت تقوی خدا در هرکاری که بنده انجام می‌دهد واجب و ضروری است.

7-بشارت ده ایشان را به این که عاقبت خوب برای کسی است که در همه کارها از خدا بترسد.

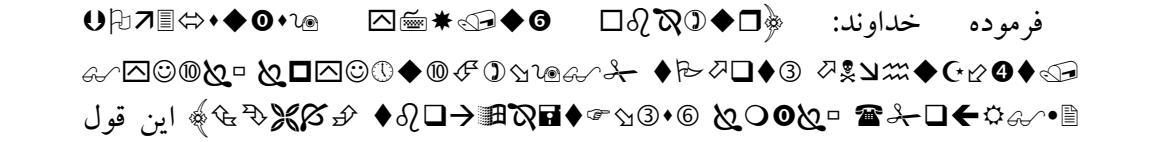
8-بشارت ده ایشان را که خدا همراه و مددگار اهل تقوا و احسان است.

درس 19: آیهٔ لزوم احترام روز شنبه بر یهود

قول الله تبارک وتعالی: 	گفتهٔ خدای بزرگ: (124) همانا نهاده شد شنبه بر آنان که اختلاف کردند در آن و همانا پروردگار تو حکم می‌کند روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف می‌کردند.

[نحل: 124]

شرح: فرموده خدای بزرگ:  خداوند تعالی در این آیت خبر می‌دهد: که تعظیم روز شنبه بر یهود به جهت عقوبت و انتقام از ایشان فرض شده زیرا تعظیم شنبه در آئین حضرت ابراهیم υ نبود و هرگاه خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که روز جمعه را تعظیم کنند بنی اسرائیل اختلاف کردند و از روی سرکشی و تکبر گفتند: که روزی که خداوند از آفرینش آسمان‌ها و زمین فارغ شده شنبه بوده است و شنبه را اختیار کردند. خداوند هم تعظیم شنبه را برایشان فرض کرد و به روز شنبه هم وفاء نکردند و شروع به حیله‌بازی کرده و شبکه‌های شکار را در روز شنبه گذاشتند و روز یکشنبه ماهی‌های فراوان شکار کردند.

فرموده خداوند:  این قول

خداوند وعدهٔ عذاب است که خداوند متعال آنان را به سبب تمرد و سرکشی و مخالفتی که با پیامبران‌شان می‌نمودند جزاء می‌دهد. اما آن کسانی که بعثت حضرت محمد ρ را دریافتند و ایمان آوردند و داخل اسلام شدند نجات یافته و سعادتمند شدند و آن کسانی که کافر شدند و داخل در اسلام نشدند خداوند آنان را به سبب کفرشان به بدترین و سخترین عذاب مجازات خواهد نمود پناه به خدا.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت را به تکرار بخوان تا این که بیشتر سامعین حفظ کنند.

2-جملات شرح مطالب را یکی پس از دیگری بیان کن تا دانسته شود.

3-ایشان را آگاه کن: به فضیلت روز جمعه و این که خداوند متعال یهود و نصاری را از فضل آن روز به سبب سرکشی و کفر ایشان محروم کرد و مسلمانان را به سبب ایمان و فرمانبرداری ایشان از خدا و رسول خدا ρ اکرام و احترام کرد.

4-ایشان را به حرام‌بودن اختلاف و عاقبت سوء اختلاف آگاه کن.

5-ایشان را آگاه کن: به حکم خداوند عادل به این که هرکسی را در قیامت نسبت به آنچه عمل کرده است از خوبی و بدی جزاء می‌دهد تا این که از بدی پرهیز کنند و خیر را لازم بگیرند و در دنیا و آخرت رستگار شوند.

درس 20: حدیث اختصاص روز جمعه به امت محمد ρ

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَضَلَّ اللَّهُ عَنِ الْجُمُعَةِ مَنْ كَانَ قَبْلَنَا فَكَانَ لِلْيَهُودِ يَوْمُ السَّبْتِ وَكَانَ لِلنَّصَارَى يَوْمُ الأَحَدِ فَجَاءَ اللَّهُ بِنَا فَهَدَانَا اللَّهُ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ وَالسَّبْتَ وَالأَحَدَ وَكَذَلِكَ هُمْ تَبَعٌ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَحْنُ الآخِرُونَ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالأَوَّلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمَقْضِيُّ بَيْنَهُمْ قَبْلَ الْخَلاَئِقِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: خداوند پشینیان ما را از جمعه منحرف کرد، یهود روز شنبه را انتخاب کردند و نصاری روز یکشنبه را و خداوند ما را بروز جمعه هدایت کرد پس جمعه و شنبه و یکشنبه قرار داد و ایشان در روز قیامت پیرو مایند. ما در دنیا در ردیف آخر و در روز قیامت در درجه اول قرار داریم و اولین امتی هستیم که پیش از همه مخلوقات در بین ما حکم می‌شود.

(رواه مسلم)

شرح: فرموده پیامبر ρ «**أَضَلَّ اللَّهُ عَنِ الْجُمُعَةِ**»، پیامبر ρ فرمودند: خداوند کسانی که قبل از ما بودند «یهود و نصاری» را به تعظیم روز جمعه راهنمائی نکرده و فرمود: «**فَكَانَ لِلْيَهُودِ يَوْمُ السَّبْتِ وَكَانَ لِلنَّصَارَى يَوْمُ الأَحَدِ**»: یعنی تعظیم روز شنبه برای یهود و تعظیم روز یکشنبه برای نصاری بود، چونکه این دو روز ایام تعطیلی و استراحت و اوقات عبادات باطله ایشان بوده است، زیرا که عبادات ایشان بر طریق صحیح نبوت نبوده است. قوله: «**فَهَدَانَا اللَّهُ**»: یعنی خداوند ما مسلمین را به تعظیم روز جمعه راهنمائی نمود، لذا جمعه روز استراحت ما از کار و روز عبادت و رفتن به طرف نماز جمعه و ذکر خداوند و خواندن قرآن و شنیدن خطبه و ادای نماز می‌باشد. قوله: «**فَجَعَلَ الْجُمُعَةَ وَالسَّبْتَ وَالأَحَدَ**»: یعنی روز جمعه اول است و شنبه دوم و یکشنبه سوم و این موضوع را بیان کرده می‌فرماید: «**فقال كذلك هم تبع لنا يوم القيامة كما هم تبع لنا في الدنيا**»: یعنی در آخرت آن‌ها پیرو ما هستند، چنانچه پیرو ما هستند در دنیا زیرا جمعه اول است و بعد از جمعه شنبه و بعد یکشنبه، و ما آخرین در دنیا و اولین در آخرت

هستیم. «**الْمَقْضِيُّ بَيْنَهُمْ قَبْلَ الْخَلاَئِقِ**»: مراد این است که عمل امت اسلامی قبل از اعمال دیگر امتان مورد محاسبه قرار می‌گرید و به این جهت پیامبر فرمودند: «**نحن الأولون. يوم القيامة**»: ما در قیامت اول می‌باشیم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به تکرار بخوان تا این که بیشتر سامعین حفظ کنند.

2- جملات شرح مطالب را توضیح ده تا این که خوب دانسته شود.

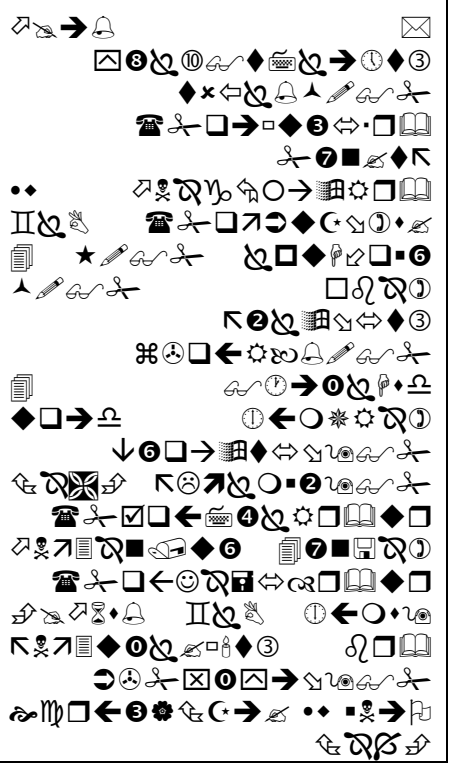
3- ایشان را آگاه کن: به گمراه‌بودن یهود و نصاری و در آخرت هم بدبختی و خسران دامنگیر آن‌هاست.

4- آگاه کن: ایشان را به برتری امت اسلامی و چگونگی آخربودن در دنیا و اول‌بودن در آخرت.

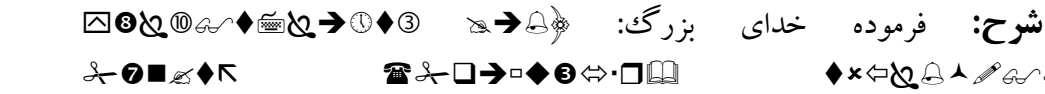
5- به ایشان تذکر ده: به فضیلت خدا به امت اسلامی داده که در روز قیامت قبل از همه امت‌ها حساب این امت تصفیه می‌شود.

6- ایشان را به اعتراف یهود و نصاری به کفر خود آگاه کن: چون وقتی که از یهودی می‌پرسی تو کیستی؟ می‌گوید: من یهودی‌ام و اگر از نصرانی بپرسی تو کیستی؟ می‌گوید: من نصرانی‌ام و اگر از مسلمانی بپرسی می‌گوید: من مسلمان هستم، پس هر گروهی بر علیه نفس خود شهادت می‌دهند و یهودیت و نصرانیت دوچیز بدعی هستند که پیروان ایشان در گمراهی و هلاکتند. اما اسلام دینی است که از طرف خدا برای اولین و آخرین مشروع شده است.

درس 21: آیهٔ آمرزش همه گناهان

قول الله تبارک وتعالی: 	گفتهٔ خدای بزرگ: (53) بگو ای بندگان من که اسراف کردند بر جان‌های خویش، نومید نباشید از رحمت خدا، همانا بیامرزد خدا گناهان را همگی, همانا اوست آمرزگار مهربان (54) و بازگردید به سوی پروردگارش خویش و تسلیم شوید برای او, پیش از این که برسد به شما عذاب سپس یاری نشوید.

[الزمر: 53 – 54]

شرح: فرموده خدای بزرگ:  الی آخر آیه، این آیت در بارهٔ گروهی از اهل شرک نازل شده است که مرتکب قتل و خونریزی شده بودند و زنا هم در بین‌شان زیاد شده بود، خدمت حضرت رسول ρ آمدند و گفتند: ای محمد! آنچه که تو می‌گوئی و مردم را به سوی آن می‌خوانی خوب است اما به ما خبر ده که کفاره اعمال بد ما چیست؟ آیه ذیل نازل شد آیه:



(الفرقان: 68). «و آنان که معبودی جز الله را نمی‌پرستند، و کسی را که پروردگار, خونش را حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند؛ و کسی مرتکب این اعمال شود، به مجازات سختی می‌رسد». و این آیت هم نازل شد ﴿... الآیه و در کتاب بخاری هم روایت شده که شأن نزول این آیات همین واقعه است.

قوله تعالی: ﴿... خداوند بندگان مسرف را مستقیماً خطاب نمی‌کند چون آلوده به شرک و گناه اند و اهلیت خطاب را ندارند، بلکه به پیامبرρ دستور می‌دهد که از جانب خدا به آن‌ها بگوید: ای بندگان من به علت آلودگی به گناهان و جرائم از رحمت خدا مأیوس نشوید، اگر توبه کنید خداوند همه گناهان را می‌بخشد هرقدر که گناه بزرگ باشد مانند شرک و قتل و زنا، زیرا خدا آمرزنده برای بندگان تائب است و به ایشان مهربان است، و هیگاه ایشان را از نور رحمت خود مأیوس نمی‌کند.

قوله تعالی: ﴿... در این جمله خداوند به پیامبرρ امر می‌کند که به سوال‌کنندگان برساند که به ایمان و توحید به خدا بازگردند و روحاً و جسماً تسلیم خدا شوند و قبل از این که حکم عذاب صادر شود و یار و یاوری نداشته باشند به سوی خدا بازگردند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیت را به ترتیل بخوان و تکرار کن تا این که حفظ شود.

2-جملات شرح مطالب را یک پس از دیگری بیان کن تا شنوندگان بفهمند.

3-ایشان را آگاه کن: که توبه واقعی تمام گناهان را محو می‌کند مگر حق بندگان که احتیاج به حلال خواستن دارد یا از حسنات ظالم برای مظلوم گرفته می‌شود.

4-ایشان را آگاه کن: که رجوع به سوی خدا و تسلیم قلب و ذات برای خدا تنها راه نجات انسان از عذاب است.

5-به ایشان تذکر ده: که در واقعه‌ای که سبب نزول آیات فوق بود پند است برای اندیشمندان.

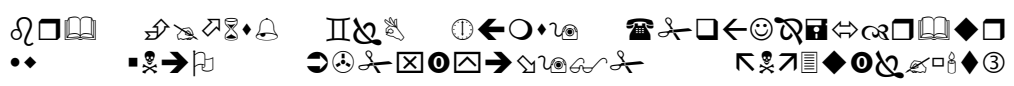
6-به ایشان تعلیم ده: که تعهدی که خدا برای آمرزش گناهان کرده است موقوف به توبه نصوح و خالص است.

درس 22: حدیث اگر خطاهای شما به پری آسمان...

قول النبي صلى الله عليه وسلم: والذى نفسى بيده لو أخطأتم حتى تملأ خطاياكم ما بين السماء والأرض ثم استغفرتم الله. لغفر لكم والذى نفس محمد بيده لو لم تخطئوا لجاء الله بقوم يخطئون ثم يستغفرون الله فيغفر لهم.	گفتهٔ پیامبر ρ: سوگند به آن ذاتی که نفس من به دست اوست. اگر خطا کنید که خطاهای شما بین آسمان و زمین را پر کند، سپس از خدا آمرزش بخواهید، خدا شما را می‌آمرزد و سوگند به ذاتی که نفس محمد به دست اوست اگر شما خطا نکنید خداوند قومی می‌آورد که خطا کنند و از خدا آمرزش بخواهند و خدا هم ایشان را بیامرزد.

(رواه احمد)

شرح: «**والذى نفسى بيده**»: این سوگند پیامبر ρ است و پیامبر ρ این نوع سوگند را انتخاب کردند و آنچه برای آن سوگند یاد کردند این گفتهٔ پیامبر است. «**لو أخطأتم**»: یعنی به ارتکاب منهیات و ترک واجبات گناه کنید و خطاهای شما چنان زیاد باشد که بین آسمان و زمین را پر کند که از این مقدار گناه بیشتر نیست، سپس توبه کنید و از خدا آمرزش بخواهید، خداوند می‌آمرزد. باز بار دوم سوگند یاد می‌کند و خبری را که می‌خواهد به بندگان بگوید تأکید می‌کند تا دل‌هایشان اطمینان پیدا کند و آنچه برای آن سوگند یاد می‌کند این گفته پیامبر ρ است: «لو لم تخطئوا»: یعنی اگر گناه نکنید هرآئینه خداوند قومی می‌آورد که خطا کنند سپس آمرزش بخواهند و خدا می‌آمرزد و مصداق آن در آیه زمر است که می‌فرماید: ♦×⇦♌♎➹🖉🖋✂ ⛝❽♌⑩🖋♦🖃♌➔🕓♦③ ⬀✍➔♎⁂ ••


(الزمر: 53 - 54). «بگو ای بندگان من که اسراف کردید بر جان خویش نومید نباشید از حرمت خدا همانا خدا بیامرزد گناهان را همگی همانا اوست آمرزگار مهربان و بازگردید به سوی پروردگار خویش و تسلیم شوید برایش پیش از آن که بیاید شما را عذاب، سپس یاری نشوید».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

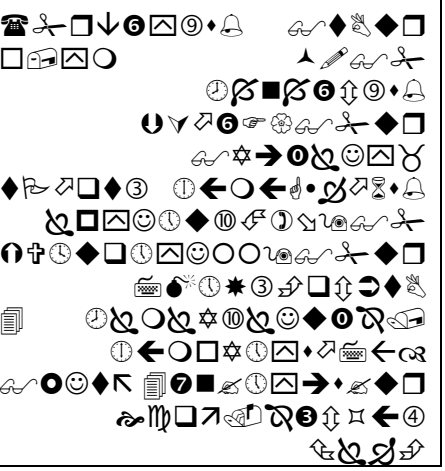
1- حدیث را بخوان و تکرار کن: تا شنوندگان آن را حفظ نمایند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه نیازی به توضیح دارد واضح کن.

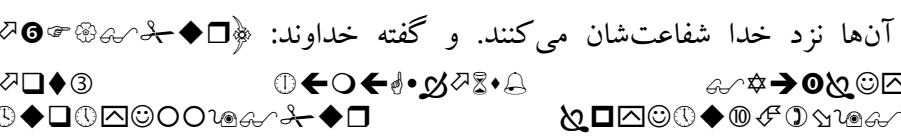
3- به ایشان تعلیم ده: که رحمت خدا بر غضبش سبقت گرفته و خداوند کسی را که توبه کند و آمرزش بخواهد هرقدر گناه کرده باشد خداوند توبه او را رد نمی‌کند.

4- ایشان را به توبه از هر گناه دعوت کن که توبه در هر روزی واجب است که همانا پیامبر ρ در روزی صد بار توبه کرده و آمرزش می‌خواستند.

درس 23: آیهٔ ارج نگذاشتن خداوند به گونهٔ لازم

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	و ارج نگذاشتند خدا را حق ارجمندیش و زمین همگی در چنگ او است روز قیامت و آسمان‌ها پیچیده اند به دستش منزه و برتر است او از آنچه شرک ورزند.

[الزمر: 67]

شرح: گفته خداوند:  : یعنی تعظیم نکردند خدا را به حق تعظیمش, چون خدا را نشناختند. و اگر می‌شناختند، سنگ‌ها را با او برابر نمی‌کردند و آن‌ها را با خدا نمی‌پرستیدند و نمی‌گفتند: که آن‌ها نزد خدا شفاعت‌شان می‌کنند. و گفته خداوند:  : آسمان‌ها و زمین همگی در دست خدا است و می‌گوید: «**أنا الملک أین الملوک**»: یعنی منهم ملک و پادشاه, کجا اند پادشاهان؟ پس کسی که صاحب این قدرت بزرگ است چگونه بتان و تمثال‌های بی‌جان با او یکسان پرستش شوند، و لذا خود را منزه و پاک می‌کند و می‌فرماید:  : یعنی پاک و منزه است از شریک و مانند و

همسر و فرزند و برتر است از این که شریکی داشته باشد و اوست پروردگار هرچیز و مالک آن.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را به تکرار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح را به آرامش بخوان و آنچه نیاز به توضیح دارد بیان کن تا فهمیده شود.

3- به ایشان تعلیم ده: کسی که برای خدا از خلقتش شریکی قرار می‌دهد یا نیازی را مانند مخلوقات به او نسبت می‌دهد مانند نیاز به همسر یا فرزند یا یاور یا مانند. همانا بر خدا دروغ بسته است و قدر خدا را نشناخته است.

4- به ایشان از عظمت و کبریائی و قدرت خدا تذکر ده تا او را بزرگ دانسته پرستش کنند و تکامل یافته و سعادتمند شوند.

5- به ایشان تعلیم ده: که عایشه ل گفت: از رسول خدا در بارهٔ گفته خداوند:



: سوال کردم و گفتم: یا رسول الله مردم در آن روز کجایند؟ پیامبر ρ فرمودند: بر پل جهنم اند ای عایشه.

درس 24: حدیث خداوند آسمان و زمین...

ما رواه البخاري ومسلم وغيرهما عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه: جَاءَ حَبْرٌ مِنْ الْأَحْبَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّا نَجِدُ أَنَّ اللَّهَ يَجْعَلُ السَّمَوَاتِ عَلَى إِصْبَعٍ وَالْأَرَضَ عَلَى إِصْبَعٍ وَالشَّجَرَ عَلَى إِصْبَعٍ وَالْمَاءَ وَالثَّرَى عَلَى إِصْبَعٍ وَسَائِرَ الْخَلَائِقِ عَلَى إِصْبَعٍ فَيَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ، فَضَحِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ تَصْدِيقًا لِقَوْلِ الْحَبْرِ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿	آنچه بخاری و مسلم و دیگران از عبدالله بن مسعود τ روایت کردند که گفت: دانشمندی از دانشمندان یهود نزد پیامبر ρ آمد و گفت: ای محمد! ما در کتاب خود می‌خوانیم که خداوند آسمان‌ها را بر یک انگشت و زمین‌ها را بر یک انگشت و درخت را بر انگشت دیگر و آب را بر یک انگشت و ثری را بر انگشت دیگر و باقی مخلوقات بر یک انگشت قرار می‌دهد. سپس می‌گوید: منم مالک و پادشاه، حضرت خندیدند تا این که دندان‌های نواجذشان ظاهر شد و گفته دانشمندان را تأیید کردند و سپس آیه ذیل را خواندند: وما قدروا الله حق قدره تا آخر یعنی ارج نگذاشتند خدا را حق ارجمندیش و زمین همگی در چنگ اوست روز قیامت و آسمان‌ها پیچیده اند به دستش.

(الآیه)

شرح: گفته او: « **حبر من أحبار اليهود**» یعنی عالم و دانشمندی از علماء یهود و گفته او «**انا نجد**»: یعنی در کتاب خود یافتیم و گفته پیامبرρ: «**يجعل السموات على اصبع الى آخر**».

این قراردادن آسمان‌ها و غیره بر انگشتان از جمله چیزهای است که واجب است بدان ایمان آوردن بدون این که کیفیت و چگونگی آن درک شود با اعتقاد به اینکه، ﴿  ﴾: (الشوری: 11). «نیست مانند او چیزی واو شنوای بینا است» و پیامبرρ از این گفته دانشمند یهودی خندیدند که دندان‌های نواجذشان ظاهر شد و این قطعاً دلیل بر این است که عالم یهودی در آنچه گفته راست است و گفتهٔ او را با خواندن آیه تأکید کردند ﴿  ﴾ (الزمر: 67). «و الله را آن‌گونه که باید و شاید، نشناختند و روز قیامت زمین در قبضه‌ی اوست و آسمان‌ها نیز در دست راستش پیچیده می‌شود. (الله) پاک و منزه و بس والا و برتر از چیزی است که شریکش قرار می‌دهند».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را بخوان و تکرار کن تا اکثر شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را به آرامش بخوان و آنچه پوشیده است توضیح ده تا شنوندگان بفهمند.

3-به ایشان تذکر ده: که ایمان به آنچه در حدیث وارد شده واجب است و بر آن حدیث مرور کند بدون این که برای آن کیفیتی ثابت کند و یا به چیزی تشبیه کند یا آن را منحرف کند.

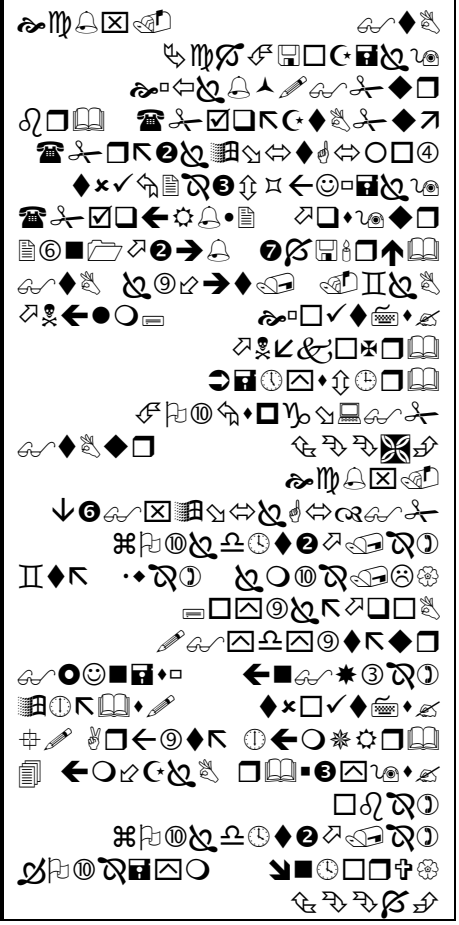
4-به ایشان بفهمان: که علماء یهود می‌دانستند که اسلام دین حق است و منافع دنیوی پست‌ها و مقام‌ها، ایشان را نمی‌گذاشت که در دین اسلام داخل شوند.

5-به ایشان تعلیم ده: کسی که به خدا شریک آورد به قدر خدا ارج ننهاده و کسی که خدا را به غیر آنچه خدا یا رسولش وصف کرده توصیف می‌کند قدر خدا را ارج

ننهاده و کسی که برای صفات خدا کیفیت ثابت می‌کند یا آن را تأویل یا انحراف می‌کند قدر خدا را نشناخته است.

درس 25: آیهٔ استغفار برای مشرکان سزاوار نیست

قول الله تبارک وتعالی:



گفتهٔ خدای بزرگ:

(113) نسزد پیامبر و نه آنان را که ایمان آوردند این که آمرزش خواهند برای مشرکان و اگرچه باشند خویشاوندان. پس از آن که آشکار شد برای ایشان که آنانند یاران دوزخ. (114) و نبود آمرزش خواستن ابراهیم برای پدر خود جز از روی وعده که بدو داد. سپس آنگاه که آشکار شد برای او آن که وی دشمنی است برای خدا بیزاری جست از او, همانا ابراهیم بسیار زاری‌کننده شکیباست.

[توبه: 113 – 114]

شرح: گفته خداوند:  یعنی: مناسب نیست برای پیامبر حضرت محمد و پیروان مومنش که برای مشرکین درخواست مغفرت کنند، هرچند

که او از خویشاوندان‌شان باشند، پس از آن که برای‌شان واضح شد که ایشان یاران دوزخ اند، زیرا خداوند خبر داده که مشرک را نمی‌آمرزد که فرموده: ﴿ (النساء: 48). یعنی «خداوند مشرک را نمی‌آمرزد». و در جای دیگر فرموده: ﴿ (المائدة: 72). «کسی که به خدا شرک ورزد خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است وستمکاران هیچ یاوری ندارند». و مؤید این موضوع روایتی است که پیامبرρ برای عمویش ابی طالب گفت: من برایت آمرزش می‌خواهم: تا وقتی که منع نشوم آیه فوق نازل شد و از استغفار برای مشرکین منع شد، اگرچه خویشاوندان و اقوام نزدیک او باشند و کسی که می‌گوید: که حضرت ابراهیم به پدرش استغفار خواسته در جوابش گفته می‌شود: که حضرت ابراهیم υ برای پدر خود وعده استغفار داده بود و نمی‌دانست که بر شرک می‌میرد و چون بر شرک مرد، استغفار را ترک کرد و این معنی گفته خداوند است. ﴿ (التوبة: 114). «طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش فقط به‌موجب وعده‌ای بود که به او داده بود و چون برایش روشن شد که او دشمن پروردگار است، از او بیزاری جست. به‌راستی ابراهیم خداترس و بردبار بود». اینطور برای پدرش وعده استغفار داده بود و شأن شخص بردبار، دل‌رحم، غمخوار و دلسوز همین است، چون روحش صفائیت داشته و خلقش عظیم است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-دو آیه را با ترتیل تکرار کن تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را به آرامش بخوان و آنچه نیازی به توضیح دارد بیان کن تا فهمیده شود.

3-به ایشان تعلیم ده: که آمرزش‌خواستن برای کسی که بر شرک و کفر بمیرد درست نیست، اگرچه پدر یا مادر باشد.

4-به ایشان بفهمان: که خداوند پیامبر را از آمرزش‌خواستن برای عمویش ابی طالب منع کرد، همچنانکه او را از آمرزش‌خواستن برای مادرش نهی فرمود، آنگاه که پیامبر می‌فرماید، از خداوند اجازه خواستم که قبر مادرم را زیارت کنم، خداوند اجازه داد و اجازه خواستم که برای مادرم آمرزش بخواهم خداوند اجازه نداد.

درس 26: حدیث وفات ابوطالب

قول النبي صلى الله عليه وسلم في رواية مسلم: لَمَّا حَضَرَتْ أَبَا طَالِبٍ الْوَفَاةُ جَاءَهُ رَسُولُ اللَّهِ ρ فَوَجَدَ عِنْدَهُ أَبَا جَهْلٍ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي أُمَيَّةَ بْنِ الْمُغِيرَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «يَا عَمِّ! قُلْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. كَلِمَةً أَشْهَدُ لَكَ بِهَا عِنْدَ اللَّهِ». فَقَالَ أَبُو جَهْلٍ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي أُمَيَّةَ: يَا أَبَا طَالِبٍ! أَتَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ. فَلَمْ يَزَلْ رَسُولُ اللَّهِ ρ يَعْرِضُهَا عَلَيْهِ وَيُعِيدُ لَهُ تِلْكَ الْمَقَالَةَ حَتَّى قَالَ أَبُو طَالِبٍ آخِرَ مَا كَلَّمَهُمْ هُوَ عَلَى مِلَّةِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ. وَأَبَى أَنْ يَقُولَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ρ: «أَمَا وَاللَّهِ لأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ مَا لَمْ أُنْهَ عَنْكَ»...	مسلم روایت می‌کند که هرگاه مرگ ابوطالب فرا رسید، پیامبر ρ نزدش آمدند و ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه آنجا نشسته بودند، پیامبرρ فرمودند: ای عمو! بگو: لا اله الا الله تا به این کلمه به نزد خدا از تو دفاع کنم، ابوجهل و عبدالله گفتند: ای ابوطالب! از ملت عبدالمطلب روی می‌گردانی؟ و پیامبر کلمه توحید به او عرض می‌کردند و ابی جهل و عبدالله گفته خود را تکرار می‌کردند تا این که آخرین سخن وی این بود که گفت: من بر ملت عبدالمطلب هستم و کلمه توحید را نگفت پیامبر ρ فرمودند: سوگند! به خدای برای تو آمرزش می‌خواهم تا وقتی که منع نشوم.

شرح: ابوطالب پسر عبدالمطلب عموی پیامبرρ بود و همیشه غمخوار پیامبر و اذیت و آزار دشمنان او را دفع می‌کرد و قبل از هجرت در مکه مرد و چون مریض شد پیامبر به دیدنش رفتند و بعضی بزرگان قریش نزدش نشسته بودند، پیامبر کلمهٔ توحید را بر او عرض کردند و او از بزرگان قریش ترسید و کلمه را قبول نکرد و بر شرک مُرد و پیامبرρ به او وعده کردند و گفتند: سوگند به خدا برایت آمرزش می‌خواهم تا منع نشوم، این آیت نازل شد و از آمرزش خواستن برای مشرکین منع شد و پیامبر هم برای ابوطالب و مادر و دیگر اقوام مشرک خود استغفار نکردند، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿♍☒♦ ♍☒♍♓

﴿ (التوبة: 113). ترجمه: «نسزد پیامبر و نه آنان را که ایمان آوردند این که آمرزش بخواهند برای مشرکین و اگرچه باشند خویشاوندان، پس از آن که آشکار شد برای ایشان که آنانند یاران دوزخ».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را بخوان و شنونده‌ها با تو بخوانند تا بیشترشان آن را حفظ کنند.

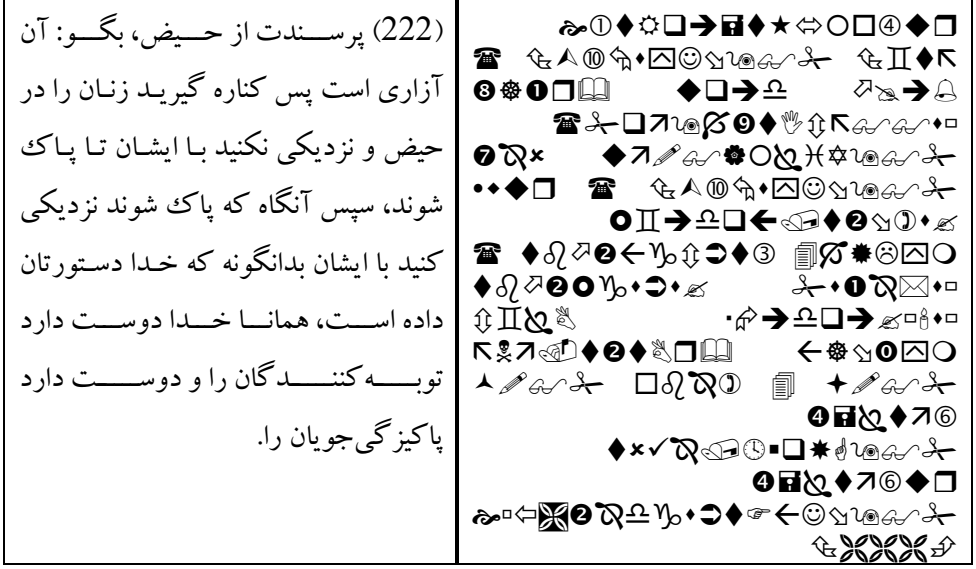
2- شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه نیاز به توضیح دارد واضح کن تا فهمیده شود.

3- به ایشان تعلیم ده: کسی که قبل از مرگ با اخلاق و یقین لا اله الا الله بگوید: دوزخ بر اوحرام است و جنت برایش واجب است.

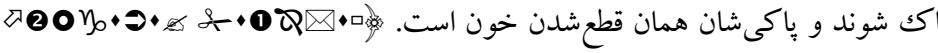
4- به ایشان تعلیم ده: که نماز جنازه بر کسی که بر شرک یا کفر بمیرد، جواز ندارد، زیرا که استغفار برای مشرک حرام است.

5- ایشان را به فضیلت استفغار تذکر ده: که راه و باب توبه استغفار است، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿ (هود: 90). «آمرزش بخواهید از پروردگار خود و بازگردید به سوی او، به‌راستی که پروردگارم، مهربان و دوستدارِ (توبه‌کنندگان) است». زیرا کسی که آمرزش بخواهد اعتراف به گناه می‌کند و می‌تواند توبه کند، اما کسی که اعتراف به گناه نکند، چگونه از آن توبه می‌کند.

درس 27: آیهٔ عدم نزدیکی به زنان در حال حیض

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(222) پرسندت از حیض، بگو: آن آزاری است پس کناره گیرید زنان را در حیض و نزدیکی نکنید با ایشان تا پاک شوند، سپس آنگاه که پاک شوند نزدیکی کنید با ایشان بدانگونه که خدا دستورتان داده است، همانا خدا دوست دارد توبه کنندگان را و دوست دارد پاکیزگی‌جویان را.

[بقره: 222]

شرح: برای آیه  سبب نزولی نقل شده و آن این که یهود مدینه عادت داشتند هرگاه زن حیض (عادت) می‌شد، با او غذا نمی‌خوردند و مجامعت و آمیزش نمی‌کردند و در مجلس نازل فرمود و محیض بر جای حیض و زنان حیض و خونی که از حرم زن غیر حامله بیرون شده اطلاق می‌شود و خداوند فرمود:  ای پیامبر! بگو که حیض ضرری است که به آمیزش‌کننده در ایام حیض می‌رسد، پس باید در ایام حیض، جماع زن‌ها را ترک گفت نه صحبت و نشست و برخاست با آن‌ها را, تا وقتی که پاک شوند و پاکی‌شان همان قطع‌شدن خون است.  آنگاه که بعد از پاکی غسل کردند، پس با آن‌ها از طرف جلو و پیش آمیزش کنید و گفته خداوند: 

 به همین علتی که خداوند توابین و پاکیزگان را دوست دارد، شما را از آمیزش زن حائض منع فرموده است تا پاک شده و غسل کند و ذکر توبه با پاکی برای این است که خداوند دوست ندارد کسی را که از نجاست ظاهری پاک بوده ولی از نجاست معنوی پاک نباشد، خداوند کسی را دوست دارد که از هردو نجاست ظاهری و معنوی پاک باشد و پاکی معنوی به توبه از گناه است نه شستن به آب.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را تکرار کن تا شنوندگان حفظ کند.

2- شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه نیازی به توضیح دارد واضح کن.

3- به ایشان تعلیم ده: که حیض خونی است که از رحم زن بیرون می‌شود و غالباً فرمز و سیاه و بدبو است که یک قطره و بیشتر از آن بیرون می‌شود و اقل مدت حیض سه شبانه روز و اکثرش ده روز است «در نزد ابی حنیفه» و زائد بر ده روز استحاضه است.

4- به ایشان تعلیم ده: که استحاضه خونی غیر از حیض است که آن را قاذل می‌گویند، زن مستحاضه روزه می‌گیرد، نماز می‌خواند و به مسجد می‌رود و با او آمیزش می‌شود و برای هروقت نمازی وضوء می‌گیرد و روایات در این زمینه وارد شده است.

5- به ایشان تعلیم ده: که زن حائض نماز نخواند و روزه نگیرد و با او آمیزش نشود و به مسجد نرود و قرآن نخواند و تنها روزه را قضا بیاورد نه نماز را.

6- به ایشان تذکر ده: کسی که در حال حیض آمیزش کند باید توبه کند و از خدا آمرزش بخواهد و صدقه‌ای بدهد که کفاره گناهانش بشود.

درس 28: حدیث مقاربت جنسی با زن حائض

قول النبي صلى الله عليه وسلم: اصْنَعُوا كُلَّ شَيْءٍ إِلاَّ النِّكَاحَ.	گفتهٔ پیامبر ρ: با زن حائض هرکاری انجام دهید بجز آمیزش.

(رواه احمد عن ثابت البنانی عن انس رضی الله عنه)

شرح: گفته پیامبر ρ: «**اصْنَعُوا كُلَّ شَيْءٍ إِلاَّ النِّكَاحَ**»: یعنی با زن حائض هرکاری از نشستن، خوردن، آشامیدن و خوابیدن انجام دهید به جز آمیزش که درست نیست و در این زمینه از حضرت عایشه ل سوال شد در جواب فرمود: که مرد هرنوع استفاده را از زن حائض بکند بجز جماع و گفت: که پیامبر ρ در شب نماز را طولانی می‌کردند، سرما می‌خوردند، نزد من می‌آمدند و می‌گفتند: پاهای خود را لخت کن و من پاهای خود را برهنه می‌کردم و ایشان صورت و سینه خود را بر ران من می‌گذاشتند و من هم خود را خم می‌کردم تا گرم شوند و می‌خوابیدند و عایشه ل می‌گفت: سر پیامبر را می‌شستم در حالی که حائض بودم و پیامبر ρ بر من تکیه می‌دادند و قرآن می‌خواندند و من در حال عادت بودم و موضوع فوق را روایت امام احمد از ثابت بنانی از انس بن مالك τ تأیید می‌کند که حضرت انس τ گفت: عادت یهود چنین بود که هرگاه زن عادت می شد با او غذا نمی‌خوردند و جماع نمی‌کردند، اصحاب از پیامبرρ سوال کردند خداوند آیت ﴿❒◆④□○⇔★♦➔❑☼♦①﴾ ﴿⇱♦Ⅱ⇖ ✂ ⑩⇖♦▱☺ ❀ ⇖﴾: نازل کرد و پیامبرρ فرمودند: هرکاری انجام دهید بجز جماع و معنی این روایت این است که می‌توان با زن حائض بازی کرد و از تمام بدنش استفاده کرد به جز زیر ناف تا زیر زانو.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث را با تکرار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

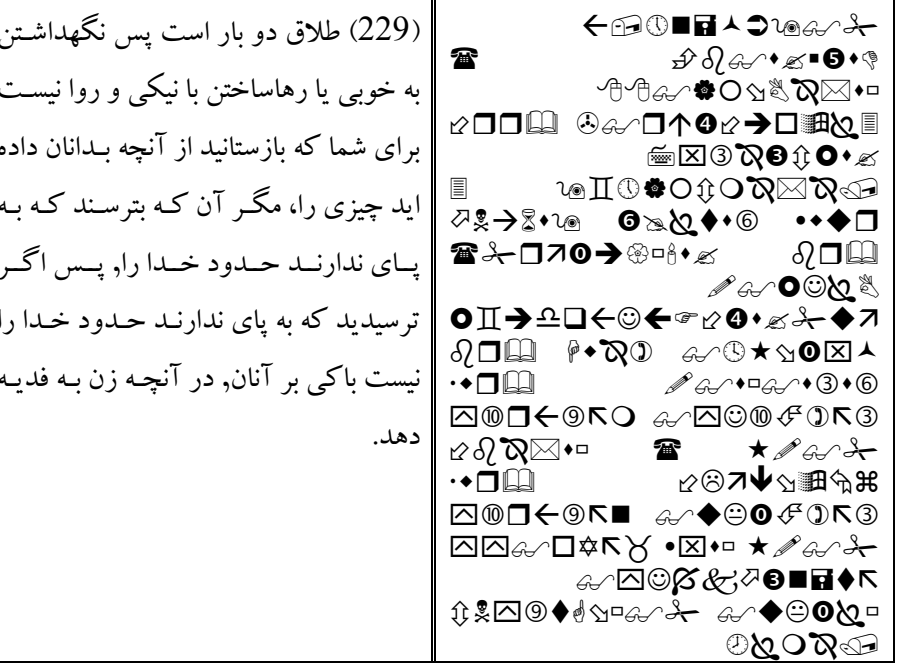
2-شرح را جمله به جمله بخوان و آنچه نیازی به توضیح دارد واضح کن تا فهمیده شود.

3-به ایشان تعلیم ده: که زن حائض نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد و جماع با او نمی‌شود و به مسجد نرود و روزه را قضا آورد نه نماز را.

4-به ایشان تعلیم ده: که مرد می‌تواند از زن حائض به جز عورت غلیظه استفاده کند و بهتر آنست که از زیر ناف تا زانو بپرهیزد.

5-به ایشان تعلیم ده: که کسی که زن خود را در حال حایض آمیزش می‌کند مرتکب گناه شد و بر وی لازم است که توبه نصوح کرده و استغفار کند و صدقه‌ای بپردازد که آن نشانه توبه است.

درس 29: آیهٔ طلاق رجعی دوبار است

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(229) طلاق دو بار است پس نگهداشتن به خوبی یا رهاساختن با نیکی و روا نیست برای شما که بازستانید از آنچه بدانان داده اید چیزی را، مگر آن که بترسند که به پای ندارند حدود خدا را, پس اگر ترسیدید که به پای ندارند حدود خدا را نیست باکی بر آنان, در آنچه زن به فدیه دهد.

[بقره: 229]

شرح: گفته خداوند:  خداوند در این آیه عادت بعضی مؤمنین را که با زن‌های خود داشتند رد می‌کند و آن چنین بود: که مرد، زن خود را طلاق می‌داد و چون نزدیک بود که عده‌اش تمام شود به وی مراجعه می‌کرد و همین که ناراحتی پیش می‌آمد مجدداً او را طلاق می‌داد و باز در پایان روزهای عده به وی مراجعه می‌نمود که این عمل سبب اذیت و آزار زن می‌گردید. خداوند آیه فوق را نازل کرد و فرمود: طلاق دوبار است که یکبار طلاق دهد و مراجعت کند سپس بار دوم طلاق دهد و باز رجوع کند، پس از طلاق دوم یک راه وجود دارد که یا به خوبی زن را نگه دارد یا به خوبی رها کند و دیگر حق رجوع ندارد، مگر

این که زن شوهر بگیرد و باز این شوهر دوم بمیرد یا طلاقش دهد، آنگاه شوهر اول با حضور ولی و تعیین مهر و حضور شهود و اجرای صیغه عقد می‌تواند با آن ازدواج مجدد نماید و گفته خداوند: ﴿☎✂❒↗➊➔❀▫🕯♦✍ ♌❒🕮 ⬀☠➔⌛♦🕸 ❻✍♌♦♦⑥ ••◆❒﴾ ☎✂❒↗➊➔❀▫🕯♦✍ ♌❒🕮 ⬀☠➔⌛♦🕸 ❻✍♌♦♦⑥ ••◆❒﴾ و روا نیست برای شما که بازستانید از آنچه به آنان داده اید چیزی را از مهر مگر به رضایت‌شان یا این که بترسند که به پای ندارند حدود خدا را در این هنگام زن می‌تواند که نفس خود را خلع کند یعنی مهری که گرفته به شوهر مسترد کند و از وی جدا شود و آنگاه که جدا شد، به گذشتن حیض عده‌اش تمام شده و می‌تواند شوهر دیگری بگیرد و این است معنی آیه ﴿▫♦☒•⇳☠🜲⑨♦✌▫✍✂ ✍◆😑➊♌▫ ✍🜲☺🜨🖍❸■🖬♦↖ 🜲🜲✍❒✡↖♉⇳☠🜲⑨♦✌▫✍✂ ✍◆😑➊♌▫ ✍🜲☺🜨🖍❸■🖬♦↖ 🜲🜲✍❒✡↖♉﴾

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آن دو آیت را چند بار و با آرامش بخوان تا اکثر شنوندگان آن را حفظ کنند.

2- شرح را بخوان و آنچه بر مستمعین پوشیده است بیان کن تا فهمیده شود.

3- به ایشان تذکر ده: کسی که زن خود را دوبار طلاق داد برای او به جز یک طلاق باقی نمی‌ماند و هرگاه طلاق سوم را گفت، حق رجوع ندارد تا این که شوهر دیگری را بگیرد.

4- به ایشان بفهمان: که برای مرد درست نیست که زنش را اذیت کند که او را وادار به مخالفت کند و اگرچنین کند حق در فدیه ندارد هرچند کم باشد.

5- به ایشان تعلیم ده: که خداوند خلع را به جهت دفع ضرر مباح کرده است.

درس 30: حدیث زنی که بدون عذر از شوهرش جدا می‌شود

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلاَقَ فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: هر زنی که طلاق را از شوهر خود بدون هیچ نوعی ضرر یا عذر شرعی درخواست کند جنت بر وی حرام است.

(رواه البخاری)

شرح: فرموده پیامبر اسلام ρ که می‌فرمایند: «**أَيُّمَا امْرَأَةٍ**» این لفظ عام است هر زن شوهرداری از زنان مسلمان را شامل می‌شود و معنای «**سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلاَقَ**»: یعنی طلب کند از شوهر خود طلاق و جدایی را و معنای «**فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ**»: یعنی بدون کدام ضرر که از طرف شوهر به زن رسیده باشد، زیرا اگر ضرری از طرف شوهر متوجه زن می‌شود و زن طاقت صبر بر آن ضرر را نداشت این حق را دارد که از شوهر خود طلاق را درخواست کند و حتی می‌تواند برای شوهر خود فدیه و عوضی بدهد، بدین صورت که آنچه شوهر خرج کرده از مهر و دیگر مصارف آن را مسترد کند تا که شوهر وی را طلاق دهد و فدیه‌دادن زمانی درست است که ضرر از طرف شوهر عمدی نباشد، زیرا حلال نیست که شوهر زنش را در تنگنا قرار دهد و به او آسیب رساند تا این که زن چیزی را در بدل طلاق به شوهر بپردازد، و خلع «یعنی طلاق با عوض» هنگامی درست است که نارضایتی زن از چیزی طبیعی باشد که شوهر در آن دخل نداشته باشد و زن هم نتوان به آن حالت صبر کند در این صورت می‌تواند چیزی را به شوهر بپردازد تا شوهر وی را طلاق داده چنانچه این مورد برای زن «ثابت ابن قیس» اتفاق افتاد، زیرا که زن ثابت, از شوهر خود متنفر بود و ثابت باغی را به عنوان مهریه به زن خود داده بود، این زن خدمت رسول خدا ρ آمد و از ثابت شکایت نمود و گفت: قصد جداشدن دارد و نمی‌خواهد که با ثابت زندگی نماید، پیامبر اسلام ρ فرمودند: آیا حاضر هستی که باغ ثابت را به وی بازگردانی تا او تو را طلاق دهد، گفت: آری یا رسول

الله. پس ثابت باغ خود را گرفت و با او خُلع کرد و از همدیگر جدا شدند، اما این که خلع، طلاق بشمار می‌رود یا خیر در میان فقها اختلاف است، آنانی که خلع را طلاق حساب می‌کنند عده طلاق را که سه حیض است بر زن واجب می‌دارند و آنانی که خلع را فسخ می‌دانند و طلاق محسوب نمی‌کنند عده را بر وی واجب نمی‌دانند و می‌گویند: زن باید در خلع, یک حیض سپری نماید تا معلوم شود که حامله نیست و بعد از آن می‌تواند با شوهر دیگری ازدواج کند و گفته پیامبر اسلام ρ که فرمودند: «**فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ**» بیانگر مجازاتی است برای زنی که بدون این که برایش زیانی رسیده باشد تقاضای طلاق می‌نماید و آن این که جنت بر او حرام است، این فقط حکم است و اگر خدا بخواهد گناه زن را می‌بخشد و او را در جنت داخل می‌کند و این کار برای خداوند آسان است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- حدیث را به آرامش بخوان و شنوندگان هم با تو تکرار کنند تا بدانی که اکثرشان آن را حفظ کرده اند.

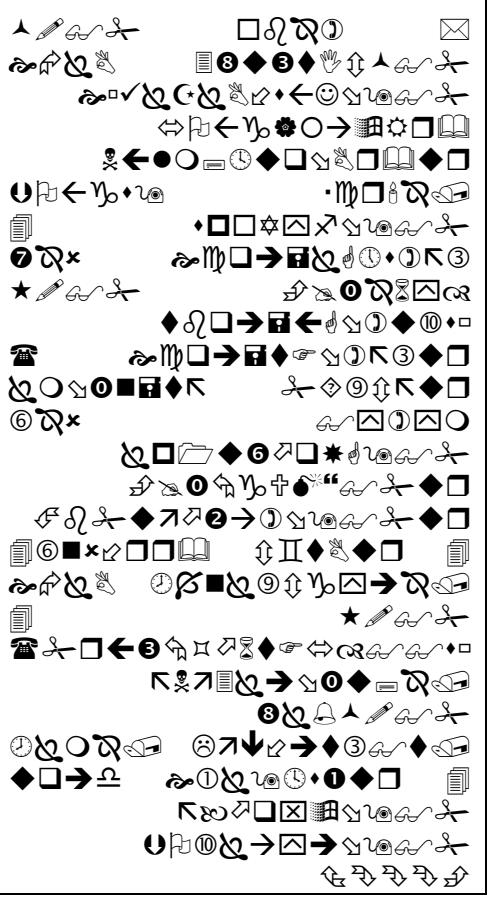
2- شرح را جمله به جمله بخوان و معنی مراد از حدیث را بیان کن.

3- برای‌شان بفهمان: که درخواست طلاق از شوهر حرام است، زیرا که آن باعث برهم‌خوردن کانون خانواده‌ها و فساد می‌شود، مگر این که درخواست طلاق برای رفع ضرر و فساد باشد.

4- به ایشان تذکر ده: که شوهر می‌تواند بیشتر از آن چیزی که به زن خرج نموده طلب کند، ولی این کار خلاف مروت و گذشت است و بهتر است که شوهر بیشتر از مهری که به زن داده از وی نگیرد.

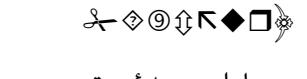
درسهای ماه ذی الحجه

درس 1: آیهٔ خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خریده

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(111) همانا خدا خرید از مؤمنین جان‌ها و مال‌های ایشان را که برای ایشان است بهشت. جنگ کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند وعده‌ایست برحق در تورات، انجیل و قرآن و کیست وفادارتر به عهد خود از خدا، پس شاد باشید به معامله‌ای که کردید و این است آن رستگاری بزرگ.

[توبه: 111]

شرح: گفته خداوند که می‌فرماید:  خبر می‌دهد از معامله‌ای که بین او و بندگان راستین و نیکوکارش انجام یافته است. این معامله، معاملهٔ خرید و فروش است، خداوند خریدار و مسلمانان فروشنده و جنس، جان‌ها و مال‌های مسلمانان است و بهاء جنت است و تاریخ تسلیم جان و مال روزی است که رهبر

مسلمان‌ها آن‌ها را برای جهاد در بلندکردن کلمهٔ خدا فرا خواند و این بدان معنی است که فقط خدا در تمامی عبادات از عقائد و گفتار و کردار مورد پرسش قرار گیرد و تاریخ دریافت این بهاء وقتی است که ارواح مسلمانان از جسدهایشان جدا شود و از رنج‌های زندگی دنیا رهایی یابند، اما از آنجائی که خداوند مالك جان‌ها و مال‌های مسلمان‌هاست مسئله خرید و فروش که در میان خداوند و بندگانش صورت می‌گیرد، فقط فضل و احسان خداوند است، لذا خداوند کلمه وعده را اطلاق می‌کند و می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی خداوند بندگان خود را به این معامله، وعدهٔ حق داده است و این معامله در سه کتاب آسمانی تورات، انجیل و قرآن ثبت است.

و بعداً خداوند در تأکید وعده و عهد خود می‌افزاید: که می‌فرماید، چه کسی وفادارتر است به عهد خود از خداوند، یعنی کسی از خدا وفادارتر به عهد نیست و در آخر مسلمانان را به انجام این عهد مژده می‌دهد.

می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی خوشحال و شادمان باشید به این معامله‌ای که با خداوند انجام دادید و این است رستگاری بزرگ، زیرا که نتیجه‌اش رهایی از آتش جهنم و ورود به جنات عدن است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم! آیه مذکور را به طور شایسته به شاگردان بخوان تا حفظ کنند.

2-شرح آیت را به آرامش کامل بخوان و نکات که نیاز به توضیح دارد توضیح ده.

3-برای شاگردان بفهمان: که این آیت متضمن روابودن خرید و فروش است، لذا تمامی علماء امت اتفاق دارند بر روابودن معاملات تا از این جهت بندگان خدا بدون هیچ نوع گناه و ظلمی نیازهای خود را برآورده سازند.

4-برای شاگردان بفهمان: که این معامله در میان هر فرد مسلمان و پروردگار جهان انجام گرفته است، لذا بر هر شخص مسلمانی واجب است که از مال خداوند محافظت به عمل آورد و به جز راهی که مورد رضای اوست، انفاق نکنید و همچنین بدن خود را حفاظت کنید تا این که چیزهای زیان‌آور بر او وارد نشود، زیرا که مال و بدن مسلمان به وسیلهٔ این معامله از آن خداوند است، لذا باید از هردو محافظت به عمل آورد تا هنگامی که منادی جهاد آن را برای مبارزه فرا خواند. این دو امانت را برای خداوند که مشتری و خریدار هست تسلیم نماید.

درس 2: حدیث خیار در بیع

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّمَا الْبَيْعُ عَنْ تَرَاضٍ. «رواه ابن ماجه» وقوله صلى الله عليه وسلم: الْبَيِّعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا «متفق عليه» وقوله صلى الله عليه وسلم: لاَ يَبِيعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ دَعُوا النَّاسَ يَرْزُقُ اللَّهُ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ.	گفتهٔ پیامبر ρ: همانا معامله با رضا و رغبت است. و گفته رسول خدا! همانا خریدار و فروشنده، مخیر هستند تا وقت از هم جدا نشوند و گفته پیامبر ρ نفروشد شخص که در شهر حاضر است برای آن کسی که در بیرون است بگذارید که خداوند بعضی مردم را به وسیله بعضی دیگر روزی دهد.

(متفق علیه)

شرح: گفته پیامبر خدا ρ که می‌فرماید: «**إِنَّمَا الْبَيْعُ عَنْ تَرَاضٍ**» یعنی معامله باید از روی رضا و رغبت بین خریدار و فروشنده انجام گیرد و اگر رضا و رغبت نبود، معامله از روی اکراه و اجبار شد یا به خاطر فریب و خیانت، رضایت حاصل نشد عقد باطل می‌شود، و فرموده پیغمبر ρ که فرمودند: «**الْبَيِّعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا**»: یعنی خریدار و فروشنده تا هنگامی که از هم جدا نشده اند اختیار دارند که معاملهٔ خود را فسخ و یا اجرا نمایند و این حق تا هنگامی است که طرفین در مجلس عقد حاضر باشند و این شفقت پیامبرρ نسبت به مسلمان‌هاست که عرصه را بر آن‌ها بازگذاشته است تا این که بتوانند بعد از عقد در معاملهٔ خود تجدید نظر کنند، زیرا گاهی انسان با کسی معامله‌ای می‌کند و بعد از معامله برای وی پشیمانی عارض می‌شود یا احساس خطا و اشتباه در معامله کند، پس اگر پیامبر اسلام ρ چنین حقی را به طرفین قائل نمی‌شدند خریدار و یا فروشنده متضرر می‌گشتند، لذا پیامبر اسلام ρ برای هریک از خریدار و فروشنده اجازه دادند که در صورت بروز مشکل تا هنگامی که در مجلس عقد باشند در عقد و معامله خود تجدید نظر کنند، اما آنانی که گفته اند، منظور از جدایی در حدیث، جدایی در گفتار است نه در اجساد، مورد قبول نیست به علت آنچه که ما

قبلاً بیان نمودیم. و اما گفته پیامبر ρ که فرمودند: «**لاَ يَبِيعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ**» منظورش این است که کسی که مقیم شهر است نباید جنس را برای کسی که بیرون در شهر زندگی می‌کند بفروشد صورتش این است که مردی از بیرون جنسی را وارد بازار می‌نماید و کسی از مردمان شهر به او می‌گوید: که جنس خود را به نزد من بگذار تا به قیمت گران‌تر در فرصت‌های آینده بفروشم، وقتی که جنس از بازار کم شود و مردم به آن نیاز پیدا کنند آن را بفروش برساند این همان صورتی است که پیامبر اسلام ρ نهی فرمودند.

از آنجائی که پیامبر اسلام ρ رسول رحمت می‌باشند فرمودند: که مردم نباید کاری بکنند که برادران‌شان متضرر شوند و باید بگذارند که خود شخص بیرونی جنس خود را به قیمت بازار به فروش رساند تا این که مسلمان‌ها از آن فایده گیرند و نباید که جنس را جهت گران‌شدن قیمت از دسترس مردم دور نگهدارند، پس پیامبر اسلام ρ این رحمت خویش را توضیح داده و فرمودند: مردم را به حالشان بگذارید تا خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر روزی دهد. درود و رحمت بی‌پایان خدا بر روان پاک چنین دلسوز و مهربانی باد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

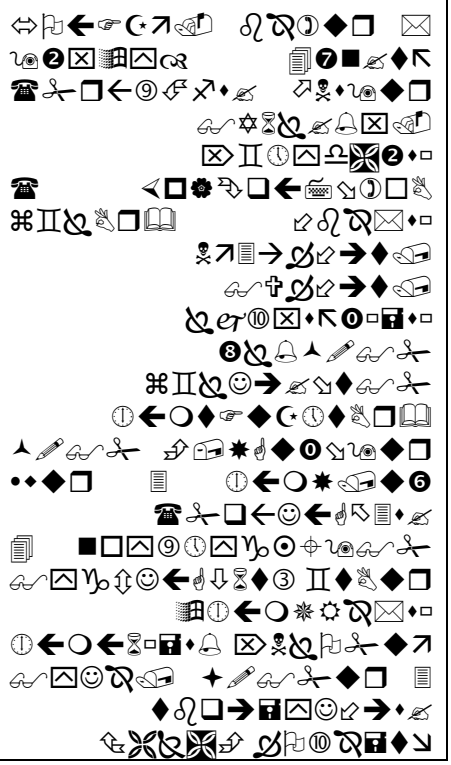
1- مربی محترم! احادیث فوق را با دقت کامل بخوان تا شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح حدیث را با دقت بخوان و کلماتی را که نیاز به تفسیر دارد توضیح ده.

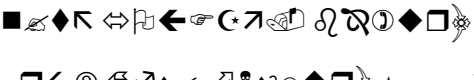
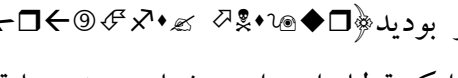
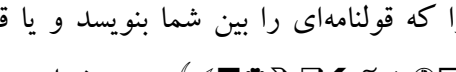
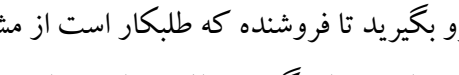
3- برای شنوندگان بفهمان: که هر معامله‌ای که خداوند حرام نموده است جهت شفقت و مهربانی به بندگان است. و معاملات ذیل جزء معاملات حرام است. 1- فروختن جنس قبل از این که آن را دریافت نماید. 2- معامله بر معاملهٔ برادر مسلمان به این صورت که مسلمانی جنس را به کسی دیگر فروخته باشد و قبل از این که مشتری آن را قبض نماید جنس را به قیمت گران‌تر از فروشنده‌اش بخرد. 3- معامله جهت بالابردن قیمت، بدین صورت که شخصی بر جنسی قیمت گذارد تا این که خریداران به قیمت گرانی

آن را بخرند بدون این که خودش رغبتی در خریدن آن داشته باشد. 4- معاملهٔ چیزهای حرام مثل شراب، مجسمه‌های عکس، دخانیات نشئه‌آور حرام است و همچنین بیع عربون و آن این است که می‌گوید: این دینار را بگیر اگر جنس را بگیرم و الا مال خودت.

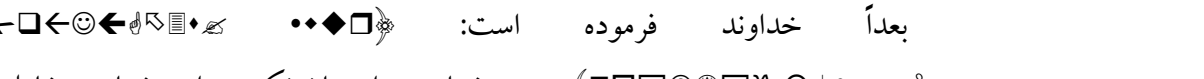
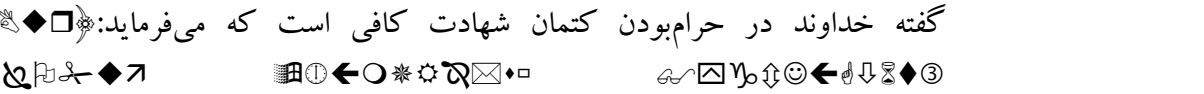
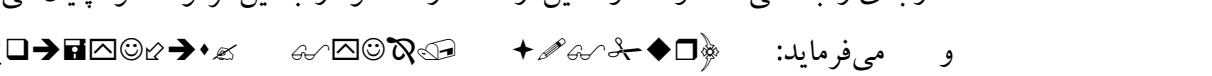
درس 3: آیهٔ رهن و گرو

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(283) و اگر در حال سفر بودید و نیافتید نویسندهٔ، پس گروگانی بستانید و اگر کسی از شما به کسی اطمینان پیدا کرد، پس آنکس که امین شد باید امانت او را پس بدهد، و باید بترسد خدا را پروردگار خود و کتمان نکنید شهادت را و هرکس کتمان کند آن را همانا گنهکار است دلش و خدا بر آنچه می‌کنید دانا است.

[بقره: 283]

شرح: این فرموهٔ خداوند که می‌فرماید:   : یعنی اگر شما در سفر بودید  یعنی نیافتید کسی را که قولنامه‌ای را بین شما بنویسد و یا قلم و کاغذ آماده نبود.  : یعنی شما به عوض نوشتن قولنامه، چیزی از یکدیگر به عنوان گرو بگیرید تا فروشنده که طلبکار است از مشتری که بدهکار است جهت حصول اطمینان چیزی را به عنوان گرو دریافت نماید، و این زمانی است که در میان طرفین اعتماد و اطمینان نباشد و اگر فروشنده به خریدار اعتماد دارد که

قرضش را در موعد مقرر پرداخت می‌نماید، گرفتن گرو از خریدار لازم نیست، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی در صورتی که بعضی شما به بعضی دیگر اعتماد داشتید، باید آن کسی که امانت به او سپرده شده است، امانت را برای صاحبش مسترد نماید، و بعد خداوند می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی خریداری که فروشنده به آن اعتماد نموده است و از آن قولنامه یا گرو نگرفته است باید از خدا بترسد و مال برادرش را بدون هیچ کم و کاست به آن تحویل دهد چنانچه پیامبر ρ فرمودند: «**علی الید ما أخذت حتی تؤدیه**» یعنی قرض بر عهدهٔ بدهکار است تا زمانی که آن را پرداخت نماید.

بعداً خداوند فرموده است: ﴿  ﴾: یعنی شهادت را پنهان نکند و این شهادت شامل همه انواع شهادت‌ها می‌شود، لذا بر مسلمان لازم است که شهادت را اظهار نماید و در هیچ حالی آن را کتمان نکند، گرچه آن شهادت برعلیه خودش هم باشد، زیرا کتمان‌کردن شهادت از بزرگترین گناهان کبیره است، مثل شهادت دروغ که حرام و جزء گناهان کبیره است و همین گفته خداوند در حرام‌بودن کتمان شهادت کافی است که می‌فرماید:﴿  ﴾: یعنی کسی که شهادت را کتمان می‌کند قلبش گناهکار است زمانی که قلب انسان گناهکار گردید و گناهان بر او احاطه کردند قلب واژگون گردیده و صالحیت خود را از دست می‌دهد و صاحب چنان قلبی دیگر هیچ کار خوبی را خوب و هیچ کار بدی را بد نمی‌داند. و خداوند این ارشاد سازندهٔ خود را به این فرمودهٔ خود پایان می‌دهد و می‌فرماید: ﴿  ﴾: یعنی ای مسلمان‌ها! از مخالفت‌کردن دستورات خداوند که یک مورد آن، کتمان شهادت است بپرهیزید، زیرا خداوند به تمام کردار شما بینا و داناست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم! آیۀ مذکور را چند بار بر شنوندگان تلاوت کن تا این که آن را حفظ نمایند.

2-شرح آیت را با دقت کامل بخوان و نکاتی که نیاز به تفسیر دارد، برای‌شان تفسیر کن.

3-برای شنوندگان بفهمان: که رهن و ارتهان جائز است، به دلیل همین آیت و نظر به حدیثی که به طور صحیح از پیامبر ρ رسیده است که ایشان مقداری غذا از شخصی یهودی قرض گرفتند و پیراهن جنگی خود را به آن به گرو دادند و چون وفات نمودند پیراهن‌شان در مقابل 3- پیمانه جو بدست آن یهودی به گرو بود.

4-به ایشان بفهمان: که گرودادن در سفر و اقامة به اجماع علماء درست است چون گرو برای این است که شخص طلبکار از رسیدن قرضش مطمئن گردد و در صورت عدم پرداخت بتواند آن جنس گروی را فروخته و قرض خویش دریافت نماید.

5-به ایشان بفهمان: وقتی که گرو، گوسفند یا گاو و یا شتر باشد می‌تواند از شیر گوسفند استفاده نماید و همچنین اسب و شتر را نیز سوار شود و در مقابل، علف به حیوان می‌دهد مشروط بر این که شیر گرفته شده از گوسفند و گاو و یا استفاده از سواری اسب و شتر قیمتش زیادتر از قیمت علفی که می‌دهد نباشد و هرگاه قیمت شیر بیشتر از قیمت علف بود مازاد را بر صاحبش مسترد نماید.

درس 4: حدیث استفاده از مرهون

قول النبي صلى الله عليه وسلم: الظَّهْرُ يُرْكَبُ إِذَا كَانَ مَرْهُونًا وَلَبَنُ الدَّرِّ يُشْرَبُ إِذَا كَانَ مَرْهُونًا وَعَلَى الَّذِى يَرْكَبُ وَيَشْرَبُ نَفَقَتُهُ.	گفتهٔ پیامبر ρ: حیوانی که در رهن باشد، سواری می‌شود و شیر حیوانی که در رهن است نوشیده می‌شود و خرج حیوان بر عهدهٔ کسی است که آن را سوار شده یا از شیرش استفاده می‌نماید.

(صحیح ابن ماجه)

شرح: گفته پیامبرρ : «**الظَّهْرُ يُرْكَبُ إِذَا كَانَ مَرْهُونًا**»: مراد از حیوانی که در این حدیث آمده، قاطر، شتر و الاغ می‌باشد. و گفته پیامبرρ که فرمودند: «**وَلَبَنُ الدَّرِّ يُشْرَبُ إِذَا كَانَ مَرْهُونًا**»: یعنی حیوان شیرده وقتی در رهن انسان بود می‌تواند از شیرش استفاده نماید.

و گفته پیامبر ρ: «**وَعَلَى الَّذِى يَرْكَبُ وَيَشْرَبُ نَفَقَتُهُ**»: یعنی شخصی که حیوان رهنی را سوار می‌شود و یا شیرش را می‌دوشد و از آن استفاده می‌نماید باید خرج و مصرف آن حیوان از قبیل آب و علفش را بپردازد مشروط بر این که شیر و یا سواری بیشتر از آن آب و علف نباشد که به حیوان می‌دهد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث فوق را چند بار برای شنوندگان بخوان تا این که حفظ نمایند.

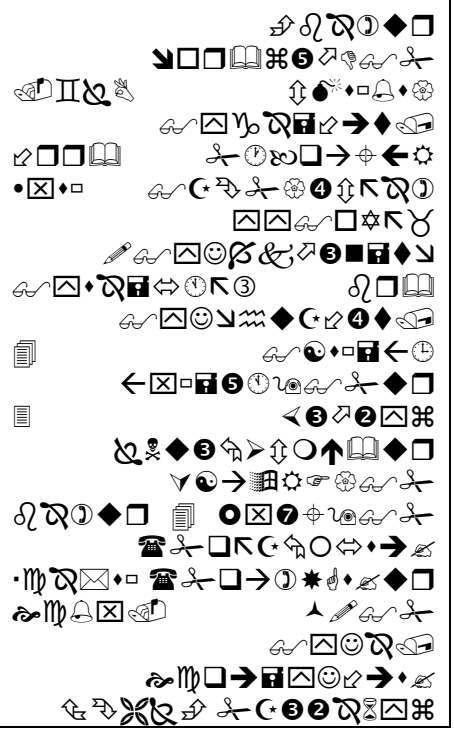
2-شرح حدیث را با دقت و آرامش، کلمه به کمله بخوان تا شنوندگان خوب بفهمند.

3-به ایشان بفهمان: شخصی که مال رهن در نزد اوست اگر در استفاده از آن افراط کرد و به اثر آن حیوان هلاک گردید باید قیمتش را بپردازد و اگر زیاده‌روی نکرده ولی مال رهنی، خود هلاک و ضایع شد پرداخت قیمت لازم نیست.

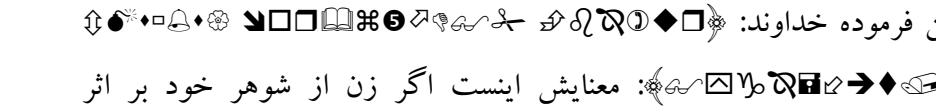
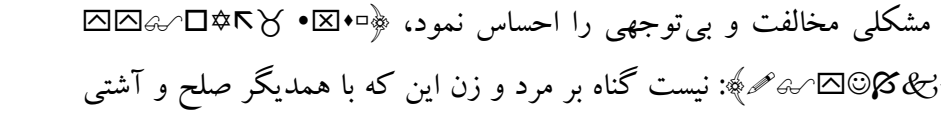
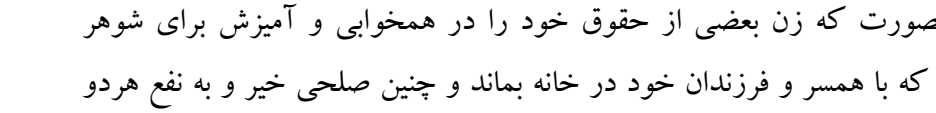
4-به ایشان بفهمان: که باید شیری که انسان از مال رهن می‌دوشد بیشتر از علفی نباشد که انسان به او می‌دهد و همچنین سواری شخصی بیشتر از آب و علف آن حیوان نباشد و اگر کسی خانه و یا باغی را به کسی رهن می‌دهد اجرت و کرایه آن خانه و همچنین غلات و حاصل آن باغ برای صاحب خانه و باغ است و شخصی که مال در نزد آن رهن است اگر بر باغ یا خانه چیزی را مصرف نماید می‌تواند مصرف و خرج خود را از درآمد باغ یا خانه برداشت کند و بقیه را برای صاحبش مسترد نماید.

5-به ایشان بفهمان: وقتی که رهن‌دهنده و رهن‌گیرنده در بارهٔ چیزی از رهن باهم اختلاف نمودند نحوهٔ قضاوت بین آن‌ها این است که بر شخص مدعی شاهد و بر شخص مدعی علیه قسم لازم است.

درس 5: آیهٔ اصلاح بین زوجین

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(128) و اگر زنی ترسید از شوهر خویش ناسازگاری یا روی‌گردانی را، پس نیست باکی بر آنان که آشتی افکنند میان خویش آشتی و آشتی بهتر است و سرشته است بخل به نفس‌ها و اگر نیکی کنید و پرهیزگار باشید همانا خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

[النساء: 128]

شرح: این فرموده خداوند: ﴿  ﴾: معنایش اینست اگر زن از شوهر خود بر اثر بزرگسالی یا مشکلی مخالفت و بی‌توجهی را احساس نمود، ﴿  ﴾: نیست گناه بر مرد و زن این که با همدیگر صلح و آشتی نمایند، به اینصورت که زن بعضی از حقوق خود را در همخوابی و آمیزش برای شوهر ببخشد تا این که با همسر و فرزندان خود در خانه بماند و چنین صلحی خیر و به نفع هردو طرف می‌باشد، چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿  ﴾:

زیرا روایت شده است که این آیه در بارهٔ همسر گرامی پیامبر اسلام ام المؤمنین سوده ل نازل گردید، حضرت سوده ب وقتی که به سن پیری رسید، پیامبر اسلام خواستند که وی را طلاق دهند، اما سوده به پیامبر ρ گفت: یا رسول الله! من حقم را به عایشه ل می‌بخشم و در خانهٔ شما می‌مانم. سپس همانطور پیامبر اسلام با سوده صلح نمودند و تا زنده بود در خانهٔ پیامبرρ باقی ماند. و این فرموده خداوند: ﴿ ﴾ در این آیه از یک پدیده فطری که در انسان است خبر می‌دهد و آن صفت بخل که ملازم نفس همه انسان‌هاست مرد و زن در این باهم تفاوت ندارند، ولی زن‌ها بیشتر علاقمند به همخوابی و دیگر حقوق خود بوده و کمتر حاضر اند از حقوق خود چشم‌پوشی کنند، همانا لازم است که مردان حقوق همسران خود را بیشتر رعایت کنند تا به ایشان احسان کرده باشند خداوند فرموده است: ﴿ ﴾ یعنی اگر شما مردان به همسران خود احسان کنید و تقوی خدا را پیشه کنید و از عذاب خدا بترسید خداوند به شما پاداش خیر می‌دهد، زیرا که خداوند به همهٔ اعمال شما دانا و آگاه است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- مربی محترم آیه مذکور را به طور درست و با تجوید چند بار به شنوندگان بخوان تا این که آن را حفظ نمایند.

2- شرح آیه را کلمه به کلمه بخوان و نکات قابل توضیح را واضح ساز.

3- به ایشان بفهمان: که این آیه بر مشروعیت صلح بین مردم حتی بین زن و مرد دلالت دارد.

4- به ایشان بگو: که ناسازگاری همانطور که از مرد می‌شود از طرف زن هم ممکن است، چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید ﴿ ﴾


(النساء: 34). «آن زنانی که از ناسازگاری ایشان می‌ترسید، آنان را نصیحت کنید و یا آن‌ها را در خوابگاه ترک گوئید و بزنیدشان، پس اگر از شما اطاعت نمودند به دنبال راه دیگری نروید و دست از اذیت‌شان بردارید».

5-به ایشان تذکر ده: که احسان و نیکی بر هریک از مرد و زن واجب است و بدرفتاری و مخالفت بر هردو حرام است و باید شوهران از خدا بترسند و زن‌ها را که کنیزان خدا هستند اذیت نکنند و زنان نیز باید از خداوند بترسند و شوهران خود را اذیت نکنند زیرا که شوهران بندگان خدایند و اذیت هردو حرام است.

درس 6: حدیث صلح بین مسلمانان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ إِلاَّ صُلْحًا حَرَّمَ حَلاَلاً أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا.	گفتهٔ پیامبر ρ: صلح بین مسلمانان جائز است، مگر صلحی که حرام را حلال یا حلال را حرام کند.

(رواه الترمذی)

شرح: فرموده پیامبر اسلام: «**الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ**»: یعنی صلح و آشتی در میان مسلمانان جائز است. چه صلح جهت رفع منازعه فعلی باشد، یا جهت پیشگیری از دعوای و خصومت در آینده، بلکه صلح در برخی از موارد واجب است مثل اصلاح میان گروه‌های متخاصم که باهم درگیرند و یا صلح میان کفار و مسلمانان، هنگامی که صلح به نفع اسلام باشد و گاهی صلح و آشتی درجه افضلیت پیدا می‌کند و دارای اجر و ثواب است مثل صلح در میان دو کس که باهم خصومت دارند. یا صلح در خصومت‌های دسته‌جمعی مانند خصومت در املاک و حق الطریق آن‌ها و اموال مشترکه. و فرموده پیامبر گرامی اسلام: «**إِلاَّ صُلْحًا حَرَّمَ حَلاَلاً أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا**»: مگر صلحی که حرام را حلال کند، مثل این که صلح نماید به این که مشروب بخورد یا کسی را بزند یا مال کسی را غصب نماید یا این که او را ضرب و شتم کند. و یا صلحی که حلال را حرام نماید مثل این که صلح نماید به حج بیت الله الحرام نرود، یا این که ازدواج نکند و شک نیست که چنین صلحی باطل و حرام است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- مربی محترم حدیث بالا را به طور خوب و با آرامش کامل بخوان تا این که شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح حدیث را به طور واضح بخوان و نکات قابل توضیح را واضح کن.

3-به ایشان بفهمان: که صلح که حلال را حرام و حرام را حلال می کند چنین صلح باطل و فاسد است.

4-به ایشان بفهمان: که صلح گاهی با اقرار می‌باشد مثل این که یکی بر دیگری ادعای حق نماید و آن هم اقرار کند پس مدعی چیزی را برای مدعی علیه بدهد، برای این که حق او را انکار نکرده است.

5-به ایشان بفهمان: که صلح گاهی با انکار می‌شود مثل این که کسی بر دیگری ادعای حق می کند و آن شخص سکوت می کند پس مدعی علیه چیزی را به مدعی می‌دهد تا از خصومت او راحت شود.

درس 7: آیهٔ اجاره و گرفتن اجرت

قول الله تبارک وتعالی:  [قصص: 26] وقوله تعالی:  [کهف: 77]	گفتهٔ خدای بزرگ: (22) ای پدر من بگیر او را به مزدوری که بی‌گمان بهترین کسی که مزدور گیری زورمند، امین است. [قصص: 26] (77) اگر می‌خواستی می‌گرفتی بر آن مزدی را.

شرح: فرموده خداوند:  خبری است که خداوند از دختر یکی از بندگان صالح خود شعیب υ حکایت می‌کند که چون حضرت موسی υ در مسیر راه مصر به مدین به چاه آبی می‌رسد که مردان زیادی در اطراف آن جمع شده اند و دو تا دختر دورتر از مردم ایستاده اند. حضرت موسی υ گوسفندان این دختران را آب می‌دهد و دختران به نزد پدر خود برگشتند و از احسان موسی به پدر حکایت کردند، شعیب υ یکی از این دختران را به دنبال موسی فرستاد و موسی υ همراه دختر به نزد شعیب آمد، سپس حضرت شعیب υ احوال او را جویا شده و حضرت موسی شرح حال خود را به آن‌ها تعریف کرد، شعیب υگفت: احساس ترس و بیم مکن که از چنگ قومی ظالم نجات یافتی. آنگاه یکی از دختران به پدر گفت: ای پدرم! او را برای چراندن گوسفندان ما اجیر کن و انگیزه‌اش را نسبت به اجیرنمودن موسی ابراز نموده و گفت: این آدم از نظر عقل و علم و نیروی بدنی در حد بسیار خوبی است که دارای قوت

کافی در انجام کارها و شخص امانتداری است چه قوت حضرت موسی را از آب‌کشیدنش برای گوسفندان دانسته و امانت‌داری او را هنگامی دانست که با موسی از سر چاه به نزد پدر می‌آمد و این آیهٔ شریفه دلالت می‌کند بر این که اجیرگرفتن کسی برای کار جائز است.

فرموده خداوند: ﴿ ﴾ حکایتی است که خداوند از حضرت موسی و حضرت خضر علیهما السلام بیان می‌کند که حضرت خضر در اثناء مسافرتی که با موسی υ داشت، دیواری فرو ریخته‌ای را در روستائی که ایشان را به ضیافت نپذیرفته بودند، مجدداً بنا کرد. حضرت موسی گفت: اگر می‌خواستی می‌توانستی در مقابل زحمات خود از ایشان اجرت دریافت کنی. این آیه شریفه دلالت دارد بر روابودن اجیرگرفتن و گرفتن اجرت و دستمزد در مقابل کار.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم دو آیه فوق را چند بار برای شنوندگان بخوان تا این که حفظ کنند.

2-شرح آیات را جمله جمله بر ایشان بخوان و نکات قابل توضیح را توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که ذکر داستان موسی υ و شعیب و همچنین داستان موسی و خضر در قرآنکریم نشانهٔ واضح بر نبوت پیغمبر خدا است، زیرا که پیامبر اسلام ρ سرزمین‌شان را ندیده بودند و همچنین در عصر و زمان‌شان نبودند، چگونه داستان‌شان را بدین صورت شگفت‌انگیز حکایت کردند که هیچکس نمی‌تواند آن را تکذیب نماید.

4-به ایشان بفهمان: که در این دو آیت دلیل واضحی وجود دارد بر این که اجیرگرفتن جائز است و شخص می‌تواند بعد از پایان کار از کارفرمای خود مزد دریافت نماید.

درس 8: حدیث خدا دشمن سه کس است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: قَالَ اللَّهُ: ثَلاَثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ غَدَرَ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ، وَلَمْ يُعْطِ أَجْرَهُ.	گفتهٔ پیامبر ρ: که خداوند فرموده: سه کس هست که من در روز قیامت خصم ایشان هستم. اول: مردی است که به نام من با کسی عهد بندد و بعد خیانت کند. دوم: مردی است که شخص آزادی را بفروشد و از قیمتش استفاده کند. سوم: مردی که شخصی را اجیر کند، از آن کار بگیرد و مزدش را نپردازد.

(رواه البخاری)

شرح: این گفته پیامبر اسلام ρ جزء احادیث قدسی است. حدیث قدسی آن است که پیامبر ρ از خداوند نقل کند، بدون این که در قرآن ذکر شده باشد. این گفته پیامبر ρ: «**ثَلاَثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ**»: یعنی در روز قیامت خداوند مدافع افراد مظلوم است که خداوند در یک طرف دعوی قرار دارد تا حق این مظلومین را از ظالمین بگیرد، بعد پیامبر اسلام افرادی را که خداوند در روز قیامت با ایشان مخاصمه می‌کند توضیح داده می‌فرماید: «**رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ غَدَرَ**». یعنی مردی که با کسی عهد بندد و عهد و پیمان خود را با سوگند به نام خدا تأکید نماید سپس به عهد خود خیانت کند. دوم مردی که شخص آزادی را بفروشد و از قیمتش استفاده نماید. سوم کسی که شخصی را اجیر کند، مرد باشد یا زن آزاد باشد یا غلام کافر باشد یا مسلمان و از آن کار بکشد، اما مزدش را نپردازد و این سه گروه آنانی اند که در روز قیامت خداوند خصم‌شان است تا حق افرادی که مورد ظلم شان قرار گرفته اند ازیشان بستاند و آنگاه به جنت یا دوزخ جزا می‌دهد. بدا بحال کسانی که در روز قیامت خداوند با ایشان مخاصمه می‌کند چگونه نجات پیدا می‌کنند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح حدیث را کلمه به کلمه بخوان و نکات لازم را بیان کن.

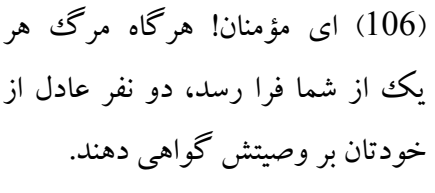
3-شنوندگان را به بزرگی گناه این سه کس آگاه ساز تا از چنین عملی بپرهیزند.

4-به ایشان تذکر ده: که سوگند غموس صاحبش را در آتش غوطه می‌دهد و یمین غموس سوگندیست که شخص نام خدا را به دورغ یاد می‌کند تا حق انسانی را ضایع سازد.

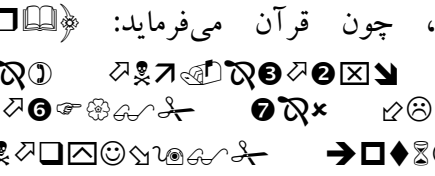
5-شنوندگان را از گناه خیانت و عهدشکنی مطلع ساز.

6-به ایشان یادآوری کن: به این حدیث پیامبرρ که فرمودند: مزد کارگر را پیش از خشک‌شدن عرقش بپردازید.

درس 9: آیهٔ شهادت دو نفر عدل بر وصیتی

قول الله تبارک وتعالی:  [مائده: 106] وقوله تعالی: 	گفتهٔ خدای بزرگ: (106) ای مؤمنان! هرگاه مرگ هر یک از شما فرا رسد، دو نفر عادل از خودتان بر وصیتش گواهی دهند. [مائده: 106] و گفتهٔ خدای بزرگ: (12) بعد از وصیت که به آن وصیت شده باشد یا قرض که به ذمه‌اش باشد.

[النساء: 12]

شرح:  ای آنانی که به ربوبیت خدا و پیامبری حضرت محمد ρ ایمان آوردید! آنچه شما را نفع دارد خبر می‌دهم: که چون مریض شوید و مرگ شما فرا رسد و خواستید چیزی را وصیت کنید باید دو نفر عادل و مسلمان بر وصیت خود گواه بگیرید. شاهد عادل آنست که از گناهان کبیره بپرهیزد و تا حد ممکن از گناهان صغیره نیز اجتناب نماید، البته این وقتی می‌باشد که شخص در خانه‌ی خود باشد اما در هنگام مسافرت اگر از کفار هم شاهد بگیرد اشکالی ندارد، چون قرآن می‌فرماید: 

(المائدۀ: 106). «یعنی اگر شما مسافرت نمودید ومرگ تان فرا رسید می‌توانید دو نفر شاهد که مسلمان هم نباشند به عنوان گواه انتخاب نمائید». و در آیه سورۀ نساء خداوند بعد از بیان نحو تقسیم میراث و بیان حق هرکدام از ورثه می‌فرماید: یعنی میراث شخص متوفی را به همان نحو که بیان شد تقسیم کنید، بعد از این که قرضش را پرداخته و وصیت شخص را اجرا کردید یعنی قبل از تقسیم میراث باید وصیت که شخص نموده از یک سوم مال و یا کمتر از آن اجراء نمائید بعد مال ورثه را تقسیم کنید.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم دو آیه فوق را چند بار بخوان تا این که شنوندگان آن را حفظ کنند.

2-شرح آیات را با دقت کامل بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

3-به ایشان توضیح ده: که وصیت‌کردن بر هر مسلمان که طلبکار است یا بدهکار واجب است تا این که حق خودش و یا دیگران ضایع نشود.

4-به ایشان بفهمان: که گرفتن شاهد در موقع وصیت مستحب است.

5-به ایشان تذکر ده: که شهود باید افراد عادل و مسلمان باشند مگر در موقع سفر که در آن شاهد غیر مسلمان هم درست است.

6-به ایشان بفهمان: که خداوند نسبت به بندگان مؤمنش بسیار مهربان است، زیرا این مسائل مهم زندگی را به ایشان تعلیم داده است.

درس 10: حدیث وصیت مسلمان باید نوشته باشد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ، يُوصِي فِيهِ يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ، إِلاَّ وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ.	گفتهٔ پیامبر ρ: سزاوار نیست برای شخص مسلمان که برای او چیزی باشد که باید در مورد آن وصیت کند. این که دو شب بر آن بگذرد مگر این که وصیت نامه‌اش در نزد آن نوشته شده باشد.

(متفق علیه)

شرح: «**مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ، يُوصِي فِيهِ**». شایسته نیست برای شخص مسلمان، چه مرد باشد و چه زن که اگر مورد وصیتی داشته باشد مانند قرض که می‌خواهد و یا قرضی که دیگران از وی می‌خواهند. این که دو شب یا بیشتر بر آن بگذرد، مگر که وصیت نامه‌اش در نزد آن نوشته باشد. و اگر وصیتش دارای اهمیت باشد، مانند وصیت به یک سوم مال برای صرف در راه‌های خیر و نیک یا وصیت به قرض‌های که به ذمهٔ او است و یا از دیگران می‌خواهد، و از این نگران است که به وصیتش عمل نشود باید دو نفر شاهد عادل بر وصیت خود گواه بگیرد و به مجرد نوشتن اکتفا نکند.

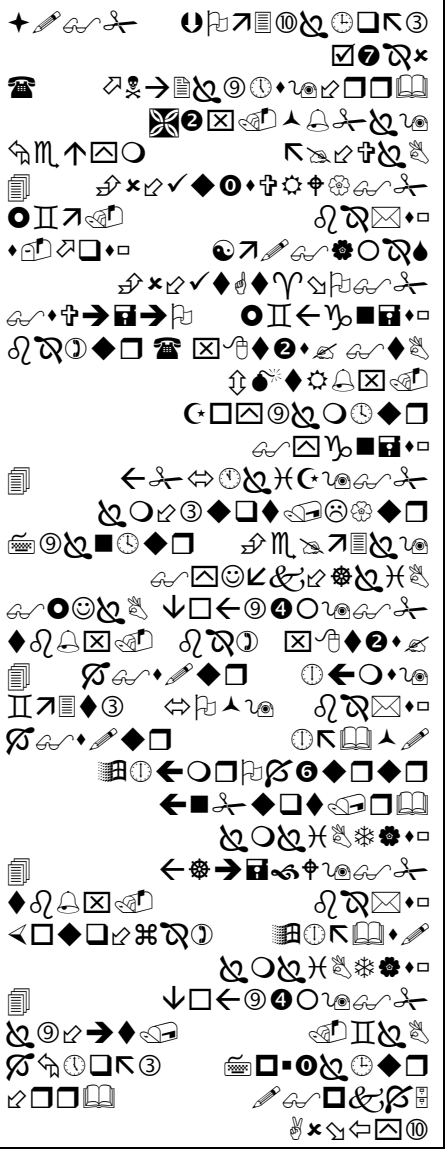
راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- مربی محترم حدیث بالا را چند بار بخوان تا این که شنوندگان حفظ کنند.
2- شرح حدیث را با دقت کامل بخوان تا این که شنوندگان خوب درک کنند.
3- به ایشان بفهمان که وصیت برای وارث درست نیست، زیرا که از پیامبر ρ حدیث روایت شده است که وصیت برای وارث درست نیست.
4- به ایشان بفهمان: که وصیت در بیشتر از یک سوم مال درست نیست.

5-به ایشان این حدیث پیامبر اسلام را بخوان که از پیامبر اکرم ρ پرسیدند کدام صدقه بهتر است، پیامبر اسلام فرمودند: «بهترین صدقه آنست که مال را صدقه کنی در حالی که سالم باشی و به دنیا علاقمند باشی و ثروت را آرزو داشته باشی و از فقر و تنگ‌دستی بیم داشته باشی و نباید در دادن صدقه تأخیر کنی که چون نفس به گلو برسد آن موقع بگوئی: اینقدر مال برای فلان و اینقدر مال برای فلانی، در حالی که مالت از دیگران است».

6-به ایشان حدیث پیامبر اکرم برای سعد بن ابی وقاص τ را تذکر ده که می‌خواست کل مالش را صدقه دهد، فرمودند: اگر ورثه‌ای خود را ثروتمند باقی گذاری، بهتر از این است که بعد از تو فقیر باشند و دست سؤال را به سوی مردم دراز کنند و هر مالی را که در راه خدا نفقه کنی صدقه به شمار می‌رود حتی آن لقمه را که به دهان زن خود می‌گذاری.

درس 11: آیهٔ تقسیم میراث

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(11) خداوند شما را دستور می‌دهد در مورد فرزندان شما این که در میراث برای پسر است مانند بهرهٔ دو دختر و اگر زنانی باشند بیش از دو تن برای ایشان دو ثلث آنچه باز گذارده است و اگر یک زن باشد پس برای اوست نصف و برای پدر و مادرش هرکدام از آنان است شش یک از آنچه باز گذارده اگر وی را فرزندی باشد و اگر وی را فرزندی نباشد و میراث برد از او پدر و مادرش پس برای مادرش سه یک است و اگر وی را برادرانی باشند پس برای مادرش شش یک است پس از وصیتی که کرده باشد یا قرضی که گذاشته.

[النساء: 11]

شرح: قوله تعالی: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ﴾: این وصیتی است که خداوند بندگان مؤمن خویش را در مورد فرزندان‌شان کرده است که هرگاه کسی بمیرد و پسران و دختران بجا گذارد، خداوند ابتداء حق فرزندان شخص متوفی را براساس ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ﴾ بیان فرموده: که برای پسر، سهم دو دختر داده می‌شود. و اگر شخص وفات کرد و از آن یک پسر و دو دختر بجای ماند و دو دینار بجا گذاشت تقسیم میراث‌شان چنین است که یک دینار به پسر و دینار دیگر را به دو دختر دهند که به هر دختر نصف دینار می‌رسد، بعد می‌فرماید: ﴿فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ﴾: یعنی اگر بعد از میت پسر نماند و فقط دو دختر یا بیشتر بجای ماندند مال سه قسمت می‌شود، دو سوم مال را برای دختران و یک سوم دیگر برای عصبه داده می‌شود و اگر دختر یکی بیشتر نبود، نصف مال به دختر و نصف دیگر را برای باقی ورثه دهند و خداوند حق پدر و مادر را بیان کرده. می‌فرماید:

﴿وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ﴾ برای پدر و مادر متوفی در صورتی که از میت فرزندی مانده باشد برای هرکدام یک ششم مال داده می‌شود و اگر فرزند نداشت و فقط پدر و مادر وارث او بودند یک سوم مال برای مادر داده می‌شود و بقیه برای پدر و اگر شخص متوفی برادرانی داشت برای مادر یک ششم مال داده شود، زیرا با وجود برادران حق مادر از یک سوم مال به یک ششم آن کاهش می‌یابد. بعد در پایان خداوند می‌فرماید: ﴿مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ﴾: یعنی مال میراث بعد از اجراء وصیت میت و اداء قرض تقسیم گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم آیات بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را با دقت و آرامش بخوان و موارد لازم را توضیح ده.

3-به ایشان توضیح ده: که این وصیت خداوند عادلانه‌ترین شیوهٔ تقسیم میراث است، به ایشان بفهمان این که شریعت اسلام برای پسر دو برابر سهم دختر را می‌دهد به خاطر این است که پسر نیاز به ازدواج دارد و همچنین خرج و مصرف همسر و فرزندان به عهده او است اما دختر در ازدواج خود نیاز به مال ندارد چون خرجش به عهدهٔ شوهر است.

4-به ایشان بفهمان: که کافر از مسلمان میراث نمی‌برد و همچنین مسلمان از کافر و قاتل نیز از شخص مقتول میراث نمی‌برد!

درس 12: حدیث پرداخت حق صاحبان سهم میراث

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَلْحِقُوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا فَمَا بَقِيَ فَلأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرٍ. وقوله صلى الله عليه وسلم: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِى حَقٍّ حَقَّهُ فَلاَ وَصِيَّةَ لِوَارِثٍ.	گفتهٔ پیامبر ρ: حق صاحبان سهم را بپردازید، بعد از آن هرچه باقی ماند برای نزدیکترین مردی است که به میت می‌رسد و پیامبرρ فرمودند: خداوند حق هر صاحب حق را تعیین نموده است پس وصیت برای وارث نیست.

(متفق علیه) و (صحیح ابن ماجه)

شرح: می‌فرماید: «**أَلْحِقُوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا**» پیامبر اسلام در این حدیث امت خویش را دستور دادند که در تقسیم میراث اول از ذوی الفروض یعنی آنانی که سهم‌شان در قرآن بیان شده، شروع کنند و بعد از دادن حق ذوی الفروض بقیه مال را به نزدیکترین مردی که به متوفی می‌رسد بدهند. مثلاً کسی وفات کرد و از آن همسر، پدر و مادر باقی ماندند اول باید حق همسرش داده شود که یک چهارم مال است بعد حق مادر را اداء کنند که یک سوم است و بقیه مال را به پدرش دهند، چون پدر نزدیک‌ترین کس به میت است و عصبه گفته می‌شود. مثال دیگر، زن وفات نموده و از آن چند فرزند و شوهر باقی ماندند، شیوهٔ تقسیم میراث بدینصورت است که اول حق شوهر را که یک چهارم است اداء کنند و بقیه مال را به فرزندانش بدهند که برای پسر دوبرابر حق دختر است و فرزندان درینصورت عصبه متوفی حساب می‌شوند. مثال دیگر کسی می‌میرد و پدر و مادر بجا می‌گذارد برای مادرش یک سوم و بقیه برای پدر است، زیرا که او عصبه است. و پیامبرρ می‌فرماید: که بقیه مال به نزدیک‌ترین مرد به متوفی می‌رسد. چنانکه بعد از میت, همسر، مادر، پدر و پسران برادر پدری باقی ماندند، اول حق همسرش داده می‌شود که یک چهارم مال است و یک ششم مال

برای مادر داده می‌شود و بقیه مال متعلق به پدر است، پسران برادرش میراث نمی‌برند، چه ازیشان فرد نزدیک‌تر به متوفی وجود دارد که پدر متوفی می‌باشد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- هردو حدیث بالا را چند بار بخوان تا این که شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح حدیث را به آرامش و دقت بخوان و موارد لازم را توضیح ده.

3- به ایشان بفهمان: که سهم مادر بزرگ، پدر بزرگ یک ششم مال می‌شود.

4- به ایشان بفهمان: که وصیت و قرض شخص متوفی قبل از تقسیم میراث باید اجراء شود. زیرا قرآن می‌فرماید: ﴿✌♋♊✍ ✍☜ ♦➔⬀⑨♋ ❐♦◆🕒♋⓿▪❑🖮 ③↖❑🕔✿⌀🗐 ▯⌀&❑✍🖉 🕮❑❐⬀ ⑩⬕⬄⬂✗✌ ⬊☒❷⬀❸♦ ✌↖⌀•✍🖉❻▨🖭 ﴾ (النساء: 12). یعنی «تقسیم مال میراث باید بعد از اجراء وصیت و پرداختن قرض متوفی باشد در حالی که وصیت به ورثه ضرر نداشته باشد یعنی بیشتر از یک سوم مال نباشد».

5- به ایشان تعلیم ده: که وصیت در وقت مرگ به بیشتر از یک سوم مال حرام است، همچنانکه وصیت برای وارث حرام است که کسی در وقت مرگ اعتراف به قرض کند، برای این که ورثه را از میراث محروم کند، زیرا که خداوند می‌فرماید: «غیر مضار» در حالی که ضرررسان نباشد و چنین کسی قصد ضرر به ورثه را کرده است.

درس 13: آیهٔ داستان داود و دو خصم

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
[illegible]	(21) آیا رسید به تو خبر ستیزنده آنگاه که بالا رفتند بر دیوار عبادتگاه (22) هنگامی که درآمدند بر داوود پس ترسید از ایشان. گفتند: نترس ما دو ستیزه‌گریم، ستم کرده است یکی از ما بر دیگری، پس حکم کن میان ما به حق و گزاف نگوی، و رهبری کن ما را به راه راست.

[ص: 21 – 22]

شرح: [illegible] آن دو نفر که با یکدیگر خصومت داشته و به دیوار عبادتگاه داود بالا رفتند، حضرت داود ʊ هرگاه در عبادتگاه خود به عبادت می‌پرداخت کسی حق نداشت که بر او وارد شود، خداوند دو فرشته را به صورت دو مرد فرستاد: که از دیوار عبادتگاه وارد شدند، حضرت داود از ایشان ترسید، گفتند: نترس ما دو نفر هستیم که با همدیگر خصومت داریم و یکی از ما بر دیگری ظلم نموده است، چون از این دو نفر یکی نود و نه بز داشت و آن دیگر فقط یک بز و اولی مدعی شده است که این بز هم مال او باشد

لذا نزد تو آمدیم تا در بین ما حکم کنی و حق را بیان کنی و ما را به راه راست راهنمائی کنی حضرت داود υ پیش از این که از طرفین بپرسد حکم کرد و موفق به حکم عادلانه نشد و چون متوجهٔ خطای خود شد به سجده افتاد، توبه و استغفار کرد. و سبب خطایش این بود: که قبل از این که سخن طرفین را بشنود حکم خود را صادر کرد و اصل قصه چنین بود که روزی حضرت داود گفت: ایکاش! مثل حضرت ابراهیم و اسحق و یعقوب دارای نام نیکوی می‌بودم و مردم پس از مرگ مرا ستایش کنند، برایش گفته شد: که آن پیامبران از طرف خداوند امتحان شدند و در امتحان خود صبر کردند، حضرت داوود هم از خدا خواست که مورد امتحان قرار گیرد و صبر کند تا مقام ایشان را کسب کند، خداوند او را بنا به درخواست خودش امتحان کرد و دو فرشته را فرستاد: که از دیوار عبادتگاه وارد شدند و از او قضاوت عادلانه خواستند، ولی به حکم عادلانه موفق نشد و به خطای خود فهمید و توبه کرد.

راهنمائی‌های برای مربی:

1-دو آیه بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح حدیث را کلمه به کلمه بخوان و جاهایی که نیاز به توضیح دارد توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که قاضی باید حرف هردو طرف را بشنود نه یک طرف تا این که در حکم خود دچار انحراف شود.

4-برای‌شان بفهمان: که سجده داود که در این آیه ذکر شده است سجدهٔ توبه بوده و سجده‌ای که ما می‌کنیم سجدهٔ شکر است چنانچه پیامبر ρ فرمودند.

5-به ایشان بفهمان: که توبه‌کردن فوراً واجب است، زیرا که حضرت داود υ به محض این که به خطای خود پی برد در حضور خدا به سجده افتاد.

6-به ایشان تذکر ده: هرگاه در کار قضاوت و صدور حکم اگر خداوند حافظ و یاور انسان نباشد مشکل است که انسان نجات یابد.

درس 14: حدیث قاضیان سه نوع اند

قول النبي صلى الله عليه وسلم: الْقُضَاةُ ثَلاَثَةٌ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِي النَّارِ فَأَمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ وَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَجَارَ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ قَضَى لِلنَّاسِ عَلَى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: قاضی‌ها در اسلام سه گروه اند، گروه اول در بهشت اند و دو گروه دیگر در جهنم. گروهی که در بهشت اند، مردی است که حق را شناخته و طبق آن حکم نموده است. گروه دوم مردی است که حق را شناخته و در صدور حکم مرتکب بی‌عدالتی شده است گروه سوم مردی است که بدون علم و دانش در میان مردم قضاوت می‌کند.

(رواه ابوداود، ابن ماجه و الترمذی)

شرح: گفته پیامبر ρ: «**الْقُضَاةُ ثَلاَثَةٌ**»، یعنی قاضی‌ها در اسلام سه گروه اند و ازین سه گروه خارج نیستند، گروه اول در بهشت اند و دو گروه دیگر در جهنم. آن که از اهل بهشت است، کسی است که حق را تشخیص داده و طبق آن حکم می‌کند، دو گروه دیگر که از اهل جهنم اند. مردی است که حق را شناخته است اما در صدور حکم خود مرتکب جور و بی‌عدالتی شده است، گروه سوم کسی است که بدون علم و دانش کافی در میان مردم به قضاوت بپردازد و ازین حدیث دانسته می‌شود که قضات باید در قضاوت خود، دقت لازم را به کار گیرند تا این که حکم‌شان مطابق حق و عادلانه باشد و شخصی که قضاوت را به عهده می‌گیرد باید فردی باشد که به تمام جزئیات و احکام فقهی آگاهی داشته و نیز از تقوای کافی برخوردار باشد و همچنین باید قاضی همواره از درگاه خداوند بخواهد که او را در کارش یاری فرماید و از صدور احکام خلاف حق حفاظت نماید زیرا نجات از خلاف, بدون توفیق خداوند امکان‌پذیر نیست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث بالا را به طور درست، چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح حدیث را کلمه به کلمه بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

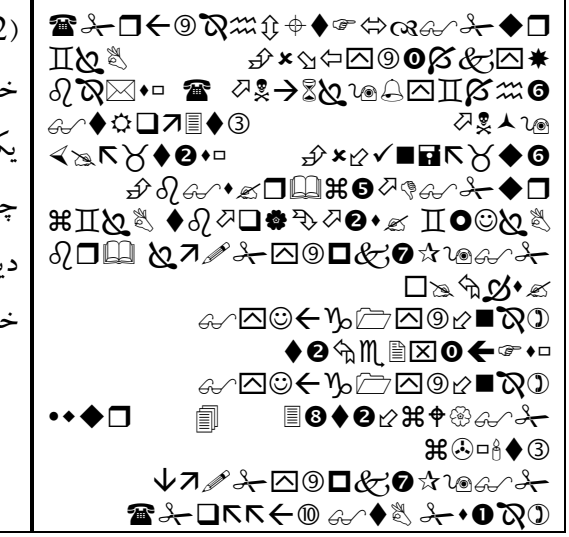
3-به ایشان تذکر ده: که نباید شخص مسلمان، تقاضای قضاوت بنماید، زیرا پیامبرρ فرمودند: هرکس قضاوت را طلب کند، به خودش سپرده می‌شود.

4-به ایشان بفهمان: حدیث پیامبر اشاره به این دارد که آنانی که اهل استقامت اند همیشه اندک اند.

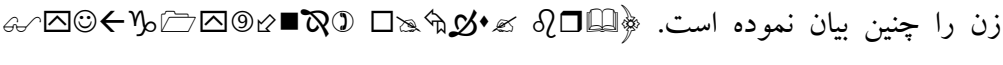
5-به ایشان بفهمان: که جهل و نادانی باعث فتنه و آشوب می‌شود.

6-به ایشان تذکر ده: که پیروی از هوای نفس سبب زیان و گمراهی می‌گردد.

درس 15: آیهٔ شهادت دو مرد، یا یک مرد و دو زن

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(282) و گواه گیرید دو گواه از مردان خویش را و اگر نبود دو مرد پس بگیرید یک مرد و دو زن از آنانکه پسند می‌کنید چون اگر فراموش کند یکی به یاد آورش دیگری و خودداری نکنند گواهان هرگاه خوانده شوند.

[بقره: 282]

شرح: گفته خداوند:  یعنی وقتی که باهم معامله کردید به خاطر جلوگیری از هر نوع خصومت درآینده دو نفر از مردان عادل و با تقوی را که مورد رضایت شمایند، شاهد بگیرید و اگر دو شاهد از مردان ممکن نبود، پس یک مرد و دو زن عادل و با تقوی را شاهد بگیرید. بعد خداوند علت انتخاب یک مرد و دو زن را چنین بیان نموده است.  : یعنی شما یک مرد و دو زن شاهد بگیرید تا این که اگر یکی از زنان فراموش کرد یکی دیگر به یادش دهد، چون زنان طبیعتاً و فطرتاً فراموش‌کارند. و ممکن است به اثر گذشت زمان موضوع را فراموش کنند که اگر یکی از زنان فراموش کرد، یکی دیگر به یادش دهد،

خداوند بعد از دستورگرفتن شاهد می‌فرماید: ﴿ ⌘✇▫🕯♦③ ••◆❐ ☎✂❑↖↖←⑩ ✍♦✍ ✂➊➈ ①↓↗✐✂🖂⑨◘🕸❼☆❧👁✍✂ ﴾ یعنی نباید شاهدان از اداء شهادت انکار ورزند تا وقتی که از ایشان برای شهادت دعوت شود، زیرا کتمان شهادت گناه بزرگ است که منجر به پایمال‌شدن حق می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم آیه فوق را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را با دقت کامل بخوان و نکات لازم را واضح کن.

3-به ایشان تعلیم ده: که گرفتن شاهد برای قطع هر نوع خصومت و جدال در آینده است و یکی از دستورات نیک اسلام است.

4-به ایشان تذکر ده: که زنان از نظر بدنی و عقلی ضعیف اند و نباید کاری که مافوق قوت‌شان باشد به ایشان واگذار شود تا این که باعث ضرر به جامعه اسلامی نشود.

5-به ایشان تذکر ده: که شاهدانی که شریعت اسلام دستور داده، شاهدانی است که عادل بوده و از گناهان کبیره پرهیز می‌کنند، زیرا کسی که به شریعت پروردگار خویش خیانت کند، هیچگاه در اداء شهادت واقعی سعی و اهتمام نمی‌ورزند.

درس 16: حدیث شهادت چهار نفر بر خوبی انسان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: أَلاَ أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ الشُّهَدَاءِ الَّذِى يَأْتِى بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَهَا. **قوله صلى الله عليه وسلم: أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ، قُلْنَا: وَثَلاثَةٌ؟ قَالَ: وَثَلاثَةٌ، قُلْنَا: وَاثْنَانِ؟ قَالَ: وَاثْنَانِ، ثُمَّ لَمْ نَسْأَلْهُ عَنِ الْوَاحِدِ.**	گفتهٔ پیامبر ρ: آیا خبر دهم شما را به بهترین شاهدها، بهترین شاهدان کسی است که پیش از درخواست، شهادت خود را اداء کند. هر مسلمانی که چهار شخص به خوبی آن گواهی دهند: خداوند او را داخل جنت می‌کند، گفتیم: یا رسول الله سه نفر چه؟ گفت: سه نفر هم همین حکم را دارد گفتیم: یا رسول الله دو نفر چطور؟ گفت: دو نفر هم همچنین است و از یک نفر سوال نکردیم.

شرح: گفته پیامبر ρ: «**أَلاَ أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ الشُّهَدَاءِ**» پیامبر اسلام در این کلام خود به مسلمانان تعلیم می‌دهد که شاهدان باهم متفاوت اند و بهترین شاهد آنست که قبل از این که از او درخواست شهادت کنند، شهادت خود را اداء نماید و این برتری به خاطر علاقه و رغبتش به نفع اسلام و احقاق حقوق مسلمانان است.

و این فرمودهٔ پیامبر ρ: «**أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ**»: بیانگر مژده ایست از پیامبر ρ به مسلمانان که هر فرد مسلمان چه مرد باشد یا زن وقتی که چهار نفر مسلمان عادل به خوبی آن گواهی دهند: خداوند او را داخل جنت می‌کند.

بعد، اصحاب از سه نفر پرسدند. پیامبر اسلام فرمودند: سه نفر هم همین حکم را دارند و پیامبر در مورد دو نفر همچنین جواب را دادند، اما اصحاب از یک نفر سؤال نکردند.

خدا می‌داند که اگر ایشان سؤال می‌کردند پیامبرρ آری می‌گفتند یا نه، در این حدیث ارزش و اهمیت شهادت بیان شده است که شخص مسلمان باید مواظب باشد تا هنگامی که در موضوعی یقین ندارد اقدام به شهادت ننماید اگرچه آن شهادت برایش منفعتی داشته باشد و شهادت را کتمان نکند اگرچه مصیبت مالی و یا جانی به او وارد کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم دو حدیث فوق را چند بار بخوان تا این که شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح حدیث را کلمه به کلمه بخوان و موارد نیاز را توضیح ده.

3-ایشان را به ارزش و اهمیت شهادت و مسؤولیت که شاهد در قبال شهادت دارد، آگاه ساز و تذکر ده: که به شهادت حق، حقوق مسلمانان ثابت می‌گردد و شاهدی که به دروغ شهادت می‌دهد بزرگترین گناه را مرتکب شده است.

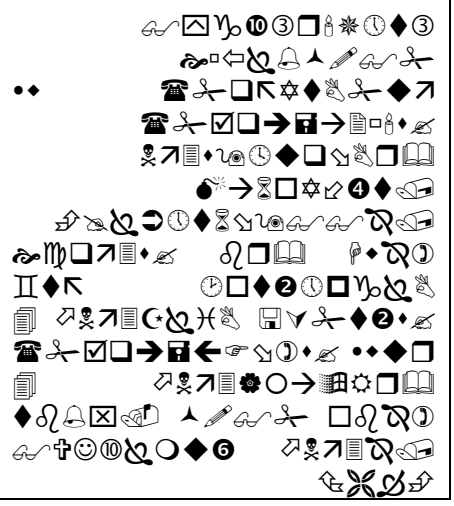
4-به ایشان تذکر ده: که شهادت زنان فقط در مسائل مالی پذیرفته می‌شود و در باره خون‌ها و حدود مورد قبول نیست.

5-به ایشان تذکر ده: که در منازعات مالی و جانی شهادت دو نفر کافیست، اما در حد زنا و حد تهمت چهار نفر لازم است.

6-به ایشان تذکر ده: که شهادت دروغ حرام است، زیرا کسی از پیامبرρ دعوت کرد که در بخشش برای یکی از فرزندان خود شاهد شود، در حالی که فرزند دیگر را محروم می‌کرد، پیامبرρ فرمود: من شهادت به ظلم نمی‌دهم.

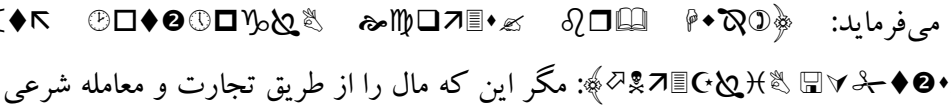
7-به ایشان بفهمان: که در عقد نکاح اگر دو نفر شاهد نباشد نکاح باطل است.

درس 17: آیهٔ کسب مال از طریق تجارت

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(29) ای آنانکه ایمان آوردید! نخورید مال‌های خود را میان خویش به ناحق. مگر آن که داد و ستدی بارضایت میان شما باشد و نکشید همدیگر را همانا خداوند به شما مهربان است.

[نساء: 29]

شرح: این فرموده خداوند:  پیام آسمانی است از طرف خداوند خطاب به بندگان مؤمن. آنان که به خدا و پیامبرش و کتاب و ملاقاتش ایمان دارند، خداوند در این کلام خود بندگان مؤمن را نهی می‌کند ازین که مال یکدیگر را به طور باطل یعنی بدون حق شرعی و قانونی بخورند. و باطل انواع مختلف دارد، مثل سرقت، غصب و غارت.

می‌فرماید:  : مگر این که مال را از طریق تجارت و معامله شرعی و رضایت طرفین به دست آورده باشد، تجارت معامله‌ایست که در مال مباح انجام گرفته باشد. مثل این که مشتری برای خریدار پولی می‌دهد و او در عوض، جنسی مانند مواد غذائی یا

لباس می‌دهد و این همان تجارت و معامله‌ایست که خداوند برای مسلمانان انجام آن را جواز داده مشروط بر این که تجارت از روی رضای و رغبت طرفین باشد. زیرا اگر رضایت خریدار و فروشنده نباشد آن معامله باطل و استفاده از مال حرام است.

و بعد می‌فرماید: ﴿❐◆•• ✍⬧➂☜ ⬅⬛➔❑☑✃☎ 🕮❐☼▦➔○✿▤➚☠⬀﴾: خداوند طوری که خوردن مال یکدیگر را به باطل حرام کرده است، همانطور از کشتن نفس‌های یکدیگر، مسلمانان را برحذر می‌دارد، لذا برای مسلمان حلال نیست این که خود و یا دیگری را به قتل برساند، مگر به طریق حق و آن حق شرعی قصاص قاتل و یا رجم زناکار و یا قتل شخصی که از اسلام خارج شده و مرتد گردیده باشد. البته این کار را باید رهبر مسلمان‌ها انجام دهد، نه خود شخص، خداوند در پایان, علت این حکم را بیان نموده و فرموده است: ﴿➂⧬♌︎☐✃☙✎⮝✍☒☊♌︎♦☜⧬▤➚☠⬀ ❻◆❍♉⑩☺✞☙﴾: یعنی خداوند به شما مسلمانان مهربان است و نمی‌خواهد که جان شما بدون حق شرعی تلف شود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم آیه فوق را چند بار بخوان, تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح آیه را کلمه کلمه بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که مال مسلمان، مثل خون و آبرویش محترم است.

4-به ایشان تذکر ده: که تجارت با شرائط که شریعت بیان فرموده است حلال و مباح است، شرائط این است که مال مورد معامله مباح و حلال باشد. دوم معامله باید روی رضایت طرفین باشد و همچنین اگر مال ربوی باشد باید برابر باشد و هیچ کم و زیادی در آن نباشد و همچنین در یک مجلس باشد یعنی نسیه نباشد و اگر مال‌ها از نگاه جنس باهم اختلاف داشتند برابر بودن شرط نیست، ولی قبض در مجلس شرط است. مال‌های ربوی: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، نمک، ذرت، زیتون، کشمش و سایر اشیائی که قابل ذخیره‌شدن است می‌باشند.

5-به ایشان تعلیم ده: کسی که نفس خود را می‌کشد در دوزخ به آنچه خود را کشته عذاب می‌شود.

درس 18: حدیث کسی که اراده پرداخت حق مردم را دارد

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ أَخَذَ يُرِيدُ إِتْلاَفَهَا أَتْلَفَهُ اللَّهُ. وقوله صلى الله عليه وسلم: مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ.	گفتهٔ پیامبر ρ: هرکس مال مردم را بگیرد و ارادهٔ پرداخت آن را داشته باشد خداوند آن را به پرداختش توفیق می‌دهد و هرآنکس که مال مردم را بگیرد و قصد تلف‌کردن آن را داشته باشد، خداوند آن را تلف می‌کند. و پیامبر ρ فرمودند: تأخیرکردن ثروتمند ظلم به حساب می‌رود.

(رواه البخاری)

شرح: قوله ρ: «**مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا**»: یعنی کسی که مالی را از دیگری قرض بگیرد یا جنسی را از آن به طور عاریت، یعنی جهت استفاده موقت بگیرد و تصمیم داشته باشد که آن مال را به صاحبش برگرداند، خداوند وی را در مقابل کار و نیت خیرش پاداش نیکو می‌دهد، چنانکه خداوند در دنیا آن را موفق به ادای قرض می‌کند و اگر در دنیا نتوانست پرداخت کند، خداوند در آخرت از عوض آن پرداخت می‌کند و صاحب قرض را راضی می‌کند و اما کسی که مال مردم را بگیرد و نیت پرداخت آن را نداشته باشد، خداوند او را هلاک می‌کند و این اتلاف یا در دنیاست که مستحق خسران و زیان می‌گردد و توفیق خود را از وی بازمی‌دارد و یا در آخرت او را در آتش سوزان جهنم داخل می‌کند، بعد پیامبر اسلام می‌فرمایند: «**مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ**»: یعنی «دیر پرداختن قرض مردم از طرف بدهکاری که ثروتمند باشد، ظلم است» و حلال نیست برای شخص مسلمان که قدرت پرداخت قرض برادر خود را دارد. این که قرضش را به تعویق اندازد، زیرا که ظلم باعث تاریکی‌های روز قیامت می‌گردد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث بالا را خوب بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح حدیث را با تأمل بخوان و موارد نیاز را توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که قرض‌دادن جائز است و شخصی که قرض می‌دهد مثل کسی است که چیزی را در راه خدا صدقه می‌کند.

4-به ایشان تذکر ده، هرکه مال مسلمانی را بگیرد و نیت اداء آن را داشته باشد، خداوند راه اداکردن آن را میسر می‌کند و هرکس مال مسلمانی را بگیرد و نیت تلف‌کردن آن را داشته باشد به همان چیزی دچار می‌شود که پیامبر اکرم ρ در حدیث خود بیان کردند یعنی تلف‌شدن و ضایع‌شدن.

5-به ایشان بفهمان: که هرکس مالی را قرض بگیرد، آن مال به دستش امانت است و خداوند دستور داده است که امانت را به اهلش بسپارید.

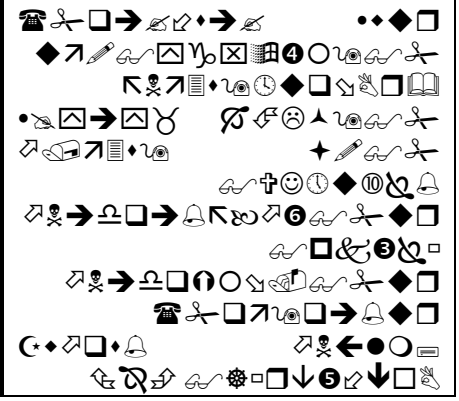
6-به ایشان تذکر ده، هرآن کس که قرض بر ذمه‌اش باشد و آن را به طریق احسن بپردازد کاری بسیار خوب است، زیرا پیامبر ρ با طلبکاران خود چنین می‌کردند.

7-به ایشان تعلیم ده: هر طلبکاری که چیزی از قرض خود را ببخشد خداوند به وی اجر عنایت می‌کند.

8- به ایشان تعلیم ده: کسی که از دیگری قرضی تا مدتی می‌خواهد و می‌گوید: قبل از آن مدت قرض من را بده، چیزی به تو کم می‌کنم درست نیست.

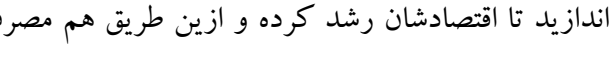
9- به ایشان بگو: که تأخیر در ادای دین در حالی که ثروتمند است و نادار نیست حرام است.

درس 19: آیهٔ مال‌ها را به دست سفیهان ندهید

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(5) و ندهید به نادانان مال‌های خود را، آن مال‌هائی که آن را خدا پایداری شما گردانیده است، ولی خوراک و پوشاک دهیدشان از آن و بگوئید به ایشان گفتار نیک.

[نساء: 5]

شرح: یعنی برای اشخاص نادان که طرز استفاده از مال‌های خود را نمی‌دانند و خیر و شر را از هم جدا نمی‌کنند مال‌های خود را، مال‌هائی که خداوند آن‌ها را وسیلهٔ برای زندگی و معاش شما قرار داده است ندهید، خداوند در این ارشاد سازنده خود طرز برخورد با مسلمانان که از نظر عقلی و فکری در سطح پائین قرار دارند و نمی‌دانند که مال خود را در چه راه صرف کنند تعلیم می‌دهد که مال‌های که وسیله امرار معاش ایشان است به دست آنانی که طرز معامله و خرید و فروش را نمی‌دانند و شاید اموال خود را تلف و ضایع کنند. ندهند ولی مصارف ایشان را از قبیل غذا و لباس بدهند.

می‌فرماید:    : یعنی مال‌هایشان را در تجارت با صنعت و کشاورزی به کار اندازید تا اقتصادشان رشد کرده و ازین طریق هم مصرف‌شان تأمین گردد و هم اصل مال‌شان حفظ شود و می‌فرماید:   : به ایشان سخنی پسندیده بگوئید: تا این که دل‌های‌شان

شاد شود و اندوه و ناراحتی در دل‌هایشان نماند، مثل این که بگوئید: خداوند به تو برکت دهد و این مال، مال تو است و من فقط آن را حفظ می‌کنم، تا بزرگ شوی و طرز مصرف آن را بدانی، پس مالت را به خودت برمی‌گردانم.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه را با ترتیل و چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2- شرح آیه را با آرامش بخوان و نکات که نیاز به توضیح دارد توضیح ده.

3- به ایشان بفهمان: که جلوگیری از خرید و فروش افراد سفیه و نادان درست است، چه نادانیش به خاطر کوچکی باشد و یا به خاطر عقب‌ماندگی ذهنی.

4- به ایشان بفهمان: که خرید و فروش و سائل مبتذل از قبیل فیلم و عکس‌های زشت یا مواد مخدر و سفرکردن به کشورهای کفر جهت خوشگذرانی از نادانی و کم‌عقلی انسان است.

5- کسی که به دست او مال یتیمی یا سفیهی می‌باشد شایسته آنست که آن را بکار اندازد تا به وسیله زکات کم نشود چنانچه حضرت عمر τ می‌فرماید: در مال‌های یتیمان تجارت کنید تا زکات آن را نخورد.

«**اتجروا فی أموال الیتامی حتی لا تأکلها الزکاة**». مال‌های یتیم را به تجارت گذارید تا زکات آن‌ها را نخورد.

درس 20: حدیث چند چیز بر شما حرام است

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الأُمَّهَاتِ، وَوَأْدَ الْبَنَاتِ، وَمَنَعَ وَهَاتِ، وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: همانا خداوند حرام کرده است بر شما نافرمانی مادران و زنده بگور کردن دختران و بازداشتن حقوق دیگران و طلب آنچه حق نیست و ناپسند کرده برای شما قیل و قال و سؤال زیاد و تلف‌کردن مال را.

(رواه البخاری)

شرح: قول النبی ρ: «**إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الأُمَّهَاتِ، وَوَأْدَ الْبَنَاتِ، وَمَنَعَ وَهَاتِ، وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ**»: پیامبر اسلام در این ارشاد سازندهٔ خود از برخی اعمال زشت و ناپسند منع نموده می‌فرماید: همانا خداوند بر شما حرام گردانیده است نافرمانی‌کردن از دستور مادران و مخالفت از دستور پدر و مادر که هردو حرام است، اما این که پیامبرρ فقط مادران را ذکر نموده به چند علت است. اول این که حق مادر از پدر بیشتر است، علت دوم اینست که صبر و بردباری مادران به خاطر ضعیف‌بودنش کمتر است، لهذا مادر بیشتر احساس ناراحتی می‌کند. اما پدر به خاطر قوت قلب که دارد چنین نیست.

بعد پیامبرρ فرمود: «**وَوَأْدَ الْبَنَاتِ**» دومین حرام، زنده به گورکردن دختران است همانطور که در دوران جاهلیت مرسوم بوده است و همچنین است ساقط‌کردن جنین بعد از زنده‌شدن آن، همانطور که در بعضی از جای‌ها رواج دارد. «**مَنَعَ وَهَاتِ**»: سومین حرام، بازداشتن حق دیگران و طلب‌کردن چیزهای که حقش نمی‌باشد و این خصلت یکی از اخلاق زشت و ناپسند است، زیرا عاقلانه نیست که مسلمانی در ادای دین که بر ذمه‌اش است کوتاهی نماید و سپس چیزهائی را از مردم درخواست نماید که مستحق آن نباشد. این سه چیزی که بیان شد بر شخص مسلمان حرام است. سپس پیامبر ρ بعد از بیان حرام‌ها چیزهائی را بیان می‌کند که ارتکاب آن‌ها زشت و ناپسند است، می‌فرماید: «**وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ**»: یعنی ناپسند دانسته

خداوند برای شما قیل و قال را گرچه مکروه در این جا نیز به معنای حرام است، اما پیامبر اسلام ρ به خاطر ایجاد تنوع در روش کلامی خود از آن به مکروه تعبیر می‌نماید و همچنین به خاطر این که حرمت این چیزها کمتر از حرمت چیزهای قبل است و منظور از قیل و قال که در حدیث ذکر شده است نقل‌کردن خبرها بدون تحقیق و بدون توجه به راست‌بودن‌شان است، مثل این که کسی عادت کند و بگوید: فلانی چنین گفت، و چنان گفته شده است. مسلم است که چنین سخنی خالی از دروغ نمی‌باشد، لهذا این دو چیز را پیامبر خدا حرام نمودند و دومین چیزی که ناپسند و زشت است. پرسش زیاد است مثل این که کسی به سؤال زیاد عادت کند، چه پرسش دینی باشد یا مالی یا در بارهٔ شناخت کسی به طریقی که مخاطبش از دست وی اذیت شود و سومین کار ناپسند, تلف‌کردن مال است، یعنی این که شخص مال خود را در راهی مصرف کند که هیچ نوع فایده‌ای دینی یا دنیوی را در بر نداشته باشد و در راه اسراف و خودنمائی صرف کند یا این که مال خود را در راه‌های نامشروع از قبیل خرید مواد مخدر و خرید فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل و ترتیب مجالس رقص و خوشگذرانی به راه اندازد و یا این که پول و مال را برای سفر به کشورهای کفر برای خوشگذرانی و تفریح خرج کند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح حدیث را کلمه به کلمه بخوان و موارد لازم را توضیح ده.

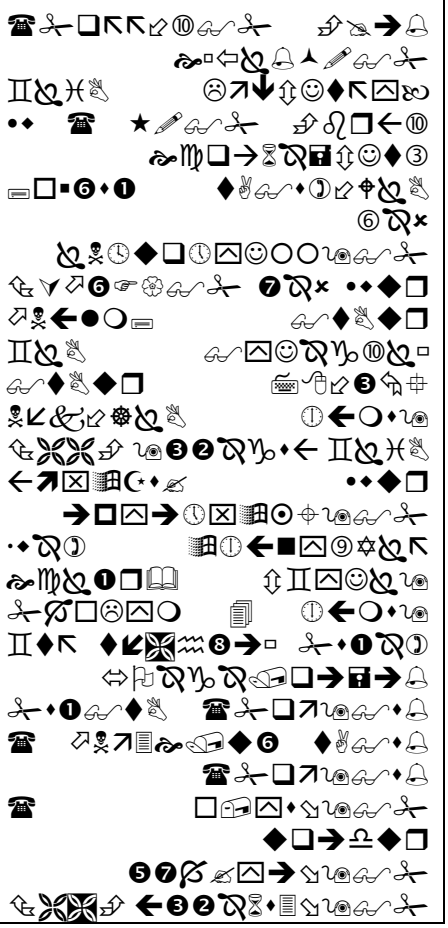
3-به ایشان بفهمان: که حرام‌کردن به معنی منع‌کردن است و چیز حرام ممنوع می‌باشد.

4-به ایشان بفهمان: که حلال‌دانستن حرام قطعی, کفر است.

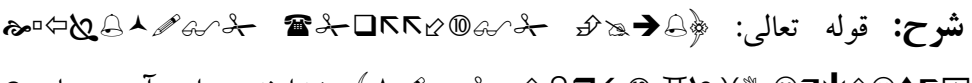
5-جلوگیری از فرزند، جهت مریض‌بودن زن یا عدم قدرت به شیردهی و تربیت جائز باشد.

6-به ایشان بفهمان: که سؤال‌نمودن مال مردم بدین ضرورت حرام است و سؤال زیاد حرمتش زیادتر است.

درس 21: آیهٔ خواندن خدایان باطل

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(22) بگو: ای پیامبر! بخوانید آنان را که پنداشتید جز خدا مالک نیستند. وزن ذره‌ای در آسمان‌ها و نه زمین و نیست برایشان در آن‌ها شرکتی و نیست برای خداوند از ایشان پشتیبانی (23) و نفع نمی‌رساند شفاعت نزد او، مگر برای آن کسی که اجازه داده برای او تا هنگامی که دور کرده شود از دل‌هایشان ترس، گویند: برای یکدیگر چه گفت: پروردگار شما، گویند: گفته است سخن حق را و اوست برتر و بزرگوار.

[سباء: 22 – 23]

شرح: قوله تعالی:  خداوند در این آیه به پیامبر ρ دستور داده که برای مشرکان بگوید: بخوانید آن خدایان را که می‌پنداشتید که برای شما نفع و زیان می‌رسانند و یا این که در روز قیامت شفاعت شما را خواهند کرد. البته این دستور

برای این نیست که خداوند پرستش بت‌ها را به ایشان اجازه داده باشد بلکه برای اینست که به ایشان بفهماند: که این خدایان مالک کمترین نفع و زیانی نیستند، لذا شایستگی پرستش را ندارند بعد خداوند، عدم لیاقت بت‌ها را برای پرستش بیان نموده می‌فرماید: ﴿•• ⑥ × ▭□▪❻•❶ ♦✌•◑ ❽❾❑→⌛ ③♦☺⇳ ❑→❽❾❻☞ ❼× •• ◆❐ ◆❑◷ ☺○○ ❻☞ ×❼ ﴾: یعنی این خدایان به اندازه وزن تخم مورچه‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک نیستند، پس از کجا می‌خواهند که نیازهایشان را برآورده سازند، زیرا بت‌های شان نه به طور مستقل و نه به طور شرکت با خداوند، مالک هیچ چیزی در جهان هستی نیستند و حتی در یک هزارم این جهان هم شرکت ندارند و خداوند می‌فرماید: ﴿❐◆♦ ▭ ●❍← ⑩ ☺ ﴾ ❸➔ ❐◆♦ ❍← ✌ ❸ ✌ ✌ ✌ ﴿: یعنی نیست هیچیک از بت‌ها و خدایان کمک کار و پشتیبان برای خدا تا این که واسطه شوند برای جلب نفع یا دفع ضرر از ایشان سپس خداوند امید شفاعت از بت‌ها را قطع می‌کند می‌فرماید: ﴿•• ◆❐ ← ⊠ ☪•• ← ⊠ ⊙ ◷ ■← ⑨ ﴾: یعنی نفع نمی‌رساند شفاعت و عذرخواهی به درگاه خدا مگر شفاعت کسی که خداوند به او اجازه شفاعت داده باشد و همچنان خداوند از شخصی که مورد شفاعت قرار می‌گیرد راضی باشد و چنین چیزی در حق ایشان و بت‌هایشان وجود ندارد، زیرا خودشان و بت‌های‌شان مورد لعنت و غضب خداوند اند، پس ایشان هرچه می‌خواهند از معبودان خود درخواست شفاعت کنند ولی هرگزچیزی دستگیرشان نخواهد شد، بعد خداوند می فرماید: ﴿○□☹ ﴾ ❶• ♦ ❽➔ ❑➔ ➔ ♦ ﴿، چون خداوند اجازه شفاعت دهد در روز قیامت، ترس و وحشت شفاعتگران مأذون را فرا گیرد تا این که خداوند ترس را از قلب‌های‌شان دور می‌کند از یکدیگر می‌پرسند: که پروردگار ما در مورد شفاعت چه گفت؟ می‌گویند: خداوند سخن حق گفت، یعنی برای ما اجازه شفاعت داد و او برتر و بزرگ است.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم دو آیه بالا را چند بار بخوان تا این که شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح آیه را با دقت و آرامش کامل بخوان و نکات لازم را واضح ساز.

3-به ایشان بفهمان: که شرک‌آوردن به خدا از وسوسه شیطان است و شرک گناهی است که بخشیده نمی‌شود.

4-به ایشان بفهمان: که طلب حاجت از غیر خدا شرک است و هرچه غیر از خدا عبادت می‌شود نمی‌تواند برای عبادت‌کننده خود نفع رساند.

5-به ایشان تذکر ده: که شفاعت به جز خداوند از کسی دیگر خواسته نمی‌شود و هرکه شفاعت را از غیر خدا بخواهد شرک آورده است و از حاجت خود محروم شده است.

درس 22: حدیث استراق سمع شیاطین

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِذَا قَضَى اللَّهُ الأَمْرَ فِي السَّمَاءِ ضَرَبَتِ الْمَلاَئِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا خُضْعَانًا لِقَوْلِهِ كَالسِّلْسِلَةِ عَلَى صَفْوَانٍ فَإِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ، قَالُوا لِلَّذِي قَالَ الْحَقَّ وَهْوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، فَيَسْمَعُهَا مُسْتَرِقُ السَّمْعِ، وَمُسْتَرِقُ السَّمْعِ هَكَذَا بعضه فَوْقَ بعض... فيسمع الكلمة فيلقيها إِلَى من تحت ثُم يلقيها الآخر إِلَى من تحته حتى يلقيها علي لسان الساحر أو الكاهن فَرُبَّمَا أَدْرَكَهُ الشِّهَابُ قَبْلَ أَنْ يلقيها، وربَما ألقاها قبل أن يدركه فيكذب معها مائة كذبة فقال أليس قد قال لنا يوم كذا وكذا فيصدق بتلك الكلمه التي سمعت من السماء.	گفتهٔ پیامبر ρ: وقتی که خداوند در مورد انجام کاری در آسمان‌ها حکم می‌کند فرشتگان بال‌های خود را بهم می‌زنند جهت اظهار فروتنی در مقابل حکم خدا که گویا قولش زنجیر است که بر سنگ صاف فرود می‌آید. پس وقتی که خدا وند ترس و وحشت را از دل‌های‌شان دور می‌کند به یکدیگر می‌گویند: پروردگار شما چه گفت: می‌گویند: پروردگار ما سخن حق گفته است و او برتر و بزرگ است. پس از آن شیاطین سخنان را می‌دزدند و می‌شنوند و این دزدان بالای یکدیگر قرار دارند به همین طریق یکی به دیگری سخن را انتقال می‌دهد تا این که او را بر زبان جادوگر و غیب‌گو می‌اندازند، بسا باشد که پیش ازین که سخن را به پائین بیاورد ستاره آتشین او را درمی‌یابد و گاهی سخن را به پائین‌ترها می‌رساند بدون این که ستاره شهاب او را دریابد و گاهی سخن را به پائین‌ترها می‌رساند بدون این که ستاره شهاب او را دریابد پس صد دروغ به آن سخن می‌آمیزد پس گفته می‌شود: آیا نگفت برای ما فلان روز و فلان روز و همان سخن که شنیده است از آسمان مورد تصدیق قرار می‌گیرد.

(رواه البخاری)

شرح: چون خداوند حکم را در آسمان‌ها فیصله کند، فرشتگان بال‌های خود را در برابر قول او به اظهار فروتنی بهم می‌زنند گویا قول خداوند همچون زنجیریست که بر سنگ صاف و سخت اصابت نماید در این حدیث پیامبرρ از کیفیت صدور حکم خداوند در آسمان‌ها خبر می‌دهد، یعنی وقتی خداوند حکم را وحی می‌کند آسمان‌ها از ترس خدا به خود می‌لرزند و وقتی که این خبر به گوش فرشتگان می‌رسد همه از ترس خداوند به سجده می‌افتند و اولین کسی که سر از سجده برمی‌دارد حضرت جبرئیل است و این وحی به حضرت جبرئیل ابلاغ می‌شود و حضرت جبرئیل از هر آسمان که می‌گذرد فرشتگان آسمان, از وی سؤال می‌کنند که پروردگار شما چه حکم کرد او می‌گوید: خداوند به حق حکم نموده است، سپس این کلام را شیطان‌های که خبرها را دزدی می‌کنند، می‌شنوند و یکی به دیگر می‌رساند تا این که آن سخن را به زبان جادوگران و غیب‌گویان می‌رسانند، سپس جادوگران و غیب‌گویان آن سخن را با صد دروغ دیگر مخلوط نموده به پیروان خود می‌گویند، گاهی این جنیات مورد اصابت شهاب قرار می‌گیرند و نابود می‌شوند و گاهی خبر را می‌رسانند، پس به همان کلمهٔ که از آسمان شنیده است مورد باور مردم قرار می‌گیرد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-حدیث بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ نمایند.

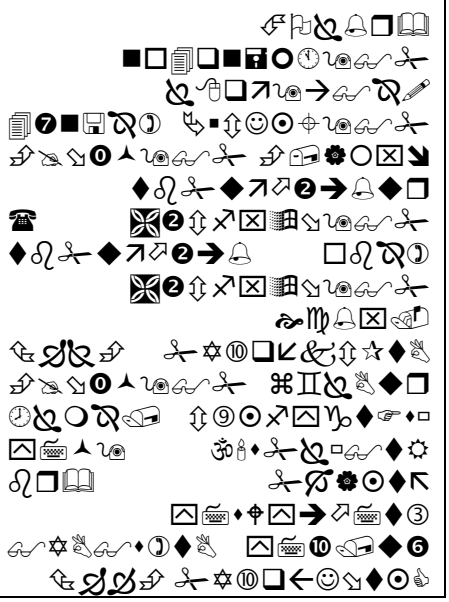
2-شرح را با دقت کامل بخوان تا خوب فهمیده شود.

3-به ایشان بفهمان: که فرشتگان با وجود عظمت و بزرگی که دارند از وحی خداوند به ترس و وحشت می‌افتند، چه رسد به انسان و این حدیث ادعای آن‌ها را که عقیده دارند که جنیات را پرستش می‌کنند تا ایشان را در قیامت شفاعت کنند باطل می‌کند.

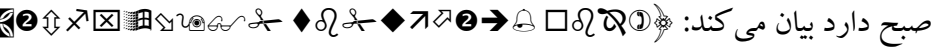
4-به ایشان تذکر ده: که احتمال راست‌بودن سخنان جادوگر و غیب‌گو یک درصد است، لهذا درست نیست که کسی نزد ایشان برود یا سخنان ایشان را تأیید کند.

5-به ایشان بفهمان: که برای جن‌ها جایگاه‌هایی در آسمان‌ها وجود دارد چنانکه قرآن از زبان جن‌ها می‌فرماید: ما بودیم که در جایگاه‌های از آسمان می‌نشستیم تا سخنان فرشتگان را بشنویم.

درس 23: آیهٔ اشاره به اوقات نماز

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(78) برپای دار نماز از بازگشتگاه خورشید تا تاریکی شب و نماز صبح را به پای دار، زیرا که نماز صبح مشهود فرشتگان است (79) بعضی از شب را بیدار باش، جهت نماز نفل در حالی که مخصوص تو است زود است که برانگیزدت خداوند به جایگاه ستوده شده.

[اسراء: 78 – 79]

شرح: قول الله تبارک وتعالی:  : در این آیه خطاب متوجه رسول خدا است و امتش تبعاً در آن داخل اند خداوند در این آیه ضمن دستور به اداء نماز، اوقات آن را بیان می‌دارد و در این آیه بیان نماز ظهر و عصر است زیرا که این دو نماز، بعد از زوال خورشید و میل آن به طرف غرب می‌باشد. نماز ظهر بعد از زوال و عصر هم بعد از زوال است. اما با مقدار تأخیر. بعد خداوند وقت نماز مغرب و عشاء را بیان می‌کند. و می‌فرماید:  : یعنی نماز را از وقت زوال به پا کنید تا تاریکی شب یعنی نماز شام و خفتن را. بعد خداوند وقت نماز صبح را با مزیتی که نماز صبح دارد بیان می‌کند: 

﴿ ﴾: یعنی نماز صبح را به پای دارید، زیرا در نماز صبح فرشتگان شب و روز جمع می‌شوند، فرشتگان روز, از آسمان‌ها می‌آیند و فرشتگان شب بعد از نماز صبح می‌روند، پس نماز صبح نمازیست که فرشتگان کرام الکاتبین حاضر می‌شوند، بعد خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾ و برخی از شب را بیدار بمان و نماز بخوان تا این که نماز شب, وسیله می‌شود برای رسیدن به جایگاه شایسته و ستوده شده که آن شفاعت عظمی است.

و شفاعت عظیمی آنست: که اهل موقف بعد از این که مدت زیادی در عرصات قیامت می‌مانند به حضور حضرت آدم و نوح و ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام می‌آیند تا شفاعت کنند پیامبران درخواست‌شان را رد می‌کنند، سپس نزد حضرت محمد مصطفی ρ می‌آیند پیامبر ρ می‌گویند: من برای شفاعت آماده ام سپس به حضور خداوند در زیر عرش به سجده می‌افتد و خداوند کلمات را به پیامبرρ الهام می‌کند تا او را ستایش کند و پیامبر ρ با آن کلمات، پروردگار را حمد و ستایش می‌کند سپس خداوند می‌فرماید: سرت را بلند کن و درخواست کن داده می‌شوی و شفاعت کن شفاعتت پذیرفته می‌شود و این همان مقام محمود است که همه اهل محشر او را به آن مقام می‌ستایند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم دو آیه بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح را با آرامش بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

3-ایشان را به اوقات نماز آشنا کن و شیوهٔ استنباط وقت‌های نماز را ازین آیه توضیح ده همانطور که امام مالک استنباط نموده اند.

4-به ایشان توضیح ده: که فضیلت نماز صبح و نماز عصر ازین جهت است که فرشتگان در این دو نماز حاضر می‌شوند.

5-ایشان را به نماز تهجد ترغیب کن زیرا که نماز تهجد بزرگترین وسیله برای حاصل‌نمودن رضای خداوند و قبول‌شدن دعاها است.

درس 24: حدیث دعای اذان

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلاَةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِى وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِى يَوْمَ الْقِيَامَةِ.	گفتهٔ پیامبر ρ: هرکس وقتی که آذان را می‌شنود بگوید: ای بار خدایا! پروردگار این دعای کامل و نماز دائم بده محمد ρ را وسیله و فضیلت و بفرست: او را به جایگاه ستوده شده، آن مقامی که به آن وعده دادی, حلال می‌شود برای آن شفاعت من.

(رواه البخاری)

شرح: قوله ρ: «**مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ**»: منظور از نداء در اینجا آذان برای نمازهای پنج وقت می‌باشد. «**اللَّهُمَّ**»: یعنی ای بار خدایا «**رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ**»: پروردگار این دعای کامل, پیامبر اسلام ρ آذان را دعای کامل می‌نامند، زیرا که آن ندای توحید است که مردم را به سوی معبود واحد فرا می‌خواند و دعوت‌نمودن به سوی خدای یگانه کاملترین ندا و صادقترین آن است و راست‌ترین سخن, کلمهٔ لا اله الا الله محمد رسول الله است یعنی کسی در جهان جز الله سزاوار پرستش نیست و محمد ρ فرستاده خدا است «**وَالصَّلاَةِ الْقَائِمَةِ**»: منظور از قائمه دائم و همیشگی است. زیرا نماز عبادت دائمی است که در طول ساعت شبانه روز بندگان خدا آن را برگزار می‌نمایند. «**آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ**»: وسیله چیزی است که سبب نزدیک‌شدن انسان به پروردگار می‌شود مراد از وسیله در اینجا درجه‌ای است در جنت که جز به یک بنده به کسی دیگر شایسته نیست.

پیامبرρ فرمودند: امیدوارم که همان بنده من باشم «**وَالْفَضِيلَةَ**»: یعنی درجهٔ برتر بر همهٔ درجات «**وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا**» منظور از مقام محمود شفاعت عظمی است، زیرا خداوند در روز قیامت شفاعت پیامبر خود را قبول می‌نماید تا در میان آنان فیصله کند و از سختی‌های

میدان قیامت نجات یابند این مقامی است که پیامبر خدا در آنجا قرار می‌گیرد و همهٔ انسان‌ها او را بر آن مقام می‌ستایند، «**الَّذِی وَعَدْتَهُ**» یعنی آن مقامی که به وی وعده دادی، زیرا خدا در قرآن فرموده است: زود است که پروردگارت تو را در جایگاه نیکو و ستوده شده قرار دهد این وعده خداوند حتمی است و پیامبرρ صاحب این جایگاه نیکو است. «**حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ**»: یعنی چنین انسانی شایسته شفاعت من می‌گردد شفاعت پیامبر خدا موارد گوناگونی دارد از آن جمله شفاعت آنانی که در جهنم داخل شدند تا از آنجا بیرون شوند و نوع دیگر در مورد آنانی است که مستحق جهنم گردیدند، اما به شفاعت پیامبر ρ وارد آن نمی‌شوند و نوع دیگر شفاعت برای اهل جنت است آنانی که درجات آن‌ها در بهشت پایین است بدین وسیله به مقام‌های بلند می‌رسند.

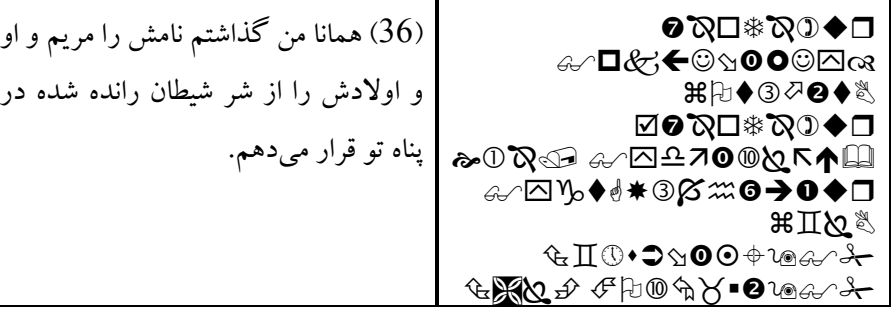
راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث بالا را چند بار بخوان تا شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح حدیث را با آرامش بخوان و موارد لازم را توضیح ده.

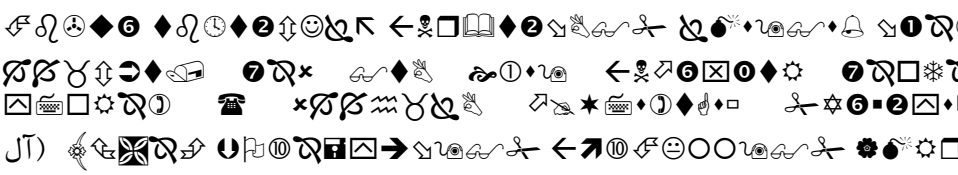
3-به ایشان بفهمان: که قبل از خواندن این دعا باید شخص مسلمان کلمات آذان را همراه مؤذن تکرار نماید بعد از آن این دعا را بخواند فقط در حی علی الصلاة و حی علی الفلاح، لا حول ولا قوة إلا بالله بگوید، و در دیگر جاها عین کلمات آذان را تکرار نماید، بعد از گفتن جواب آذان به پیامبر خدا درود بفرستد، درود ابراهیمی: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ**».

درس 25: آیهٔ مادر مریم دخترش را نذر کرد

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(36) همانا من گذاشتم نامش را مریم و او و اولادش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم.

[آل عمران: 36]

شرح: این سخن حنه زن عمران است که خداوند Ψ آن را حکایت می‌کند که حنه نذر کرد آنچه در شکم خود دارد برای خدمت بیت المقدس بگمارد و سخنش اینست:



(آل عمران: 35). «پروردگارا! من نذر نمودم برای تو آنچه در شکم من است آزاد برای خدمت بیت المقدس، پس پروردگارا این را از من بپذیر، زیرا که تو شنوا و دانا هستی».

و وقتی که آن را گذاشت، گفت:



(آل عمران: 36). «و وقتی که آن را گذاشت، گفت: پروردگارا! همانا من گذاردم او را دختر و خداوند داناتر است به آنچه گذارده و نیست پسر مثل دختر و من نامیدم او را مریم یعنی «خدمت‌گذار دین خدا» و بعد گفت:

پروردگارا من آن و اولادش را در پناه تو قرار می‌دهم از شر شیطان رجیم و رانده شده». که هم دشمن توست و هم دشمن من، این تمام سخنان حنه، مادر مریم بود که در مورد نذر فرزندش گفته بود.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-آیه را چند بار بخوان تا این که شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح آیه را بخوان و موارد لازم را توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که حنه مادر مریم، فرزند خود را نذر کرد برای خداوند تا این که در خدمت مسجدالاقصی باشد و خداوند نذرش را قبول کرد.

4-به ایشان بفهمان: که مادر مریم در دعای خود توسل به اسماء خداوند نمود و گفت:



«همانا تو شنوا و دانایی».

5-به ایشان تذکر ده: که حنه چطور فرزند خود را از شر شیطان در پناه خداوند قرار داد و گفت:



«من آن و اولادش را در پناه تو بگردانم از شر شیطان رانده‌شده».

6-به ایشان تذکر ده: که خداوند دعای مادر مریم را قبول کرد و مریم و فرزندش عیسی را از شر شیطان پناه داد.

7-به ایشان بفهمان: که نذر فقط باید به خاطر خدا باشد و نذر برای هیچکس دیگر روا نیست.

8-به ایشان بفهمان: که پناه‌جستن جز به خدا به کسی دیگر ممکن نیست و پناه‌بردن به خدا به اینصورت نیست که تکه آهن را زیر سر نوزاد گذارند و یا این که استخوان را در گردنش بیاویزند و طرزهای دیگر که در میان مردم جاهل معمول است.

درس 26: حدیث شیطان هر نوزادی را مساس می‌کند

قول النبي صلى الله عليه وسلم: مَا مِنْ بَنِي آدَمَ مَوْلُودٌ إِلاَّ يَمَسُّهُ الشَّيْطَانُ حِينَ يُولَدُ، فَيَسْتَهِلُّ صَارِخًا مِنْ مَسِّ الشَّيْطَانِ، غَيْرَ مَرْيَمَ وَابْنِهَا.	گفتهٔ پیامبر ρ: نیست هیچ نوزادی از فرزندان آدم، مگر این که در وقت تولد، شیطان به او مساس می‌کند، وبه زدن شیطان فریاد می زند, غیر از حضرت مریم و فرزندش.

(رواه البخاری)

شرح: «**مَا مِنْ بَنِي آدَمَ مَوْلُودٌ**»: یعنی هریک از فرزندان آدم چه پسر باشد و چه دختر، وقتی که از مادر زائیده می‌شود، شیطان انگشت خود را به پهلویش می‌زند که به اثر آن نوزاد فریاد می‌زند.

مگر حضرت مریم و فرزندش حضرت عیسی علیهما السلام که ازین قاعده مستثنی اند و شیطان به ایشان دست نزده است، حضرت مریم دختر عمران است و مادرش حنه نام دارد مادر حضرت مریم وی را نذر بیت المقدس نمود و در مسجد الاقصی تحت کفالة حضرت ذکریا υ بزرگ شد و در دوران حیات خود هیچ گناهی را مرتکب نگردید و همچنین فرزند آن حضرت عیسی υ یکی از بندگان پاک خداوند است.

که در دوران حیات خویش کوچکترین گناه را مرتکب نگردید و در روز قیامت وقتی که انسان‌ها جهت درخواست شفاعت نزد انبیاء علیهم السلام می‌روند، هرکدام برای خود گناهی را ذکر می‌کنند، مثلاً حضرت آدم می‌گوید: من به خاطر خوردن از درخت ممنوعه نمی‌توانم کسی را شفاعت کنم.

حضرت ابراهیم υ سخنان خود را که ظاهری دروغ داشت و در حقیقت راست بود علت قرار می‌دهد.

حضرت نوح به واسطه دعای که به نابودی قوم خود کرده بود از شفاعت امتناع می‌ورزد، اما حضرت عیسی ʊ هیچ گناهی را ذکر نمی‌کند، ولی حاضر به شفاعت هم نمی‌شود و این پاکی حضرت عیسی به برکت دعایی بود که مادر بزرگ‌اش حنه گفت:

﴿رَبِّ إِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (آل عمران: 36). «پروردگارا! مریم و اولادش را از شر شیطان رجیم در پناه تو قرار می‌دهم».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

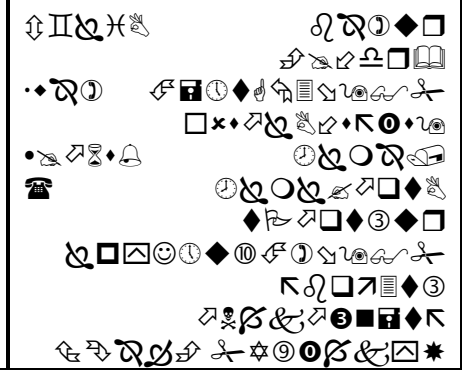
1- مربی محترم حدیث را چند بار بخوان تا این که حفظ شود.

2- شرح حدیث را جمله جمله بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

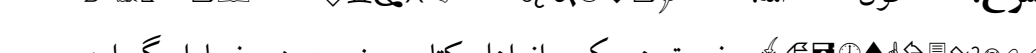
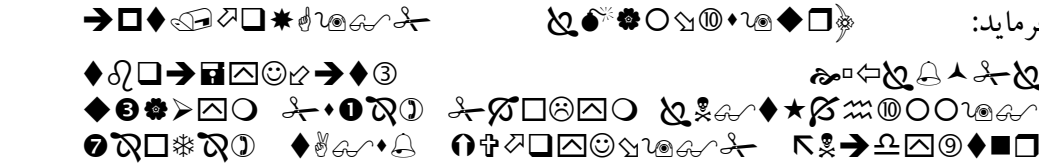
3- به ایشان تذکر ده: که خداوند دعای مادر مریم را که در حق مریم و فرزندانش کرده بود قبول کرد، زیرا که آن زن عالم و خداشناس بود.

4- به ایشان بفهمان: که وقتی که نوزادی به دنیا آمد و آواز کرد بعد از آن مُرد غسل داده شود و طبق سنت کفن گردد و به آن نماز جنازه نیز خوانده شود و همچنین از آن میراث برده می‌شود. اما اگر به دنیا آمد و صدای از آن شنیده نشد سپس مرد, غسل و کفن آن واجب نیست و نماز هم بر آن خوانده نشود و اگر کسی چنین کار کرد جائز است، مگر میراث که از آن میراث برده نمی‌شود.

درس 27: آیهٔ ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(159) و نیست کسی از اهل کتاب مگر این که قبل از مردن خود به حضرت عیسی ایمان می‌آورد و در روز قیامت برایشان شاهد است.

[نساء: 159]

شرح: قول الله:  و نیست هیچکس از اهل کتاب یعنی یهود و نصارا مگر این که قبل از مردن خود به حضرت عیسی ایمان می‌آورد و این وقتی است که مرگش فرا رسد و فرشتهٔ مرگ را به چشم خود می‌بیند و از زندگی خود ناامید می‌گردد، در این وقت ایمان می‌آورد به این که حضرت عیسی υ فرزند حضرت مریم بنده خدا و پیامبر خداست و او خدا یا فرزند خدا و یا خدای سوم نیست، آنطوری که نصارا اعتقاد دارند و همچنین او جادوگر یا بچه زنا هم نیست آن طوری که یهودی‌ها اعتقاد داشتند و او بنده و رسول خداست و کلمه خداوند است که خداوند او را به سوی مریم القاء کرد و او روح خدا است همانطوری که مسلمان‌ها اعتقاد دارند اما این ایمان در این وقت به ایشان نفعی نمی‌رساند، زیرا که بعد از یأس و ناامیدی از زندگی است و توبه در چنین فرصتی پذیرفته نمی‌شود. زیرا خداوند می‌فرماید: 

﴿ ﴾ (النساء: 18). «یعنی نیست توبه‌ای برای آنانی که اعمال زشت را مرتکب می‌شوند تا وقتی که مرگ‌شان فرا می‌رسد آن وقت می‌گویند: من حالا توبه کردم». بعد خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾ یعنی «حضرت عیسی در روز قیامت بر کافربودن یهود و نصارا شهادت می‌دهد».

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم آیت بالا را چند بار بخوان تا حفظ گردد.

2-شرح آیت را کلمه به کلمه بخوان و نکات مشکل را تشریح کن.

3-به ایشان بفهمان: که یهود و نصارای امروزی و پیشین‌ترها به حضرت عیسی کافر شدند، زیرا یهودی‌ها آن حضرت را جادوگر و فرزند زنا می‌دانستند و نصارا حضرت عیسی را خدا دانسته و او را پرستش نمودند پس این هردو گروه به حضرت عیسی υ کافر اند.

4-به ایشان بفهمان: که تنها کسی که از عذاب خدا نجات می‌یابد کسی است که به پیامبر خدا حضرت محمد ρ ایمان آورده و اسلام را به عنوان دین انتخاب نموده و خداوند را با اخلاص کامل پرستش کند عرب باشد یا عجم، سیاه باشد یا سفید.

درس 28: حدیث به زودی حضرت عیسی فرود می‌آید

قول النبي صلى الله عليه وسلم: وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزِلَ فِيكُمُ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا عَدْلاً، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخِنْزِيرَ، وَيَضَعَ الْحَرْب، وَيَفِيضَ الْمَالُ حَتَّى لاَ يَقْبَلَهُ أَحَدٌ، حَتَّى تَكُونَ السَّجْدَةُ الْوَاحِدَةُ خَيْرًا مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا.	گفتهٔ پیامبر ρ: قسم به آن ذاتی که جانم در اختیار اوست زود است که فرزند مریم به عنوان داور عادل در میان شما فرود آید، پس می‌شکند صلیب‌ها را و می‌کشد خوک‌ها را و می‌گذارد جنگ را و زیاد می‌شود مال, تا حدی که کسی پیدا نمی‌شود که آن را قبول کند. تا انکه یک سجده از دنیا وآنچه درآن است بهتر است.

(رواه البخاری)

شرح: قول النبی ρ: «**وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ**» قسم به آن خدائی که جانم در دست اوست که زود است فرزند مریم یعنی عیسی به عنوان داور و حاکم عادل در میان شما فرود آید.

«**وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ**» این سوگندیست که پیامبر اسلام همواره در کلام خود ذکر می‌کردند، بعد پیامبر اسلام هدف از فرودآمدن حضرت عیسی υ را بیان کرده می‌فرماید: «حضرت عیسی بعد از این که به دنیا می‌آید صلیب‌هایی که مسیحیان آن را به رسم تقدس می‌پرستند درهم می‌شکند و آن را باطل اعلام می‌کند. و همچنین خوک‌ها که مسیحیان به گوشت‌شان علاقه دارند می‌کشد تا این که انسان‌ها از شرشان نجات یابند» البته خوردن گوشت خوک در دین اسلام حرام است، چون قرآنکریم می‌فرماید: ﴿ ﴾ (المائدة: 3). «یعنی حرام گردیده است بر شما خوردن خود مرده و خون و گوشت خوک». و همچنین حضرت عیسی جنگ

را کنار می‌گذارد، زیرا همه مردم به دین اسلام می‌گروند و کافری یافت نمی‌شود تا با وی بجنگند.

در یک روایت به عوض کلمه جنگ جزیه آمده است، یعنی حضرت عیسی گرفتن جزیه را ترک می‌کند و فقط تنها اسلام را قبول می‌کند، بعد پیامبرρ ادامه داده فرمودند: «**وَيَفِيضَ الْمَالُ**»: یعنی مال زیاد می‌شود تا این که کسی پیدا نمی‌شود که آن را قبول کند و مردم زهد و کناره‌گیری از دنیا را پیشه می‌کنند تا حدی که یک سجده برای خداوند از دنیا و آنچه در آن است به نظر مردم بهتر است چون علامات آخرت را مشاهده می‌کنند.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

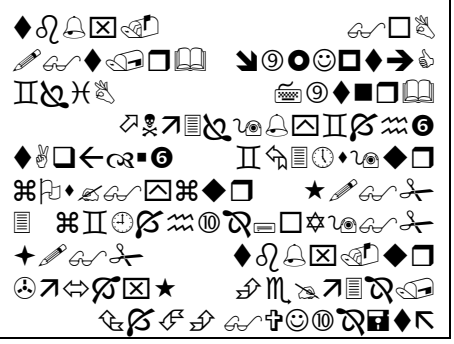
1-حدیث بالا را چند بار بخوان تا این که شنوندگان حفظ نمایند.

2-شرح حدیث را با دقت کامل بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

3-به ایشان بفهمان: که این حدیث پیامبرρ اشاره به نزدیک‌بودن قیامت دارد.

4-به ایشان تذکر ده: که فرودآمدن حضرت عیسی υ به دنیا یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت است و در آن وقت است که ایمان و عمل صالح پذیرفته نمی‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿  (الأنعام: 158). «روزی که بعضی نشان‌های پروردگارت آشکار گردد، به هیچ نفسی ایمانش که قبلاً ایمان نیاورده. یا با وجود ایمان کار نیکی نکرده، سودی به حالش نخواهد داشت».

درس 29: آیهٔ حضرت محمد خاتم پیامبران

قول الله تبارک وتعالی:	گفتهٔ خدای بزرگ:
	(40) نیست محمد پدر یکی از مردان شما و لکن او رسول خدا و خاتم پیامبران است و خداوند به هرچیز دانا است.

[احزاب: 40]

شرح: قوله تعالی:  یعنی نیست محمد ρ پدر هیچیک از مردان شما، نه پدر زید بن حارثه است و نه پدر کسی دیگر از شما، زیرا فرزندان پیامبرρ بعضی در مکه مکرمه در سن کوچکی وفات نمودند و ابراهیم در مدینه منوره به سن شیرخوارگی از دنیا رفت و لکن محمد, رسول و فرستاده خداوند و خاتم انبیاء است که خداوند با نبوت او به سلسله انبیاء † پایان داد و بعد از آن هیچ پیامبر دیگری مبعوث نخواهد شد و کسی ادعای نبوت کند، دروغ می‌گوید و مورد قبول نیست و مورد لعنت خدا و فرشتگانش قرار می‌گیرد. و اگر گفته شود: در آخر زمان و قبل از قیامت حضرت عیسی υ از آسمان‌ها به زمین می‌آید جوابش اینست: که حضرت عیسی پانصد سال پیش از پیامبر اسلام به پیامبری برگزیده شد و مدتی در دنیا مانده تا این که خداوند او را به سوی خود بالا برد، لهذا حضرت عیسی υ به عنوان پیامبر جدید نمی‌آید، بلکه از پیروان پیامبر اسلام است و ایشان برای تمام حیات و زندگی خود در زمین طبق سنت ازلی خداوند که می‌فرماید:



﴿ (الأعراف: 25). یعنی «در زمین زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از زمین بیرون می‌شوید».

بعد خداوند می‌فرماید: ﴿ ﴾: یعنی خداوند به همه چیز دانا است و یکی از آن‌ها نبوت پیامبر اسلام است و این که او پدر کسی نیست، رسول و فرستادهٔ خداوند و خاتم انبیاء است و آنچه گفته ثابت شد و بوقوع پیوست.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1- آیه بالا را بخوان تا این که شنوندگان حفظ نمایند.

2- شرح آیه را با دقت بخوان و نکات لازم را توضیح ده.

3- به ایشان بفهمان: که فرزندگرفتن در اسلام جائز نیست و درست نیست که کسی را فرزند خود بخواند زیرا که دروغ است.

4- به ایشان بفهمان: که پیامبر خدا خاتم انبیاء است و پیامبر دیگری بعد از آن نیست و هرکس ادعای نبوت کند کافر می‌شود که باید توبه کند و اگر توبه نکند باید کشته شود.

درس 30: حدیث تکمیل سلسله انبیاء

قول النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ، إِلاَّ مَوْضِعَ لَبِنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ، وَيَقُولُونَ هَلاَّ وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبِنَةُ قَالَ فَأَنَا اللَّبِنَةُ، وَأَنَا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ.	گفتهٔ پیامبر ρ: همانا صفت من و صفت پیامبران دیگر مانند صفت مردی است که خانه‌ی زیبائی را بنا کند مگر جای یک آجر را از گوشه خانه خالی گذارد، پس مردم شروع کنند بدور آن بچرخند و از زیبائی آن تعجب کنند و با خود بگویند: چرا همین خشت گذارده نشده پس من همان آجرم و خاتم پیامبرانم.

(رواه البخاری)

شرح: قول النبی ρ: «**إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الأَنْبِيَاءِ**» یعنی بهترین مثل که در مورد من و پیامبران پیشین زده می‌شود که تطبیق کامل بر ما داشته باشد، مثل مردی است که برای خود خانه‌ای بسیار زیبا و در نهایت محکمی بسازد که چشم مردم را به خود جلب کند، اما جای یک آجر را در یک گوشهٔ خانه خالی گذارد که به اثر آن رخنه‌ای ایجاد شود و خانهٔ را ناتمام نشان دهد سپس مردم شروع کنند به چرخیدن بدور آن خانه و از زیبائی و قشنگی آن تعجب کنند و با خود بگویند: چرا در این ساختمان زیبا و محکم همان آجر گذارده نشده است، سپس همان آجر گذارده شده و تمام شود و عیب از آن رفع گردد.

پیامبرρ فرمود: من همان آجر گوشهٔ خانه‌ام که به وسیله‌ام ساختمان نبوت کامل گردید و من خاتم پیامبرانم که خداوند رسالت انبیاء را به وسیلهٔ من به پایان رسانید.

درود و رحمت فراوان بر روان پاکش به تعداد ستارگان آسمان باد.

راهنمائی‌هایی برای مربی:

1-مربی محترم حدیث بالا را بخوان تا این که شنوندگان حفظ کنند.

2-شرح حدث را با دقت کامل بخوان و نکات لازم را شرح ده.

3-به ایشان بفهمان: که مثل‌زدن برای بهتر فهماندن مطالب جائز است.

4-به ایشان بفهمان: که سلسله نبوت به وسیله پیامبر خدا پایان یافته است.

5-به ایشان تذکر ده: که تعداد انبیاء به صدوبیست و چهار هزار (12400) نفر می‌رسد.

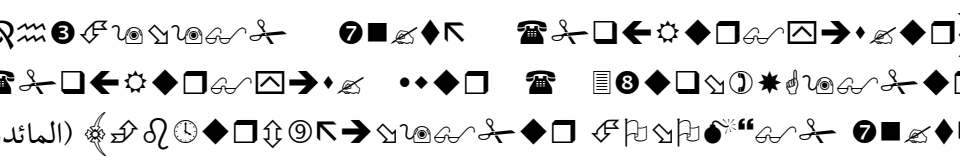
6-به ایشان بفهمان: که تعداد رسولان سیصد و چهارده نفر (314) می‌باشد.

7-به ایشن بفهمان: که 25 نفر از پیامبران اسم‌شان در قرآن ذکر شده است که شناختن‌شان واجب است. هیجده نفر (18) از ایشان در آیه ﴿ [illegible] ﴾ «این حجت و برهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم». در (سوره انعام ازآیه: 83 - 86) ذکر گردیده و باقی‌شان در جاهای مختلف از قرآن یاد شدند و ایشان حضرت آدم و حضرت محمد، ابراهیم، هود، صالح و شعیب و حضرت ذوالکفل † می‌باشد.

خاتمه

اکنون که به یاری خداوند نوشتن این کتاب به پایان رسید، فقط خدا را ثنا می‌گویم، چون حمد و ستایش به اندازهٔ پری آسمان‌ها و زمین و پری آنچه او خواسته برای اوست و شکر و سپاس از ته دل مرا اوراست، اوست ستوده و بزرگوار.

همانطور که در مقدمه کتاب گفتم، به پیشنمازان دلسوز و مخلص مساجد عرض می‌کنم که اخوت و برادری اسلامی تقاضا می‌کند یکدیگر را بر نیکی و تقوی یاری کنند و از گناه و معصیت بازدارند، همچنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿  ﴾ (المائدة: 2). ترجمه: «یکدیگر را بر نیکوئی و تقوی یاری دهید و بر گناه و تجاوز یاری نکنید».

﴿  ﴾ «و از خدا بترسید که او سخت عذابست».

بنابراین، به ائمهٔ مساجد توصیه می‌کنم که این درس‌های یومیه را بعد از نماز مغرب تدریس کرده، یک روز آیتی و روز دیگر حدیثی را برای اهل محله خود بخوانند و شنوندگان را به حفظ و فهم این درس‌ها سفارش کنند.

آنگاه که چهار ماه به تعلیم و تعلم قرآن و سنت عادت کردند، دل‌هایشان روشن شده و نفس‌های‌شان تزکیه می‌شود و اهل خیر و معروف می‌گردند و می‌توانند که هیئتی پنج نفری مرکب از امام و مؤذن و سه نفر از معتمدین محل تشکیل داده و صندوق خیریه و نیکوکاری تأسیس کنند و از اهل محل خود بخواهند که با صدقات و زکوات خود صندوق را یاری کنند، تا فقراء محل مورد تفقد قرار گرفته و حاجت مستمندان برآورده شده و قوت کفاف به آن‌ها برسد که پیامبر ρ می‌فرماید: «خدایا قوت آل محمد را کفاف و سربسر بگردان نه زیاد و نه کم».

و اگر بودجهٔ صندوق از نیاز نیازمندان آن محل اضافه شد، اشکالی ندارد که به فقراء جاهای دیگر نیز رسیدگی شود چون تعاون و همیاری به فقراء و نیازمندان جامعه است که روابط برادری و انسانی را مستحکم می‌سازد و بدینوسیله زمینهٔ امر به معروف و نهی از منکر مساعد شده و از یکدیگر حرف شنوائی پیدا می‌کنند و وقتی که اهل قریه یا محله‌ای امر به معروف و نهی از منکر کنند رحمت و مغفرت خداوند شامل حال‌شان گردیده و به سعادت و کامیابی دنیا و آخرت نائل می‌آیند و این همان هدف عالی است که صُلحا و علماء این امت مرحومه, می‌کوشند تا به آن برسند.

خداوندا! ما و همهٔ مؤمنین و مؤمنات را برای رسیدن به این هدف مقدس موفق بدار.

در صبح شنبه 29 جمادی الآخر سال 1412 در روضهٔ شریفهٔ مسجد نبوی ρ, نوشتن این کتاب به پایان رسید.

از خوانندگان می‌خواهم که برای مؤلفش دعای خیر کنند، چون پیامبر ρ می‌فرماید: «کسی که برای شما کاری خوب انجام می‌دهد پاداش آن را بدهید، اگر چیزی نداشتید برایش دعای خیر کنید».

و درود بی‌پایان خدا بر پیامبر رحمت و آل و اصحابش و سلام و بر همه پیامبران و ستایش برای پروردگار عالمین است.

مترجم:

در عصر روز چهارشنبه 23 شوال 1416 هجری مطابق 23 / 12 / 1374 هجری شمسی از ترجمهٔ این کتاب فراغت حاصل شد، از خداوند می‌خواهم که اخلاص در قول و عمل عنایت فرماید، و ما را از زمرهٔ بندگان صالح خود قرار بدهد.

«بِفَضْلِهِ وَكَرَمِهِ»

سعید الفاضلی